

ملاش



پلاش



ساقی به جَدَل حل نشود مسأله ما

کیست آن مه که در آمد ز در خلوت ما
 که شد از عکس رخ نور همه ظلمت ما
 آفتابیت درخنده که از طلعت او
 رفت بر چرخ برین کوکبه دولت ما
 می سرشتم گل محنت از آب مره سگر
 که بر آمد گل راحت ز گل محنت ما
 جان فشانیم به خاک قدمش یک پو
 که نیفتاد قبول کرش خدمت ما

فایت همت ما وصل دی آمد جا

همتی دار که کاری بکند همت ما

ساقی به جَدَل حل نشود مسأله ما
 می ده که ز حد میگذرد مشغله ما
 در راه طلب بادیه کعبه چه باشد
 سد بادیه کعبه و یک مرحله ما
 این هزاره در ایان همه در راه دانه
 گریبانست درایی رسد از قافله ما
 پشمینه، سیاه از سبب زلف تو کریم
 در خسته قه به زلف تو رسد سلسله ما
 مارا گله از خمی تو ایست که چرخ
 کردیم گله گوشش نکردی گله ما

حامی مطلب دولت وصلش که بر نت

تحصیل چنین منزلت از حوصله ما

مولانا جامی (۸۱۷ - ۸۹۸ هجری قمری)

شماره شانزدهم - اردیبهشت و خرداد ۱۳۴۸

تلاش

محرک داوره: خیابان شاه - کوچه جسم شماره ۲۷ - بن ۲۵ ریلر - نویسندگان و گویندگان مسؤل نوشته ها و گفته های خود هستند.



محسن هشترودی

نگاهها

● نوول کوتاهی بنام «نگاهها» که حکایتی است از گوشه های زندگی ما و شما در ص ۵۴ آمده است. نویسنده این قصه «بهروز صبا» است. غذاها را بشناسیم

● حقایق و خرافات درباره غذاها را دکتر بهرام تدین آسیستان پروفیسور تفریه دانشکده بهداشت ایالت میشیگان، باثری سراسر از سادگی از ممالك متحده برای ما فرستاده و دانستی های تازه ای درباره غذاها مطرح می کند. (ص ۵۷) **واژه های بیگانه**

● واژه ها و دستور زبان و فرهنگ و تیره های مردمی که به آن زبان سخن می گویند خانواده های دارند، و درون هر خانواده هم بستنی ها و پیوندها است. آقای ع. روحبخشان از نوشتار سولیس مقاله ای برای مانوشتها تحت عنوان «فرهنگستان ایران واژه های بیگانه» که عشق بزبان فارسی در لابلای آن جلوه گر است. (ص ۶۰) **سخنی با ناقدان**

● سخن گوهر شد و گوینده غواص - بسختی در کف آید گوهر خاص - زگوهر سفتن استادان هراسند - که قیمت وزی گوهر شناسند علی اصغر حلبی که از جمله پژوهندگان شهرویدار ماست با قلمی تند بی پروا و با استدلال خاص خود بناقدان به بحث می نشیند. (ص ۶۲)

طرح دریاچه های کویر و تنگه هرمز چیست؟

● دوران کنونی زمان ابداعات و تازگیها است. سرزمین ما نیز بخاطر پهنشتی آن وجود معدن های متعدد و نعمت های خدا دانی بسیار، جولانگاه این تکاپوها و بررسی ها و جستجوها باید قرار گیرد.

مهندس فرزاد باطرح خود از بهره ای که می توان از مهار کردن تنگه هرمز گرفت بامعیارها و نمودارها و طرح ها و منطق علمی خاص خود حرف می زند و پیاده کردن این طرح ها را مهمترین واقعه اقتصادی و صنعتی ایران می داند. تلاش این پروژه را در شماره های گذشته مطرح کرد و دانش پژوهان و استادان و اهل فن باتوجه خاص بدان، از آنسوی کوهها و دریاها و مرزهای کشور ما پاسخها دادند. گروهی آن را عملی دانستند و فکرو طرح را ستایش کردند و گروهی آن را فقط پندار و رویا خواندند. حرف های فرزاد را در بره هفتادوسوم آورده ایم.

«شیرینی»

● مطلبی است در باره شیرینی های خاص ایران که با یکی از تهیه کنندگان آن در تهران در میان گذاشته ایم. (ص ۷۸) **مطالب دیگر تلاش :**

هریک خود ارمغانی و کلی است از باغ پرگل و عطر ایران.

● و رویدادها که خوانندگان عزیز تلاش در کشورمان و سراسر جهان آنرا فرهنگی از کارها و وقایع و انعکاسی از کوششها و تلاش های کشورمان ایران میدانند و می پرسند که : «چرا صفحات آنرا زیادتیر نمی کنید ؟»



لیلی تجدد

دانشگاهی که باید برای صنعت ایران آدم

تربیت کند.

● بحثی است متنوع با آقای حسن هنربخش درباره هنرهای عالی نازمک و دختران و پسران فعال و مبتکر آنوبسیاری از خبرهای آن هنرستان (ص ۲۸)

سیر شرکت های تعاونی روستائی در ایران

● شما را باتعاون، مهمترین و بزرگترین پدیده جامعه بشری و گونه های بدیع آن آشنا می کند. صمد رفیعی نویسنده این مطلب است. (ص ۲۴)

آیا شهر پایه علم است؟

● فرهنگ کهن ما میراثی است جاویدان، و منبع درخشان ادبیات ایران الهام بخش بسیاری از شعرا و نویسندگان بزرگ جهان بوده و هست. بحث درباره شهر امروز ایران نیاز به یک پژوهش و داوری بسیار اصولی و عالمانه و بی طرفانه ای دارد که کمتر کسی در این راه گام برداشته است. کیومرث منشی زاده در گفتگویی با تلاش، شهر را پایه علم می داند. در این گفت و شنود از شهر امروز ایران و ویژگی های خاص آن و معماری و نقاشی و موسیقی نو آن، سخن ها بیان آورده است. (ص ۲۷)

فلسفه توسعه در قطب های منابع آب و خاک.

● طبیعت با چیره دستی عناصر خود را از آب و خاک درهم می آمیزد و خورشید بهمراهش می شتابد و آنگاه انسان از این آمیزش عناصر طبیعت سودها می برد و در راه تعمیم بخشیدن بدان از ذهن و تجربه خود و علوم و صنعت امروزی استفاده می کند.

منصور روحانی «وزیر آب و برق ها» از گسترده ای ایران، از زمین ها و دریاچه ها، از سد های ساخته شده در برنامه سوم و آماده بهره برداری، و سد های در حال بنا و چگونگی بهره برداری از نیروی عظیم و خلاق الکتریسته و از فلسفه قابل توسعه در قطب های منابع آب و خاک در برنامه چهارم سخن به میان می آورد. و سؤال تلاش را در زمینه استفاده از نیروی هسته ای به عنوان مرکز و منبع نیرو برای تولید برق بی جواب می گذارد (ص ۴۱)

جنگل های ایران

● دانستنی ها از کشورمان باخود دارد و خواننده را بسرزمین کشورمان و خاک و برکت هایش می برد. (ص ۴۹)

وظایف يك سازمان

● يك بحث انتقادی در مورد سازمان امور اداری و استخدامی کشور مطرح شده است نویسنده آن که سالها در کار سازمان اداری سابقه پژوهشی و علمی دارد عقیده دارد که این سازمان باید به انجام وظایف ستادی و رایزنی در سطح مملکتی اکتفا نماید. موضوع، بحثی شیرین و بیدار کننده است در کشوری که اساس کار فردای آن باید بر استفاده هرچه بیشتر و بهتر نیروی انسانی استوار باشد. (ص ۵۲)

اندیشه های تلاش در مورد چند مطلب این شماره تلاش

از هر خرم دانه ای -

● از هر خرم دانه ای، شما را از این سوی عالم به آنسوی و از این خرم دانش در جهان به خرم دیگری در کشور عزیزمان می برد، و شاید موفق شود همراه لبخندی لذت بخش به تفکرو تأمل وادارتان کند. (صفحه ۵)

بشر در اندیشه زندگی در دنیا های دیگر است.

● آیا در منظومه شمسی انسان، یگانه موجود صاحب فکر است، و آیا سرنشینان بشقات های پرنده پیک های جهان تمدن دیگری می توانند باشند که به زمین می آیند، و آیا علوم فردا همه بهما و ضابطه ها و فرارهای امروزی را در شناخت مجهولات آن سوی دانش ما درهم می ریزد؟

پروفیسور محسن هشترودی دانشمندی که مطالعاتش در ریاضیات و فلسفه و ادبیات و دانش فضایی و معرفت روح انسانی و فیزیک معروف است، از دیدگاه تازه ای به عالم امروز نگاه می کند و به پرسش های «تلاش» پاسخ می دهد. (ص ۹)

موسیقی و رقص های محلی ایران

● رقص سنتی است گاه برای شادی و در بعضی جاها برای عز و جاهانی دیگر گاه برای پرستش. رقص انعکاسی يك یا گروهی حس درونی است که حرکتی یا حرکتها به دنبال دارد، احساسی که با زندگی در می آمیزد و حالات و هیجانات آدمی را بیان می سازد. در ایران رقص سماع صوفیان جلوه و معنی دیگری دارد و نیز رقص های محلی از سنتها و عقاید و گاه از بعضی خرافات حکایت می کند. در گفت و شنودی که بالیلی تجدد داشته ایم گوشه هایی از موسیقی و رقص های فولکلوریک ایران روشن می شود و از غنا و هنر تکنیک رقص در ایران امروز و دیروز صحبت به میان می آید. (ص ۱۷)

شهر دیدنی ها و شگفتی ها

● این بار ما شما را به شهری می بریم که در سیصد سال پیش زیباترین و بزرگترین و آبادترین شهر های جهان بود. سرزمین زیبایی ها و صنایع و هنر و دانش و علم و صنایع دستی و شکوه و جلال معماری که آن را نصف جهان می گفتند. این شهر اکنون در میان دو قطب معنویات و صنعت قرار گرفته و در راه کمال و شکوفائی پیش می رود. همین محبوبی در ریرتاز خود از یکسوی اصفهان به سوی دیگر سفر می کند تا از شهر ذوب آهن و سد شاه عباسی کبیر و زاینده رود و کارخانه ها و صنایع دستی و اقتصاد و کشاورزی زندگی مردم آن دیار آتری برای شما تهیه کند و بشهر دیدنی ها شما را رهنمون گردد. اسلاید های رنگی از همه نمود های اصفهان با عکس های دیگر که تازه است و در فروردین امسال گرفته شده به این مقال رنگ و جلوه ای نو از این شهر هنر دیروز و صنعت امروز بخشیده است. (ص ۲۱)



منصور روحانی



مهین مخموزی



کیومرث منشی زاده



املاک مورد اجازه به زارعین مستاجر، تصویب قانون ایجاد قطبهای کشت و صنعت در نقاط مختلف مملکت، قانون حفظ وصیانت منابع جنگلی کشور، قانون ملی کردن صنعت برق در سراسر کشور و غیره بود.

تمام این اقدامات اساسی به پیروی از يك اصل کلی انجام گرفت که بارها بدان اشاره کرده‌ام و آن این است که ما سعی میکنیم همیشه چندین قدم پیشاپیش حوادث گام برداریم تا آن کارهایی را که شاید ده تا بیست سال بعد ناگزیر بانجام آن باشیم ازهم اکنون با اختیار خویش و بنابراین بهترین صورتی که مقتضی بدانیم انجام دهیم.

در سالی که گذشت رشد اقتصادی ایران به حد نصاب ۱۴ درصد رسید و این رقم بمراتب بالاتر از آن اندازه‌ای بود که در برنامه چهارم پیش‌بینی میشد. اینک بطور محسوس میتوان دید که جامعه ایرانی که وضع آن بکلی زیرورو شده و برپایه‌ای نوین بنیانگزاری شده است کم‌کم براساسی مترقی، همگام با عدالت اجتماعی و با اقتضای زمانه، تکوین مییابد و قوام میگیرد.

از لحاظ طبیعی، متأسفانه ما در سال گذشته مواجهه با زلزله وحشتناک و دلخراش کاخک و فردوس و سایر مناطق جنوبی خراسان شدیم که باعث اتلاف بیش از هشت هزار نفر از عزیزان ما شد. البته این ضایعه جبران ناپذیر بود، ولی باید گفت تمام کسانی که پس از این واقعه مسئولیتی بعهده داشتند، و حتی آنانکه هیچگونه مسئولیتی نداشتند، با جان و دل کار کردند، بطوریکه از آن وقت تا بحال با وجود آنکه زمستان گذشته زمستانی بسیار سخت بود و برفهایی در آن منطقه بارید که حتی افراد کهنسال نظیر آنرا بخاطر نداشتند، باز حتی یکنفر از این لحاظ تلف نگردید.

بدیهی است در این ناحیه روستاهای تازه با اسلوب جدید و مجهزتر از هر نقطه فعلی دیگر مملکت ساخته خواهد شد و زندگی افراد این مناطق بصورتی بمراتب بهتر از گذشته ادامه خواهد یافت.

در همین سال، در جنوب کشور و در برخی نقاط دیگر ایران سیل‌هایی جاری شد که آن نیز باعث تلفات جانی و مالی گردید. البته تلفات جانی متأسفانه جبران ناپذیر است، ولی در مورد خسارات مالی میباید گفت که منافع باران‌های فراوانی که بارید بمراتب بیش از زیانهای حاصله از آن بود. بدیهی است دولت و مردم در مورد جبران این زیانها کمکهای لازمه را کرده و خواهند کرد. در عوض امیدوارم از لحاظ زراعی، اگر بخواست خداوند در بهار امسال نیز بمقدار کافی، نه زیاد و نه کم، بارندگی بشود سال زراعتی درخشانی در پیش داشته باشیم.

اینک سال گذشته سپری شده و سال ۱۳۴۸ فرا رسیده است که برای ما سال بسیار پراهمیتی است و من در این هنگام آغاز سال از خداوند متعال پیشرفت و توفیق در پیشبرد مسائل مملکتی را مسئلت میکنم، زیرا در این سال باید بخصوص در مسائل اقتصادی کوششهای عظیمی از جانب دولت و ملت ایران مبذول گردد تا گردش کارها که روز بروز وسیعتر و دامنه‌دارتر میشود آنچنانکه باید ادامه یابد.

در سال جاری، از یکطرف ما باید تکلیف خودمان را با شرکتهای نفتی روشن کنیم بنحوی که منافع ایران محفوظ بماند و ما بتوانیم درآمد لازم را برای پیشبرد هدفهای اجتماعی و اقتصادی خود بدست بیاوریم. از طرف دیگر دولت باید بمنظور تامین درآمد لازم و جلوگیری از واردات بیهوده و توازن در هزینه‌ها و پرداختها و حفظ ذخائر ارزی مملکت اقدامات لازم را بعمل بیاورد. چند طرح بزرگ عمرانی ما خیلی بیش از آن اندازه که در آغاز پیش‌بینی میشد خرج

برداشته است و معلوم میشود که محاسبات اولیه مشاوران و یاشرکای خارجی ما صحیح نبوده و شاید گران‌شدن اجناس نیز در این مورد تاثیر داشته باشد.

ما باید این مخارج اضافی پیش‌بینی نشده را تحمل کنیم، زیرا مسلمات کارهای شروع شده را نمیتوان نیمه‌کاره رها کرد. پروژه پتروشیمی شاهپور بجای ۱۶۰ میلیون دلار پیش‌بینی شده، برای ما شاید ۲۶۰ میلیون دلار تمام میشود. همچنین پروژه لوله‌گاز سرتاسری بجای ۴۴۰ میلیون دلار که قبلاً پیش‌بینی میشد، محتملاً بیش از ۵۰۰ میلیون دلار هزینه بر خواهد داشت. ولی هم اجرای طرح اولی برای صنعت ایران و کشاورزی ایران و صادرات ایران ضرورت دارد، و هم اجرای طرح دوم نه تنها جلوه منظره دلخراش سوختن و بهدر رفتن گازهای معادن نفت ایران را که ما پنجاه سال تمام با تأسف شاهد و ناظر آن بودیم خواهد گرفت، بلکه باعث آن خواهد شد که ایران دارای صنایع ذوب آهن و فولاد سازی گردد که مادر صنایع است و وجود آن استقلال ما را تضمین خواهد کرد.

بنابراین از همه مردم ایران انتظار داریم که در این سال‌ها از تمام جهات بکوشش خویش بیفزایند و هر کس در کار و مسئولیتی که دارد سعی و تلاش بیشتر را اولین هدف و وظیفه خویش قرار دهد.

انتظار داریم کشاورز ایرانی در زمین خود بیشتر و بهتر کار کند، کارگر ایرانی محصولی زیادتر و عالی‌تر تولید نماید، کارفرمای ایرانی سعی بیشتری در افزایش کیفیت و کمیت کار مبذول دارد و همه سرمایه خود را در این مملکت بکار اندازد، کارمند ایرانی از هر دقیقه و هر ثانیه وقت خود به صورتی بیشتر و بهتر برای انجام وظائف خویش استفاده کند، کادر آموزشی ایرانی خود را وقف آموزش شایسته ترفرنندان این آب و خاک کند، مردم ایران عموماً از تذیر و مخارج بیهوده خودداری کنند و بطور کلی هر ایرانی پاک‌سرشت، در هر مقام و موقعیتی که هست و در هر شغل و وظیفه‌ای که بعهده دارد پیوسته در مدنظر داشته باشد که تلاش او و ایمان او و علاقه او برای پیش‌بردن جامعه‌ای که او بدان تعلق دارد، و برای تامین سعادت و رفاه نسل آینده و نسلهای بعدی این مملکت که فرزندان او هستند، ضرورت حیاتی دارد.

همه افراد ملت ایران باید بصورت يك تن واحد، در درجه اول این هدف را دنبال کنند که آهنگ رشد اقتصادی مملکت که ضامن ترقی و رفاه و عظمت آینده ما است با موفقیت ادامه یابد. این رشد در چهار سال اخیر حد متوسط استثنائی و بیسابقه حدود ۱۴ درصد را باقیمت‌های تقریباً ثابت داشته است، هر چند که ما برنامه‌های اقتصادی برنامه پنج ساله چهارم خویش را اصولاً بر پایه پیش‌بینی رشد سالانه ۹ درصد تنظیم کرده‌ایم.

ما ثابت کرده‌ایم که بعنوان يك ملت رشد کرده و هوشمند و مصمم، میتوانیم این تلاش بزرگ را بخوبی ادامه دهیم. در این راه خوشبختانه منابع خدادادی و ثبات و امنیت و شایستگی ذاتی ملت ایران، یعنی همه عوامل اصلی موفقیت دست‌بدست‌هم داده‌اند و آنچه لازم است روحیه‌ای باز هم قوی‌تر و اعتماد بنفس و آمیدی باز هم بیشتر و یکپارچگی باز هم نیرومندتری در راه رسیدن به هدف است. من با ایمانی که همواره بملت عزیز خود داشته‌ام، یقین دارم که در پرتو الطاف و عنایات الهی، که پیوسته شامل حال این کشور و این ملت بوده است، در این راه دست در دست یکدیگر تا با خسر پیش خواهیم رفت.

بیانات شاهنشاه آریامهر بمناسبت نوروز سال ۱۳۴۸

در دنیای پیشرفته کنونی

دیگر

تظاهر

به ترقی

در دهیچ ملتی را

دوانمی کند

- در دنیای امروزی معیار قدرت ملل بیش از آنکه جنبه مادی داشته باشد متناسب با شخصیت و ارزش انسانی افراد هر ملت است .
- اگر تصور کنیم که صرفاً پند و موعظه یا رعایت منصفانه اصول اخلاقی و انسانی خواهد توانست از استعمار نوین این جوامع توسط سازمان ها و جوامع پیشرفته جلوگیری کند مسلماً مردمی ساده لوح خواهیم بود .
- هنوز سیاست ظالمانه تبعیض نژادی که وجدان بشری را بیش از هر چیز جریحه دار می کند بر قسمت وسیعی از آفریقا حکمفرماست .
- در آسیای کهنسال ما، عوامل گوناگون نفاق وجود دارد .
- این جوامع دیگر احتیاج به تظاهر به قدرت که بسیاری از بحران ها از آن سرچشمه می گیرد نخواهند داشت .
- امروز هر ملتی باید این حقیقت را بپذیرد که دوران ماجراجوئی ها و جاه طلبی های ملی سپری شده است و امروز باید پیروزی های واقعی را فقط در صحنه رقابت های مشروع برای نیل به مدارج بالاتری از ترقی اجتماعی جستجو کرد .
- دنیای اسلامی که ما و شما افتخار عضویت آنرا داریم وظایف سنگین تری بعهده دارد .

آقای رئیس ، نمایندگان محترم ،
برای من مایه کمال خوشوقتی است که امروز بعنوان
رئیس کشوری که با مملکت شما روابط دوستی و تفاهم عمیق
دارد با نمایندگان محترم ملت تونس صحبت میکنم . از سخنان
محبت آمیزی که درباره من و ملت من داشتید بسیار متشکرم
و برای گروه پارلمانی دوستی ایران و تونس که بابتکار
شما تشکیل شده است آرزوی موفقیت دارم .
دو شب پیش ، در ضیافت حضرت رئیس جمهوری
متذکر شدم که مودت دو ملت ما متکی بر سابقه ای بسیار
طولانی است و چنین پیوند ممتدی طبعاً باعث میشود که
ما روحیات یکدیگر را به آسانی درک کنیم و با اصطلاح درغم
وشادی خویش شریک باشیم .
ما از هنگامی که عصر جدید تاریخ تونس پس از جنگ

مادی و معنوی و منابع انسانی و طبیعی این قاره را که میتوانند و میباید در راه سازندگی بکارافتند صرف تخریب و پراکندگی میکنند.

البته ممکن است برای تسکین این بحراناها، بطور موقت و غالباً با دخالت نیروها و عوامل خارجی راهحلهائی پیدا شود ولی مسلم است که راه حل اساسی و پایدار این مشکلات برطرف شدن علل اصلی این بحراناها یعنی ایجاد جوامعی سالم و مترقی و نیرومند است. یکی از نخستین نتایج ایجاد چنین جامعه های سالمی، این است که این جوامع دیگر احتیاج به تظاهر به قدرت که بسیاری از بحراناها از آن سرچشمه میگیرند نخواهند داشت، زیرا همه میدانیم که از نظر روان شناسی غالباً این قدرت نمائیهای ظاهری عکس العمل ضعف است. و اگر جامعه یا زمامداری خود را واقعاً قوی احساس کند احتیاجی به تظاهر به قدرت نخواهد داشت. امروز هرملتی باید این حقیقت را بپذیرد که دوران ماجراجوییها و جاه طلبیهای ملی سپری شده است. و امروز باید پیروزیهای واقعی را فقط در صحنه رقابتهای مشروع برای نیل بمدارج بالاتری از ترقی اجتماعی جستجو کرد.

در این میان دنیای اسلامی که ما و شما افتخار عضویت آنرا داریم وظایف سنگین تری بعهده دارد زیرا وارث سنن فرهنگی و مدنی عظیمی است که حقا مسئولیت ادامه آنها و الهام از آنها را برای ایفای نقش مؤثری متناسب با گذشته پر افتخار خود در جهان آینده دارد. دنیای اسلامی مامیاید براساس موارث انسانی عالیله خویش یکی از طراحان اصلی جامعه بشری آینده ای باشد که در آن دوجنبه مادی و معنوی، دو واقعیت پیشرفتهای فوق العاده علم و تکنیک و اصول و موازین عالی اخلاقی با ترکیب مناسبی بهم آمیخته باشند.

در راه تقبل این مسؤولیت از یکطرف ضروری است که هر کشور اسلامی در داخل مرزهای خود در پی ریزی جامعه ای هرچه مترقی تر و پیشرفته تر بکوشد و از طرف دیگر ملل اسلامی براساس اصول عالیله ای که سرمشق مذهبی و معنوی آنها است با یکدیگر نزدیک شوند و نیروهای خویش را در راهی مثبت و سازنده بهم پیوند دهند تا بتوانند بصورت قدرتی واقعی منافع حقه این ملل و منافع جامعه بشری را هرچه بهتر تامین کنند.

عالم اسلامی امروز در حدود پانصد میلیون نفر از مردم روی زمین را شامل میشود و اگر این عده بداشتن سرزمینهای پهناور و منابع طبیعی نامحدود و با اتکاء به میراث عظیم معنوی اسلامی خود را با دانش و تکنیک پیشرفته امروزی مجهز سازند و بجای نفاق و خودخواهی، واقع بینانه راه اتحاد و پیوستگی در پیش گیرند نه تنها مسائل ناگواری که امروز در پیش روی آنها قرار دارد حل خواهد شد بلکه این نیروی عظیم مادی و معنوی خواهد توانست نقشی را که حقاشایسته آن است بنفع عالم بشریت ایفاء کند.

کشور من همیشه باین رسالت تاریخی و بشری خود ایمان داشته و وفادار بوده است و میدانم که مملکت شما نیز امروزه با رهبری خردمندانه رئیس جمهوری خویش و با روح منطق و واقع بینی که الهام بخش هم شما نمایندگان محترم ملت تونس است بدین رسالت خویش کاملاً وقوف دارد و صمیمانه امیدوارم که این نزدیکی و اشتراك مساعی نه تنها در پیشرفت همه اعضای جامعه اسلامی جهان بلکه در تقویت صلح و تفاهم بین المللی و ایجاد دنیائی سعادت مندتر اثری قاطع داشته باشد.

بیانات شاهنشاه آریامهر در مجلس ملی تونس

۲۸ فروردین ۱۳۴۸

جهانی دوم آغاز شد پیوسته با علاقه و تحسین شاهد پیشرفت های وسیع سیاسی و اجتماعی و اقتصادی کشور شما تحت رهبری رئیس جمهوری عالیقدر آن بوده ایم و مخصوصاً خوشوقت بوده ایم که این پیشرفتهای براساسی استوار و واقع بینانه انجام گرفته است.

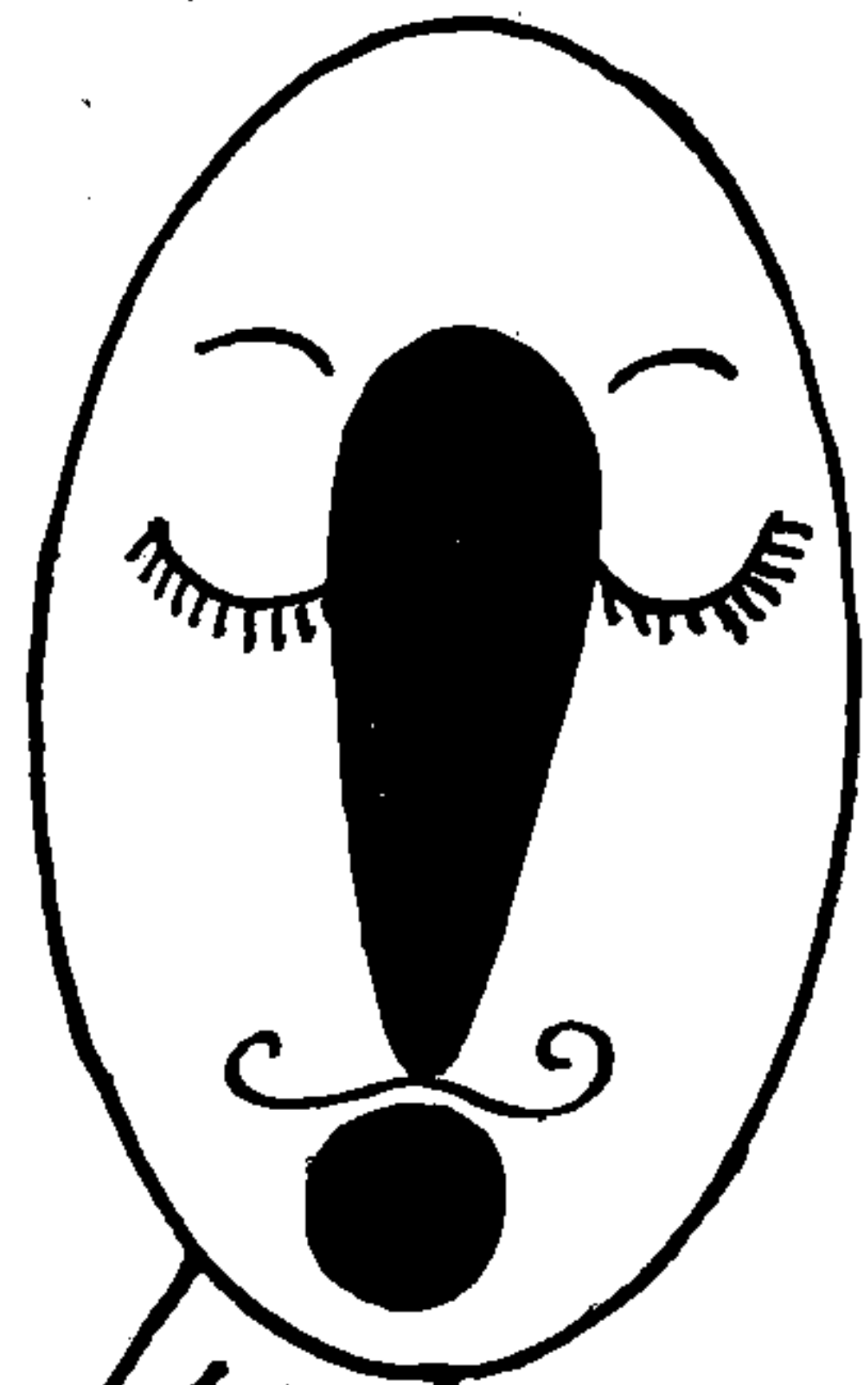
شاید طی چنین راهی مستلزم شکیبایی بیشتر و کسب موفقیتهایی بی سر و صداتر از راههای حاد و پرجنجال باشد، ولی مسلماً فقط این راه است که سرانجام به پیشرفت مطمئن و همه جانبه يك جامعه منتهی میشود، در صورتیکه آن راههای دیگر جز موفقیتهایی موقتی و غالباً کاذب همراه ندارد. و تقریباً همیشه جامعه ای را که بدان راه یافته است پس از مدتی کوتاه در جائی عقب تر از نقطه شروع قرار میدهد.

ما خوب میدانیم که در دنیای پیشرفته کنونی دیگر تظاهر به ترقی درد هیچ ملتی را دوا نمیکند، بلکه ملتها به پیشرفت واقعی و اصیل احتیاج دارند. به همین دلیل در دنیای امروزی معیار قدرت ملل بیش از آنکه جنبه مادی داشته باشد متناسب با شخصیت و ارزش انسانی افراد هرملت است. و اگر افراد يك ملت از رشد فکری و آموزش پیشرفته و تخصص در کار برخوردار نباشند مدرن ترین وسائل تکنیکی و کاملترین سلاحها در دست آنها نتیجه ای عاید نخواهد کرد. بعبارت دیگر امروزه هیچ ملتی نمیتواند برای خود توقع مقامی شایسته در جامعه بزرگ بشری داشته باشد مگر آنکه افراد آن از شرائط لازم این شایستگی، یعنی از تربیت و فرهنگی عالی، اقتصادی مترقی و سالم و عدالت اجتماعی گسترده ای برخوردار باشند. اگر می بینیم که با وجود سپری شدن عصر استعمار کلاسیک، همچنان قسمت مهمی از ملل دنیای کنونی ما با استعمار نوین دست بگریبانند، برای آن است که هنوز این ملل از چنگ عوامل واقعی ضعف، یعنی از جهل، از فقر، از بیماری، از تبعیضات و تعصبات گوناگون، از بیعدالتیهای اجتماعی رهائی نیافته اند. در صورتیکه بسیاری از آنها از سرزمینهای پربرکت و از منابع زیر زمینی غنی و امکانات طبیعی فراوان برخوردارند.

اگر تصور کنیم که صرفاً پند و موعظه یا رعایت منصفانه اصول اخلاقی و انسانی خواهد توانست از استعمار نوین این جوامع توسط سازمانها و جوامع پیشرفته جلوگیری کند مسلماً مردمی ساده لوح خواهیم بود. زیرا این سوء استفاده فقط وقتی از میان خواهد رفت که بطور قاطع راه بر عواملی که امکان چنین سوء استفاده ای را بدیگران میدهد از میان رفته باشد.

کشور شما که در قاره افریقا قرار دارد و کشورما که در قاره آسیا واقع است از این لحاظ دارای این وجه مشترک هستند که در عین آنکه هردو به خانواده بزرگ ملل اسلامی تعلق دارند، هر کدام میباید بعلت سیاست واقع بینانه خود در حل مسائلی که به قاره آنها مربوط است و خارج از مسائل دنیای اسلامی قرار دارد نقش مؤثری ایفاء کنند، زیرا متاسفانه این دو قاره امروزه بیش از هر جای دیگر جهان کانون تشنجات و بحراناها بزرگ هستند. در افریقای تازه نفس و نوخاسته، اکنون بهمان اندازه که عوامل وحدت و همکاری و سازندگی وجود دارند عوامل مختلف پراکندگی و نفاق نیز عرض وجود میکنند.

مضافاً باینکه هنوز سیاست ظالمانه تبعیض نژادی که وجدان بشری را بیش از هر چیز جریحه دار میکند بر قسمت وسیعی از آن حکمفرما است. همچنین در آسیای کهنسالما، عوامل گوناگون نفاق وجود دارند که بسیاری از نیروهای



هر خرم از دانه‌ای

سرمایه‌داری که موضوع بحث قرار گرفته .

مطلبی بود در مجله تجارت و مالیه چاپ دویلین (ایرلند) درباره مردی از اهالی نروژ که بخاطر عدالت و عشق به انسان‌ها مؤسسه خود را به کارکنان آن تحویل داد و به عنوان صاحب یک سهم در آن بکار ادامه داد. عنوان مطلب را «اوسکار شیسگال» نویسنده آن چنین گذاشته بود: «چطور میتوان تجارتی را بوسیله از دست دادن آن بنا کرد؟»

«وب ژورن تاندبرک» صاحب این مؤسسه مهم سازنده وسائل الکترونیک در مقابل رقابت شرکت هائی چون: فیلیپس، گروندیک، جنرال الکتریک و سونی توانسته بود بزرگترین مؤسسه را برای ساختن این نوع وسائل ایجاد کند.

واکنون وی تمام سهام و دارائی خود را به یک «بنیاد» واگذار کرده است.

اوسکار شیسگال چنین ادامه می‌دهد:

اما بخلاف بنیادهائی که تنها برای آن بوجود می‌آیند که رقمی از مالیات دولت را از عوائد خود کسر کنند «بنیاد رادیو فابریک تاندبرک» اصلا هدف «عام المنفعه» بدان شکل ندارد.

از پنج هزار سهم شخصی خود تاندبرک ۴۹۹۸ آن را در اختیار این بنیاد قرارداد و طبق اساسنامه‌ای که برای آن نوشته باید تمام منافع حاصله را در راه تحقیق و توسعه تمرکز دهند و بدین ترتیب تنها درآمد هنگفت این بنیاد ایجاد مشاغل تازه و محصولات تازه است برای کشورش نروژ و در عین حال وی آینده کارکنان خود را تامین و تضمین می‌کند.

از عواید حاصله این بنیاد تاندبرک مانند هر تجارت و کسب دیگری مالیات معمولی را می‌پردازد.

هم‌اکنون وی باوجود آنکه فقط یک سهم از پنج هزار سهم را برای خودش نگاهداشته این مؤسسه را درست مثل همان زمان که تنها مالک آن بود بنا بر اصرار و خواسته کارکنان سابق خودش و کارکنان مستقل امروز می‌گرداند. امروز هم وی از لحاظ قانونی در مقابل پنج عضو هیئت مدیره شرکت مسؤولیت تام دارد و اگر این گروه پنج نفری احساس کنند که وی کار خود را به شکل مطلوب انجام نمی‌دهد امر را به یک هیئت داوری ارجاع می‌کنند. تا موضوع را بررسی کنند و این هیئت داوری اجازه خواهد داشت که رای باخراج تاندبرک بدهد.

اما چون فروش مؤسسه بطور مرتب بر اساس پانزده درصد در سال بالا رفته محل شکایتی باقی نمانده است. و چون بنیادی که وی اداره می‌کند خدمات فراوانی برای کارکنان مؤسسه انجام داده تنها نفع آن‌ها - همان طور که یکی از اعضا گفته - این است که تاندبرک را سرکار نگاهدارند. زیرا این مرد بخاطر کار زندگی می‌کند و پس و پیا این تصمیم اخیر خود این واقعیت را ثابت کرده است.

*

و چون بدین جا رسیدم. نمی‌دانم چرا فکر بسوی سرمایه‌داران بزرگ کشورمان و صاحبان صنایع کشورمان متوجه شده‌ام خصوصا آن‌ها که در بخش خصوصی توفیق هائی نصیبشان گشته است و فراوان هم

هستند، و از خود پرسیدم که آیا آن‌ها هم در این موفقیت هائی که بدست آورده‌اند (غیر از سود کارخانه) کارکنان خود را شریک کرده‌اند و تاچه اندازه؟

آیا آن‌ها هم مثل تاندبرک که در سال ۱۹۶۷ یکصد نفر از کارکنان خوب و لایق خود را به خارج از نروژ فرستاد تا دنیا را ببینند و بشناسند و کار خودشان را با کار آن‌ها مقایسه کنند و فنون تازه را درک کنند، از این نوع کارها کرده‌اند و به فکر این کارها هستند؟ و آیا آن‌ها هم مثل تاندبرک عقیده دارند که وقتی کارکنان یک مؤسسه کار موسسات مشابه دیگر را دیدند و دنیای نو را شناختند و به مدرسه یاد دانشگاه رفتند و دانش بیشتر آموختند، این خود یک نوع سرمایه‌گذاری بسیار پر ارجی است که نفع دارد و آن نفع نامش «کیفیت» بهتر کار است؟

این سؤال‌ها را از خود کردم و هنوز هم می‌کنم ... اما حافظه من در پاسخ باین سؤال‌ها یاریام نکرد. شاید که شما به یاریام بشتابید.

لوزی

«... سردرگم بروی زمین ناتوان از یافتن دنیائی که در آن متولد شده او باحزن و اندوه فراوان بهشت ارفغان عشق‌های جوانی‌اش و دوندگی‌های دیوانه‌وار بر ساحل‌های وحشی را، و بوسه‌های دزدیده شده در پس‌شن‌های سرخ را بخاطر می‌آورد.» با این عنوان و این مطلب که من کوشیدم آن را از فرانسه به فارسی برگردانم کتاب تازه فریدون هویدا بنام «لوزی» که در آغاز سال ۱۹۶۹ در پاریس منتشر گشته و تازه به تهران رسیده، آغاز می‌شود.

نمی‌دانم اسم این کار جدید فریدون هویدا را چه باید گذاشت؟ اندیشه‌ها، داستان‌ها، حرف‌ها، یا چیزی شبیه به همه این‌ها. یا شاید اسمی باید روی آن گذاشت درست نقطه مقابل همه این‌ها؟ آنچه می‌دانم این است که این اثر ۲۲۰ صفحه‌ای راحت خوانده می‌شود. تسلط فریدون بر زبان فرانسه و افق وسیع دانش‌های او را من مکرر از زبان منتقدین و نویسندگان

فرانسوی مثل «کلودروی» شنیدم. اما در این کار تازه او آنچه که بیشتر جلب توجه می‌کند یاد و یا بهتر بگویم ظهوری از شخصیت واقعی خود اوست از ورای سطور این کتاب و باشکال گوناگون.

فریدون وقتی در «لیسه» بیروت در سال ۱۳۱۹ درس می‌خواند تنها در ادبیات قوی نبود. در ریاضیات هم پابپای ادبیات فرانسه نمرات بسیار خوب می‌گرفت و فکر می‌کنم بخوبی می‌توانست پابپای دکترای دولتی در حقوق، دکترای ریاضیات را هم بگیرد که حیف، کوششی در این راه نکرد.

حالا یک قطعه دیگر از این کتاب را می‌گویم که برایتان از صفحه ۲۸ کتاب باز به فارسی برگردانم.

بنظر من این شعری است درباره اشکال هندسی

عنوان قطعه اینست: «لوزی های جادویی»

«ای لوزی های جادویی. بر صفحه کوچک سفید، بدنیال خط مستقیمی که درست در نقطه وسط، خط دیگری را در نود درجه قطع می‌کند، شما یکی پس از دیگری ناگهان ظاهر می‌شوید و مانند سوت یک آکوردئون خمیازه‌ای می‌کشید و چون به مرزهای بی‌نهایت رسیدید باز می‌گردید. و با خط افقی بدون حدود که همان خط مبدا شما بود مخلوط می‌شوید. آنگاه آرام و شیرین در نیروی تصویری که شما را خلق کرده محو می‌شوید، شما ای «لوزی های جادویی».

در این اثر چند داستان کوتاه و یا بقول فرنگی‌ها نوول هم هست گیرنده و جذاب.

فریدون کتاب را به همسرش «گیلا» هدیه کرده است. برای آن‌ها که نقش کلمات سیاه و لی روشنگر را بر روی کاغذ‌های سفید دوست دارند و از فکر کردن هم نمی‌ترسند و نمی‌هراسند حرف‌های فریدون وسیله فراری خواهد بود. از گرفتاریهای روزمره و وسیله‌ای برای اندیشیدن به عبت بودن آن‌ها.

کتاب با این سطور تمام می‌شود:

«بر روی کره زمین، او گم‌گشته در میان موجودات گونه‌گون،

آهسته آهسته عشق را که به کمال
وبه خوبی فرا گرفته بود از یاد
می برد انگار در تنهایی محزون
خویش پناهگاهی می جوید...

آیا طب قدیم قابل تحقیق است؟

اکنون در بانصد مدرسه در
کشور هندوستان طبائی که پیرو
سنت قدیم هستند پس از چهار
سال درس موفق به گرفتن گواهی
نامه خاتمه تحصیلات می شوند. تنها
در دهلی هم اکنون پنج هزار و در
تمام هندوستان حدود دویست هزار
طبيب از این نوع وجود دارند.

در دهلی جدید موسسه تاریخ
طب و تحقیقات طبی تحت نظر
دکتر جلیل قرار دارد و شبیه بآنها
موسساتی دیگر در شهر «جمنگار
هند» و دانشگاه هندوی «بنارس»
درباره طب سنتی کار می کنند.

آزمایشگاه های این مؤسسات
همه دواهای قدیم را مطالعه می
کنند و آن را بر روی حیوانات به
مرحله آزمایش می گذارند. يك
کارخانه داروسازی گیاهی و معدنی
بیش از هزار کارگر دارد. پی این
مؤسسه طبی را نهرو در سال
۱۹۶۲ گذاشت که يك مؤسسه
خصوصی است ولی دولت هندوستان
بآن کمک مالی می کند. کارهایی
که در این مؤسسه طبی انجام
می گیرد تنها مربوط به طب قدیم
ایران و بین النهرین نیست بلکه
طب های محلی هندوستان و چین
و ژاپن هم در آنها تحت مطالعه
قرار می گیرد. هدف این است
که پس از تحقیقات و مطالعات
لازم در این زمینه به يك «متدو
لوزی» و روال و رویه علمی جدید
جهانی راه یابند.

ابن سینا (۹۸۰ - ۱۰۳۷
میلادی) یکی از بزرگترین فلاسفه و
اطبا، کتابی بنام «القانون فی
الطب» نوشت که مجموعه دانش و
آگاهی او است. پس از آزمایش
هائی که شخصا درباره آنها انجام
داد، این کتاب در حقیقت کتاب
تورات طبی غرب و شرق باید تلقی
گردد. در قرن پانزدهم و شانزدهم
سی مرتبه به زبان لاتین به چاپ
رسید و در قرن هفدهم به عنوان
کتاب اساسی اصلی در طب در
تمام دانشگاههای شهر لیون و مون
پلیه فرانسه تدریس می شد. اما قبل
از این سینا اشخاصی چون رازی
(۶۲۵ - ۸۵۰) جراحی و طب چشم

را پایه گذاری کرده و معالجه سرخک
و آبله را هم یافته بودند. «
آنچه که در بالا بنظر رسید
تسمت هائی بود از یادداشت های
«ریمون دوبه کر» در بازگشت از
سفر آسیا که در ماه مارس در فرانسه
منتشر کرده است.

وی در پایان چنین نتیجه
می گیرد:

در میان داروهای گیاهی،
مخصوصا برك، ریشه، گل،
میوه، صمغ یا پوست درخت هائی
مثل اقاقیا (اقاقیا) و انجیر هندی
و در میان داروهای حیوانی، گوشت،
مو، سم، فضولات یا استخوان شتر،
شیر، ببر، گرگ خزندگان یا
حشرات و حتی مدفوع، موها و
ناخن های انسان ها را باید ذکر
کرد. در میان داروهای معدنی
فلزاتی مانند طلا، نقر، قلع،
روی، مس و آهن و شبه فلزات
مانند آرسنیک و آنتیموان و در
میان سنگ های قیمتی زمرد و یاقوت
و امثال آن را باید ذکر کرد.

بعضی از آنچه در بالا یاد
شد در انستیتوی طب استوائی
کلکته که در جهان معروفیت دارد
مورد آزمایش قرار گرفته و اکنون
بر اساس آنها داروهای تهیه می
شود که سلاح های دقیقی را علیه
امراض بدست می دهد. تنها اختلاف
آن ها با داروهای ما این است که
مال آنها هیچگاه مضر نیستند و
موضعی را که در آنها می گذارند
مانند داروهای شیمیائی ما - نابود
نمی کنند. بنابراین در طب سنتی
هندوستان يك ماده اولیه (اساسی)
هست که داروسازی جهان ما می
تواند از آن استفاده کند و دانش
هائی هم در آن وجود دارد که باید
آن را دقیقاً مطالعه کنیم.

اما این موفقیت مهم از جنبه
داروئی باید بوسیله توجه به نظریات
ما فوق الطبیعی که اساس دیگر این
طب را تشکیل می دهد تکمیل گردد.
این عقاید و نظریات می تواند اندیشه
طبی جدید را که امروز متأسفانه
در بن بست داروهای شیمیائی (که
نسخ های انسانی را تحت تاثیر قرار
می دهد) گرفتار آمده، خارج سازد.
و اهمیت نقش و اثر مریض را بر
امراض و آدم را بر اعضای بدن
خودش روشن کند. این طب سنتی
ما را دعوت می کند که دیگر بسوی
تصرف و تسلط بر طبیعت و طبایع
انسانی گام برنداریم بلکه با آن

همکاری و همراهی کنیم و آهنگ
و گام آن را با خود منطبق سازیم و
با طبیعت خود مانند يك دوست
رفتار کنیم.

واز آن بالاتر بیاندیشیم باینکه
در چه ژرفائی اندیشه های غرب
و شرق باید بپذیرند که بالاخره با هم
روبرو گردند. البته اگر بخواهند
باعث و بانی بوجود آمدن آن
انسان واقعی و حقیقی شوند که
هرکس بخوبی احساس می کند،
اکنون در حال تکوین است.

سال ها طب قدیم کشور ما
ایران که بنام طب آسیا شهرت
داشت مورد طعن و ملامت بود و آن ها
که می توانستند در این راه با
انطباق دو رویه شرق و غرب کاری
بکنند و طبیب های درس خوانده
بودند و می توانستند طب خوب و
موثر قدیم ما را با طب غرب و
دنیای آن تلفیق کنند راه های دیگر
در زندگی برگزیدند مانند سیاست
و امثال آن.

اما آیا اکنون در کشور ما
هم در این راه گام هائی برداشته
می شود؟

چه خوب است که وزیر
بهداری یا آن ها که با طب و
بهداری آشنائی دارند واز آن مطلع
هستند باین سؤال مهم که امروز
در دنیا مطرح شده جواب گویند.
و مردم کشور ما را در جریان
بگذارند...

«منشی ها» و مصرف کنندگان

جلساتی که در بنای تازه
موزه ایران باستان در باره جهان
سوم در سال دوهزار تشکیل شد
روبهم رفته جالب بود. شخصیت
هائی مثل «ژوزوئودو کاسترو» و «برک»
استاد های دانشگاه پاریس،
آئینه نگار از هندوستان و کوستاک از
رومانی و آنتونی وینر یکی از
مسئولین هودسن انستیتوت و تهیه
کننده گزارش مشهور درباره سال
دو هزار در امریکا در این سمینار
شرکت کردند و مطالب جالبی طرح
کردند که بسیار آموزنده بود و
البته گرد آوردن این شخصیت ها هم
در تهران کار آسانی نبود. در پایان
جلسه آخر در صحبتی که با آنتونی
وینر داشتم باو گفتم که همه ناطقین
سمینار مسائل مربوط به مردمان
کشور های جهان سوم و مشکلات
آن ها را خوب مطرح کردند و حتی
یکی از ناطقین از مشکلات روشنفکران
در این کشورها و این که در دستگاه

دولت سهم کافی ندارند سخن ها
گفت. اما عجیب این که در این
کنفرانس و این سمینار درباره
وکلایف و ماموریت ها و تکالیف و
هدف های صاحبان اندیشه و یا
روشنفکرها و این که چه نقشی در
پیشرفت کشورهای جهان سوم
دارند یا باید داشته باشند و چه
راه هائی را باید در سال های آینده
در پیش گیرند هیچ کس سخنی
نگفت، گوئی سخنان ناطقان فقط
متوجه مردم و ملت ها و افراد و یا
باصطلاح امریکائیها فقط متوجه
مصرف کنندگان بود.

از تکلیف «منشی ها» بقول
ژولین بندای فرانسوی و خانم
سیمون دوبووار و وظایف و مسؤولیت
روشنفکران و صاحبان اندیشه کسی
حرفی نزد...

او در جواب من لحظه ای
اندیشید و چیزی نگفت.

اماراستی بنظر شما چرا؟
اعراب و اسرائیل

در ترازنامه کار های چهار
کشور بزرگ طرح حل اختلافات
اسرائیل و اعراب کار قابل نکوهشی
نبود. انگلستان و فرانسه و شوروی
و امریکا متوجه اهمیت این اختلاف
ها شده اند و می خواهند بکوشند
که شاید راه حلی پیدا کنند.

و اما این کوشش چهار دولت
که می تواند کمک به صلح منطقه
خاور میانه کند، اگر نظر آندره
سیما خبرنگار لوموند را قبول کنیم
اکنون موجب وخامت بیشتر اوضاع
گشته است.

وی در شماره ۲۲ آوریل لوموند
می گوید وخیم تر شدن و شدت
وحدت زد و خورد نتیجه مستقیم
تمرکز فعالیت های سفرای چهارگانه
بزرگ است.

اگر کسی قبول کند که این
يك حسن نیت چهار کشور هم
موجب تشدید وضع در مرز های
عرب و اسرائیل شده باشد آن وقت
سؤال دیگری را هم باید مطرح
بکنیم و آن این که آیا واقعا اعراب
و اسرائیل خود خواهان پایان جنگ
هستند؟

**وقتی که از رئیس دانشگاه
حق استخدام را سلب می کنند.**

چندی پیش يك فرانسوی
استاد دانشگاه سوربن که برای
شرکت در کنفرانس جهان سوم سال
دو هزار به تهران آمده بود ضمن
بحثی می گفت که دانشگاه های

امریکا در اخذ تصمیم، اختیارات مطلق و همه جانبه دارند و این اختیارات مجریان دانشگاه های امریکا را یکی دیگر از علل پیشرفت و موفق فکری در امریکا ذکر می‌کرد و حتی در باره تفوق آن نسبت به سیستم اداره دانشگاه های اروپا هم صریح اظهار نظر کرد. اما روز سه‌شنبه دوم اردیبهشت خبری انتشار یافت مبنی بر این که هیئت امنای دانشگاه کالیفرنیا تصمیم گرفتند که حق استخدام استادیار و حتی پرداخت پاداش را هم از رئیس دانشگاه کالیفرنیا سلب کنند و این کار را هم کردند. از چهارده عضو هیئت امنای دانشگاه مزبور فقط چهار نفر مخالف و ممتنع رای داده بودند.

مدت ها است که در اروپا و امریکا سخن از شکافتن دژ های مستحکم و تسخیر نابذیر دانشگاه ها و قدرت مطلقه رؤسای آن ها می‌رود.

تفاهم و دوستی و طرز رفتار قابل تحسین رؤسای دانشگاه های امریکا و استادان آن ها باشاگردان و داوطلبان تحصیل و علم همیشه در کشور های اروپائی تاچندی پیش ضرب المثل بود.

حال نمی‌دانم آن استاد حقوق دانشگاه سوربن که حالا در پاریس است بعد از خواندن این خبر و سلب حق استخدام از رئیس دانشگاه کالیفرنیا متاثر خواهد شد، یا شاید خواهد شد از این که در این راه، فاصله بزرگ اقیانوس اطلس را هیئت امنای دانشگاه کالیفرنیا چه خوب در تعلیم و تربیت دانشگاه از میان برداشته‌اند.

زیر آب یا فضای آسمان ها

شوروی ها پیشنهاد کردند که استفاده تخریبی هسته‌ای در ژرفای دریاها ممنوع گردد.

اما در باره استفاده از فضای آسمان ها و جو ها و کهکشان ها نه امریکا و نه شوروی و نه هیچ کشوری دیگر پیشنهادی در این زمینه نداده‌اند. یعنی که راه را برای این نوع استفاده ها در فضا باز گذاشته‌اند.

تا آنجا که ما میدانیم تازه آدم ها در راه بهره برداری از ژرفای دریا ها و اقیانوس ها و آبها مطالعه و تحقیق را شروع کرده‌اند و در این راه اولین گام

ها را برداشته‌اند. انواع زیر دریائی های اکتشافی که با نیروی هسته مرکزی کار می‌کند یا باموتور های معمولی در زیر آبهای کمره خاکی ما آغاز گشته اما هنوز گویا بمرحله کمال نرسیده است.

آیا برای آدم ها گشت و گزار در عالم آسمان ها آسان تر جلوه می‌کند یا مطالعه و مذاقه در زیر آبها؟

و آیا اگر آزمایش های تخریبی بوسیله هسته های اتمی قرار است ممنوع شود چرا باید فقط محدود به زیر آبهای زمین شود و راه در فضای لایتنامی باز باشد؟ نمی‌دانم.

اما شاید وقت آن رسیده باشد که انسان مسلح به قدرت هسته های ماده که استفاده از این نیروی شگرف را در راه صلح فرا گرفته و کارخانه های برق خود را بابهای ارزان بکار انداخته‌اند و از میوه های آن هم برخوردار گشته، بفکر افتاده باشد که جلوی نیروی تخریبی هسته را لااقل در زیر دریا ها بگیرد.

خانم ها یا آقایان؟

شنیدم که خانم ها با نهایت بیداری و کنجکاوای و پس از دقت و ارزیابی کافی و لازم يك کار ادبی را تایید کردند و باتفاق آراء جایزه فمینیای سال را در پاریس به «مارگریت پورسیندار» دادند. اثر این خانم «کاربرك سیاه» نام دارد و گالیمار هم ناشر آنست. روشنفکرها و نویسندگان مطبوعات فرنك حیرت کرده بودند که چطور کوچکترین اختلاف نظر بین خانم هایی که داور بودند و افرادی چون دوشس دولارشفوکولد و مادام سیمون و ژرمن لوبون در بین آن ها دیده می‌شد پیش نیامد. سپس طبق خبری دیگر همین خانم برنده جایزه فمینا اکنون داوطلب عضویت در شورای داوران جایزه فمینا شده است.

حال بحث در این است که آیا برنده جایزه فمینا در آینده نزدیکی خودش هم در شمار داوران محسوب خواهد شد یا نه؟

مادام سیمون که یکی از داوران است بانهایت حسن نیت در جواب یکی از نویسندگان چراغ ادبی فرانسه که همین سؤال ها را با او در میان گذاشت گفت:

البته ما شاد و مشغوف و مسرور خواهیم شد که خانم مارگریت «پورسیندار» را در میان خود ببینیم، این درست مثل آنست که از من بپرسید عضویت ژنرال دوگل را برای داوری جایزه فمینا می‌پذیریم یا نه؟

با این اظهار نظر دوستانه و صمیمانه، اکنون در همه محافل فرانسه و دنیا می‌گویند که حالا دیگر کی جرات دارد بگوید «در هراختلاف بدنبال زن بگردید».

زنان داور این جایزه ثابت کردند که نه فقط می‌توانند يك فکر و يك دل در مورد اثر ادبی يك زن باتفاق آراء قضاوت کنند بلکه نشان دادند که می‌توانند نمونه و شاخصی باشند برای همه مردان در کارهای داوری‌شان که اتفاق آراء در میانشان بس نادر است.

کانت زیر نورافکن تازه

پس از مدتها که کمتر سخنی درباره کانت گفته می‌شد ژان لویی بروك يك نویسنده فرانسوی اخیرا در کتابی که انتشار داده گویی او را از قفسه قدیم کتابهای فلسفه درآورده و زیر نور افکن های آبی رنگ تازه‌ای قرار داده است.

رویه کانت در قبال مذهب چه بود؟

او که مساله اصل و طبیعت و حدود دانش های انسانی را مطرح کرده و فرضیه قضاوت های واقعی را پیش کشیده و گفته است که: «آدمی باید فقط به تکلیف و وظیفه‌ای که برعهده گرفته، عمل کند» و سه کتاب او در باره منطق محض و منطق عملی و قضاوت معروف است، چرا درباره مذهب رویه روشنی از او ندیده‌ایم؟

در مدرسه که بودیم کمتر کسی در باره کتاب او بنام «مذهب در حدود منطق ساده» سخن می‌گفت. اما لویی بروك این قسمت از اندیشه کانت را اخیرا بزبانی ساده روشن کرده است.

در این کتاب شما کانت این معلم مدرسه را که هیچگاه از شهر محل تولد خود خارج نشده مانند همیشه بدین می‌بینید ولی در عین حال مثل همیشه جالب و جذاب.

ژان لویی بروك این نظریه کانت را می‌آورد که گفته: مذهب می‌تواند راه حلی باشد برای بسیاری

از اختلاف نظر هایی که بدی و شر در جهان ما بوجود آورده است. اما، کانت می‌داند که مانع اصلی در مقابل خوبی، هرگز در درون انسان نمی‌تواند باشد. پس در کجا باید آنرا جستجو کرد؟ کانت با قوت و صراحت همیشگی خودش این مانع و سد را در مقابل «نیکی» در «جمع» و جامعه «انسانی» سراغ می‌کند و از این نیز جلوتر می‌رود و می‌گوید:

«چون انسان در میان جمع و جامعه واقع شد، او که می‌توانست خدائی باشد مبتدل به شیطان می‌گردد.» و نتیجه می‌گیرد که پس باید جمع و جامعه را ساخت و درست کرد.

و جامعه‌ای باید پدید آورد «اخلاقی» نه به معنای مبتدل و فرسوده و کهنه آن، بلکه به معنای درست کلمه.

و مذهب هم باید که وسیله ایجاد آن جامعه قوی و نامرئی گردد در مقابل آن جامعه‌ای که «جامعه کلیسا ها» نام دارد و فقط متظاهر است و می‌خواهد در بیرون جلوه کند.

و باز از زبان کانت می‌گوید که از «مشخصات این جامعه اخلاقی نامرئی» یکی آنست که هیچگاه وسیله آزمایش دیگران قرار نمی‌گیرد، بلکه خواهان اندیشه ساده یگانگی و وحدت میان مردمان ساده در لوای يك حکومت خدائی اخلاقی است.

از این مرز هم پا فراتر می‌نهد و می‌گوید کلیسا ها «گروه های گناه» هستند و علاوه می‌کند که بدی و شر در ظاهرشان نیست، بلکه در نهادشان يك کانون بدی و شر و تظاهر دروغی نهفته است و باز می‌گوید در زندگی ما آدمیان امر مهم آنست که چه باید بکنیم تا شایسته کمک خداوندی گردیم و علاوه می‌کند که آدمی نباید خود مستقیم بکوشد که خوشبخت گردد، بلکه باید اول خود را شایسته خوشبختی کند.

در مورد راز ها و اسرار نهان ادیان هم، کانت آنها را انکار نمی‌کند و حتی معجزه ها را هم رد نمی‌کند، بلکه آن ها را از ایمان و اعتقاد می‌داند و عجیب آنکه همان مطلب و فکری را که بزرگان ماسال ها پیش گفته‌اند او به عنوان نتیجه

اعلام می‌دارد همان گفته قدمای ما که می‌گفتند :

«از تو حرکت، از خدا برکت»

L'Homme Opere et Dieu Coopere

و از همین جاست که شکافی میان او و فلسفه مطلق جبری مسیحیت روشن و آشکار می‌گردد. و عجبا که در این کتاب اندیشه اساسی اودرباره دین به اصول اسلام نزدیکتر می‌گردد چون که او هم کانون و مرکز ثقل همه چیز را کوشش و سعی آدمی اعلام می‌کند. با همه تضادهایی که اینجا و آنجا در این کتاب هم هست اما انکار جذاب بودن آنرا نمی‌توان کرد و بخصوص که طرز تفکر و زوال فکری او در این کتاب بما بسی نزدیکتر است.

اگر هوش و نیروی خلاق

ایرانی ...

طرح مشکل و پیچیده، ولی موفق آبولو نشان داد که حساب کارهای حرکت به سوی ماه و بازگشت به سوی زمین هم درست بود و هم دقیق. همه به خاطر دارند که «سربنارد لوول» مدیر دانشمند «جوردل بانک» در اوان این پرواز گفته بود که این اقدام آمریکاییها را باید يك دیوانگی محض خواند. ولی پس از انجام ماموریت آبولو همین شخص ناچار شد باز بگوید که در سال ۱۹۶۹ به احتمال قوی آمریکاییها می‌توانند با پاهای خودشان بر سطح کره ماه بنشینند. تردیدی نیست که اگر دقت عجیب و ظریف موتورها و نیروی عظیم آنها و وسائل حساب الکترونیک نبود، این ماجرا هرگز نمی‌توانست به پیروزی بیانجامد. اما سؤال اصلی اینست که این ماشینها را کی ساخته و کی آنها را اداره کرده و کی آنها را به ماه برده و کی آنها را از ماه به سوی زمین آورده: با سه سرنشین زنده؟

جواب این سؤال يك کلمه بیش نمی‌تواند باشد: البته انسان.

و چون بدینجا رسیدم بیاد آمد که در کار اختراع آن نور که «لیزر» نام دارد و امروز در جراحی از چاقوی جراح بهتر کار می‌کند

و بهتر انساج بدن را قطع می‌کند و می‌تواند نقاط تاریک کهکشان را روشن کند، فیزیک دان و ریاضی-دان ایرانی «علی جوان» نقش بسیار مهمی را برعهده داشت که مورد تایید دانشمندان آمریکایی هم قرار گرفت.

و اندیشیدم که اگر هوش و نیروی خلاق ایرانی همراه با مدیریت زنده و سرشار از شور و شوق و بقول فرنگیها «دینامیک» بشود و هم آهنگی و تلفیق در کارها باشد، چرا انسان ایرانی نتواند باز هم خدمت‌هایی بزرگتر و وسیع‌تر به عالم بشریت بکند؟ چنانکه در زمان پیش، خیام‌ها و ابن سینا‌ها و رازی‌ها و شیخ بهائی‌ها کردند ...

انسان‌ها و سنجاب‌ها

سنجاب‌ها بطور اسرار آمیزی ناگهان مهاجرت کرده واز مراکز که تاکنون در ممالك متحده امریکا محل زندگی شان بود دسته دسته فرار کرده‌اند.

این مهاجرت و آوارگی که در سپتامبر سال ۱۹۶۸ روی داد و منجر به کشته شدن هزار سنجاب شد در اکثر مطبوعات امریکا و دنیا مورد بحث قرار گرفت.

شعبه علمی موزه اسمیتونیان در واشنگتن که بنام «مرکز تحقیقات در امر کوتاه‌زیستی» معروف است و کارش مطلع‌ساختن فوری دانشمندان درباره وقایع طبیعی غیر عادی و کوتاه مدت است، اطلاع داد که در حدود ۲۰ میلیون سنجاب در این مهاجرت بی‌سابقه اسرارآمیز شرکت کردند و فقط در يك بخش پنجاه کیلومتری يك شاهراه درنیر-آشویل و کارولینای شمالی اتوموبیلها یکصد سنجاب را که از جاده می‌گذشتند کشتند و همین طور در ایالات ورمونت، کونکتیکوت، نیویورک، پنسیلوانیا، کارولینای شمالی و جنوبی، جورجیا و تنسی هم این حیوانات قشنگ در جاده‌ها، رودخانه‌ها، و دریاچه‌ها هزارها کشته دادند.

اخیرا نیز واشنگتن پست در این باره مقاله‌ای جالب انتشار داد و مفصلا این بحث را مطرح کرد که چرا و به چه دلیل این مهاجرت دسته جمعی سنجاب‌ها انجام شده و نظرات و عقاید گوناگون دانشمندان را در این واقعه مورد بحث قرار داد.

*

در همان اوان هم خبری دیگر در دنیا انتشار یافت بدین مضمون که تعداد آوارگان دنیا (مقصود انسان‌های آواره و بی‌خانه و مسکن و کار است نه سنجاب‌ها) از ۱۵ میلیون در سال ۱۹۶۷ به حدود شانزده میلیون ونیم در ۱۹۶۸ رسید. آن مازاد يك میلیون ونیم راهم پناهندگان و آوارگان بیافرایی تشکیل می‌دهند.

ولی دیگر نه بحثی در علل بوجود آمدن این جمعیت بی‌کسو کار بی‌مسکن انسانی شد و نه تفسیری درباره آن. این ۱۶ میلیون ونیم انسان وزن و مرد و بچه که امروز تعداد شان به بیش ازدو برابر مردم سوئد رسیده آید این کره خاکی که انسان‌های دیگر کره ماه را دور زده و دارند بسوی مریخ می‌روند بنی آدم نیستند و اگر هستند اعضای یکدیگر نیستند؟

حالا به نظر واگان فلیگر دانشمند عضو انستیتوی منابع طبیعی دانشگاه مری‌لاند ممالك متحده گوش کنیم. او می‌گوید:

فرضیه‌هایی که درباره گرسنگی سنجاب‌ها مطرح کرده‌اند درست نیست چون غذای کافی در همه جای امریکا همه جا در دسترس آنها بود. اما شاید علت اصلی این مهاجرت آنست که «سنجاب‌ها توشه باندازه کافی برای نهادن در زیر خاک پیدا نکرده بودند!» و این تنها دلیلی است که میتوان برای مهاجرت و آوارگی آنها ذکر کرد.

آقای واگان فلیگر کارشناس و متخصص امر است و بسیاری از مطبوعات امریکا از جمله واشنگتن پست نظر او را قبول دارند پس کی جرات می‌کند که در گفته او تردید کند بخصوص که امروز دور دور صاحبان عنوان تخصص است اما اگر ماهم حرف او را بپذیریم.

سؤال دیگری پیش می‌آید و آن این که: مگر فیلسوفان قدیم و خردمندان سابق را عقیده بر این نبود که برای نهادن چه‌سنگ و چه زر؟ اگر آقای فلیگر می‌توانست با آنچه امکان‌ها که مردمان امریکا در برقراری خطوط ارتباط دارند خط ارتباطی هم میان خودش و آن بیست میلیون سنجاب برقرار کند و بآنها بفهماند که برای زیر خاک گذاشتن چه بلوط (خوراک

اصلی سنجاب‌ها) و چه سنگ؟ دیگر آنها نه رنج این راه طولانی را تحمل می‌کردند و نه جاده‌های امریکا از خون آنها آغشته می‌گشت و نه اینهمه وقت دانشمندان ایالات‌های نامبرده شده گرفته می‌شد.

*

آدمی وقتی بتواند تصویرهای وقایعی را که در ماه می‌گذرد ببیند و صدای آنها را که در اطراف آن می‌گردند بشنود چرا نتواند بالاخره روزی اندیشه‌های خود را بآنها بفهماند و لااقل اوامر و دستورات لازم را به سنجاب‌ها در راه خیر و صلاح خودشان بدهد؟ تا آنها هم بزندگی روزمره و خوراک و مسکن روز خود راضی شوند و بخاطر این که نمی‌توانند توشه‌ای در زیر خاک برای روز مبادا بگذارند دیگر خود را بخطر نیاندازند.

*

اما آیا زندگی آن شانزده میلیون ونیم نفوس انسان‌ها که بی‌خانمان هستند و آواره مهم‌تر است یا مهاجرت سنجاب‌ها؟

جواب این سؤال را باید آن‌هایی بدهند که سنجش افکار عمومی را در دست دارند. اما تردیدی نیست که بحث درباره مهاجرت سنجاب‌ها با علاقه و پیگیری بیشتری در مطبوعات لااقل امریکا دنبال می‌شود...

بشر در اندیشه زندگی دردنیاهای دیگر است

● تاریخ نشستن بر روی ماه در واقع يك مساله حل شده است و نباید گفت چون تابحال قدم انسان به ماه نرسیده ، ممکن است که روی ماه نتوانیم بنشینیم . خود مساله این است که سطح ماه را بطور دقیق هنوز نمی‌شناسیم .

- این دو دانش موارد استعمال عجیب و غریبی دارند که وقتی به کسی که از این دو علم اطلاعی نداشته باشد ، بگویند خیال می‌کنند سحر و جادوست .
- يك دانش وقتی وجود دارد که مفاهیم و تجربیاتش را اندازه بگیریم .
- محور اصلی فرضیه نسبیت انشتین بود که در همه جا راه پیدا کرد و تقریباً يك کلید گشایش برای مشکلات محسوب می‌شود و یکی هم مساله «سپیرنتیک» و تئوری «آنفرماسیون» است که دید انسان را در مسائل فنی بطور کلی عوض کرده است . بنابراین هرچه می‌بینید اثر این دو نظریه هست .
- در پیشرفت تکنیکی که بر «لیزر» متوقف است دکتر «جوان» یکی از بنیان‌گذاران این دانش جدید است و از طرف ریاست جمهوری امریکا جایزه هم دریافت داشته است .
- اگر بخواهیم به مسایل فضایی پردازیم ، مشکل زیادی در کار نیست برای ما و کشور ما ، راه کوبیده و هموار شده ، مساله اساسی ایجاد مراکزی است که تحقیقات در آن باید انجام بگیرد . در این مورد نه مشکل مادی مطرح است و نه مشکل متخصص ، بلکه ایجاد لابراتوارهاست که خرج گزافی دارد . مثلاً باید شرایط فیزیک کیهانی و فیزیک پلاسما بوجود آورد .
- وقتی دانشمندان ایرانی تربیت شود ، مثل دانشمندان خارجی است و هیچ فرقی ندارد فقط عدم تامین بودجه است که امکان پرداختن به مسایل فضایی را از بین می‌برد .
- اگر قرار باشد عده‌ای از ساکنین چنین کره‌یی به زمین بیایند با انسان همزیستی مسالمت‌آمیز نمی‌توانند داشته باشند زیرا زندگی آن‌ها در اینجا غیر ممکن است .
- اگر انسان‌هایی که از کرات دیگر می‌آیند از لحاظ قدمت تاریخی از ما پیرتر باشند و سایل مورد احتیاج آن زمان را برای ما فراهم می‌کنند .
- مساله بشقاب پرنده را عده‌یی معتقد هستند توهم است و چون «رادار» اشتباه نمی‌کند و در بعضی کشورها بارادار دیده‌اند و بعد افرستاده‌اند ببینند چیست ، بنابراین آنچه می‌گویند توهم ذهن نیست .

گفتگو با پروفیسور

محسن هشترودی

تلاش - آقای پروفیسور هشتروودی ما چندین بار در تلاش افکار ، فلسفه ، اندیشه های هنری و خلاق و هم چنین بررسی ها و تحقیقات و دانش شما را به اطلاع آنهایی که تلاش را می خوانند رسانیده ایم. در این گفت و شنودها بیشتر پرسش های ما درباره مطالب و موضوع ها و مسایلی بود که در جهان آینده و در فضا های دیگر و در دنیایی که با علم و ریاضیات سرو کار دارد ، مطرح می گردد باردیگر موقع را مفتنم شمردیم و با شما به گفت و شنود می نشینیم.

همه می دانیم که پیشرفت های علوم به حدی متغیر است و بطوری پیش می رود که هر روز اگر بحث تازه ای هم در این مورد پیش کشیده شود باز حرف های تازه تری به دنبال خواهد داشت.

پرسش اولی که می خواستیم از شما بکنیم این است که بشر پا را از رسیدن به سیاره ماه فراتر گذاشته و در حال حاضر مریخ را در نظر گرفته آیا به نظر شما با توجه به این امر که بشر هنوز موفق پیاده شدن در ماه نشده و بهره ای از این همه فعالیت ها و هزینه های سنگین و کمر شکن برای رسیدن به ماه بدست نیاورده ، آیا درست است که قدم در راه حرکت به سوی سیارات دیگری بگذارد ؟ پرسش دوم این است که بررسی ها و کوشش ها و تحقیقات اتحاد جماهیر شوروی در رسیدن به ماه مثل اینکه را کد مانده گویا آمریکا فعلا پیش قدم شده و به مرحله نهایی کار دارد نزدیکتر می شود.

بعضی ها می گویند که دولت شوروی بجای این که هزینه بزرگی در راه رسیدن به ماه مصرف کند معتقد شده که بهتر است این هزینه ها را به مصارف انسانی در روی زمین برساند. بعضی دیگر می گویند همکاری های صمیمانه ای که دانشمندان شوروی و آمریکا باهم دارند ، موجب شده که برای هر دوی آنها سبقت گرفتن این دولت یا آن دیگری فرقی نداشته باشد و هر دو جنبه بشری عمل را در نظر گرفته اند.

هشتروودی - عرض کنم علی الاصول باید گفت تاریخ نشستن بر روی ماه در واقع يك مساله حل شده است و نباید گفت چون تا بحال قدم انسان به ماه نرسیده ، ممکن است که روی ماه نتوانیم بنشینیم. خود مساله این است که سطح ماه را بطور دقیق هنوز نمی شناسیم. مشکل مساله قسمت فنی تامین قدرت لازم برای این که مثلا بتوان سرعت را در موقع نشستن کم کرد ، نیست. یعنی مثلا مشکل این نیست که در موشک ترمز تعبیه شود که وزن جاذبه ماه را کم بکند. این مساله از نظر فنی به کلی حل شده است. اصل مطلب شناسایی سطح ماه است که این کار البته در پرواز آپولوی هشت تقریبا ولی نه بطور کافی انجام گردید. و از نزدیک عکس هایی گرفته شده که می شود چگونگی سطح ماه را کم و بیش شناخت و دانست که در چه وضعیتی است. اگر مثلا سطح ماه اقیانوس شن داشته باشد وقتی سفینه بخواهد آنجا بنشیند فرو می رود توی شن. و بدین ترتیب ممکن است تمام دستگاه ها خراب شود و سرنشین های آن هم تلف بشوند. سطح ماه را البته کمابیش الان می شناسند. مخصوصا به وسیله عکس های همان آپولوی هشت

که سطح ماه بهتر شناخته شده است. چرا که این عکس ها از نزدیکترین فاصله ای که تاکنون امکان داشته گرفته شده است. می دانید باید يك مقدار روی این مساله کار و فعالیت بیشتر شود و بعدا هم باز شاید احتیاج به شناسایی بیشتر آن باشد، ولی مشکل اولی که در کار است مشکل تکنیک تعیین سرعت مدار برای نشستن روی ماه میباشد. این مشکلات کمابیش حل شده است. مساله فقط شناسایی سطح ماه است ، پس علت تاخیر این است ، و همان طور که امریکایی ها گفتند ممکن است چهار ماه دیگر روی ماه بنشینند. از نظر متخصصین شوروی نشستن روی ماه حل شده است. البته ذهن انسان متبادر می شود به این که آپولوی هشت وزن زیادی داشت ، یعنی در حدود نه هزار خروار بود و در موقع برگشتن فقط سیصد خروار بود. البته موشکی با این جسم و با این عظمت تا آن زمان پرتاب نشده بود تاخیر آن هم که قرار بود دور قمر بگردد از نظر تربیت یا آماده کردن «اوردناتریس» (دستگاه تنظیم کننده) بود. چون تمام این ها را می بایست روی آن ماشین «اوردناتریس» یا کمپیوتر بگذارند که او بجای انسان عمل کند. انسان ممکن است در يك جا که باید فرمان اتوماتیک را برای باز شدن دریچه های موشک ترمز باز نماید اگر به اندازه يك دهم ثانیه تاخیر کند ، چندین کیلومتر از نقطه مورد نظر دور می شود و چون سرعتش هم آن طور که باید کم نمی شود ممکن است از روی ماه فرار کند ، و بعوض برگشتن بروی زمین در فضا گم شود. البته می توان «اوردناتریس» را قبلا بوسیله حافظه بکار بگذارند. چون ترمزها در همان موقع معین اتوماتیکمان همین کار را انجام می دهند. مثل دستگاه های خودکار که تاریخ پرواز را معین می کنند و سایر ماشین های اتوماتیک. در شوروی بیشتر توجه روی این مساله است که اگر يك ماهواره ای برخلاف انتظار یا بعلى از عوامل کیهانی در آن مدار که قرار بود مستقر نشود یا در يك جای مجهول که هنوز کشف نشده قرار بگیرد و بعد به وسیله تجسسات بفهمند کجاست ، چگونه می شود آن را بازگرداند ؟ مدتی است این مساله توجهشان را جلب کرده و همین ماهواره ای را که چندی قبل در حدود هفت ، ۸ سال پیش دور ماه می گشت می خواهند باز گردانند. این ماهواره موشک برگشت ندارد و باید از روی زمین يك موشکی بفرستند بطرف آن دستگاه و این موشک به ماهواره وصل شود تا بتواند آن را به زمین برگرداند یعنی این مساله مطرح است که ماهواره هایی که در مدار ثابت قرارداده شده اند بدون آن که دستگاه برگشتن داشته باشند اگر روزی بخواهند آن ها را برگردانند چه پیش می آید؟ و ملاحظه می فرمائید در تجربیاتی که امریکایی ها در چند سال قبل انجام دادند کوشش کردند که دو ماهواره را به هم برسانند و توانستند دو ماهواره را به فاصله يك متری برسانند ولی شوروی ها آن ها را به هم بستند. در فضا و در کیهان مساله سرعت ، مثل مساله سرعت در زمین نیست. یعنی در زمین يك اتوموبیلی که پشت سر اتوموبیل دیگر قرار گرفته ، ممکن است سرعتش را زیاد کند و به او برسد، در حالی که در فضا چنین چیزی امکان ندارد. دو ماهواره که روی يك مدار قرار گرفته اند

سرعتشان ثابت است و فاصله شان هیچوقت کم و زیاد نمی شود و اگر بخواهند سرعت ماهواره عقبی را زیاد کنند بالا می رود و چون در فضا سرعت ثابت است اگر بخواهند دو ماهواره را روی هم سوار کنند و یا بهم نزدیک کنند ناچار هستند که یکی را سینه کش و بطور مماس بروی دیگری بنشانند و بعد بهم جفت کنند و این کار را شوروی ها در چند ماه قبل انجام دادند. در این کار دو مساله مطرح است ، یکی نشستن بروی ماه و برگشتن ، که این از نظر فنی کمابیش حل شده است و تا اندازه ای می توان گفت قطعا حل شده است. ولی البته وضع سطح میدان عمل ، درست روشن نیست پس قبل از آن که روی ماه بنشینند باید سطح آن را شناخته باشند یا اقلا مطمئن باشند ، سفینه در نقطه ای که می خواهد بنشیند صدمه ای نخواهد دید ، و فرو نخواهد رفت. مساله دوم سوار کردن ماهواره ها است بر روی هم. یعنی در واقع ایجاد يك ایستگاه فضایی که ساخت دست بشر است. فعلا روی مساله دوم خیلی توجه و کوشش های زیادی می شود. مساله نشستن روی ماه ، یعنی این که چیزی روی ماه بنشانند چندین بار به وسیله امریکاییها تجربه شده است و چند بار ماهواره روی ماه فرستاده اند. و اگر سطح ماه شناخته شود ، قطعا تا سه الی چهار ماه دیگر متخصصین امریکائی آمادگی خواهند داشت که برنامه نشستن روی ماه و برخاستن از آن را به انجام برسانند. و شاید در آینده ای خیلی نزدیک دوس ها پیش بروند یعنی مساله تقریبا از نظر فنی ، تئوری و نظری حل شده ولی در عمل اشکال شناخت سطح ماه هنوز باقی است. مساله دوم زیاد مورد بحث نیست زیرا آپولوی هشت تمام این کیفیات را در بر دارد، و فقط مساله نشستن روی سطح ماه است. برای این که سطح آن هنوز بدرستی شناخته نشده است. و بی شک تایکی دو سه ماه دیگر این مساله هم حل خواهد شد. نباید به این اندیشید که چه کسی پیش رفته است زیرا این امر بستگی به امکانات دارد. ایجاد موشکی به آن عظمت مثل آپولو هشت که بتواند وزن خودش را با سوختش و ماهواره ای که همراه دارد و در حدود نه هزار خروار است به ماه برساند و باز گرداند، امکانات فراوانی میخواهد که شاید فعلا با امکاناتی که در شوروی وجود دارد، میسر نباشد یا خرج آن با بودجه ای که دارند متناسب نباشد. پس مساله امکانات مطرح است. اما به هر حال مساله از نظر تئوری حل شده است. موشکی که در حدود ۷ هزار خروار سوخت دارد بی شک فشار آن هم بیشتر از موشکی است که دو خروار سوخت حمل می کند. بنابراین جدار این موشک باید کلفت تر باشد ، یعنی افزایش وزن آپولوی هشت تنها برای این نبوده که ماهواره آن سیصد خروار بوده بلکه خود موشک برای این که بتواند هفت هزار خروار سوخت را تحمل کند با آن همه فشار باید چیز سنگینی باشد. از این جهت تقریبا ۱۲۵ متر طول داشته و ضخامت فولاد بدنه آن در حدود بیست یا بیست و پنج سانتیمتر بوده است. اشکالی که از نظر فنی مطرح است اشکالی عملی که در کارخانه ای بوجود می آید، نیست اشکال پیدا کردن منابع است. بی شک برای امریکاییها حل این مساله

خیلی سهل تر است ، و متخصصین هم چنان که دیدید ، مساله را از نظر تئوری حل کرده اند. اما در عمل ممکن است مشکلاتی پیش آید یعنی ایجاد موشکی که بتواند چند صد یا دوست سیصد جو فشار را تحمل کند آسان نیست. یعنی مساله موشک و نشان دادن ماهواره یی روی ماه مساله ای است فرعی که در تکنیک فنی زمین هنوز حل نشده است . زیرا ما در روی زمین احتیاج به کارخانه هایی که چندین هزار جو فشار را تحمل کنند نداریم. فقط فرض کنید در «بایترسفر» که به فضای خیلی دور می رود یا غواصی که در سه هزار یا هفت هزار متر عمق دریا شنا می کند که فشار از چندین هزار جو تجاوز می کند باید وسایلی فراهم شود که این همه فشار را تحمل پذیر کند. پس نشستن روی ماه

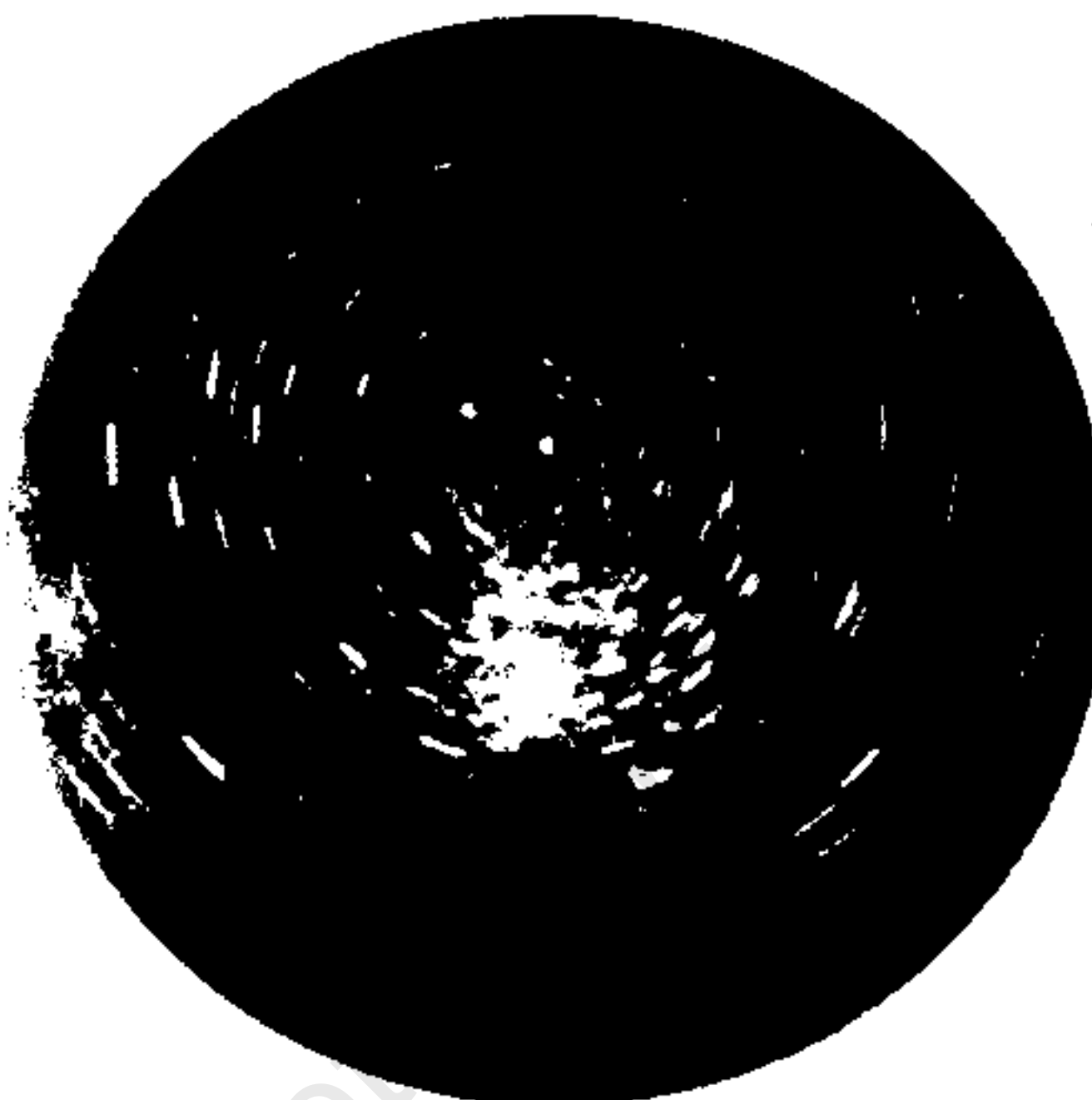
واقعا به بهترین صورتی این کار را انجام دادند. تلاش -

چگونه می اندیشید ، آیا بنظر جنابعالی با تحقیقات و بررسی هایی که شده امکان زندگی در مریخ هست؟ هشترو دی - راجع به این مساله البته چندین کتاب از طرف متخصصین و هیئت شناسان معروف انگلستان ، آمریکا و شوروی نوشته شده است . چند سال قبل کتابی راجع به جو و سیارات منظومه شمسی با تخیلات آن زمان منتشر گردید . البته اکنون مطالعه در این مورد پیشرفته است . جو مریخ را به وسیله طیف های «اولتراویولت» تجزیه کرده اند و این تجزیه نشان داده که طیف جذبی کربن خیلی زیاد است ، تقریبا مثل طیف جذبی جنگل ها و نباتات روی زمین . بنابراین به اقرب

در سرویس جت های «هما» می گویند که اگر هواپیما در موقعیتی قرار بگیرد که هوا متعادل نباشد ، در کابین به طور خودکار ماسک اکسیژن روی شما می افتد و نگاه کنید مهماندار چگونه به وسیله این ماسکها تنفس می کند . این مساله تنها به علت کمبود اکسیژن نیست . بلکه خطر کمبود فشار نیز وجود دارد و هوایی هم که تنفس می کند فشار کمتر دارد و خون که می خواهد اکسیژن بگیرد و کربن بدهد ، مواجه با این فشار کم می شود . جو مریخ هم به احتمال جوی است شبیه به جو زمین منتها با فشار کمتر و در چنین شرایطی مسلما به کیفیتی که روی زمین می توان زندگی کرد زندگی امکان پذیر نیست. مگر لباس مخصوصی پوشیده شود که کیفیات زمین در آن فراهم باشد . مساله نشستن روی مریخ ، امر مشکلی نیست و از نظر تئوری مثل نشستن در روی ماه است ولی در مسیر مریخ غبار بیشتری وجود دارد و باید موشک های سبکتری بسازند ، برای این که سرعت و هدف گیری در مریخ مشکل تر است .

تلاش - استاد ، طرح های فضایی تا آنجا که ما می بینیم در کشور های بزرگ جهان که می توان گفت دو قطبشان آمریکا و شوروی است ، تهیه و پیاده می شود . بنظر شما کشور های درحال توسعه در این امر تا چه حد می توانند امیدوار باشند که به تحقیقات فضایی برسند . در حقیقت من از این سؤال می خواهم نتیجه بگیرم که آیا مثلا ایران می تواند امیدوار باشد که در کارهای فضایی و فرستادن موشک و مسایل مربوط به آن به مرحله یی از عمل در چند یا چندین سال آینده برسد ؟

هشترو دی - بطور کلی در تکنیک و صنعت فاصله زمانی چندان مهم نیست . چرا که خیلی زود می توان آن را از میان برداشت . چنان که همین ژاپن وقتی تصمیم گرفت تشکیلات علمی و فنی خود را عوض کند ، دیدید که خیلی به سرعت به تمدن و صنعت امروز رسید . در ایران نیز برای بوجود آوردن این دانش ها لازم نیست این راه را آنطوری که دیگران رفته اند ، ماهر از اول شروع کنیم و بگوئیم چون اولین بار تجربه علمی در زمان «توریچلی» و «گالیله» صورت گرفت ما هم باید از آنجا آغاز کنیم و مرحله به مرحله پیش بیاوریم و مطالب ناقص را که دیگران با آن روبرو بوده اند ، بیاموزیم و تجربه کنیم . بلکه کافی است آخرین نتایجی را که دیگران بدست آورده اند ، در دانشگاه های ایران تدریس کنیم . ولی ایجاد آن شرایط لازم است . مثلا ایجاد کارخانه ذوب آهن ، برای این که خود کشور بتواند فولاد لازم صنایع فضایی را تهیه کند . زیرا اگر بخواهند وارد کنند ، انجام دادن عملیات خیلی گران تمام می شود . ساختن موشک ها هم به وسیله تکنیک مهندسی زمان ما که خیلی دقیق تر است ، باید انجام بگیرد . ما مهندسين عالي قدری داریم و این کارها را می توانند بکنند و از عهده هم بر می آیند . پس بعد از این که ذوب آهن راه افتاد باید دیگهای بخاری تهیه شود که چندین جو فشار را تحمل کنند ، و همین مهندسين که در ایران یا مدارس خارج تحصیل کرده اند استخدام شوند . بنابراین اگر بخواهیم به مسایل فضایی بپردازیم ،

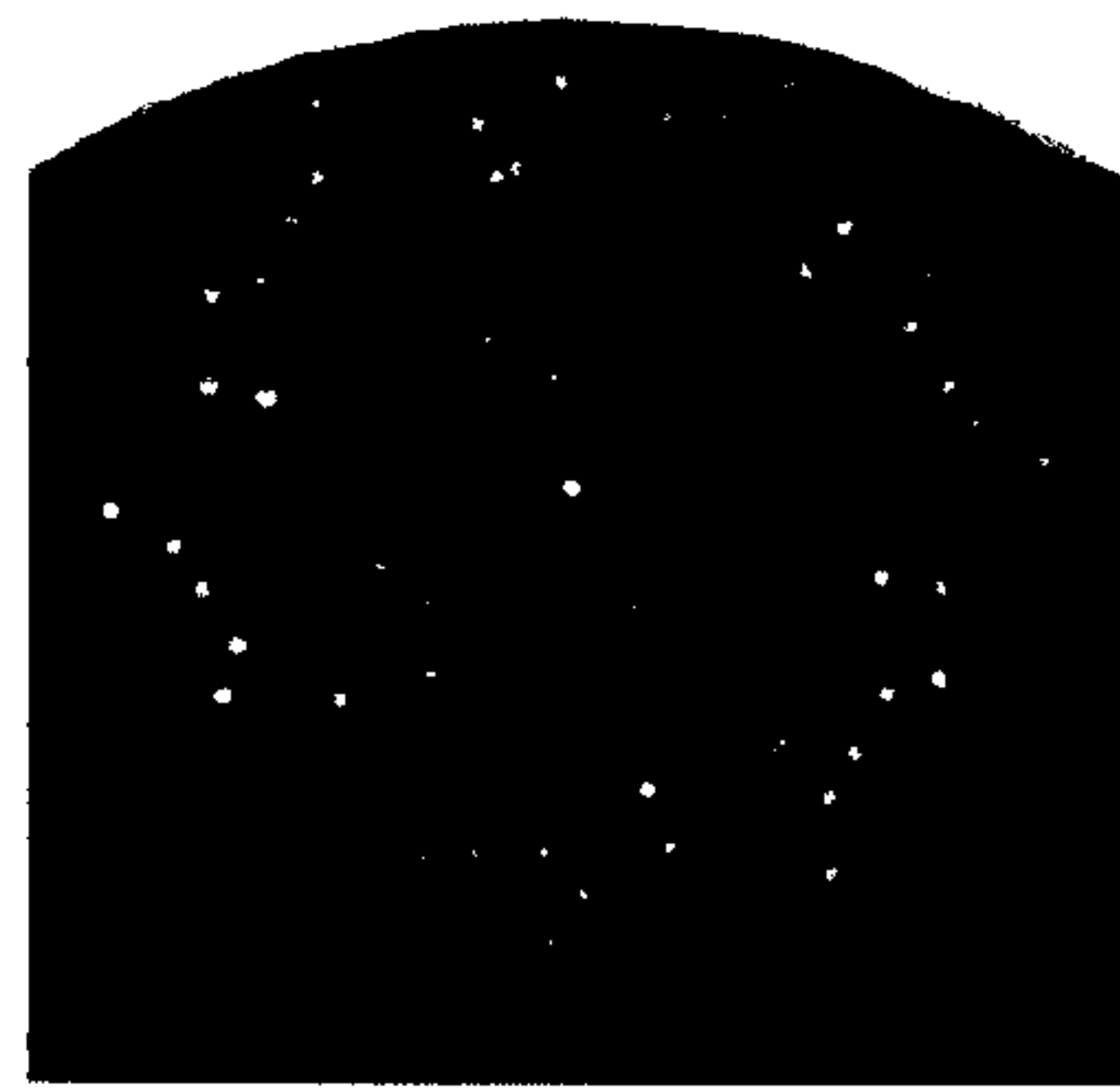


حرکت ظاهری آسمان به دور قطب فضایی

احتمال شاید بتوان گفت که جو مریخ خیلی رقیق است و مطالعات نشان داده که در آن ازت و اکسیژن نیز وجود دارد . وجود نباتات آن هم شاید نباتات پست در مریخ محرز است . با معلوماتی که ارائه می شود ، جو مریخ جوی است شبیه به زمین ، البته با این فرق که فشار خیلی کمتر است . برای این که جوان رقیق تر است و چون وزن قوه جاذبه مریخ هم کمی از زمین کمتر است انسان اگر به آنجا برود قطعاً باید از لباس غواصی استفاده کند ، زیرا در جو مریخ ممکن است فشار به اندازه کافی نباشد و در نتیجه اعمال بدن مختل شود . یعنی رگها نتوانند خون را نگه دارند و خون بیرون بریزد و مثل وقتی که هواپیما به ارتفاعات بسیار زیاد برده شود ممکن است از بدن انسان خون بیرون بریزد . این است که باید هواپیما بکلی مسدود باشد .



صخره نیو (در آرژن) نقاشی دیواری حدود ۱۲ هزار سال قبل



حرکت ظاهری دبا کبر به دور قطب

یا روی یک سیاره با ایجاد یک پایگاه فضایی مسائلی فرعی نیز دارد که مربوط به خارج از زمین است و چون روی زمین توجه به این مسایل مورد احتیاج نبوده متوجه آن نشده اند. یعنی در این مسائل ، مسائل فنی دیگر پیش می آید که مهندسين در روی زمین با آن مواجه نشده اند . یعنی مهندس فضایی ، مهندسی است که روی زمین به او احتیاجی نیست. بنابراین مهندسان باید بر شرایط و امکانات فضا واقف باشند و در روی زمین آن شرایط و امکانات را به وجود بیاورند. اهمیت آبولوی هشت بیشتر در این است که این مسائل در آن مورد نظر بوده است. در حالی که غالباً مردم متوجه این نکته نیستند و تصور می کنند که بله ، آبولوی هشت خیلی عظیم بود. مسائل فرعی که در آبولوی هشت مورد نظر بوده اهمیت دارد و متخصصین آمریکایی



مجموعه ستارگان ابری بنام اسب

مشکل زیادی در کار نیست برای ما و کشور ما ، راه کوبیده و هموار شده ، مساله اساسی ایجاد مراکزی است که تحقیقات در آن باید انجام بگیرد .

در این مورد نه مشکل مادی مطرح است و نه مشکل متخصص بلکه موضوع ایجاد لابراتورها است مثلا باید شرایط فیزیک کیهانی و فیزیک پلاسما بوجود آورد . در دنیا دو دستگاه بزرگ وجود دارد که این شرایط را فراهم می آورد اولی در لندن و دومی در لیننگراد ساخته شده است و یک محل دیگر هم برای تغییر پلاسماست که اداره یک قسمت آن هم به عهده آقای دکتر «امیدوار» است که قبلا دانشیار دانشگاه تهران بود و حالا در آنجا به کار پرداخته و کنترل فیزیک پلاسما با اوست . البته در ایران هم می توان چنین کاری را بکند ، بشرط آن که آن دستگاه ها در ایران وجود داشته باشد . دکتر امیدوار متخصص فیزیک پلاسما است . ولی اگر به ایران بیاید و وسایل و لابراتوار فیزیک پلاسما در ایران نباشد ، کاری از او بر نمی آید . بنابراین ملاحظه می کنید که سؤال شما جواب محقق دارد . کشورهای در حال توسعه و احيانا کشور های عقب مانده اگر بخواهند از نتایج تحقیقات و مطالعات دیگران استفاده کنند ، بی شک می توانند آن نتایج را که اکنون در دسترس است ، در اختیار بگیرند و لازم نیست به صد سال قبل برگردند . مساله مالی به این صورت مطرح است که در غالب کشورهای در حال توسعه چون امور واجبتری در پیش است نمی توانند به این امر بپردازند و اگر آن مشکلات رفع شود و از نظر مالی تامین باشند ، بی شک ایجاد این مراکز امکان پذیر خواهد بود . در انگلیس و فرانسه نتوانسته اند برنامه های فضایی را پیش ببرند زیرا مساله مالی و امور لازم تر مطرح بود . (اگرچه فرانسه چندین مرتبه ماهواره هایی به فضا فرستاد) . وقتی دانشمندان ایرانی تربیت شود ، مثل دانشمندان خارجی است و هیچ فرقی ندارد و فقط علم تامین بودجه است که امکان پرداختن به مسایل فضایی را از بین میبرد .

تلاش - استاد ، می گویند در سیارات مریخ یا ماه ، ممکن است الماس یا طلا بحدی باشد که ارزش اقتصادی سنگهایی را که در روی زمین است از بین ببرد . درباره این فرضیه نظر شما چیست ؟

هشترودی - نخیر این توهم است . چندی قبل در عکس برداری که از ماه کردند و برای اولین بار عکس پشت ماه را هم شوروی ها گرفتند ، در یکی از مجلات شوروی نوشته شده بود که تالاف نور «آلبو» ماه طوری است که گویی طلاست ، چون رنگ آن تقریبا زرد است . و باکمال تاسف این مطلب موجب شد که بعضی از مجلات و روزنامه های فارسی بنویسند که در ماه طلا وجود دارد . ساختمان ماده تا آن جا که تحقیق شده ، در کیهان ها ۲۵ هزار سال نوری به وسیله طیف مطالعه شده به وسیله هیئت موجی ، همان کیفیتی است که در روی زمین است ، منتهی مثلا اگر فرض کنید که روی آفتاب اجسام سنگین به همان کیفیتی که در روی زمین هست چنین خبری نیست ، چون

صفحه دوازدهم

حرارت خیلی بالاست و بیشتر این ها تقریبا بصورت یونیزه است ، یعنی پلاسما . مخصوصا محیط تنه و بدنه آفتاب که تقریبا بصورت بخار است . بنابراین اجسام بکلی «یونیزه» هستند که حتی بصورت الکترون ها و پروتون های جدا استوارند ولی آنجاها که درجه حرارت پایین است مثل ماه که کره ایست مرده و سرد ، یا احيانا مثلا زحل که کمی گرم است و کره ای است که در کیفیت سیارات دیگر است ، وضع ماده همین است که هست و هیچ فرقی ندارد بنابراین اگر در روی زمین سنگ جواهری است که اسمش را می دانیم و روی زمین هم کشف کرده ایم روی ماه هم قطعا نیست . البته در دوران های بعد یعنی قرون ۲۴ و یا ۲۵ و یا دوهزار سال بعد منابع زیرزمینی کم خواهد شد . برای این که مرتب استخراج می کنیم و از طرفی روز بروز احتیاج زیادتیر می شود و همین طور میزان آهنی که در قرن ۱۸ استخراج می شد کفاف کیفیت صنعت امروز را نمی دهد و به همین میزان که اکنون استخراج می شود ، باید استخراج شود . پس بی شک این منابع تمام خواهد شد .

در یک روزنامه خواندم که نوشته بود بعضی از چاه های نفت را بسته اند چرا که تخمین زده اند تا چهار صد سال دیگر این منابع تخلیه خواهد شد . درست است که از نظر انرژی مهم نیست چون در آینده ممکن است بجای نفت الکتریسته بکار برد ، یا از انفجارات اتمی و انرژی ها دیگر استفاده کرد ولی آن صناعی که از خود نفت بوجود می آید مثل صنایع مولکول های غول آسا و یا اجسامی که از نوع پلاستیک های مخصوصند که دارای مقاومت زیاد می باشند ، یعنی ذرات آن بیک شکل اند ، بنابراین مستحکمتر هستند و این ها را صنعت لازم دارد . بنابراین اگر منابع نفتی نتوانست اینها را ایجاد کند و نشد ، مصنوعا می توان نفت را ساخت ، لامحاله باید نفت را از جای دیگر استخراج کرد . امروزه این امر امکان پذیر نیست چرا که تحقیقات و تفحصات معدنی روی مریخ و ماه و زهره نشده ولی دو هزار سال بعد که این منابع تمام شود ، آنرا از دنیا های دیگر استخراج خواهند کرد و به زمین خواهند آورد و اگر انسان با موجودات دنیا های دیگری مواجه شد همان تبادل تجارتي که بین کشور های زمین وجود دارد در آسمان بوجود خواهد آمد . بی شک بحثی نیست که دوهزار سال بعد بعضی از صنایع فعلی زمین خواهند مرده و یا این که مورد استفاده نخواهند داشت و صنایع دیگری بجای آن ها بوجود خواهد آمد که در واقع می توان گفت صنعت «فضایی» است و یک صنعت زمینی نیست و تمام این تحقیقات بروی سیارات منظومه شمسی قطعا انجام خواهد شد و هرچه بخواهیم از منظومه شمسی تامین خواهد شد . تجارت با دنیا های خارج در «آینده فضایی» در راه زندگی آینده بشر است . بشر تا این زمان روی زمین می زیست ولی اکنون در اندیشه زندگی در دنیا های دیگر است و در دو هزار سال بعد حتما در آن دنیا ها زندگی خواهد کرد و رفت و آمد بین دنیا ها ایجاد خواهد شد .

تلاش - اگر موجوداتی در سیارات دیگر منظومه

شمسی باشد و ما به آن سیارات دسترسی پیدا کنیم و روابطی برقرار گردد (بنده این سؤال را در تعقیب حرف هایی که سال گذشته درباره سرنشینان بشقاب های پرنده داشتیم مطرح می کنم) اگر واقعا مساله بشقاب های پرنده بدار نباشد و حقیقت داشته باشد - کما این که چندی قبل شایع شد که در شیراز عده ای شاهد حرکت بشقاب های پرنده در آسمان بودند - آیا یک مرتبه بنای زندگی مردم در روی زمین به علت رابطه ای که با ساکنان کرات دیگر پیدا می کنند بکلی تغییر نخواهد کرد ؟

هشترودی - مقداری از امور اعتباری است و سنت های انسانی خود بخود تا آن زمان مرتفع خواهد شد . مثلا اطلاق خواب که امروز اطلاق است برای خوابیدن یک نفر با یک فضای زاید بسیار ، در دنیای آینده ، همان طور که گمان می کنم فعلا هم در بعضی از کشور ها شروع شده ، اطلاق خواب یک اطلاق خیلی کوچک خواهد بود با یک تخت خواب ، چرا ؟ برای این که او فقط در موقع خواب در آن اطلاق زندگی می کند . اکنون یک دانشمند که مثلا در یک دانشگاه یا یک بنگاه فنی کار می کند ، نمی تواند تنها کار کند بلکه برای پیشرفت کار باید یک اکیب را خود تشکیل دهد ، و ناهارش را هم همان جا بخورد و فقط برای خواب که بیشتر از چند ساعت نیست به اطلاق خوابش می رود ، بنابراین به اطلاق خواب بزرگ احتیاج زیادی ندارد و از همین جهت در معماری آینده اطلاق خواب خیلی کوچک خواهد بود ولی دیوار ها و سقف متحرک است تا روز های تعطیل که باید مدت بیشتری در آنجا بماند و احتیاج به فضای بیشتری دارد بتواند دیوار ها را حرکت داده و فضای زیادی را بوجود آورد ، چون مجبور است با فرزندان و دوستانش مدتی را در آن فضا بگذرانند ولی در روز های غیر تعطیل از این فضای خالی برای کار های دیگر استفاده کند . مثلا ممکن است پارک های بزرگ برای یک عده از کارمندانی که شرایط زندگی مساوی دارند بوجود آید و اصلا این عده زندگی شان در آن بگذرد . و یا مثلا در آینده حتی خبرنگار روزنامه هم باید کارش را به طور دسته جمعی انجام بدهد . پس ملاحظه می کنید کارهایی که باید در خانه انجام دهیم کم کم از بین خواهد رفت . اما راجع به این که رابطه با دنیا های دیگر برقرار خواهد شد فراموش نکنید که اگر شرایط زندگی مساوی نباشد همزیستی مسالمت آمیز هم وجود نخواهد داشت . مثلا فرض کنید در منظومه شمسی به احتمال قوی جز در مریخ در جای دیگری زندگی نیست و مثلا در سایر کرات این منظومه بخاطر شرایط جوی زندگی وجود ندارد . باید توجه کرد که زندگی را بطور مطلق نمی توان تعریف کرد اما موجود زنده قابل تعریف است ، به این صورت که موجود زنده موجودی است که با محیط خارجش تبادل انرژی دارد یک انرژی هایی را می گیرد و بصورت انرژی شیمیایی و فیزیولوژی در می آورد و یک تبدیلی هم با خارج دارد .

مظاهر زندگی در روی زمین بکاربردن اکسیژن و تبدیلات

کلروفیلی در تغذیه که از اشعه مادون قرمز آفتاب بدید می‌آید. ولی ممکن است در یک منظومه دیگر سیکل، سیکل کربن نباشد و کربن سازنده موجودات زنده نباشد فی‌المثل بجای کربن، سیلیسیم سازنده بدن آن موجودات باشد و فی‌المثل احتیاجی به اشعه مادون قرمز نباشد. چون زندگی بشرزمینی زندگی نباتی است بنابراین زندگی کلروفیلی است. اما شاید در کرات دیگر این کار با اشعه‌های دیگری انجام بگیرد و هوای تنفس آن‌ها مثلاً سیانوژن باشد، و اگر قرار باشد عده‌ای از ساکنین چنین کره‌یی به زمین بیایند با انسان همزیستی مسالمت‌آمیز نمی‌توانند داشته باشند زیرا زندگی آنها در اینجا غیر ممکن است یا باید در شهرهایی که زیر قبه درست شده زندگی کند. یا نوع هوا



لیزر یا قوت

سازندگان از پروتوچوردی (برازیلیا) (مماسی)

از ما پیرتر باشند وسایل مورد احتیاج آن زمان را برای ما فراهم می‌کنند، همان طور که متلا دولت شوروی برای ما کارخانه ذوب آهن به وجود می‌آورد.

تلاش - درباره گزارشی که در فرودگاه شیراز در باره ظهور چند بشقاب پرنده دادند و در شماره فروردین مجله فضا درج شده بود، شما چه عقیده‌ای دارید؟

هشترودی - در باره این بشقاب‌ها خیلی صحبت شده حتی از ۲۵ سال قبل و از کتاب‌ان آمریکایی معروف که «چارلز فورت» نام داشته و اخیراً ترجمه شده با ذکر سند، چند نمونه از مشاهده بشقاب‌های پرنده را آورده است. این مساله را عده‌یی تکذیب کرده‌اند حتی در آمریکا



در آخرین سالهای قبل از جنگ تکذیب می‌شد ولی بعداً پرونده‌ها در اختیار یک مخبر فرانسوی «میشل کاروژ» که کتابی تحت عنوان «ظهور مریخیان» نوشت گذاشته شد.

مساله بشقاب پرنده را عده‌یی معتقد هستند توهم است و چون «رادار» اشتباه نمی‌کند و در بعضی کشورها با رادار دیده‌اند و بعداً فرستاده‌اند ببینند چیست، بنابراین آنچه می‌گویند توهم‌ذهن نیست ولی چندین سال است که در آمریکا و شوروی هیچ محقق حق انتشار مطلبی راجع به بشقاب‌های پرنده ندارد. چون این موضوع باعث وحشت می‌شود. و در وین کنفره‌ای با شرکت دانشمندان فضایی آمریکا و شوروی تشکیل شد و این مباحث مورد بحث قرار گرفت ولی نتایج آن منتشر نگردید.

تلاش - استاد باتوجه به تأییری که کشف فضا

روی انسان زمینی خواهد گذاشت اگر آدم‌زمینی بخصوص نویسنده و شاعر و دیگر هنرمندان به سیاره‌های دیگر راه پیدا کنند نقش اینها در هنر آینده چه خواهد بود؟

هشترودی - بی‌شک بین پیشرفت دانش و تحول هنر یک رابطه نامکشوف و یاربطة «محرمی» وجود دارد که به صورت قطع آشکار نیست برای این که از هرکسی پرسید خودت را می‌شناسی؟

مسلماً جواب مثبت می‌دهد، چون اگر خودش را نشناسد هیچکس را نمی‌شناسد ولی باین همه در علوم انسانی پیشرفت خیلی کمتر هست چرا که در این اواخر بعد از ۲ هزار سال کوشش در معرفت فردی مساله حافظه درست روشن نبود که چیست تا این که بوسیله کمپیوترها مقداری از مسایل یاد بودهای بشر حل شد، یعنی کاری که در روانشناسی انجام گرفته تمام به وسیله دئون بینی یا «اتروس بکسیون» انجام گرفته. یعنی در علوم عینی و «پوزیتوو» روش تحقیق بر بیرون نگری است. یعنی بایستی فرد را مانند امور متعین خارجی در نظر گرفت و مطالعه کرد. مثل علوم فیزیکی.

در هر حال باتمام پیشرفت‌های علوم پیشرفت زیادی در بسیکولوژی فردی نشده تاجه رسد به علوم اجتماعی. ولی این‌ها باهم یک رابطه «محرمی» دارند. مثلاً خود دستگاه‌های هنری، هنر بجز مجسمه سازی و معماری که بکلی در فضا هست یک کمی تجرید دارد یک بعد را تجرید می‌کنند بعد سوم را «پرسپکتیو» و احیاناً پرسپکتیورنک نقاشی می‌گویند. در وسط، ادبیات قرار دارد که یک کمی به موزیک نزدیک است و به کلی هنر مکانی نیست یعنی شعر را که می‌خوانید در زمانست، در حالی که مجسمه‌یی که ساخته‌اید در مکان است. درست است که شما مطالعه روی مجسمه را در زمان انجام می‌دهید ولی مجسمه در فضاست. اما به بینیم علوم در هنر چه تأثیری دارد. ریاضی به موسیقی خیلی کمک می‌کند و آقای دکتر «برکشلی» همکار من در دانشگاه از این تحقیقات زیاد کرده‌اند چون به هر دو فن یعنی موسیقی و فیزیک واردند و کتابی نوشته‌اند و نشان داده‌اند که چگونه علوم ریاضی در موسیقی دخالت کرده است و چگونه «صفی‌الدین ارموی» نت‌ها را می‌شناخت. در مجسمه سازی هم اگر دقت کنید می‌بینید تمام قوانین پرسپکتیو شناخته شده است، فعلاً ابعاد و تمام قوانین پیکر تراشی را هنرمند رعایت می‌کند. اما ریاضیات در نقاشی که اندازه گیری رنگ در آن مربوط به خود نقاشی نیست و در واقع فیزیک است و همین طور ادبیات و هنر‌هایی که در وسط قرار گرفته‌اند، دخالت زیادی و شاید هم اصلاً دخالت نکرده است چون برای این دو هنر، دانش به کمک آمده.

بنابراین دانش یک رابطه «محرمی» بایشش دارد که مراد از بیشش همان بیشش هنری است. نه بیشش عرفانی. ولی این رابطه «محرم» درست شناخته نیست و شاید هم هیچوقت شناخته نشود. این راز زندگی است و راز زندگی حل شدنی نیست. زیرا که زندگی باید روزی تمام بشود اگر این راز شناخته شد، این ابدیت است و

ابدیت به انسان عطا نشده ، بنابراین این بستگی محرمی که بین دانش و بینش هست ، تحول دانش آن بینش و هنر را بذات تغییر خواهد داد . پس انسان وقتی رو به آسمان ها کرد و به آسمان ها رفت ، معیار ها تغییر می کند . امروز شعر انسان را وقتی خیلی می خواهیم تجلیل کنیم مثل شعر حافظ ، می گویم شعر او « نغمه آسمانی » است و می گویند شعر او از آسمان و ملکوت به زمین آمده است ، ولی به گمان من این يك مقداری بعکس خواهد بود و از ناسوت روح انسان را به ملکوت خواهد برد و بشك هنر دیگری زائیده خواهد شد که از هنر امروز ما کاملتر است و هنری است که جنبنده تر و زنده تر است شما اگر موسیقی را که بکلی جنبنده است بگذارید کنار - در نقاشی و مجسمه سازی زندگی کشته می شود . زیرا مجسمه و نقاشی جسم جامد است ، متحرک نیست ، جنبنده نیست ، دینامیک نیست ، زنده نیست . در حالی که زیبایی و هنر اصلا زندگی است ، علم زندگی است ، معنی زندگی است . کاری که موسیقیدان یا شاعر و نویسنده می کند ، زندگی است در حالی که پیکر تراش و نقاش اول باید زندگی را بپیراند ، بعد پیکر بکند ، اما موزیسین درخود زندگی زیست می کند . بعقیده من راه گشایی به آسمان ها تمام هنرهای زمینی را جنبه دینامیکی خواهد داد که اصلا امروز برای ما قابل تصور نیست .

بنابراین هنر راه تکاملی خود را در تأثیری که از دانش خواهد گرفت ، ادامه خواهد داد و چون در فضا دانش کامل تر شده ، بشك هنر موفق تر خواهد بود .

تلاش - استاد ، بگویند در مورد استفاده از اقمار مصنوعی بشر چه پیشرفتی کرده است ؟
هشترودی - عرض کنم که البته در هواشناسی و مته اورلوزی از اقمار مصنوعی که دور کره زمین قرار گرفته اند بسیار استفاده می شود و این اقمار اوضاع جوی را از چند ماه قبل گزارش می دهند که به وسیله رادیو ها و تلویزیونها بخش می شود . مثل کشور های آمریکا ، انگلیس و شوروی که کیفیت جوی را از چند ماه پیش می گویند . این بعلت وجود همین اقمار مصنوعی است . قبالطبقات عالیہ جو در دسترس بشر نبود . چیز هایی هم حدس زدند که درست از آب در نمی آمد و اختلافات فاحش بود اما اقمار مصنوعی به کلی بشر را به ماوراء جو آشنا ساخت . بنابراین فعلا به وسیله اقمار مصنوعی جای امواج و مسیر آن ها را می دانند و همین طور می دانند که این امواج به کدام طرف خواهند رفت . بنابراین خطرات هواپیمایی خیلی کم خواهد شد . برای این که قبلا مسیر را تعیین می کنند . پس می فهمند کدام مسیر خطرناک است . مطابق اطلاعاتی که دارند طیاره یا بطرف آن مقصد نمی رود و یا از آن مسیر اجتناب می کند . البته در ایران ما هنوز پایگاه های کامل مته اورلوزی به آن کیفیت نداریم ولی برای ماهواره ها فقط يك رصد خانه خیلی کوچکی در شیراز هست که تحت نظر دانشگاه تهران است . یعنی زیر نظر انستیتو ژئوفیزیک کار می کند و در باره ماهواره تجسس می کند ولی تا آنجا که من اطلاع دارم دستگاهی

صفحه چهارم

که بتواند نتیجه علمی استخراج کند ، فعلا در اختیار ما نیست . ولی بشك از این رصدخانه کوچک خیلی استفاده می شود ولی اگر چندی بعد مراکز بین المللی برای تلویزیون بوجود آورند خواهند توانست تلویزیون های اروپا و آمریکا را به آسانی به کمک همان ماهواره هایی که برای این رابطه گذاشته اند ، بگیرند .

بنابراین ملاحظه می فرمایید که اگر مراد ، استفاده از این ماهواره ها استفاده های تفریحی یا تعلیماتی از نظر پیشرفت علوم باشد ، روزی که این مراکز ایجاد شود بکلی در اختیار تمام کشور ها من جمله ایران قرار خواهد گرفت ولی دستگاه هایی مخصوص که بوسیله آن ها استفاده های علمی از ماهواره می شود ، هنوز در ایران وجود ندارد . البته من اطلاع دقیق ندارم . و گمان می کنم هنوز بوجود نیامده . چون در شیراز هم چنین نمونه ای نداریم ولی باین همه هواشناسی که استخبار می کند و در رادیو خبر می دهد و می بینید که خبر هایی که از طرف اداره هواشناسی بخش می شود چقدر به حقیقت نزدیک است و خیلی کم اتفاق می افتد که اشتباهی رخ دهد و این بعلت وجود همین رصدخانه شیراز و کمک از ماهواره هست . برای این که تحقیقات دقیق تر انجام می گیرد و بشك برای اطلاع از وضع هوا از آن ماهواره ها استفاده می کنند . البته ایستگاه ثابتی در ایران نیست و گویا در نظر است که چنین ایستگاهی ایجاد شود .

تلاش - استاد در تعقیب این بحث علمی می خواستم از شما خواهش کنم آخرین کشفیاتی که در رشته های علمی و پدیده های تازه که در دنیا بوجود آمده شما چه اطلاعی در اختیار ما می توانید بگذارید ؟

هشترودی - عرض کنم که دو امر ، دو علم ، دو دانش که تقریبا در نیمه دوم قرن بیستم بوجود آمد (یکی البته کمی قدیمی تر پیدا شده و دو دانشی است که مهد هر دو در آمریکا بوده) حتما شنیدید یکی از این دو دانش نظریه آگاهی یا تئوری آنفرماسیون است و یکی هم « سیرنیتیک » . یعنی همان چیزی که سر انجام به ماشین های خودکار منجر شد و ماشین های خودکار را از روی این نظریه ساختند . نظریه آگاهی یا آنفرماسیون به وسیله شانون مهندس آمریکایی بنیان دیزی شد و سیرنیتیک را استاد فقید ریاضی (نوربرت وینر) که استاد M.I.T. بود در آمریکا بنیان نهاد .

البته چون سؤال را از نظر دانش فرمودید بنده این مطلب را به این گونه طرح می کنم . این دو دانش موارد استعمال عجیب و غریبی دارند که وقتی به کسی که از این دو علم اطلاعی نداشته باشد ، بگویند خیال می کند سحر و جادوست .

من يك مثال ساده اش را می گویم البته مسائل خیلی مشکل تر از این به وسیله تئوری آنفرماسیون حل می شود . شما يك خبری را از جایی می گیرید خوب احیانا حدس می زنید که در آن خبر یکی ، دو مورد اشتباه است معمولا در قدیم می آمدند از نو کنکاش می کردند ، دوباره جستجو می کردند و این زمانی وقت می گرفت و بشك در همین زمان

مقدار خرجی هم ایجاد می کرد ولی حالا نظریه آگاهی با کمترین حد کنکاش و تحقیق خطا را فوراً رفع می کند . این یکی از پیشرفت های عجیب دانش بشمار می رود . ولی علوم نظری و مثبت دارای قوانینی است که ضرورتا اندازه گیری لازم دارد بنابراین ممکن است در قدیم کمابیش تئوری آنفرماسیون نظری وجود داشته است ولی اندازه گیری آن را مهندس « شانون » بوجود آورده است .

مثلا می گویند علم جنایت شناسی یا « کریمنولوژی » که به مفهوم علم پوزیتیو ، علم نیست ، برای این که شما نمی توانید بگویند که این مجرم چند بار از آن مجرم مجرم تر هست ، ولی در علم آنفرماسیون ما قادر هستیم همه چیز را بسنجیم . اصل مساله نظریه آگاهی که بسیار مهم است این است که مهندس شانون راهی پیدا کرده که بتوان اموری را که تاکنون از نظر علمی پوزیتیو بودند ، اندازه گیری کرد و این واقعا اعجاز است . مثلا يك زندانی در اطاقی زندانی است که دارای دو در است ، در آزادی و در مرگ ، و پشت این دو در دو نگهبان است که یکی راست می گوید و دیگری دروغگو است . و به این زندانی حق داده اند تنها يك سؤال از یکی از این دو بکند ، و بایک سؤال بفهمد در آزادی کدام یکی از دو در است . ببیند این مساله ای است که اگر بخواهیم بامنطق قدیم پیدا کنیم امکان ندارد ولی حالا در تئوری آنفرماسیون یا منطق جدید به آسانی به وسیله چیز هایی که ضوابط فکر است می شود پیدا کرد یعنی کافی است که از یکی از این دو بپرسید که اگر از رفیق تو بپرسم در آزادی کدام است ، چه جوابی می دهد ؟ مسلما آن که راستگو است از طرف پاسدار دروغگو جواب دروغ خواهد داد ، و اگر خود او دروغگو است بدیهی است که پاسخ دروغ است . بنابراین هر دو در مرگ را نشان خواهند داد ، پس ، آن در دیگر در آزادی است . بنابراین از آن در دیگر باید بیرون بروید .

این دانش قبلا باین صورت وجود نداشت . دانش دوم هم که سیرنیتیک است و سرانجام آن ماشین های خودکار و کمپیوتر شناخته شده . اساس آن بر پایه عجیبی است . نوربرت وینر وقتی به تقاعد نزدیک می شد ، می کوشید که بدن يك موجود زنده را نمونه بندی کند که چه طور بدن يك موجود زنده خودش را با طبیعت وفق می دهد . یعنی خرس قطبی چه طور وقتی که زمستان شروع می شود درجه حرارتش کم کم آنقدر پایین می آید که به صفر درجه می رسد و مثل يك مست می افتد ، قلبش در دقیقه يك بار می زند و تنفس او هم کم می شود و بهار که شروع می شود درجه بدن کم کم زیاد می شود . راز دیگر بدن حیوانات خود تعمیری اعضا بدن است که مثلا يك نفر ممکن است چند مرتبه سخته کند و مجرای خونس بسته شود ، باز بدن اتوماتیکمان دریچه دیگری را می گشاید و زندگی می دهد . در آخرین کتابی که نوربرت وینر نوشت و بعد از مرگش منتشر شد به اسم « امواج مغز » . او در این راه کوششی می کرد یعنی ریاضیات قرن بیستم و چون دانش در قرن بیستم متحول است برای این که می کوشند همه چیز را به لباس ریاضی

درآوردند .

تلاش - این دانش سبیرنتیک چه چیزی را بوجود آورده است ؟

هسترودی - ماشین خودکار کمپیوتر و تمام مسائل فضایی را. اگر سبیرنتیک نبود این کار ها انجام نمیشد، و لویا وجود تئوری آنفرماسیون. یک تئوری سومی هم وجود دارد که در کنگره ریاضی استکهلم دانشمند شوروی از باز گفتن مبانی آن خودداری کرد و گفت که از طرف دولت شوروی مجاز نیست. و این نظریه صعوبت است مثلا آوردن آب خزر به کویر کاری است مشکل . کندن کوه البرز هم کار مشکلی است ولی کدام یک مشکلتر از دیگری است ؟

یک دانش وقتی وجود دارد که مفاهیم و تجربیاتش را اندازه بگیریم .

تلاش - استاد حالا پس از مطالبی که در باره « تئوری آنفرماسیون » و « سبیرنتیک » و ریاضیات و دستگاه های مربوط به آن بیان داشتید ، بجا خواهد بود که در مورد « لیزر » و « لیزر » این دو پدیده مهم و دیگرگون کننده جهان علم مطالبی بیان فرمایید .

هسترودی - « لیزر » ایجاد یک دستگاه تقویت انرژی است که در تجربیات فیزیکی خود بخود کشف شده است و اساس آن از بین بردن فازهای امواج است (چه اشعه نورانی و چه اشعه حرارتی و یا هر انرژی دیگر) که در نتیجه امواج در یک لحظه معین تقویت می شود . بنابراین انرژی موجی از یک دسته اشعه نور یا حرارت میلیون ها تشکیل می شود و می توان از وجود این انرژی عظیم در خیالی از مسایل فنی استفاده کرد .

در پشت صندلی مخفی باشد بابرگرداندن سر و متوجه کردن نگاه به آن شیئی می توان آنرا دید و در تصاویر فضایی لیزر ، عینا این عمل در تصویر امکان پذیر است ، در حالی که برای عکسهای سه بعدی این امکان وجود ندارد .

تلاش - در باره آئینه های موازی و این که می گویند لیزر بدون آئینه های موازی نمی توانست اختراع شود لطفا توضیحی بدهید ؟

هسترودی - بله ، لیزر شبیه آئینه های موازی است که هر ذره ی نور یعنی فوتون را در واقع به چندین هزار منبع نورانی بدل می کند و در نتیجه نور تشدید می شود و از این نظر می توان گفت که لیزر شبیه آئینه های موازی است .

تلاش - استاد ، لیزر در طرح یا گسترش کمپیوترها چه نقشی داشته است ؟

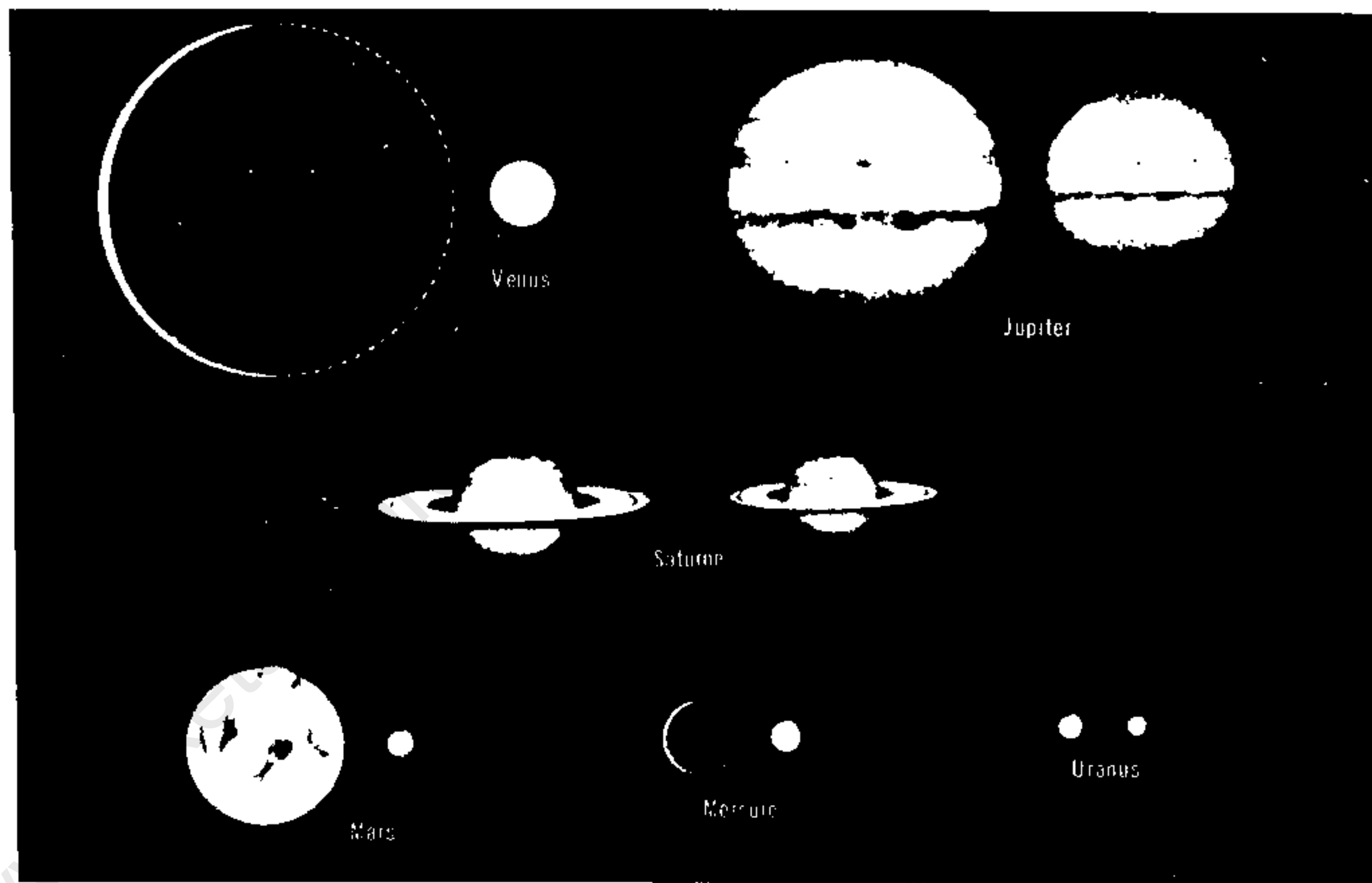
هسترودی - فعلا نقشی اساسی در سبیرنتیک ندارد. زیرا لیزر برای چندین برابر کردن انرژی ها بکار می رود ، در حالی که در سبیرنتیک این مساله مطرح نیست.

تلاش - درباره آینده لیزر و استفاده از آن در علوم فضایی و زمین و مسایل انسانی نظر شما چیست ؟

هسترودی - وقتی منابع انرژی در دست انسان قوی تر بود، امکان انجام خیلی از امور حتی در فضاهای دور بیشتر می شود. میتوان با تقویت انرژی حرارتی به کمک نور ، اشعه انرژیکی ایجاد کرد که از روی زمین ماه را از نیمه پرید فعلا در نظر است که در عمل جراحی از آن استفاده شود، زیرا این اشعه را می توان بکلی در مجرای معینی نگاه داشت یا بزبان ساده انکسار و انعکاس این اشعه بسیار نادر و تقریبا ممنوع است. بنابراین در جراحی می توان با استفاده از آن جسم ژانده را به سهولت و در چند ثانیه برداشت و این معالجه قطعا نه تنها سریع تر است، بلکه قطعی تر است . البته استفاده های دیگری بی شک از لیزر در رشته های علوم در آینده خواهد شد.

تلاش - دانشمندان ایرانی که در حال حاضر در ریاضیات و دانش های نو کار می کنند ، چه در ایران و چه در کشور های مختلف خارجی ، چه کسانی هستند ؟ غیر از شخص خودتان که یک دانشمند بزرگ امروز ایران ، بلکه جهان هستید، نام چندتن را ببرید.

هسترودی - عده این اشخاص بسیار هستند که شاید نام بیشتر آنان را من نمی دانم. از جمله دکتر جوان در آمریکا و دکتر خسرو شادان در لابراتوار اتمی ساکله و جزء استادان ژوری تر دکترا است و جزء فیزیسینهای است که در اتم خیلی وارد است و در آمریکا دکتر امیر معز، دکتر ریاضی و دکتر آریان که دانشکده فنی را تمام کرده ، او هم در ریاضی درجه دکترا گرفته و هردو تدریس می کنند. اشخاص دیگری هم هستند که اسمشان را من فراموش کرده ام مثل دکتر علی اصغر زاده که استاد رسمی دانشگاه کلمبیا بود و فعلا شاید در دانشگاه دیگری است. ولی هستند متخصصین دیگری که در رشته های دیگری کار می کنند و اغلب آنان را نمی



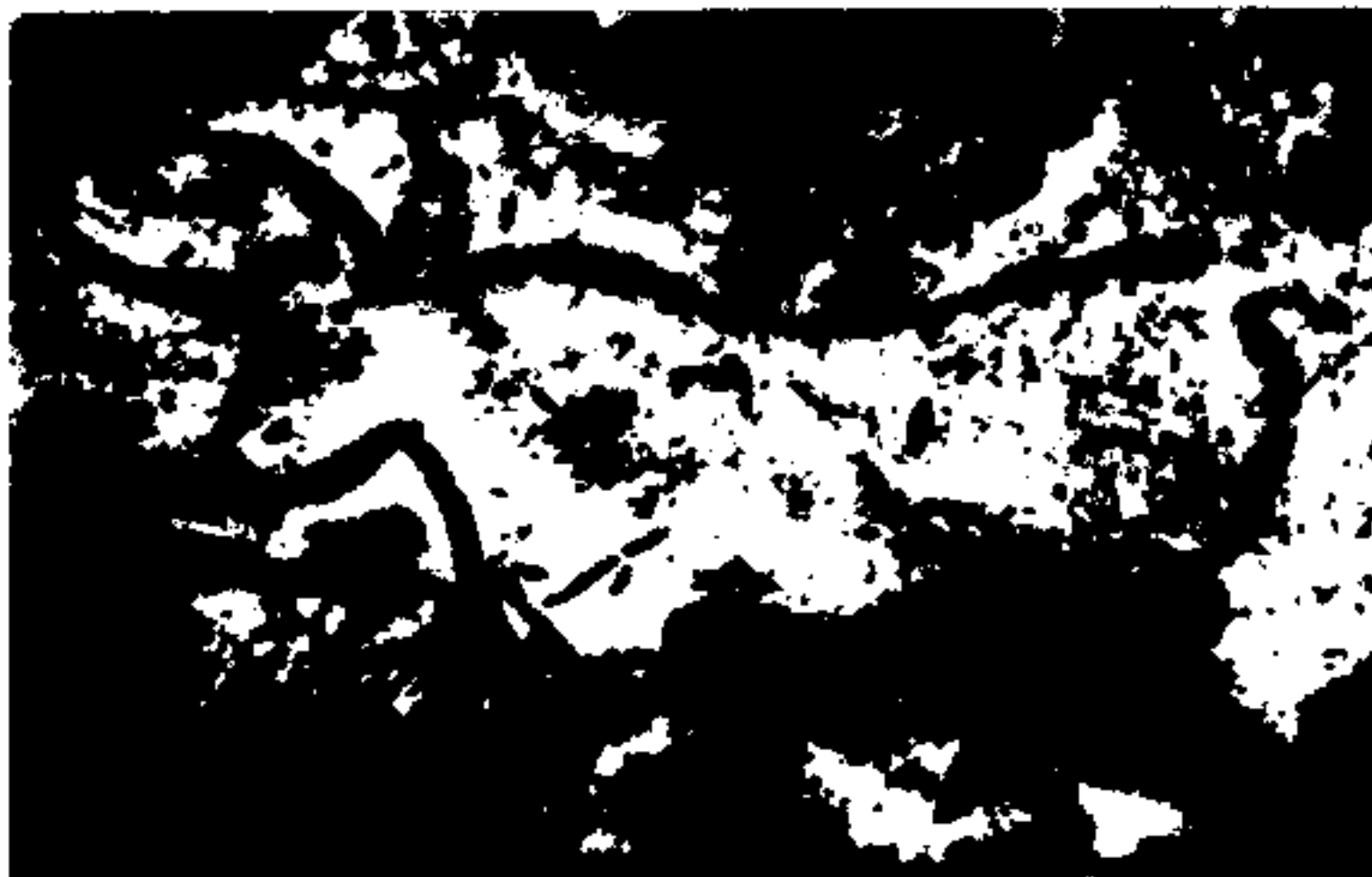
ظاهر سیاره ها از دورترین و نزدیکترین فواصل

جسمی که این کار را می کند (آنچه تاکنون مشاهده شده) قطعه بلوری از یاقوت است . یعنی در واقع یاقوت مخصوصی است که چون اشعه نورانی یا انرژی از آن عبور کند هنگام خروج فاز های آن همه از بین رفته و شدت انرژی چندین هزار برابر می شود .

در پیشرفت تکنیکی که بر « لیزر » متوقف است دکتر « جوان » یکی از بنیان گذاران این دانش جدید است ، و از طرف ریاست جمهوری آمریکا جایزه هم دریافت داشته است .

یکی دیگر از فواید « لیزر » یعنی این یاقوت ، تهیه عکسهای فضایی است ، نه مثل آنچه که تاکنون تصویر سه بعدی می نامیدند ، بلکه در عکسهای که بالیزر گرفته می شود تمام دید سه بعدی در آن تصویر عرضه می شود . فی المثل اگر جسمی

و در واقع در مقام ریاضی این محکی هست که برای ساده کردن اعمال مختلف انجام می گیرد ولی اصول این تئوری را نگفت . اما نتایج آن را بازگو کرد . قطعا بعد هم تکامل خواهد یافت . اما محور اصلی فرضیه نسبیت انشتین بود که در همه جا راه پیدا کرد و تقریبا یک کلید گشایش برای مشکلات محسوب می شود و یکی هم مساله سبیرنتیک و تئوری آنفرماسیون است که دید انسان را در مسائل فنی بطور کلی عوض کرده است . بنابراین هرچه می بینید اثر این دو نظریه هست . بطور کلی در تکنیک دو مساله خیلی مهم است یکی کمترین خرج و دیگری کم ترین وقت و این دو امر مهم به وسیله دو نظریه فوق عملی شده، چون اکنون اثر یک طرحی داده شود به وسیله نمونه بندی زیادی خرج آن هم معلوم است .



طرحی از (۱۰-۱) هزار سال قبل

ممکن است در آمریکا به انگلیسی برگردانند.
تلاش - چرا به فارسی ترجمه نمی کنند ؟
هشترودی - اولاً اصطلاحات آن تطبیق نمی کند
و چون بیشتر جنبه تحقیقی دارد نمی توان به فارسی
برگرداند.

تلاش - کتاب فارسی تازه ای برای چاپ در
دست ندارید ؟

هشترودی - قرار بود مجموعه سخنرانی های
من چاپ شود که وقت جمع آوری آن را نداشته ام
و اگر ان شاء الله همتی شود جلد سوم جهان اندیشه
چاپ خواهد شد.

تلاش - ما منتظر هستیم، چون بسیاری از
علاقه مندان شما هستند که ممکن است از طریق
رادیو و تلویزیون صدای شما را نشنوند و دانشجو
هم نباشند ولی هرگاه اندیشه های شما بصورت
کتاب چاپ شود برای آن ها که دوستدار و شیفته
شما هستند هدیه ای ارزنده خواهد بود.

هشترودی - من از حسن ظن شما بسیار متشکر
و امیدوارم که در مصاحبه هایی که بعداً روی می-
دهد بعضی اصول علمی را که چندان مورد توجه
قرار نگرفته با خوانندگان در میان بگذارم.

تلاش - سپاسگزاریم.

شناسم ولی خیلی زیاد هستند. می دانم خیلی هستند.
در قسمت پزشکی در آمریکا خیلی ها هستند. در
قسمت شیمی و فیزیک هم همین طور. و یکی دیگر
خانمی است که اسمش را فراموش کرده ام. این
خانم تدریس شیمی صنعتی عالی را انجام می دهد.
ویک دیپارتمان هم در آمریکا زیر نظر اوست از
دکتر آوانسیان هم باید یاد کرد که استاد ریاضیات
دانشگاه استراسبورگ در فرانسه است.

در دانشگاه کلمبیا هم خانم ایرانی استادی
است که به تدریس ادبیات قرن نوزدهم انگلیسی
به زبان انگلیسی مشغول است. به عقیده من هر
انسانی تمام استعداد های نهفته را دارد. و این
شکل تربیت و این که او را چگونه پرورند و چه
امکاناتی به او بدهند مهم است و دگارت هم می
گفت استعداد و هوش یکی است و بستگی به تربیت
دارد. و می توان چندین طفل را آورد و یکی را چنان
پرورش داد که نقاش بزرگ بشود و یکی را کاشف و
هنرمند بوجود آورد و یکی را هم می شود چنان
تربیت کرد که فیزیسین بزرگی بشود. بنظر من
استعداد در همه اطفال یکی است.

تلاش - درباره برنامه هفتگی خودتان از نظر
تدریس، مطالعه و در دانشگاه های تهران و اصفهان و
مشهد مختصری بفرمایید.

هشترودی - چندین سال است به تدریس نظریه
اعداد و تئولوژی و نظریه های همجواری در دانشگاه
های تهران، اصفهان، مشهد تدریس می کنم البته
دروسش متفاوت است و اکنون مثلاً نظریه تحلیلی
اعداد را از امسال در برنامه خود وارد کرده ام که
قبلاً نبود و در نظریه اعداد هر قسمتی را خود استاد
می خواهد می گوید و در تهران هم با کمک استادان
دیگر و همکاران در سال چهارم که نظر محبت هم
بمن دارند تدریس انجام می گیرد و در آنجا قسمت
مهم کار من این است که دانشجویان مراجعه
می کنند و در واقع درس خصوصی است، چهار
ساعت هم تدریس نظریه اعداد، نظریه همجواریها
و تئولوژی را مقداری تعلیم می دهند. در اصفهان
و مشهد هم هفته ای پنج ساعت یعنی ۲۰ ساعت در
ماه تدریس می کنم.

تلاش - استاد کتاب تازه ای در دست ندارید ؟
هشترودی - نه، فقط یک کتابی است
تجدید چاپ می شود به زبان فرانسه در دانشگاه راجع
به نظریه همجواری و چون ۱۵ سال قبل مقدار کم
چاپ شده بود، دوباره تجدید چاپ می شود و



رویا از سالوادور دالی (معاصر)



موسیقی و رقصهای فولکلوریک ایران

- رقص های محلی ما به علت عدم توجه و برای خوشایند بیشتر تماشاچی به صورت «اتراکسیون» درآمده است .
- رقص های فولکلوری گاهی چون کویر صاف و آرام و گاهی چون کوهستان پرتحرک و هیجان انگیز است .

لیلی تجدد :

در سال ۱۳۲۳ به دنیا آمد و تحصیلاتش را در تهران به پایان رسانید و به لندن رفت ، وارد «گالچ» رقص و هنرهای «دراماتیک» لندن شد . در ابتداء رقص های «مدرن» و رقص های تلویزیونی و صحنه ای انگلیس مورد توجه اش بود و بعد به رقص های «مدرن» آمریکا پرداخت و «جرورابین» کارگردان رقص های فیلم داستان «اوست ساید» معلم اش بود . او به کارهای «مارتا گراهام» استاد معروف «باله مدرن» امروز آمریکا که تکنیک کار خود را بر روی رقص های شرقی مخصوصا رقص های مذهبی هند قرار داده است ، علاقه نشان داد و بعد به مطالعه رقص های گذشته یونان و همچنین موزیک یونان که آزادی زیادی برقصنده می داد پرداخت و در کنار تمام این ها برای تنوع به مطالعه رقص های ملل مختلف چون اسپانیا ، رومانی ، یوگسلاوی و شوروی پرداخت و آنچه که دیگران در این راه انجام داده بودند این آرزو را در او برانگیخت که روزی رقص های فولکلوری سرزمین خود را روی صحنه های بزرگ ببیند . به این امید به سرزمین مادری خود بازگشت و به تعلیم پرداخت زیرا خود معلمی تحصیل کرده بود . همچنین به جمع آوری و تنظیم رقص های فولکلوری و تربیت هنرآموزانی که بتوانند این رقص ها را اجرا نمایند پرداخت . در روز های اخیر ما شاهد حاصل فعالیت های یک ساله او بودیم و کار هنرآموزانی را که تعلیم داده بود دیدیم . شاید این نخستین اجرای واقعی رقص های فولکلوری گوشه ای از سرزمین ما در تالاری چون رودکی بود . «لیلی تجدد» در این برنامه گوشه هایی از رقص های فولکلوری تربیت جام و بلوچستان را ارائه داد . و ما با وی از رقص های فولکلوری ایران سخن گفتیم :

است . رقص در ابتدا انعکاس یک احساس درونی بود که حرکتی به دنبال داشت احساسی که بعد ها با زندگی و آداب و رسوم مردم درآمیخت و بیانگر شادی ها و غم ها شد . در نزد بعضی ملل به همان صورت ابتدایی خود باقی ماند و در نقاطی تکامل پذیرفت و با ادبیات و موسیقی ملت خود درآمیخت تا این که امروز جایی بزرگ را در هنر ملت خود ، بخود اختصاص داده است . بهر حال آنچه در این میان با ارزش است و هسته اصلی رقص های فولکلوریک را می سازد احساس است که بستگی تام به شرایط جغرافیایی و آداب و رسوم مردم دارد و ملت ما از این لحاظ یکی از غنی ترین

لیلی تجدد : باید دید که اصولا فولکلور چیست ؟ فولکلوریک سری سنت ها ، عادت ها ، نقل ها ، شادی ها و عزا هاست که از گذشتگان ملتی برای بازماندگان شان به جا مانده و حفظ شده و خطوط اصلی چهره فرهنگ و تمدن ملی را نشان می دهد . مثلا یک فرنگی وقتی عزادار است خیلی آرام به مراسم عزاداری می پردازد ولی یک دختر ایرانی وقتی شیون و زاری و بی قراری مادرش را در مرک عزیزی می بیند تقلید می کند و این سنت و عادت و فولکلوریک ملتی می شود و رقص نیز سنت دیگری است همراه با مراسمی خاص ، سنتی که گاهی برای شادی ، گاه عزا و گاه پرستش

گفتگوئی

با لیلی تجدد

درست می‌کردند و بعد ها به نام «چغه» یا «جق جقك» به دست اطفال افتاد و هم‌اکنون در ارکستر های جاز بنام «مالاکاس» مسورد استفاده قرار می‌گیرد .

بنابراین همان گونه که ساکس آلمانی «اخلنکدو» را جزو ساز های ضربی ایرانی در فرهنگ خود ثبت کرده است ، این ساز را هم باید از ساز های باستانی ایران منظور نماییم و با این اندیشه همچنان که «اخلنکدو» پس از قرون متمادی سرانجام بازیچه اطفال شد ، چغانه نیز پس از گذشت زمان های دراز بالاخره بازیچه اطفال ایرانی گردید . ساز دیگری که نواختش در میان مردم ایران رواج بسیار داشت ، ارغنون بود که از خانواده ساز های بادی است که بنابر فرهنگ یونانی «کانون» گرفته شده و در دیوان ها به صورت های مختلف آمده که امروزه شکل تکمیل شده آن را به صورت ارگ دستی ، پایی ، آبی ، برقی و آکوردئون می‌بینیم .

آن چه در موردش کمتر سخن گفته شده ارغنون دهنی است که مردم ایران آن را موسیقار و چینی ها «شنک» و اروپایی ها «فلوت پان» می‌نامیدند و ایرانیان امروز آنرا ساز دهنی می‌گویند موسیقار سازی است با سابقه طولانی و در بخشی از پیکره برجسته شکار گوزن طاق بستان چند نوازنده ارغنون دهنی حاك شده است .

تلاش - بعد از این گفتار مفصل راجع به ساز های موسیقی فلکلوری ما ، زمان آن رسیده که به موضوع اصلی این گفتگو یعنی رقص های فولکلوری این سرزمین بپردازید .

لیلی تجدد - سرزمین ما سرزمینی گسترده است که در هر گوشه آن مردمانی با آداب و رسوم و سنتها و جغرافیای خاص

دست می‌دهد که امروز اثری از آن هانیست و هم‌چنین ساز هایی در میان مردم ما مرسوم بوده که امروزه نمونه‌یی از آن ها در دست نیست و ما فقط نامشان را در کتب و روایات و احیاناً شکلی از آن ها در نقاشی ها می‌بینیم . از جمله این سازها ، ابرجن یا جلاجل است که مجموعه‌یی از زنگوله های کوچکی بوده که پیاپی می‌بستند و به هنگام پایکوبی رنك موسیقی یا به اصطلاح موسیقی قدیم

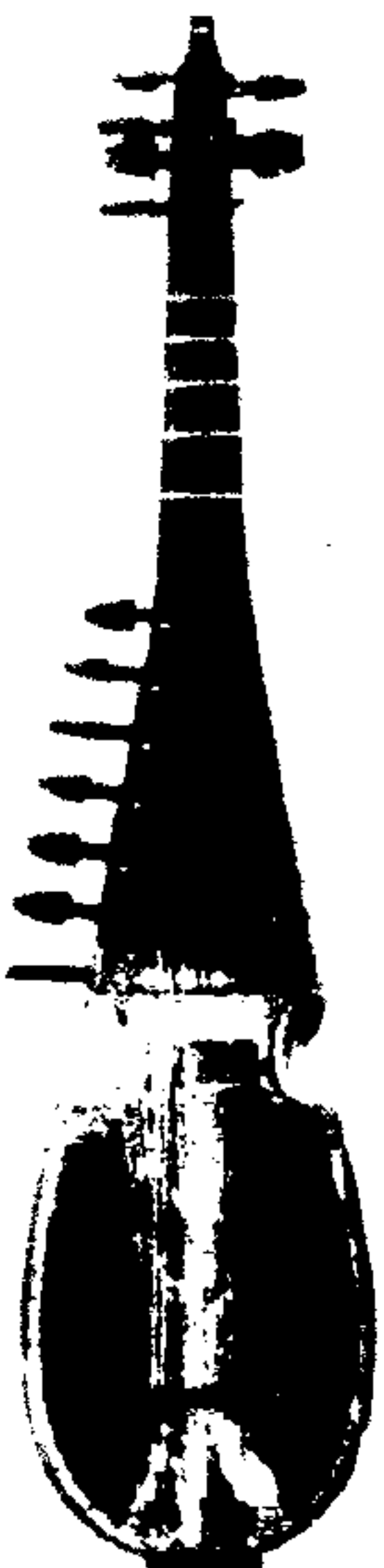


اصول را بدان نگاه می‌داشتند و نامش بکرات در دیوان شعرا و نویسندگان گذشته ، چون نظامی ، منوچهری ، عطار و کتاب برهان قاطع آمده است و یا «اخلنکدو» که سازی شبیه لیموی تو خالی که از چوب ساخته می‌شده است . این ساز از لیمو کمی بزرگتر و درونش خالی بوده و در آن سنگریزه می‌ریختند . نویسنده برهان قاطع آن را بازیچه دانسته و ساکس آلمانی در فرهنگ کامل موسیقی خود آن را يك ساز ایرانی نامیده است ، این ساز شبیه چغانه است و چغانه خود از مجسمه انسان ترتیب داده می‌شد که درون آن نیز سنك ریزه می‌ریختند و هنگام پایکوبی برای حفظ وزن موزيك آن را به حرکت در می‌آوردند . این ساز رفته رفته تغییر شکل داد و به جای مجسمه آن را از جعبه مدوری که از جنس چوب یا مس بود

منابع را در اختیار دارد . در ایران ، ما قسمتهای کویری ، کوهستانی و نقاط سرسبز داریم که می‌توانیم رقص هایی چون کویر ، صاف و بی تحرك و رقص هایی پر تحرك چون کوهستان ها ، دریاچه ها و هیجان - انگیز و آرام و پر نشاط چون کرانه های دریای شمال ببینیم .

آنچه این رقص ها را بنا می‌کند ساز ها و حرکت ها است و این حرکات و ساز ها از گذشته‌یی بس طولانی برخوردارند ، در آثاری که از نقاط مختلف این سرزمین به دست آمده نقوشی از رقص ها و ساز ها حتی مربوط به ماقبل تاریخ به چشم می‌خورد . ساز هایی که امروز در دست مردم خود می‌بینیم نمونه های تکامل یافته همان سازهاست . در میان ساز های مختلف ساز های ضربی و بادی در موسیقی فولکلوری ما نقش بسیار عمده‌یی دارد و حتی در کتیبه های بیستون نقش برجسته نوازندگان با ساز های ضربی دیده می‌شود . درباریان ایران باستان نوازندگان داشته‌اند که کارشان ایجاد شادی بود ، چون ساز های ضربی بیشتر شادی آفرینند ، لاجرم مورد عنایت بیشتری قرار می‌گرفتند . این ساز ها بعد ها به میان مردم رفت و امروز آن ها را بنام دهل ، دف و سورنا می‌شناسیم ، که در نقاط مختلف ایران با کمی اختلاف یافت می‌شود و ساز های اصلی موسیقی فولکلوری ما را تشکیل می‌دهد .

نقش هایی که از رقص ها و آلات مختلف موسیقی در کندو کاوها در حفاریهای تپه های «سیلک» کاشان و «چشمه علی» به دست آمده و هم‌چنین آثاری که در موزه های مختلف دنیا مخصوصاً «لوور» پاریس از موسیقی فولکلوریک ما وجود دارد نمونه های کلی از رقص های مردم این سرزمین را در ستایش یزدان و جشن های مذهبی به



صحنه‌ای از رقص رقاصان تربت جام در تالار رودکی

لیلی تجدد - این رقصها به وسیله فیلم و رفتن به محل و آوردن هنرمندان محلی به مرکز جمع آوری گردیده است. تنظیم کردن این رقصها برای صحنه، کار چندان ساده‌ای نیست. يك تنظيم كننده علاوه بر تمام دانایی‌هایی که باید در این زمینه داشته باشد، باید مدت زیادی ناظر این رقصها باشد و تمام اصول آنرا ضبط نماید تا بتواند آنرا برای صحنه تنظیم نماید. آماده بودن عده‌یی هنرآموز که بتوانند این رقصها را ارائه دهند خود مساله‌یی است بسیار مهم. هنرآموزان و رقصندگان آماده‌ای که بتوانند این رقصها و لباس‌ها و عادات را همانگونه که دراصل بوده ارائه دهند محدودند. برای این منظور ما از یکسال پیش که سازمان ملی فولکلور تشکیل گردید شروع به تعلیم يك عده هنرآموز برای اجرای رقصهای فولکلوریک کردیم که نمونه آن در نخستین برنامه در تالار رودکی ارائه گردید که البته چون این

رقصندگان به جای چوب دستی شمشیر بدست گرفتند که در گذشته‌های دورتر در مقام چوب بوده است.

رقصهای بزمی مردم آذربایجان را باید از خشن‌ترین رقصهای فولکلوری دنیا به شمار آورد. در این رقص افراد به هنرنمایی و قدرت نمایی فردی می‌پردازند و طبیعی است که خنجر و کارد و به طور کلی اسلحه در این رقصها نقش حساسی دارد. از رقصهای ایرانی که برای مردگان انجام می‌دادند امروز اثری نیست و مردم ما برای شادی روح مرده هایشان نمی‌رقصند و فقط اشک می‌ریزند.

زندگی می‌کنند و به همین جهت نوع رقصهای هر گروه از این مردمان بستگی تام به شرایط زندگی‌شان دارد. فی‌المثل از مردمی که به خاطر موقعیت جغرافیایی موطن خود لباس‌های سنگین و بلند می‌پوشند نمی‌توان رقص‌های پرحرکت و پر جنبش انتظار داشت و اگر هم تند باشد این تندی در سطح زمین است و رقصنده نمی‌تواند به پرشهای چشم‌گیر بپردازد. رقصهای مردمان مناطق سردسیر و مرطوب شمال کشور از این گونه است. مردم کویرنشین از روحیه آرام و ملایمی برخوردارند و رقصهایشان نیز چون خلق و خویشان آرام و بدون تحرك زیاد است. مردم کوهستان نشین که رقصهایشان خشونت آمیز و آمیخته با حرکات تند و احتمالا حرکاتی که نشان دهنده کوه نشین بودن افراد است، چون حرکاتی است که بالا رفتن از کوه را نشان می‌دهد و یا چون رقصهای مردم شمال نشان دهنده ماهیگیری است.

این رقصها که هنوز بدرستی جمع‌آوری و تنظیم نشده برای يك علاقه‌مند، میدان وسیع و میدان عظیم و دست نخورده‌یی است که می‌تواند از آن بهره برگیرد.

نشانه‌هایی باقی است که ما، قبل از اسلام رقصهایی داشته‌ایم برای باریدن باران که در ضمن آن نشانه‌هایی را با خود حرکت می‌دادند که به صورت جمعی بود و امروز نشانی از آن‌ها در بین نیست. این رقصهای جمعی در عشایر با تغییراتی محفوظ ماند، یعنی به این رقصها دستمالی نیز اضافه شد که در دستهای دو جنس مخالف برای این که بهم ربط نداشته باشند قرار می‌گیرد. همچنین دستمال سفید به علامت دور کردن ارواح خبیثه بوده است.

به مساله‌یی که تا امروز کمتر پرداخته شده و می‌توان گفت که اصولا توجه نشده، رقص‌های بزمی مردم سرزمین ما است. به خصوص رقصهای بزمی ایل نشینان و مردم کوهستان‌ها که بخاطر بزمی بودنشان بسیار پر تحرك و هیجان انگیز است. در رقص‌های بزمی کردها که همه کمر یکدیگر را می‌گیرند و یا در رقصهای بزمی تربت جام که از چوب استفاده می‌کنند و این چوبها را بشدت همراه با صدای دهل بهم می‌کوبند بسیار هیجان انگیز است. اغلب این رقصها بدست و پا زدن چند نفری از رقصندگان می‌انجامد قسمت‌هایی از این رقصها در تالار رودکی به وسیله رقصندگان محلی اجرا گردید. رقصها طوری تنظیم شده که کسی آزاری نبیند با توجه به این که



رقاصان تربت جام

نخستین برنامه بود، ترجیح دادیم که قسمتهایی از این رقصها را عده‌یی از رقصندگان محلی اجرا نمایند که مربوط بود به رقص‌های تربت جام و بلوچ که از بلوچستان و تربت جام آورده شده بودند.

رقصهای محلی ایران بیشتر برای خوشایند نفس یا عده‌یی که در آن جمع هستند و یا مراسمی که در آن شرکت دارند به وجود

تلاش - اولین برنامه‌ای که از شما در تالار رودکی دیدیم با آنچه که تاکنون به عنوان رقصهای فولکلوری عرضه گردیده بود تفاوت آشکار و اساسی داشت به خصوص که اکثر رقصندگان محلی بودند. از شما می‌خواهم بپرسم، این رقصها چگونه گردآوری و تنظیم می‌شود و آیا اجرای این رقصها در صحنه‌های مجلل از ارزش محلی بودن آن نمی‌کاهد؟

آمده که در بیشتر مواقع هیچ حالت‌نمایشی ندارد. یعنی این که برای تماشاجی و جمعیتی نیست زیرا که همه در این رقصها و پایکوبی‌ها شرکت می‌کنند و برای تنظیم کننده این اجبار هست که این حالتها را حفظ کند که متاسفانه اغلب این تنظیم‌ها بخاطر عدم توجه و برای خوشایند بیشتر تماشاجی به صورت «اتراکسیون» درآمده و به هیچ‌وجه رعایت اصالت رقصها نشده و با تکرار و نمایش مداوم آن‌ها در مراکز نمایشی به اشاعه این رقصهای من درآوردی که به غلط «محلی» یا فولکلوریک نام گرفته، کمک می‌کند. من که هم‌اکنون با شما راجع به این رقصها صحبت می‌کنم تمام سعی خود را براین خواهم گذاشت که رقصها را به همان صورت اولیه خود بدون هیچ دست بردگی تنظیم و ضبط نمایم و نمونه آن رقصهایی بود از تربت جام.

آن چه در این مورد باید گفته شود، تحرك بی‌مانندی است که تا به حال کمتر به آن پرداخته‌اند، مخصوصاً آهنگسازان ما که گویا مدتهاست موسیقی فولکلور این مرز و بوم را بدست فراموشی سپرده‌اند و این شاید به خاطر سنگینی انجام چنین کارهایی باشد. اگر هم تاکنون به موسیقی فولکلوری ما پرداخته شده بیشتر حالت فرنگی داشته، یعنی این که در ساخته‌های خود فقط از رنگ و ضرب موسیقی محلی ما استفاده کرده‌اند و در حقیقت نام محلی بهانه‌ی بوده برای استفاده از «لحن» قوی و سرشار از زیبایی موسیقی فولکلوری، در صورتی که آهنگسازان بزرگ ملل دیگر که موسیقی غنی، چون ما داشته‌اند، با استفاده از موسیقی سرزمین خود آثاری در حد جهانی به وجود آورده‌اند و موسیقی بومی کشور خود را به گوش مردم سرزمین‌های دیگر رساندند. چون «شوپن»، «لیست»، «بارتوک».

«خاجاطوریان»، «دفايا»، «جرج انسکو». ولی در ایران با وجود داشتن موسیقی محلی غنی به این مهم پرداخته نشده و اگر هم شده به قدری اندک است که در حکم هیچ است و در این مورد می‌توان از سازندگان چون پرویز محمود، رویک گریگوریان، سنجرى، حنا، دهلوی نام برد، که زحماتشان در این مورد بسیار با ارزش است. و اما در مورد این که تنظیم رقصهای محلی برای صحنه‌های بزرگ به ارزش محلی بودن آن لطمه می‌زند یا نه؟ باید بگویم که در صورتی این لطمه وارد می‌آید که غلط تنظیم یافته باشد. متاسفانه رقصهای محلی ما امروز دچار همین نقص است.

تلاش - هر چند که توجه به موسیقی رقصهای محلی و جمع‌آوری آن و اصولاً کار روی رقصهای محلی در سرزمین‌های کاری جوان و تازه‌است، می‌خواهم پرسش پیشاهنگان این راه چه کسانی بودند و نتیجه کارشان چه بوده است؟

لیلی تجدد - اولین کسی که می‌شناسیم همتی برای گردآوری و تنظیم رقصهای ما بخرج داد، خانم «کوک» آمریکایی استاد هنرستان «باله» بود که به خاطر توجه‌زیادی که به رقصهای محلی ما داشت و از وضع مالی خوبی هم برخوردار بود و محتر این که زبان فارسی را براحتی تکلم می‌کرد در کارش بسیار موفق بود. خانم «کوک» در سال ۱۳۲۵ به تهران آمد، او قبلاً مدت‌ها همراه با پدرش در یونان زندگی کرده بود و وقتی هم که به ایران آمد، مطالعه‌ی زیادی در تاریخ و فرهنگ و هنر ما داشت. خانم «کوک» در ابتدا عده‌ی از علاقمندان این هنر را چون هایده احمدزاده، نژاد احمدزاده، حسین دانشور، زرندی و حجت زاده را به دور خود جمع کرد و گروهی را تشکیل داد و خود برای جمع‌آوری این رقصها به

سراسر ایران سفر کرد و رقصهایی چون گردآفرید، ملهم از شاهنامه فردوسی، کاروان، ملهم از سعدی، من و ساقی، پل اصفهان، رقص کتانه ملهم از رقصهای کردی، رقص دستمال ملهم از رقصهای مردم آذربایجان و رقصی بنام داریوش با استفاده از نقش‌های برجسته تخت جمشید تنظیم کرد، که در آنروز این رقصهارا ارکستر دانشکده افسری همراهی می‌کرد.

این گروه برای معرفی رقصهای محلی ایران سفرهایی به کشورهای یونان، ایتالیا، اردن، عراق، سوریه، ترکیه، مصر و هندوستان نمود و با این که قبل از این گروه، باله «شانزلیزه» در این ممالک بود باز هم از این گروه ایرانی استقبال زیادی شد ولی بعد ها این گروه با ورود افرادی از کشور های دیگر رنگ ایرانی خود را از دست داد و از هم پاشید.

خانم «کوک» هم‌اکنون زنده است و در یکی از دهکده‌های یونان زندگی می‌کند. با تاسیس هنرهای زیبا کار خانم «کوک» دنبال شد ولی نه آن چنان که باید، و امروز با ورود ماشین به میان ایلات و عشایر و روستانشینان که حافظ اصلی فولکلور ما هستند از بین رفتن این آثار تسریع شده است و باید با کوشش و سرعت بسیار در تنظیم و ثبت و ضبط آن‌ها اقدام کرد و گرنه دیر می‌شود.

از یکسال پیش سازمان فولکلور برای حفظ این سنتها تشکیل گردید، سازمانی که می‌بایست خیلی پیش از این تاسیس می‌شد. در مورد رقصهای فولکلور همان‌گونه که اشاره کردم ما سعی می‌کنیم و کوشش داریم با تعلیم و آموزش رقصندگانی که قادر به اجرای رقصهای محلی باشند و فرستادن گروه‌ها و هیئت‌ها به نقاط دود افتاده و ضبط این رقصها مانع از بین رفتن آنها بشویم. هنری که محل زندگیش روستا است و با شهری شدن روستایی چه کسی می‌تواند نگهبان و حافظ آن باشد؟

تلاش - خانم لیلی تجدد متشکریم.



شهر دیدنیها و شگفتیها

مشتاقانه برای نوشتن يك مقاله تحقیقی که نمایانگر اصفهان امروز باشد بر زمینهای کهنه و نو را در اوج زیبایی بیر دارد سفر کردم . پس از بازدید از قسمتهای مختلف کارخانه ذوب آهن و صحبت با کارشناسان و گرفتن آمار لازم ، بدیدار سد عظیم شاه عباس کبیر شتافتم در آنجا نیز مسؤولین امر همه سؤالاتم را با صمیمیت پاسخ گفتند . بدیگر ادارات شهر اصفهان هم برای گرفتن مدارك مورد نیاز مراجعه کردم .

مقاله ای که از نظر می گذرد چکیده ایست از آنچه که دیدم ، تحقیق کردم و جستجو نمودم .

مهین محبوبی



● سهم حقابه بران از زاینده رود تقریبی و مطابق سهمیه ایست که در طومار شیخ بهائی دانشمند شهر دوره صفویه تعیین شده است . این طومار نسبت درصد آب مصرفی هر يك از روستاهای اصفهان را مشخص مینماید .

● زری بافی نیز یکی دیگر از افتخارات هنر اصیل اصفهانی است که با هنرمندی مخصوص و با دستگاه های دستی انجام می گیرد و هنوز صنعت مدرن نساجی با داشتن دستگاههای تمام اتوماتیک نتوانسته است حتی يك گره ماندنش را بیافد .

● با احداث شبکه آبیاری و نیز بکار افتادن سد شاه عباس کبیر که ساختمان بنای آن تا پایان سال ۱۳۴۸ خاتمه خواهد پذیرفت سطح زیر کشت حداقل تا ۳۰ درصد افزایش می یابد .

● در کنار واحد صنعتی ذوب آهن شهری سیصد هزار نفری در دست ساختمان است .

● اکنون اصفهان با داشتن بزرگترین کارخانه های ریسندگی و بافندگی پشم و پنبه ، هزاران دستگاه بافندگی دستی ، و دهها کارخانه مختلف دیگر یکی از مهمترین مراکز صنعت ایران بشمار میرود .

چرا اصفهان؟

انتخاب اصفهان به عنوان محل کارخانه ذوب آهن ایران فقط يك انتخاب ساده و معمولی نیست بلکه تاسیس آن در اصفهان از هجوم جمعیت و ثروت به پایتخت و پهنه کرانه شمال و خط رابط بین تهران - اهواز که سال ها مهمترین محور اقتصادی کشور بوده است بنحو موثری جلوگیری می کند و می تواند موجب پیشرفت و جهش دیگر شهر های مناطق مرکزی و شرقی و جنوب شرقی ایران گردد .

با ایجاد صنعت پولاد سازی در اصفهان بیشتر نقاط کشور از طریق راه آهن و راه های شوسه بیکدیگر مرتبط خواهند شد و این توسعه ارتباطی علاوه بر آنکه در توسعه اقتصادی شهر اصفهان اثری بسزا دارد دیگر نقاط ایران را نیز در گردش چرخ های اقتصادی مملکت سهم میگرداند .

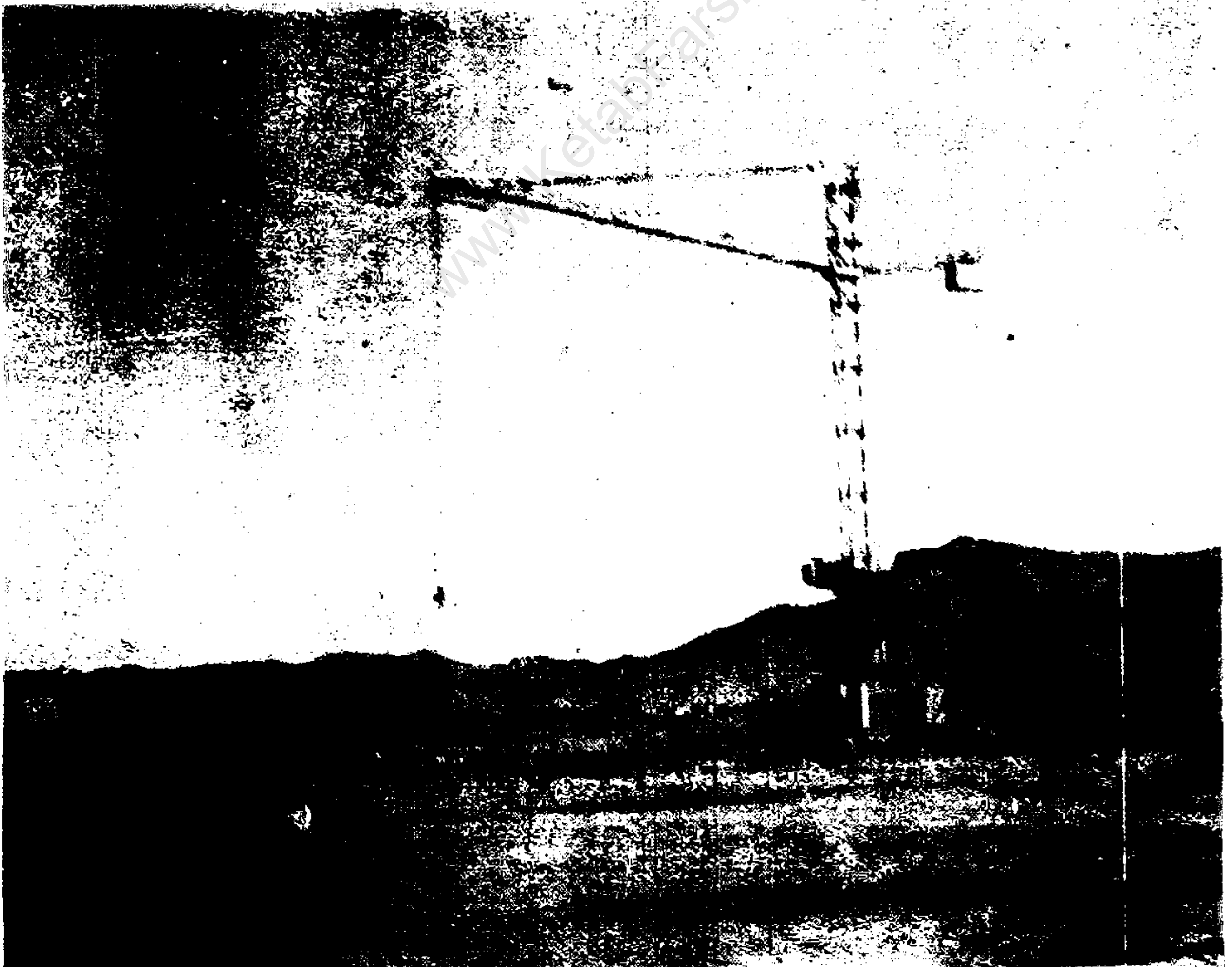
تجزیه و تحلیل اقتصادی مربوط به قیمت تمام شده نیز نشان میدهد که از این لحاظ هم انتخاب اصفهان منطقی بوده خصوصا که اصفهان در مرکز ایران قرار دارد و از سایر نقاط بمراکز عمده مصرف نزدیکتر است و این امر در بهای تمام شده اثری بسزادارد .



کلاه فرنگی آئینه خانه در حدود ۱۵۰ سال پیش فعالیت خود را آغاز نماید با شروع فعالیت این کارخانه ، اصفهان از صورت شهری که فقط صنایع دستی و کارخانه های نساجی در آن به عنوان اقتصاد جلوه گر است بسوی صنعت واقعی امروزی سوق داده خواهد شد . اینک از آن هنگام که اولین کلنگ بنای کارخانه ذوب آهن برخاک هنرپرور این عظیم شهر ایران آشنا گردید یکسال و اندی میگذرد بنا بگفته مسئولین ذوب آهن اکنون بیش از پانزده درصد کارها انجام شده است و چون هر روز بیش از پیش سرعت کار باید افزوده گردد می توان گفت در آینده ای که زیاد دور نیست ما به هدف اصلی که تولید آهن به میزان صنعتی است خواهیم رسید .

حرکت آرام و خلاق قلم موئی که رنگ ها را بر سطح پارچه های زربفت ، باغ و گل و دریا ورود و انسان می سازد ، آهنك فعال چكشی كوچك كه نقوشی سحرآمیز و جادوئی بر سطح ، مس ، طلا و نقره میآفریند و نیز... درخشندگی و جلال و شوكت مناره ها و گنبد های ، زمردی فیروزه ای و طلائی مدارس قدیم ، مساجد ، باغها ، بازارها ، میدان ها و مناره های عظیم كه ثمره كار نزدیک به بیست قرن مردم آب و خاك ما است ، همه و همه نمود های شهری است كه هنرمندان عالم و معماران در بعضی نقاط جهان تماشاگر خود را باعجاب و شكفتی واداشته است و هم اکنون رنگها و معماریهای آن به عنوان نمونه در دانشگاه های عالم مورد بحث و فحص است این شهر یاد ها و خاطره ها ، و این دنیای ظرافت ها و زیبایی ها كه نصف جهان و اصفهانش خوانده اند اکنون بسوی زندگی اقتصادی نوین گام بر می دارد تا چونان ستاره درخشانی در آسمان صنعت ایران جلوه گر شود .

و این زندگی یا بهتر بگویم درخشش صنعتی هنگامی باوج عظمت و اعتلای خود خواهد رسید كه كارخانه عظیم ذوب آهن ایران كه چشم ملت ما به آن دوخته شده است



ضمناً دسترسی بآب فراوان و پرخیز و برکت زاینده رود و وجود معادن مواد اولیه فرعی مورد احتیاج کارخانه از قبیل دلمیت، سنک آهک و غیره نیز از عواملی هستند که در این انتخاب مؤثر بوده اند.

هدف

براه انداختن چرخهای صنعت فولاد، استفاده وسیع از ذخائر زیر زمینی کشور و همچنین ایجاد صنایع فرعی و مکمل را بدنبال دارد و چنین میتوان گفت که هدف از اجرای این طرح عبارتست از اکتشاف و تجهیز و استخراج معادن زغال سنک و سنک آهن، دلمیت، کوارتزیت، مواد نسوز، و کمک بتجهیز سایر منابع مواد اولیه از قبیل بوکسیت، فلوریت، منگنز، کرمیت و غیره که در داخل کشور یافت میشوند و بهره برداری از آنها برای تولید فولاد ضروری است و سپس تاسیس کارخانه ذوب آهن با ظرفیت اولیه ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار تن فولاد.

توضیح آنکه کارخانه ذوب آهن ایران برای ظرفیتی در حدود پنج میلیون تن پیش بینی شده است که مراحل دوم و سوم و چهارم توسعه کارخانه تا ظرفیت نهائی، متناسب با افزایش بازار و مصرف خواهد بود.

اکتشافات انجام شده تا چند ماه پیش نشان میداد که ذخائر موجود تا ۴۰ سال احتیاجات کارخانه را با سطح تولیدی مرحله اول تامین مینماید ولی در کاوشهای اخیر ذخیره ای عظیم از سنک آهن در بافق بدست آمد و وجود ذخائر دیگری نیز ثابت گردید که در ازدیاد ظرفیت کارخانه مؤثر خواهد بود.

برای این منظور هر روز حفاران و اکتشاف کنندگان در پی تحقیقات و تجسسهای جدید قلب کوهها را میشکافند و بتلاش پی گیر خود میافزایند تا شاید بازهم گوشه ای دیگر از این ذخائر مدفون شده را بیابند.

نتایج حاصله از اجرای این طرح را میتوان بشرح زیر خلاصه نمود:

الف - تولید در حدود ۶۵۰۰۰۰ تن آهن و فولاد در مرحله اول که بهای آن بطور متوسط با احتساب قیمت فعلی بازار (وسیله بازار یابان ذوب آهن) بالغ بر ریال ۸۷۷۵۰۰۰۰۰۰ = ریال قیمت هر تن ۱۳۷۵۰۰۰ × تن ۶۵۰۰۰۰ و تولید حد اقل یک میلیون و پانصد هزار تن در مرحله دوم و افزایش تولید، هماهنگ با احتیاجات داخلی مملکت در مراحل بعدی.

در نتیجه تولید آهن و فولاد در داخل کشور، حجم مبادلات داخلی افزایش مییابد. یعنی پولی که بصورت حقوق برای خدمات و تهیه مواد اولیه در داخل کشور مصرف میشود به دریافت کنندگان آن قدرت خرید میدهد و در نتیجه سطح تقاضا را بالا میبرد. و این افزایش حجم تقاضا برای گروه

کثیری از کالاها انگیزه سرمایه گذاریهای جدید را فراهم میآورد.

ب - صرفه جوئی در مخارج ارزی کشور، در حدود ۷۵۰۰۰ ریال برای تولید هرتن آهن و فولاد، که برای مرحله اول بطور متوسط بالغ بر ریال ۸۷۵۰۰۰۰۰ = ریال ۸۷۵۰۰ × تن ۶۵۰۰۰۰ میشود.

با این صرفه جوئی مستقیم و غیرمستقیمی که در مصرف درآمد های خارجی کشور حاصل میشود امکان استفاده بیشتر برای رفاه عمومی و توسعه اقتصادی بدست میآید. ضمناً مسؤولین ذوب آهن پیش بینی می کنند هزینه تاسیس کارخانه که مبلغ ۳۰ هزار میلیون ریال برآورد شده بود به ۲۶ هزار میلیون ریال تقلیل یابد و این خود نشان میدهد که در طرح مذکور اصول صرفه جوئی در نهایت دقت رعایت میشود. در مقابل هزینه فوق درآمد فروش سالیانه گاز نفت (که سالیان دراز بیهوده



مدخل مدرسه سلطان حسین

میسوخت) بدولت اتحاد جماهیر شوروی مبلغی معادل ۷۵۰۰۰ میلیون ریال میگردد که پس از استهلاك وامهای دریافتی این درآمد یک منبع بزرگ سرمایه گذاری بشمار خواهد آمد و بنوبه خود موجب توسعه اقتصادی و افزایش درآمد ملی خواهد شد. پ - ایجاد ۲۵۰۰۰ شغل ثابت و موقت برای کارکنان فنی و کارگران کارخانه اصفهان، معادن زغال سنک کرمان و سنک آهن چغارت بافق و کارگاههای تهیه مصالح ساختمانی بطور مستقیم و غیر مستقیم. البته چون این ازدیاد کار طبعاً از دیاد جمعیت به همراه دارد و با شروع فعالیت کارخانه مسلماً هجوم جمعیت از تمام نقاط ایران باصفهان رو به فزونی خواهد گذاشت و این موضوع، مسئله کمبود مسکن را در این شهر پیش میآورد، ازهم اکنون مسؤولین امر در صدد چاره این هستند تا درآینده نزدیک امر مسکن بصورت مشکل تورم درنیاید.

ت - تربیت سالانه ۱۵۰۰ نفر تکنسین ماهر، و اعتلای سطح دانش افراد مملکت از طریق ایجاد آموزشگاههای فنی و حرفه ای.

ث - توسعه شبکه ارتباطی کشور.

ج - صنعتی شدن کشور

کارهای انجام شده

الف - پیشرفت ۹۰ درصد عملیات اجرایی پایگاه ساختمانی که مصالح ساختمانی کارخانه ذوب آهن را تامین میکند. عملیاتی که تاکنون در این پایگاه پایان پذیرفته بدینقرار است:

۱ - کارخانه تهیه بتن. ۲ - کارگاه مخصوص تهیه آرماتور و ساختمان اداری آن. ۳ - محوطه مخصوص تحویل مصالح و مواد (بارانداز). ۴ - کارگاه آهک کشی. ۵ - تعمیرگاه ۶۰۰ دستگاه ماشین آلات ساختمانی. ۶ - ایستگاه سوخت گیری. ۷ - کارگاه موتاژ و سائل تکنولوژیک. ۸ - کارگاه تعمیرات الکتریکی. ۹ - کارگاه کفراژ سازی. ۱۰ - انبار مصالح ساختمانی و لوازم یدکی. ۱۱ - محل کمپرسورها. ۱۲ - انبار مخصوص نگهداری کیسولهای استیلن و اکسیژن. ۱۳ - ساختمان برج آب. ۱۴ - دیزل خانه شماره ۴. ۱۵ - ایستگاه ترانسفورماتور. ۱۶ - ساختمان آزمایشگاه مصالح ساختمانی و مواد شیمیائی.

ضمناً در قسمت مسکونی و اداری واحد، ساختمان اداری اصلی، ساختمان بهداری ساختمانهای مسکونی کارشناسان ایرانی و شوروی و نیز ساختمان یک سالن غذاخوری پایان رسیده است.

عملیات ساختمانی کارخانه سیمان نیز بخوبی پیشرفت کرده و در حال اتمام است. ب - فعالیتهای ساختمانی زیر سرعت ادامه دارد:

۱ - تسطیح محل کارخانه که برای این منظور بیش از سه میلیون و هفتصد هزار متر مکعب خاکبرداری کرده اند.

۲ - شروع ساختمان بعضی از قسمتهای کارخانه مانند کوره بلند، کک سازی و آگلومراسیون (تهیه بارکوده).

در این قسمت نیز در حدود ۹۰ هزار متر مکعب بتن ریزی و در حدود ۲۵ هزار متر مکعب آجر چینی شده است.

۳ - نصب قسمتی از کارگاههای مختلف و ریل گذاری ۱۳۵۲۳ متر کارخانه.

۴ - نصب دو دستگاه دیزل ژنراتور هر یک بقدرت ۴۰۰ کیلووات در نیروگاه شماره ۲ و نیز دو دستگاه دیزل ژنراتور هر یک بقدرت ۶۰۰ کیلووات در نیروگاه شماره ۳.

ضمناً عملیات ساختمانی مرکز نیروی برق ۸۳۰۰ کیلوواتی کارخانه ذوب آهن نیز شروع گشته و ماشین آلات مربوطه جهت نصب در محل آماده است.

۵ - در بخش آبرسانی کارخانه اقدامات اساسی از قبیل لوله کشی از رودخانه زاینده رود، نصب پمپ برقی شناور، لوله کشی آب داخل پایگاه ساختمانی، اجرای سیستم فاضل آب بین کلیه انبارها و کارگاهها کاملاً خاتمه پذیرفته است.

اقداماتی که ذکر شد مقدمه فعالیتی بس سترک در راه پیاده کردن طرحی بزرگ است.

صفحه بیست و نهم

صنعتی شهری سیصد هزار نفری در دست ساختمان است .

طراحان ایرانی و با ذوق علاوه بر آنکه موقعیت این شهر را بعنوان يك شهر صنعتی حفظ کرده‌اند کوشش کرده‌اند تا نوعی هماهنگی و همبستگی هم با شهر باستانی اصفهان در آن پدید آورند .

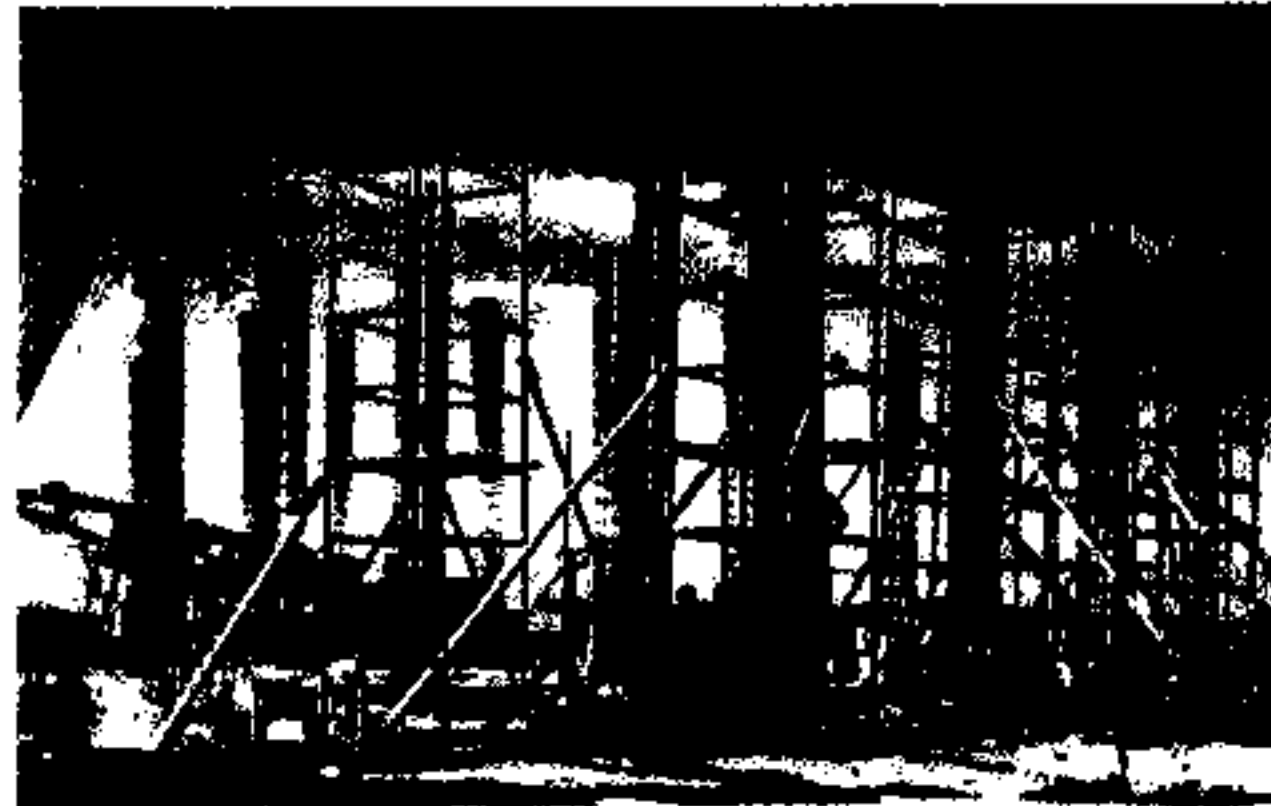
شهر در دشتی وسیع بنا میشود که اطراف آنرا کوههایی بس زیبا و چشم گیر احاطه کرده‌اند . ویلاها و آپارتمانهای مجهز این شهر که هم اکنون قسمت عمده ساختمان آنها پایان پذیرفته است کاملاً نزدیک بهم هستند و چونان حلزونی در هم فرو میروند . مرکز این حلزون تپه‌ای تنها و آرام است که بعد ها بعنوان مرکز شهر بلوارها و جنگلهای مصنوعی زیبا در آن ایجاد خواهد شد .

این شهر که آریاشهر نام‌اش نهاده‌اند در کنار کارخانه ذوب آهن ایران که آریامهرش مینامند در شرف روئیدن است .

سدی عظیم با نام شاه عباس کبیر برای تهیه آب مصرفی مورد نیاز کارخانه آریامهر همزمان با امضای قرارداد کارخانه عملیات ساختمانی سدی عظیم و نیرومند بر روی زاینده رود در دل کوههای بختیاری آغاز گردید .

از روز چهارم آذر ماه ۱۳۴۴ روزیکه کلنگ شروع بنای این سد زده شد ، نیروهای خلاقه گروه کثیری از جوانان فعال و علاقمند کشور ما ، زمانی در سرمای سخت زمستان و دیگر ماه در زیر تابش اشعه سوزان خورشید تابستانی بتکاپو درآمد و تلاشی مداوم در اعماق کوههای بختیاری برای مهار نمودن سیلابها و ذخائر آبی فراوانی که سالهابیهوده بهدر میرفت ، آغاز گشت .

واکنون در قلمرو اصفهان ، زیبا شهر تاریخی کشور ما و بر روی زاینده رود این جریان جوشان و خروشان امواج آبستونها



کارگاه انبار مرکزی کوره بلند ذوب آهن ایران آنها .

۱۳- جراثقال ، آشنا شدن با ساختمان ودانستن قواعد فنی و بهره برداری از جراثقال وانجام تعمیرات مربوطه .

مطابق برنامه آموزش دوره کارآموزی این گروهها متفاوت است . برای بعضی از رشته ها دوره یکساله و برای بعضی دیگر دو سال کارآموزی در نظر گرفته شده است .

هم اکنون ۴۸۰ نفر دیپلمه از دبیرستان های ایران در این آموزشگاه بتحصيل اشتغال دارند که پس از اتمام دوره کارآموزی خود در کارخانه ذوب آهن ایران بکار مشغول خواهند شد .

بزرگترین هدف اساسی این آموزشگاه تولید نیروی انسانی متخصص است که کمک بزرگی ببالا رفتن سطح کار باید بکند .

ضمناً آموزشگاه دیگری نیز در جوار کارخانه در آینده ای بسیار نزدیک بنا خواهد شد که شامل ۱۷ رشته متالوژی است و فارغ التحصیلان آن برای دوره بهره برداری از کارخانه مورد استفاده قرار خواهند گرفت .

ت - ضمن انجام عملیات ساختمانی کارخانه ذوب آهن، برای سکونت کارشناسان مهندسان ، کارگران ، در کنار این واحد

مثلاً بتون ریزی کارخانه که با روزی ۱۰۰ متر مکعب شروع شده بود اکنون به روزی ۷۰۰ متر مکعب رسیده و تا سه ماه دیگر به بالغ بر ۱۵۰۰ متر مکعب خواهد رسید . تعداد کارگران نیز مرتباً در حال فزونی است . در آغاز کار ۷۰۰ نفر کارگر بود ۵ ماه قبل ۴۰۰۰ نفر و اکنون ۹۰۰۰ نفر مشغول کار هستند . از نظر مصالح و ماشین آلات وارده نیز این افزایش بچشم میخورد . سال گذشته مجموعاً ۱۸۰۰۰ تن جنس از شوروی وارد ایران شد در حالیکه در سال ۱۳۴۸ این رقم به ۱۴۴۰۰۰ تن خواهد رسید .

پ- انجام ساختمان آموزشگاه حرفه‌ای و شروع آموزشهای علمی و عملی . در این آموزشگاه که در نوع خود در سراسر کشور بی نظیر است ۱۳ رشته ساختمانی بشرح زیر تدریس میشود :

۱- آرماتور ، شامل کارهای آرماتور سازی ، دستگاههای برش و خم کردن آرماتور و انجام کارهای مربوط به آن .
۲- بتن ، شامل بتن سازی ، بتن ریزی ، حمل و نقل بتن و آشنائی با ساختمان ماشین آلات بتن سازی .

۳- مواد نسوز ، شامل آموختن خصوصیات مصالح نسوز ، انجام کارهای مربوط به ایجاد عایق حرارتی و ساختمان کوره ها .

۴- درودگری (کفراژ) ، شامل ساختن انواع کفراژ ، شناختن ماشینهای نجاری و کار کردن با آنها .

۵- تاسیسات ، شامل مونتاژ شبکه های شوفاژ سانترال ، آب ، گاز ، و انجام کار های مربوط به آن .

۶- جوش برق ، آشنا شدن با دستگاه جوشکاری ، انجام جوشکاریهای دستی ونیم اتومات و آموختن انواع جوشکاری .

۷- جوش اکسیژن ، آشنا شدن با دستگاه جوش اکسیژن ، دستگاه برش ، انجام جوشکاری اکسیژن و برش بوسیله دستگاه اتوماتیک .

۸- مونتاژ ساختمان ، آشنا شدن با تجهیزات و بند و بست (تاکلاژ) ، طریقه سوار کردن بلوکهای سیمانی ، آموختن قواعد مونتاژ ساختمان و انجام کار های سوهانکاری و فلزکاری .

۹- تجهیزات فولاد سازی ، آشنا شدن به تجهیزات فولاد سازی و تهیه کک شیمیائی ، و مونتاژ کردن ماشین آلات .

۱۰- برق ، آشنا شدن با ساختمان ماشین آلات برق ، جریان مستقیم و متناوب مونتاژ و آزمایش ماشین آلات برق .

۱۱- بیل مکانیکی ، آشنا شدن با ساختمان و قواعد فنی و بهره برداری از بیلهای مکانیکی .

۱۲- بولدوزر و گریدر ، آشنا شدن با ساختمان و قواعد بهره برداری از بولدوزر ها ، گریدر ها و اسکرپرها و کار کردن با



سد شاه عباس کبیر



موسیقی و رقصهای فولکلوریک ایران

- رقص های محلی ما به علت عدم توجه و برای خوشایند بیشتر تماشاچی به صورت «آتراکسیون» درآمده است .
- رقص های فولکلوری گاهی چون کویر صاف و آرام و گاهی چون کوهستان پرتحرک و هیجان انگیز است .

لیلی تجدد :

در سال ۱۳۲۳ به دنیا آمد و تحصیلاتش را در تهران به پایان رسانید و به لندن رفت ، وارد «کالج» رقص و هنرهای «دراماتیک» لندن شد . در ابتداء رقص های «مدرن» و رقص های تلویزیونی و صحنه ای انگلیس مورد توجه اش بود و بعد به رقص های «مدرن» آمریکا پرداخت و «جروم رابین» کارگردان رقص های فیلم داستان «لوست ساید» معلم اش بود . او به کارهای «مارتا گراهام» استاد معروف «باله مدرن» امروز آمریکا که تکنیک کار خود را بر روی رقص های شرقی مخصوصا رقص های مذهبی هند قرار داده است ، علاقه نشان داد و بعد به مطالعه رقص های گذشته یونان و همچنین موزیک یونان که آزادی زیادی برقصنده می داد پرداخت و در کنار تمام این ها برای تنوع به مطالعه رقص های ملل مختلف چون اسپانیا ، رومانی ، یوگسلاوی و شوروی پرداخت و آنچه که دیگران در این راه انجام داده بودند این آرزو را در او برانگیخت که روزی رقص های فولکلوری سرزمین خود را روی صحنه های بزرگ ببیند . به این امید به سرزمین مادری خود بازگشت و به تعلیم پرداخت زیرا خود معلمی تحصیل کرده بود . همچنین به جمع آوری و تنظیم رقص های فولکلوری و تربیت هنرآموزانی که بتوانند این رقص ها را اجرا نمایند پرداخت . در روز های اخیر ما شاهد حاصل فعالیت های یک ساله او بودیم و کار هنرآموزانی را که تعلیم داده بود دیدیم . شاید این نخستین اجرای واقعی رقص های فولکلوری گوشه ای از سرزمین ما در تالاری چون رودکی بود . «لیلی تجدد» در این برنامه گوشه هایی از رقص های فولکلوری تربیت جام و بلوچستان را ارائه داد . و ما با وی از رقص های فولکلوری ایران سخن گفتیم :

است . رقص در ابتدا انعکاس یک احساس درونی بود که حرکتی به دنبال داشت احساسی که بعد ها با زندگی و آداب و رسوم مردم درآمیخت و بیانگر شادی ها و غم ها شد . در نزد بعضی ملل به همان صورت ابتدایی خود باقی ماند و در نقاطی تکامل پذیرفت و با ادبیات و موسیقی ملت خود درآمیخت تا این که امروز جایی بزرگ را در هنر ملت خود ، بخود اختصاص داده است . بهر حال آنچه در این میان با ارزش است و هسته اصلی رقص های فولکلوریک را می سازد احساس است که بستگی تام به شرایط جغرافیایی و آداب و رسوم مردم دارد و ملت ما از این لحاظ یکی از غنی ترین

لیلی تجدد : باید دید که اصولا فولکلور چیست ؟ فولکلوریک سری سنت ها ، عادت ها ، نقل ها ، شادی ها و غزا هاست که از گذشتگان ملتی برای بازماندگان شان به جا مانده و حفظ شده و خطوط اصلی چهره فرهنگ و تمدن ملی را نشان می دهد . مثلا یک فرهنگی وقتی عزادار است خیلی آرام به مراسم عزاداری می پردازد ولی یک دختر ایرانی وقتی شیون و زاری و بی قراری مادرش را در مرک عزیزی می بیند تقلید می کند و این سنت و عادت و فولکلوریک ملتی می شود و رقص نیز سنت دیگری است همراه با مراسمی خاص ، سنتی که گاهی برای شادی ، گاه غزا و گاه پرستش

گفتگوئی

با لیلی تجدد

درست میکردند و بعد ها به نام «چغه» یا «جق» به دست اطفال افتاد و هم اکنون در ارکسترهای جاز بنام «مالاکاس» مورد استفاده قرار می گیرد.

بنابراین همان گونه که ساکس آلمانی «اخلنکدو» را جزو سازهای ضربی ایرانی در فرهنگ خود ثبت کرده است، این ساز را هم باید از سازهای باستانی ایران منظور نماییم و با این اندیشه همچنان که «اخلنکدو» پس از قرون متمادی سرانجام بازیچه اطفال شد، چغانه نیز پس از گذشت زمان های دراز بالاخره بازیچه اطفال ایرانی گردید. ساز دیگری که نواختنش در میان مردم ایران رواج بسیار داشت، ارغنون بود که از خانواده سازهای بادی است که بنابر فرهنگ دهخدا و گفته «هانری جرج فارمر» از لفظ یونانی «کانون» گرفته شده و در دیوان ها به صورت های مختلف آمده که امروزه شکل تکمیل شده آن را به صورت ارک دستی، پایی، آبی، برقی و آکوردئون می بینیم.

آن چه در موردش کمتر سخن گفته شده ارغنون دهنی است که مردم ایران آن را موسیقار و چینی ها «شنک» و اروپایی ها «فلوت پان» می نامیدند و ایرانیان امروز آنرا ساز دهنی می گویند موسیقار سازی است با سابقه طولانی و در بخشی از پیکره برجسته شکار گوزن طاق بستان چند نوازنده ارغنون دهنی حک شده است.

تلاش - بعد از این گفتار مفصل راجع به سازهای موسیقی فلکلوری ما، زمان آن رسیده که به موضوع اصلی این گفتگو یعنی رقصهای فولکلوری این سرزمین بپردازیم.

لیلی تجدد - سرزمین ما سرزمینی گسترده است که در هر گوشه آن مردمانی با آداب و رسوم و سنتها و جغرافیایی خاص

دست می دهد که امروز اثری از آن هانیست و هم چنین سازهایی در میان مردم ما مرسوم بوده که امروزه نمونه هایی از آن ها در دست نیست و ما فقط نامشان را در کتب و روایات و احیاناً شکلی از آن ها در نقاشی ها می بینیم. از جمله این سازها، ابرجن یا جالجل است که مجموعه ای از زنگوله های کوچکی بوده که پیاپی می بستند و به هنگام پایکوبی رنگ موسیقی یا به اصطلاح موسیقی قدیم

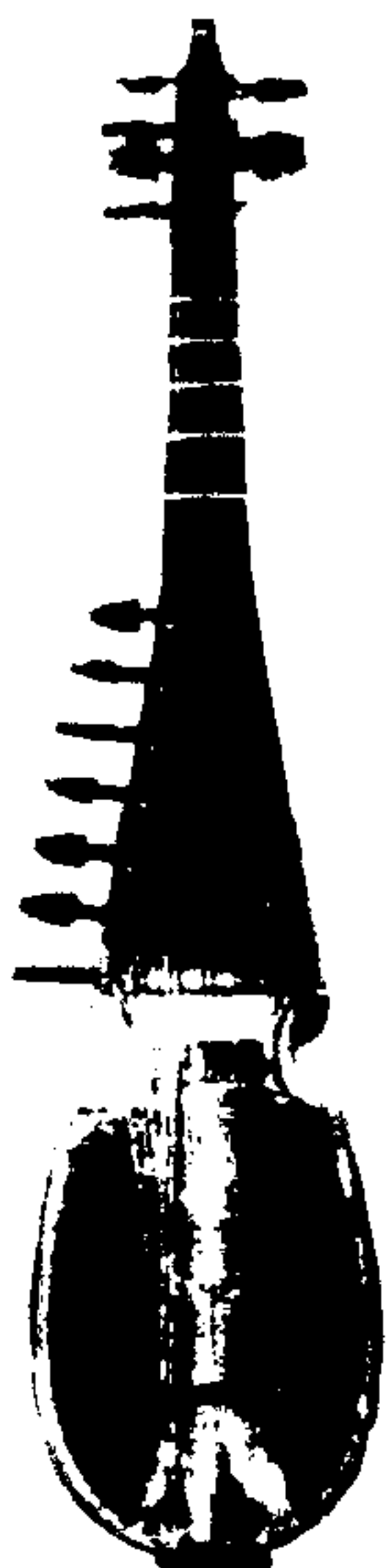


اصول را بدان نگاه می داشتند و نامش بکرات در دیوان شعرا و نویسندگان گذشته، چون نظامی، منوچهری، عطار و کتاب برهان قاطع آمده است و یا «اخلنکدو» که سازی شبیه لیموی تو خالی که از چوب ساخته می شده است. این ساز از لیمو کمی بزرگتر و درونش خالی بوده و در آن سنگریزه می ریختند. نویسنده برهان قاطع آن را بازیچه دانسته و ساکس آلمانی در فرهنگ کامل موسیقی خود آن را یک ساز ایرانی نامیده است، این ساز شبیه چغانه است و چغانه خود از جمجمه انسان ترتیب داده می شد که درون آن نیز سنگ ریزه می ریختند و هنگام پایکوبی برای حفظ وزن موزیک آن را به حرکت در می آوردند. این ساز رفته رفته تغییر شکل داد و به جای جمجمه آن را از جعبه مدوری که از جنس چوب یا مس بود

منابع را در اختیار دارد. در ایران، ما قسمتهای کویری، کوهستانی و نقاط سرسبز داریم که می توانیم رقص هایی چون کویر، صاف و بی تحرک و رقص هایی پر تحرک چون کوهستان ها، دریاچه ها و هیجان انگیز و آرام و پر نشاط چون کرانه های دریای شمال ببینیم.

آنچه این رقص ها را بنا می کند سازها و حرکات آنهاست و این حرکات و سازها از گذشته ای بس طولانی برخوردارند، در آثاری که از نقاط مختلف این سرزمین به دست آمده نقوشی از رقص ها و سازها حتی مربوط به ماقبل تاریخ به چشم می خورد. سازهایی که امروز در دست مردم خود می بینیم نمونه های تکامل یافته همان سازهاست. در میان سازهای مختلف سازهای ضربی و بادی در موسیقی فولکلوری ما نقش بسیار عمده ای دارد و حتی در کتیبه های بیستون نقش برجسته نوازندگانی با سازهای ضربی دیده می شود. درباریان ایران باستان نوازندگانی داشته اند که کارشان ایجاد شادی بود، چون سازهای ضربی بیشتر شادی آفرینند، لاجرم مورد عنایت بیشتری قرار می گرفتند. این سازها بعد ها به میان مردم رفت و امروز آن ها را بنام دهل، دف و سورنا می شناسیم، که در نقاط مختلف ایران با کمی اختلاف یافت می شود و سازهای اصلی موسیقی فولکلوری ما را تشکیل می دهد.

نقش هایی که از رقص ها و آلات مختلف موسیقی در کندو کاوها در حفاریهای تپه های «سیلک» کاشان و «چشمه علی» به دست آمده و همچنین آثاری که در موزه های مختلف دنیا مخصوصاً «لوور» پاریس از موسیقی فولکلوریک ما وجود دارد نمونه های کلی از رقص های مردم این سرزمین را در ستایش یزدان و جشن های مذهبی به



صحنه ای از رقص رقاصان تربت جام در تالار رودکی

لیلی تجدد - این رقصها به وسیله فیلم و رفتن به محل و آوردن هنرمندان محلی به مرکز جمع آوری گردیده است. تنظیم کردن این رقصها برای صحنه، کارچندان ساده‌ای نیست. يك تنظيم کننده علاوه بر تمام دانایی‌هایی که باید در این زمینه داشته باشد، باید مدت زیادی ناظر این رقصها باشد و تمام اصول آنرا ضبط نماید تا بتواند آنرا برای صحنه تنظیم نماید. آماده بودن عده‌یی هنرآموز که بتوانند این رقصها را ارائه دهند خود مساله‌یی است بسیار مهم. هنرآموزان و رقصندگان آماده‌ای که بتوانند این رقصها و لباس‌ها و عادات را همانگونه که دراصل بوده ارائه دهند محدودند. برای این منظور ما از یکسال پیش که سازمان ملی فولکلور تشکیل گردید شروع به تعلیم يك عده هنرآموز برای اجرای رقصهای فولکلوريك کردیم که نمونه آن در نخستین برنامه در تالار رودکی ارائه گردید که البته چون این

رقصندگان به جای چوب دستی شمشیر بدست گرفتند که در گذشته‌های دورتر در مقام چوب بوده است.

رقصهای بزمی مردم آذربایجان را باید از خشن‌ترین رقصهای فولکلوری دنیا به شمار آورد. در این رقص افراد به هنرنمایی و قدرت نمایی فردی می‌پردازند و طبیعی است که خنجر و کارد و به طور کلی اسلحه در این رقصها نقش حساسی دارد. از رقصهای ایرانی که برای مردگان انجام می‌دادند امروز اثری نیست و مردم ما برای شادی روح مرده هایشان نمی‌رقصند و فقط اشک می‌ریزند.

زندگی می‌کنند و به همین جهت نوع رقصهای هرگروه از این مردمان بستگی تام به شرایط زندگی‌شان دارد. فی‌المثل از مردمی که به خاطر موقعیت جغرافیایی موطن خود لباس‌های سنگین و بلند می‌پوشند نمی‌توان رقص‌های پرحرکت و پر جنبش انتظار داشت و اگر هم تند باشد این تندى در سطح زمین است و رقصنده نمی‌تواند به پرشهای چشم‌گیر بپردازد. رقصهای مردمان مناطق سردسیر و مرطوب شمال کشور از این گونه است. مردم کویرنشین از روحیه آرام و ملایمی برخوردارند و رقصهایشان نیز چون خلق و خویشان آرام و بدون تحرك زیاد است. مردم کوهستان نشین که رقصهایشان خشونت آمیز و آمیخته با حرکات تند و احتمالا حرکاتی که نشان دهنده کوه نشین بودن افراد است، چون حرکاتی است که بالا رفتن از کوه را نشان می‌دهد و یا چون رقصهای مردم شمال نشان دهنده ماهیگیری است.

این رقصها که هنوز بدرستی جمع‌آوری و تنظیم نشده برای يك علاقه‌مند، میدان وسیع و میدان عظیم و دست نخورده‌یی است که می‌تواند از آن بهره برگیرد.

نشانه‌هایی باقی است که ما، قبل از اسلام رقصهایی داشته‌ایم برای باریدن باران که در ضمن آن نشانه‌هایی را با خود حرکت می‌دادند که به صورت جمعی بود و امروز نشانی از آن‌ها در بین نیست. این رقصهای جمعی در عشایر با تغییراتی محفوظ مانده، یعنی به این رقصها دستمالی نیز اضافه شد که در دستهای دو جنس مخالف برای این که بهم ربط نداشته باشند قرار می‌گیرد. همچنین دستمال سفید به علامت دور کردن ارواح خبیثه بوده است.

به مساله‌یی که تا امروز کمتر پرداخته شده و می‌توان گفت که اصولاً توجه نشده، رقص‌های بزمی مردم سرزمین ما است. به خصوص رقصهای بزمی ایل نشینان و مردم کوهستان‌ها که بخاطر بزمی بودنشان بسیار پر تحرك و هیجان انگیز است. در رقص‌های بزمی کردها که همه کم‌ریکدیگر را می‌گیرند و یا در رقصهای بزمی تربت جام که از چوب استفاده می‌کنند و این چوبها را بشدت همراه با صدای دهل بهم می‌کوبند بسیار هیجان انگیز است. اغلب این رقصها بدست و پا زدن چند نفری از رقصندگان می‌انجامد قسمت‌هایی از این رقصها در تالار رودکی به وسیله رقصندگان محلی اجرا گردید. رقصها طوری تنظیم شده که کسی آزاری نبیند با توجه به این که



رقاصان تربت جام

نخستین برنامه بود، ترجیح دادیم که قسمتهائی از این رقصها را عده‌یی از رقصندگان محلی اجرا نمایند که مربوط بود به رقص‌های تربت جام و بلوچ که از بلوچستان و تربت جام آورده شده بودند.

رقصهای محلی ایران بیشتر برای خوشایند نفس یا عده‌یی که در آن جمع هستند و یا مراسمی که در آن شرکت دارند به وجود

تلاش - اولین برنامه‌ای که از شما در تالار رودکی دیدیم با آنچه که تاکنون به عنوان رقصهای فولکلوری عرضه گردیده بود تفاوت آشکار و اساسی داشت به خصوص که اکثر رقصندگان محلی بودند. از شما می‌خواهم بپرسم، این رقصها چگونه گردآوری و تنظیم می‌شود و آیا اجرای این رقصها در صحنه‌های مجلل از ارزش محلی بودن آن نمی‌کاهد؟

آمده که در بیشتر مواقع هیچ حالت‌نمایشی ندارد. یعنی این که برای تماشاجی و جمعیتی نیست زیرا که همه در این رقصها و پایکوبی‌ها شرکت می‌کنند و برای تنظیم‌کننده این اجبار هست که این حالتها را حفظ کند که متأسفانه اغلب این تنظیم‌ها بخاطر عدم توجه و برای خوشایند بیشتر تماشاجی به صورت «اتراکسیون» درآمد و به هیچ‌وجه رعایت اصالت رقصها نشده و با تکرار و نمایش مداوم آن‌ها در مراکز نمایشی به اشاعه این رقصهای من‌درآوردی که به‌غلط «محلی» یا فولکلوریک نام گرفته، کمک می‌کند. من که هم‌اکنون با شما راجع به این رقصها صحبت می‌کنم تمام سعی خود را براین خواهم گذاشت که رقصها را به همان صورت اولیه خود بدون هیچ دست‌بردگی تنظیم و ضبط نمایم و نمونه آن رقصهایی بود از تربت جام.

آن چه در این مورد باید گفته شود، تحرك بی‌مانندی است که تا به حال کمتر به آن پرداخته‌اند، مخصوصاً آهنگسازان ما که گویا مدتهاست موسیقی فولکلور این مرز و بوم را بدست فراموشی سپرده‌اند و این شاید به خاطر سنگینی انجام چنین کارهایی باشد. اگر هم تاکنون به موسیقی فولکلوری ما پرداخته شده بیشتر حالت فرنگی داشته، یعنی این که در ساخته‌های خود فقط از رنگ و ضرب موسیقی محلی ما استفاده کرده‌اند و در حقیقت نام محلی بهانه‌ی بوده برای استفاده از «لحن» قوی و سرشار از زیبایی موسیقی فولکلوری، در صورتی که آهنگسازان بزرگ ملل دیگر که موسیقی غنی، چون ما داشته‌اند، با استفاده از موسیقی سرزمین خود آثاری در حد جهانی به وجود آورده‌اند و موسیقی بومی کشور خود را به گوش مردم سرزمین‌های دیگر رساندند. چون «شوپن»، «لیست»، «بارتوک».

«خاچاطوریان»، «دفا» ، «جرج انسکو». ولی در ایران با وجود داشتن موسیقی محلی غنی به این مهم پرداخته نشده و اگر هم شده به قدری اندک است که در حکم هیچ است و در این مورد می‌توان از سازندگان چون پرویز محمود، رویک گریگوریان، سنچری، حنا، دهلوی نام برد، که زحماتشان در این مورد بسیار با ارزش است. و اما در مورد این که تنظیم رقصهای محلی برای صحنه‌های بزرگ به ارزش محلی بودن آن لطمه می‌زند یا نه؟ باید بگویم که در صورتی این لطمه وارد می‌آید که غلط تنظیم یافته باشد. متأسفانه رقصهای محلی ما امروز دچار همین نقص است.

تلاش - هر چند که توجه به موسیقی رقصهای محلی و جمع‌آوری آن و اصولاً کار روی رقصهای محلی در سرزمین‌های کاری جوان و تازه‌است، می‌خواهم پرسش پیشاهنگان این راه چه کسانی بودند و نتیجه کارشان چه بوده است؟

لیلی تجدد - اولین کسی که می‌شناسیم همتی برای گردآوری و تنظیم رقصهای ما بخرج داد، خانم «کوک» آمریکایی استاد هنرستان «باله» بود که به خاطر توجه‌زیادی که به رقصهای محلی ما داشت و از وضع مالی خوبی هم برخوردار بود و مهمتر این که زبان فارسی را براحتی تکلم می‌کرد در کارش بسیار موفق بود. خانم «کوک» در سال ۱۳۲۵ به تهران آمد، او قبلاً مدت‌ها همراه با پدرش در یونان زندگی کرده بود و وقتی هم که به ایران آمد، مطالعه‌ی زیادی در تاریخ و فرهنگ و هنر ما داشت. خانم «کوک» در ابتدا عده‌ی از علاقمندان این هنر را چون هایده احمدزاده، نژاد احمدزاده، حسین دانشور، زرنده و حجت زاده را به دور خود جمع کرد و گروهی را تشکیل داد و خود برای جمع‌آوری این رقصها به

سراسر ایران سفر کرد و رقصهایی چون گردآفرید ملهم از شاهنامه فردوسی، کاروان، ملهم از سعدی، من و ساقی، پل اصفهان، رقص کتانه ملهم از رقصهای کردی، رقص دستمال ملهم از رقصهای مردم آذربایجان و رقصی بنام داریوش با استفاده از نقش‌های برجسته تخت جمشید تنظیم کرد، که در آنروز این رقصها را ارکستر دانشکده افسری همراهی می‌کرد.

این گروه برای معرفی رقصهای محلی ایران سفرهایی به کشورهای یونان، ایتالیا، اردن، عراق، سوریه، ترکیه، مصر و هندوستان نمود و با این که قبل از این گروه، باله «شانزلیزه» در این ممالک بود باز هم از این گروه ایرانی استقبال زیادی شد ولی بعد‌ها این گروه با ورود افرادی از کشور های دیگر رنگ ایرانی خود را از دست داد و از هم پاشید.

خانم «کوک» هم‌اکنون زنده است و در یکی از دهکده‌های یونان زندگی می‌کند. با تاسیس هنرهای زیبا کار خانم «کوک» دنبال شد ولی نه آن چنان که باید، و امروز با ورود ماشین به میان ایلات و عشایر و روستا نشینان که حافظ اصلی فولکلور ما هستند از بین رفتن این آثار تسریع شده است و باید با کوشش و سرعت بسیار در تنظیم و ثبت و ضبط آن‌ها اقدام کرد و گر نه دیر می‌شود.

از یکسال پیش سازمان فولکلور برای حفظ این سنتها تشکیل گردید، سازمانی که می‌بایست خیلی پیش از این تاسیس می‌شد. در مورد رقصهای فولکلور همان‌گونه که اشاره کردم ما سعی می‌کنیم و کوشش داریم با تعلیم و آموزش رقصندگانی که قادر به اجرای رقصهای محلی باشند و فرستادن گروه‌ها و هیئت‌ها به نقاط دور افتاده و ضبط این رقصها مانع از بین رفتن آنها بشویم. هنری که محل زندگی روستا است و با شهری شدن روستایی چه کسی می‌تواند نگهبان و حافظ آن باشد؟

تلاش - خانم لیلی تجدد متشکرم.



شهر دیدنیها و شگفتیها

مشتاقانه برای نوشتن يك مقاله تحقیقی که نمایانگر اصفهان امروز باشد بر زمینى که کهنه و نو را در اوج زیبایی بیر دارد سفر کردم . پس از بازدید از قسمتهای مختلف کارخانه ذوب آهن و صحبت با کارشناسان و گرفتن آمار لازم ، بدیدار سد عظیم شاه عباس کبیر شتافتم در آنجا نیز مسؤولین امر همه سؤالاتم را با صمیمیت پاسخ گفتند . بدیگر ادارات شهر اصفهان هم برای گرفتن مدارك مورد نیاز مراجعه کردم .

مقاله ای که از نظر می گذرد چکیده ایست از آنچه که دیدم ، تحقیق کردم و جستجو نمودم .

مهین محبوبی



- سهم حقابه بران از زاینده رود تقریبی و مطابق سهمیه ایست که در طومار شیخ بهائی دانشمند شهر دوره صفویه تعیین شده است . این طومار نسبت درصد آب مصرفی هریک از روستاهای اصفهان را مشخص مینماید .
- زری بافی نیز یکی دیگر از افتخارات هنر اصیل اصفهانی است که با هنرمندی مخصوص و با دستگاه های دستی انجام می گیرد و هنوز صنعت مدرن نساجی با داشتن دستگاههای تمام اتوماتیک نتوانسته است حتی يك گرمانش را بیافد .
- با احداث شبکه آبیاری و نیز بکار افتادن سد شاه عباس کبیر که ساختمان بنای آن تا پایان سال ۱۳۴۸ خاتمه خواهد پذیرفت سطح زیر کشت حداقل تا ۳۰ درصد افزایش می یابد .
- در کنار واحد صنعتی ذوب آهن شهری سیصد هزار نفری در دست ساختمان است .

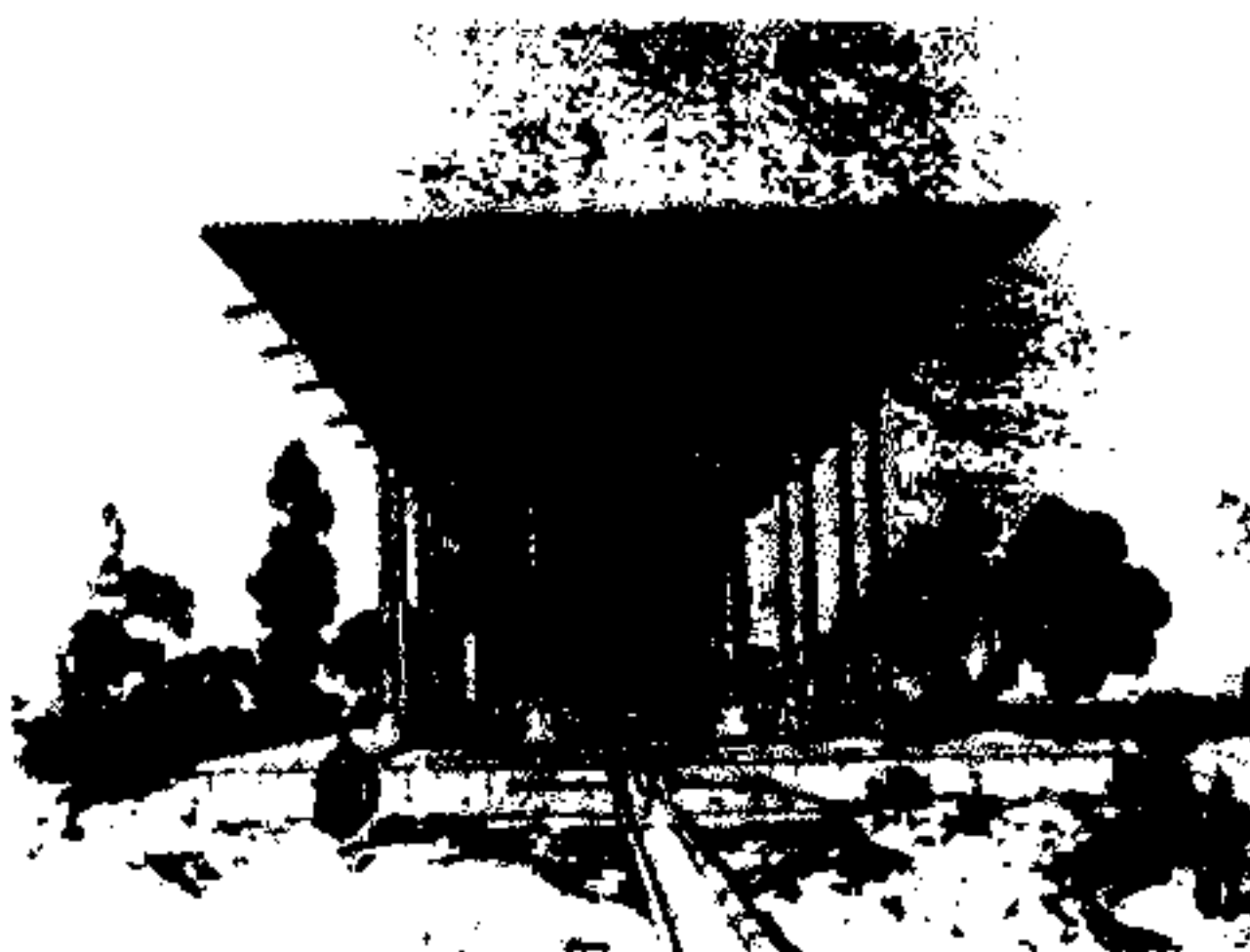
● اکنون اصفهان با داشتن بزرگترین کارخانه های ریسندگی و بافندگی پشم و پنبه ، هزاران دستگاه بافندگی دستی ، و دهها کارخانه مختلف دیگر یکی از مهمترین مراکز صنعت ایران بشمار میرود .

چرا اصفهان؟

انتخاب اصفهان به عنوان محل کارخانه ذوب آهن ایران فقط يك انتخاب ساده و معمولی نیست بلکه تاسیس آن در اصفهان از هجوم جمعیت و ثروت به پایتخت و پهنه کرانه شمال و خط رابط بین تهران - اهواز که سال ها مهمترین محور اقتصادی کشور بوده است بنحو موثری جلوگیری می کند و می تواند موجب پیشرفت و جهش دیگر شهر های مناطق مرکزی و شرقی و جنوب شرقی ایران گردد .

با ایجاد صنعت پولاد سازی در اصفهان بیشتر نقاط کشور از طریق راه آهن و راه های شوسه بیکدیگر مرتبط خواهند شد و این توسعه ارتباطی علاوه بر آنکه در توسعه اقتصادی شهر اصفهان اثری بسزا دارد دیگر نقاط ایران را نیز در گردش چرخ های اقتصادی مملکت سهیم میگرداند .

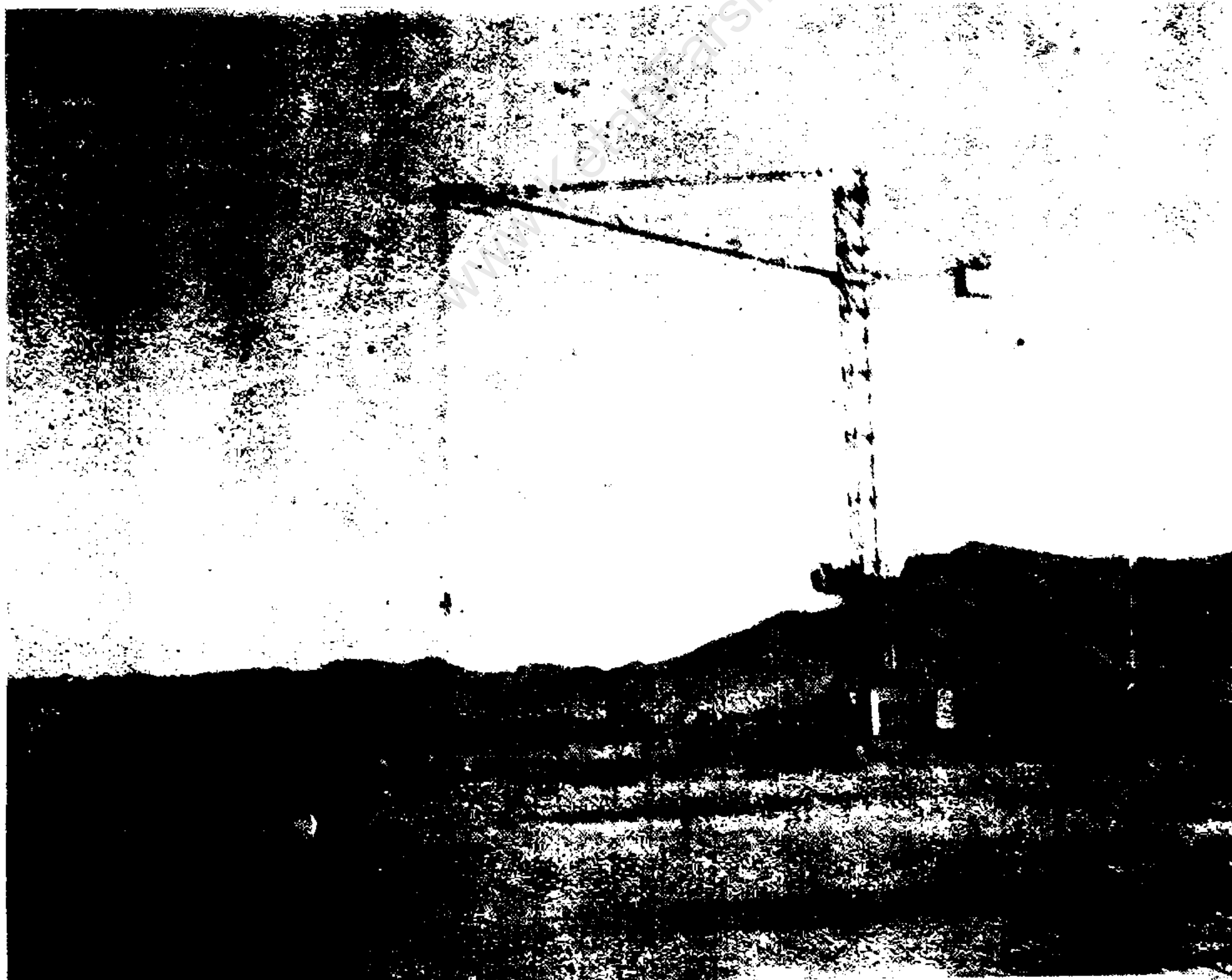
تجزیه و تحلیل اقتصادی مربوط به قیمت تمام شده نیز نشان میدهد که از این لحاظ هم انتخاب اصفهان منطقی بوده خصوصا که اصفهان در مرکز ایران قرار دارد و از سایر نقاط بمراکز عمده مصرف نزدیکتر است و این امر در بهای تمام شده اثری بسزادارد .



کلاه قرنکی آئینه خانه در حدود ۱۵۰ سال پیش فعالیت خود را آغاز نماید با شروع فعالیت این کارخانه ، اصفهان از صورت شهری که فقط صنایع دستی و کارخانه های نساجی در آن به عنوان اقتصاد جلوه گر است بسوی صنعت واقعی امروزی سوق داده خواهد شد . اینك از آن هنگام که اولین كلنك بنای کارخانه ذوب آهن برخاك هنرپرور این عظیم شهر ایران آشنا گردید یکسال واندی میگذرد بنا بگفته مسؤولین ذوب آهن اکنون بیش از پانزده درصد کارها انجام شده است و چون هر روز بیش از پیش سرعت کار باید افزوده گردد می توان گفت در آینده ای که زیاد دور نیست ما به هدف اصلی که تولید آهن به میزان صنعتی است خواهیم رسید .

حرکت آرام و خلاق قلم موئی که رنگ ها را بر سطح پارچه های زربفت ، باغ و گل و دریا ورود و انسان می سازد ، آهنك فعال چكشی كوچك كه نقوشی سحرآمیز و جادوئی بر سطح ، مس ، طلا و نقره میا فریند و نیز... درخشندگی و جلال و شوكت مناره ها و گنبد های ، زمردی فیروزه ای و طلائی مدارس قدیم ، مساجد ، باغها ، بازارها ، میدان ها و مناره های عظیم كه ثمره كار نزدیک به بیست قرن مردم آب و خاك ما است ، همه و همه نمود های شهری است كه هنرمندان عالم و معماران در بعضی نقاط جهان تماشاگر خود را باعجاب و شگفتی واداشته است و هم اکنون رنگها و معماریهای آن به عنوان نمونه در دانشگاه های عالم مورد بحث و فحص است این شهر یاد ها و خاطره ها ، و این دنیای ظرافت ها و زیبایی ها كه نصف جهان و اصفهان خوانده اند اکنون بسوی زندگی اقتصادی نوین گام بر می دارد تا چونان ستاره درخشانی در آسمان صنعت ایران جلوه گر شود .

و این زندگی یا بهتر بگویم درخشش صنعتی هنگامی باوج عظمت و اعتلای خود خواهد رسید كه كارخانه عظیم ذوب آهن ایران كه چشم ملت ما به آن دوخته شده است



ضمناً دسترسی بآب فراوان و پرخیز و برکت زاینده رود و وجود معادن مواد اولیه فرعی مورد احتیاج کارخانه از قبیل دلمیت، سنک آهک و غیره نیز از عواملی هستند که در این انتخاب مؤثر بوده اند.

هدف

براه انداختن چرخهای صنعت فولاد، استفاده وسیع از ذخائر زیر زمینی کشور و همچنین ایجاد صنایع فرعی و مکمل را بدنبال دارد و چنین میتوان گفت که هدف از اجرای این طرح عبارتست از اکتشاف و تجهیز و استخراج معادن زغال سنک و سنک آهن، دلمیت، کوارتزیت، مواد نوز، و کمک بتجهیز سایر منابع مواد اولیه از قبیل بوکسیت، فلوریت، منگنز، کرمیت و غیره که در داخل کشور یافت میشوند و بهره برداری از آنها برای تولید فولاد ضروری است و سپس تاسیس کارخانه ذوب آهن با ظرفیت اولیه ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار تن فولاد.

توضیح آنکه کارخانه ذوب آهن ایران برای ظرفیتی در حدود پنج میلیون تن پیش بینی شده است که مراحل دوم و سوم و چهارم توسعه کارخانه تا ظرفیت نهائی، متناسب با افزایش بازار و مصرف خواهد بود.

اکتشافات انجام شده تا چند ماه پیش نشان میداد که ذخائر موجود تا ۴۰ سال احتیاجات کارخانه را با سطح تولیدی مرحله اول تامین مینماید ولی در کاوشهای اخیر ذخیره ای عظیم از سنک آهن در بافق بدست آمد و وجود ذخائر دیگری نیز ثابت گردید که در ازدیاد ظرفیت کارخانه مؤثر خواهد بود.

برای این منظور هر روز حفاران و اکتشاف کنندگان در پی تحقیقها و تجسسهای جدید قلب کوهها را میشکافند و بتلاش پی گیر خود میافزایند تا شاید بازهم گوشه ای دیگر از این ذخائر مدفون شده را بیابند. نتایج حاصله از اجرای این طرح را میتوان بشرح زیر خلاصه نمود:

الف - تولید در حدود ۶۵۰۰۰۰ تن آهن و فولاد در مرحله اول که بهای آن بطور متوسط با احتساب قیمت فعلی بازار (وسیله بازار یابان ذوب آهن) بالغ بر ریال ۸۷۷۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال قیمت هر تن ۱۳۵۰۰۰ × تن ۶۵۰۰۰۰ و تولید حد اقل یک میلیون و پانصد هزار تن در مرحله دوم و افزایش تولید، هماهنگ با احتیاجات داخلی مملکت در مراحل بعدی.

در نتیجه تولید آهن و فولاد در داخل کشور، حجم مبادلات داخلی افزایش مییابد. یعنی پولی که بصورت حقوق برای خدمات و تهیه مواد اولیه در داخل کشور مصرف میشود به دریافت کنندگان آن قدرت خرید میدهد و در نتیجه سطح تقاضا را بالا میبرد، و این افزایش حجم تقاضا برای گروه

کثیری از کالاها انگیزه سرمایه گذاریهای جدید را فراهم میآورد.

ب - صرفه جوئی در مخارج ارزی کشور، در حدود ۷۵۰۰۰ ریال برای تولید هر تن آهن و فولاد، که برای مرحله اول بطور متوسط بالغ بر ریال ۸۷۵۰۰۰۰۰۰ ریال ۸۷۵۰۰۰ × تن ۶۵۰۰۰۰ میشود.

با این صرفه جوئی مستقیم و غیر مستقیم که در مصرف درآمد های خارجی کشور حاصل میشود امکان استفاده بیشتر برای رفاه عمومی و توسعه اقتصادی بدست میآید. ضمناً مسؤولین ذوب آهن پیش بینی می کنند هزینه تاسیس کارخانه که مبلغ ۳۰ هزار میلیون ریال برآورد شده بود به ۲۶ هزار میلیون ریال تقلیل یابد و این خود نشان میدهد که در طرح مذکور اصول صرفه جوئی در نهایت دقت رعایت میشود. در مقابل هزینه فوق درآمد فروش سالیانه گاز نفت (که سالیان دراز بهبوده



مدخل مدرسه سلطان حسین

میسوخت) بدولت اتحاد جماهیر شوروی مبلغی معادل ۷۵۰۰۰ میلیون ریال میگردد که پس از استهلاك وامهای دریافتی این درآمد یک منبع بزرگ سرمایه گذاری بشمار خواهد آمد و بنوبه خود موجب توسعه اقتصادی و افزایش درآمد ملی خواهد شد. پ - ایجاد ۲۵۰۰۰ شغل ثابت و موقت برای کارکنان فنی و کارگران کارخانه اصفهان، معادن زغال سنک کرمان و سنک آهن چغارت بافق و کارگاههای تهیه مصالح ساختمانی بطور مستقیم و غیر مستقیم.

البته چون این ازدیاد کار طبعاً از دید جمعیت بهمرام دارد و با شروع فعالیت کارخانه مسلماً هجوم جمعیت از تمام نقاط ایران باصفهان رو به فزونی خواهد گذاشت و این موضوع، مسئله کمبود مسکن را در این شهر پیش میآورد، ازهم اکنون مسؤولین امر در صدد چاره این هستند تا در آینده نزدیک امر مسکن بصورت مشکل تورم درنیاید.

ت - تربیت سالانه ۱۵۰۰ نفر تکنسین ماهر، و اعتلای سطح دانش افراد مملکت از طریق ایجاد آموزشگاههای فنی و حرفه ای. ث - توسعه شبکه ارتباطی کشور.

ج - صنعتی شدن کشور

کارهای انجام شده

الف - پیشرفت ۹۰ درصد عملیات اجرایی پایگاه ساختمانی که مصالح ساختمانی کارخانه ذوب آهن را تامین میکند. عملیاتی که تاکنون در این پایگاه پایان پذیرفته بدینقرار است:

۱ - کارخانه تهیه بتن ۲ - کارگاه مخصوص تهیه آرماتور و ساختمان اداری آن ۳ - محوطه مخصوص تحویل مصالح و مواد (بارانداز) ۴ - کارگاه آهک کشی ۵ - تعمیرگاه ۶۰۰ دستگاه ماشین آلات ساختمانی ۶ - ایستگاه سوخت گیری ۷ - کارگاه موتور و وسائل تکنولوژیک ۸ - کارگاه تعمیرات الکتریکی ۹ - کارگاه کفراژ سازی ۱۰ - انبار مصالح ساختمانی و لوازم یدکی ۱۱ - محل کمپرسورها ۱۲ - انبار مخصوص نگهداری کپسولهای استیلن و اکسیژن ۱۳ - ساختمان برج آب ۱۴ - دیزل خانه شماره ۴ ۱۵ - ایستگاه ترانسفورماتور ۱۶ - ساختمان آزمایشگاه مصالح ساختمانی و مواد شیمیائی.

ضمناً در قسمت مسکونی و اداری واحد، ساختمان اداری اصلی، ساختمان بهداشتی ساختمانهای مسکونی کارشناسان ایرانی و شوروی و نیز ساختمان یک سالن غذاخوری پایان رسیده است.

عملیات ساختمانی کارخانه سیمان نیز بخوبی پیشرفت کرده و در حال اتمام است. ب - فعالیتهای ساختمانی زیر سرعت ادامه دارد:

۱ - تسطیح محل کارخانه که برای این منظور بیش از سه میلیون و هفتصد هزار متر مکعب خاکبرداری کرده اند. ۲ - شروع ساختمان بعضی از قسمتهای کارخانه مانند کوره بلند، کک سازی و آگلومراسیون (تهیه بارکوده). در این قسمت نیز در حدود ۹۰ هزار متر مکعب بتن ریزی و در حدود ۲۵ هزار متر مکعب آجر چینی شده است. ۳ - نصب قسمتی از کارگاههای مختلف و ریل گذاری ۱۳۵۲۳ متر کارخانه.

۴ - نصب دو دستگاه دیزل ژنراتور هر یک بقدرت ۴۰۰ کیلووات در نیروگاه شماره ۲ و نیز دو دستگاه دیزل ژنراتور هر یک بقدرت ۶۰۰ کیلووات در نیروگاه شماره ۳. ضمناً عملیات ساختمانی مرکز نیروی برق ۸۳۰۰ کیلوواتی کارخانه ذوب آهن نیز شروع گشته و ماشین آلات مربوطه جهت نصب در محل آماده است.

۵ - در بخش آبرسانی کارخانه اقدامات اساسی از قبیل لوله کشی از رودخانه زاینده رود، نصب پمپ برقی شناور، لوله کشی آب داخل پایگاه ساختمانی، اجرای سیستم فاضل آب بین کلیه انبارها و کارگاهها کاملاً خاتمه پذیرفته است.

اقداماتی که ذکر شد مقدمه فعالیتی بس سترک در راه پیاده کردن طرحی بزرگ است.

صنعتی شهری سیصد هزار نفری در دست ساختمان است.

طراحان ایرانی و با ذوق علاوه بر آنکه موقعیت این شهر را بعنوان يك شهر صنعتی حفظ کرده‌اند کوشش کرده‌اند تا نوعی هماهنگی و همبستگی هم با شهر باستانی اصفهان در آن پدید آورند.

شهر در دشتی وسیع بنا میشود که اطراف آنرا کوههایی بس زیبا و چشم‌گیر احاطه کرده‌اند. ویلاها و آپارتمانهای مجهز این شهر که هم‌اکنون قسمت عمده ساختمان آنها پایان پذیرفته است کاملاً نزدیک بهم هستند و چونان حلزونی در هم فرو میروند. مرکز این حلزون تپه‌ای تنها و آرام است که بعد ها بعنوان مرکز شهر بلوارها و جنگلهای مصنوعی زیبا در آن ایجاد خواهد شد.

این شهر که آریامهر نام‌اش نهاده‌اند در کنار کارخانه ذوب آهن ایران که آریامهرش مینامند در شرف روئیدن است.

سدی عظیم با نام شاه عباس کبیر برای تهیه آب مصرفی موردنیاز کارخانه آریامهر همزمان با امضای قرارداد کارخانه عملیات ساختمانی سدی عظیم و نیرومند بر روی زاینده رود در دل کوههای بختیاری آغاز گردید.

از روز چهارم آذر ماه ۱۳۴۴ روزیکه کلنگ شروع بنای این سد زده شد، نیروهای خلاقه گروه کثیری از جوانان فعال و علاقمند کشور ما، زمانی در سرمای سخت زمستان و دیگر ماه در زیر تابش اشعه سوزان خورشید تابستانی بتکاپو درآمد و تلاشی مداوم در اعماق کوههای بختیاری برای مهار نمودن سیلابها و ذخائر آبی فراوانی که سالهابه‌وده بهدر میرفت، آغاز گشت.

واکنون در قلمرو اصفهان، زیبا شهر تاریخی کشور ما و بر روی زاینده رود این جریان جوشان و خروشان امواج آبستونها



کارگاه انبار مرکزی کوره بلند ذوب آهن ایران آنها.

۱۳- جراثقال، آشنا شدن بساختمان ودانستن قواعدفنی وبهره برداری ازجراثقال وانجام تعمیرات مربوطه.

مطابق برنامه آموزش دوره کارآموزی این گروهها متفاوت است. برای بعضی از رشته ها دوره یکساله و برای بعضی دیگر دو سال کارآموزی در نظر گرفته شده است.

هم اکنون ۴۸۰ نفر دیپلمه از دبیرستان های ایران در این آموزشگاه بتحصیل اشتغال دارند که پس از اتمام دوره کارآموزی خود در کارخانه ذوب آهن ایران بکارمشغول خواهند شد.

بزرگترین هدف اساسی این آموزشگاه تولید نیروی انسانی متخصص است که کمک بزرگی بیالارفتن سطح کار باید بکند.

ضمناً آموزشگاه دیگری نیز در جوار کارخانه در آینده‌ای بسیار نزدیک بناخواهد شد که شامل ۱۷ رشته متالورژی است وفارغ التحصیلان آن برای دوره بهره برداری از کارخانه مورد استفاده قرار خواهند گرفت. ت- ضمن انجام عملیات ساختمانی کارخانه ذوب آهن، برای سکونت کارشناسان مهندسان، کارگران، در کنار این واحد

مثلاً بتون ریزی کارخانه که با روزی ۱۰۰ متر مکعب شروع شده بود اکنون به روزی ۷۰۰ متر مکعب رسیده و تا سه ماه دیگر به بالغ بر ۱۵۰۰ متر مکعب خواهد رسید. تعداد کارگران نیز مرتباً درحال فزونی است. در آغاز کار ۷۰۰ نفر کارگر بود ۵ ماه قبل ۴۰۰۰ نفر و اکنون ۹۰۰۰ نفر مشغول کار هستند. از نظر مصالح و ماشین آلات وارده نیز این افزایش بچشم میخورد. سال گذشته مجموعاً ۱۸۰۰۰ تن جنس از شوروی وارد ایران شد در حالیکه در سال ۱۳۴۸ این رقم به ۱۴۴۰۰۰ تن خواهد رسید.

پ- انجام ساختمان آموزشگاه حرفه‌ای و شروع آموزشهای علمی و عملی. در این آموزشگاه که در نوع خود در سراسر کشور بی نظیر است ۱۳ رشته ساختمانی بشرح زیر تدریس میشود:

۱- آرماتور، شامل کارهای آرماتور سازی، دستگاههای برش و خم کردن آرماتور و انجام کارهای مربوط به آن.

۲- بتن، شامل بتن سازی، بتن ریزی، حمل و نقل بتن و آشنائی با ساختمان ماشین آلات بتن سازی.

۳- مواد نسوز، شامل آموختن خصوصیات مصالح نسوز، انجام کارهای مربوط به ایجاد عایق حرارتی و ساختمان کوره ها.

۴- درودگری (کفراژ)، شامل ساختن انواع کفراژ، شناختن ماشینهای نجاری و کار کردن با آنها.

۵- تاسیسات، شامل مونتاژ شبکه های شوفاژ سائترال، آب، گاز، و انجام کار های مربوط به آن.

۶- جوش برق، آشنا شدن با دستگاه جوشکاری، انجام جوشکاریهای دستی ونیم اتومات و آموختن انواع جوشکاری.

۷- جوش اکسیژن، آشنا شدن با دستگاه جوش اکسیژن، دستگاه برش، انجام جوشکاری اکسیژن و برش بوسیله دستگاه اتوماتیک.

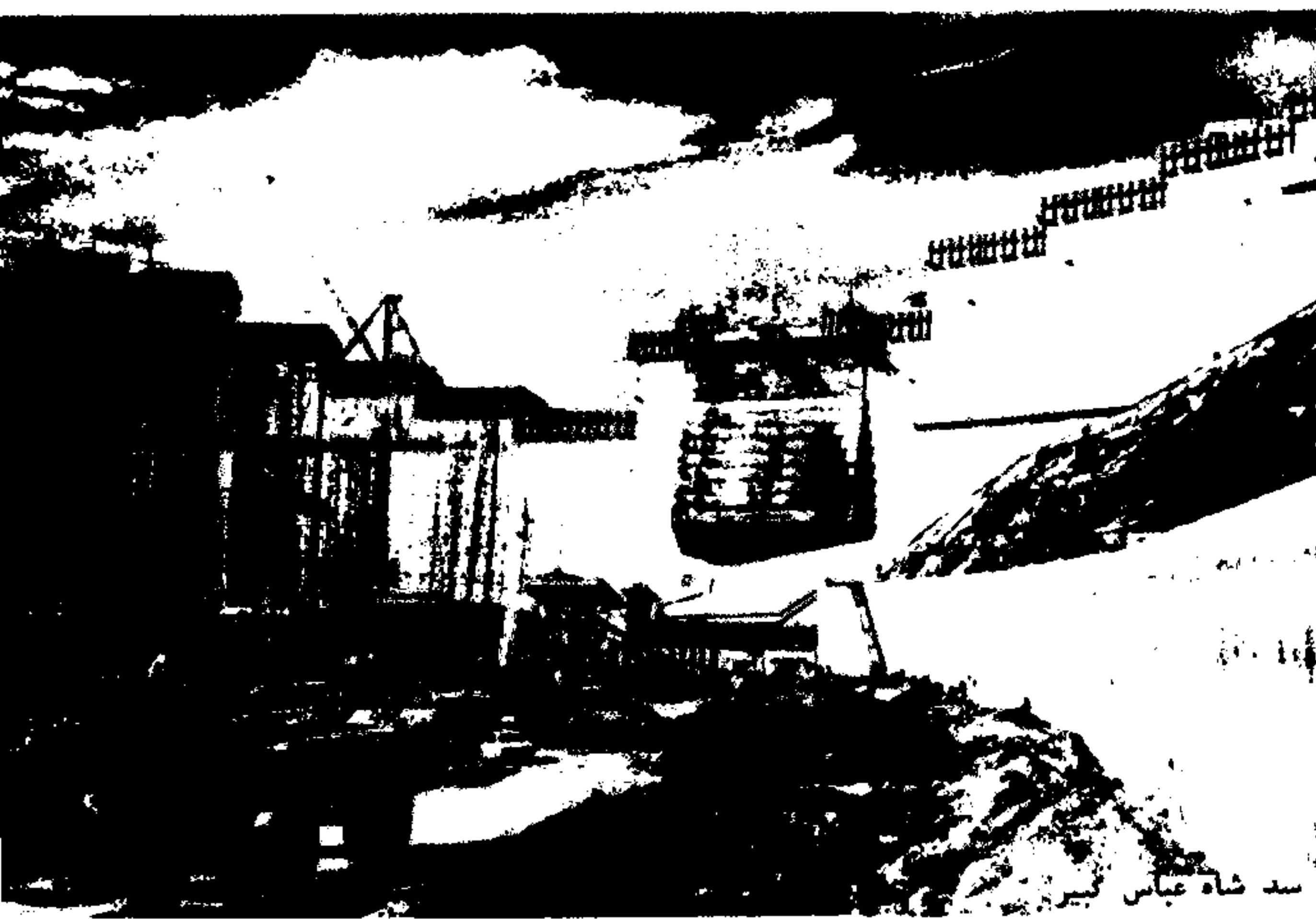
۸- مونتاژ ساختمان، آشنا شدن با تجهیزات و بند و بست (تاکلاژ)، طریقه سوار کردن بلوکهای سیمانی، آموختن قواعد مونتاژ ساختمان و انجام کار های سوهانکاری و فلزکاری.

۹- تجهیزات فولاد سازی، آشنا شدن به تجهیزات فولاد سازی و تهیه کک شیمیائی، و مونتاژ کردن ماشین آلات.

۱۰- برق، آشنا شدن با ساختمان ماشین آلات برق، جریان مستقیم و متناوب مونتاژ و آزمایش ماشین آلات برق.

۱۱- بیل مکانیکی، آشنا شدن بساختمان و قواعد فنی و بهره برداری از بیلهای مکانیکی.

۱۲- بولدوزر و گریدر، آشنا شدن بساختمان و قواعد بهره برداری از بولدوزر ها، گریدر ها و اسکرپرها و کار کردن با





موسیقی و رقصهای فولکلوریک ایران

- رقص های محلی ما به علت عدم توجه و برای خوشایند بیشتر تماشاچی به صورت «آتراکسیون» درآمده است .
- رقص های فولکلوری گاهی چون کویر صاف و آرام و گاهی چون کوهستان پرتحرک و هیجان انگیز است .

لیلی تجدد :

در سال ۱۳۲۳ به دنیا آمد و تحصیلاتش را در تهران به پایان رسانید و به لندن رفت ، وارد «کالج» رقص و هنرهای «دراماتیک» لندن شد . در ابتداء رقص های «مدرن» و رقص های تلویزیونی و صحنه ای انگلیس مورد توجه اش بود و بعد به رقص های «مدرن» آمریکا پرداخت و «جروم رابین» کارگردان رقص های فیلم داستان «لوست ساید» معلم اش بود . او به کارهای «مارتا گراهام» استاد معروف «باله مدرن» امروز آمریکا که تکنیک کار خود را بر روی رقص های شرقی مخصوصا رقص های مذهبی هند قرار داده است ، علاقه نشان داد و بعد به مطالعه رقص های گذشته یونان و همچنین موزیک یونان که آزادی زیادی برقصنده می داد پرداخت و در کنار تمام این ها برای تنوع به مطالعه رقص های ملل مختلف چون اسپانیا ، رومانی ، یوگسلاوی و شوروی پرداخت و آنچه که دیگران در این راه انجام داده بودند این آرزو را در او برانگیخت که روزی رقص های فولکلوری سرزمین خود را روی صحنه های بزرگ ببیند . به این امید به سرزمین مادری خود بازگشت و به تعلیم پرداخت زیرا خود معلمی تحصیل کرده بود . همچنین به جمع آوری و تنظیم رقص های فولکلوری و تربیت هنرآموزانی که بتوانند این رقص ها را اجرا نمایند پرداخت . در روز های اخیر ما شاهد حاصل فعالیت های یک ساله او بودیم و کار هنرآموزانی را که تعلیم داده بود دیدیم . شاید این نخستین اجرای واقعی رقص های فولکلوری گوشه ای از سرزمین ما در تالاری چون رودکی بود . «لیلی تجدد» در این برنامه گوشه هایی از رقص های فولکلوری تربیت جام و بلوچستان را ارائه داد . و ما با وی از رقص های فولکلوری ایران سخن گفتیم :

است . رقص در ابتدا انعکاس یک احساس درونی بود که حرکتی به دنبال داشت احساسی که بعد ها با زندگی و آداب و رسوم مردم درآمیخت و بیانگر شادی ها و غم ها شد . در نزد بعضی ملل به همان صورت ابتدایی خود باقی ماند و در نقاطی تکامل پذیرفت و با ادبیات و موسیقی ملت خود درآمیخت تا این که امروز جایی بزرگ را در هنر ملت خود ، بخود اختصاص داده است . بهر حال آنچه در این میان با ارزش است و هسته اصلی رقص های فولکلوریک را می سازد احساس است که بستگی تام به شرایط جغرافیایی و آداب و رسوم مردم دارد و ملت ما از این لحاظ یکی از غنی ترین

لیلی تجدد : باید دید که اصولا فولکلور چیست ؟ فولکلور یک سری سنت ها ، عادت ها ، نقل ها ، شادی ها و عزاهاست که از گذشتگان ملتی برای بازماندگان شان به جا مانده و حفظ شده و خطوط اصلی چهره فرهنگ و تمدن ملی را نشان می دهد . مثلا یک فرنگی وقتی عزادار است خیلی آرام به مراسم عزاداری می پردازد ولی یک دختر ایرانی وقتی شیون و زاری و بی قراری مادرش را در مرک عزیزی می بیند تقلید می کند و این سنت و عادت و فولکلوریک ملتی می شود و رقص نیز سنت دیگری است همراه با مراسمی خاص ، سنتی که گاهی برای شادی ، گاه عزا و گاه پرستش

گفتگوئی

با لیلی تجدد

منابع را در اختیار دارد. در ایران، ما قسمتهای کویری، کوهستانی و نقاط سرسبز داریم که می توانیم رقص هایی چون کویر، صاف و بی تحرک و رقص هایی پر تحرک چون کوهستان ها، دریاچه ها و هیجان - انگیز و آرام و پر نشاط چون کرانه های دریای شمال ببینیم.

آنچه این رقص ها را بنا می کند سازها و حرکات آنهاست و این حرکات و سازها از گذشته های بس طولانی برخوردارند، در آثاری که از نقاط مختلف این سرزمین به دست آمده نقوشی از رقص ها و سازها حتی مربوط به ماقبل تاریخ به چشم می خورد. سازهایی که امروز در دست مردم خود می بینیم نمونه های تکامل یافته همان سازهاست. در میان سازهای مختلف سازهای ضربی و بادی در موسیقی فولکلوری ما نقش بسیار عمده ای دارد و حتی در کتیبه های بیستون نقش برجسته نوازندگانی با سازهای ضربی دیده می شود. درباریان ایران باستان نوازندگانی داشته اند که کارشان ایجاد شادی بود، چون سازهای ضربی بیشتر شادی آفرینند، لاجرم مورد عنایت بیشتری قرار می گرفتند. این سازها بعد ها به میان مردم رفت و امروز آن ها را بنام دهل، دف و سورنا می شناسیم، که در نقاط مختلف ایران با کمی اختلاف یافت می شود و سازهای اصلی موسیقی فولکلوری ما را تشکیل می دهد.

نقش هایی که از رقص ها و آلات مختلف موسیقی در کندو کاوها در حفاریهای تپه های «سیلک» کاشان و «چشمه علی» به دست آمده و همچنین آثاری که در موزه های مختلف دنیا مخصوصاً «لوور» پاریس از موسیقی فولکلوریک ما وجود دارد نمونه های کلی از رقص های مردم این سرزمین را در ستایش یزدان و جشن های مذهبی به

دست می دهد که امروز اثری از آن هان نیست و همچنین سازهایی در میان مردم ما مرسوم بوده که امروزه نمونه ای از آن ها در دست نیست و ما فقط نامشان را در کتب و روایات و احیاناً شکلی از آن ها در نقاشی ها می بینیم. از جمله این سازها، ابرجن یا جلاجل است که مجموعه ای از زنگوله های کوچکی بوده که پیاپی می بستند و به هنگام پایکوبی رنگ موسیقی یا به اصطلاح موسیقی قدیم



اصول را بدان نگاه می داشتند و نامش بکرات در دیوان شعرا و نویسندگان گذشته، چون نظامی، منوچهری، عطار و کتاب برهان قاطع آمده است و یا «اخلنکدو» که سازی شبیه لیموی تو خالی که از چوب ساخته می شده است. این ساز از لیمو کمی بزرگتر و درونش خالی بوده و در آن سنگریزه می ریختند. نویسندگان برهان قاطع آن را بازیچه دانسته و ساکس آلمانی در فرهنگ کامل موسیقی خود آن را یک ساز ایرانی نامیده است، این ساز شبیه چغانه است و چغانه خود از مجموعه انسان ترتیب داده می شد که درون آن نیز سنگ ریزه می ریختند و هنگام پایکوبی برای حفظ وزن موزیک آن را به حرکت در می آوردند. این ساز رفته رفته تغییر شکل داد و به جای مجموعه آن را از جعبه مدوری که از جنس چوب یا مس بود

درست می کردند و بعد ها به نام «چغه» یا «جق» به دست اطفال افتاد و هم اکنون در ارکسترهای جاز بنام «مالاکاس» مرسوم استفاده قرار می گیرد.

بنابراین همان گونه که ساکس آلمانی «اخلنکدو» را جزو سازهای ضربی ایرانی در فرهنگ خود ثبت کرده است، این ساز را هم باید از سازهای باستانی ایران منظور نماییم و با این اندیشه همچنان که «اخلنکدو» پس از قرون متمادی سرانجام بازیچه اطفال شد، چغانه نیز پس از گذشت زمان های دراز بالاخره بازیچه اطفال ایرانی گردید. ساز دیگری که فواخنتش در میان مردم ایران رواج بسیار داشت، ارغنون بود که از خانواده سازهای بادی است که بنابر فرهنگ دهخدا و گفته «هانری جرج فارمر» از لفظ یونانی «کانون» گرفته شده و در دیوان ها به صورت های مختلف آمده که امروزه شکل تکمیل شده آن را به صورت ارک دستی، پایی، آبی، برقی و آکوردئون می بینیم.

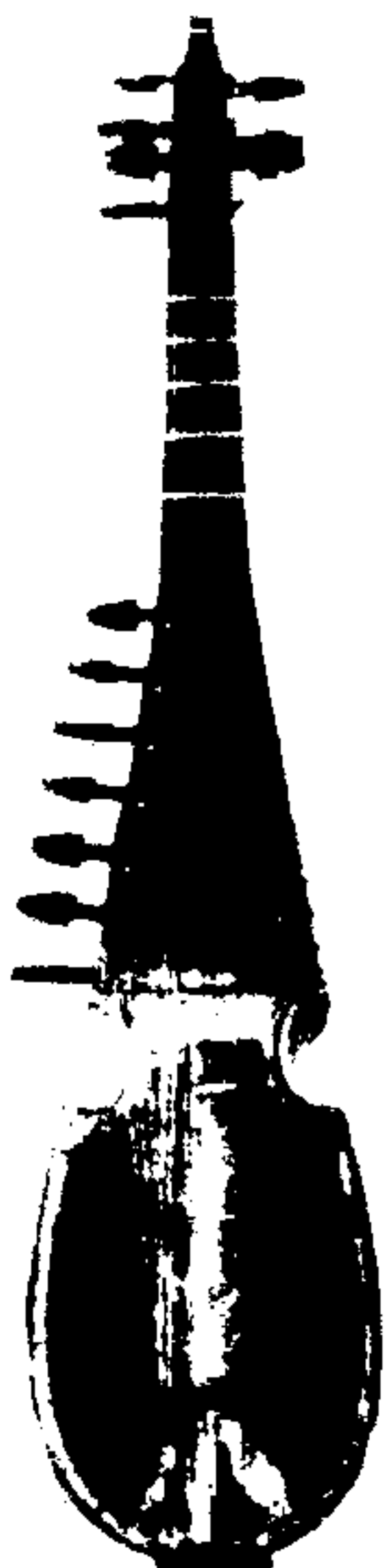
آن چه در موردش کمتر سخن گفته شده ارغنون دهنی است که مردم ایران آن را موسیقار و چینی ها «شنک» و اروپایی ها «فلوت پان» می نامیدند و ایرانیان امروز آنرا ساز دهنی می گویند موسیقار سازی است با سابقه طولانی و در بخشی از پیکره برجسته شکار گوزن طاق بستان چند نوازنده ارغنون دهنی حک شده است.

تلاش - بعد از این گفتار مفصل راجع به سازهای موسیقی فولکلوری ما، زمان آن رسیده که به موضوع اصلی این گفتگو یعنی رقصهای فولکلوری این سرزمین بپردازیم.

لیلی تجدد - سرزمین ما سرزمینی گسترده است که در هر گوشه آن مردمانی با آداب و رسوم و سنتها و جغرافیایی خاص



صحنه ای از رقص رقاصان تربت جام در تالار رودکی



لیلی تجدد - این رقصها به وسیله فیلم و رفتن به محل و آوردن هنرمندان محلی به مرکز جمع آوری گردیده است. تنظیم کردن این رقصها برای صحنه، کار چندان ساده‌ای نیست. يك تنظيم كننده علاوه بر تمام دانایی‌هایی که باید در این زمینه داشته باشد، باید مدت زیادی ناظر این رقصها باشد و تمام اصول آنرا ضبط نماید تا بتواند آنرا برای صحنه تنظیم نماید. آماده بودن عده‌یی هنرآموز که بتوانند این رقصها را ارائه دهند خود مسأله‌یی است بسیار مهم. هنرآموزان و رقصندگان آماده‌ای که بتوانند این رقصها و لباس‌ها و عادات را همانگونه که در اصل بوده ارائه دهند محدودند. برای این منظور ما از یکسال پیش که سازمان ملی فولکلور تشکیل گردید شروع به تعلیم يك عده هنرآموز برای اجرای رقصهای فولکلوريك كردیم که نمونه آن در نخستین برنامه در تالار رودکی ارائه گردید که البته چون این

رقصندگان به جای چوب دستی شمشیر بدست گرفتند که در گذشته‌های دورتر در مقام چوب بوده است.

رقصهای بزمی مردم آذربایجان را باید از خشن‌ترین رقصهای فولکلوری دنیا به شمار آورد. در این رقص افراد به هنرنمایی و قدرت نمایی فردی می‌پردازند و طبیعی است که خنجر و کارد و به طور کلی اسلحه در این رقصها نقش حساسی دارد. از رقصهای ایرانی که برای مردگان انجام می‌دادند امروز اثری نیست و مردم ما برای شادی روح مرده هایشان نمی‌رقصند و فقط اشک می‌ریزند.

زندگی می‌کنند و به همین جهت نوع رقصهای هر گروه از این مردمان بستگی تام به شرایط زندگی‌شان دارد. فی‌المثل از مردمی که به خاطر موقعیت جغرافیایی موطن خود لباس‌های سنگین و بلند می‌پوشند نمی‌توان رقص‌های پرحرکت و پر جنبش انتظار داشت و اگر هم تند باشد این تندی در سطح زمین است و رقصنده نمی‌تواند به پرشهای چشم‌گیر بپردازد. رقصهای مردمان مناطق سردسیر و مرطوب شمال کشور از این گونه است. مردم کویرنشین از روحیه آرام و ملایمی برخوردارند و رقصهایشان نیز چون خلق و خویشان آرام و بدون تحرك زیاد است. مردم کوهستان نشین که رقصهایشان خشونت آمیز و آمیخته با حرکات تند و احتمالاً حرکاتی که نشان دهنده کوه نشین بودن افراد است، چون حرکاتی است که بالا رفتن از کوه را نشان می‌دهد و یا چون رقصهای مردم شمال نشان دهنده ماهیگیری است.

این رقصها که هنوز بدرستی جمع‌آوری و تنظیم نشده برای يك علاقه‌مند، میدان وسیع و میدان عظیم و دست نخورده‌یی است که می‌تواند از آن بهره برگیرد.

نشانه‌هایی باقی است که ما، قبل از اسلام رقصهایی داشته‌ایم برای باریدن باران که در ضمن آن نشانه‌هایی را با خود حرکت می‌دادند که به صورت جمعی بود و امروز نشانی از آن‌ها در بین نیست. این رقصهای جمعی در عشایر با تغییراتی محفوظ ماند، یعنی به این رقصها دستمالی نیز اضافه شد که در دستهای دو جنس مخالف برای این که بهم ربط نداشته باشند قرار می‌گیرد. هم‌چنین دستمال سفید به علامت دور کردن ارواح خبیثه بوده است.

به مسأله‌یی که تا امروز کمتر پرداخته شده و می‌توان گفت که اصولاً توجه نشده، رقص‌های بزمی مردم سرزمین ما است. به خصوص رقصهای بزمی ایل نشینان و مردم کوهستان‌ها که بخاطر بزمی بودنشان بسیار پر تحرك و هیجان انگیز است. در رقص‌های بزمی کردها که همه کمر یکدیگر را می‌گیرند و یا در رقصهای بزمی تربت جام که از چوب استفاده می‌کنند و این چوبها را بشدت همراه با صدای دهل بهم می‌کوبند بسیار هیجان انگیز است. اغلب این رقصها بدست و پا زدن چند نفری از رقصندگان می‌انجامد قسمت‌هایی از این رقصها در تالار رودکی به وسیله رقصندگان محلی اجرا گردید. رقصها طوری تنظیم شده که کسی آزاری نبیند با توجه به این که



رقاصان تربت جام

تلاش - اولین برنامه‌ای که از شما در تالار رودکی دیدیم با آنچه که تاکنون به عنوان رقصهای فولکلوری عرضه گردیده بود تفاوت آشکار و اساسی داشت به خصوص که اکثر رقصندگان محلی بودند. از شما می‌خواهم پیرسم، این رقصها چگونه گردآوری و تنظیم می‌شود و آیا اجرای این رقصها در صحنه‌های مجلل از ارزش محلی بودن آن نمی‌کاهد؟

نخستین برنامه بود، ترجیح دادیم که قسمتهایی از این رقصها را عده‌یی از رقصندگان محلی اجرا نمایند که مربوط بود به رقص‌های تربت جام و بلوچ که از بلوچستان و تربت جام آورده شده بودند.

رقصهای محلی ایران بیشتر برای خوشایند نفس یا عده‌یی که در آن جمع هستند و یا مراسمی که در آن شرکت دارند به وجود

آمده که در بیشتر مواقع هیچ حالت‌نمایشی ندارد. یعنی این که برای تماشاجی و جمعیتی نیست زیرا که همه در این رقصها و پایکوبی‌ها شرکت می‌کنند و برای تنظیم‌کننده این اجبار هست که این حالتها را حفظ کند که متأسفانه اغلب این تنظیم‌ها بخاطر عدم توجه و برای خوشایند بیشتر تماشاجی به صورت «اتراکسیون» درآمده و به هیچ‌وجه رعایت اصالت رقصها نشده و با تکرار و نمایش مداوم آن‌ها در مراکز نمایشی به اشاعه این رقصهای من‌درآوردی که به‌غلط «محلی» یا فولکلوریک نام گرفته، کمک می‌کند. من که هم‌اکنون با شما راجع به این رقصها صحبت می‌کنم تمام سعی خود را براین خواهم گذاشت که رقصها را به همان صورت اولیه خود بدون هیچ دست‌بردگی تنظیم و ضبط نمایم و نمونه آن رقصهایی بود از تربت جام.

آن چه در این مورد باید گفته شود، تحرك بی‌مانندی است که تا به حال کمتر به آن پرداخته‌اند، مخصوصاً آهنگسازان ما که گویا مدت‌هاست موسیقی فولکلور این مرز و بوم را بدست فراموشی سپرده‌اند و این شاید به خاطر سنگینی انجام چنین کارهایی باشد. اگر هم تاکنون به موسیقی فولکلوری ما پرداخته شده بیشتر حالت فرنگی داشته، یعنی این که در ساخته‌های خود فقط از رنك و ضرب موسیقی محلی ما استفاده کرده‌اند و در حقیقت نام محلی بهانه‌یی بوده برای استفاده از «لحن» قوی و سرشار از زیبایی موسیقی فولکلوری، در صورتی که آهنگسازان بزرگ ملل دیگر که موسیقی غنی، چون ما داشته‌اند، با استفاده از موسیقی سرزمین خود آثاری در حد جهانی به وجود آورده‌اند و موسیقی بومی کشور خود را به گوش مردم سرزمین‌های دیگر رساندند. چون «شوپن»، «لیست»، «بارتوگ».

«خاچاطوریان»، «دفايا»، «جرج انسکو». ولی در ایران با وجود داشتن موسیقی محلی غنی به این مهم پرداخته نشده و اگر هم شده به قدری اندك است که در حکم هیچ است و در این مورد می‌توان از سازندگان چون پرویز محمود، رویك گریگوریان، سنجری، حنا، دهلوی نام برد، که زحماتشان در این مورد بسیار با ارزش است. و اما در مورد این که تنظیم رقصهای محلی برای صحنه‌های بزرگ به ارزش محلی بودن آن لطمه می‌زند یا نه؟ باید بگویم که در صورتی این لطمه وارد می‌آید که غلط تنظیم یافته باشد. متأسفانه رقصهای محلی ما امروز دچار همین نقص است.

تلاش - هر چند که توجه به موسیقی رقصهای محلی و جمع‌آوری آن و اصولاً کار روی رقصهای محلی در سرزمین‌های کاری جوان و تازه‌است، می‌خواهم پرسش پیشاهنگان این راه چه کسانی بودند و نتیجه کارشان چه بوده است؟

لیلی تجدد - اولین کسی که می‌شناسیم همتی برای گردآوری و تنظیم رقصهای ما بخرج داد، خانم «کوك» آمریکایی استاد هنرستان «باله» بود که به خاطر توجه‌زیادی که به رقصهای محلی ما داشت و از وضع مالی خوبی هم برخوردار بود و مهمتر این که زبان فارسی را براحتی تکلم می‌کرد در کارش بسیار موفق بود. خانم «کوك» در سال ۱۳۲۵ به تهران آمد، او قبلاً مدت‌ها همراه با پدرش در یونان زندگی کرده بود و وقتی هم که به ایران آمد، مطالعه زیادی در تاریخ و فرهنگ و هنر ما داشت. خانم «کوك» در ابتدا عده‌یی از علاقمندان این هنر را چون هاینده احمدزاده، نژاد احمدزاده، حسین دانشور، زرندی و حجت زاده را به دور خود جمع کرد و گروهی را تشکیل داد و خود برای جمع‌آوری این رقصها به

سراسر ایران سفر کرد و رقصهایی چون گردآفرید ملهم از شاهنامه فردوسی، کاروان، ملهم از سعدی، من و ساقی، پل اصفهان، رقص کتانه ملهم از رقصهای کردی، رقص دستمال ملهم از رقصهای مردم آذربایجان و رقصی بنام داریوش با استفاده از نقش‌های برجسته تخت جمشید تنظیم کرد، که در آنروز این رقصهارا ارکستر دانشکده افسری همراهی می‌کرد.

این گروه برای معرفی رقصهای محلی ایران سفرهایی به کشورهای یونان، ایتالیا، اردن، عراق، سوریه، ترکیه، مصر و هندوستان نمود و با این که قبل از این گروه، باله «شانزلیزه» در این ممالک بود باز هم از این گروه ایرانی استقبال زیادی شد ولی بعد ها این گروه با ورود افرادی از کشور های دیگر رنك ایرانی خود را از دست داد و از هم پاشید.

خانم «کوك» هم‌اکنون زنده است و در یکی از دهکده‌های یونان زندگی می‌کند. با تاسیس هنرهای زیبا کار خانم «کوك» دنبال شد ولی نه آن چنان که باید، و امروز با ورود ماشین به میان ایلات و عشایر و روستا نشینان که حافظ اصلی فولکلور ما هستند از بین رفتن این آثار تسریع شده است و باید با کوشش و سرعت بسیار در تنظیم و ثبت و ضبط آن‌ها اقدام کرد و گر نه دیر می‌شود.

از یکسال پیش سازمان فولکلور برای حفظ این سنتها تشکیل گردید، سازمانی که می‌بایست خیلی پیش از این تاسیس می‌شد. در مورد رقصهای فولکلور همان‌گونه که اشاره کردم ما سعی می‌کنیم و کوشش داریم با تعلیم و آموزش رقصندگانی که قادر به اجرای رقصهای محلی باشند و فرستادن گروه‌ها و هیئت‌ها به نقاط دور افتاده و ضبط این رقصها مانع از بین رفتن آنها بشویم. هنری که محل زندگی روستا است و با شهری شدن روستایی چه کسی می‌تواند نگهبان و حافظ آن باشد؟ تلاش - خانم لیلی تجدد متشکریم.



شهر دیدنیها و شگفتیها

مشتاقانه برای نوشتن يك مقاله تحقیقی که نمایانگر اصفهان امروز باشد بسرزمینی که کهنه و نو را در اوج زیبایی بیر دارد سفر کردم .
پس از بازدید از قسمت‌های مختلف کارخانه ذوب آهن و صحبت با کارشناسان و گرفتن آمار لازم ، بدیدار سد عظیم شاه عباس کییر شتافتم در آنجا نیز مسؤولین امر همه سؤالاتم را باصمیمیت پاسخ گفتند .
بدیگر ادارات شهر اصفهان هم برای گرفتن مدارك مورد نیاز مراجعه کردم .

مقاله‌ای که از نظر می‌گذرد چکیده‌ایست از آنچه که دیدم، تحقیق کردم و جستجو نمودم .
 مهین محبوبی



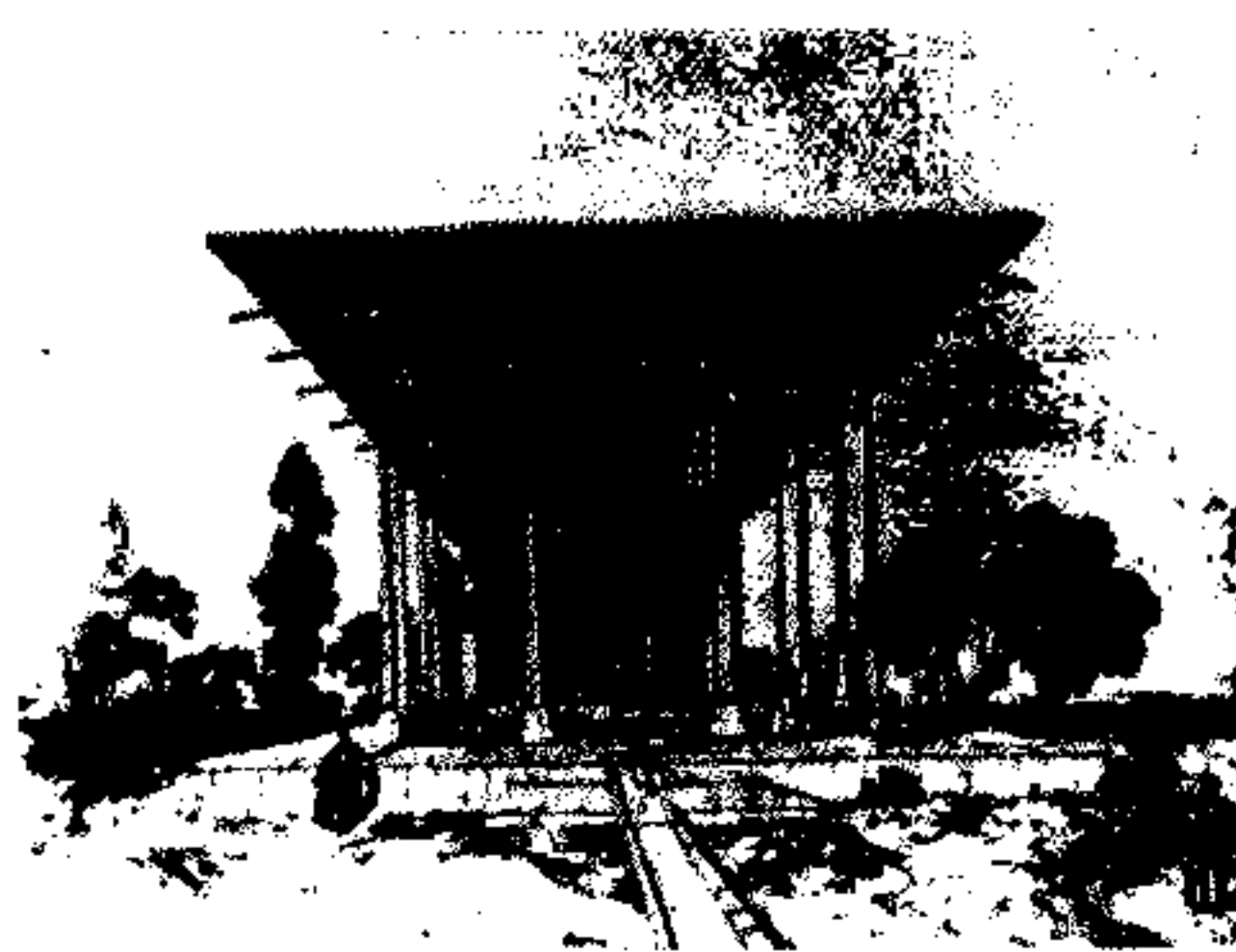
- سهم حقابه بران از زاینده رود تقریبی و مطابق سهمیه ایست که در طومار شیخ بهائی دانشمند شهر دورۀ صفویه تعیین شده است. این طومار نسبت در صد آب مصرفی هریک از روستا های اصفهان را مشخص مینماید.
- زری بافی نیز یکی دیگر از افتخارات هنر اصیل اصفهانی است که با هنرمندی مخصوص و با دستگاه های دستی انجام می گیرد و هنوز صنعت مدرن نساجی با داشتن دستگاههای تمام اتوماتیک نتوانسته است حتی یک گرهمانندش را بیافد.
- با احداث شبکه آبیاری و نیز بکار افتادن سد شاه عباس کبیر که ساختمان بنای آن تا پایان سال ۱۳۴۸ خاتمه خواهد پذیرفت سطح زیر کشت حداقل تا ۳۰ درصد افزایش می یابد.
- در کنار واحد صنعتی ذوب آهن شهری سیصد هزار نفری در دست ساختمان است.
- اکنون اصفهان با داشتن بزرگترین کارخانه های ریسندگی و بافندگی پشم و پنبه، هزاران دستگاه بافندگی دستی، و دهها کارخانه مختلف دیگر یکی از مهمترین مراکز صنعت ایران بشمار میرود.

چرا اصفهان ؟

انتخاب اصفهان به عنوان محل کارخانه ذوب آهن ایران فقط يك انتخاب ساده و معمولی نیست بلکه تاسیس آن در اصفهان از هجوم جمعیت و ثروت به پایتخت و پهنه کرانه شمال و خط رابط بین تهران - اهواز که سال ها مهمترین محور اقتصادی کشور بوده است بنحو موثری جلو گیری می کند و می تواند موجب پیشرفت و جهش دیگر شهر های مناطق مرکزی و شرقی و جنوب شرقی ایران گردد .

با ایجاد صنعت پولاد سازی در اصفهان بیشتر نقاط کشور از طریق راه آهن و راه های شوسه بیکدیگر مرتبط خواهند شد و این توسعه ارتباطی علاوه بر آنکه در توسعه اقتصادی شهر اصفهان اثری بسزا دارد دیگر نقاط ایران را نیز در گردش چرخ های اقتصادی مملکت سهم میگرداند .

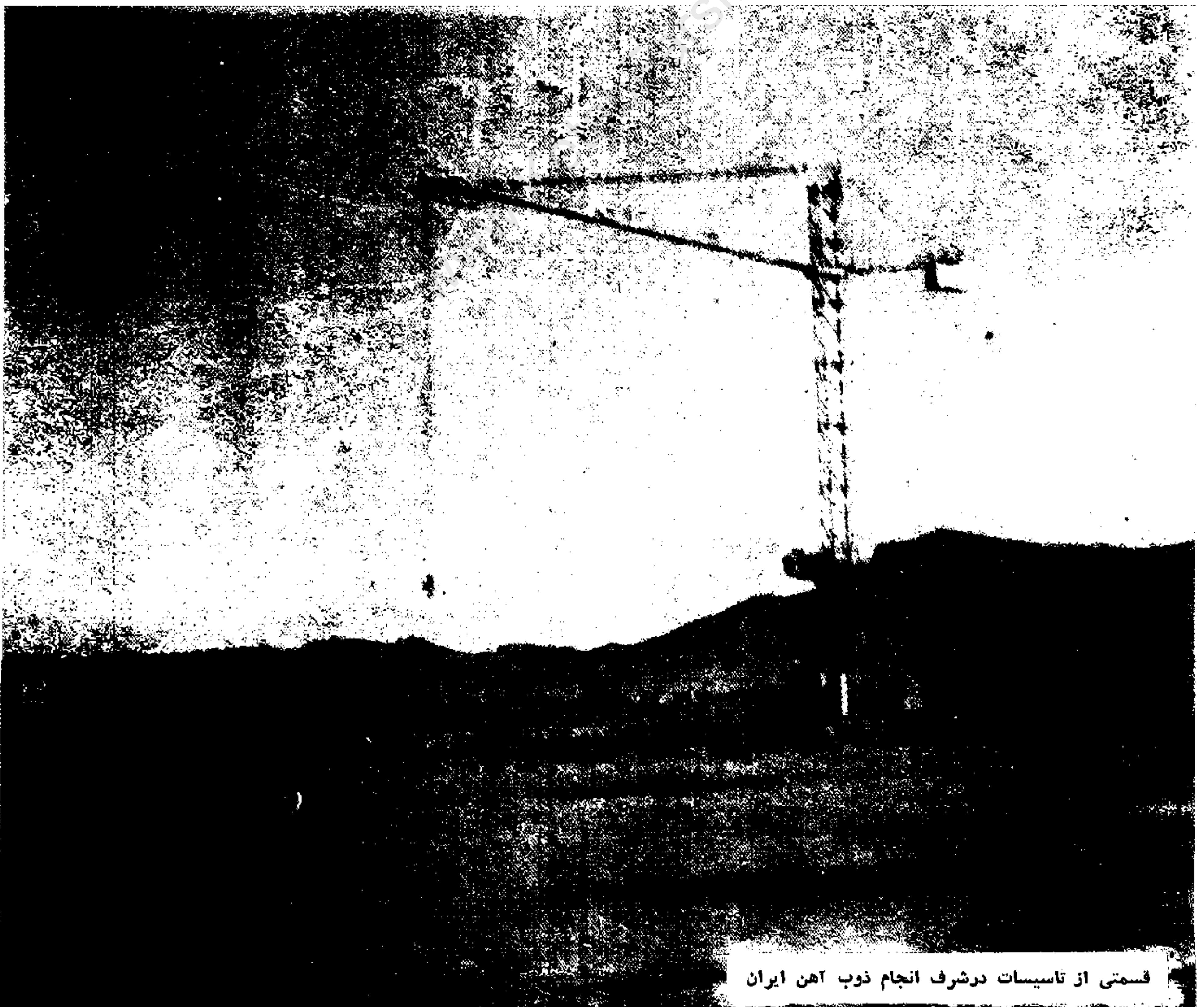
تجزیه و تحلیل اقتصادی مربوط به قیمت تمام شده نیز نشان میدهد که از این لحاظ هم انتخاب اصفهان منطقی بوده خصوصا که اصفهان در مرکز ایران قرار دارد و از سایر نقاط بمراکز عمده مصرف نزدیکتر است و این امر در بهای تمام شده اثری بسزادارد .



کلاه قرنکی آئینه خانه در حدود ۱۵۰ سال پیش فعالیت خود را آغاز نماید با شروع فعالیت این کارخانه ، اصفهان از صورت شهری که فقط صنایع دستی و کارخانه های نساجی در آن به عنوان اقتصاد جلوه گر است بسوی صنعت واقعی امروزی سوق داده خواهد شد . اینک از آن هنگام که اولین کلنگ بنای کارخانه ذوب آهن بر خاک هنرپرور این عظیم شهر ایران آشنا گردید یکسال و اندی میگذرد بنا بگفته مسؤلین ذوب آهن اکنون بیش از پانزده درصد کارها انجام شده است و چون هر روز بیش از پیش سرعت کار باید افزوده گردد می توان گفت در آینده ای که زیاد دور نیست ما به هدف اصلی که تولید آهن به میزان صنعتی است خواهیم رسید .

حرکت آرام و خلاق قلم موئی که رنگ ها را بر سطح پارچه های زربفت ، باغ و گل و دریا ورود و انسان می سازد ، آهنك فعال چكشی كوچك كه نقوشی سحرآمیز و جادوئی بر سطح ، مس ، طلا و نقره میآفریند و نیز... درخشندگی و جلال و شوكت مناره ها و گنبد های ، زمردی فیروزه ای و طلائی مدارس قدیم ، مساجد ، باغها ، بازارها ، میدان ها و مناره های عظیم كه ثمره كار نزدیک به بیست قرن مردم آب و خاک ما است ، همه و همه نمود های شهری است كه هنرمندان عالم و معماران در بعضی نقاط جهان تماشاگر خود را باعجاب و شگفتی واداشته است و هم اکنون رنگها و معماریهای آن به عنوان نمونه در دانشگاه های عالم مورد بحث و فحص است این شهر یاد ها و خاطره ها ، و این دنیای ظرافت ها و زیبایی ها كه نصف جهان و اصفهانش خوانده اند اکنون بسوی زندگی اقتصادی نوین گام بر می دارد تا چونان ستاره درخشانی در آسمان صنعت ایران جلوه گر شود .

و این زندگی یا بهتر بگویم درخشش صنعتی هنگامی باوج عظمت و اعتلای خود خواهد رسید كه كارخانه عظیم ذوب آهن ایران كه چشم ملت ما به آن دوخته شده است



قسمتی از تاسیسات در شرف انجام ذوب آهن ایران

ضمناً دسترسی بآب فراوان و پرخیز و برکت زاینده رود و وجود معادن مواد اولیه فرعی مورد احتیاج کارخانه از قبیل دلمیت، سنک آهک و غیره نیز از عواملی هستند که در این انتخاب مؤثر بوده اند.

هدف

براه انداختن چرخهای صنعت فولاد، استفاده وسیع از ذخائر زیر زمینی کشور و همچنین ایجاد صنایع فرعی و مکمل را بدنبال دارد و چنین میتوان گفت که هدف از اجرای این طرح عبارتست از اکتشاف و تجهیز و استخراج معادن زغال سنک و سنک آهن، دلمیت، کوارتزیت، مواد نسوز، و کمک بتجهیز سایر منابع مواد اولیه از قبیل بوکسیت، فلوریت، منگنز، کرمیت و غیره که در داخل کشور یافت میشوند و بهره برداری از آنها برای تولید فولاد ضروری است و سپس تاسیس کارخانه ذوب آهن با ظرفیت اولیه ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار تن فولاد.

توضیح آنکه کارخانه ذوب آهن ایران برای ظرفیتی در حدود پنج میلیون تن پیش بینی شده است که مراحل دوم و سوم و چهارم توسعه کارخانه تا ظرفیت نهائی، متناسب با افزایش بازار و مصرف خواهد بود.

اکتشافات انجام شده تا چند ماه پیش نشان میداد که ذخائر موجود تا ۴۰ سال احتیاجات کارخانه را با سطح تولیدی مرحله اول تامین مینماید ولی در کاوشهای اخیر ذخیره ای عظیم از سنک آهن در بافق بدست آمد و وجود ذخائر دیگری نیز ثابت گردید که در ازدیاد ظرفیت کارخانه مؤثر خواهد بود.

برای این منظور هر روز حفاران و اکتشاف کنندگان در پی تحقیقها و تجسسهای جدید قلب کوهها را میشکافند و بتلاش پی گیر خود میافزایند تا شاید بازهم گوشه ای دیگر از این ذخائر مدفون شده را بیابند.

نتایج حاصله از اجرای این طرح را میتوان بشرح زیر خلاصه نمود:

الف - تولید در حدود ۶۵۰۰۰۰ تن آهن و فولاد در مرحله اول که بهای آن بطور متوسط با احتساب قیمت فعلی بازار (وسيله بازار یابان ذوب آهن) بالغ بر ریال ۸۷۷۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال قیمت هر تن ۱۳۷۵۰۰۰ × تن ۶۵۰۰۰۰ و تولید حد اقل یک میلیون و پانصد هزار تن در مرحله دوم و افزایش تولید، هماهنگ با احتیاجات داخلی مملکت در مراحل بعدی.

در نتیجه تولید آهن و فولاد در داخل کشور، حجم مبادلات داخلی افزایش مییابد. یعنی پولی که بصورت حقوق برای خدمات و تهیه مواد اولیه در داخل کشور مصرف میشود به دریافت کنندگان آن قدرت خرید میدهد و در نتیجه سطح تقاضا را بالا میبرد. و این افزایش حجم تقاضا برای گروه

کثیری از کالاها انگیزه سرمایه گذاریهای جدید را فراهم میآورد.

ب - صرفه جوئی در مخارج ارزی کشور، در حدود ۷۵۰۰۰ ریال برای تولید هر تن آهن و فولاد، که برای مرحله اول بطور متوسط بالغ بر ریال ۴۸۷۵۰۰۰۰۰۰ ریال ۷۷۵۰۰ × تن ۶۵۰۰۰۰ میشود.

با این صرفه جوئی مستقیم و غیرمستقیم که در مصرف درآمد های خارجی کشور حاصل میشود امکان استفاده بیشتر برای رفاه عمومی و توسعه اقتصادی بدست میآید. ضمناً مسؤولین ذوب آهن پیش بینی می کنند هزینه تاسیس کارخانه که مبلغ ۳۰ هزار میلیون ریال برآورد شده بود به ۲۶ هزار میلیون ریال تقلیل یابد و این خود نشان میدهد که در طرح مذکور اصول صرفه جوئی در نهایت دقت رعایت میشود. در مقابل هزینه فوق درآمد فروش سالیانه گاز نفت (که سالیان دراز بیهوده



مدخل مدرسه سلطان حسین

میسوخت) بدولت اتحاد جماهیر شوروی مبلغی معادل ۷۵۰۰۰ میلیون ریال میگردد که پس از استهلاك وامهای دریافتی این درآمد یک منبع بزرگ سرمایه گذاری بشمار خواهد آمد و بنوبه خود موجب توسعه اقتصادی و افزایش درآمد ملی خواهد شد. ب - ایجاد ۲۵۰۰۰ شغل ثابت و موقت برای کارکنان فنی و کارگران کارخانه اصفهان، معادن زغال سنک کرمان و سنک آهن چغارت بافق و کارگاههای تهیه مصالح ساختمانی بطور مستقیم و غیر مستقیم.

البته چون این ازدیاد کار طبعاً از دید جمعیت بهمرام دارد و با شروع فعالیت کارخانه مسلماً هجوم جمعیت از تمام نقاط ایران باصفهان رو به فزونی خواهد گذاشت و این موضوع، مسئله کمبود مسکن را در این شهر پیش میآورد، ازهم اکنون مسؤولین امر در صدد چاره این هستند تا درآینده نزدیک امر مسکن بصورت مشکل تسویم درنیاید.

ت - تربیت سالانه ۱۵۰۰ نفر تکنسین ماهر، و اعتلای سطح دانش افراد مملکت از طریق ایجاد آموزشگاههای فنی و حرفه ای. ث - توسعه شبکه ارتباطی کشور.

ج - صنعتی شدن کشور

کارهای انجام شده

الف - پیشرفت ۹۰ درصد عملیات اجرایی پایگاه ساختمانی که مصالح ساختمانی کارخانه ذوب آهن را تامین میکند. عملیاتی که تاکنون در این پایگاه پایان پذیرفته بدینقرار است:

- ۱ - کارخانه تهیه بتن. ۲ - کارگاه مخصوص تهیه آرماتور و ساختمان اداری آن.
- ۳ - محوطه مخصوص تحویل مصالح و مواد (بارانداز).
- ۴ - کارگاه آهک کشی.
- ۵ - تعمیرگاه ۶۰۰ دستگاه ماشین آلات ساختمانی.
- ۶ - ایستگاه سوخت گیری.
- ۷ - کارگاه موتاژ وسائل تکنولوژیک.
- ۸ - کارگاه تعمیرات الکتریکی.
- ۹ - کارگاه کفراژ سازی.
- ۱۰ - انبار مصالح ساختمانی و لوازم یدکی.
- ۱۱ - محل کمپرسورها.
- ۱۲ - انبار مخصوص نگهداری کپسولهای استیلن و اکسیژن.
- ۱۳ - ساختمان برج آب.
- ۱۴ - دیزل خانه شماره ۴.
- ۱۵ - ایستگاه ترانسفورماتور.
- ۱۶ - ساختمان آزمایشگاه مصالح ساختمانی و مواد شیمیائی.

ضمناً در قسمت مسکونی و اداری واحد، ساختمان اداری اصلی، ساختمان بهداشتی و ساختمانهای مسکونی کارشناسان ایرانی و شوروی و نیز ساختمان یک سالن غذاخوری پایان رسیده است.

عملیات ساختمانی کارخانه سیمان نیز بخوبی پیشرفت کرده و در حال اتمام است. ب - فعالیتهای ساختمانی زیر سرعت ادامه دارد:

- ۱ - تسطیح محل کارخانه که برای این منظور بیش از سه میلیون و هفتصد هزار متر مکعب خاکبرداری کرده اند.
- ۲ - شروع ساختمان بعضی از قسمتهای کارخانه مانند کوره بلند، کک سازی و آگلومراسیون (تهیه بارکوده).
- در این قسمت نیز در حدود ۹۰ هزار متر مکعب بتون ریزی و در حدود ۲۵ هزار متر مکعب آجر چینی شده است.
- ۳ - نصب قسمتی از کارگاههای مختلف و ریل گذاری ۱۳۵۲۳ متر کارخانه.

- ۴ - نصب دو دستگاه دیزل ژنراتور هر یک بقدرت ۴۰۰ کیلووات در نیروگاه شماره ۲ و نیز دو دستگاه دیزل ژنراتور هر یک بقدرت ۶۰۰ کیلووات در نیروگاه شماره ۳. ضمناً عملیات ساختمانی مرکز نیروی برق ۸۳۰۰ کیلوواتی کارخانه ذوب آهن نیز شروع گشته و ماشین آلات مربوطه جهت نصب در محل آماده است.

- ۵ - در بخش آبرسانی کارخانه اقدامات اساسی از قبیل لوله کشی از رودخانه زاینده رود، نصب پمپ برقی شناور، لوله کشی آب داخل پایگاه ساختمانی، اجرای سیستم فاضل آب بین کلیه انبارها و کارگاهها کاملاً خاتمه پذیرفته است.

اقداماتی که ذکر شد مقدمه فعالیتی بس سترک در راه پیاده کردن طرحی بزرگ است.

صنعتی شهری سیصد هزار نفری در دست ساختمان است.

طراحان ایرانی و با ذوق علاوه بر آنکه موقعیت این شهر را بعنوان يك شهر صنعتی حفظ کرده‌اند کوشش کرده‌اند تا نوعی هماهنگی و همبستگی هم با شهر باستانی اصفهان در آن پدید آورند.

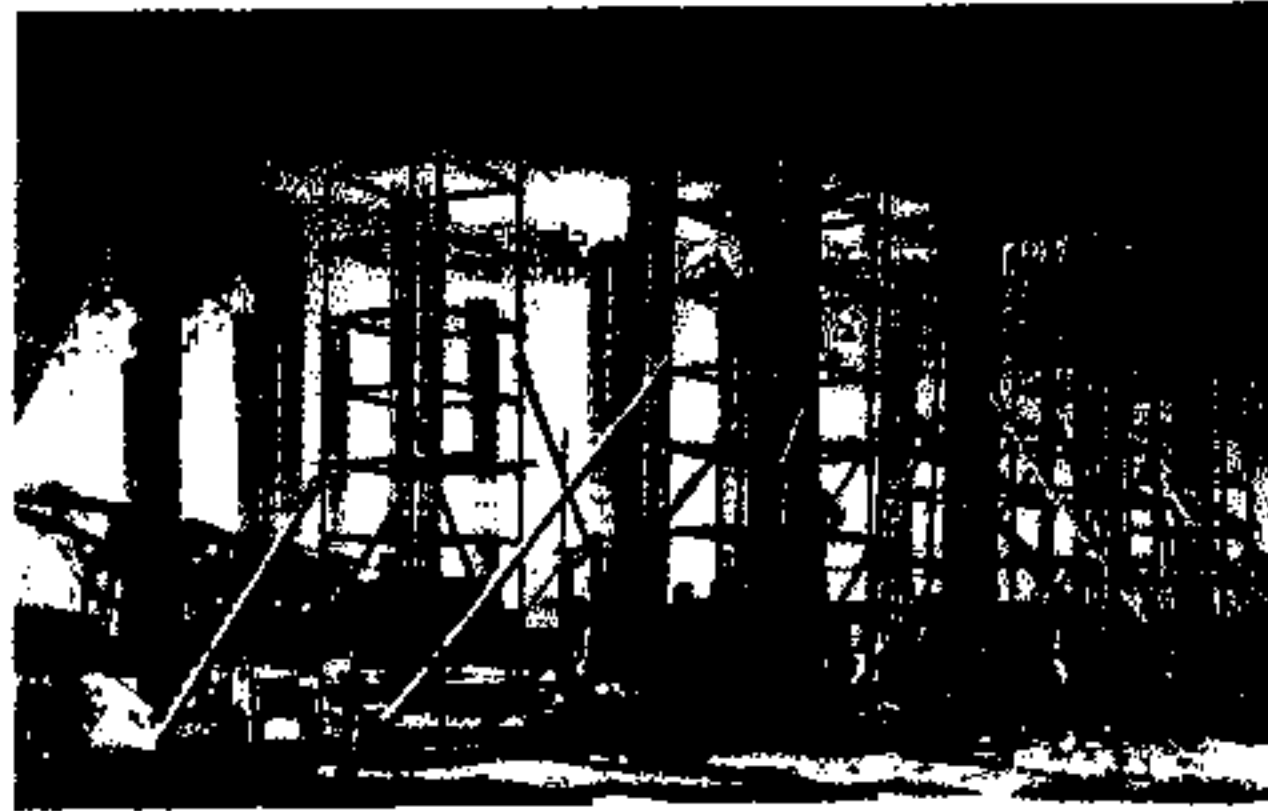
شهر در دشتی وسیع بنا میشود که اطراف آنرا کوههایی بس زیبا و چشم گیر احاطه کرده‌اند. ویلاها و آپارتمانهای مجهز این شهر که هم‌اکنون قسمت عمده ساختمان آنها پایان پذیرفته است کاملاً نزدیک بهم هستند و چونان حلزونی در هم فرو میروند. مرکز این حلزون تپه‌ای تنها و آرام است که بعد ها بعنوان مرکز شهر بلوارها و جنگلهای مصنوعی زیبا در آن ایجاد خواهد شد.

این شهر که آریاشهر نام‌اش نهاده‌اند در کنار کارخانه ذوب آهن ایران که آریامهرش مینامند در شرف روئیدن است.

سدی عظیم با نام شاه عباس کبیر برای تهیه آب مصرفی مورد نیاز کارخانه آریامهر همزمان با امضای قرارداد کارخانه عملیات ساختمانی سدی عظیم و نیرومند بر روی زاینده رود در دل کوههای بختباری آغاز گردید.

از روز چهارم آذر ماه ۱۳۴۴ روزیکه کلنگ شروع بنای این سد زده شد، نیروهای خلاقه گروه کثیری از جوانان فعال و علاقمند کشور ما، زمانی در سرمای سخت زمستان و دیگر ماه در زیر تابش اشعه سوزان خورشید تابستانی بتکاپو درآمد و تلاشی مداوم در اعماق کوههای بختباری برای مهار نمودن سیلابها و ذخائر آبی فراوانی که سالهابهوده بهدر میرفت، آغاز گشت.

واکنون در قلمرو اصفهان، زیبا شهر تاریخی کشور ما و بر روی زاینده رود این جریان جوشان و خروشان امواج آبستونها



کارگاه انبار مرکزی کوره بلند ذوب آهن ایران آنها.

۱۳- جراثقال، آشنا شدن بساختمان ودانستن قواعد فنی و بهره برداری از جراثقال وانجام تعمیرات مربوطه.

مطابق برنامه آموزش دوره کارآموزی این گروهها متفاوت است. برای بعضی از رشته ها دوره یکساله و برای بعضی دیگر دو سال کارآموزی در نظر گرفته شده است.

هم اکنون ۴۸۰ نفر دیپلمه از دبیرستان های ایران در این آموزشگاه بتحصيل اشتغال دارند که پس از اتمام دوره کارآموزی خود در کارخانه ذوب آهن ایران بکار مشغول خواهند شد.

بزرگترین هدف اساسی این آموزشگاه تولید نیروی انسانی متخصص است که کمک بزرگی ببالا رفتن سطح کار باید بکند.

ضمناً آموزشگاه دیگری نیز در جوار کارخانه در آینده ای بسیار نزدیک بنا خواهد شد که شامل ۱۷ رشته متالوژی است و فارغ التحصیلان آن برای دوره بهره برداری از کارخانه مورد استفاده قرار خواهند گرفت.

ت - ضمن انجام عملیات ساختمانی کارخانه ذوب آهن، برای سکونت کارشناسان مهندسان، کارگران، در کنار این واحد

مثلاً بتون ریزی کارخانه که با روزی ۱۰۰ متر مکعب شروع شده بود اکنون به روزی ۷۰۰ متر مکعب رسیده و تا سه ماه دیگر به بالغ بر ۱۵۰۰ متر مکعب خواهد رسید. تعداد کارگران نیز مرتباً در حال فزونی است. در آغاز کار ۷۰۰ نفر کارگر بود ۵ ماه قبل ۴۰۰۰ نفر و اکنون ۹۰۰۰ نفر مشغول کار هستند. از نظر مصالح و ماشین آلات وارده نیز این افزایش بیچشم میخورد. سال گذشته مجموعاً ۱۸۰۰۰ تن جنسی از شوروی وارد ایران شد در حالیکه در سال ۱۳۴۸ این رقم به ۱۴۴۰۰۰ تن خواهد رسید.

پ- انجام ساختمان آموزشگاه حرفه‌ای و شروع آموزشهای علمی و عملی. در این آموزشگاه که در نوع خود در سراسر کشور بی نظیر است ۱۳ رشته ساختمانی بشرح زیر تدریس میشود:

۱- آرماتور، شامل کارهای آرماتور سازی، دستگاههای برش و خم کردن آرماتور و انجام کارهای مربوط به آن.

۲- بتن، شامل بتن سازی، بتن ریزی، حمل و نقل بتن و آشنائی با ساختمان ماشین آلات بتن سازی.

۳- مواد نسوز، شامل آموختن خصوصیات مصالح نسوز، انجام کارهای مربوط به ایجاد عایق حرارتی و ساختمان کوره ها.

۴- درودگری (کفراژ)، شامل ساختن انواع کفراژ، شناختن ماشینهای نجاری و کار کردن با آنها.

۵- تاسیسات، شامل مونتاژ شبکه های شوفاژ سانترال، آب، گاز، و انجام کار های مربوط به آن.

۶- جوش برق، آشنا شدن با دستگاه جوشکاری، انجام جوشکاریهای دستی و نیم اتومات و آموختن انواع جوشکاری.

۷- جوش اکسیژن، آشنا شدن با دستگاه جوش اکسیژن، دستگاه برش، انجام جوشکاری اکسیژن و برش بوسیله دستگاه اتوماتیک.

۸- مونتاژ ساختمان، آشنا شدن با تجهیزات و بند و بست (تاکلاژ)، طریقه سوار کردن بلوکهای سیمانی، آموختن قواعد مونتاژ ساختمان و انجام کارهای سوهانکاری و فلزکاری.

۹- تجهیزات فولاد سازی، آشنا شدن به تجهیزات فولاد سازی و تهیه کک شیمیائی، و مونتاژ کردن ماشین آلات.

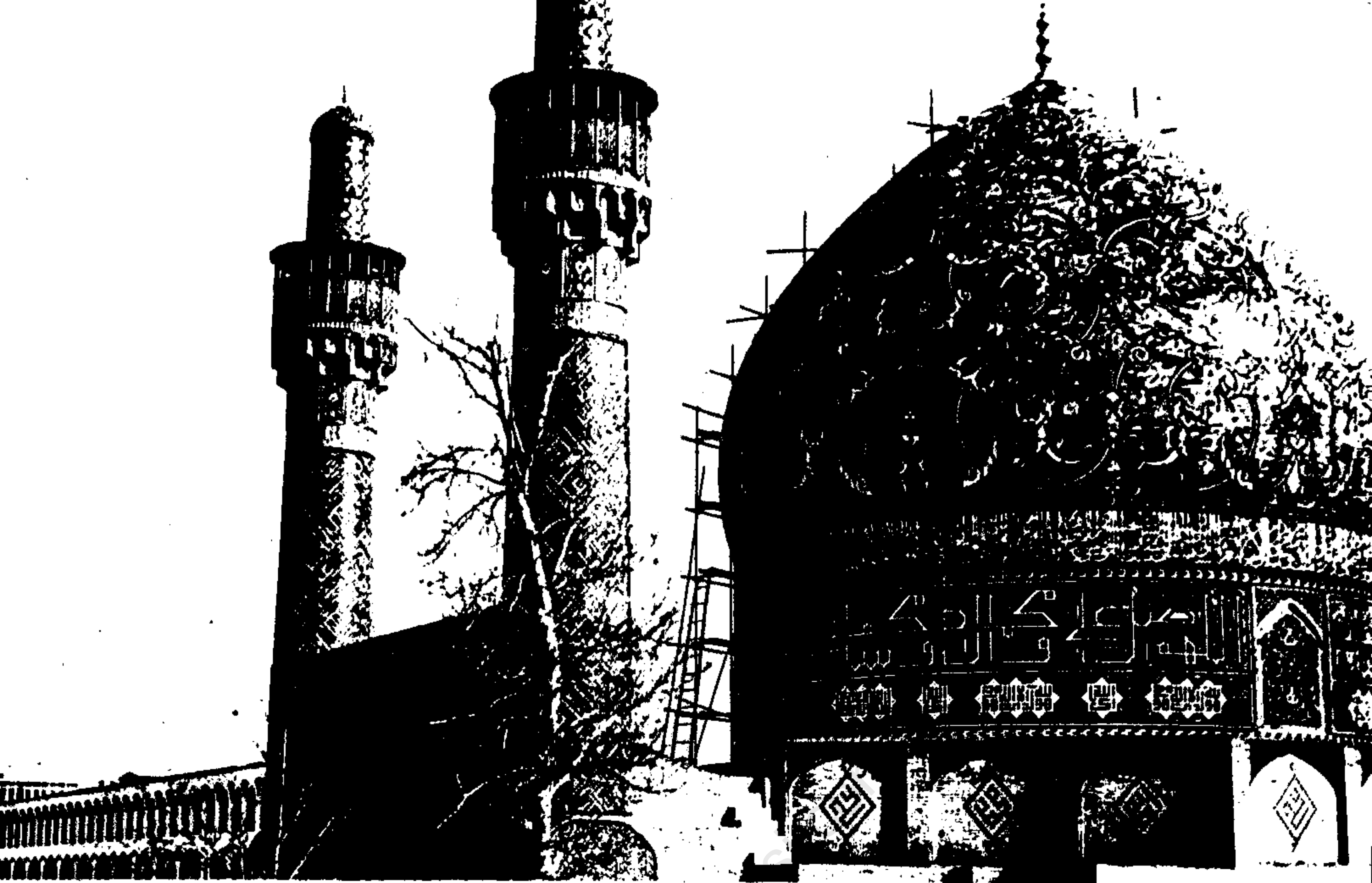
۱۰- برق، آشنا شدن با ساختمان ماشین آلات برق، جریان مستقیم و متناوب مونتاژ و آزمایش ماشین آلات برق.

۱۱- بیل مکانیکی، آشنا شدن بساختمان و قواعد فنی و بهره برداری از بیلهای مکانیکی.

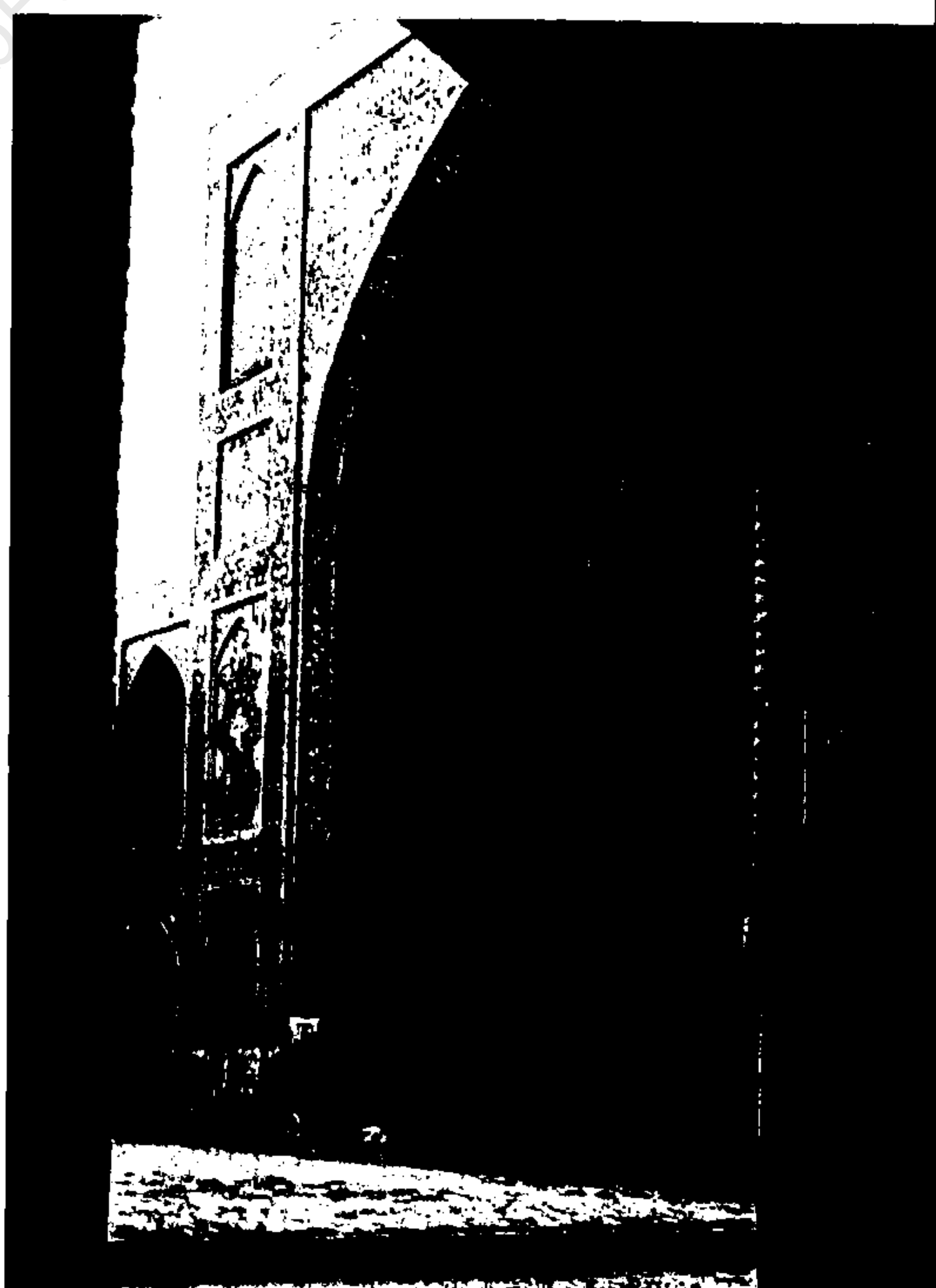
۱۲- بولدوزر و گریدر، آشنا شدن بساختمان و قواعد بهره برداری از بولدوزر ها، گریدر ها و اسکرپرها و کار کردن با



سد شاه عباس کبیر



گنبد و مناره‌های مسجد سلطانی



دو جلوه نو از مسجد شاه اصفهان



رنگها و طرح‌هایی کهن ، زیباتر از نو در مسجد اصفهان



گوشه‌ای از میدان شاه اصفهان



قسمتی از مدرسه چهار باغ اصفهان



میدان شاه از عالی قاپو



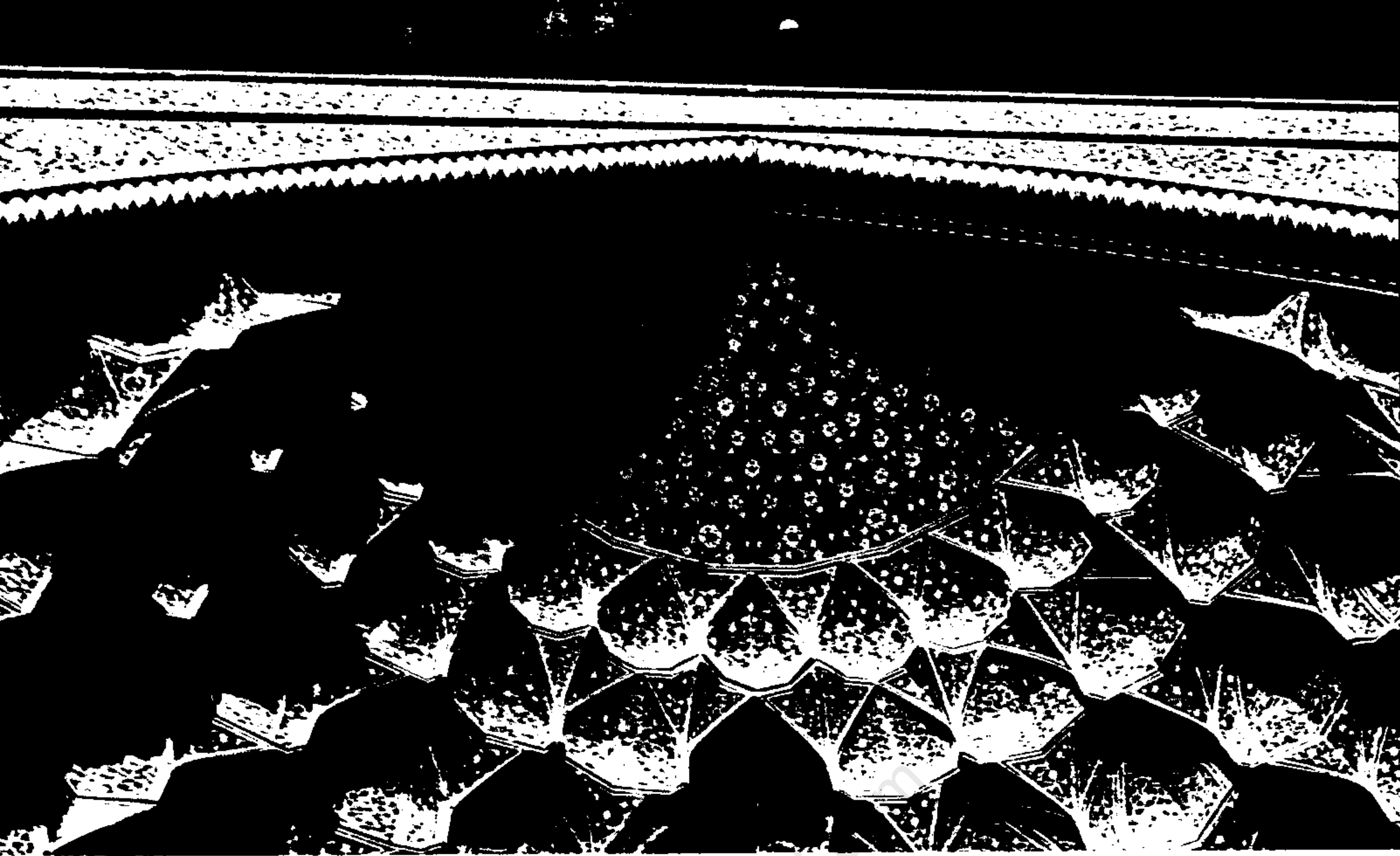
عالی قاپو از میدان شاه



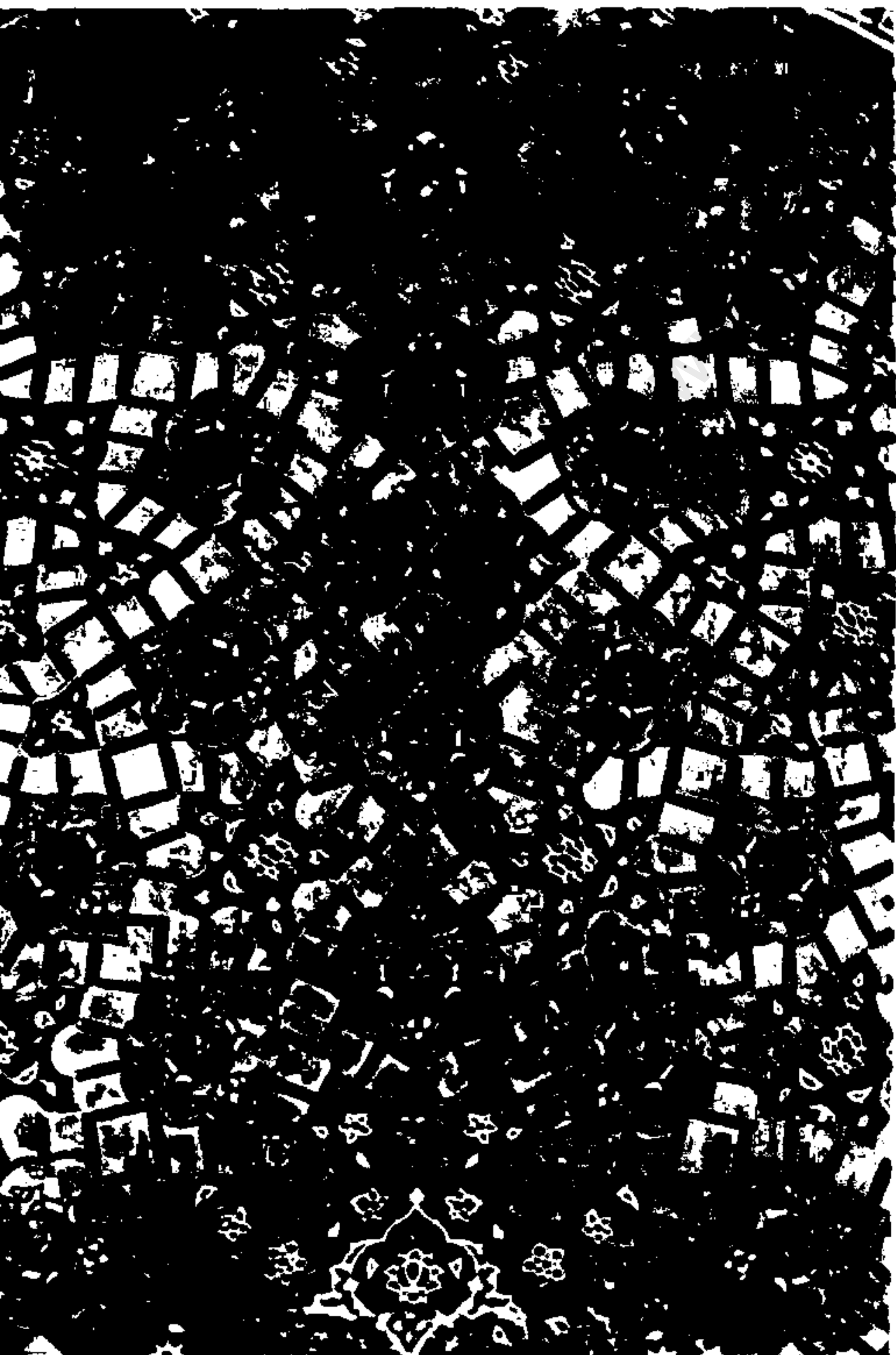
مدرسه سابق شاه سلطان حسین و حیاط کنونی مهمانسرای شاه عباس



بازار اصفهان



جلوه کهنشان از مسجد شیخ لطف الله



گلپائی از مسجد شاه



کنده کاری چوب از غرفه های مدرسه چهارباغ

سدی شکل گرفته است که در آینده قامت اقتصاد دوران جدید و عصر نوین ایران را استوار و پابرجا نگاه میدارد.

این سد را که بنام شهریار ایران شاه عباس کبیر میخوانند سدی است قوسی بتونی، بارتفاع صد متر و قطر ۶۵ متر. عرض این سد در پی ۲۸۷۲ متر و در تاج ۴۵۰ متر میباشد.

حجم کل بتونی که در ساختمان سد بکار رفته بالغ بر ۵۴۰۰۰۰ متر مکعب است. حوضه آبریز سد ۲۰۰ کیلومتر مربع و ظرفیت مخزن آن ۱۴۵۰ میلیون متر مکعب است.

مقدار متوسط آبی که سالیانه از رودخانه زاینده رود بدریاچه سد وارد خواهد شد ۱۲۴۰ میلیون متر مکعب است که در سالهای سیلابی به ۱۶۸۰ میلیون متر مکعب افزایش می یابد. ارتفاع آب دریاچه در بالاترین سطح آب ۲۰۶۳ متر از سطح دریای آزاد است.

هزینه کل مطالعات و تهیه طرح اجرائی و ساختمان سد شاه عباس کبیر و تاسیسات مربوطه و سدهای انحرافی بنام نکوآباد و آشار و ایجاد شبکه آبیاری و نیروگاه و همچنین برگرداندن مازاد آب کوهرننگ به زاینده رود مبلغی معادل ۶۶۰۰ میلیون ریال برآورد شده است که از این مبلغ ۱۲۰۰ میلیون ریالش از محل اعتبار کشور فرانسه و بقیه از بودجه سازمان برنامه تامین میشود.

برای ازدیاد آب زاینده رود از دیرگاه اندیشه اتصال رودخانه کوهرننگ بآن که یکی از شعب رودخانه کارون است وجود داشت. در دوره صفویه سلاطین بزرگی چون شاه طهماسب اول و شاه عباس کبیر از کسانی بودند که برای عملی کردن این آرزو کوشش بسیار نمودند.

شاه عباس دستور داده بود در نزدیکترین فاصله زاینده رود بر چشمه اش که در دامنه زردکوه بختیاری چونان حوضی مدور قرار دارد و چشمه جانان نام گرفته است کوه کارکنان را بشکافند و با ساختن سدی وسیع آب کارون را بالا آورده از شکاف کوه عبور دهند. برای اجرای این طرح، هزاران نفر برایگان پانزده سال باین کار دشوار پرداختند ولی بعلت سردی طاقت فرسای هوا و نیز بر خوردن با سنگهایی سخت که متلاشی کردن آنها با داشتن تکنیک قوی در آن روزگار کاری پس مشکل و انجام ناشدنی بود پیشرفت قابل ملاحظه ای در این زمینه حاصل نشد و بالاخره عملیات اجرائی متوقف ماند.

بعدها نیز دوباره این اقدام تعقیب گردید و با آنکه از وجود یک نفر مهندس فرانسوی نیز بنام دوشنه (Duchene) استفاده شد باز اینکار به نتیجه نرسید و در برنامه اصلاحات عمرانی شهر اصفهان همچنان بصورت آرزویی

باقی ماند.

آثاری که از آنهمه کوشش بشمرنرسیده باقیست پایه های سدی انحرافی بر روی کارون و نیز يك شكاف مصنوعی بارتفاع ۵۰ متر از خط الرأس کوه کارکنان است. عرض این شکاف ۶۰ متر و طول آن ۳۰۰ متر میباشد.

کوه کارکنان تنها مانعی است که آب رودخانه کارون را از زاینده رود جدا می سازد و باعث میشود که یکی از این دو حامل نعمت را بجنوب غربی ایران روان شود و دیگری راه مشرق را پیش گیرد.

زاینده رود پس از طی مسافتی در حدود ۳۶۰ کیلومتر از جهت مغرب بمشرق، منطقه اصفهان را آبیاری نموده، در ۱۴۰ کیلومتری مشرق اصفهان در مرداب گاوخونی که در



مرکز کنترل هوای کورده بلند ذوب آهن ایران حاشیه کویر واقع است فرو میرود.

بهر صورت چون هیچ مشکلی نیست تا بدست توانای بشر آسان نگردد، رؤیای افزایش آب زاینده رود نیز بالاخره صورت حقیقت بخود گرفت و در روز هفتم مهرماه ۱۳۲۷ حفر تونل کوهرننگ آغاز گردید و بامساعی سازمان آب در بیست و چهارم مهرماه ۱۳۳۲ آب کوهرننگ با زاینده رود هم آغوش گشت و در نتیجه حتی در آن هنگام که خشکسالی بستر اغلب رودخانه ها را می خشکاند در زاینده رود که زنده رودش نیز می نامند آب بحد کافی جریان دارد.

با در نظر گرفتن مقدار آبی که پس از ساختن تونل کوهرننگ به زاینده رود افزوده گردیده و اثراتی که این افزایش آب بجای گذاشته است میتوان نتیجه گرفت که پس از اتمام ساختمان سد شاه عباس کبیر و تونل دوم کوهرننگ برای برگرداندن مازاد آب مسلماً دگرگونی محسوسی در چهره شهر پدید می آید و اصفهان بیک مرکز صنعت و کشاورزی با سیستم مدرن و امروزی تبدیل میگردد. براین حقیقت معیارهای زیر روشنگر است:

- ۱- ذخیره سالیانه ۱۴۰۰ میلیون متر مکعب آب و تامین آب مور نیاز کارخانه ذوب آهن بمقدار ۳ متر مکعب در هر ثانیه.
- ۲- تامین ۳۵۰ میلیون متر مکعب آب اضافی در سال از طریق برگرداندن مازاد آب رودخانه کوهرننگ.

۳- تولید نیروی برقی در حدود ۶۰۰۰۰ کیلو وات برای کمک بشبکه برق سراسری کشور.

۴- مصونیت روستاهای دره زاینده رود وبخصوص پلهای تاریخی شهر اصفهان از خطرات ناشی از سیل.

۵- ایجاد شبکه آبیاری و بزییر کشت برین ۱۱۰۰۰۰ هکتار اراضی اصفهان با آبیاری منظم.

توضیح آنکه هم اکنون در تمام منطقه اصفهان فقط ۶۰۰۰۰ هکتار زمین آنهم با روش آبیاری منظم زیر کشت است.

تقسیم آب در اصفهان بوسیله نهرهای خاکی صورت میگیرد که بزبان محلی بآنها مادی میگویند و طی چهارصد سال برحسب احتیاج مردم بطریق نامنظم احداث شده است.

سهم حقابه ایران از زاینده رود تقریبی و مطابق سهمیه ایست که در طومار شیخ بهائی دانشمند شهر دوره صفویه تعیین شده است. این طومار نسبت درصد آب مصرفی هریک از روستاهای اصفهان را مشخص مینماید.

البته چون نهرها خاکی هستند و با هر سیل تغییرات مهمی در آنها ایجاد میگردد طرز توزیع آب در اصفهان بسیار مشکل و پیچیده است خصوصاً که نوع مالکیت در اصفهان نیز به پیچیدگی موضوع میافزاید.

طرح شبکه آبیاری شامل کانال های درجه اول و درجه دوم و کانالهای زه کشی است. کانالهای درجه اول و دوم خواهند توانست سهمیه دهات و مناطق اصفهان را بطور یکجا توزیع نمایند. و این امر موجب خواهد گشت که زارع اصفهانی دقیقتر بروی سهمیه آبش حساب کند و با اطمینان بیشتر بزراعت بپردازد و در حقیقت کارش را از صورت حساب کردن بر روی اقبال و شانس خارج نماید.

پائیز سال ۱۳۴۸ آغاز شروع عملیات ساختمانی شبکه آبیاری است و تا پایان سال ۱۳۵۲ آماده بهره برداری خواهد بود.

با احداث شبکه آبیاری و نیز بکار افتادن سد شاه عباس کبیر که ساختمان بنای آن تا پایان سال ۱۳۴۸ خاتمه خواهد پذیرفت سطح زیر کشت حداقل تا ۳۰ درصد افزایش مییابد و وضع کشاورزی در اصفهان بکلی تغییر می کند. راندمان کار کشاورز اصفهانی بالا می رود و با بالارفتن سطح کار درآمدها نیز افزون میگردد.

بطوریکه تخمین زده اند متوسط درآمد سالیانه هر هکتار زمین در اصفهان ۱۸۰۰۰۰۰ ریال است که پیش بینی می کنند با احداث شبکه آبیاری به بیش از ۵۰۰۰۰۰ ریال بالغ خواهد گشت.

سازمان آب منطقه ای اصفهان با در نظر گرفتن نوع زمین و احتیاجات مردم اصفهان پس از مطالعه شبکه آبیاری باین نتیجه رسیده است که تقسیم بندی نوع کشت در

اصفهان باید بترتیب زیر باشد :

غلات ۳۵ درصد ، چغندر قند ۱۵ درصد ، سبزیجات ۱۵ درصد ، سیفی کاری ۶ درصد ، علوفه ۶ درصد ، سیب زمینی ۲ درصد ، و میوه جات ۱۵ درصد .

حجم محصولاتی که پیش بینی می کنند بدست خواهد آمد بدین شرح است :

غلات ۱۰۰ هزار تن

سبزیجات ۴۰ هزار تن ، سیفی کاری ۶۷ هزار تن ، علوفه ۳۳ هزار تن ، و سیب زمینی ۱۰ هزار تن .

وباین ترتیب انتظار میرود که درآینده ، اصفهان علاوه بر داشتن صنایع مادر که کارخانه عظیم ذوب آهن ایران هسته اصلی آنست سطح زندگی کشاورزی خود را درپناه سدینرومند شاه عباس کبیر توسعه چشم گیری بدهد و در این زمینه نیز بر رونق خود بیفزاید .

تحولات اقتصادی در اصفهان

کتاب تاریخی و سفرنامه های متعدد سیاحان ایرانی و خارجی نشان میدهد که اصفهان در گذشته از نظر تولید صنایع و صدور آنها یکی از مهمترین شهرهای ایران بشمار میرفته است .

متأسفانه این شهر که در اواخر دوره صفویه باوج عظمت و اعتلای خود رسیده بود بعلت استیلای افغانها که مصائب فراوانی برای مردم شهر پدید آورد و نیز تغییر پایتخت از آنجا بشیراز و سپس تهران در دوره زندیه و قاجاریه بکلی اهمیت و اعتبارش را از دست داد و پروژگار فلاکت باری دچار گردید .

اما نهضت جدید ایران به اصفهان هم مانند دیگر شهرهای کشور که استعداد عمران آبادی داشتند فرصت توسعه و پیشرفت داد و سبب گردید رکودی که چونان تیره شبی سخت و اندوهگینانه بین دیروز و امروز این شهر افسانه ای ایجاد شده بود بکلی از میان برود .

اکنون اصفهان با داشتن بزرگترین کارخانه های ریسندگی و بافندگی پشم و پنبه ، هزاران دستگاه بافندگی دستی ، و دهها کارخانه مختلف دیگر یکی از مهمترین مراکز صنعت ایران بشمار میرود . مهمترین کارخانه های ریسندگی و بافندگی در اصفهان بدین قرار است :

۱- کارخانه بافندگی و ریسندگی وطن که در سال ۱۳۰۰ تاسیس شده است و قدیمی ترین کارخانه در اصفهان میباشد . این کارخانه که با پنج میلیون ریال سرمایه کار خود را آغاز کرد اکنون با ۷۵ میلیون ریال سرمایه میتواند سالیانه ۱۲۰۸۱۶۸ متر پارچه پشمی ، ۱۳۸۹۷۸ تخته پتو و ۳۰۹۲۸۹ بقچه ریسمن تولید کند . در این کارخانه ۱۹۵۱ نفر بکار مشغولند .

۲- کارخانه ریسباف که محصول سالیانه تولیدی آن متجاوز از ۶۰۰ هزار متر پارچه

نخی و پشمی و بیش از ۷۳ هزار تخته پتو است .

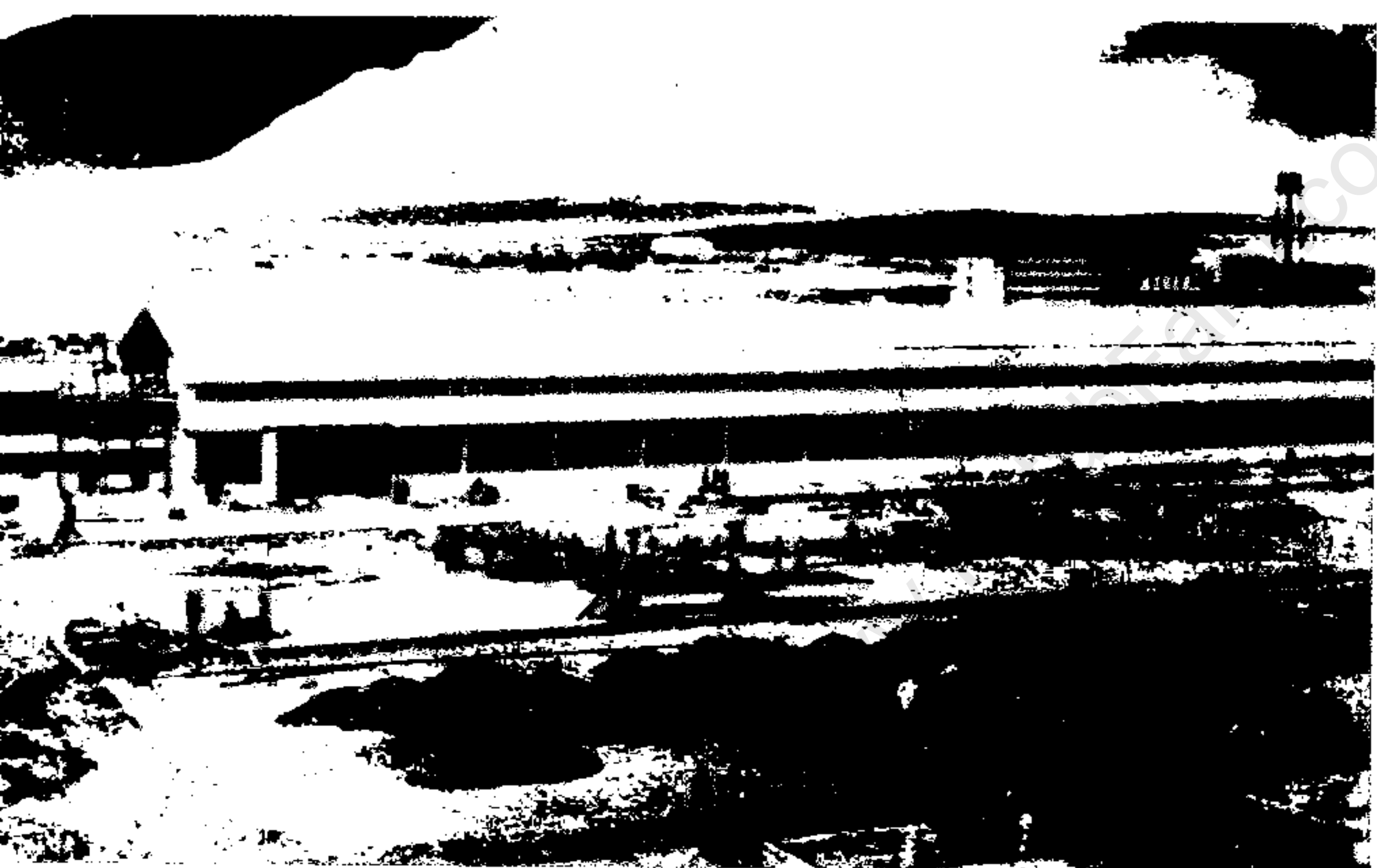
۳- کارخانه صنایع پشم که سالیانه ۷۴ هزار بقچه ریسمن ، ۹۵ هزار متر پارچه پشمی و ۱۱۵ هزار تخته پتو تولید میکند .

۴- کارخانه زاینده رود با سرمایه ۷۱ میلیون ریال و تولید ۶۱۴۶۱۱۶۶ متر پارچه نخی . این کارخانه ۱۵۰۰ نفر کارگر دارد .

۵- کارخانه های نختاب ، ناهید ، آذر ، سوسن و سیمین که سالیانه مجموعاً ۷۴۰ هزار بقچه ریسمن و ۱۳ میلیون متر پارچه نخی تولید میکنند . در کارخانه های فوق بیش از ۳۴۰۰ نفر بکار مشغولند .

۶- کارخانه عظیم شهنار که بزرگترین کارخانه ریسندگی و بافندگی در ایران است و اینک بعد از شرکت نفت بزرگترین واحدی است که بیشترین رقم کارگر را داراست . این کارخانه با ۳۰۰ میلیون ریال سرمایه و بیش از ۴۵۰۰ نفر کارگر روزی ۱۰۰ هزار متر پارچه تولید میکند .

کارگاه آرماتوربندی ذوب آهن ایران



دیگر کارخانه های بزرگ اصفهان بدین شرح میباشد :

۱- کارخانه قند که میزان محصول تولیدی آن در سال ۱۳۰۴/۱۸۶ کیلو قند و ۲۶۸۵۶۱۰۰ کیلو شکر میباشد .

۲- کارخانه سیمان با محصول سالیانه ۱۷۸۳۰۰ تن سیمان .

۳- کارخانه سیلو که ۱۵۸۰۹ تن گندم محصول سالیانه دارد .

۴- کارخانه برق که قدرت تولیدی آن بیش از ۱۰۰ میلیون کیلووات برق در سال است .

۵- کارخانه شیرپاستوریزه ۶- کارخانه روغن نباتی ناز ۷- کارخانه کنسرو اصفهان

۸- کارخانه پلارکه سازنده انواع آب گرمکن و بخاری است ۹- دو کارخانه کبریت سازی شرکت فیروز و شرکت تابان .

حسن جریان کار کارخانه های فوق توسط لایحه قانونی هیئت نظارت صنعتی تامین میشود .

البته کادر فنی صنایع نوین اصفهان احتیاج بتوجه بیشتری دارد تا از لحاظ تخصصی به پیشرفتهای وسیع تری نائل آید و پیکار شهرهائی برسد که از مدتها پیش با تولیدات ماشینی سروکار داشته اند .

ضمناً سهم اصفهان در زمینه صنایع دستی و صدور آنها بداخل و خارج کشور از کلیه مناطق ایران بیشتر و درخشانتر است . این شهر هنرمندپرور که مرکز تولیدات صنایع دستی و هنری بشمار میرود از دیرگاه صنعتگران ماهر و هنرمندی را در دامان خود پرورده است . وقتی بتاریخ پرافتخار و زرین گذشته این شهر می نگریم باین حقیقت مسلم پی میبریم که اصفهان آنچنان در صنایع دستی بر دیگر نقاط دنیا پیشی داشته است



کنار زاینده رود (فروردین ۱۳۴۸)



منظره ای از داخل شهر اصفهان و کوه های اطراف (فروردین ۱۳۴۸)

گره ماندش را بیافد .

صنایع ذکر شده رقم بزرگی از صادرات کشور را شامل میشود . برای تقویت بیشتر این صنایع که نشان دهنده هنر و فرهنگ اصیل ایرانی میباشد قدمهای مؤثری برداشته شده است که از آنجمله میتوانیم مرکز صنایع دستی وزارت اقتصاد را نام ببریم که طی یک برنامه وسیع راهنمائی و توسعه صنایع را بوسیله کارشناسان خود بعهده گرفته ، و وسایل تشویق هنرمندان را نیز از هر حیث فراهم آورده ، کمک مؤثری به احیاء هنرهای دستی نموده است .

این سازمان با ایجاد شرکت های تعاونی تهیه و توزیع مواد اولیه و فروش محصولات تسهیلات فوق العاده ای فراهم ساخته و در شناساندن صنایع مذکور در اقصی نقاط دنیا کوششی فراوان مبذول داشته است .

در پایان چنین میتوان گفت که تحولات چند ساله اخیر اصفهان راه ترقی و تکامل این شهر را از هر حیث هموار نموده است . خصوصاً که در آینده نیز دست یابی به پیروزی های صنعتی و علمی (از برکت کارخانه ذوب آهن ، سد شاه عباس کبیر و دیگر کارخانه های اصفهان) امکان پذیر خواهد بود و شهری که همگان تابحال زیبایی قدیم آن را می ستودند و رنگهای خیره کننده بناهای آن موضوع کتاب های جهان غرب بود امروز از حرکت و نهضت صنعت نوین خود جلب توجه جهانیان را خواهد کرد . کسی چه می داند و شاید فردا بگویند اصفهان که نصف جهان بود امروز نماینده تمام جهان هم می تواند باشد ...

که هنوز هم ملل پیشرفته غرب با همه تمدن و اختراعات خودشان هر گاه در کاوشها و حفاریهای خود در این منطقه به تکه ای از بقایای لوازم ساخته شده برخورد میکنند آنرا بعنوان يك شیئی ارزنده که مجموعه ای از هنر و ظرافت است در موزه ها و نمایشگاه ها نگهداری می کنند .

صنایع دستی اصفهان را میتوان بشرح زیر خلاصه نمود :

۱- قالی بافی که در زیبایی طرح و نقش ، دوام بافت و اصالت کار بدون رقیب است .

۲- قلمزنی روی اشیاء نقره ای ، مسی و برنجی که از دیرباز در اصفهان رواج کامل داشته است . هنرمندان عالیقدر اصفهانی با دستهای هنرمند خود و بکمک قلم و چکش ، آنقدر ظریف و ماهرانه ، نقش ، روی فلزات می آفرینند که فلز سرد و بی روح جان میگیرد و در این راه چنان پیشرفتی کرده اند که در تمام ایام سال جهانگردان از دورترین نقاط جهان برای تماشای اشیاء قلمزنی شده باین شهر روی می آورند .

قلمزنیهای فلزات مختلف در اصفهان در حدود ۴۲۵ نفر هستند که در ۱۴۷ کارگاه بکار مشغولند .

ناگفته نماند دیدار جهانگردان از اصفهان يك منبع بزرگ ارزی را تشکیل میدهد و در بالابردن اقتصاد شهر نقش مهمی بعهده دارد .

۳- یکی دیگر از صنایع ظریف دستی در اصفهان که مخصوص هنرمندان اصفهانی است ملیله کاری میباشد که در نوع خود در تمام دنیا بی نظیر است .

ملیله سازان اصفهانی در حدود ۱۱۳ نفر هستند که در ۲۷ کارگاه کار هنرمندانه خود را دنبال میکنند .

۴- خاتم سازی نیز از کارهای دستی رایج در شهر اصفهان است که یکی از ارقام مهم صادرات سالیانه را شامل میشود .

در شهر اصفهان ۵۰ کارگاه خاتم سازی وجود دارد که در حدود ۱۹۳ خاتم ساز در آنها کار میکنند .

۵- چیت سازی و قلمکار سازی اصفهان نیز در دنیای رقیب است . تنها هنرمند چیت ساز اصفهانی است که با صبر و حوصله عجیب و مخصوص بخود متقال و کرباس را به پرده های زیبا و اقسام رومیزی تبدیل میکند .

این رشته از صنایع دستی نیز در اصفهان ۱۴ کارگاه و ۷۶ کارگر هنرمند دارد .

۶- مینا کاری و میناتور سازی نیز در اصفهان از صنایع دستی مهمی است که در اصالت و ظرافت چشمه را خیره میکند و موجب اعجاب بینندگان میگردد .

۷- زری بافی نیز یکی دیگر از افتخارات هنر اصیل اصفهانی است که با هنرمندی مخصوص و با دستگاههای دستی انجام میگیرد و هنوز صنعت مدرن نساجی با داشتن دستگاه های تمام اتوماتیک نتوانسته است حتی يك

بل خواجهی اصفهان در حدود ۱۵۰ سال پیش

دانشگاهی که باید برای صنعت ایران آدم تربیت کند

گفتو با حسن بهر بخش رئیس هنر برای عالی نازک

● هیچ استادی حق گفتن جزوه ندارد

- در اکثر دستگاههای فنی بدون این که قبلاً فکر کادر فنی را بکنند سرمایه گذاری می کنند و این بزرگترین اشتباه است .
- کار ما در مرحله سوم ، دادن برنامه تعلیمات حرفه ای به تمام مملکت است .
- دختران در کارگاهها و کارهای عملی دقیق تر از پسران هستند ، اینها پشت ماشین تراش می ایستند و در کارگاه های ریخته گری کار می کنند و در کارگاه های ذوب فلز فعالیت دارند و همین طور در کارگاه های دیگر با موفقیت و دقت فراوان کار می کنند و موفقیتشان از پسر ها بیشتر است .
- تجربه در تمام دنیا نشان داده که خانمها پر حوصله تر و در کار معلمی دقیق تر از مردان هستند .
- یک هنرجوی فنی حداقل در حدود ده برابر یک دانشجوی دانشگاهی خرج دارد .
- متأسفانه بخش های خصوصی بدون در نظر گرفتن نیروی انسانی موجود در مملکت سرمایه گذاری می کنند و نتیجه این می شود که یک خارجی ماهیانه بیش از ۴۰۰۰ دلار داده می شود .
- ما واقعا قبل از این می ترسیدیم مسؤولیت را به عهده دانشجویان بگذاریم ولی اکنون می بینیم چقدر کار ما آسان شده و آنها چه خوب از عهده مسؤولیت هایی که به عهده دارند بر می آیند .
- دانشگاه های مختلف هم مدتها نمی توانند به ما کمک کنند بلکه از ما کمک می گیرند .
- نباید فراموش کرد که اختراع احتیاج به بودجه گزاف و شکم سیر و تامین زندگی و لابراتواری مجهز و مهیا دارد .



کارگاه ماشین سازی

الی ۷ ساعت درس می‌خوانند. ضمناً هنرستانی در جوار هنرسرا است که نوعی لابراتوار تجسسی است برای بالا بردن سطح معلومات دانشکده. هنرجویان این رشته از کلاس هشتم دبیرستان به بعد با گذراندن امتحان ورودی به هنرسرا می‌آیند. دوره آن چهار سال است. سال اول عمومی است و باید ده کارگاه را ببینند و بعد از روی معدل رشته تخصیصی آن‌ها انتخاب می‌شود و پس از پایان تحصیل به دریافت دیپلم هنرستان نمونه ضمیمه هنرسرای عالی نائل می‌شوند. تجربه نشان داده که این دیپلم‌ها از بهترین تکنیسین‌ها هستند. این عده حق دارند با سایر دیپلمه‌های هنرستان های مملکت در کنکور هنرسرا شرکت کنند، چه روزانه و چه شبانه.

هنرسرای عالی دانشجویانش را از بین دیپلمه

نظر گرفتن کادر فنی چندین میلیون تومان سرمایه گذاری کرده‌اند و اکنون دست بدامن هنرسرای فنی شده‌اند. کار ما در مرحله سوم، دادن برنامه تعلیمات حرفه‌ای به تمام مملکت است. یعنی در هر نقطه‌ای از ایران که آموزشگاه حرفه‌ای تاسیس شود، هنرسرای عالی نارمک برنامه تعلیماتی و جزوه های لازم را مجاناً در اختیار آن می‌گذارد.

تلاش - در حال حاضر در هنرسرای عالی نارمک چند تن دانشجو مشغول تحصیل هستند؟

هنربخش - در هنرسرای عالی نارمک فعلاً ۲۲۲ نفر دانشجو و هنرجو در روز و شب مشغول تحصیل هستند.

تلاش - منظورتان از روز و شب چیست؟ هنربخش - در هنرسرای عالی دانشجویان و هنرجویان در سه نوبت مشغول تحصیل هستند که

تلاش - آقای هنربخش باتوجه به این نکته که در آینده نزدیک ما احتیاج به کسانی داریم تا در رشته ذوب آهن و متفرعات آن مشغول کار شوند، به این سؤال پاسخ بدهید که آیا هدف شما تربیت مهندسین و تکنیسین های ورزیده است تا از وجود بی‌نیاز شویم و آیا در این راه و برای رسیدن به این هدف اقدامات لازم را به عمل می‌آورید؟

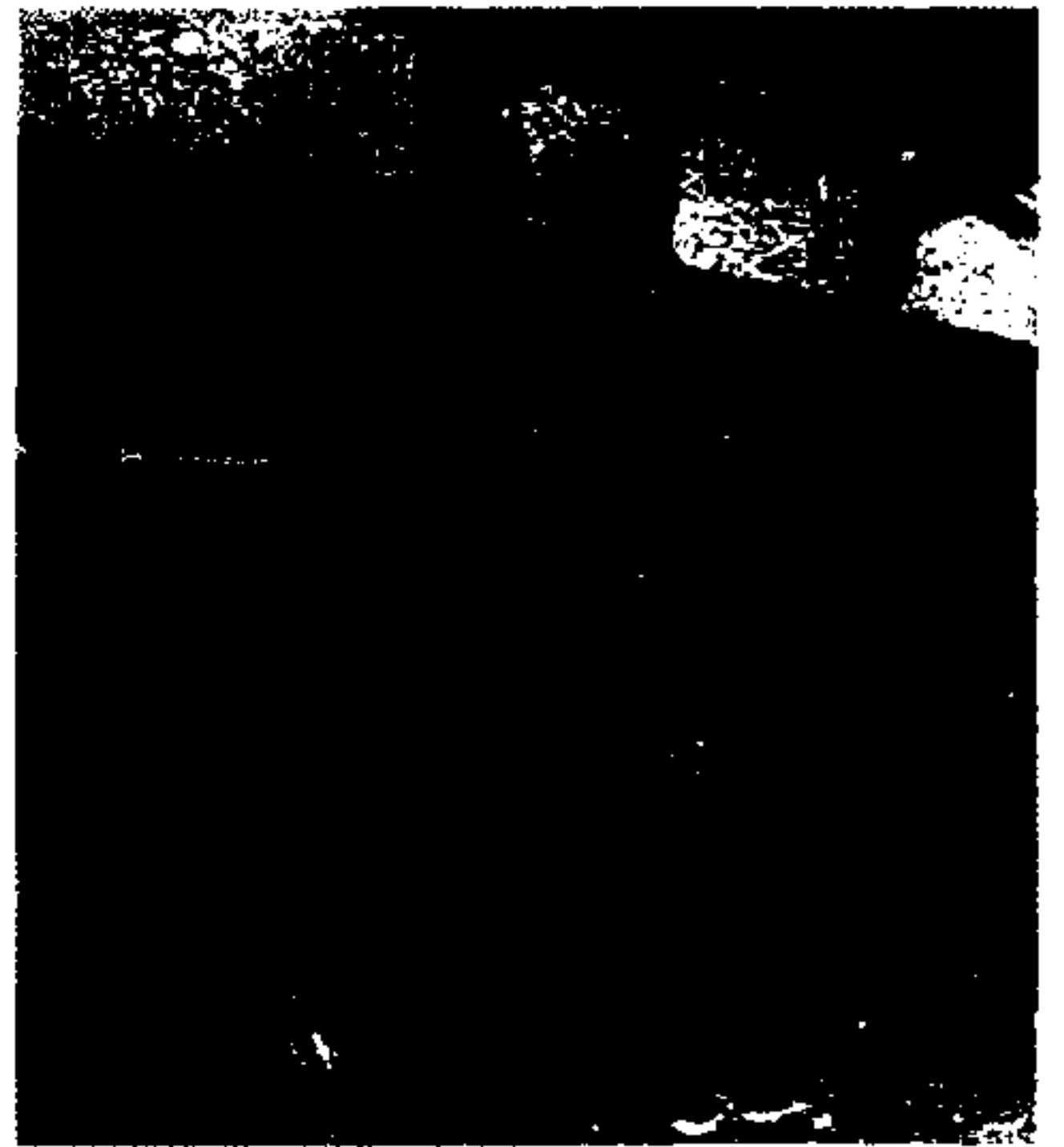
هنربخش - ما همیشه خود را برای ده سال آینده مملکت آماده می‌کنیم. ما از هم اکنون فکر می‌کنیم کارخانه های ماشین سازی ارالک و تبریز که برای ۵ تا ۱۰ سال آینده نصب آن بیایان می‌رسد، به چه افرادی نیازمند است و همین‌طور سایر صنایع مملکت. امروز در هنرسرای عالی در حدود ده برابر ظرفیت سال قبل دانشجو و هنرجو در حال تعلیم هستند و علت این است که هنرسرای عالی نارمک متوجه نیاز مملکت به مهندسین و تکنیسین‌ها شده است. در حقیقت هنرسرای عالی سه عمل انجام می‌دهد. در درجه اول تنها مرکزی است که دبیران فنی مملکت را تربیت می‌کند تا اگر در نقطه دیگری از مملکت هنرسرای افتتاح شود، کادر آموزشی مجهزی داشته باشد، این دبیران برای رشته های مختلف تربیت می‌شوند. یعنی فلان موسسه وقتی می‌خواهد یک مدرسه حرفه‌ای باز کند از نظر کادر تعلیماتی خواسته های خود را برای ما می‌نویسد. ما معلم مورد نیاز را تحویل می‌دهیم. منتها بایک تفاوت که چون دستگاه های دولتی نمی‌توانند به اندازه کافی به این گونه معلم‌ها حقوق بدهند، این عده جذب صنایع و کارخانه‌ها می‌شوند. فرض کنید دولت برای این‌ها در صورتی که بخواهند دبیر باشند ۱۰۰۰ ریال حقوق تعیین می‌کند، در حالی که اگر همین عده در کارخانه کار کنند ۳۰۰۰ ریال حقوق می‌گیرند. بنابراین تعهد دبیری خود را لغو می‌کنند و در کارخانه مشغول کار می‌شوند. ناچار یکی از برنامه های مهم هنرسرای عالی نارمک تربیت دبیر است که مطابق با محاسبه دقیق تا آخر برنامه چهارم ایران احتیاج به ده هزار دبیر فنی دارد، زیرا هر ده نفر دانش آموز در دستگاه آموزش احتیاج بیک دبیر فنی دارند و ما اگر حساب کنیم که در آخر برنامه چهارم صد هزار نفر دانش آموز حرفه‌ای خواهیم داشت، ده هزار نفر دبیر لازم خواهد بود. این وظیفه‌ای است که هنرسرای عالی به عهده گرفته و همیشه به دستگاه های دولتی هم تاکید کرده که فکر حقوق این عده باشند، وگرنه هیچگاه دبیر فنی نخواهند داشت. این عده به کارهای فنی و تکنولوژی وارد هستند. و صنعت این‌ها را جلب می‌کند. مرحله دوم تعلیم مهندسین عملی است که آنها را ما در کلاس های شبانه و روزانه تربیت می‌کنیم تحصیلات این عده معادل لیسانس شناخته شده است و مهندس عملی (دبیر فنی) هستند و همین‌ها جای افراد خارجی را که از دولت ماهانه تا ۲۰۰۰ دلار حقوق دریافت می‌کردند گرفته‌اند. متأسفانه در اکثر دستگاه های فنی بدون این که قبلاً فکر کادر فنی را بکنند، سرمایه گذاری می‌کنند و این بزرگترین اشتباه است.

چند دستگاه معظم تاسیس شده که بدون در



کارگاه اتموکانیک

هر روز از ساعت ۸ صبح تا ۱۰ شب به طول می‌انجامد بدین ترتیب که در عین حال که در لابراتوارهای فیزیک، شیمی یا متالوژی یا الکترونیک هنرسرای عالی، دانشجویان مشغول آزمایش و تحقیق هستند کلاس های تئوری نیز به وسیله دانشجویان و اساتید اشغال است. هدف مسؤولان و کسانی که هنرسرای عالی را اداره می‌کنند و همین طور کادر تعلیماتی هنرسرا این است که از سرمایه موجود که در حدود ۸۰ میلیون تومان است حداکثر بهره‌برداری را بکنند. کار ما به این ترتیب است که یک عده دانشجو از ۸ صبح تا ۵ بعد از ظهر مشغول تحصیل هستند، به نام دانشجویان روزانه، که موظف هستند بعد از اخذ لیسانس ۵ سال برای دولت و دستگاه های آموزشی مملکت خدمت مقدس دبیری را انجام دهند. دانشجویان روزانه در سال برای کتابخانه و ورزش و جزوه های درسی در حدود ۳۰۰۰ ریال شهریه می‌دهند. ولی دانشجویان شبانه چون برای هر دوره ۹۰۰۰ ریال شهریه می‌پردازند با وجودیکه از عنوان تحصیلی و برنامه دانشجویان روزانه استفاده می‌کنند تعهد تدریس ندارند. دانشجویان روزانه چهار سال دوره می‌بینند ولی دوره دانشجویان شب ۶ سال است و علت این اختلاف این است که دانشجویان شبانه فقط ۴ ساعت و دانشجویان روزانه در حدود ۶



کارگاه دروکاری و شوناژ و تهویه

های ریاضی، طبیعی و هنرستان با گذاشتن امتحان ورودی انتخاب می‌کند. سال گذشته در حدود ۸۰۰ نفر ثبت نام کردند که از بین این عده ۵۰۰ نفر برای کلاس های روزانه و در حدود ۸۰۰ نفر برای کلاسهای شبانه انتخاب گردیدند. سال آینده هم ۵۰۰ نفر برای روز و ۵۰۰ نفر برای شب دانشجو می‌پذیریم، با امتحان ورودی که وزارت علوم راسا برای تمام دانشگاه های مملکت انجام خواهد داد. هنر سرا ۵ روز در هفته مشغول کار است روزهای پنجشنبه اختصاص به تعلیمات نظامی دارد.

تلاش - ضمن توضیحی که دادید، چند سوال پیش آمد یکی اینکه چند تن از این عده که گفتید «بیش از ۳۰۰۰ نفر می‌شوند» دختر هستند و آیدار کلاسهای شبانه هنر سرا هم دختران تحصیل می‌کنند؟ سوال دوم اینست که اگر به همین نحو پیش برویم که هر سال ۵۰۰ تا ۸۰۰۰ نفر دختر و پسر مایل باشند در هنر سرای عالی شرکت کنند شما محل کافی برای این عده دارید؟

هنربخش - تعداد دختران شرکت کننده بسیار زیاد است، چنان که در سال گذشته از بین ۷۰۰ نفر که قبول کردیم ۳۰۰ نفرشان دختر بودند. در سال جاری از بین ۵۰۰ نفر ۸۰ نفر قبول شدند که در رشته های مختلف مشغول تحصیل هستند و در کلاس های شبانه هم در حدود ۴۰۰ دختر تحصیل می‌کنند. با آزمایش و دقتی که به عمل آوردیم عجیب است که برای اولین بار در مملکت خود متوجه شدیم که دختران در کارگاه ها و کارهای عملی دقیق تر از پسران هستند، اینها پشت ماشین تراش می‌ایستند و در کارگاه های ریخته گری کار می‌کنند و در کارگاه های ذوب فلز فعالیت دارند و همین طور در کارگاه های دیگر با موفقیت و دقت فراوان کار می‌کنند و موفقیتشان از پسرها بیشتر هست. علت همه این است که بیشتر علاقه به کار مهندسی دارند. در بازدیدی که ۲۰۰۰ نفر از دانشجویان عراقی و استادانشان از هنر سرای عالی کردند باعث تعجب تمام دانشجویان و استادان عراقی شد که يك دختر با این دقت به کار ساختمان یا ریخته گری مشغول باشد. من اطمینان دارم که دختران بیش از پسران بکار دبیری خواهند پرداخت زیرا تجربه در تمام دنیا نشان داده که

خانمها پرحوصله تر و در کار معلمی دقیق تر از مردان هستند.

قرار است تا آخر برنامه چهارم ۶۰۰۰ دانشجو در شب و روز بپذیریم و سعی می‌شود که با کمک های سازمان برنامه برای گسترش اینجا اقدامات لازم بعمل آید و به قسمت های مختلف توسعه بیشتری داده شود. و فعلا در بیشتر اطاق هایی که دانشجویان ساخته و هنوز حتی گاهکلی نشده است هنرجویان مشغول تحصیل هستند.

تلاش - آیا آماری در اختیار است که نشان دهد چند نفر دانشجوی شهرستانی در این هنر سرا مشغول تحصیل هستند.

هنربخش - دانش آموزان هنرستان یعنی دوره متوسطه اغلب تهرانی هستند ولی در دانشکده بالغ بر ۹۰٪ دانشجویان شهرستانی هستند. بطوریکه در این جا انجمن های کرمانشاهی، تبریزی، مازندرانی، تبریزی و غیره تشکیل شد. هم جمع می‌شوند و عجیب این که کمک ها، بسیار شایانی به رفقا و هم شهری های خود می‌کنند. این عده اغلب از طبقه متوسط و پایین اجتماع هستند و با کمال شرافت و غرور دانشجویی به تحصیل اشتغال دارند و شاید ۶۰ تا ۶۵ درصد این عده نیازمند کمک هستند و بوسیله بنیاد رضا پهلوی در درجه اول و بنیاد بانک دانشگاهی و بنیاد پهلوی و سایر موسسات خیریه به این عده از نظر مالی کمک می‌شود. و اخیر در جلساتی که در نخست وزیری زیر نظر آقای احمدی تشکیل می‌شود اقداماتی به عمل آمده و برای این عده در قسمت های مختلف وزارتخانه ها و بنگاه ها کار درست شده و کار کردن اینها دو نتیجه دارد، یکی این که دانشجو روی پای خودش می‌ایستد. دوم این که پول مجانی نمی‌گیرد. مشکل بزرگ ما در اینجا تهیه جا و مکان برای این دانشجویان است، زیرا در نارمک ۶ سال قبل اجاره يك اطاق ۱۵ تومان بود و اکنون بزرگت يك اطاق با اجاره ۷۰ تومان پیدا می‌شود. و بقول خودشان چون عذب هستند به سختی می‌توانند اطاقی برای زندگی اجاره کنند.

ولی خوشبختانه در اردیبهشت سال جاری که علیاحضرت به هنر سرای عالی تشریف فرما شدند ۶ میلیون ریال اعطاء فرمودند و بلاصلا کلنگ اولین خوابگاه زده شد که در مهر ماه آینده برای ۱۵۰ نفر آماده می‌شود و چون آقای مهندس قطبی رئیس هیئت امنای هنر سرای عالی به این مشکل واقف هستند برائ اقدام ایشان در همین حدود برای ساختمان دومین خوابگاه از بودجه جدید شرکت نفت اعتبار منظور شد. کلنگ دومین خوابگاه بزودی زده خواهد شد و ان شاء الله در آینده نزدیک این مشکل دانشجویان هنر سرای عالی هم رفع خواهد گردید.

تلاش - بودجه ای که در اختیار شماست در چه حدود است؟

هنربخش - از روز نخست تاکنون در حدود ۸۰ میلیون تومان خرج ساختمان و ماشین آلات شده است.

تلاش - این مبلغ را چه کسی تامین کرده؟ هنربخش - در حدود ۴ میلیون دلار آمریکایی

ها و وسائل به اینجا هدیه کردند و بقیه این مبلغ را دولت پرداخت ولی بودجه هنر سرای عالی در سال گذشته در حدود ۶ میلیون تومان بود و امسال با درآمد هنر سرای عالی در حدود ۹ میلیون تومان است.

تلاش - بدون درآمد هنر سرای عالی در سال آتی چقدر بودجه برای شما در نظر گرفته شده؟ هنربخش - در حدود ۷۵ میلیون تومان.

تلاش - با توجه به استدلالی که شما کردید بر این مبنایی که تا پایان برنامه چهارم می‌خواهید گنجایش هنر سرای عالی را آماده برای پذیرش ۶۰۰۰ نفر و با توجه به نیاز شدیدی که به مهندسين و فارغ التحصيلان فنی بیشتر هست، چرا توجه نمی‌شود و چرا سعی نمی‌کنید از بهترین کارشناس های ایرانی که در اروپا و آمریکا تحصیل کرده و اکنون بازگشته اند استفاده شود؟

هنربخش - حتما اطلاع دارید که بودجه سال آینده برای پرسنل و کار های عمرانی تواما در نظر گرفته می‌شود.

فرمایشات شما مرا به این فکر انداخت که این چرا ها را چگونه جواب بدهم. چون من کارمند دولت هستم و بنابراین باید این سؤال را از خودم بکنم که آیا برای دولت مقدور است که يك کوی برابر با يك دهم کوی دانشگاه برای هنرجویان آماده کند؟ با توجه به اینکه دانشگاه تهران در شهر قرار گرفته و ما خارج از شهر هستیم، آیا برای دولت مقدور است که هرچه زودتر به توسعه لابراتوارها بپردازد؟ فکر می‌کنم جواب را بدانید. بودجه ای که برای ما منظور می‌گردد فقط خرج پرسنل می‌شود. من در تمام گزارش هایم نوشته ام که يك هنرجوی فنی حداقل در حدود ده برابر يك دانشگاهی خرج دارد یعنی برای یاد دادن درس ادبیات می‌توان ۵۰۰ نفر را در يك سالن آمفی تاتر گنجاند ولی يك دانشجویی که در رشته فنی کار می‌کند که باید هم معلم بشود هم مهندس، در کارگاه حداقل ۶ متر مربع جا لازم دارد. این است که کارگاه های ما با همه عظمتش در هرنوبت بیش از ۲۵ نفر گنجایش ندارد حال اگر ۲۵ نفر ۲۶ نفر شود، ممکن است آنکه جوشکاری می‌کند بعزت نبودن جا به چشم بغل دستی اش صدمه بزند. پس دستگاه های فنی گذشته از مخارج معمول موادی را هم مصرف می‌کند و یا به علل فنی مواد مورد استفاده برایش غیر قابل استفاده می‌شود و دور می‌ریزد. یعنی آن که در کارگاه ساختمانی آجر را روی هم می‌چیند، نفر بعد همه آن آجر ها را دور می‌ریزد و يك سری دیگر آجر می‌خواهد. جوشکار آهن کیلویی ۳ تومان را که جوش می‌دهد، ما کیلویی ۲ قران به دوره گردها می‌فروشیم. این است که دستگاه های فنی خرجش خیلی زیاد است به علاوه با وجود انقلاب آموزشی که تحقیق و تجسس را راس آموزش قرار داده است، به عقیده من این تحقیق و تجسس نباید از ادبیات و الهیات سر درآورد. در کارگاه های هنر سرای عالی باید نظیر آخرین تحولاتی که در دستگاه های ذوب فلزات و یا در موارد دیگر در ممالک دنیا بوجود آمده، پدید آید. سازمان برنامه

به اندازه قدرتش کمک می‌کند و نباید فراموش کرد که سازمان برنامه کارهای دیگری هم از قبیل سد سازی، ساختن راه و غیره دارد که موظف است، انجام دهد.

تلاش - من مجبورم حرف شما را قطع کنم. تا مهندس و دبیر و کارشناس و مدیر نداشته باشیم نمی‌توان سدوراه آهن و چیزهایی از این قبیل به وجود آورد و به همین دلیل باید قبل از سدسازی مهندسان سد ساز را تربیت کنیم. قبل از این که کارخانه‌یی به وجود آوریم، دبیر و مهندس مورد نیاز و متخصصان لازم را تربیت کنیم. قبل از این که کارخانه ذوب آهن که شامل صدها رشته است، به وجود آید ما باید افراد مورد نیازی که قادرند به نحو احسن از ماشین آلات این کارخانه‌ها استفاده کنند، آماده کنیم. واشکال از همین جا سرچشمه می‌گیرد.

هنربخش - گفته‌های شما کاملاً منطقی است در اینجا من ناچار به سکوت هستم. یعنی سیاست من ایجاب می‌کند که در مقابل گفته‌های شما فقط این نکته را بگویم که وزارت جوان علوم، خود در این فکر هست و در مدت کوتاه یکسال توانست بودجه ما را تقریباً دو برابر افزایش دهد. متأسفانه بخش‌های خصوصی بدون در نظر گرفتن نیروی انسانی موجود در مملکت سرمایه‌گذاری می‌کنند و نتیجه این می‌شود که بیک خارجی ماهیانه بیش از ۲۰۰۰ دلار داده می‌شود.

تلاش - رابطه شما با دانشکده فنی دانشگاه تهران و دانشکده صنعتی پلی‌تکنیک چیست و آیا تعلیمات شما متفاوت است؟

هنربخش - در دانشکده فنی تهران قسمت اعظم وقت دانشجو صرف کارهای تئوری می‌شود و کارهای عملی آن‌ها خیلی کم است و تا سال آخر دانشجو بیشتر تعلیمات را به صورت تئوری فرا می‌گیرد. دانشکده صنعتی پلی‌تکنیک قدری کمتر از دانشکده فنی درسهای تئوری دارد ولی این تفاوت خیلی ناچیز است. دانشکده صنعتی آریامهر هم که هنوز محصولاتی بیرون نیامده است، ولی در هنرسلای عالی نارمک آنقدر تئوری می‌خواند که فقط ببرد کارهای عملی بخورد، یعنی فیزیک که می‌خواند آنقدر می‌خواند که ببرد کارهای کارگاهی بخورد، نه این که آنقدر تئوری بخواند که نه ببرد دنیا بخورد، نه ببرد آخرت. ما در سال اول و دوم ۵۰ درصد درس تئوری و ۵۰٪ درس عملی داریم. ولی در سال سوم و چهارم که دوره تخصصی ما شروع می‌شود، شاگرد در تمام اوقات علمش با عملش توأم است. یعنی اگر تکنولوژی و اتومکانیک را می‌خواند در مجاورت کلاس هم به کارگاه می‌رود و عملاً یاد می‌گیرد خود من فارغ‌التحصیل هنرسلای قدیم هستم و همیشه آنقدر خوانده‌ام که ببرد کارهای عملی من بخورد. و دانشجویان هم به همان اندازه که در کارگاه لازم دارند درس‌های تئوری می‌خوانند. در اینجا در سال اول دوره عمومی داریم و دانشجو موظف است یازده کارگاه را در دو سال ببیند یعنی بعد از این دو سال یک دانشجوی هنرسلای عالی جوشکاری و تراشکاری و اتومکانیک و ذوب فلز و صنایع چوبی را می‌داند یعنی ایده و فکر تمام این

رشته‌ها در مغزش هست و ما خودمان از روی معدلی که در این دو سال دارند، انتخاب رشته می‌کنیم و در سال دوم موظف است که دوتا ۸ ساعت در هفته در رشته خودش در کارخانه‌ها کار کند و از آنجا گواهی کار بیاورد که بدانیم کارش چگونه بوده است نتیجه این که چنین هنرآموزی از ابزار نمی‌ترسد و دانشجویان دانشکده فنی هیچ بیای هنرجویان هنرسلای عالی نمی‌رسند. البته تئوری - هایشان در سطح بالاست. باید بگویم که ما دارای کارگاه چاپ بسیار خوبی هستیم و در همین رشته مهم تکنیسین تربیت می‌کنیم. و چون کلاسهای هر دوره از ۲۰ تا کمتر نیست استادان مختلفی داریم و برای این که به یک سطح بالا برسند و سوالات امتحانی همه یکی باشد، کتاب‌های تئوری ما شامل ترجمه آخرین علوم فنی جدید آمریکا، روسیه و آلمان و انگلستان است. و هر سه سال یک مرتبه کتاب‌ها را عوض می‌کنیم و هیچ استادی حق گفتن جزوه ندارد و سوالات امتحانی را هم دپارتمان تهیه می‌کند. ولی از نظر وجود استاد در مضیفه هستیم زیرا یک استاد در اینجا باید شش مهندسی داشته باشد و درسهای تئوری را به درس عملی و کارگاهی ربط دهد.

تلاش - در باره کارهای فوق برنامه هنرسلای عالی نارمک و انجمن‌های دانشجویان بطور کلی و در باره احوال کار و راهی که آغاز کردید. برای ما توضیح بدهید و روشن کنید که در قسمت‌های فوق برنامه چه کارهایی انجام می‌گیرد؟

هنربخش - عقیده مسئولین هنرسلای عالی برای این است که به موازات برنامه‌های درسی نیازمند به برنامه‌های تفریحی هم هستیم و در سطح دانشگاه‌ها این برنامه‌ها ضروری است. یعنی مسئولین امر باید وسایل تفریح را برای دانشجویان آماده کنند. در هنرسلای عالی امر ورزش بخاطر وسعت زیاد هنرسلای خیلی پیش رفته. به این ترتیب که ما صاحب زمین‌های زیادی برای فوتبال، بسکتبال، تنیس، والیبال هستیم به علاوه صاحب دو سالن سرپوشیده هستیم که در یکی از این دو سالن که ۴۰۰ متر است بهترین وسایل ورزشی برای فصل زمستان تهیه شده است. به همین علت در مسابقات دانشگاهی که در مشهد انجام شد، تیم فوتبال هنرسلای عالی مقام سوم را در تمام کشور بدست آورد. به علاوه در مسابقات هنری که در رامسر تشکیل شد، گروه روزنامه نگاری و نقاشی هنرسلای عالی حائز رتبه اول شد و در تئاتر و آواز صاحب مدال گردید. مادران دانشجویان را تشویق می‌کنیم که در گروه‌های مختلف نامنویسی کنند. برای هر قسمت یک مربی انتخاب می‌کنیم تا دانشجویان را راهنمایی کند. خوشبختانه موفق شدیم در سال گذشته مسجیدی را برای هنرسلای عالی پی‌ریزی کنیم و بسازیم و علت بنای این مسجد این بود که دانشجویان ما که در بین آنها شهرستانی هم بسیار است خوشبختانه دارای معتقدات مذهبی محکمی هستند و چون در کلاسها نمی‌توانستند نماز بخوانند به ساختن نمازخانه تصمیم گرفتیم و فعلاً دو سالن مجهز نمازخانه داریم یکی برای دختران و یکی برای پسران. و اما انجمن‌ها. به

عقیده من هنرسلای نارمک تنها موسسه فرهنگی بود که مطابق انقلاب آموزشی برای دانشجویان هیئت رئیسه انجمن را تعیین کرد و از هر کلاس ۵ نفر دانشجوی ممتاز با نظارت شاگردان کلاس انتخاب شدند و اکنون دارای انجمن‌های تئاتر، موسیقی، تعاون و صندوق تعاون، ورزش و روزنامه نگاری هستیم و امروز اغلب کارها بدست این انجمن‌ها انجام می‌شود. برمی‌گردیم به فرمایشات شاهنشاه آریامهر که در انقلاب آموزشی فرمودند (کار دانشجویان را بخود دانشجویان بسپارید) ما واقعاً قبل از این می‌ترسیدیم مسؤولیت را به عهده دانشجویان بگذاریم ولی اکنون می‌بینیم چقدر کار ما آسان شده و آنها چه خوب از عهده مسؤولیت‌هایی که به عهده دارند برمی‌آیند.

تلاش - آقای هنربخش شما تا چه اندازه به همکاری فارغ‌التحصیلان ایرانی که در خارج تحصیل کرده‌اند و اکنون بازگشته‌اند نیازمند هستید؟

هنربخش - متأسفانه رشته‌های ما بصورتی نیست که یک فارغ‌التحصیل از خارج برگشته بتواند آن را تدریس کند. فرض کنید در طراحی احتیاج به استاد داریم، اغلب اینها که به ما مراجعه کرده‌اند، بعد از آزمایش متوجه شدیم که قادر نیستند تدریس کنند و فن تدریس فنی نیست که از دست هر فارغ‌التحصیل برآید. ما نیازمند مهندسين عالی رتبه‌یی که در کارخانه‌ها و شرکت‌های بزرگ داخلی نظیر شرکت نفت و سازمان برنامه کار می‌کنند هستیم که هفته‌یی چند ساعت در قبال حق‌الزحمه زیاد به هنرسلای عالی کمک می‌کنند. و این نیاز به شرف عرض رسیده و اوامر لازم صادر شده است و چون اغلب دروس ما تخصصی است، مهندسين باتجربه باید تدریس کنند. و برای تدریس دروس تئوری به قدر کافی معلم هست. دانشگاه‌های مختلف هم نه تنها نمی‌توانند به ما کمک کنند بلکه از ما کمک می‌گیرند و اغلب معلمین هنرسلای عالی دانشجویان سابق خود هنرسلای هستند که بعد از اتمام تحصیل در هنرسلای به خارج رفته‌اند و اکنون که بازگشته‌اند به ما در امر تدریس کمک می‌کنند. در کارهای تئوری و



کلاسیک از قبیل فیزیک ، شیمی ، ریاضی ، ترمودینامیک ، هیدرولیک و دروس تخصصی مثل مقاومت مصالح و غیره کم و بیش دانشگاهها به ما کمک می کنند و آنچه که برای ما مشکل است دروس تئوری تخصصی و کارگاهی است یعنی استادی نداریم که در مورد شواهد تدریس کند و یا فارغ التحصیلی نداریم که در کارگاه ، تهویه را تدریس کند و اغلب در شرکت های بزرگ مهندسی هستند که با حق التدریس گزاف حاضر به تدریس می شوند. در جراید چندین بار اعلام کردیم که در چهارده رشته تخصصی احتیاج به استاد داریم که متأسفانه خیلی کم مراجعه کردند. چون کسی که درس می دهد باید عملاً هم بتواند گفته هایش را انجام دهد. یعنی فردی که می خواهد در مورد ماشین صحبت کند ، حداقل باید ده سال در کارخانه ماشین سازی کار کرده باشد.

تلاش - آقای هنربخش ، در ضمن گفته هایتان از هوشمندی و هوشیاری جوانان ایرانی سخن گفتید ، آیا در این مدت چند سال هیچ یک از دانشجویان اختراعی ، کشفی یا نوآوری داشته اند؟
 هنربخش - برای پاسخ به سوال شما ناچارم مقدمه ای بگویم که متأسفانه در این مملکت کسی که بتواند این گونه کشفیات یا تجسسات را ارزش یابی کند، وجود ندارد. در روزنامه ها خواندم : در شیراز بکنفر پیدا شده که ساعتی ساخته، هر موقع که بخواهیم موزیک پخش می کند ، تلفنی بامخترع این ساعت صحبت کردم و گفتم متأسفم که بیست و چند سال قبل در آلمان این ساعت بصورت تجارتی خرید و فروش می شد و همین طور چندی قبل جوانی آمد و گفت من رفتم اختراع را به ثبت برسانم گفتند بیایم هنرسرای عالی تا تحقیق کنید. این جوان بیش از صد اختراع داشت که تمامی آنها در دنیا بصورت تجارتی داشتند و وقتی نظیر اختراعاتش را در کارگاه های ما دید بسیار تعجب کرد. این جوان دیپلمه واقعا فکر داشت و با دولت است که این قبیل جوانان را پرورش دهد و نباید فراموش کرد که اختراع احتیاج به بودجه گزاف و شکم سیر و تامین زندگی و لابراتواری مجهز و مهیا دارد. آنهم بعد از لیسانس نه در خلال دوره تحصیل والا این دانشجو ماشین کپی و ماشین مته می سازد ولی وقتی روی کاغذ می آورد می بینیم

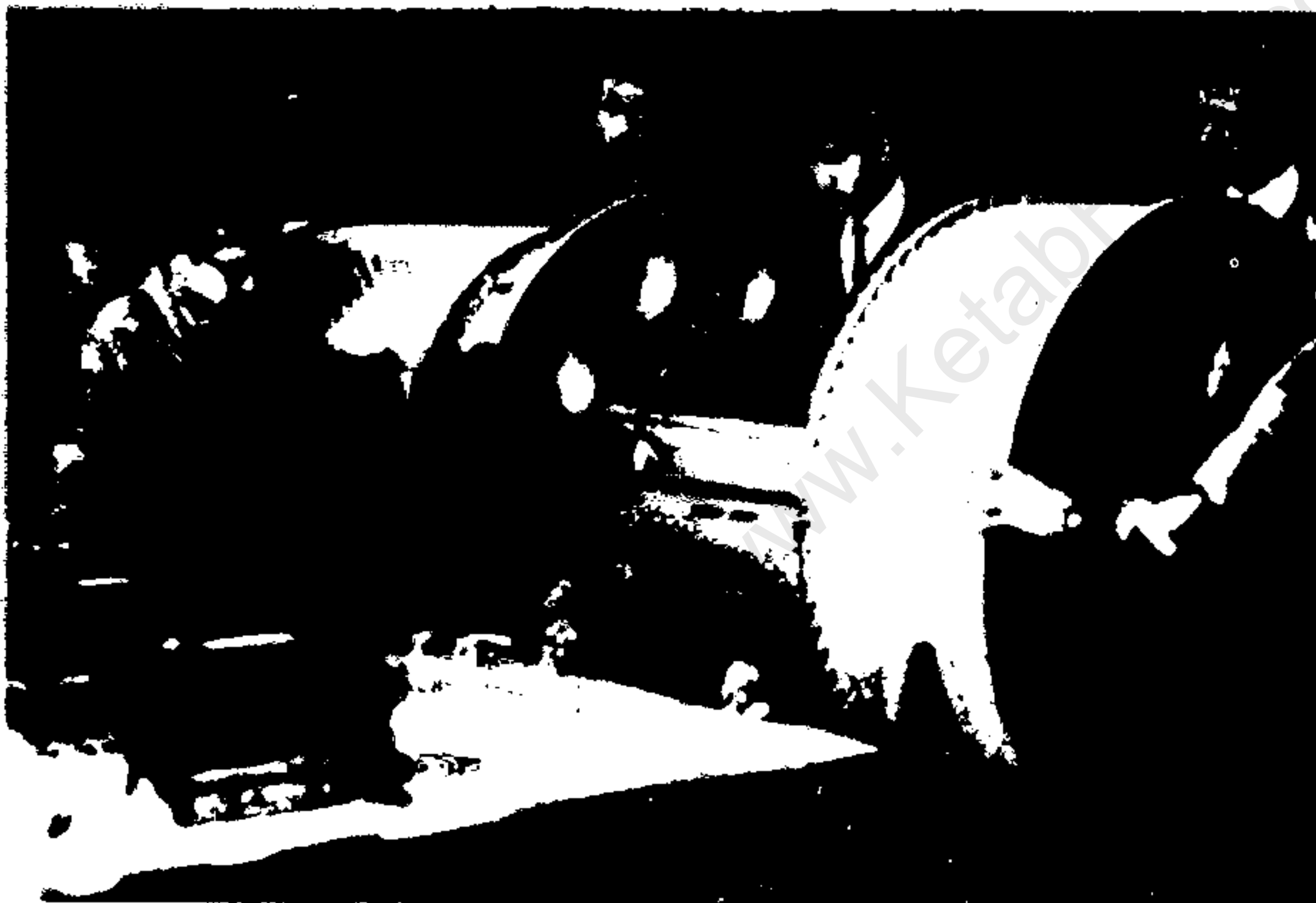
حتی ناقص تر از ماشین هایی است که در دنیا می سازند. لیکن از نظر هوش ببینید يك جوان دیپلمه صد نوع چیز مختلف را اختراع کرده ، بدون این که بداند در دنیا وجود دارد. اختراع واكتشاف احتیاج به زمان و محیط مساعد دارد. و در مورد هوش این عده همین بس که شاگرد اول می شوند. مثلاً من در خارج که بودم می دیدم کافی بود که يك بار استاد مطالبی را عنوان کند و دانشجویان ایرانی برای امتحان آن درس حاضر بودند و شاید علت خشکی و گرمی و وضع اقلیمی ما باشد.

تلاش - آخرین سؤال درباره روابط پسران و دختران دانشجو است. آیا بین این دختران و پسران آزادی و حرمت گذاشتن انسان به انسان و مسائل عادی زندگی اجتماعی برقرار است و آیا شما اجازه داده اید که دختران و پسران هم در آزمایشگاه ها و هم در سر میز غذا و هم در کلاس های تئوری باهم باشند و در هر حال می خواستم نتیجه بگیرم، در پس این معاشرت ها آیا تابحال در این هنرسرای بزرگ ازدواجی رخ داده ؟

هنربخش - دوسال است که دختران دیپلمه طبیعی و ریاضی در کنکور هنرسرای عالی شرکت می کنند ، و دوسال است که دختران دانشجو در هنرسرای عالی مشغول تحصیل هستند و بلافاصله

باورود دختران ، سبك لباس پوشیدن ، اصلاح صورت ، سبك حرف زدن بكلی عوضی شد. اگر گاهی دانشجویان بلند باهم حرف می زدند یا بعضی از الفاظ زشت بین آنها رد و بدل می شد باوجود دختران رنگ دیگری پیدا کرد و حتی من چون ساعت ۷ صبح دم در هنر سرا می ایستم و با تك تك دانشجویان به صحبت می نشینم متوجه می شوم که اصلاح صورت از هفته یی يك بار به روزی يكبار رسید. لباس ها مرتب تر شد و ادب و نزاکت خیلی شدید بین دانشجویان پدید آمد. اما در مورد ازدواج در سال گذشته ، پنج ازدواج از خارج و یکی در داخل داشتیم و حتی يك دانشجوی رشته ریاضی بایکی از مهندسين ازدواج کرد و در دوره حاملگی حتی تا ۸ ماهگی به کارگاه می آمد. به طوری که مجبور شدیم نامه ای به ولی او بنویسیم که اگر اتفاقی بیفتد ، هنر سرا مسؤول نخواهد بود و اغلب این عده در دین متعصب هستند.

تلاش - از این که به سوال های ما پاسخ دادید سپاسگزاریم .

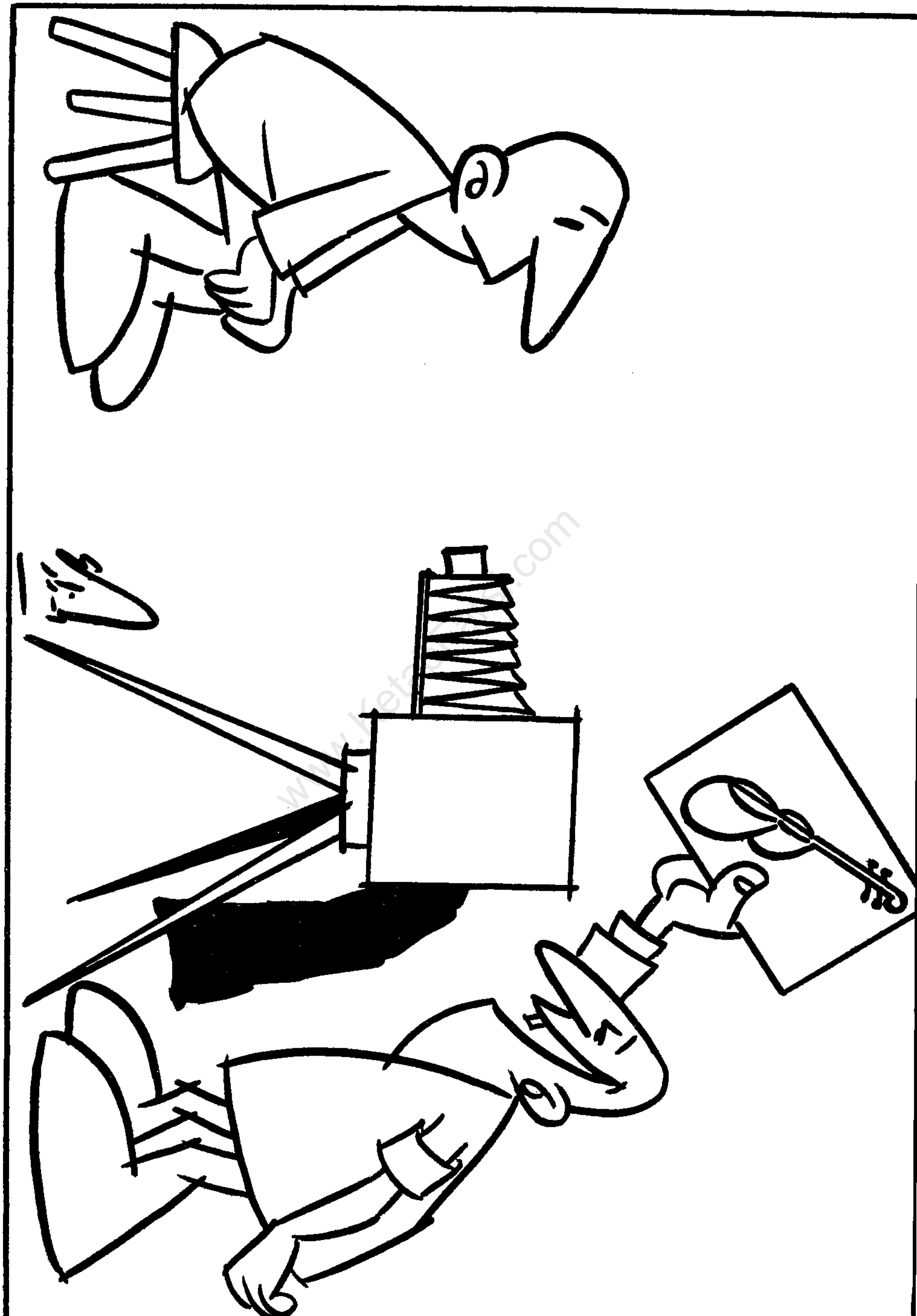


کارگاه اتومکانیک



کارگاه ماشین ها

کاشی پختی - آقا ... پختن " تار " آقا (۰)



سیر شرکت های تعاونی روستایی در ایران



نهضت های تعاونی در ایران

تاریخچه - تاریخ قطعی تاسیس شرکت های تعاونی در ایران دقیقا معلوم نیست و از پیدایش این شرکت ها بیش از چند سالی نمی گذرد. در سال ۱۳۱۶ اولین شرکت تعاونی در ایران به نام شرکت همراهی کارکنان نفت تاسیس گردید که سهام آن ۵۰۰ ریال بود و اعضای آن فقط کارکنان شرکت نفت بودند. این شرکت مایحتاج کلیه اعضا را در تهران آماده می کرد و در دسترس آن ها قرار می داد و در آغاز فعالیت خود توسعه ای نداشت ولی هم اکنون گسترش یافته است و تحت نظارت سازمان تدارکات شرکت ملی نفت ایران شعب مجهز از این سازمان تعاونی در مناطق نفت خیز تشکیل گردیده و مشغول کار است.

دومین شرکت تعاونی مصرف در سال ۱۳۲۱ در وزارت دارائی به نام شرکت کارمندان دولت تشکیل شد و سپس بانک ملی ایران از این رویه پیروی نموده و شرکتی صرفا برای کمک به کارمندان بانک تاسیس کرد و آنگاه شرکت تعاونی مصرف ارتش تشکیل گردید که در ابتدا فقط به افسران و درجه داران اختصاص داشت ولی در سال های اخیر عضویت آن برای عموم آزاد شده است. در زمان حاضر در سراسر کشور وبه خصوص در پایتخت اکثر وزارتخانه ها بنگاه ها و ادارات دولتی بانک ها، ارتش، ژاندارمری و شهربانی دارای فروشگاه های متعدد تعاونی مصرف مخصوص اعضای خودشان می باشند.

شرکت های تعاونی روستایی

اولین شرکت تعاونی روستایی در ایران شرکت تعاونی روستائی دماوند است که در ۱۳۳۰ ر ۱۱۱۴ تشکیل گردید و اولین صندوق روستائی نیز در دماوند تاسیس

شد. در ظرف چند سال گذشته و در مرحله قبل از انقلاب ششم بهمن سال ۱۳۴۱ که مبنای تاریخ جدیدی برای ایران است و به فرمان شاهنشاه آریامهر رژیم ارباب و رعیتی لغو گردید نهضت های تعاونی روستائی رونق چندانی در کشور نداشت در سال ۱۳۳۳ در ایران فقط ۷۴ شرکت تعاونی روستائی دأثر شد که با ۴۳۹۸۹ نفر عضو و سرمایه ۲۳۵۰۰۰۰ ریال مشغول کار بود. و در سال ۱۳۳۸ تعداد شرکت های تعاونی روستائی يك باره به (۳۵۷) افزایش یافت که با تعداد ۶۹۸۶۸۹ نفر عضو و سرمایه ۹۰ میلیون ریال فعالیت می کرد و در مهر ماه ۱۳۴۵ بیش از ۷۰۰۰ شرکت تعاونی با ۹۰۰۰۰ عضو تاسیس شد که حوزه فعالیت آن ها تقریبا شامل ۱۶۰۰۰۰ روستا می شود و میزان سرمایه پرداخت شده به وسیله خود روستائیان ۸۰۰ میلیون ریال است و تا اواخر شهریور ماه سال جاری تعداد فعلی شرکت های تعاونی روستائی ۸۹۰۱ با ۱۲۳۷۲۷۴ نفر عضو می باشد. و گذشته از این ها بیش از ۱۶۰ اتحادیه روستائی نیز تاکنون تشکیل شده است.

هدف نهضت های تعاونی - اصول شرکت

های تعاونی برای این هدف تشکیل می شوند که در مرحله نخست احتیاجات سهام داران را مرتفع سازند و در مرحله دوم با سود بسیار کمی فعالیت های بعدی خود را ادامه دهند.

اصولی که در زیر به نظر می رسد همان است که در گذشته نهضت های تعاونی از آن تبعیت می کردند و اکنون هم مورد پذیرش است:

۱- عضویت تعاونی ها آزاد و اختیاری است.

۲- خودیاری یعنی انجام خدمات امور تعاونی به وسیله خود اعضا انجام میشود.

۳- اداره شرکت ها بر اساس دموکراتیک

۴- توزیع منصفانه مازاد سود شرکت به نسبت خرید و خدمت بین اعضا

۵- محدود بودن سود سهام بی طرفی در سیاست

۷- انجام معاملات نقدی که ضمنا از نظر اصول اخلاقی اعضا باید در انجام معاملات با يك دیگر وفادار و صمیمی باشند.

شك نیست که تاکنون در کشور ما تشکیل این تعاونی ها در پائین آوردن هزینه زندگی و بالا بردن درآمد زارعین بسیار سودمند بوده است و وضع زندگی آنان را از لحاظ رفاه اجتماعی و فرهنگی بالا برده است. يك زارع با خرید يك سهم یا بیشتر از شرکت های تعاونی توانسته است کلیه محصولات خود را مستقیما به شرکت وبه بازار به رساند که به قیمت خوب به فروش برسد و در نتیجه حاصل دسترنج کشاورزان

مانند ادوار گذشته نصیب انگل های اجتماع نمی شود. کشاورزان نیازمندی های خود را از قبیل حوائج ضروری زندگی، بذر، کود، و وسایل کشاورزی نیز از طریق تعاونی های روستائی تامین می کنند و از زیان واسطه و دلال ها در امان هستند.

اصلاحات ارضی و نهضت های تعاونی پس از اجرای مراحل اول و دوم اصلاحات ارضی دولت با تمام نیروی فنی و اعتباری خود مشغول اجرای برنامه سوم اصلاحات ارضی شده است. مرحله سوم اصلاحات ارضی دارای ۲۰ اصل مهم است که رؤوس آنها عبارت است از: ازدیاد تولید کشاورزی و مواد خام مورد نیاز صنعت. بالا بردن درآمد سرانه کشاورزان و بهبود وضع زندگی آنان به کمک خودیاری و تعاون و تعادل نرخ محصولات غذایی از طریق روش های نوین تولید و به کار بستن اصول بازاریابی. در ماده ۱۱ آن در باره «تصویب توسعه شبکه شرکت های تعاونی و تشکیلات مشابه دیگر» و در ماده ۲۰ راجع به «تشویق تشکیل شرکت های اختصاصی تولیدات کشاورزی به منظور نگهداری و بهبود امکان صادرات» تصریح شده است و از آن چنین مستفاد می شود که نقش شرکت های تعاونی روستائی در کمک به اجرای اصلاحات ارضی و عمرانی و آبادی اراضی کشور فوق العاده مهم است و بر اثر اتخاذ تدابیر سودمند تاسیس و توسعه شرکت های تعاونی در این کشور دوران کمال خود را می پیماید.

در اثر اصلاحات فوق هم اکنون بیش از ۲ میلیون خانوار کشاورز با تعداد ۱۱ میلیون عائله صاحب زمین و خانه شده اند و عملیات اجرائی قانون اصلاحات ارضی در قریب ۵۰۰۰ دهکده و ۱۷۰۰۰ مزرعه پایان پذیرفته است. و در مرحله آخر برنامه ترویج اصول صحیح آبیاری و کشاورزی و مکانیزاسیون و اصلاح نباتات و آموزش کارشناسان فنی و هم آهنگی دامداری با کشاورزی و تشویق سرمایه گذاری های خصوصی در فعالیت های کشاورزی نیز در شرف اجرا و تکمیل است.

خط مشی انواع مختلف سازمان های تعاونی که می توانند به نحو موثری در تحقق بخشیدن و اجرای هدف های اساسی برنامه های اصلاحی سودمند واقع شوند این است که راه موفقیت آمیز را هموارتر و رسیدن به آن را قطعی تر می سازند و سعی دولت همیشه بر این است که موجبات توسعه فعالیت های تعاونی را بیش از پیش فراهم سازد.

مدیریت در تعاون روستائی

اقداماتی که تاکنون در زمینه مدیریت ثمربخش و اداره موثر شرکت های تعاونی روستائی در کشور به عمل آمده است از طریق سازمان مرکزی تعاونی روستائی ایران انجام گردیده است. این سازمان بر اساس نیاز اجتماعی زمان به منظور تحقق دادن به

هدف‌های قانون مترقی اصلاحات ارضی از راه متشکل ساختن دهقانان آزاد شده ایران در شرکت‌های تعاونی روستائی و توسعه و گسترش برنامه‌های اقتصادی کشور در مرداد ماه ۱۳۴۲ به وجود آمد و با پشتیبانی کمک‌های مادی و معنوی دولت و سایر سازمان‌های مربوط توانسته است وظایف خود را در سرتاسر کشور که بر موازین ذیل استوار است انجام دهد.

۱- تشکیل شرکت‌های تعاونی روستائی
۲- تشکیل اتحادیه‌های تعاونی ۳- اعطای اعتبار به شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی
۴- تدارک عوامل تولید ۵- توزیع مواد نفتی در روستاها ۶- بیمه کشاورزان عضو شرکت‌های تعاونی روستائی ۷- خرید محصولات کشاورزی دهقانان ۸- اجرای برنامه‌های آموزشی ۹- تشکیل سمینارها و دوره‌های تعلیماتی کوتاه مدت.

اتحادیه‌های تعاونی

به موازات تشکیل شرکت‌های تعاونی روستائی در نقاط مختلف کشور به منظور تمرکز دادن قوای مادی و معنوی دولت برای انجام خدمات بیشتر و بزرگتر به سود کشاورزان و دهقانان عضو یک عده اتحادیه‌های تعاونی تشکیل شده است که نقش آن‌ها عبارت است از بازار یابی تعاونی در سطح نسبتاً وسیع. این اتحادیه‌ها در جلوگیری از خرید سلف به وسیله عوامل واسطه کمک بسیاری به کشاورزان عضو شرکت‌ها نموده‌اند و به دهقانان امکان داده‌اند که محصولات کشاورزی خود را بدون دخالت دلال‌ها و با فروش‌ها به بازار برسانند و به خریدار عرضه کنند. به طوری که قبلاً اشاره شد تعداد این اتحادیه‌ها بیش از ۱۶۰ اتحادیه می‌باشد که در کلیه نقاط کشور با تعاونی‌های روستائی همکاری نزدیک دارند.

تأمین سرمایه تعاونی‌ها و اعتبارات مالی آنها

یکی از منابع اولیه تأمین سرمایه برای شرکت‌های تعاونی سهام خریداری شده اعضاست که یا بصورت نقد پرداخت شده و یا عندالمطالبه قابل وصول است. سرمایه‌های شرکت تعاونی دوتنوع است: یکی ثابت و دیگری جاری. در شرکت‌های تعاونی روستائی جدیدالتاسیس کشور اولاً از سهم الشرکه اعضا و ثانیاً از محل استقراضی وجوهی برای این منظور تهیه و تأمین می‌کند.

مهمترین مرکز اعطای اعتبار به کشاورزان عضو اتحادیه‌های تعاونی، بانک اعتبارات کشاورزی و عمرانی روستائی ایران است که در گذشته فعالیت‌های کمک اعتباری محدود تری به زارعین می‌کرد ولی پس از انقلاب شاه و مردم کمک‌های اعتباری خود را به کشاورزان کلیه روستای کشور گسترش داد. در چهار سال اخیر این بانک در ۷۵۰۰ قریه حدود ۴۵۰ میلیون ریال وام بین کشاورزان

تقسیم کرد و تاکنون رویهمرفته حدود ۱۸ میلیارد ریال به زارعین مناطق مختلف مملکت وام و اعتبار داده است.

اقدام دیگری که از طرف بانک مذکور برای کمک به شرکت‌های تعاونی به عمل آمده است اعزام گروه‌های سیار برای رفع مشکلات کشاورزان در روستاهاست که به خصوص در مواقع بروز آفت این دسته‌ها به روستاها می‌شتابند و از هیچ گونه همکاری با آنان دریغ نمی‌کنند.

مرکز دیگری که توانسته است کمک مالی زیادی به شرکت‌های تعاونی و اتحادیه‌های روستائی بکند عبارت از بانک اعتبارات تعاونی توزیع است که با ابداع و ابتکار جالبی که در نوع خود بی‌نظیر است به دهقانان و کشاورزان و تولیدکنندگان محصولات زراعی با سود نازلی مبالغی وام اعطا نموده است.

این بانک در چند سال پیش برای سپرده‌های پس‌انداز اشخاص مقرراتی وضع کرد که به موجب آن به سپرده‌های آنان نزد بانک‌ها تا مبلغ یک صد هزار ریال بهره تعلق می‌گیرد و بیش از آن مشمول بهره نخواهد شد. مکمل این ابتکار مواد زیر است.

۱- بانک اعتبارات تعاونی توزیع برای صاحبان پس‌انداز بهره ثابتی که بیشتر از ۶۵ درصد نسبت تعیین کرد.

۲- تا ۷۰٪ به صاحبان پس‌انداز وام بدون بهره می‌دهد.

۳- استفاده‌ای که بانک به صاحبان پس‌انداز می‌دهد سود است و نه بهره.

نقش شرکت‌های تعاونی روستائی در توسعه و رشد اقتصادی کشور

یکی از نقش‌های مهمی که شرکت‌های تعاونی روستائی و توزیع می‌توانند در توسعه اقتصاد ایفا کنند عبارت از تثبیت نرخ و حفظ سرمایه و ایجاد یک پل محکم بین تولید و مصرف است. در مقدمات کتاب انقلاب سفید به اهمیت نقش شرکت‌های تعاونی در یک اقتصاد دموکراتیک با بیانی رسا و گویا و روشن اشاره شده است و چنانچه بین تولید و مصرف پل استواری وجود نداشته باشد نتیجه فعالیت شرکت‌های تعاونی تولید و مصرف به هدر می‌رود.

شرکت‌های تعاونی توزیع در عین اینکه میتوانند یک سازمان صحیح توزیع باشند ضمناً پشتیبان و پشتوانه شرکت‌های تولیدی نیز خواهند بود. و این تعاونی‌ها به ناچار باید همکاری نزدیک خود را با شرکت‌های تولیدی حفظ کنند در یک اقتصاد دموکراتیک از جنبه‌های مثبت اقتصادی وجود شرکت‌های تعاونی بسیار ضروری است.

بشریت در مقیاس جهانی و ملل دنیا در مقیاس ملی باید تعاون را همانند یکی از ضروری‌ترین مفاهیم رفاه و آسایش و مساوات اجتماعی بررسی نمایند و برای بالا بردن سطح اقتصاد خود از آن کمک

بگیرند.

دانشمندان و آفرینندگان نهضت‌های تعاونی جهان خوب می‌دانستند که تعاونی‌ها به خاطر آسایش و آزادی و تنعم اعضای خود به وجود آمده‌اند و بادر دست گرفتن اداره امور توزیع روستائیان و کشاورزان توانسته‌اند یا سود جویان، رباخواران دلال‌ها و انگل‌های آزمند مبارزه کنند.

ناگفته نماند که توسعه تعاونی‌ها به نهایت خوبی توانسته است تضادهای ناشی از رشد سرمایه داری را زائل کند. بنابراین نیروهای تولیدی باید مشترکاً نیروهای مادی و معنوی خود را متمرکز نموده، به این وسیله رقابت سود جوی بیکاری را از بین ببرند.

هنگامی که اقتصاد روستای یک کشور توانست بهره‌وری خود را بالا ببرد مسلم است تولید ویژه ملی افزایش یافته، درآمد سرانه نیز ترقی خواهد کرد و سرانجام صادرات بر واردات چربیده، موازنه پرداخت‌ها در جهت مثبت سیر خواهد کرد.

نوسازی روستاها - یکی دیگر از نقش‌های شرکت‌های تعاونی بالا بردن سطح دانش و تکنولوژی کشاورزی است. عصر ما عصر انگیزش و تحول نیروهای انسانی است جبر تاریخ و عوامل دیگر زمان را به پیش می‌برد و انسان‌ها بناچار باید در شهرها و روستاها همگام زمان به پیش بروند. ناهماهنگی با این سیر ورکود در برابر خیز و جهش مایه خاموشی افق زندگی و انهدام جوامع بشریت خواهد بود. در این جاست که در یک کشور که خواهان رشد اقتصادی و اجتماعی است باید از کلیه عوامل بطور همه جانبه بهره‌برداری شود.

بزرگترین عامل تولید در اقتصاد کشاورزی زمین و آب است ولی از آن مهمتر نیروی انسانی است که در روستاها به طور فراوان وجود دارد کشاورزان و دهقانان علاوه از داشتن وسایل زندگی زمین و آب برای زراعت و تولید خواربار برای امرار معاش خود به چیز مهمتری احتیاج دارند و آن آموزش و پرورش افکار و استعداد های ذاتی آن‌ها است.

خوشبختانه ضمن اجرای برنامه‌های اصلاحات واقعی در روستاهای کشور مساله آموزش نیز مورد توجه قرار گرفته است که این هدف نیز مانند کلیه اصول دیگر پیشرفت و رشد روستاها به عهده شرکت‌های تعاونی است.

در این زمینه به طوری که در بالا اشاره شد سازمان مرکزی تعاونی روستائی ضمن اجرای برنامه‌ها و وظایف دیگر خود امور آموزش و اجرای برنامه‌های تعلیماتی را نیز ضمن تشکیل سمینارهای کوتاه مدت به عهده دارد.

به طور کلی شرکت‌های تعاونی می‌توانند از سه راه برای آموزش و پرورش روستائیان جوان سودمند باشند .

۱- آموزش فردی ۲- آموزش جمعی ۳- بالا بردن سطح معلومات و اطلاعات اعضا . برای این منظور خدمات اتحادیه‌های تعاونی و موسسات علمی و تحقیقاتی مدارس مقدماتی و عالی تعاونی کشور کمک بسزائی به گسترش این نهضت نموده‌اند و در دو سال گذشته مطالبی به زبان ساده در باره همکاری و کمک متقابل جهت کتاب‌های درسی افشائی و متون علمی تری بسزای دبیرستان‌ها در نظر گرفته شده است که در مدارس تدریس می‌گردد . حتی در بعضی از دانشکده‌ها چند واحد برای دروس شرکت‌های تعاونی اختصاص یافته است و یک مدرسه عالی اختصاصی تعاونی در شرف تاسیس است .

در سال ۱۳۴۴ که کنفرانس بین‌المللی پیکار با بیسوادی زیر نظر یونسکو در تهران تشکیل گردید پیشنهاد شد که شرکت‌های تعاونی اتحادیه‌های کارگری و روستائی نیز می‌توانند علیه بیسوادی نقش موثری داشته باشند که البته تاکنون سپاه دانش و

بهداشت برای اجرای قانون تعلیمات عمومی در سراسر کشور قدم‌های بسیار موثری برداشته‌اند و ساختمان‌های مدارس در روستاها و تعمیر مساجد بیشتر در زیر نظر این گروه صورت گرفته است و ارمغان ارزنده علم و دانش به وسیله این سپاهیان پرچم دار انقلاب از شهرها به روستاها برده شده است مراکز آموزشی سازمان مرکزی تعاون تاکنون توانسته است گروه زیادی از جوانان دیپلمه ، لیسانس ، مهندس و متخصص کشاورزی در دانشکده‌ها و مدارس عالی حسابداری برای خدمت در شرکت‌های تعاونی روستائی در نقاط مختلف کشور آماده کند .

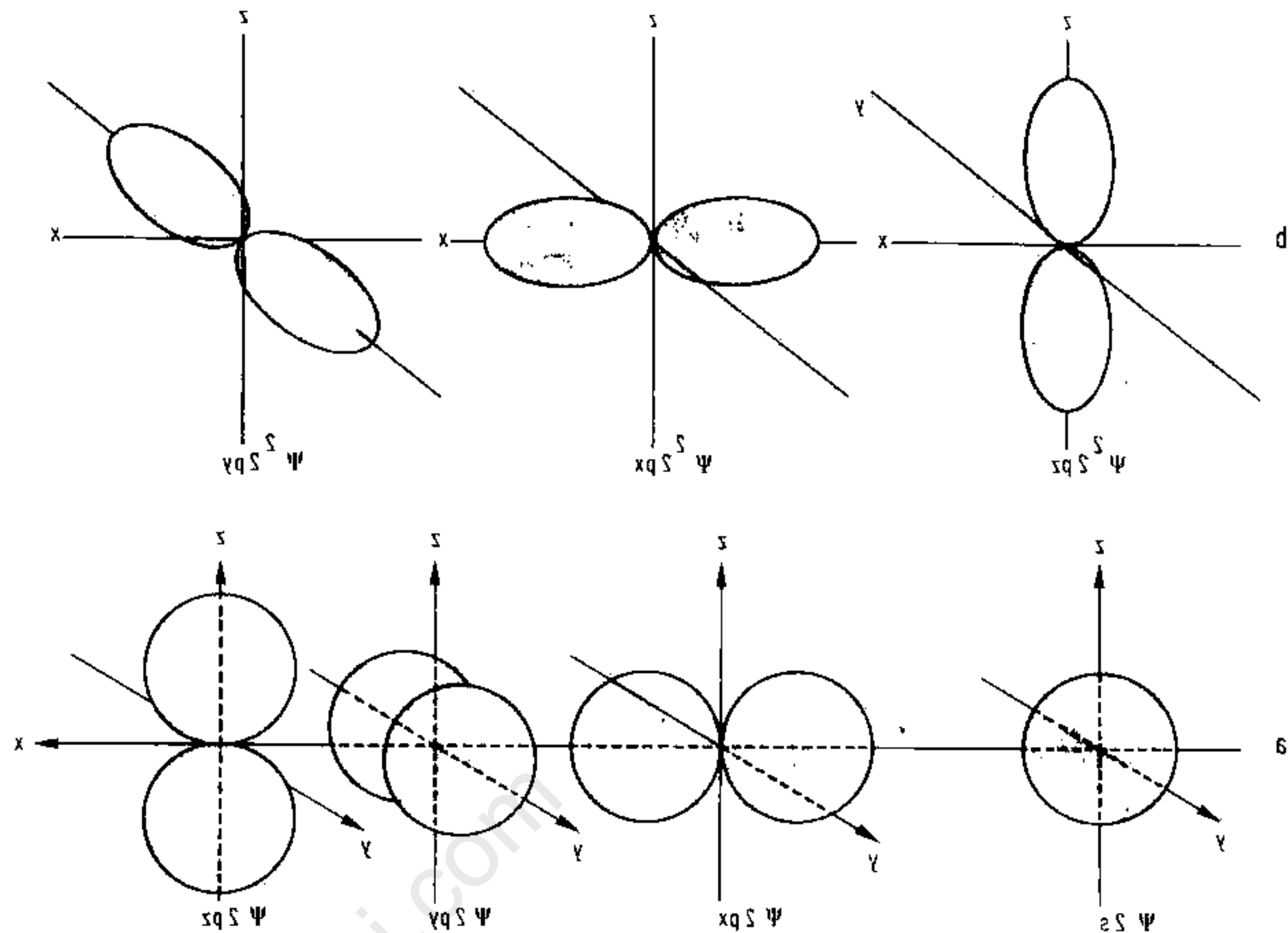
تاکنون سمینارهای متعددی به طور منظم برای آموزش اصول تعاون و کار دسته‌جمعی به دهقانان عضو شرکت‌های وابسته به سازمان مرکزی تعاون روستائی ایران تهیه و تنظیم شده است .

در این سمینارها و دوره‌های تعلیماتی که از هر جهت آموزنده و سودمند می‌باشند با تبادل نظر و همفکری طرق رفع مشکلات کار و نقشه برنامه عملیات آینده تنظیم و طرح می‌گردد .



تمام چیزهایی را که دنیا امروز با آن افتخار می‌کند معلول شعر هست

نموداری از زوایای اتم هیدروژن



آیا شعر پایه علم است؟

گفتگو با کیومرث منشی زاده

تلاش - از حرفهایی که در مجامع می‌زنید و اشعاری که می‌سرایید معلوم میشود که شما علاقه زیادی به ریاضیات و مسائل انسانی دارید و آیا شعر را نوعی نیاز معنوی و صد درصد انسان میدانید؟

منشی زاده - برای جواب باین سؤال چون پایه‌اش خود تعریف شعر است، من مجبورم اول بدانم که آیا منظور از شعر کدام شعر است؟ آیا شعری که در ایران مردم کوچه آنرا شعر

می‌گویند؟ اگر آن شعری که مردم کوچه و بازار می‌گویند و فقط چیزی است که در ردیف خیارشور که در وقت مستی بیشتر پایش بمیان می‌آید و برای اینکه حرفی زده شده باشد، نه هیچ نیازی نیست. ولی مساله تعریف شعر از زاویه دید فلسفی شعر که من حالا نمیتوانم تعریفی برایش بکنم. برای اینکه آنچه که از زاویه دید يك آدم مادی قابل سنجش نیست، قابل تعریف هم نیست. فرض کنید که قرمز تعریف ندارد و همچنین عدد ۷ که در حوزه ریاضی می‌گوئیم عدد اول است یا چیزهایی از این قبیل تعریف ندارد و شعر هم بواسطه اینکه يك چیز قابل لمس نیست باحواس پنجگانه، قابل تعریف نیست.

شاید بهترین تعبیرش همین چیزی است که معروف است وقتی یکی از شارحین تئوری نسبیت انیشتین، از این تئوری در یکی از دانشگاهها، شاید «سوربون» صحبت میکرد. به این جارسید که در آن جا راجع به بعد چهارم مجبور بود صحبت کند. و باید زمان را تعریف میکرد، گفته بود زمان کلیسا نیست که قابل تعریف باشد. حالا من خیال می‌کنم شعر هم يك هم‌چو چیزی است. فرض کنید که شعر «کات کبود» نیست، جوهر شوره نیست که قابل تعریف باشد. بی شک شما نظران از شعر، همان شعر متعالی است. و به این جهت من می‌خواهم بگویم که بلکه کاملاً نه برای زندگی امروز، برای زندگی، و برای نه زندگی انسان، بلکه حیات، به معنی عمیق «بودن» لازم است. چون شعر پایه علم است. تئوری است، یعنی همانطور که آدم با يك مکانیسم دماغی نمی‌تواند شعر بگوید، یا نقاشی کند، نمی‌تواند هم يك تئوری را وضع کند. حالا درباره این که این مکانیسم در حد اعلا سلامت باشد، یا در حد اعلا نا سلامتی بحث زیادی است. راجع به این ما بحث نمی‌کنیم، ولی در هر حال علم يك نقصی دارد و آن این که همیشه ناظر به گذشته است. یعنی این که در علوم قضایا به هم مربوط هستند و قضیه لاحق نمی‌تواند از قضیه سابق بیرون باشد. در حکمت قدیم مخصوصاً حکمت یونانی که ناظر به منطق نظری ارسطو هست، استنتاج از مقدمه بیرون نیست و به نظر من تنها نقص همین است و این نقصی است خیالی بزرگ. مثلاً فرض کنیم که يك اصولی درست شده، در ریاضی به اسم اصول موضوع. این اصول را هیچ دلیلی برایش نیست. ولی البته اصول قابل اثبات هست. ولی به چه وسیله؟ بوسیله اصول موضوعه دیگر. فرض کنیم ما می‌گوییم زاویه‌های مثلث مجموعشان برابر دو قائمه است. این یکی از موضوعات می‌باشد که قابل اثبات هم هست به وسیله سایر قضایا. ولی این زاویه‌های مثلث همیشه مجبور نیستند، برابر دو قائمه باشند. کما این که امروز می‌بینیم در دنیا نه مثلث به آن شکل هست و نه زاویه‌ای به آن شکل. چون میدانید که وقتی ثابت شد زمین مسطح نیست، بالطبع معقول نبود هندسه مسطحه وجود داشته باشد. امروز شاید این معقول نباشد که بگوییم هیچ میزی صاف نیست، چون منبعو مبدائی

که ما به وسیله‌ی آن میز را ساخته‌ایم ، کره زمین است . تنها چیز ممکن که ما از روی آن ساخته‌ایم و شما وقتی قبول می‌کنید کره زمین یک شکل سطح نیست ، هرگز هیچ چیزی هم مسطح نیست . البته شیب با انحنای این خیلی جزئی است ولی در هر حال هست . خوب اگر یک میلیاردیم انحنای داشته باشد ، باز هم منحنی است . پس امروز ما نمی‌توانیم بگوییم مثلث دو قائمه است ، مثلث سطح است . کما این که ثابت کرده‌اند با همان قضیه‌ای که من قبلاً گفتم ، در همان نسبت‌انیمشتین که کمیت ، کیفیت را تابع قرار میدهد . مثلاً در سرعت های خیلی زیاد جرم تغییر میکند یا زمان تقلیل پیدا میکند . فرض کنید از یک ستاره‌ی بی‌نهایت دور ، لشکر کشی ناپلئون بناپارت را آدم ببیند ، و یا فرض کنید ظهور آدم را در دوران چهارم ، در هر حال امروز نمیشود گفت مثلث دو قائمه است . این را علم میگوید . ولی یک شعر میگوید مثلث دو قائمه همیشه هم مجبور نیست دو قائمه باشد . و میشود روی این سیستم یک دنیای تازه‌ای ساخت . خیلی هم آسان است ثابت کردن این که دو قائمه نیست . به همان دلیل که ثابت کردن این که دو قائمه است خیلی آسان بوده است . این هر دورا ما ساخته‌ایم . درواقع خیلی چیز هاست که بشر ساخته است . ذهنیت انسان قدرت این را دارد که خیلی چیز ها را بسازد مثلاً حالا در همین قضیه مثلث که اینجا صحبت شد ، فرض کنیم یک مثلث خیلی بزرگی مادرست کنیم که راسش در قطب باشد و قاعده‌اش در استوا یا یکی از موازی‌های استوا باشد این بیشتر از دو قائمه هست باین دلیل که مدارات بر نصف‌النهارات عمود است این را خودمان فرض کردیم می‌بینیم یک قائمه بین هر مدار و نصف‌النهار و یک قائمه بین هر مدار و نصف‌النهار دیگر است و یک زاویه بالا زیاد می‌آید و این باز ناظر باین است که ما هندسه مسطحه را از بین بردیم و یک هندسه تازه ساختیم ولی خوب اگر علم بود هرگز نمیتوانست این را پیدا کند . تمام چیزهایی را که دنیا امروز با آن افتخار می‌کند معلول شعر هست ، برای اینکه در همان تعبیری که قدما از شعر کردند یک جنبه ضدمنطقی وجود دارد ، البته ضد منطق انسان این منطق انسان است که غالباً اشتباه می‌کند نه منطقی که در عالم خلقت هست ما خیلی چیزها را وضع کردیم میدانیم که چندین جور جبر را تاحال پیدا کردند یکی جبر قدر است ، جبری که فرض کنید یا از واجب‌الوجود یا از یک نقطه نامرئی بر کائنات وارد میشود حتی جاذبه «نیوتن» و یکجور هم آن جبر هندسی هست که هرچیز در اثر رابطه علیت یک جبر بوجود می‌آورد . فرض کنید آب بیک مقدار مخصوصی که از حرارت رسید ، مجبور است که بخار بشود و همین طور جبر اجتماعی که یک جبر انسانی است ، تاحدی معلول ذهنی است که انسان نسبت بیک انسان دارد ولی یکجور جبر است که انسان بوجود آورده نسبت به کائنات فرض کنید که ما می‌گوییم که زمین بدور خورشید می‌چرخد ولی اینکه توالی شب و روز مثلاً این قضیه را ثابت می‌کند که بی‌شک کره زمین و سازنده کره زمین هرگز مجبور نبود تابع این دلیل باشد . و همین

صفحه ششم

دلیل کره را بچرخاند . انسان هم مثل همه موجودات یکجور ادله‌ای برای خودش دارد و این علم است که انسان را توی همان دلایلی که ساخته محبوس می‌کند ولی هنر و شعر هست که آن سنت را می‌شکند . شاعری که هنوز نمی‌داند چرا باران می‌آید این خودش یک سؤال هست . پس چرا شعر بگوید و چه فایده‌ای دارد . ولی شاعر امروز آن کسی نیست که فقط شعر بگوید بلکه کسی که فقط شعر می‌گوید شاعر نیست و در واقع هیچ چیز نیست برای اینکه یک شاعر باید علم زمان خودش را بداند ، سنتها را بشناسد خیلی چیزها بداند بعد شعر بگوید البته یکی که همه این چیزها را میدانند شاعر نیست مگر اینکه بالقوه و ذاتاً شاعر باشد . از این جهت این نوع شاعر به درد هیچ چیز نمی‌خورد . و این نوع شاعر ، همان‌هایی هستند که وقتی زنده هستند می‌میرند ، یعنی این که هنوز از نظر قانون این‌ها نمرده‌اند ، ولی از نظر عرف مرده‌اند . درحالی که آن عده‌ای هستند که چیزهایی می‌گویند ، که وقتی که می‌میرند شاید بعدها آن حرف‌ها زنده میشوند از این جهت اعتقاد من این است که شعر می‌تواند کمکی برای علم باشد . و می‌تواند پایه‌ای برای علم باشد و شاید یک شاهد بزرگی که می‌شود نمونه آورد «ژول ورن» آن نویسنده‌ای است که کارهایش را خوانده‌ایم . کارهایی که او کرده باتجرباتی که امروز کرده‌اند ، دیده‌اند که صادق است و حتی من شنیدم وقتی که خواستند یکی از این موشکها را بفرستند ، مجبور شده بودند در یک فاصله‌ی خیلی نزدیک به آن موقعی که با «ژول ورن» پیش‌بینی کرده بود بسازند . این پایگاه را . در حال این نوع شعر ، می‌تواند برای جامعه نافع باشد ، جامعه که سهل است ، برای وجود داشتن تا وقتی که هستی هست ، این نوع شعر ، و این نوع خیال پردازی هم هست .

تلاش - و حالا من از خود شما ، درباره خودتان سئوالی دارم . شما تحت تاثیر کدام یک از شاعران هستید یا بودید ؟ و چه اعتقادی به شاعران دیروز ایران دارید . و کدام یک از آن‌ها روی شما اثر گذاشته‌اند . و به‌طور کلی نطفه‌ی شعر سرودن یا شاعر بودن و یا تا این حد حساس بودن برای شکستن قالب اندیشه و در جهان تخیلی شعری غوطه خوردن چه موجباتی پیش آمده که شما خودتان را شاعر میدانید ؟

منشی‌زاده - راجع به خودم نظرم چیست ؟ خیلی مشکل است ، نه باین دلیل که این یک جور انکسار نفس باشد . چون به نظر من همان قدر انکسار نفس احمقانه در قرون وسطی . بیرسم نظر تو راجع به سرواژ چیست ؟ خوب بیشک سرواژ یک امر اعتباری است به نسبت نبودن سرواژ . من آن قدر یعنی هر آدمی - من منظورم من نوعی است ، آن قدر در کارش گیج و مشغول است که نمی‌تواند نسبت به خودش اظهار نظری بکند . بالاخص که اگر کارهنری بخواهند بکند . و چقدر هم دشوار است راجع به دیگران . باز هم راجع به دیگران می‌شود اظهار نظری کرد . ولی نسبت به خود ، امری مشکل است که بگوید چه هستم و چه جوری هستم ، ولی در مورد این که تحت تاثیر کدام یک از شعرای امروز دنیا هستم ، و تحت تاثیر کدام یک از شعرای متقدم

ایران بودم و به کدام یک علاقمندم . و چه طور شعر گفتم می‌توانم چیزی بگویم . این مقدمه لازم است که من به‌طور مستقیم تحت تاثیر هیچ‌کس نیستم . برای این که من ، «من» هستم . همان‌طور که گفتم ، غریبه بودن همه‌ی آدم‌های دنیاست به هم . و اگر در یک لحظاتی محبتی احساس می‌شود ، آن هم در همان لحظات خاص است . شما در یک لحظه از شعر کسی خوشتان می‌آید ، آن آدم ، در آن لحظه در آن شعر باروحیه آن لحظه شما خیلی نزدیک است . و اگر همان شعر را دو سال بعد بخوانید ، امکان دارد خوشتان نیاید . فرض کنیم آدمی در لحظه‌ای که گرفتار غم از دست رفتن یا مسافرت رفتن کسی است ، وقتی که این شعر عربی را می‌خواند .

لولا الدموع و فیض احرق

ارض الوداع من حرارت الایکاید

بی‌شک در آن لحظه خاص از این شعر خوشش می‌آید ، و من هم از این قاعده هیچگاه مستثنی نبودم . همیشه از یک شعر خوشم آمده ، از یک نقاشی خوشم آمده ، از یک فیلم خوشم آمده و همه برای من شعر یک استراتژی خاصی ندارد . همه چیز در حوزه شعر قرار می‌گیرد . من از فیلم هم تاثیر گرفته‌ام . از موزیک هم تاثیر گرفته‌ام . انسان از همه چیز تاثیر می‌گیرد . من الان نمی‌توانم بگویم به کدام یک علاقه دارم . نسل امروز اکثراً از تناسل الیوت خوششان می‌آید .

این عادت شده است ، یا اسم روزالت که همه از کسانی خاص خوششان می‌آید ، به این دلیل که دیگران خوششان می‌آید ، یا حساب‌هایی کرده‌اند که آنها خوب هستند . یا پیروی می‌کنند . یا حداقل فکر می‌کنند که پیروی می‌کنند . یا می‌خواهند این فکر را به دیگران بدهند که پیروی می‌کنند . و به نظر من این کار درستی نیست . برای این که هیچ کسی از یک دنیای والا تر و بالاتر نیامده است . گو این که در مسایل علمی اشخاصی هستند از نظر مرتبه ، از انسانیت و انسان هم بالاترند . اما مساله این است که پیروی به آن شکل صحیح نیست . ولی خوب انسان از همه تاثیر می‌گیرد . بی‌شک بر روی من و شما خیلی چیزها اثر دارد . شما تا حدود زیادی از معلم‌تان متاثرید ، از جامعه ، از خیابان ، از کوچه ، از کارگر ، از شاعر ، از طبیب . این آدم امروز ، آدمی که در جامعه زندگی می‌کند . قسمت‌های زیادی خودش نیست . وقتی شما وارد حوزه علم می‌شوید ، خیلی از مسایل را قبول کرده‌اید . که کس دیگری قبلاً گفته است . یک انسان امروز ، یک فیزیسین ، یک مهندس تا حد زیادی «ماکول» است ، «کپلر» است ، نیوتون است و غیره .. ولی من از شخص خاصی هرگز متاثر نبوده‌ام . چون به نظر من این کار خیلی بدی است . و بی‌مورد نیست این‌جا ذکر کنم که شرافت اسب‌هایی که در میدان اسب دوانی می‌دوند از کسانی که بر دور میدان نشسته‌اند و روی اسب شرط‌بندی میکنند و تماشا می‌کنند ، بیشتر است . برای این که آن‌ها بسیار مردم‌عاطل و باطبی هستند . و یک انسان قبل از هر چیز اصالتش این است که خودش باشد .

برای این که قسمتی از دنیای ناشناخته‌ی

خودش را بتواند برای مردم تفسیر کند ، همان کار جالبی است .

ولی خوب از کدام يك از شعرای دنیا خوشم می آید ؟ از بودلی ، ورلن ، رمبو ، ژاک پرهور ، حتی هوگو و لامارتین . بی شک در فرانسه اگر از «لامارتین» که امروز برای جوانان ساخته اند ، سخن بگویند ، خنده شان می گیرد ، «لامارتین» آدم کوچکی نیست و در تاریخ ادبیات دنیا مقامی دارد . نه این شکل هر بچه مدرسه ای که انشاء می نویسد ، می گویند لامارتین است . نه - این صحیح نیست . و آدمی که اهل ذوق است یا می خواهد اهل ذوق باشد از خیلی ها متأثر می شود . و از شعرای امروز از ژاک پرهور خیلی خوشم می آید . ولی معروف است که شاعر بچه ها و آدم های متوسط است . ولی خوب من خوشم می آید . و اشکالی هم نمی بینم از این که آدم متوسطی باشم و شعر چیزی نیست که بازور و تبلیغ بشود قبول کرد . شما میدانید تبلیغاتی که راجع به شکسپیر در دنیایم شود نادیده گرفته نمی شود . که ما با کمال تأسف نتوانستیم يك صدم آن را نسبت به یکی از شعرای خودمان در دنیا رعایت کنیم .

و این که من به کدام يك از شعرای متقدم علاقه دارم و تأثیر گرفته ام . من بیشتر از همه ی شعرا با سعدی آشنا هستم . به نظر من سعدی شاعر است . و شاید همین برای سعدی کافی باشد .

شما بردارید روزنامه اطلاعات چهل سال پیش را بخوانید ، می بینید چقدر از کلمات در این چهل سال خرد شده . ولی این مرد وقتی گلستان را می سازد تا امروز يك آدم اهل ذوق راجع به نوشته های او و کلمات او نمی تواند بگوید این کلمه امروز نیست . ببینید باچه سلیقه ای در آن زمان این لغات را پیدا کرده و گذاشته . نمی خواهم سعدی را يك ترسیم کار بنامم ، در آن صورت میشود لغات را خوب انتخاب کرده ، آن قدر عظمت شعری دارد آن قدر بالقوه شاعر بوده که در تاریخ ادبیات ایران کمتر می توانیم کسی را با او مقایسه کنیم . حافظ حد دیگری دارد . و سیاق فکر و اندیشه و شعر و هنرش غیر از سعدی است .

من از حافظ هم زیاد تأثیر گرفتم . شاید زمانی که من شعر به سبک قدما می گفتم . غزل می گفتم تحت تأثیر خیلی از شعرهای حافظ و سعدی قرار گرفتم و خیلی چیزها گفتم و اما این که چه دلیل دارد که شاعر شدم و به قول شما حساس ، دلایل روانی زیادی دارد . شاید تنهایی ، تعمق ، جدا بودن از دیگران . و نزدیک شدن ، اتفاقی ، به عالم شعر . اگر من در يك خانواده دیگری غیر از خانواده خودم بزرگ شده بودم این طور نبود . اما بی شک ، من نمی توانستم پشت پا بزنم به آنچه که بوجود من مستولی شده بود من هرگز قصایدی از گلستان را که پدرم برای من خوانده بود ، و من حفظ کرده بودم ، باین که بعد خودش ناراضی بود از این کارش ، اما من نمی توانستم فراموش کنم .

تلاش - فکر می کنم به طور کلی ، درباره ارزیابی شعر ، بیان شخصیت شاعر ، و شکافتن این که شرحه ضرورتی است برای دنیایی که انسان در آن زندگی می کند و برداشت کلی درباره شعر

امروز ایران حرف زدیم - شاید بنظر شما به اجمال ولی من می خواهم سؤال بکنم آیا کلیه کسانی که به نظر شما شاعر هستند با آن بیانی که شما برای شعر قایل هستید با آن شکل ریاضی که مفهوم دانستن تمام دانستنی ها باشد . وسیع تر ، شاعر زمان خودش باشد . فکر می کنید که شاعران امروز - چه شاعران پیرو سنت ، چه شاعران نوپرداز - در وضع کلی جامعه ای ما که به ظاهر و شاید هم در اصل در حال يك تحول بزرگ اجتماعی است ، موثرند .

آیا این چند تنی که از انگلستان دو دست تجاوز نمی کنند ، به خاطر زندگی کردن و معاش خودشان و یا يك نوع تفنن ، و یا يك نوع خودنمایی ، و جلوه دادن شاعر بودن ، شعر می گویند . و یا يك کلیتی را به عنوان شاعر اجتماعی قبول کرده اند و شعر می گویند . و آیا شاعران امروز با این فکر در نفس کارشان هست که مسؤولیتی را احساس می کنند؟ و شعر می گویند . آیا شاعر نباید مسؤولیتی را بپذیرد و یا باز هم شاعر باید فقط آن ذات و جوهر خودش را در تجلی بخشیدن به شعر خودش داشته باشد نه بیش ؟

منشی زاده - در مورد مسؤولیت ادبیات یا هنر ، مسأله ای است نظری که بعضی ها مخالف آن هستند و بعضی ها موافق . ولی خود من بانظر مسؤولیت موافق تر هستم . چون بالاخره شاعر يك انسان است و انسان مسؤول است . گو این که در مباحث مذهب اترئیستانس این بحث نظری هست . ولی عملاً انسان مسؤول است نسبت به خیلی از مسائل . شاعر مجبور نیست آن گونه فکر کند که مردم فکر می کنند . و آن گونه که جامعه ولی در همین حال يك شاعر به عنوان يك انسان ، انسان در مقابل ذهنیت ، در مقابل علم مسؤول است . مسؤولیت دارد . خیلی چیزها لازمه اش بی بند و بار فکر کردن و وحشی فکر کردن و شاعر بزرگی بودن هست . ولی این ها هیچ کدام نمی تواند از تأثیری که جامعه روی انسان می گذارد ، معایبی که جامعه دارد ، بکاهد . بی شك وظیفه شاعر است که نسبت به مسائل دور - برش حساس باشد . وقتی که انسان به مسائل حساس باشد ، يك جور مسؤولیت احساس می کند . نسبت به این مسائل . در قدیم گفته بودند : خدا سر ما را به اندازه لباس می دهد . ولی من امروز می گویم ای کاش لباس را به اندازه سر ما میداد .

بی شك شاعر موظف است با فقر مبارزه کند . موظف است نسبت به مسائلی که دورو برش هست حساس باشد ، موظف است نسبت به جنگی که انسانیت را تهدید می کند حساس باشد . و گرنه این خود خواهی چندان چیز جالبی نیست که دنیا به خود آدم ختم شود . شاید از نظر فرضیه «اندی وی دیوالیستی» تنها طلبی تك روی درست باشد . ولی نه به آن شکل ، بالاخره ما هم مردمیم . بالاخره برای هر انسانی نسبت به کشورش ، نسبت به دنیا مسؤولیت هایی هست که شاعر هرگز نمی تواند از این مسؤولیت ها جدا باشد . گویان که شاعر عملی مسؤولیت هم نباید باشد . یعنی این که صرفاً يك نفر اداری نیست که راجع به همان ها مجبور باشد که چیزی بگوید .

ولی اگر بگوید بهتر است . کما این که او خودش منتفع می شود و عالم انسانی از آن مسأله منتفع می شود . باید مفادیری انسان مسؤول باشد ، در مقابل همه و گرنه چطور ممکن است باشد .

تلاش - چرا شاعران امروز و نویسندگان امروز به این کمی عرق ملی دارند ؟ و چرا در میان اشعاری که از زمان نیماتا این لحظه که ما با هم صحبت می کنیم ، می خوانیم به ندرت شاعری از شهرش ، از کوچه و بازارش ، از خیابان هایش ، از مملکتی که در آن زاده شده نام میبرد . بر خلاف شعرای آسیائی و اروپائی و آمریکائی و حتی آفریقائی که بیشتر تصویرهایشان محیطی است که در آن زندگی می کنند نام های بعضی از افراد هست . نام های کوچه ها و خیابان ها نام های ساختمان ها ، نام های ده ها ، شهر های کوچک و بزرگشان شعرشان است . چرا این بی تفاوتی و گاه بی توجهی و گریز از ایرانی بودن و محلی بودن شاعر در اشعار اغلب شاعران امروز و در نوشته های نویسندگان امروزمان به چشم می خورد این چه دردی است که گریبان گیر شاعر شده ؟ این چه گریزی است که شاعر برای نشان دادن واقعیتی که در آن زندگی می کند ، و محلی که ساکن آن است ، می زند . و آن محل را نشان نمی دهد ؟ این چه نوع بورژوازی شخصی و خود خواهی شاعر است که دلش می خواهد همیشه ناخود آگاه ، يك کلیت جهانی را که به نظر من اصیل و حتی واقعی نیست نشان بدهد . درجایی که می تواند بارنك و آهنگ و صدای ایرانی کلیت جهانی به شعر بخشد . اگر محیط خودش را بتواند نقاشی کند ، همان محیطی که تمام شادی ها درد ها و غم ها و دلوری ها و درس ها و تمام آن مسؤولیت را در وجود او جستجو پیدا می کند .

منشی زاده - بگذارید خودم را بگویم . چرا ؟ این يك بحث تاریخی است و آن این که هنوز هم در این جامنداول است . می گویند وطن شما کجاست ؟ می گوید : یزد . این شاید ناشی از فتودالیسم باشد . زمانی که ممالك کوچک بوده وفاق های دید هم کم . چون در قدیم ارتباط انسانی خیلی کم بوده فرق است با این که اگر واقعه ای در کوبا اتفاق بیافتد ، شما پنج دقیقه بعد مطلع می شوید . در قدیم تمام مسائل در حول مملکت و مسائل مملکت و ملیت دور میزده است . و چه خوب است که انسان مهم باشد نه خاك ، نه خون . این مباحثی که در حقوق بین المللی عنوان می شود ، مبحث خاك و خون به نظر من هر دو باید از بین برود . مسأله انسانیت مطرح است .

در هر حال انسان به عنوان يك انسان با انسان دیگر صحبت می کند . و اما این که چرا این سعی می شود ؟ آن وقت موجب آن جبر زمان بود ، و امروز ما احساس می کنیم که بیشتر انسان هستیم ، تا ایرانی . در حالی که در قدیم ایرانی بودن و مسلمان بودن خیلی مطرح بود . ولی امروز دیگر

باشد صحیح است . هر جای دنیا ، هر دهکده‌ای که در نظر بگیرید ، نقطه‌ای است از دنیا بایک وجه تشابهی که با سایر نقاط دارد .

حالا شما شاعران آمریکا را مثل زدید ، آمریکایی این‌گونه هست . آمریکائی بیشتر ناحیه‌ای است تا جهانی . در آمریکا سنت های محلی خیلی شدید است . می‌بینیم آمریکایی يك نقطه از آمریکا مثلا نبراسکا بیشتر از این که به مسائل دنیا احاطه داشته باشد به «نبراسکا» مطلع است . در حالی که يك ایرانی این طور نیست . يك نفر تهرانی نسبت به تهران آن چنان عمیق و دقیق نیست و مساله‌ی تهرانی بودن آن چنان نیست که همه چیز را از بین برده باشد . کما این که یکی از شعرای فرانسه ، شاید «پل والری» باشد . می‌گوید : «يك دنیا وجود دارد و يك فرانسه ، يك فرانسه وجود دارد و يك پاریس»



می‌گوید :

پیرماگت خطا بر قلم صنع نرفت

آفرین بر نظر پاک خطا پوشش باد

این مساله‌ای جهانی است . نه تابع زمان است ، نه تابع مکان . بی‌شك چیزی که تابع زمان خاصی باشد ، تابع زبان به معنای عام نیست . تابع مکان باشد ، تابع مکان خاص باشد ، تابع مکان از نظر فیزیک ، مکان وسیع نمی‌تواند باشد . و من هم در شعرم سعی کردم نه از جایی خاص ، و نه از فردی خاص صحبت کنم و نه از زمانی خاص . برای این که زمان خیلی کوچک است ، زمانی که ما فکر می‌کنیم ، عصر ما عصر توحش ، عصر حجر ، در مقابل این «بودن» بسیار کوچک است . مدتی که ما هستیم ، کم است در مقابل مدت‌هایی که نبودیم ، و مدت‌هایی که نیستیم . ولی مسائلی هست که در حوزه زمان و مکان قرار نمی‌گیرد . وقتی خیام می‌گوید : «از کجا آمده‌ایم ، بکجا می‌رویم؟» این مساله‌ای فوق انسانی است ، حتی از انسانی هم پایش را فراتر می‌گذارد ، پس نباید اصرار داشت روی مسائل ملی به آن شکل . ولی اگر نمونه‌ای

این مساله مطرح نیست . وقتی که آزادی تا این حد هست ، دیگر هیچ آدمی نسبت به سرزمین خودش ، نسبت به نژاد خودش ، و نسبت به خودش در مقابل دیگران نباید این برتری را قائل بشود که نسبت به مسائل سرزمین بودن صحبت بکند . چون به نظر من بیشتر زمینی بودن مطرح است ، حتی چرا زمینی بودن . يك موجود زنده بودن . يك موجود بودن مطرح است .

و اما چرا این سعی می‌شود . مسلما اگر انسان بخواهد جهانی بشود این اجتماع اضداد است که هم يك شاعر ، شاعر ملی باشد ، و هم شاعر جهانی . شعری هست از خاقانی :

هان ای دل عبرت بین

از دیده نظر کن هان

که بسیار قشنگ است . اما اگر این شعر را به زبان اسپانیولی ترجمه کنیم ، مساله و محتوای این شعر برای يك فرد آن کشور انگیزه‌ای ندارد . هیچ چیزی نمی‌داند . اما بیا این شعر حافظ را ترجمه کنید که



آوندهای گل یخ

دیگر خون سبز ،

راه خود را در آوندهای گل یخ

پیدا نخواهد کرد

من آئینه را بر کوه میاویزم

و در پرتو مهتاب

از کوه بالا میروم

و بر روی ماه

پرده‌ئی از کاهگل می‌آویزم

کیومرث منشی زاده

بارنگ چشم‌های تو

کوهی کشیده‌ام

به بلندی فریاد

که چونان کوه یخ

زورق ابر را

به توقف مجبور میکند.

هیچ آئینه را

یارای انعکاس تصویر این کوه نیست

آیا آئینه را باید بر کوه بیاویزم

یا کوه را بر آئینه

آویزان کنیم

اگر آئینه را بر کوه بیاویزم

بازتاب نور خورشید

سبزینه رادر برگهای زرد آلو

متراکم خواهد کرد

و اگر کوه را بر آئینه بیاویزم

خورشید رادر تاریکی

فرو برده‌ایم

فلسفه توسعه در قطبهای منابع آب و خاک

- بنظر من نمی آید که وزارت آب و برق اگر يك سدی را ساخته یا يك شبکه آب را بوجود آورده خیلی هنر کرده .
- تا روزی که کشاورزی ما کشاورزی درجه يك و مدرن نشود با شبکه آبیاری درجه يك و مدرن نمی توان يك کشاورزی عقب مانده را پیش ببریم .
- تازمانی که مزارع به موازات پیشرفت های آن پیش نرود از مجموعه سرمایه گذاری خوب استفاده نخواهد شد و اگر نتیجه ای حاصل شود بسیار کم است .
- تنها مهار کردن آب و در اختیار گذاردن آب مسائل کشاورزی مملکت را حل نمی کند .
- تجربه نشان می دهد که تنها مساله آب مطرح نیست مسائل دیگری هم از جمله تخصص مطرح است .
- چرا باید گوسفند را برای ذبح ۳۰۰ کیلو متر حمل کنند ؟
- تا موقعی که ما نتوانیم واحدهای بزرگ بوجود آوریم واحد شبکه ۳ و ۴ هم نمی توانیم ایجاد کنیم .
- دستگاه برنامه ریزی اگر امکاناتش ۴۰۰ میلیارد ریال بوده ۵۰۰ میلیارد ریال تعهد کرده یعنی ۱۰۰ میلیارد بیش از امکانات قابل دسترسش .
- ما باید با توجه يك دید طولانی خود را با تکنولوژی آینده تطبیق بدهیم . و تکنولوژی چیزی نیست جز پیاده کردن علوم در زمینه های علمی .
- گذشت زمانی که می گفتند صنعت ، کشاورزی ، معدن ، امروز دیگر خط فاصلی بین این علوم نیست .
- چرا مردم تهران بجای هفت قران که قیمت هر متر مکعب آب تصفیه شده است باید پنج قران بدهند و این دو قرانی را که تهرانی ها نمی دهند ، مثلا مردم یزد بپردازند .
- صنایع داخلی ایجاد شده و از قیمت کالاهای صنعتی که از خارج وارد می شود گران تر است .
- ما آنقدر از نظر حقوقی در مضيقه هستیم که افراد ما می روند در بخش خصوصی کار می کنند .
- فلان کارخانه به يك مهندس هشت هزار تومان حقوق می دهد ولی ما نمی توانیم سه هزار تومان هم حقوق بپردازیم .
- آخر برنامه سوم تعداد مشترکین سازمان آب تهران به سیصد هزار رسید در حالی که در آغاز برنامه ۱۳۵ هزار مشترک داشتیم .
- زراعت برنج ایران در اثر فراوانی آب فرونی گرفت و سطح زیر کشت در حدود ۱۶۰ هزار هکتار شد و به این ترتیب در آخر برنامه سوم ۴۰۰ هزار تن برنج در منطقه گیلان تولید گردید .



سد لتیان (فرح ناز)

به ما بدهید .

روحانی - دو سال قبل هم ما چنین گفت و شنودی با هم داشتیم و آن زمان ما يك دید دیگر داشتیم در این دو سال مثل هر چیز به طرف تکامل رفتیم و متوجه شدیم که اصلا استانیك بودن درست نیست بلکه باید دیناميك بود و باید بازمان حرکت کرد بنابراین در برنامه سوم يك کنسپسیون های جدیدی را مطرح کردیم . در زمینه آب که ملی شدن آن را در برنامه سوم در حقیقت بکرسی نشاندیم و همچنین در زمینه حاصل مهار کردن منابع آب ،

تلاش - آقای منصور روحانی چندی پیش با شما و همکارانتان درباره کارهایی که در وزارت آب برق انجام گرفته بود به گفتگو نشستیم و شما کلیاتی درباره آبهای سراسر مملکت و کارهایی که در برنامه سوم باید انجام می شد بیان داشتید ، و بطور کلی نمودارها و رتبه ها و توفیق ها و راههایی را که در پیش داشتید در گفت و شنودی که داشتیم ذکر گردید . حالا اگر ممکن است درباره حرکت امور مربوط به برنامه سوم و حدود استفاده از آب کشور و ذخیره پشت سدهای موجود و مسائل مربوط به این سدها اطلاعاتی

منظور ما از این سبندی‌ها بهتر کردن کشاورزی بود بنابراین فکرو دید جدیدی هم درمورد کشاورزی پیدا شد وبالاخره در برنامه سوم موفق شدیم این فکر و این طرز تفکر را تبدیل بیک قانون کنیم بطوریکه دربرنامه چهارم اجرا شود. بطور خلاصه برنامه سوم آغاز زندگی جدید صنعتی ایران هست با یک دگرین انقلابی. بطوریکه ما را از یک دوره خان خانی و فئودالیسم و دوره اقتصاد شبانی بیک دوره زندگی صنعتی می‌آورد که در برنامه چهارم و در برنامه های بعد ادامه خواهد داشت تا آنکه به حداعلاى بهره برداری از منابع خود برسیم ونتیجه همه این حرف‌ها این است که ملت ایران باید بهتر زندگی کند. بیشتر غذا بخورد. بهترپوشد. ومسکن‌بهتری برای آسایش‌داشته باشد مردم از درمان بهتر واز دانش بیشتری بهره‌مند شوند و بالاخره آینده مطمئنی را برای نسل های دیگر فراهم کنیم. در برنامه سوم روزیکه ماکاربرق را شروع کردیم برق هم مثل سایر رشته های دیگر بصورت خان خانی و فئودالیسم بود یک صنعت از هم‌در رفته که شاید حتی نتوانیم نام صنعت هم روی آن بگذاریم. در آخرین سال های برنامه دوم مجموع مصرف برق ایران تصور می‌کنم در حدود ۱۵ تا ۱۸ میلیارد کیلووات ساعت در سال بود، در برنامه چهارم مصرف به ۵۰ میلیارد کیلووات ساعت در سال یعنی دوبرابر نیم رسید واین نشان دهنده یک رشد متوسط ۲۲ درصد در سال است و با این که وزارت آبوبرق دربرنامه سوم تازه بوجود آمده بود، یک دوره خلق فلسفه و یک دوره قانونی کردن آن فلسفه ویک دوره برنامه

ریزی داشت وبالاخره لازم بود که بعداز همه این کارها، کارهای اجرایی شروع شود. معذک ما موفق شدیم این صنعت را مهار کنیم و امروز در سراسر مملکت ۹ شرکت و یک سازمان، مسؤول تولید وتوزیع برق است که دارای برنامه های مدونی می‌باشند و هر سال بر حسب احتیاجات در آن تجدید نظر شده و برایشان سرمایه فراهم می‌شود. این سرمایه یا بوسیله خودشان و یا در بودجه برنامه عمرانی برایشان فراهم می‌شود و بهر حال این برنامه اجرا می‌شود وحاصل آن تولید کردن کیلووات ساعت های بیشتری برق برای شهرها و صنایع و کشاورزی است. در زمینه برق توفیق زیادی بدست آوردیم. توانستیم به کمک کشور های دیگر، که در این راه خیلی جلو رفته‌اند وباستفاده از تجربیات آنها یک کادر خیلی مجهزی را بوجود آوریم. در اوایل برنامه سوم هیچ‌کس فکر نمی‌کرد ما دارای خطوط فشار قوی برق دوست و سی‌هزارولت شویم. در آخر برنامه سوم‌مهندسین ما خودشان شبکه برق دوست و سی‌هزار ولت را حساب می‌کنند و نقشه‌ها و مشخصات آن‌ها را آماده می‌کنند وبه مناقصه می‌گذارند و نظارت می‌کنند. ما در طول برنامه سوم متجاوز از ۱۵۰۰ کیلومتر خطوط فشار قوی ۶۰ و ۱۲۰ و ۲۲۰ کیلو وات کشیدیم. برق را به اقصی نقاط، تا آنجا که امکانات ما اجازه می‌داد، بردیم. این پایه های برق که اکنون در بیابان‌ها ملاحظه می‌فرمایید یک روزی برای خود من و برای بسیاری از مردم این مملکت که علاقه به پیشرفت آبادانی وطن خود داشتند عقده‌ای بود که چرا ما در اروپا، حتی

کشور های غیر اروپایی، هرگوشه‌ای که برویم پایه‌های خطوط فشار برق وجود دارد ولی در ایران آناری از آن نبود. در برنامه سوم این فکر که درکشور شبکه برق ملی و کشوری‌داشته باشیم نه تنها خلق بلکه قانون شد. متاسفانه آقای صالحی اینجا نیستند وگرنه برای شما می‌گفتند که چگونه وبا چه اقداماتی توانستند این کار را راه بیاندازند وایشان سهم بزرگی در خلق این فلسفه و همه‌گیری این برنامه دارند. ایشان در طول چند سالی که در برق کار می‌کند شاید ۱۱۵ نشریه منتشر کرده‌اند و خود این نشریه‌ها در روشن کردن مطالب و قانع نمودن مقامات تصمیم گیرنده مؤثر بوده است. بطور قطع و یقین بدون دگرترین سالم نمی‌توانستیم صنعت برق را پایه گذاری کنیم. و اکنون که سال اول برنامه چهارم گذشته و وارد سال دوم برنامه چهارم شده‌ایم به شما اطمینان می‌دهم که ما یک صنعت برق با بنای سالم از نظر اقتصادی وازنظر اجتماعی مطالعه شده پایه گذاری کرده‌ایم و در آخر برنامه چهارم همه افراد ملت ایران می‌توانند بطور متوسط ۴۰۰ کیلووات ساعت برق در سال مصرف کنند. منظوم از همه ملت ایران این نیست که همه ۴۰۰ کیلووات ساعت برق مصرف کنند بلکه منظور این است مصرف سرانه ۴۰۰ کیلووات ساعت خواهد بود. واین رقم باتوجه به ۵۰ کیلووات ساعت که در اول برنامه سوم بود ملاحظه می‌کنید، که خیلی فاصله دارد. این صنعت از نظر اقتصادی سالم شده نرخ های آن منطقی است مصرف کننده بهتر تشویق می‌شود ومصرف کننده کم هم هزینه آنرا تحمل می‌کند،



سد شهنار (همدان)

اوایل برنامه سوم قیمت برق در همین تهران کیلوواتی ۵۰ ریال بود و اگر اکنون مصرف برق منزل را بر بهای آن تقسیم کنید به رقم بین ۲۵-۲۲ ریال می‌رسد. و این نصف مبلغی است که در آغاز برنامه سوم تعیین شده بود. در سالهای آینده این نرخها به مراتب از این هم پایین‌تر خواهد آمد. و این سیاست تعرفه صحیح و سالم در تمام مملکت تدریجاً پخش می‌شود. هر جا که ما واحد های بزرگ می‌گذاریم شبکه بوجود می‌آوریم نرخ گذاری هم بصورت اصیل خود در می‌آید.

تلاش - در برنامه سوم چه کارهایی درباره آب وسدما انجام دادید و مشترکین آب در اول برنامه سوم چند نفر بودند و در این مدت چه رشدی داشتید.

روحانی - راجع به آب در برنامه سوم، ما موفق شدیم که سد فرحناز را تمام کنیم و آب سد فرحناز را به تهران بیاوریم تصفیه خانه و شبکه آن را بسازیم و آن آب را بدست مردم برسانیم. بطوریکه آخر برنامه سوم تعداد مشترکین سازمان آب تهران به سیصد هزار رسید در حالی که در آغاز برنامه ۱۲۵ هزار مشترک داشتیم و این هم یک توسعه ۲۵۰ درصد را در طول برنامه سوم نشان می‌دهد. شبکه اصلی آبیاری سد شهبانو فرح روی رودخانه سفیدرود را تمام کردیم بطوریکه توانستیم آب منظم شده سد شهبانو فرح را که در برنامه دوم ساخته شده بود در برنامه سوم روی شبکه قدیم گیلان توزیع کنیم. تونل و کانال فومن را تمام کردیم و برای اولین دفعه در تاریخ این مملکت آب سفید رود به دشتی غیر از دشت فومن که یک کوه فاصله دارد وارد شد. زراعت برنج ایران در اثر فراوانی آب فزونی گرفت و سطح زیر کشت در حدود ۱۶۰ هزار هکتار شد و به این ترتیب در آخر برنامه سوم ۴۰۰ هزار تن برنج در منطقه گیلان تولید گردید.

در برنامه سوم ساختمان سد ارس روی رودخانه ارس شروع شد. آن کاری که دیگران سالها زحمت آن را کشیده بودند تا با شورویها تفاهم داشته باشند، مطالعات مقدماتی و بالاخره کارهای ساختمانی آن آغاز شد و امید است در سال ۱۳۴۹ تمام شود. به موازات آن طرح مهندسی شبکه مفان هم تهیه شده و اکنون به مناقصه گذاشته‌ایم در منطقه آذربایجان غربی سد مهاباد را پس از مطالعه شروع کرده‌ایم و شاید تا آخر برنامه چهارم پنجاه درصد کار ساختمان سد شاپور اول که روی رودخانه مهاباد است تمام بشود. سد روی رودخانه زرنهرود را که آن هم از برنامه سوم مطالعات آن را آغاز کرده و در اواخر برنامه سوم شروع به ساختمان کردیم در آخر برنامه ۳۰ درصد آن ساخته شد و ساختمان آن در برنامه چهارم نیز ادامه دارد. برای ساختمان یک سد در روی رودخانه گرگان به اسم سد وشمگیر مطالعه کردیم به مناقصه گذاشتیم و ساختمان آن را شروع کردیم مشکلات زیادی در کار آن بود که بالاخره رفع شد و در آخر برنامه سوم پنجاه درصد کار سد تمام شد و امیدواریم در سال ۱۳۴۹ یعنی در برنامه چهارم خاتمه پیدا کند. و آب آن بدست زارعین گرگانی برسد.

در استان فارس مطالعات سد داریوش کبیر را

بر روی رودخانه کر مطالعه کردیم و کارهای مقدماتی ساختمانی را انجام دادیم و به مناقصه گذاردیم و ساختمان آن را شروع کردیم بطوریکه در آخر برنامه سوم ثلث این سد تمام شده بود امیدواریم که در سال ۱۳۵۰ قابل بهره برداری بشود بدین معنی که شبکه آبیاری ۲۲۰۰۰ هکتار آزمایشی را در برنامه سوم تمام کردیم و کشاورزی در زیر این منطقه شروع شد. آثار جالبی هم داشت که حاوی تجربیات فراوانی بود این تجربیات مبنای تصمیم خیلی مهمی در کشاورزی شد.

بخاطر دارم زمانی گفته می‌شد که برق خوزستان یعنی برق سد محمد رضا شاه پهلوی هیچ وقت تا این اندازه که تولید می‌کند مصرف نخواهد داشت آخر برنامه سوم هردو توربین سد پهلوی مورد استفاده قرار گرفت و باری که در آخر برنامه داشتیم در حدود ۸۵ هزار کیلووات بود که ۲۰ هزار کیلووات از حداکثر ظرفیت یک توربین بیشتر است بنابراین هردو توربین کار می‌کردند و اگر در حین بهره‌برداری عیب و نقصی پیدا می‌شد یدکی وجود نداشت و این دلیل بر توسعه کار بود که هر توسعه‌ای بدنبال خود توسعه‌ها مصرف پیش می‌آورد. این توسعه‌ها قابل پیش بینی هم نیست که این که در کار برق توسعه‌ای که داریم خیلی زیاد هست. من نمی‌توانم اسمش را توسعه بگذارم چرا که حتی از جهش هم بالاتر است (۳۶۵ درصد در سال ۴۷). در خوزستان بموازات کار آبیاری چه در روی رودخانه کر چه در روی دز کار برق را خیلی توسعه دادیم و تعداد مشترکین به حدود ۹۰ هزار رسید در سراسر خوزستان برای صنایع، مصارف خانگی، کشاورزی برق توزیع شد و یکی از عناصر توسعه خوزستان حتما برق بوده است طرح های متعدد دیگر در زمینه استفاده از آب های زیر زمینی یا سدهایی که باید ساخته شود در برنامه سوم مورد مطالعه قرار گرفت. از جمله سد رضا شاه کبیر را مطالعه کردیم آن شاء الله در برنامه چهارم خواهیم ساخت و در برنامه پنجم بهره برداری خواهیم کرد و این سدی است که بما یک میلیون کیلووات برق می‌دهد و ۱۶۰ هزار هکتار زمین را زیر کشت خواهد برد. این سد روی شاخه‌ای از کارون که از کنار مسجد سلیمان می‌گذرد ساخته می‌شود. رودخانه مارون را مطالعه کردیم و نقشه های آن حاضر شد و آخر برنامه چهارم ساختمان سدی بر روی آن را شروع می‌کنیم، تاخیر در ساختن این سد بدلیل کمبود بودجه می‌باشد. ساختن سد روی رودخانه هریرود را در حیرت مطالعه کردیم و آب های زیر زمینی آنجا را استخراج کردیم و اکنون در حدود ۱۰۰ چاه در آنجا وجود دارد.

دشت قزوین را مطالعه کردیم چاه های آنرا حفر کردیم و تا آخر برنامه سوم فکر می‌کنم حدود ۲۰۰ حلقه چاه در آنجا حفر و بهره برداری شد. لازم به گفتن نیست که همه این چاه ها با برق کار می‌کنند. موضع استفاده از آب شاهرود طالقان و انحراف آن بطرف دشت قزوین مطالعه شد و به مناقصه گذارده شد و شاید در برنامه چهارم وحتى همین سال ۱۳۴۸ کار ساختمان آن آغاز شود.

کار ساختمان سد گنجانچه و همین طور کار

شبکه کرخه تمام شد، سد شاه عباس کبیر بر روی زاینده رود آغاز شد و تا آخر برنامه سوم حدود ۵۰ درصد کار تمام شد. و من امیدوارم در سال ۴۹ این سد تمام شود. تعداد زیادی کار های مطالعاتی روی رودخانه لار، رودخانه های مازندران و بالاخره در منطقه سرخس و رودخانه بناب، مونت، قره‌آغا انجام شد که همه اینها آماده اجرا است و اگر اقتصاد مملکت اجازه می‌داد که بیشتر از این پول در کار آب خرج کنیم ما آماده انجام این کارها بودیم. به موازات همه اینها فلسفه قانون ملی کردن منابع آب مملکت که اصل دهم انقلاب شاه و مردم است به تصویب مجلسین رسید و ما آماده شدیم که در برنامه چهارم این قانون را در سطح مملکت پیاده کنیم.

تلاش - آقای روحانی اینجا يك سؤالی پیش می‌آید قبل از آن که به مطالبات ادامه دهید. پرسش را به این صورت مطرح می‌کنم که در حال حاضر (از آغاز برنامه سوم و اکنون که در آغاز برنامه چهار هستیم) چند سد تمام شده و بهره برداری می‌شود چند سد در دست ساختمان است و چند سد در برنامه چهارم و پنجم و یا ششم ساخته خواهد شد؟

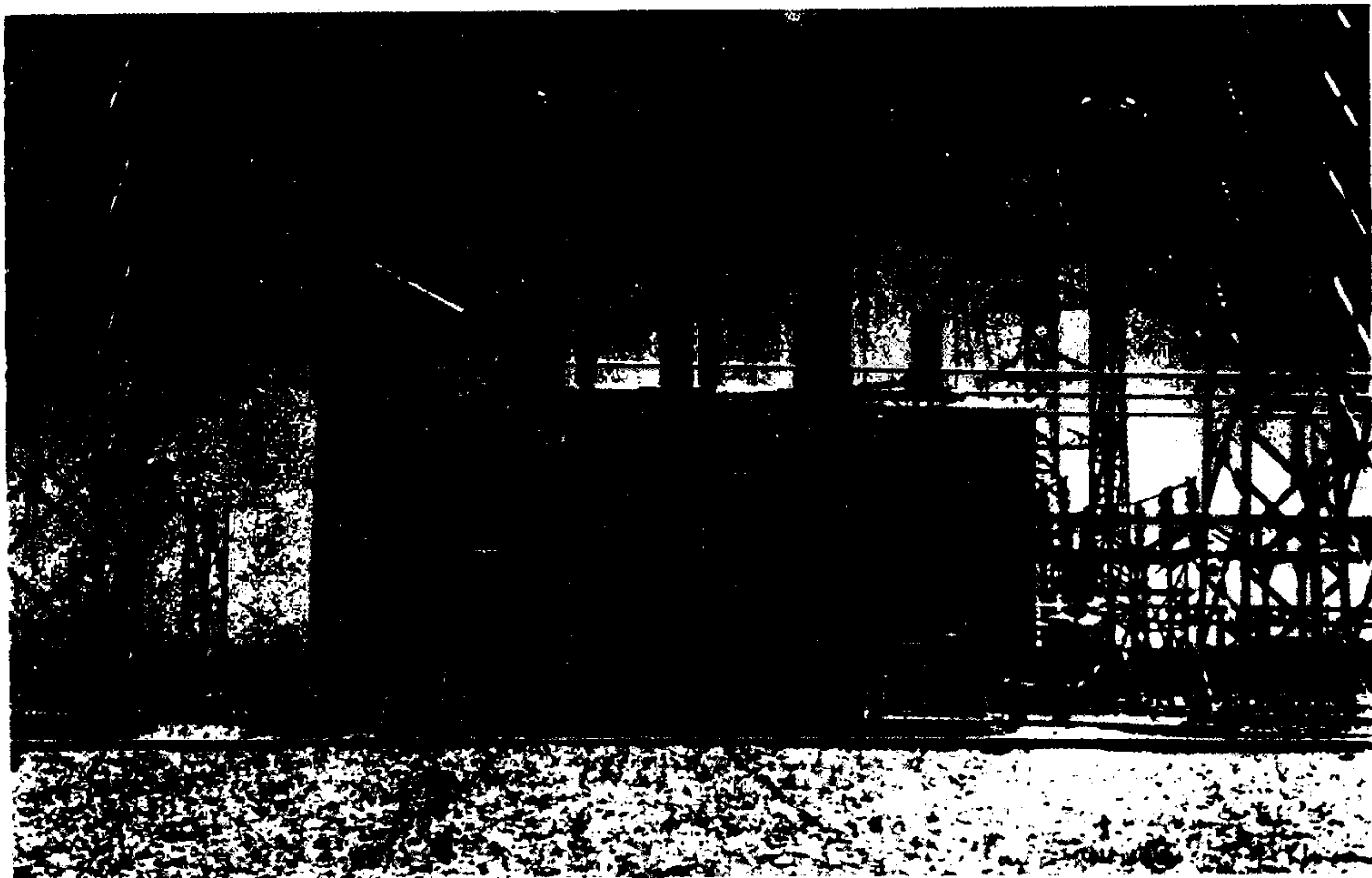
روحانی - اگر منظور شما سدهای ذخیره است ما در آخر برنامه سوم ۶ سد در دست بهره‌برداری داشتیم و ۶ سد هم در دست ساختمان داشتیم و داریم و شاید در حدود ۱۰ سد و شبکه آبیاری هم در دست مطالعه داریم بطور کلی ما به هدف برنامه سوم (از نظر بالا بردن آب برای سطح زیرکشت) که ایجاد آب بیشتر، منظم کردن آب کشاورزی برای ۲۳۰ هزار هکتار و تهیه آب اضافی برای ۱۳۰ هزار هکتار بوده رسیده‌ایم این هدفها را با سرمایه ۲۱ میلیارد ریال انجام دادیم.

تلاش - آقای روحانی لطفاً از نظر سد سازی در طول این چند سال ایران را با کشور های همسایه مثل هندوستان، افغانستان، پاکستان و ترکیه و چند کشور دیگر جهان مقایسه کنید تا معلوم شود که ما چقدر در کارمان حرکت داشته‌ایم؟ روحانی - باید عرض کنم که کشور های همجواری که نام بردید خوب کار می‌کنند ما نباید در مملکت غلو کنیم و کار خوب را به انحصار خودمان در آوریم. تا آنجا که من می‌دانم هندوستان خیلی خوب در کار سد سازی پیشرفت کرده و حتی در کار مهندسی سد سازی. تعداد زیادی از سد ها را آنها خودشان مهندسی می‌کنند و واقعا احترام انسان در مقابل مردمی که با این کوشی و شدت عمل برای پیشرفت مملکت خودکار می‌کنند برانگیخته می‌شود. و همین طور پاکستان در این ده سال اخیر اقدامات بسیار بزرگی انجام داده و سرمایه این کشور را فقط در راه آبادانی آن مصرف کرده است. در ترکیه دقیقاً اطلاع ندارم ولی می‌دانم که یکی دوسد بزرگ در این مدت ساخته شد و یکی دو سد بزرگ هم در دست ساختمان است یکی سد کدان است و تصور می‌کنم یکی دو میلیون کیلووات برق از آن خواهند گرفت. در بازدیدی که این اواخر از افغانستان کردم غیر از سد کجکی ارقنداب که روی هیرمند و شعبات آن ساخته‌اند، دو سد نزدیک کابل ساخته‌اند که مصرف

برق نداشت در این قیاس و مقایسه باید امکانات مالی مملکت‌ها را در نظر گرفت. ما امکانات بیشتری داشتیم از ثبات و امنیت بهتری برخوردار بودیم باید هم کار بهتری انجام داده باشیم ، یعنی بنظر من نمی‌آید که وزارت آب و برق اثر يك سدی را ساخته یا يك شبکه آب را بوجود آورده خیلی هنر کرده بلکه به نظر من از امکانات استفاده کرده و انشعالات خوب استفاده کرده باشد . همان‌طور که گفته شد ، در برنامه چهارم سدهای شاه عباس کبیر ، ارس ، شاهپور اول ، داریوش کبیر ، کوروش کبیر ، وشمگیر و کارون تمام خواهد شد.

ممکن است سد کارون در اول برنامه پنجم تمام شود. و سدهای جدیدی هم مثل سد طالقان ، هریرود ، لار ، احتمالاً مارون و شاید هم يك سد در آذربایجان غربی شروع خواهد شد. ما در برنامه چهارم بیشتر به تکمیل شبکه آبیاری سدهائی که در گذشته ساخته شده و سدهائی که در برنامه چهارم تکمیل خواهد شد خواهیم پرداخت . در کارتوسعه شبکه مشکلات عظیمی در پیش داریم و تا آن مسائل حل نشود ما شبکه آبیاری را به حد اعلاى خود نمیتوانیم برسانیم . کما این که ما در گیلان برای شبکه آبیاری دو سد انحرافی ساختیم و در صحبت

های قبلی که گفتیم ۶ سد ساخته‌ایم و ۶ سد در دست ساختمان داریم منظورم سدهای ذخیره‌ای بود و نه دهها سد انحرافی مثل سد تاریخ ، سد سنکر گنجانچم و کوهرنک ، پسیخان ، ساخته شد البته اهمیتی که سدهای ذخیره‌ای دارند این سدهای انحرافی نمیتوانند داشته باشند. مشکلی که ما در شبکه آبیاری خواهیم داشت مشکل شکل مالکیت و تقسیم بسیار کوچک اراضی زراعتی ایران است. این مشکل به ما اجازه نمیدهد که ما آبیاری را در جبهه چهارم پیش ببریم. بعد از این که شبکه آبیاری درجه اول سد انحرافی روی رودخانه برای بالا



برق اهواز ترانسفورماتور فشار قوی

آوردن آب و کانال اصلی سمت راست رودخانه که مزارع سمت راست را آب می‌دهد و کانال اصلی سمت چپ رودخانه که مزارع طرف چپ را آب می‌دهد و احتمالاً کانال‌های درجه دو که شاه نهر های اصلی آن ساخته شد دیگر چرخ ما لنگ است برای این که کانال‌های درجه ۳ و چهار باید مستقیماً روی هر مزرعه آب را توزیع کند و حداقل مساحتی که يك کانال درجه چهار از يك دريچه‌اش آبیاری می‌کند باید ۳۰ هکتار باشد و همچنین باید اضلاع آن منظم باشد، بایستی که مزرعه تسطیح شده باشد یکی يك گوشه‌اش بلند نباشد و يك گوشه پایین که آب در آن گوشه‌ای که پست‌تر است جمع شود. باید مجهز به شبکه فاضلاب باشد که آب اضافی از شبکه فاضلاب از مزرعه خارج شود و مرداب درست نکند در حالی که زمین‌های زراعتی ما يك شکل نامنظم دارد و بعلاوه دارای تقسیمات خیلی کوچکی است. مجموع نسق امروزی ما

در هر ده شاید ۴ یا ۵ هکتار باشد تازه برای این ۴ یا ۵ هکتار ۴۰۰۰ مالکیت وجود دارد و این مالکیت‌ها خطوطشان با خطوط منظم شبکه آبیاری تطبیق نمی‌کند و به علاوه سطحشان نامنظم است و فقط باروش قدیم یا قنات می‌توانند آب بگیرند آنهم بصورت نامنظم. این است که ایجاد شبکه آبیاری بطوریکه آب را به یک واحد روستائی حداقل ۲۰ هکتار برساند غیر قابل پیاده کردن روی زمین‌ها است و اگر پیاده کنیم ببرد این نوع مالکیت نمی‌خورد. تا روزی که کشاورزی ما کشاورزی درجه یک و مدرن نشود با شبکه آبیاری درجه یک و مدرن نمی‌توان یک کشاورزی عقب مانده را پیش ببریم. و حداقل باید شکل هندسی مزارع، مسطح بودن مزارع و فاضلاب مزارع که آب اضافه بر مصرف را بتواند به نه‌های دیگر ببرد تامین شود. نازمانی که مزارع به موازات پیشرفت های آب پیش نرود از مجموعه سرمایه‌گذاری خوب استفاده نخواهد شد و اگر نتیجه‌ای حاصل شود بسیار کم است.

تلاش - خوب شما در مقام خودتان فکر می‌کنید چه تدبیری باید در کار وزارت کشاورزی، وزارت منابع طبیعی و قسمت‌هایی که مربوط به این کار است انجام گیرد تا کشورمان بتواند از سدهایی که می‌سازید بنحو شایسته‌ای بهره‌برداری کند چون به این ترتیب میلیاردها ریال سرمایه‌گذاری شما راکد و بدون بهره‌برداری خواهد ماند.

روحانی - ما در این دوره تجربیات خیلی جالبی بدست آوردیم ما برای این مسائل راه حل پیدا کردیم، این مسائل ما را به مسائل دیگری و راه حل‌های دیگری رهبری کرد. من در طول زندگی هیچ وقت به این اندازه ارضاء نشده‌ام که با این مشکل مواجه شدم، بعد برای آن با کمک همکاران و دوستانم و کسانی که می‌اندیشند راه حل پیدا کردیم و امیدواریم که این راه‌حل‌ها را بتوانیم در سطح مملکت پیاده کنیم. در راه توسعه منابع آب متوجه شدیم که تنها مهار کردن آب و در اختیار نداشتن آب مسائل کشاورزی مملکت را حل نمی‌کند. یکی از بزرگترین مسائل مملکت ما که مسائل اجتماعی را هم بدنبال خود می‌آورد تعداد خیلی زیاد واحد های روستائی مملکت است (یعنی رقمی حدود ۶۵ هزار واحد روستائی) و متفرق بودن این واحد های روستائی در قسمت اعظم مملکت. چون در بعضی از قسمت‌ها مثل گیلان، غرب دریاچه رضائیه، دشت گرگان این واحد های روستائی متفرق نیستند ولی در قسمت اعظم مملکت متفرق هستند. خاصه که فاصله‌های آن‌ها باهم حدود ۵ کیلومتر تا ۱۰ کیلومتر است. ما در طول کار توسعه منابع آب متوجه این نکته شدیم که اگر فرض کنیم آب هم فراهم شود این آب را چگونه باید به روستاها برسانیم؟ بنابراین بعد از بحث و گفتگو زیاد با همکاران خودمان در دولت و شورای عالی اقتصاد و همکارانمان در سازمان برنامه و بودجه و واحدهای مختلف سازمان آب و برق، که به مددیل مستقر شدن روی منطقه‌شان مسائل را روی زمین می‌دیدند و مسائل را فقط روی کاغذ نمی‌دیدند و ما برای حل مسائل خوراک و غذا می‌دادند، به این نتیجه رسیدیم که ما باید حتی‌المكان منابع خود را متمرکز کنیم. بر روی سرزمین‌های قابل آباد شدن و مساعدآباد

گشتن، اسم این سرزمین‌ها را گذاشتیم قطب های قابل توسعه. و در قالب توسعه در قطب‌ها است که ما می‌توانیم در شبکه آبیاری مسائل شبکه آبیاری درجه ۲ و چهار را حل کنیم. در قطب‌های توسعه دو موضوع مطرح است: یکی شکل فیزیکی و یکی شکل حقوقی که زمینه این توسعه است. خوشبختانه شاهنشاه آریامهر در کار اصلاحات ارضی همیشه به این موضوع کوچک بودن قطعات کشاورزی مزارع می‌اندیشیدند و راه حل خیلی جالبی برای رفع این شکل پیدا کرده‌اند و بالاخره قانونی تصویب شد که توسعه کشاورزی در دو شکل حقوقی می‌تواند باشد. شکل حقوقی اول که بستگی دارد به زارعین صاحب نسق و یا مستاجرین صاحب نسق املاک زراعتی که حالا طبق قانون اخیر مالک خواهند شد این است که این‌ها با هم شریک شوند و یک شرکت بزرگی را بوجود بیاورند که حداقل سطح آن دو هزار هکتار باشد. و زارعین در آن صاحب سهم باشند بجای این که صاحب ملک باشند. و انوقت وزارت اصلاحات ارضی سرمایه و متخصص فراهم کند برای این که یک واحد بزرگ ۲-۳ هزار هکتاری را بصورت مدرن بوجود آورد. وقتی چنین شرکتی بوجود آمد مشکل شبکه آبیاری درجه ۳ و ۴ هم حل می‌شود.

تلاش - آقای روحانی با توجه به این که می‌گوئید ۶۰۰۰ میلیارد بهره‌برداری دارید که در برنامه چهارم می‌تواند آب مورد نیاز آن مزارع که کمتر از سی هکتار نیست تامین کند بگوئید که وزارت اصلاحات ارضی چه موقع می‌تواند این وقعه را از میان بردارد تا قسمت چهارم اجرایی کار شما یعنی بهره‌برداری از این سدها به مرحله عمل درآید.

روحانی - غیر از این شکل حقوقی، شاهنشاه آریامهر یک شکل حقوقی دیگری را هم برای توسعه کشاورزی ایران مطرح کردند و آن تاسیس شرکت کشت و صنعت است، چون اراضی نسق زراعتی فعلی ایران همان‌طور که گفتیم بهم چسبیده نیستند. هر کدام ۵۰ یا ۸۰ هکتار است و هر کدام در یک نقطه و فواصلی که بین ۲ تا ۱۰ الی ۱۵ کیلومتر دارد و بین این مزارع زمین‌های بایر یا مرتع و احتمالا در شمال ایران جنگل مغروبه وجود دارد. شاهنشاه فکر کردند شرکت کشت و صنعت را بوجود بیاورند ولی شرکت های کشت و صنعت را دولت بوجود نمی‌آورد سرمایه‌داران متخصص بوجود می‌آورند و دولت این زمین را که بصورت مرتع و یا بایر است و بین دو نسق زراعتی واقع شده بصورت منظم در می‌آورد و به مدت زیادی (۲۰-۲۵ - ۳۰ سال) به اشخاص اجاره می‌دهد. (ترجیحا ایرانی و سرمایه داخلی و اگر نشد خارجی و سرمایه خارجی) و با بوجود آمدن این شرکت‌ها، که شاید تدریجا در برنامه چهارم ۲۰۰ هزار هکتارش بوجود آید، ما می‌توانیم شبکه آبیاری را به این نقاط بکشیم همینقدر که این شرکت‌ها به بهره‌نشینند و زارعین استفاده آن را ببینند دیگر احتیاجی نخواهد بود که وزارت اصلاحات ارضی سعی کند زارعین را قانع نماید و بگوید که مصلحت شما چنین است. آن‌ها خودشان فشار خواهند آورد که ما را هم باین

صورت در بیاورید و طالب چنین برنامه‌ای خواهند شد تا از ناراحتی‌های مادی و بازاریابی رها شوند. با اجرای برنامه فوق بصورت می‌توانند بایک قرارداد جنس را بصورت یکپارچه به شهرها یا شرکت های بزرگ بفروشند و منفعت زیادتری داشته باشند و نگرانی نداشته باشند که محصولات را که کاشته‌اند چگونه باید بفروش برسانند. مطابق این برنامه این مسائل خود بخود حل می‌شود و زارعین وقتی متوجه استفاده های آن شدند خودشان از این برنامه استقبال می‌کنند. و در نتیجه فشار می‌آورند که در این برنامه شرکت کنند و از مزایای آن بهره‌مند شوند بنابراین ما باید اصالت توسعه در قطب‌ها یعنی امری که دارای مقیاس بزرگ باشد را مراعات کنیم تا کار با سهولت بیشتر و مدیریت بهتری انجام گیرد. و بدین ترتیب البته مزایای زندگی بسیار بیشتر شده و زندگی در شرکت های تعاونی خیلی بهتر خواهد شد و البته این نظام کهنه آب و آبیاری قدیمی در ایران از بین خواهد رفت. پس چه بهتر که کشاورز در این شرکت‌ها بصورت کارگر کشاورزی و صاحب سهام سهام شود. بدین ترتیب هم عدالت اجتماعی برقرار می‌شود و هم آب بیشتر و بهتر به مزارع می‌رسد.

ما یک نمونه در ایران می‌توانیم نشان دهیم و آن نمونه شرکت کشت و صنعت نی و نیشکر ما در خوزستان است. موسسه‌ایست که پنجهزار هکتار زمین دارد و زراعت بهم چسبیده. بهترین وسایل کامل کشاورزی در آن بکار می‌رود، مثلا مبارزه با آفات با هواپیما است و هر هکتار ۱۰۶ تا ۱۰۸ تن نی شکر تولید می‌کند. سال گذشته از لحاظ مقدار تولید در واحد سطح در دنیا در مقام دوم بود، این شرکت سالیانه ۵۰ هزار تن شکر تولید می‌کند و واسطه‌ای وجود ندارد که کارخانه شکر مال یک نفر باشد و مزرعه شکر مال یک نفر دیگر. مجموع آن یک واحد کشت و صنعت است و این ۵۰ هزار تن شکر را ما ۷۵۰ میلیون ریال می‌فروشیم درآمد متفرقه آن مثلا باگاس - ملاس و غیره ۵۰ تا ۶۰ میلیون ریال می‌شود و جمعا ۸۰۰ میلیون ریال درآمد دارد. و ما از این ۸۰۰ میلیون ریال ۴۸۰ میلیون ریال را به دو هزار خانواده کارگر و کارمند و تکنیسین حقوق می‌پردازیم یعنی هر کس بطور متوسط ماهی بیست هزار ریال به خانه‌اش می‌برد، البته کارگر غیر متخصص کمتر و متخصص بیشتر، حال اگر این دو هزار نفر را به مساحت زمین تقسیم کنیم بهر یک از این عده ۲۵۰ هکتار می‌رسد بنابراین ۲۵۰ هکتار آنقدر تولید می‌کند که تاسیسات را استهلاک می‌کند. سالی ۴۸۰ میلیون ریال هم حقوق می‌پردازیم منفعت هم می‌بریم. این نمونه را در ایران داریم این نمونه در برنامه دوم شروع شد و در برنامه سوم به حداعلای بهره‌برداری رسید، در برنامه چهارم توسعه‌اش می‌دهیم تا به ده هزار هکتار و ۱۰۰ هزار تن تولید شکر برسد و در نتیجه تعداد کارگران به ۲ هزار نفر می‌رسد و جمع سرمایه‌گذاری ۴۰۰۰ میلیون ریال می‌شود. یعنی بهر کارگر سیزده میلیون ریال سهم می‌رسد.

تلاش - آقای روحانی اینطور مفهوم است

که بیشتر تصمیم دارید در برنامه چهارم این نوع مزرعه‌های نمونه را توسعه دهید تا سرمایه گذاران خارجی و ایرانی و با مختلط گرد هم آیند و چنین مزارعی را بوجود آورند و بعد روستاییانی که کمتر از ۲۰ هکتار زمین دارند را برانگیزید تا آن‌ها موافقت کنند که سهامدار شرکت های بزرگ شوند، بنظر میرسد که این کار احتیاج به حدود ده سال وقت دارد آیا تا آن زمان تکلیف بهره برداری از آب های ذخیره شده در پشت سد هایتان چیست ؟

روحانی - از آب سد های فعلی حداعلای استفاده نمی شود ولی بی استفاده هم نیست . بدین معنی که آب رودخانه کرج ۲۰ هزار هکتار زمین کشاورزی را آبیاری می کند بدین ترتیب که چون کانال شماره ۱۰۳ نمی توان ساخت کانال شماره ۱۰۱ را می سازیم و آب را به شبکه های آبیاری قدیمی منتقل می کنیم و آب آن در ده مصرف می شود ، حداعلای استفاده نیست اما بهر حال بی استفاده نخواهد ماند کما این که در اطراف کرج مثل ورامین و همین طور در گیلان از طریق کانال شماره ۱۰۱ آب به شبکه قدیمی ۱۰۰۰ ساله می رود و از آنجا توزیع می شود روی مزارع برنج و از سوختن مزرعه برنج گیلان و مزارع دیگر جلوگیری شده و یک مقدار بهبود پیدا شده و محصول بیشتری بدست آمده است . تجربه نشان می دهد که تنها مساله آب مطرح نیست مسائل دیگری هم از جمله تخصیص مطرح است. کشاورز ایرانی باید در کارش متخصیص باشد در حالی که کشاورزان ما اصلا تخصیص ندارند این ها کشاورزی بومی مملکت را بلد هستند ما می خواهیم کشاورزی را به جای برسانیم که در هر هکتار مثلا ۵ تن چغندر قند تولید شود. در مزرعه نیشکر نمونه ، ما ۵ هزار هکتار زیر کشت نیشکر داریم و ۷۵۰ الی ۸۰۰ میلیون ریال تولید می کنیم. این نماینده ۱۶۰ هزار ریال تولید در هر هکتار است برای اینکه کشت و صنعت را مخلوط کردیم. مثلا یک نمونه گاوداری در گیلان به سرمایه سازمان برنامه در دست تهیه است . در این گاوداری علوفه تولید می شود و بصورت فرآورده قابل مصرف دام در می آید غذای خوب و مکان خوب باو می دهید خود بخود شیره و گوشت خوب می دهد . چرا باید گوسفند را برای ذبح ۳۰۰ کیلو متر حمل کنند ؟ در کنار دام داری کشاورزگاه ساخته می شود و در همان محل شیر را پاستوریزه و کره را بسته بندی می کنند و در نتیجه همه پول به جیب دامدار می رود. بطور کلی دولت در دو یا سه یا ه محل می تواند این چنین سرمایه گذاری کند باید بخش خصوصی و مردم پول دار را قانع کرد که این کار منتفع دارد . مثلا کسی که در سال ۱۵ هزار تن شیر تولید می کند علاوه بر درآمد زیادی که دارد یک فردی است که می تواند بگوید من به این مملکت خدمت گزار هستم . علاوه بر این همه کارها را که نباید برای پول انجام داد عده ای هم برای توفیق و موفقیت دست با اقداماتی می زنند و در نتیجه مردم از کشاورزی غیر علمی و متفرق در سطح کوچک کم تولید و کشاورزی صنعتی به کشاورزی پیشرفته و صنعتی آشنا می شوند.

در هر حال من از شبکه آبیاری صحبت می کردم و باید اضافه کنم که تا موقعی که ما نتوانیم

واحد های بزرگ بوجود آوریم. واحد شبکه ۱۰۳ هم نمی توانیم ایجاد کنیم. یعنی ما از طریق توزیع و حداعلای استفاده از آب رهبری شدیم به این که مشکل کار ما کجاست و چرا با زحمتی که می کشیم استفاده بیشتری نمی توانیم بکنیم. برای برطرف کردن مشکل دنیا را گشتیم که به بینیم نمونه های آن کجا درست شده و متوجه شدیم که در کالیفرنیا و فرانسه این نوع مزارع نمونه وجود دارد سال گذشته در آلمان ده درصد از مزارع کوچک از بین رفت و جای خود را به واحدهای بزرگ داد. در این واحدهای بزرگ حداعلای مکانیزاسیون و حداعلای علوم کشاورزی پیاده می شود . این که می بینید کره دانمارکی به ایران می آید و به قیمت فوق العاده ارزان بفروش می رسد بدلیل هماهنگی بین صنعت و کشاورزی است ، تازه کارگر دانمارکی هم که این کره را تولید می کند دارای زندگی بهتر و مرفه تر از کارگر و کشاورز ایرانی است ، معهذرا قیمت کره اش نصف قیمت کره این مملکت است و وقتی به این مملکت می آید در بازار با کره ایرانی از نظر قیمت ارزان و مرغوبیت جنس رقابت می کند برای این که سیستم تولید صحیحی دارد.

در آخر برنامه سوم بکمک همکاران در سازمان برنامه و اعضای شورای عالی اقتصاد و در هیئت دولت یکدیگر را قانع کردیم که این یکی از راه های صحیح توسعه مملکت است بنابراین فصلی بنام توسعه در قطب ها در برنامه چهارم بوجود آوردیم و برایش اعتبار گذاشته شد و حالا هم عمل می کند بموازات این، دنبال سرمایه دار خارجی و داخلی و مختلط می رویم به اطلاعشان می رسانیم که ماصاحب زمین هستیم و با شرایط سهل و طویل المدت به شما اجازه می دهیم ، و آب به این قیمت به شما می فروشیم جاده و برق در اختیارتان می گذاریم. فعلا این تر را در خوزستان و بعدا در گیلان دشت مغان و هر جای دیگری که سد می سازیم ارائه می دهیم و از زمین های حاصل خیز بدون مصرف بدین گونه استفاده خواهیم کرد . زمین های بایرا هم با همکاری وزارت اصلاحات ارضی بصورت شرکت سهامی زراعی در می آوریم.

تلاش - خوب روی این زمین های بایر آیا مطالعاتی شده که راستی چه ارزشی از لحاظ بازده سرمایه کشاورزی دارد و چه چیز می توان در آن کاشت یا این که همین طور در اختیار سرمایه گذار گذاشته خواهد شد.

روحانی - قبل از این که شبکه آبیاری ساخته شود مطالعات خیلی خیلی دقیقی روی زمین از نظر خال شناسی ، نباتات مختلف و غیره انجام می گیرد. زمین شوره سنبل برنیارد در آن تخم عمل ضایع مگردان

ما در ایران ۵۰ میلیون هکتار زمین داریم که حق انتخاب ۱۰ میلیون بهترین آنرا برای کشاورزی داریم . ما بدنبال قطب های زراعتی می رویم : قطب زراعتی چنان جایی هست که برای کشاورزی و صنایع وابسته کشاورزی و احتمالا صنایع دیگر واز نظر راه ها، بازار فروش و شرایط مساعد دارد ما فعلا قطب را کشف کرده ایم و در نظر است تا آخر برنامه چهارم بقیه قطب ها را هم پیدا کنیم و مردم را سوق دهیم به این نقاط کار و فعالیت .

مثلا گیلان قطب است، افرادی که به آنجا می روند می توانند با کشاورزی زندگی خوب و مرفه داشته باشند و اگر قرار باشد ۲۷ میلیون جمعیت به گیلان برود خود گیلان هم فقیر می شود . رهبری تقسیم و برنامه ریزی این کار با سازمان برنامه است.

ما برای گیلان یک طرح جامع ۲۰ ساله داریم که اکنون حاضر است و تمام توسعه های گیلان باید مطابق این برنامه باشد و این طرز فکر و کنسپسیون در برنامه سوم بوجود آمد و مورد تصویب مقامات تصمیم گیرنده قرار گرفت و در برنامه چهارم عمل می شود و این یکی از کارهایی است که باید انجام گیرد. من توانستم در این دستگاه نقش یک راهنما را اجراء کنم یعنی رابطه بین دستگاه های طرح کننده متخصص با دولت باشم و می توانم گفته ها و طرح های مفید و قابل استفاده را به دولت بقبولانم.

تلاش - باتوجه به وسعت کار شما در آینده و با توجه به این حرکت که تصمیم به صنعتی کردن مملکت داریم و همکاری صمیمانه ای که سازمان برنامه با شما دارد آیا بودجه سال ۴۸ شما برای پیاده کردن این طرح ها چقدر بیش از بودجه سال قبل است و بطور کلی در برنامه چهارم توجه بیشتری در سرمایه گذاری وزارتخانه شما شده است ؟

روحانی - در برنامه چهارم آنچه که برای یک اقتصاد هماهنگ مقدور بوده ، کرده اند. البته توقعات مردم ، خیلی بیشتر از این چیزها است ولی آنچه که واقعا مقدور بود، حتی یک مقدار تعهداتی کرده اند که بیش از توانایشان بوده ولی بخاطر رضای من ، انجام داده اند. یعنی دستگاه برنامه ریزی اگر امکاناتش ۴۰۰ میلیارد ریال بوده آمده ۵۰۰ میلیارد ریال تعهد کرده یعنی ۱۰۰ میلیارد بیش از امکانات قابل دسترسش به امید فعالیت بیشتر ، از طریق مالیات و نفت و وام گرفتن از خارج ، دستگاه برنامه ریزی سعی کرده بی طرفانه یک اقتصاد هماهنگی را بوجود آورد تا همه دستگاه ها پای پای هم پیشرفت کنند.

در قالب آن چیزی که درست شده بی انصافی است اگر بگوییم مثلا به بخش آب کم دادند یا به بخش راه کم دادند.

دستگاه برنامه ریزی سعی کرده بی طرفانه یک اقتصاد هماهنگی را بوجود آورد و به علاوه در سطح اقتصاد جای خودپرستی نیست. آنجا جایی نیست که وزیر آب و برق تمام پولها را در کار آب مصرف کند. فرض کنید آب به حداعلای خود رسید و مدرسه ای نبود که بچه ها در آن درس بخوانند یا صنعتی نبود که بتواند برق را مصرف کند . این کار چه فایده ای دارد ؟ یا فرض کنید آب و برق و کشاورزی تمام پولها را بگیرد و بعد مواد کشاورزی فراهم شد و راه نداشتیم که مواد را به بازار مصرف برسانیم یا بندر نداشتیم که کالاها را برای آوردن پای کار تغلیه کنیم. این کار چه فایده ای خواهد داشت ؟

ولی در حدامکان و انصاف سازمان برنامه سعی کرده یک چیز هماهنگ را درست کند و طوری باشد که راه به موازات کشاورزی و صنعت و غیره پیش برود والا هر قسمت تند پیش برود لازم است قسمت دیگر کند پیش برود و آن قسمت که کند

پیش برود کار مملکت را لنگ خواهد کرد و این ضرر آن بخشی است که تند پیش می‌رود. پس چه فایده دارد که برویم پول را در آنجا حبس کنیم و از آن بهر برداری نکنیم؟

تلاش - آقای روحانی گروهی معتقدند که «ما نباید مادام که سطح کشاورزی ما به سطح جهان نرسیده و میلیون‌ها کشاورز ما وضع فرهنگ و زندگیشان خوب نشده باشد ایران نباید صنعتی بشود». و بعد همین کسان اعتقاد دارند که «طبیاع و خوی و حالات ما ایرانی‌ها اجازه نمی‌دهد که ما یک کشور صنعتی باشیم» البته باید ذکر کرد که گروهی از روشنفکر و دانشگاهی این عقیده را ندارند و عده‌ای هم که در دانشگاه‌ها رشته فنی مطالعه می‌کنند درست نقطه مقابل این اعتقاد را دارند. حال شما اول به عنوان یک فرد عادی و بعد در سمت و مقامی که دارید به این موضوع جواب بدهید.

روحانی - بنام یک ایرانی (و همیشه سعی کردم یک ایرانی باشم تا یک وزیر باشم) عرض کنم بنده اصلاً بین صنعت و کشاورزی فاصله‌ای نمی‌بینم. ما باید با توجه به یک دید طولانی خود را با تکنولوژی آینده تطبیق بدهیم. و تکنولوژی چیزی نیست جز پیاده کردن علوم در زمینه‌های علمی. ما باید دائماً در مملکت صاحب یک تکنولوژی مدرن باشیم و با این تکنولوژی که هیچ سرحدی نمی‌شناسد (نه معدن می‌شناسد و نه صنعت و نه کشاورزی) از منابع خود به حداکثری ممکن بهره‌برداری کنیم. اولاً منابع را بشناسیم: منابع ما در این مملکت تا آنجا که کشف شده مختلف است خیلی چیزها در این مملکت داریم که نسبت به آن جاهل هستیم به عنوان منبع انرژی: نفت و گاز داریم ۱۰۰ میلیارد متر مکعب آب قابل استخراج داریم ۵۰ میلیون هکتار زمین داریم، صاحب افتاب خوب و شرایط جوی متنوع هستیم. به دریا دست داریم، دارای منابع دریایی متعددی هستیم. معادن متعددی داریم، با شناخت منابع و وارد کردن تکنولوژی در مملکت و بومی کردن آن بطور مثال تبدیل کردن پنبه‌دانه به روغن اعلاء بطوری که قابل فروش در بازار باشد، یا کندن یک چاه نفت و یا تبدیل مواد پتروشیمی به کود شیمیایی. می‌خواهیم بدانیم تهیه کود شیمیایی جزء فصل کشاورزی است یا جزء فصل صنعتی و یا جزء فصل معدنی، بدین ترتیب حد و مرزی بین این علوم نمی‌توان شناخت. با تکنولوژی، گذشت زمانی که می‌گفتند صنعت، کشاورزی، معدن. امروز دیگر خط فاصلی بین این علوم نیست.

در ۷۰ سال قبل که هیچ تکنولوژی در مملکت نبود ما نمی‌دانستیم نفت داریم، کشاورزی بزرگترین سهم را در اقتصاد مملکت داشت. امروز که نفت آمده با درآمد سالی ۱۰۰۰ میلیون دلار سهمی از کشاورزی بیشتر شده پس مایک مملکت معدنی شده‌ایم. مردم باید با آشنا شدن به تکنولوژی از منابع مختلف حداکثری بهره‌برداری را بکنند که نتیجه آن مستقیماً در رفاه زندگی آنان اثر خواهد داشت. بما بگویید وقتی که آب را از زمین استخراج می‌کنید می‌توان نامش را فعالیت معدنی گذارد یا یک فعالیت کشاورزی در هر حال

حد و مرزی برای منابع مختلف نمی‌توان قائل شد. بنابراین هیچ بحثی در این مورد نباید درگیرد و این طرز تفکر مال چند سال قبل بود و جوانان ما که نمونه یک فکر نو هستند به هیچ وجه نباید وارد چنین بحثی شوند بگذارید فقط ما پیرمردا این فکرهای قدیمی و ارتجاعی را بکنیم.

تلاش - مجموع آب مملکت چه مقدار است و چه مقدار زمین را می‌تواند آبیاری کند.

روحانی - بنظر من مجموع آب ما در حد اعلا برای کشاورزی ۱۰ میلیون هکتار زمین کافی است. بنابراین سه میلیون هکتاری که می‌تواند قطب توسعه‌ای باشد در دل آن ۱۰ میلیون هکتار قرار گرفته است که شاید بتوان ۲ میلیون هکتار دیگر هم به آن اضافه کرد این ۵ میلیون هکتار بصورت شرکت‌های سهامی زراعی درمی‌آید و ۵ میلیون هکتار هم شرکت کشت و صنعت است یعنی واحد های خیلی بزرگتر با امکانات تحقیق و نمونه و مدل برای شرکت‌های سهامی زراعی که امکانات کمتری دارند و فرض کنید چند میلیون هکتار فعلاً هم محکوم به فناست. مثلاً فکر کنید در جرقویه که دارای ۵ هکتار کشاورزی است بایک قنات که دور تا دور آن هم بیابان برهوت. این ۵ هکتار نمی‌تواند در اقتصاد مملکت یک واحد تولید کننده باشد و اصالت ندارد و چون محکوم به زوال است چه بهتر که برای افراد آن کار پیدا کنیم.

تلاش - شدید به علت تغییر جو در ایران مقداری گل ولای در سدهای ذخیره‌ای بوجود آمده و بعضی سدها که گفته می‌شد تا چندین سال دیگر پر می‌شود ممکن است خیلی زودتر پر شود. آیا این مساله حقیقت دارد اگر حقیقت دارد آیا مساله لارویی آن سدها چطور می‌شود؟

روحانی - عرض کنم که هیچ یک از سدهای ما قرار نبوده به این زودی پر شود که حالا پر شده باشد. ولی اصولاً هر چیزی در دوره طبیعت صاحب عمری است. درخت مثلاً ۵۰ سال و انسان ۷۰ سال عمر می‌کند. ضمناً جمادات هم همین حالت را دارند. یک سد صاحب عمری است و زمانی این عمر به پایان می‌رسد که به وسیله گل ولای پر شده باشد. بنابراین این سدها از نظام اجتماعی طبیعت خارج نیستند باید یک روزی از بین بروند ولی وقتی این سد از بین می‌رود یک سد دیگر در نقطه دیگری با پولی که از استهلاک سد کهنه بدست آورده‌اند می‌سازند و خود بخود تجدید بنا می‌شود. اما در عین حال برای این که جلوی این فرسایش را بگیریم و کمتر به این سدها گل بیاید لازم است که در سطح مملکت از چرانیدن دام بخصوص بز در مراتع مملکت جلوگیری کنند و این مطلبی است که وزارت منابع طبیعی بخاطر آن تشکیل شده و این وزارتخانه باید نظارت کند حتی امکان دام در مراتع چرانده نشوند و اگر چرانده می‌شوند به حد خطرناک چرانده نشوند امروز یکی از دلایلی که تاپک باران می‌آید تبدیل به گل می‌شود این است که تمام مراتع و سبزی‌های دامنه کوه‌ها و دشت‌ها بوسیله دام‌ها خورده شده است و زمین بوسیله ریشه این گیاه بهم بافته نشده است و تا بارندگی می‌شود ریزش می‌کند.

خالک یکی از ثروت‌های ما است و ۸۰۰ سال

طول می‌کشد تا یک سانتیمتر آن بوجود بیاید. بنا براین اگر مایک طبقه ۴۰ سانتیمتری خالک که حداقل خالک برای زراعت است داشته باشیم ۲۲ هزار سال طول کشیده تا درست شده است. خالک را نمی‌شود از جانی خرید و از جانی آورد بنابراین باید آنرا حفظ کرد و فلسفه تشکیل وزارت منابع طبیعی این بوده که فرسایش در مملکت به حداقل برسد و یکی از دلایل قرق‌ها همین است. سد گرج عمرش ۱۰۰ سال پیش‌بینی شده و سد فرحناز ۶۰ تا ۷۰ سال مشروط بر این که ما زمین را مورد بهره‌برداری غلط قرار ندهیم. و فرسایش زیاد پیدا نکند. این آب و گل امسال هم مسلماً هیچکدام از این سدها را پر نکرده است.

تلاش - چندی پیش پروژه کویر مهندس هومان فرزند را در تلاش مطرح کردیم و چند تن از دانشجویانی که در این رشته تخصص داشتند به ما پاسخ‌هایی دادند و چند شخصیت داخلی هم در این مورد چیزهایی به ما نوشتند، آیا این پروژه که در حال حاضر در سازمان برنامه مورد مطالعه قرار گرفته مورد تایید شما نیز هست یا خیر؟

روحانی - آقای هومان فرزند همکار ما در بنگاه آبیاری بودند و آن زمان هم که در بنگاه کار می‌کردند صاحب این نظریات جالب بودند. ما یک دریاچه کوچکی نزدیک تهران داریم بنام دریاچه شور یا کویر قم این دریاچه چه گلی بر سر کویر های اطرافش زده که دریاچه بزرگتر از آن بزنند. بنده بخاطر دارم شخصی بنام ژول ورن داستان‌هایی نوشته بود به اسم ده هزار فرسنگ زیر دریا و خیلی جالب است برای خواندن ولی فکر نمی‌کنم این پروژه اقتصادی و حتی عملی باشد.

تلاش - در زمینه استفاده از نیروی هسته‌ای چه به عنوان مرکز منبع نیرو برای تولید برق و چه برای تبدیل آب شور دریاهای ما به آب شیرین مثلاً در خلیج فارس و سواحل مازندران و گیلان چه طرح‌ها و برنامه‌هایی در سازمان شما وجود دارد؟

روحانی - برای شیرین کردن آب شور و استفاده از انرژی (نوکلئار) برنامه‌ای در جنوب ایران داریم. این مطلبی نیست که با این سهولت ببرد کار کشاورزی بخورد. و فقط مصرف شهری دارد. روی کشتی‌های بزرگ چاره‌ای ندارند جز اینکه آب شور را شیرین کنند و مصرف کنند یک کشتی بزرگ نمی‌تواند آب از بندر ببرد از این دستگاه‌ها بمقیاس بزرگ استفاده می‌شود و نرخ آب در حدود ۵۰ ریال متر مکعب است و اگر خیلی کوشش کنند می‌توانند هر متر مکعبی را با ۲۵ ریال تمام کنند. هیچ یک از این ارقام برای کار کشاورزی بدر نمی‌خورد. ولی مایک مطالعاتی در سواحل جنوب می‌کنیم و فکر می‌کنم تا ۵ الی ۷ سال دیگر، اگر یک منبع آب شیرین برای بندر عباس پیدا نکنیم، مجبور به استفاده از دستگاه‌های فوق که آب شور را شیرین می‌کنند برای بندر عباس باشیم من فکر می‌کنم در آینده خیلی دور بتوان به وسیله انرژی های نوظهور قیمت آب را ارزان تمام کرد. و تصمیم شیرین کردن آب شور برای کشاورزی بدر کشاورزی امروز دنیا نمی‌خورد. ولی یک نوع کشاورزی دیگری در دنیا مورد مطالعه است که برای مقادیر خیلی محدود این کار عملی خواهد شد و شاید به عمر بچه‌های

مابرسد. ولی ما از این مطلب غافل نیستیم ولی نمی‌خواهیم شکار فرزندانه های شیرین کردن آب شور شویم.

تلاش - از متر مکعب آب صحبت کردید این روزها صحبت از این است که حق انشعاب آب را بالا برده‌اید درحالی که قیمت برق را پایین آوردید دلیل این کار را بفرمایید.

روحانی - خدمات عمومی که از طریق این سازمان‌ها در اختیار مردم قرار می‌گیرد به این دلیل در اختیار سازمان های دولتی قرار می‌گیرد که سازمان های خصوصی روی آن منفعت نکنند و از انحصاری که ایجاد می‌شود سوءاستفاده نکنند و به اصطلاح مردم را در فشار قرار ندهند. ولی در عین حال معتقدم مردم باید هزینه این کار را عادلانه بپردازند. دلیل ندارد که مردم تهران که مرفه ترین طبقه این مملکت هستند بخرج مردم بندر عباس یا مردم زابل، که در سطح پایین‌تری از لحاظ درآمد قرار دارند، آب تصفیه شده را بقیمت ارزان تر بخورند. بنظر من می‌آید که مردم تهران باید عین هزینه هایی که برای تهیه يك متر مکعب آب دولت تحمل کند، پرداخت کنند. نه بیشتر و نه کمتر برای اینکه این دستگاه باید بقای اقتصادی داشته باشد. برای برق ملاحظه می‌شد که وقتی بخش خصوصی بود با گرفتن پنج هزار تومان و ده هزار تومان به مردم برق می‌دادند نرخ برق ۶ ریال و ده ریال بود ولی حالا در حدود سه قران و دو قران است برای مصارف خانگی. حال اگر بگویم خوب سی شاهی بپردازید ده شاهی بقیه را دولت باید تحمل کند و دولت مجبور است این يك ریال را از خزانه خود که مربوط به همه مردم ایران است بپردازد چرا مردم تهران بجای هفت قران که قیمت هر متر مکعب آب تصفیه شده است باید پنج قران بدهند و این دو قرانی را که تهرانی‌ها نمی‌دهند مثلا مردم یزد بپردازند این ظلم است ولی ما نرخ آب را بالا نبردیم و همان ۷۵ ریال است ولی هر کس در سابق خانه می‌ساخت و آب می‌خواست يك مبلقی، از قرار هر متر مربعی ۷۵ ریال، به عنوان وام می‌پرداخت. دستمزد در طول چند سال بالا رفته و این دستمزد را همین مردم می‌گیرند. این‌ها اثر می‌

گذارد روی قیمت تمام شده يك انشعاب که وارد خانه می‌شود. يك راه این بود که ما در حدود ۵۰ ریال بابت این گران شدن‌ها به هر متر مربع انشعاب اضافه کردیم. راه دیگر گرفتن پول از برنامه عمرانی بود که خود بخود باعث می‌شد مردم کاشان و یزد و قم از این پول برنامه عمرانی استفاده نکنند و این ظلم بر آن‌هاست. من خیال می‌کنم هیچ وقت دولت قصد سود جوئی ندارد. اگر دولت بخواهد سودجویی کند، مالیات می‌گیرد یعنی بلافاصله می‌گوید به قیمت هر متر مکعب آبی که مردم مصرف می‌کنند به منظور تامین خزانه مملکت ۲۰ درصد اضافه کنید که این که در شکر این کار را می‌کنند. یعنی شکر را ۱۷۵۰ ریال می‌خرند و ۲۲ ریال می‌فروشند. دو ریال برای عوارض و غیره به جیب شهرداری می‌ریزد و سه ریال آن هم مالیات است. ولی مردم باید آبی را که مصرف می‌کنند



مزارع نیشکر هفت‌تپه عمران خوزستان



کانال هوایی فو



مزارع نمونه عمران خوزستان

خرجش را بپردازند. حالا لامحاله ممکن است کسی بگوید این آب را با قیمت ارزان‌تری تهیه می‌کنید گران‌تر می‌فروشید ما بیلان سالیانه داریم بیایند نگاه کنند و ببینند ما این پول را چه کرده‌ایم آیا اصلا در بانک توانسته‌ایم پولی ذخیره کنیم؟ ممکن است بگویند شما ولخرجی می‌کنید مثلا حقوق زیاد می‌پردازید. باید بگویم ما آنقدر از نظر حقوقی در مضیقه هستیم که افراد ما می‌روند در بخش خصوصی کار می‌کنند. این بخش خصوصی است که حقوق‌ها را بالا می‌برد. فلان کارخانه به يك مهندس هشت هزار تومان حقوق می‌دهد ولی ما نمی‌توانیم سه هزار تومان هم حقوق بپردازیم اصلا کارگری که قادر نباشد شکم زن و بچه‌اش را سیر کند نمی‌تواند خدمت ارزنده‌ای برای مردم انجام دهد. باید کارمندان حقوق کافی بگیرند ولی مسلما کارگزارانش حقوق کمتری دارند و بهیچوجه تصور نمی‌کنم ولخرجی شود.

تلاش - اگر روزی قرار شود شما از بخش دولتی کناره بگیرید قبل از بازنشستی و یا در زمان بازنشستی بچه کاری می‌پردازید و چکار می‌کنید؟ روحانی - این که چه کار خواهم کرد، باید بگویم باید از تجربیاتی که بدست آورده‌ام نه برای استفاده، بلکه برای ذوق و علاقه‌ام کاری انجام خواهم داد چه بسا که کار خیر باشد و یا يك کار صنعتی اگر قدرت کار کردن داشته باشم مسلما کار خواهم کرد و اگر قدرت نداشته باشم کتاب می‌خوانم و يك مقدار در عمق کار جوانان امروز و نسل حاکمه آن روز خواهم بود که به بینم آنها چکار می‌کنند. و ناظر پیشرفت‌های دیگر آن زمان مملکت خواهم بود.

تلاش - سیاست‌گراریم.

این بود گفت‌گوئی که با آقای منصور روحانی وزیر آب و برق بعمل آمد.

جنگلهای ایران

مقدمه باید گفت که تغییر از منطقه شمال - از وسعت و انواع جنگلی سایر نقاط ایران اطلاع صحیحی در دست نیست و چون تاکنون اقدام بنقشه برداری سده مارهای موجود حبه نخمین دارد . در مورد اقسام و انواع جنگلی ایران اگر بخواهیم این طبقه بندی حبه اتولوژیک داشته باشد سه

تیپ بزرگ اتولوژیکی خواهیم داشت باینقرار :

اول - تیپ های خشك
دوم - نیمه خشك
سوم - مرطوب

تیپ های جنگلی خشك ایران که محتملا وسعتی در حدود يك میلیون هکتار را اشغال میکند در شرایط فعلی در مناطقی قرار دارند که میزان متوسط دارندگی سالیانه آنها از

۲۰۰ میلیمتر تجاوز نمیکند و باستان آن گرم و سوزان است . این تیپ بزرگ را میتوان باین ترتیب تقسیم بندی کرد :

۱ - بیابانی که شامل فحزارها و ناغستانهای کشور میشود .

محل رویش ناغستانها اسرلا خالک نرم و ربك روان است برخلاف قیجزارها که عرصه ن حاکمهای

سفت است .

گاهی قیج و تاغ آمیخته شده و تیپ خاصی بوجود میآورند که در آن شرائط ممکن در حد اعلی برای رشد تاغ وجود ندارد .

تیپ بیابان آسا جز جنبه علمی یعنی فیتوژئوگرافیک و حفظ خاک تأثیری ندارد و باید محافظت شود .

۲. تیپ گرمسیری که از آن دو سیمای متفاوت داریم :

یکی سیمای «ماندابی» یعنی در اثر مدد دریا آب عرصه را فرامی گیرد و تنها گونه آن درختچه‌یی بنام هرا است بابرگهای دائمی که این برگها برای تعلیف دام قابل استفاده است ولی این استفاده در حال حاضر تحت قاعده‌یی صورت نمیگیرد .

سیمای دیگر این تیپ سیمایی است که عرصه در معرض مد دریا نیست و درختها و درختچه‌های اصلی آن عبارتند از انواع آگاسیا (کرت - گیر - چگد) استبرق - پرخ - نازک - بیدار - لور - کهور - کنار و غیره .

تشکیل این سیمای جنگلی مربوط بوقتی است که شرائط اقلیمی مساعدتر از حال بوده و اگر در اثر چرا یا قطع بیرویه نابود شود اعاده آن امری بسیار دشوار و شاید محال و احتمالاً بصرف آبیاری امکان پذیر خواهد بود .

این سیمای جنگلی بیابان طبیعی بزرگی شبیه است که در اینجا و آنجای آن بعضاً درختان قطور کهن سالی بچشم میخورد و یا توده‌های زیبایی از کهور با کنار پیدا میشود که باید در حفظ آنها کوشید. در داخل منطقه‌یی که این سیمای اشغال میکند بعضاً گونه‌هایی یافت میشود که از بعضی جهات حائز اهمیت مخصوص است و آن گونه‌ها عبارتند از شیشم که بیشه کوچکی از آن در دره‌یی از حوزه جیرفت کشف شده و یادرتنک سرخه بادرختان دیگر بطور آمیخته وجود دارد و چوب ذیقیمی دارد و دیگری (داز) و (بوزک) نباتی از خانواده نخل در بلوچستان است که از برك آن برای سبد سازی و تهیه حصیر - پای افزار - ریسمان و غیره استفاده میشود .

ناگفته نگذاریم که در منطقه تحت اشغال تیپ خشك هرا که سطح آب زیر زمینی بالا است و همچنین در کرانه رودخانه‌ها جنگل

های وابسته بخاکی از گزیابده میروید .

بهترین نمونه جنگلهای گز ایران در محلی است بنام ته‌لاب یا تالاب در مجاورت مرز ایران و پاکستان که از درختان کمابیش عظیمی تشکیل شده است .

این بود اجمالاً آنچه که در مورد تیپهای خشك جنگلی بایستی گفته شود و حالا میپردازیم بتشریح تیپ نیمه خشك .

این تیپ منطقه‌ای را اشغال میکند که در شرائط کنونی ۲۰۰ تا ۴۰۰ میلیمتر بارندگی سالیانه دارد. محل رویش این تیپ معمولاً باستانی گرم و زمستانی سرد دارد. وسعت این تیپ شاید به ۳۰۰ میلیون هکتار برسد .

در داخله این تیپ پنج تیپ اصلی وعده زیادی تیپ‌های بینابین وجود دارد بدینقرار :

- تیپ ارس
- « زربین
- « سور
- « پسته
- « بادام

تیپ ارس معمولاً اراضی آهکی خشك را اشغال میکند. در بعضی نقاط هنوز پایه‌هایی از ارس دیده میشود که متجاوز از یکمتر قطر و بیش از ۲۵ متر بلندی دارند اما باید گفت که رویهمرفته این جنگلها بسختی آسیب دیده‌اند .

نوع اصلی این تیپ ارس است که درختچه‌ها و بوته‌هایی از قبیل کبک - کرک - ارژن - داغداغان سیاه‌ولیک - نوعی زبان گنجشک و غیره بآن میآمیزد .

تیپ زربین محدودی دارد و زربین که درخت اصلی است انواعی از قبیل داغداغان کرب - کرک - زرشك - دغدك - سیاه‌تلو و غیره مخلوط میشود. تیپ زربین علاوه بر قطع بیرویه دستخوش حریق شده و عرصه آن در بعضی نقاط بسیار سست است. این تیپ باید بصورت پارک ملی درآید .

تیپ سور یا توش سطح بسیار کوچکی را در قلمه‌های آبادگران اشغال میکند. گونه اصلی این تیپ سور است که در چین هم یافت میشود و در ایران حداکثر بقطر ۷۰ سانتیمتر دیده شده و در اثر حریق و قطع بیرویه شدت آسیب دیده که باید قرق و احیاء شود .

برخی از گیاه شناسان در بومی بودن این تیپ تردید دارند.

در داخل این تیپ علاوه بر سور بعضاً مازو - ارژن - کرک - سیاه‌تلو - آزاد و غیره دیده میشود پسته و بادام در ترکیب جنگلهای بلوط غرب و همچنین در تیپ ارس بصورت پراکنده وارد میشود ولی خود آنها دو جامعه اصلی مستقل متفاوت و تعدادی جوامع فرعی بینابین دارند یکی از جوامع بینابین آنها جامعه‌ایست در کوه‌های سیرجان که نوعی از زیتون وحشی در ترکیب آن وارد میشود این زیتون که سابقاً تصور میشد بالاتر از مدار مسقط وجود نداشته باشد جدیداً کشف و موجب تعجب «بتانیست» ها شده است .

تیپ‌های پسته و بادام با پیوند ، قابل احیاء و اصلاحند و این باغ بزرگ طبیعی خدا را که میوه‌های کوچک نامرغوبی میدهد میتوان در اثر پیوند بصورت مولد درآمدی درآورد که در قسمتی از آنهم از قبیل جنگلهای «خواجه - کلات» و جبال بارز این کار شده است .

در منطقه تحت اشغال تیپ نیمه خشك هم مثل تیپ خشك جنگلهای وابسته بخاکی از نوع گر یابده وجود دارد .

سومین تیپ بزرگ جنگلی ایران تیپ مرطوب است که در سه حوزه غرب - ارسباران - و شمال ایران وجود دارد. میزان بارندگی متوسط سالانه رویشگاه این تیپ بزرگ معمولاً بیش از چهار صد میلیمتر است و در برخی از نقاط آن در شمال ایران به ۲۰۰۰ میلیمتر و حتی بیشتر هم میرسد .

وسعت جنگلهای غرب ایران را در کتابهای قدیمی ده میلیون هکتار قید کرده‌اند ولی محققان در اثر قطع بیرویه در سطح این جنگلها کاهش قابل ملاحظه‌یی بمرور پیدا شده و شاید این وسعت در حال حاضر به نصف این رقم رسیده باشد .

این جنگلها اصولاً تنک و درخت های آن کوتاه و کم رشد و اصولاً از چند گونه بلوط که در سایر نقاط کشور از آن گونه‌ها دیده نمیشود تشکیل شده و از همین جهت این جنگلها را بنام جنگلهای بلوط غرب نامگذاری کرده‌اند .

البته علاوه بر درختان اصلی یعنی انواع بلوط گونه‌های دیگری از قبیل کبک - بادام داغداغان - ارغوان - زبان گنجشک - پسته -

ولیک - زیتون - چنار و بعضاً ارس میآمیزد از عرصه جنگل و همچنین شاخه‌های درخت برای تعلیف دام استفاده میشود . این جنگلها را باید حفظ و اصلاح و احیاء کرد .

جنگلهای ارسباران محتملاً وسعتی در حدود ۲۰۰-۳۰۰ هزار هکتار دارد و عناصر متشکله جنگل بیشتر بصورت شاخه زاد است یعنی پس از قطع درختان اصلی جستهای روئیده که آنجستها جنگل بازرسه فعلی را بوجود آورده است .

دو گونه از انواع بلوطی که در جنگلهای کرانه دریای خزر وجود دارد و همچنین مرز ولور که در جنگلهای شمال ایران کما بیش فراوان است عناصر مهم جنگلهای ارسباران را تشکیل میدهند که بآنها چند گونه افراشوشك - ذغال اخته - فندق و غیره مخلوط میشود .

جنگلهای ارسباران را اصولاً باید مورد حمایت قرار داد و احیاء کرد . البته ضمن احیاء شاید مقداری از درختان را بتوان برداشت که جزئی از حوالج محلی را تامین خواهد کرد .

تیپ سوم :

حالا میرسیم به تیپ سوم یعنی جنگلهای کرانه خزر که بهترین و مهمترین جنگلهای ایران است . این جنگلها از آستارا تا گلیداغی ادامه دارد و طبق مطالعات اخیر وسعت آن در حدود ۲۰۰۰۰۰ هکتار برآورد شده است .

از این وسعت در حدود ۳۹ درصد آن یعنی در حدود ۷۸۰۰۰۰ هکتار جنگل با اصطلاح تجارتی است یعنی با احداث راه میتوان بصورت اقتصادی از آنها بهره برداری کرد. و حجم درختان از ۱۲ سانتی متر قطر ببالا در این جنگلها در حدود ۲۸۵۰۰۰۰ مترمکعب است که بطور متوسط ۲۲۰ مترمکعب در هکتار میشود . اما در این دسته جنگلهایی هم وجود دارد که حجم درختان از ۱۲ سانتی متر ببالا آن مورد بهره برداری یعنی استحصال چوب و هیزم واقع نشده و از این نظر میتوان کمابیش بآنها عنوان جنگل بکرا اطلاق کرد .

این جنگلها رویهمرفته مشخصات مهم مخصوص بخود دارند که به مورد آن در این جا اشاره میکنیم : اول - این جنگلها در قسمت دست نخورده يك قیافه خاص

وحشی دارند درختان بهم چسبیده و یاد درختان خیلی نزدیک بهم که نشانه عدم اجرای عملیات پرورشی در آنها است و این جنگلها رو بهم رفته بسیار فراوان است .

دوم - بسیاری از درختان جنگلی دارای گورچه هایی هستند که سیمای درختان نواحی حاره را بخاطر می آورد .

سوم - درختان فرتوت در این جنگلها فراوان است و این درختان فرتوت هم از نظر بلندی و هم از حیث قطر اندازه های حیرت آوری دارند چنانکه سرخدار - بلندمازو - راش اوجا به ۴۰ متر و توسکایلاقی به ۵۰ متر و شمشاد به ۲۰ متر میرسد .

از نظر قطر بلندمازو - شاه بلوط - نمدار به ۲۰۰ سانتی متر - سرخدار به ۱۸۰ سانتی متر - سفید پلت به ۱۷۵ سانتی متر - افرا به ۱۷۰ سانتی متر - اوجا و آزاد به ۱۶۰ سانتی متر و راش و توسکای یلاقی به ۱۵۰ سانتی متر و ملج به ۱۰۰ و شمشاد به ۵۰ سانتی متر میرسد .

در این جنگلها جوامع مختلفی وجود دارد که مهمترین آنها یعنی تیپ بلوط - تیپ سرخدار - تیپ شمشاد - تیپ آمیخته توسکا - لرك - کلهو - تیپ آمیخته نارون افرا - تیپ آمیخته مرز - آسوندار اشاره میکنم که برای بیان خصوصیات علمی هر کدام باید ساعتها صرف وقت کرد . با اینهمه بی مناسبت نیست که با اهمیت برخی از این تیپها اشاره ای بشود :

اول تیپ سرخدار : سرخدار در اروپا در قرون وسطی برای تهیه کمان باندازه بسیاری زیادی بقطع رسیده و در نتیجه نسل آن بر افتاده است .

دربعضی از جنگلهای شمال سرخدار بصورت پراکنده وجود دارد ولی در برخی از جنگلهای راش وجود سرخدار از نظر تعداد و ابعاد در ترکیب جنگل اهمیت بیشتری پیدا میکند و بعضا جنگل آمیخته راش - سرخدار بوجود می آید که نمونه آن جنگل گز در زیر آب است .

در حوزة علی آباد گرگان جنگل های کوچک تقریبا خالصی از سرخدار وجود دارد که صرف نظر از ارزش چوبی اهمیت علمی بخصوص دارند .

تیپ دیگر تیپ شمشاد است که تقریبا میتوان گفت در دنیا کم

نظیر است . درخت شمشاد در ایران تا ۲۰ متر بلندی و ۵۰ سانتی متر قطر مشاهده شده و در گذشته از آن در خراطی و تهیه افزارهای کوچک دستی بشدت بهره برداری شده و ضرورت دارد که بیشه های شمشاد در آینده چه از جهات زیبایی و زیباشناسی و چه از نظر علمی مورد حمایت قرار گیرد .

اکنون بطور اجمال و سریع مصارف اصلی انواع چوبهای مهم شمال ایران را ذکر میکنم :

چوب راش : در نجاری و تهیه تراورس راه آهن مصرف دارد و چوبهای کم قطر حاصله از پرورش جنگل را میتوان در آینده بمصرف کاغذسازی رسانید .

چوب بلندمازو : برای تهیه تخته لت برای پوشش خانه های روستائی و تراورس راه آهن مصرف دارد .

چوب آزاد : مصارف نجاری و مبیل سازی دارد .

چوب گردو : در تهیه روکش و مبیل سازی قابلیت مصرف دارد .

چوب افرا : برای تهیه روکش - نجاری و مبیل سازی میتوان مصرف کرد .

چوب سرخدار : بکار مبیل سازی و تهیه آلات زینتی می خورد .

چوب ملج و اوجا : در مبیل سازی نجاری مصرف دارد .

چوب مرز : در کاغذ سازی و تهیه تراورس مصرف دارد .

چوب زبان گنجشک : برای مبیل سازی و نجاری و تهیه ادوات ورزشی مصرف دارد .

بهره برداری از جنگلهای شمال مراحل تکاملی را طی کرده و بطور خلاصه از صورت «به گزینی» یعنی انتخاب و قطع بی حساب و قاعده گونه های مطلوب و پر بها که منجر بسوق جنگل بانحطاط بوده از سال ۱۳۳۵ متدرجا بر اساس طرحهای جنگلداری که هنوز البته بدرجه کمال نرسیده صورت میگیرد .

در حال حاضر جنگلهایی بوسعت ۱۶۵۰۰۰ هکتار که در حدود ۱۲ درصد مساحت جنگلهای تجاری است تحت اجرای طرح های جنگلداری پرورش دانه زاد است .

مساحت جنگلهای تحت اجرای طرحهای جنگلداری دانه و شاخه زاد در حدود ۵۰۰۰۰ هکتار

میشود و جمع این دو رقم باضافه مساحت جنگلهایی که با تنظیم طرح برای آموزش و نمایش با تامین کسر برداشت طرحهای در دست اجرا تخصیص داده شده حتی به ۲۰ درصد مساحت جنگلهای تجاری نمیرسد .

عدم بهره برداری از جنگلها معایبی دارد باین شرح

۱- از درآمد بالقوه جنگلها که با استحصال چوب قابل تحصیل است محروم میمانیم .

۲- تجدید حیات و تجدید نسل جنگلها که مستلزم قطع درخت و غرس نهالهای جوان به جای درختان سالمند است تحقق پیدا نمی کند .

۳- چون درختان هرچه مسن تر میشوند رشد آنها کمتر میشود تا زمانی که متوقف میگردد این قبیل درختان که سرمایه قابل تسعیر بپول هستند در واقع تولید بهره نمیکند و سرمایه را کد میمانند و انگهی تعدادی از آنها در جنگل می پوسند و کانون بروز امراض و آفات و خسارات دیگر میشوند .

دو عامل مهم مانع توسعه و بهره برداری جنگلها شده است :

یکی فقدان سرمایه بخصوص در مورد طرحهای بزرگ

دیگری فقدان بازار

اصولا اجرای طرحهای جنگلداری بخصوص از نظر راهسازی متضمن سرمایه گذاری کمابیش هنگفتی است و البته هر قدر طرحی بزرگتر باشد طبیعا این سرمایه گذاری سنگینتر خواهد بود .

به فرض آنکه مشکل سرمایه گذاری در بین نباشد و بتوانیم از تمامت جنگلهای تجاری خود بهره برداری کنیم بر اساس برداشتی معادل ۲ متر مکعب در سال و در هکتار سالانه ۲۶۰۰۰ و ۲۷۰۰۰ متر مکعب درخت و یا ۳۰۰۰۰ و ۳۱۰۰۰ متر مکعب انواع چوب بدست می آید که فعلا همه آن قابل مصرف در داخله نیست . باین ترتیب تصور میکنم که بازاریابی برای چوب و مصنوعات چوبی مهمتر از سرمایه گذاری باشد .

بازاریابی در داخله مواجه با مشکلاتی است و اهم این مشکلات یکی گرانی کرایه حمل است که رسانیدن چوب را بنقاط دور دست خیلی مشکل میکند و دیگری نا مرغوبی چوبهاست که ناشی از خشک نکردن و عدم آغشتگی چوبها

است .

پس یکی از شروط اصلی توسعه بازار های داخلی چوب بهبود کیفیت چوب با خشک کردن و آغشتگی آنها است که خود مستلزم استقرار صنایع خاصی است .

در مورد بازار های خارجی باید گفت که جز چوبهای پربها از قبیل اوجا - ملج و گردو و افرا که از لحاظ امکان بهره برداری تابع محدودیتهایی است سایر چوبها در حال حاضر خریدار چندانی ندارد و صدور آنها صرفه اقتصادی ندارد ، جز بکشور هایی از قبیل افغانستان - پاکستان غربی - عراق - اردن و نظایر آنها .

بهر صورت مساله بازاریابی بکنار - در مورد توسعه بهره برداری از جنگلها ما باید يك برنامه مبتنی بر سه اصل را رعایت کنیم :

۱- اصلاح وضع موجود یعنی رفع نقص از طرحهای در دست اجرا پس از رسیدگی از جنبه های مختلف و سعی در رفع مشکلات فعلی .

۲- تهیه و اجرای چند طرح بزرگ جامع یعنی مبتنی بر راهسازی و ایجاد کلیه صنایع مناسب وابسته بجنگل بنحوی که از آن حداکثر استفاده بعمل آید .

در مورد تاسیس صنایع چوب هم باید در درجه اول باتدبسته از صنایع توجه کرد که موجود نیست و در صورت وجود باید تا جایی در مورد توسعه آنها پیش رفت که فرآورده های آنها نافروخته نماند و یا اگر هم بفروش میرسد سرمایه گذاری در آن راه بهره معقولی بدهد .

۳- يك برنامه طویل المده برای ایجاد شبکه راههای جنگلی تنظیم و متدرجا با توجه باستطاعت مالی دولت اجرا شود تا بتوان با استفاده از این راهها عملیات حفاظتی را بهتر و سریعتر انجام داد ، درختان افتاده را بموقع ویش از پوسیدگی جمع آوری و با هزینه کمتری خارج کرد و در جنگلها يك سلسله عملیات اصلاحی و پرورشی ولو ابتدائی انجام داد . فقط متعاقب راهسازی است که باید میتوان اقدام بتهیه طرحهای جدید جنگلداری کرد و البته اجرای این طرحها هم دو شرط دارد یکی وجود بازار و دیگری تلفیق آن با صنایع چوب .

از : م.ج. جزیره ای

سازمان امور اداری و استخدامی کشور باید بانجام

وظایف ستادی و راینی

در

سطح مملکتی اکتفانماید

تعیین میزان فوق العاده و پاداش و غیره ، که به
کارمندان وزارتخانه ها و سازمان های دولتی
در حدود قوانین و مقررات موضوعه پرداخت می شود
و مسائل و مطالب دیگر از این قبیل

بھیچوجه

کار سازمان امور اداری و استخدامی کشور نیست .

گرفت. مسائل اداری و استخدامی
که در گذشته باستانت تجارب
فردی و خصوصی قابل حل تلقی
میشد تابع فرمولهای علمی شد و
نحوه برخورد با آنها يك باره تغییر
کرد. در تصویب مقررات جدید
استخدام کشوری از اصول علمی
ویافته های بشر در این زمینه
تا آنجا که در شرایط و اوضاع
واحوال خاص کشور ما قابلیت
اجرائی داشته باشد استفاده شده
است.

بدیهی است واقعیات سازمان
های عمومی ، مقررات پر پیچ و
خم و گاه غیر اصولی و حتی ضد
ونقیض گذشته محدودیتهائی بوجود
آورده که مقررات جدید نمیتوانست
فارغ از آنها بتصویب برسد .
قوانین مختلف برای گروههای
مختلف حقوق و امتیازاتی پدید
آورده بود که توجه بدانها نه تنها
از این لحاظ که باصلاح بحقوق
مکتسبه افراد لطمه وارد نیابد بلکه
برعایت مصالح عمومی و بالا بردن
سطح اعتماد و اعتماد همگانی بدست
دولت ضرورت داشت . باین ترتیب
میباستی مقررات جدید از يك
سو اصول جدید علمی را مد نظر
قرار دهد و از سوی دیگر بنحوی
تهیه و تنظیم گردد که ملاحظات
مذکور تا جایی که میسر باشد و
ثالی فاسد پیدا نکند رعایت شود.
تا آنجا که بدون هیچگونه تعصب
یا نظر خاص میتوان قضاوت کرد
مقررات جدید استخدام کشوری
در حدود امکان بصورتی جامع
بتصویب رسید. بدون شك کاری
چنین عظیم با جهات و جنبه های
مختلف آن نمیتوانست خالی از
عیب و نقص باشد بهمین دلیل
قرار شد که بطور آزمایشی بمرحله
اجرا گذارده شود و اصلاحاتی که
ضرورت داشته باشد پس از تصویب
کمیسیونهای استخدام مجلسین در
آن بعمل آید و سپس طرح کامل
برای تصویب نهائی بمجلسین داده
شود. از تاریخ تصویب این مقررات
تاکنون نیز اصلاحاتی از طرف دولت
پیشنهاد شده و بتصویب کمیسیون
های مربوط مجلسین رسیده است
در آینده نیز بالطبع اصلاحات

تصویب مقررات جدید استخدام
کشوری از کارهای مثبت و موثر
دوره بیست و یکم مجلس شورای
ملی و دوره چهارم قانونگذاری سنا
بشمار است. در اهمیت موضوع
همین بس که یادآوری شود حدود
چهل سال دم از مقررات جدید
استخدام کشوری زده شد هیئتهای
بسیار و دولتهای مختلف طی سالیان
متمادی به تدوین مقررات جدیدی
که جوابگوی نیازهای تازه سازمان
های عمومی کشور باشد پرداختند.
طرحهای متعدد تنظیم شد. پاره ای
از این طرحها مراحل نهائی را در
دولتهای وقت پیموده و برای
تصویب بقوه مقننه تقدیم شد و
قوه مقننه نیز در دوره های مختلف
در این راه بذل مساعی نمود ولی
هیچیک از این مطالعات و طرحها
و کوششها به نتیجه نرسید . هر
تلاشی که بعمل می آمد در مرحله ای
از کاربطل و جهات مختلف عقیم
میمانند و بناچار از آن انصراف
حاصل میشد و بدنبال طرح دیگری
میرفتند . علت اساسی پیچیدگی
و وسعت موضوع و اهمیت فوق -
العاده آن بود . در غیر اینصورت
این همه مطالعه و بررسی و این
همه صرف وقت و تلاش لازم نبود.
لذا با آنکه مسئله بظاهر ساده
مینماید آتقدرها هم که گاهی تصور
میشود ساده نیست . موضوع
شایان توجه دیگر اینکه در خلال
چهل سالی که بحث تهیه و تنظیم
مقررات جدید استخدام کشوری
در مملکت ما مطرح بود در رشته
اداره امور عمومی پیشرفتهای
فراوانی نصیب بشر شد و بعنوان
يك مبحث علمی بدانگاهها راه
یافت و در ردیف سایر علوم و فنون
مورد بحث و مطالعه و تدریس قرار

دیگری در آن بعمل خواهد آمد و جای هیچگونه نگرانی نیست. اما مسئله شایان توجه اینکه همه اذعان دارند که موضوع مقررات استخدام کشوری مسئله مهم و بفرنجی است همه نیز میدانند که این رشته يك رشته علمی است معهلاً هرکارمند ساده دولت و هر فردی که سواد خواندن و نوشتن داشته باشد انتظار دارد که بمحض مطالعه این مقررات باسانی از آن سر در بیاورد و اگر کسی بسادگی نتواند اطلاع دقیق از آن پیدا کند این بی اطلاعی را دلیل نقص قانون میبندارد و حال آنکه این طرز تفکر درست نیست. بصیرت و آگاهی نسبت بموازین مقرراتی که از دید علمی تنظیم یافته و از اصول صحیح استخدامی پیروی میکند زمینه فکری و آمادگی قبلی ذهنی می- خواهد. اگر کسی با علم و اطلاع از اصول صحیح استخدامی و نظام جدید سازمانی نتواند از مفاد این مقررات سر در بیاورد آنوقت موضوع در خور تمسق خواهد بود. اما هر فرد ذی علاقه و هر کارمند دولت که سواد خواندن و نوشتن داشته باشد بصرف اینکه این مقررات باو هم ارتباط پیدا می- کند نمیتواند و نباید توقع درك كامل آنرا داشته باشد. نه تنها سواد خواندن و نوشتن کافی نیست بلکه افرادی هم که دارای تحصیلات عالی در سایر رشته ها هستند نمیتوانند انتظار داشته باشند که با یکبار مطالعه این مقررات از كم و کیف آن اطلاع دقیق بدست آورند و همانگونه که اشاره شد این رشته خود رشته خاصی است و اگر کسی علاقمند بدرك صحیح اصول و موازین آن باشد ناچار باید رنج تحصیل این رشته را نیز بخود هموار سازد.

نگارنده بدون اینکه تحت تاثیر این واقعیت باشد که در تدوین و تصویب مقررات جدید استخدام کشوری وظیفه اساسی بمعهده داشته است معتقد است که تصویب این مقررات پس از سالها بحث و انتظار گام بلندی در راه استقرار اصول صحیح استخدامی

در کشور و سامان بخشیدن بدستگاه عمومی مملکت بود. اجرای صحیح این مقررات و کوشش منظم و پیگیر و خالی از تعصب در انجام هرگونه اصلاح در این مقررات که ماهیت خدمات عمومی و برنامه های توسعه اقتصادی کشور ایجاب نماید گوشه ای از اقداماتی است که در اجرای اصل انقلاب اداری ضرورت دارد و یقین است که همه سازمانها و مقامات مسئول کشور باین وظیفه مهم توجه خاص دارند. در این زمینه وظیفه سازمان امور اداری و استخدامی کشور بمراتب سنگینتر است. سازمان امور اداری و استخدامی کشور برای اینکه توفیق خدمت کامل در این راه بدست آورد باید بکار و وظیفه اصلی خود بیشتر توجه نماید. سازمان مزبور يك واحد ستادی و ریزنی است و باید فعالیتهای خود را در این چارچوب تنظیم کند. هراندازه مقدور باشد سازمان امور اداری و استخدامی کشوری (و بهمین نهج در سایر امور و مسائل) وظیفه سازمان امور اداری و استخدامی کشور ایجاد هم آهنگی در فعالیتهای وزارتخانه ها و سازمان های مستقل دولتی، تهیه و تنظیم آئین نامه های اجرایی، نظارت بر اجرای صحیح مقررات و نظایر اینگونه فعالیتهای است. دخالت این سازمان در امور و مسائل اجرایی و طرز کار سازمانها نه تنها صحیح نیست و نه تنها با اصل مسئولیت وزراء در امور مربوط بوزارتخانه های مورد تصدی مبادرت دارد بلکه برخلاف اصول صحیح اداره امور عمومی بوده معایب آن بصورت های مختلف دامگیر همه دستگاهها خواهد شد. وجود چنین سازمانی بدون شك باتوجه با اصول علمی و بحث های فراوانی که در این زمینه بعمل آمده است کمال ضرورت را دارد و سالها پیش میبایستی چنین تشکیلاتی بوجود میآمد. نداشتن يك سازمان مرکزی خدمات کشوری ضرر های فراوان باین مملکت وارد کرده است ولی سازمانی هم که از مسیر صحیح و اصولی خود منحرف گردد ضررش

کمتر از آن نخواهد بود. راه بحدی روشن و رویه با توجه به یافته های بشر و تجارب تلخ و شیرین داخلی و خارجی آنچنان معلوم است که حاجت به بحث ندارد. استخدام افراد برای وزارتخانه ها و سازمان های مختلف مملکتی، انتخاب و اعزام کارمندان دولت برای استفاده از بورسهای مختلف در کشور های خارجی، تعیین میزان فوق العاده و پاداش و غیره که به کارمندان وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی در حدود قوانین و مقررات موضوعه پرداخت میشود و مسائل و مطالب دیگر از این قبیل بهیچوجه کار سازمان امور اداری و استخدامی کشور نیست و باید از پرداختن باینگونه مسائل مطلقاً خودداری نماید. بطور کلی همانگونه که اشاره شد سازمان امور اداری و استخدامی کشور باید بانجام وظائف ستادی و ریزنی در سطح مملکتی اکتفا نماید که خود باندازه کافی مهم و حائز اهمیت است و از اقدام باعمال اجرایی و وارد شدن در حل و فصل مسائل جاری و روزمره وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی خودداری کند، مگر در موارد بسیار نادری که ماهیت فعالیت و یا استفاده از متخصص و کارشناس و یا صرفه جوئی اساسی در دستگاه دولت، دخالت سازمان امور اداری و استخدامی کشور را در امر اجرایی ایجاب کند که در اینصورت باید این کار با اکراه و برای مدتی کوتاه توسط سازمان مزبور انجام پذیرد و بمحض آماده شدن شرایط از انجام آن سرباز زده اجرای اینگونه فعالیتهای را بوزارتخانه ها و سازمانهای مربوط باز گرداند.

موضوع شایان توجه دیگر اینکه در رشته های علمی تجربه اساس کار است. همه میدانیم که علم بر تجربه استوار است و اصول و قواعد علمی ناشی از تجربه میباشد. در عین حال که تجارب فردی و خصوصی لامحاله علم نیست و ارزش علمی بمعنی وسیع کلمه ندارد، معهلاً در تنظیم مقررات و بویژه آئین نامه های اجرایی باید از وجود افرادی که عملاً در این

رشته کار کرده و تجربه اندوخته اند استفاده کرد لذا خیلی بمورد خواهد بود اگر سازمان امور اداری و استخدامی کشور در تهیه و تدوین آئین نامه های مختلف اجرایی مقررات جدید استخدام کشوری و تنظیم هرگونه ضابطه یا معیاری که قصد استفاده از آن در وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی باشد از وجود مدیران کل یا روسای کارگزینی وزارتخانه ها استفاده کند و پیش از تصویب و ابلاغ این آئین نامه ها و موازین عمل نظر افراد مزبور را در جلسه مشورتی استفسار کند و با امعان نظر در مسائلی که این افراد باعتبار تجارب شخصی در دستگاههای مختلف مطرح خواهند کرد آئین نامه ها را مورد بررسی نهائی قرار دهد و پس از اصلاحاتی که در آنها لازم بنظر برسد برای اجرا ابلاغ نماید. این رویه و تشکیل چنین جلسه مشورتی بنام شورای رؤسای کارگزینی یا هر عنوان دیگر سبب خواهد شد که اولاً آئین نامه ها با توجه باحتمالات دستگاهها تنظیم شود. ثانیاً مشکلات عملی قبلاً پیش بینی و چاره جوئی شود. ثالثاً ارتباط مستقیمی بین سازمان امور اداری و استخدامی کشور و کسانی که در وزارتخانه ها در حقیقت بازوان سازمان مزبور هستند بوجود آید. گذشت از اینها افراد مزبور نیز در نتیجه شرکت در جلسه یا شورای مورد بحث اطلاعات بیشتری در زمینه اداره امور استخدامی بدست آورده و با طرز تفکر سازمان مرکزی استخدام کشوری و اصول کلی کار آشنائی بیشتر پیدا میکنند و بجای نغمه های مخالفی که گاهگاه شنیده میشود عواملی مومن و معتقد با اصول و موازین استخدامی در دستگاهها آماده قبول و اجرای نظرات اصولی سازمان امور اداری و استخدامی کشور خواهند بود.

از: فریدون معتمد وزیری «درفنون اداری»

نگاه‌ها

از : بهروز صبا

بهار آن سال زودتر از همیشه گرم شده بود و روزهای بلند آفتاب را زودتر به داخل اطاق پرویز میتاباند. آن روز صبح وقتی او نسیم خنک بامداد را همراه با نور طلایی خورشید روی صورتش احساس کرد نشاط بی‌سابقه‌ای در وجودش یافت. روی میز کنار تختش کتاب نیم بسته‌ای که دیشب قبل از به خواب رفتن، داستانی از آن را خوانده بود دیده می‌شد. داستان «سپهر دبستانی» نوشته «رسول پرویزی» موقع خواندن داستان قسمتی از آن روی او اثر زیاد گذارده بود. اول خنده زیاد و بعد تفکر، حالا دوباره همان خط‌ها را می‌خواند: «محصل دوره ادبی طبعاً عاشق پیشه می‌شود مثل شاگردان دوره ریاضی و طبیعی سر و کارش بالابراتوار و فورمول گیج کننده ریاضیات عالی نیست. سر و کارش باشعرو غزل و تاریخ آثار جاوید ادبی است. شعر و ادب، آن هم در زبان ما، مقدمه عشق و عاشقی است. بروید و به کلاسه‌های ادبیات سربزینید در آنجا تا بخواهید لیلی و مجنون، رمث و ژولیت و یوسف و زلیخا پیدا میشود. آخر جوانی هست، شادابی هست، نان مفت پدر هست، شعر و غزل هم هست. اگر باین مقدمات عاشق نشوند، خیلی خردند.»

پرویز هفده ساله بود، در کلاس پنجم ادبی درس می‌خواند، شعر می‌دانست، و آن بامداد بهاری را گویی برای عاشق شدن خلق کرده بودند. سحرگاهی طلایی و خنک با آسمان آبی و شبنم‌های الماس گونه که روی گل‌های سرخ با تلاء لو می‌درخشیدند. در راه مدرسه پرویز از خیابان با صفا و پر درختی عبور می‌کرد که به یکی از پر جنب‌وجاز ترین خیابان‌های شهر می‌رسید ولی به محض این که داخل آن می‌شدی جنب‌وجاز و هیاهو پشت سر می‌ماند و جای خود را به سکوت و آرامش می‌داد و صفا و سر سبزی.

هر روز صبح دختران مدرسه از جهت مخالف پرویز عبور می‌کردند. گاهی خرامی دلکش یا روی خوش نظرش را جلب می‌کرد ولی خیلی زود بی‌اعتنائی جای آن را می‌گرفت. ولی آن روز صبح با همیشه فرق داشت. پرویز باتمام وجود می‌خواست عاشق شود. آن طور که صد ها بار در کتاب خوانده بود می‌خواست قلبش بطپد، به غذا بی‌میل شود، شبها بیدار بماند و بیاد معشوقه ستاره شماری کند، آنروز بامداد مهربان بهار «دختر رؤیا های» او را در مقابلش نهاد، از دور که می‌آمد موهای طلایش که به دست نسیم داده شده بود به شیوائی می‌رقصید و قامت کشیده‌اش را به هیچ چیز مگر

همان معیار قدیمی «سرو» نمی‌شد تشبیه کرد. و چون نزدیک تر آمد پرویز چشم در چشمش دوخت.

چشمهای داغی که شیطننت کودکی را با مخموری جوانی باهم داشتند. نمره برخورد نگاه‌ها لبخندی بود که روی لب‌های دختر شکفت. آن لبخند که هیچ از آفتاب بامداد کم نداشت پرویز را تا اعماق وجودش گرم کرد و لبش را به خنده‌ای پاسخگو باز نمود. وقتی خیابان پریهاو او را در خود بلعید، پرویز به هدفش رسیده بود. او عاشق شده بود، عاشق لبخندی به گرمای خورشید.

در مدرسه کلاس‌ها مثل همیشه ادامه داشت، شاگردان از آسمان و ریسمان می‌گفتند و رنگهای تفریح پنهانی سیگار می‌کشیدند و لحن کشدار معلم فلسفه و منطق خواب آور بود. ظهر که به خانه می‌رفت، آفتاب شادی آور صبح جای خود را به لهی بی‌سوزان داده بود. از بدنه آهنین اتوبوس‌های دو طبقه آتش برمی‌خواست و در فواصل دور اسفالت پیاده‌رو مذاپ به نظر می‌آمد. پرویز به داخل خیابان پردرخت پیچید، صورتش را بالا گرفته بود و یک یک دخترانی را که از مدرسه باز می‌گشتند به دقت می‌نگریست. تا آن که دو باره همان چشمان آشنا را دید. دختر طراوت صبح را نداشت، دانه‌های ریز عرق روی پیشانی‌اش می‌درخشید و گونه‌هایش از حرارت گل انداخته بود. این بار چشمی در چشم نیفتاد و لبخندی ردوبدل نشد. هر دو به تندی از کنار هم گذشتند.

شب خنک بهار فرا رسید، پرویز دوباره به خیابان پریهاو رفت، این بار برای دیدن یک فیلم. نئون عظیمی که تمام بنای سینما را پوشانده بود، مرتب خاموش و روشن می‌شد و وزوز مداوم آن همراه بانور قرمزش نامطبوع بود.

او بلیطش را خرید و داخل شد. در سالن انتظار جمعیت عادی سینما رو دیده می‌شدند. دسته‌های مجزای پسران و دختران جوان، یکی دو خانواده و عده‌ای که مثل پرویز تنها به سینما آمده بودند، اما ناگهان چشم پرویز به یک نقطه خیره ماند. دو چشم زاغ آشنا. دختر در گوشه‌ای نشسته بود. آرامش مختصری داشت، موهایش را دلربا تر از صبح آراسته بود و پیراهن صورتی کتانش به قامت برازنده‌اش جلوه می‌داد. پهلوی او دختر کوچکی نشسته بود و بایک نگاه می‌شد تشخیص داد که این دو خواهرند.

قلب پرویز از هیجانی بی‌سابقه انباشته شده و وجودش از یک آرزو سرشار گردید: «اگر او پهلوی من بنشیند...»

درها باز شد و جمعیت داخل سالن گردید. پرویز جایش را پیدا کرد و نشست. یک زن و مرد نزدیک آمدند و نمره بلیط‌های خود را بانمره صندلی‌های پهلوی او مقایسه کردند

ورد شدند. چه؟ او پیدایش شده، دست در دست خواهر کوچکتر. لحظاتی که او به شماره بلیطش نگاه کرد و روی صندلی پهلوی پرویز نشست و خواهرش را در طرف دیگر نشاند برای پرویز از لذت و خلسه پر بود. باور نمی‌کرد که دنیا آنقدر به او مهربان است، صورتش را قدری به چپ برگرداند و چون نگاهش لحظه‌ای زود گذر بانگاه دختر برخورد کرد به سرعت چشم به پرده سفید دوخت و گونه‌هایش از شرمی بی‌دلیل داغ شد. در تمام مدت که نمایش فیلم ادامه داشت، دست‌های او روی زانوهایش بود و می‌ترسید که آرنجش را روی دسته صندلی بگذارد. فکر می‌کرد کوچکترین تماس با بدن دختر وجود او را به آتش خواهد کشید. آن شب وقتی به رختخواب رفت و چشم‌هایش را بست طرحی از یک لبخند به گرمی آفتاب در نظرش آمد و در حالی که لبش اندکی از یک تبسم شیرین گشوده شده بود، به خواب رفت.

روزها می‌گذشت، حالا دختر چشم‌زاغ و مو طلایی بصورت جزئی از زندگی پرویز درآمده بود. هر روز سه چهار بار او را در راه مدرسه می‌دید. گاهی هنگامی که به او می‌رسید قدم‌ها را آهسته می‌کرد و گاهی تند تر از پهلوی او می‌گشت. چند روز پس از این آشنائی پرویز بانگاه کردن به کتابهای درسی دختر، کلاسی را که او در آن تحصیل می‌کرد دریافته بود: پنجم ادبی.

گرمای خرداد شروع شد و روزهای داغ امتحان آغاز گردید. پرویز دیگر دختر را ندید. ساعات آمودورفتش به مدرسه نامرتب شده بود و هیجان امتحانات «عاشقی» را از یاد برده بود. آنگاه هیجان انگیز ترین روز سال تحصیلی آغاز گردید. روزی که نتیجه امتحانات آخر سال را می‌دادند. پرویز صبح زود فاصله خانه تا مدرسه را دوید و وقتی دفتردار پیر و مهربان مدرسه کارنامه قبولی را به او داد گوئی بار سنگینی از دوشش برداشته بود. از مدرسه بیرون آمد و در پیاده‌رو خیابان پریهاو به قدم زدن پرداخت.

کتاب‌های جیبی دکه روزنامه فروشی باز چشمک می‌زدند. جلو رفت و مشغول بررسی کتاب‌ها شد. در همان حال از گوشه چشم توانست خرمنی از موهای طلایی را که روی یک پیراهن کتان صورتی ریخته شده بود ببیند. سرش را از روی کتاب بلند کرد و به دختر نگریست. او هم کارنامه‌اش را در دست داشت و خوشحالی را می‌شد از صورت زیبایش خواند. نگاه آنها دوباره تلاقی کرد و مدتی که به نظر پرویز قرنی آمد به یکدیگر چشم دوختند. از نگاهشان هیچ چیز نمی‌شد فهمید. بعد دختر پول مجله‌ای را که خریده بود داد و به سرعت دور شد. در حالی که پرویز ایستاده بود و فکر می‌کرد، شاید سال بعد چشم زاغ، مو طلایی را دوباره ملاقات کند!



"پیشنهاد شده که کارمندان دولت باید با جبار از تعطیلات سالانه خود استفاده کنند"



حقایق و خرافات درباره غذاها

درس تغذیه را در برنامه دانشکده پزشکی باید گنجانید علم تغذیه در حال توسعه است

هرگاه کسی خواص خارق العاده غذائی را برای شما توصیف کرد و ادعا نمود که این غذا فلان بیماری شما را از بین می برد ، هروقت در کتب یا مطبوعات خواندید که فلان غذا اعجاز می کند ، هرموقع فروشنده ای اعلام کرد که غذا های (معجزه دار) می فروشد ، برحذر باشید و بدانید که با شخصی بی اطلاع یا خرافاتی یا دروغگو سروکار دارید.

بایستی پزشکان و مردم را مرتباً از طریق مطبوعات با کشفیات جدید آشنا ساخت .

هر روزه مطالب متضاد و مبالغه آمیزی راجع به خواص غذاها می شنویم و ادعاهای پوچ و واهی ناشی از خرافات و یا مکرو حيله دوباره اعجاز خوراها در کتب و مطبوعات می خوانیم.

صدای دکتری راز راديو می شنویم که خوردن فلان غذا را برای معالجه بیماری جگر توصیه می کند. شخصی از دکتری می پرسد که چه غذائی برای رفع درد پایش بخورد ، زیرا پسر عمویش فلان غذا خورد و درد شانه اش خوب شد . دارو سازی قرص های رنگارنگ و فروشنده ای غذاهاى عجیب و غریب برای کم شدن وزن بدن به اشخاص چاق می فروشند . شخص طاسی برای باز یافتن موهایش بدستور دکترش ویتامین ب و غذا های گوناگون می خورد. ورزشکاری برای شکست دادن رقیبش از کنگد استمداد می جوید. مرد پیری برای باز یافتن جوانی از دست رفته شکم ناتوان خود را با خوردن خوراك های کمیاب و گران پر می کند. جوانی قرص های ویتامین E و آجیل های گوناگون می خورد به امید این که بتواند در شب عروسی روسفید از آب درآید. عاشق ناامیدی برای بدست آوردن دل دختری که به عشق سوزانش توجه نمی کند ، به دختر بیچاره غذاهاى «دلربا» می خوراند . مادری که دلش پسر می خواهد دست توسل بسوی غذاهاى « پسر درست کننده» دراز می کند . جنایتکاری که وجدانش راحتش نمی گذارد، برای مبارزه با کابوس های وحشتناک که هرشب سراغش می آید بفلان غذا پناه می آورد.

مخترع این افسانه های اغراق آمیز درباره خواص غذاها را می توان به سه گروه تقسیم کرد.

۱- اشخاصی که به خرافات عقیده دارند .
۲- نویسندگانی که منظورشان خدمت به مردم است ولی چون باحقایق علمی بطور کامل آشنائی ندارند، این مطالب اغراق آمیز را بخورد مردم می دهند. آسیبی که این مطالب نیمه درست به مردم می رساند چندین برابر منافع آن است .

۳- شیادانی که برای فروختن کتاب هایشان و شارلاتان هائی که به منظور جلب مشتری به دکاں و یا مطب خود افسانه می دوزند. این گروه بی وجدان برای پر کردن جیب خود مردم را فریب می دهند و خونسشان را می مکند.

چون همگی ما روزانه حداقل سه بار باخوراك سرو کار داریم ، خیلی زود فریب این گونه حرفهای شیرین و وعده های امید بخش را می خوریم و در تله می افتیم .

هدف از نوشتن این مقاله آن است که خوانندگان عزیز با اصول علمی مربوط به تغذیه صحیح و وروش درست در پیروی از این علم جدید آشنا گردند تا بیخود انرژی و پول و وقت خود را صرف خرید کتاب های اغراق آمیز و خوراك های «معجزه دار» نکنند و در این مدت کوتاه عمر با تندرستی و اطمینان خاطر زندگی نمایند.

عقاید بی اساس

در تمام نقاط دنیا عقاید عجیبی درباره بعضی غذاها بین مردم شیوع دارد . عده ای از خوردن غذای مخصوصی خودداری می کنند. گروه دیگری از خوردن بعضی خوراها بایکدیگر اجتناب



می‌ورزند. در ایران غذاها را به دو گروه سرد و گرم تقسیم بندی کرده و این دو گروه را با همدیگر نمی‌خورند.

عده‌ای شیرو ماهی و یا شیرو ترشی را در یکجا تناول نمی‌کنند. این عقیده در کشور های عربی نیز راسخ است. بیاد می‌آورم که در بیروت وقتی از دکانداری تقاضای یک ساندویچ بایک لیوان شیر کردم ، چپ ، چپ بمن نگاه کرد و گفت که به این شرط شیرو ماهی را به من می‌دهد که خودم مسؤول هر حادثه وخیمی که برایم رخ داد بشوم. این قبیل عقاید تنها در کشور های در حال توسعه متداول نیست ، بلکه در ممالك مترقی نیز گروه بیشماری پیرو عقاید عجیب و بی‌اساس هستند. تنها در آمریکا سالیانه ده میلیون نفر در حدود نیم میلیارد دلار خرج داروها و کتب‌غذاهائی می‌کنند که برای «اعجازشان» معروفند.

گروهی معتقدند که آب سبزی انسان را قوی می‌کند ، آب هویج پوست را قشنگ می‌نماید. آب کاسنی یبوست و رماتیسم را علاج می‌کند، سیر فشار خون را پایین می‌آورد، ماهی پرهوش انسان می‌افزاید ، عسل شهوت را زیاد می‌کند و غیره... عده‌ای فقط غذاهای «طبیعی» و یا خام می‌خورند و از هر نوع غذائی که دست انسان یا ماشین در آن بکار رفته باشد ، خودداری می‌کنند. مثلا سبزی و میوه جاتی که با کمک کود شیمیائی روئیده باشد ، نمی‌خورند. بشیر پاستوریزه لب نمی‌زنند، کمپوت نمی‌خورند ، بجای شکر از نیشکر و چغندر و به جای نمک تصفیه شده از نمک دریا استفاده می‌کنند. این اشخاص چندین فرسنگ از شهر دور می‌شوند تا بجائی برسند که این نوع غذاها را با قیمت گران می‌فروشند تهیه کنند .

باید دانست که گود ، خواه طبیعی یا شیمیائی، فقط برداشت محصول را زیاد می‌کند و در ترکیب نبات اثر نمی‌گذارد. پاستوریزه کردن شیر به مواد آن (بجز به مقدار کمی ویتامین ث) لطمه نمی‌زند بلکه برعکس میکروبهای موزی را از بین می‌برد . مواد غذائی کمپوت از مواد تازه دست کمی ندارد بلکه برعکس مانع گندیدن آن می‌شود.

ویتامین‌ها

تبلیغات برای فروش قرص و آمپول ویتامین میلیون ها نفر را در سراسر جهان گمراه کرده و سالیانه میلیاردها ریال از جیب مردم خالی و به جیب داروخانه‌ها و پزشکان سرازیر می‌نماید. می‌توان تمام ویتامین های مورد نیاز بدن را از طریق خوردن غذای کامل و متنوع بدست آورد . معروف است که ادرار آمریکائی گرانبهاترین ادرار در جهان است. دلیل این امر این است که باوجودی که غذای آمریکائیا از لحاظ مواد غذائی غالبا کامل می‌باشد ، هادشان چنین است که بسیاری از آن‌ها با هر غذائی قرص ویتامین می‌خورند. چون بدنشان احتیاج بیشتری به ویتامین ندارد و چون ویتامین های «ب» و «ث» در بدن ذخیره نمی‌شوند ، از طریق ادرار دفع می‌گردد . از طرف دیگر بدن قادر است که ویتامین های «آ» و «د» را در بدن ذخیره نماید و بنابراین استعمال این در ویتامین به مقدار زیاد ایجاد مسمومیت می‌کند.

سبزی خواران

عده‌ای بملت عقاید مذهبی و اخلاقی خود از خوردن هر نوع گوشتی اجتناب ورزیده و برای این که عقیده خود را به دیگران بقبولانند ، درباره مضار گوشت و خطرات حاصله از خوردن آن ، داستان‌ها می‌گویند . غذائی که فقط از سبزیجات و میوه‌ها و برنج و روغن درست شده باشد ، غذای کامل نیست. و دارای تمام مواد مورد نیاز انسان نمی‌باشد . ویتامین «ب۱۲» فقط در پروتئین حیوانی وجود دارد. کمبود این ویتامین ایجاد کم خونی و بیماری اعصاب می‌نماید. همچنین پروتئین نباتی فاقد چند اسید و آمینه لازم برای ساختن بافت های نووترمیم نسوج فاسد می‌باشد . اگر حتما می‌خواهید از خوردن گوشت پرهیز کنید، بجای آن تخم مرغ و شیرو لبنیات بخورید زیرا پروتئین آن‌ها بخوبی پروتئین گوشت و ماهی می‌باشد.

خاک خواران

خوردن خاک در بعضی از کشورهای اروپائی و آمریکای جنوبی و آفریقائی و آسیائی در بین تعدادی از مردم شیوع دارد . گروهی باین دلیل خاک می‌خورند تا از این راه فلزات معدنی را در یابند. گروه دیگری از مزه خاک خوششان می‌آید و تنها بخاطر خوشمزگی آن به این عادت خو کرده‌اند. در تجربه بعضی مردم چندین فرسنگ راه می‌روند تا بجائی برسند که خاک «خوشمزه‌ای» وجود دارد . تازه گیها در ایران نشان داده شده است که خاک در معده و روده انسان ، روی و آهن و شاید فلزات دیگر موجود در غذا را بخودچسبانده و از بدن دفع می‌نماید و در نتیجه ایجاد کمبود این فلزات مورد نیاز بدن میکند. بنابراین خوردن خاک نه تنها به فلزاتی که به بدن می‌رسد نیفزوده بلکه از مقدار بعضی از آن‌ها می‌کاهد .

گوشت خوک

بنظر من تا آن جائی که ممکن است بایستی دانش و دیانت را از همدیگر جدا کرد و حقایق را از دریچه چشم علم نگرست . تقلید های کورکورانه از کردار پشینیان و پیروی از رفتار متعصبانه گذشتگان به صلاح مردمی که خواهان پیشرفت و تغییر هستند ، نمی‌باشد.

خوشبختانه نسل جدید کوشش می‌کنند که با مشعل دانش و منطق صحیح موضوع را تا آن جائی که می‌توانند حلاجی کرده و پیرو عقل سلیم شوند. البته دانش و دیانت همیشه در جدال نیستند و گاه گاهی همقدم در یک جاده پیش می‌روند. مثلا اسلام خوردن گوشت خوک را حرام کرده و دانش نیز مضار ناشی از استعمال این گوشت را نشان داده است. خوک حیوان خیلی کثیفی است و از خوردن هیچ مدفومی فرو گذار نمی‌کند . گوشت خوک احيانا مبتلا به کرم *Trichinella* می‌باشد . خوردن چنین گوشتی ، اگر خوب پخته نباشد کرم‌ها را در دستگاه گوارشی انسان آزاد کرده و تولید شکم درد و اسهال و استفراغ می‌نماید. این کرم‌ها بسرعت رشد کرده ، جفت گیری نموده و از هر ماده چندین هزار کرم کوچک زائیده می‌شود. کرم های کوچک مستقیما یا غیر مستقیم از طریق خون به ماهیچه‌ها نفوذ کرده و تولید درد شدید

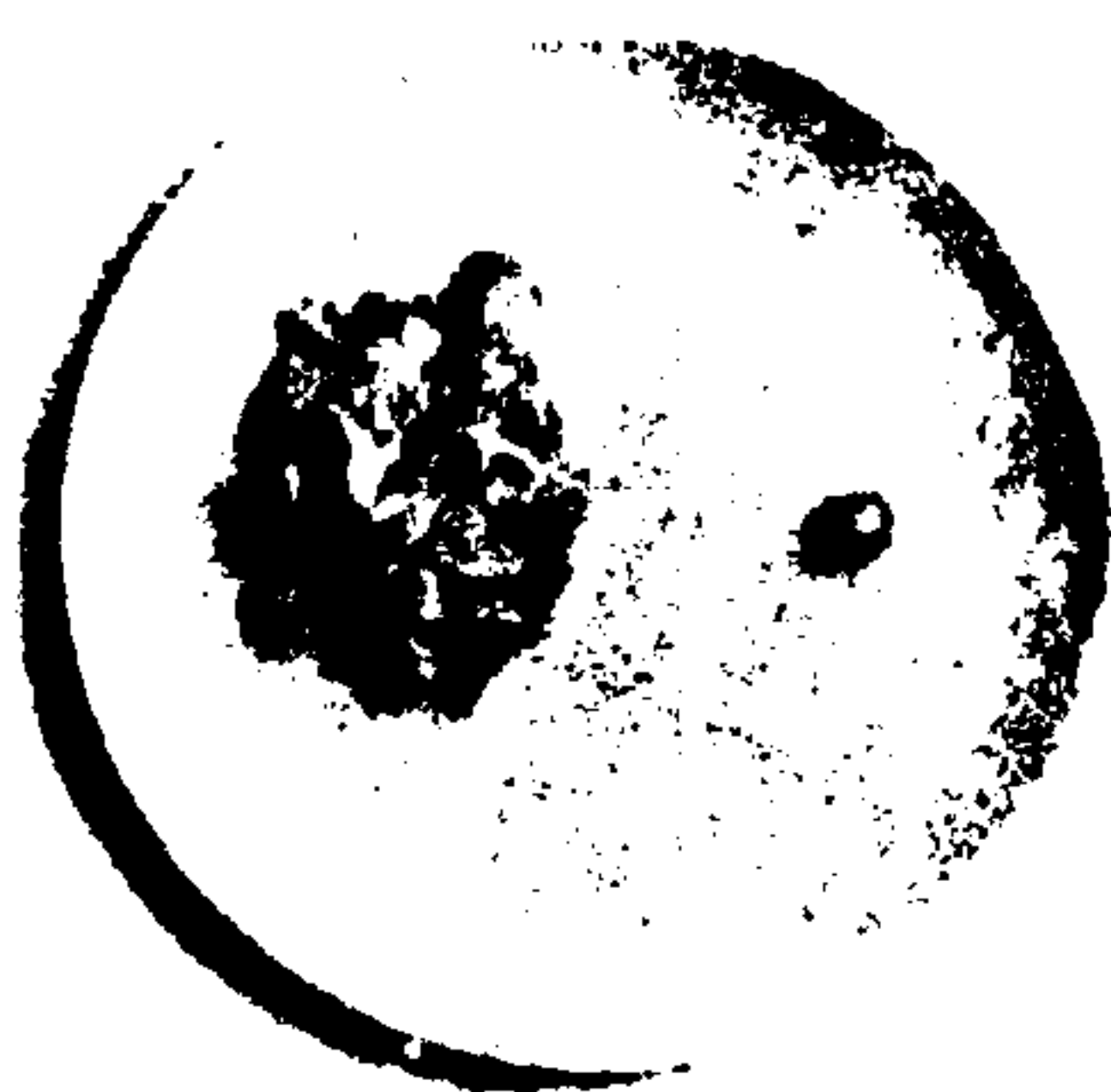
عضلات ، تنگی نفس و تب کرده و ممکن است موجب هلاک انسان شود .

چربی حیوانی

خوردن چربی حیوانی به مقدار زیاد کلسترل بدن را بالا برده ، مجاری خون را تنگ و سپس مسدود نموده و در نتیجه ایجاد بیماری تصلب شرائین و حتی سکتة قلبی می‌کند. گوشت خوک بیش از بقیه گوشت‌ها دارای چربی می‌باشد. از خوردن چربی حیوانی بکاهید و تا آن جائی که می‌توانید روغن نباتی در پختن غذاهايتان استعمال کنید.

تنوع

منظور من از تنوع در اینجا گرفتن زن های متعدد نیست ، بلکه انتخاب غذاهای گوناگون می‌باشد. برای راهنمایی مردم در انتخاب غذای روزانه خود بطوری که تمام مواد لازم را بدست آورند و برای تشویق آن‌ها در این امر حیاتی ، دانشمندان مواد غذائی را به چهار اصل تقسیم بندی کرده‌اند. درک این اصول چهارگانه برای عموم طبقات آسان است و پیروی از آن احتیاج به آشنا بودن بقواعد و اصطلاحات علمی ندارد. خوراک روزانه خود را طوری ترتیب دهید که شامل این اصول چهارگانه باشد : ۱- گوشت یا مرغ یا



ماهی ۲- میوه و سبزیجات ۳- شیر یا لبنیات ۴- برنج یا نان. احتیاج انسان به غذا هائی مانند مرغ و پنیر و پرتقال نیست ، بلکه بموادى است که در این اغذیه وجود دارد مانند : پروتئین در مرغ ، کلسیم در پنیر و ویتامین ث در پرتقال. بنابراین فرق نمی‌کند که مرغ یا گوشت یا ماهی بخورید . زیرا پروتئین در تمامشان وجود دارد و نوع پروتئین در آن‌ها یکسان است. خوردن پرتقال یا نارنگی یا لیمو یا آلبالو یا گوجه فرنگی فرق نمی‌کند زیرا از همه‌شان ویتامین «ث» بدست می‌آید.

برای جذب کلسیم ، بجای پنیر می‌توان از شیر یا ماست یا کشک یا بستنی مدد گرفت. با در نظر گرفتن مواد لازم برای بدن ، نوع غذا را مطابق سلیقه و خوشمزگی و قیمت

ره آورد

زندگی را دوست باید داشت

بهار را گرامی خواهم داشت .

گل های سرخ را

از شاخه ها نخواهم چید .

و قناری ها را

رهائی خواهم داد .

بلبلان را از قفسی

آزاد خواهم ساخت

و کودکان را با محبت

بوسه خواهم داد .

مادرم را

هدیه خواهم آورد

— خون خود را من باو خواهم داد .

و برای پدرم

از آشتی ها قصه خواهم گفت .

خواهرم را چنگ خواهم بخشید

تا نوای دوستی را برملا سازد .

و برادر ها را

با امیدی سرشار نغمه گر خواهم کرد

تا سرود زندگی را جاودان بنمایند .

بهار را گرامی خواهم داشت

و همه جا تکرار خواهم کرد :

«زندگی را دوست باید داشت .

» با آشتی پیوند باید بست .

«دشمنی را دور باید ساخت .

» زندگی را دوست باید داشت .

» زندگی را ،

«دوست باید داشت ...»

صالح عطار زاده (نغمه)

خرمشهر

کاسته میشود . پیروی از این رژیم برای اشخاصی که عادت به پرخوری کرده اند و ورزش کردن بیزار هستند اراده قوی می خواهد . بدین جهت اشخاص چاق برای این که از کم خوردن و ورزش کردن اجتناب ورزند خیلی زود فریب اشخاصی که به آن ها دستور غذای مخصوص و ساده ای می دهند می خورند و به هر نوع غذا یا دارویی که به آن ها وعده لاغر شدن می دهد ، دست توسل دراز می کنند .

دربین بعضی از این اشخاص عقاید بی اساس نیز وجود دارد . مثلاً عده ای معتقدند که سرخ کردن نان یا شستن برنج ، کالری آن را پائین می آورد و برای کم کردن وزن بدن خوب است . باید دانست که سرخ کردن نان فقط ترکیب شیمیائی نشاسته را تغییر می دهد و شستن برنج فقط ویتامین هان آن را بهدر می دهد .

داروهائی که برای کم کردن وزن بدن تجویز می شود ایجاد بی خوابی و عصبانیت می نمایند و انسان نمی تواند تمام عمرش از آن ها استفاده کند و بزودی از خوردن این قرص ها دست می کشد و در نتیجه چند کیلوئی که از بدنش کاسته شده ، بزودی باو برمی گردد .

این داروها به چندین گروه تقسیم می شوند :
۱- محرک ها مانند شیر غده تیروئید که فعالیت های شیمیائی بدن را تسریع کرده و در نتیجه حرارت حاصله از سوختن ، خوراک را زود مصرف می کند .
۲- داروهائی که بافت های بدن را از آب خالی کرده و عضلات را خشک نموده ولی اثری برروی چربی نمی گذارد .

خلاصه

هرگاه کسی خواص خارق العاده غذائی را برای شما توصیف کرد و ادعا نمود که این غذا فلان بیماری شما را از بین می برد ، هر وقت در کتب یا مطبوعات خواندید که فلان غذا اعجاز می کند ، هر موقع فروشنده ای اعلام کرد که غذاهای « معجزه دار » می فروشد ، برحذر باشید و بدانید که با شخصی بی اطلاع یا خرافاتی یا دروغگو سروکار دارید .

یگانه راه مبارزه با شیادان ترویج روش تغذیه صحیح بعموم طبقات از طریق مطبوعات و رادیو و تلویزیون و آموزش علم غذاشناسی بدان آموزش آموزان می باشد . چون اغلب مردم بحرف پزشک اعتماد می کنند و قبل از همه بسوی او روی می آورند ، درس تغذیه را در برنامه دانشکده پزشکی باید گنجانید علم تغذیه در حال توسعه است و هنوز به سئوالات بیشماری نمی توانیم جواب بدهیم . بنابراین این بایستی پزشکان و مردم را مرتباً از طریق مطبوعات با کشفیات جدید آشنا ساخت .

از : دکتر بهرام تدین

اسیستان پرفسور تغذیه دانشکده

بهداشت میشیگان آمریکا

آن انتخاب کنید . مثلاً اگر جائی زندگی می کنید و یا در فصلی هستید که گوشت بره کمیاب است و گوشت مرغ گران است ولی ماهی به کثرت وجود دارد و قیمتش متناسب است ، می توانید پروتئین روزانه خود را از طریق خوردن ماهی بدست آورید . و یا اگر در محلاتان مرکبات وجود ندارد و یا بودجه تان اجازه نمی دهد که آن ها را بخرید ، در حالی که گوجه فرنگی ارزان می باشد ، می توانید با خرید گوجه فرنگی ویتامین « ث » مورد نیاز خود را فراهم آورید . خوشبختانه معمولاً ایرانیها در سفره خود غذاهائی شامل این مواد چهارگانه دارند و لذا احتیاج براین نیست که بحرف شیادان و مکاران گوش کنند و در تعقیب غذاهای « معجزه دار » پول و انرژی و وقت خود را بیخود به هدر بدهند .

کم بخور همیشه بخور

افراط در خوردن ، حتی زیاد خوردن مواد مورد نیاز مانند ویتامین ها و فلزات و پروتئین نه تنها نفعی اضافه بر تناول مقدار خوراکشان ندارد ، بلکه در بسیاری مواقع زیان آور هم هست . آزمایشهای طولانی برروی موش ها نشان داده است موش هائی که هرچه می توانند بخورند غذا در اختیارشان گذاشته می شود ، ۲۰ تا ۴۰ درصد کمتر از آن هائی که غذای کمی بهشان داده می شود عمر می کنند . بنابراین طول عمر بستگی دارد به مقدار غذائی که روزانه میل می کنیم . برای این که بطول عمر خود بیفزائید از افراط در خوردن پرهیز کنید .

مبارزه با چاقی

با چاقی بایستی جنگید . زیرا همراه با چاقی امراض متعددی مانند مرض قند ، فشار خون ، بیماری تصلب شرائین و سکنه قلبی عارض انسان می شود . در آمریکا بیش از ۲۰ درصد یعنی ۴۰ میلیون نفر چاق هستند . کثرت اشخاص چاق در این کشور در نتیجه قدرت خرید مردم ، افراط در خوردن ، زیاد نوشیدن مشروبات الکلی ، مکانیزه شدن زندگی و عدم ورزش می باشد . چون مقدار حرارتی که از سوخت مواد غذائی در بدنشان ایجاد می شود بیش از مقدار حرارتی است که روزانه برای کشتن و اعمال حیاتی مصرف می کنند . این تفاوت حرارت بچربی تبدیل شده و در بدن ذخیره می گردد . برای مثال فرض کنید که شخصی روزانه ۳۵۰۰ کالری از خوردن غذایش بدست می آورد ولی فقط ۲۶۰۰ کالری برای کار کردن و راه رفتن و نشستن و خوردن و خوابیدن و غیره مصرف می کند . بنابراین روزانه ۹۰۰ کالری پس انداز می نماید . چون هر ۹ کالری بیک گرم چربی تبدیل می شود . در نتیجه این شخص روزانه ۱۰۰ گرم و در عرض یکماه ۳ کیلوگرم بوزنش اضافه می شود .

یگانه راه رضایت بخش برای پائین آوردن وزن بدن اشخاص چاق ، کمتر خوردن و ورزش کردن می باشد . در مثال بالا اگر شخصی از غذایش روزانه ۱۰۰۰ کالری بکاهد و ۸۰۰ کالری از طریق ورزش بیشتر مصرف کند ، در عرض یکماه ۳ کیلو از وزنش

واژه‌های بیگانه

فرهنگستان ایران و

ADDRESS
The Next
Easter

هر شاخه مزاحم دست وبا گیری،
هر بوته‌ی پر خار بی‌بری، هر جور
دست دهد در آن سبیل میشود و
پرورش می‌یابد، نه جایی برای
گلی می‌ماند و نه کوره راهی برای
رهگذری.

اگر يك تشکیلات و سازمان
دادگرایانه و اندیشمندانه و دوست
برای بررسی آثار آماده چاپ
داشته باشیم. و اگر حساب و کتابی
برای چاپ و انتشار کتاب دو کار
باشد، يك چنین معرکه شلم
شوربایی که هر که هر چه به دستش
رسید بخورد مردم بدهد و آنان
را بچاپد، به وجود نخواهد آمد.
زبان نیز همچون میهن ما، يك
میراث تاریخی گرانبها و پراچ
است. اساسا ما به واسطه زبانمان

معنای واقعی پاسدار زبان و فرهنگ
ایران باید باشد.

کار نویسندگی و چاپ و
روزنامه نگاری و داستان نویسی و
ترجمه و نام گذاری در ایران به
جای نامعقولی کشیده شده است.
هر کس هر چه و هر گونه دلش می
خواهد می‌نویسد و چاپ می‌کند و
کسی نیست که به این کارها
رسیدگی کند.

دنیای چاپ و کتاب و روزنامه
در ایران به جنگلی می‌ماند که از
بی‌قیدی متصدیان که نیرومندتر
از پرتو آفتاب و جان بخش‌تر از
نوازش آب است، سیراب می-
شود و هر گیاهی، هر خار خسکی،
هر درخت بی‌هنر کج و کوله‌یی،

آگاهی این بنده در باره این
نوی تازه به همین خبر های
روزنامه‌یی محدود می‌شود و از کم
و کیف آن‌ها ناآگاه هستم.

درباره لزوم فرهنگستان جای
هیچ گفتگویی نیست. این يك نیاز
ملی و میهنی است و شگفتی آور
نیست اگر همانند بسیاری اندیشه
های بزرگ دیگر، اراده و همت
و بینش شاهنشاه ایران دوباره به
آن جانی می‌دهد و این جای تهی را
پر می‌سازد. لیکن درباره کار
فرهنگستان گفتگو فراوان است و
از جمله آنکه برخلاف آن چه
برخی از دکان های روزنامه‌نگاری
ایران می‌پندارند، فرهنگستان تنها
«کارخانه لغت» نیست بلکه به

از ع: روحبخشان
نوشاتل (سوئیس)

صدور فرمان شاهنشاه دایر
بر دوباره زنده گرداندن فرهنگستان
موجب شد که بسیاری پندار
عضویت آنرا در سر پیروانند و
گروهی تشکیل و پیشرفت آن را
صمیمانه آرزو کنند و نیز کم
نیستند آنانی که آن را آماج
تیرهای دشمنانه می‌سازند. چنان‌که
روزنامه اطلاعات هوایی (شماره
۵۶۲۲، مرداد ۴۷ ص ۱) آنرا با
«کارخانه لغت سازی» برابر می
نهد. چیزی که به دیگران پروا می
دهد تا ناآگاهانه دوباره «تصفیه
بزرگ زبان فارسی» (همان روزنامه
شماره ۵۶۲۴، شهریور ۴۷ ص ۱)
داد سخن بدهند.

زنده ایم و به دستاویز زبانمان ایرانی و آریایی هستیم و به همین دستاویز از تمدن های دیرینه و دوششان کشورمان دم می زنیم . و بی گمان هرچه زبانمان رساتر ، پیراسته تر و آراسته تر و دل انگیزتر باشد ، میهن مان ، خودمان ، آثار وجودی مان و هرچیز مان بهتر و خوشتر خواهد شد . در حالی که چاپ امروز ایران کمکی که به پیشرفت زبان نمی کند و بدان ارجی نمی گذارد هیچ ، بلکه به آلودگی و نابسامانی آن نیز می افزاید . برای چاپ هم باید يك «استاندارد» يك حساب و كتاب ، يك دستگاه سنجش ، يك بی نظری و يك میهن پرستی واقعی وجود داشته باشد . کاری که فرهنگستان به خوبی می تواند انجام دهد . بدین سان فرهنگستان در مقام يك استاندارد علمی و ادبی نه تنها به کار چاپ سرو سامانی می تواند بدهد بلکه از ژاژخایی و چرند نویسی که خیانت مسلم به زبان فارسی است ، نیز جلوگیری می تواند بکند .

رسیدگی به واژه های بیگانه نیز یکی دیگر از کار های بزرگ فرهنگستان می باشد .

داستان واژه های بیگانه در زبان فارسی را همواره يك دستی وساده گرفته ایم و از آن سرسری گذشته ایم مثل معروف «در دروازه رامی توان بست...» هرگز درباره ما صادق نبوده است . دروازه هاما باز است . سالیان دراز است که هرکه را ، به هر شیوه ای از کشور بیرون رفته خدا نگهدار ، و هرکه به هر آهنگی به کشور پا نهاده خوش آمد گفته اند و از این همه آمد و شد ها ما را جز انبوهی واژه های بیگانه بهره ای نبوده است . این واژه ها را که بسیاری باید با شکیبایی و دانشمندانه بررسی و پی جویی کرد . کاری که در روزگار مارشده ای از دانش های بشری را پدید آورده است . و هرچند تازه نمی نماید در سرزمین ما هرگز بدان عنایتی در خور نشده است .

البته خرده کارهایی را که در این زمینه انجام گرفته است نادیده نمی توان گرفت . این کارها را می توان دو دسته کرد : دسته ای «همه ایرانی» هستند و در این راه بسی تند رفته اند و همین تندروی به بیراهه شان کشانده است . و دسته ای دیگر ناآگاه و شتاب زده

و نابسامان می باشند و بی سروته و شاگرد مدرسه وار ، کارهایی که بی این عیبها می توانستند بس بزرگ باشند .

بررسی واژه های بیگانه در يك زبان کار هرکسی نیست ، آموزش و شناسایی و دانشی می خواهد که همگان از آن ها برخوردار نیستند و پذیرش و به کار بردن این واژه ها باید پیرو قواعدی باشد . هرکسی به دستاویز چند سال دوری از میهن ، نباید هرچه واژه بیگانه به زبانش و قلمش رسید بازگوید و بازنویسد ، یا هرکتاب درسی نویسی نباید به سبب تبلی یا نا آگاهی خویش تنها شکل نوشتن کلمه ها را دگرگون ساخته از آن ها کتاب قیزیک و شیمی و طبیعی و مانند این ها درست کند .

این درست است که ما برابر دسته ای از این واژه ها را نداریم ، از برگرداندن آن ها به فارسی در می مانیم ، دسته ای نیز جهانی و همگانی هستند و سرانجام دسته ای را هم دیرگاهی است که می شناسیم و چنان آن ها را پذیرفته ایم که گویی خود ، آنها را ساخته ایم و پیوندی ناگسستنی با آن ها داریم ، لیکن بسیاری دیگر از این واژه ها هستند که برابر فارسی دارند و نیازی به آن ها نداریم . مگر آن که دستاویزی دیگر برای خودنمایی و پشت پا زدن به پدیده های میهنی خود نداشته باشیم و تنها به وسیله این واژه ها بخواهیم به نمود های میهنی پشت پا بزنیم و خودی بنماییم . بدین گونه ، در برخوردمان با واژه های بیگانه ، پیش از هر کاری باید به شناختن آن ها بپردازیم و ببینیم که از کجا و چرا و کی و چگونه به زبان ما راه یافته اند . آنگاه آنچه را که نیاز داریم نگاه داریم و آنچه را که بیهوده و هرزه و خود دوست کنار بگذاریم . و در این راه باید به همه جوانب کار آگاه بوده و به چگونگی آن ها توجه داشته باشیم .

این را می دانیم که زبان ها خانواده هایی دارند و درون هر خانواده بستگی ها و پیوندها هایی است که نزدیکی و همانندی واژه ها و دستور زبان و فرهنگ و حتی همانندی ویژه مردمی که به آن زبان ها سخن می گویند ، از این بستگی کهن سرچشمه می گیرد لیکن فراموش نکنیم که هر زبانی خود ، ویژگی ها و نشان هایی دارد

که در زبان های دیگر وجود ندارد . این ویژگی ها از آنجا پیدامی شوند که زبانی در رشته هایی از زندگی پیشرفت می کند و در رشته های دیگر باز می ماند و همین جدایی و دگرگونی زبان ها را پدید می آورد . لیکن از آنجا که در روزگار ما مرزها - یا دست کم مرز های فرهنگی و بازرگانی - از میان می رود ، و رفت و آمدها فراوان می شود ، حرکت واژه های زبانی به سوی زبان های دیگر به سادگی و خیلی زود انجام می گیرد .

کار وام گیری واژه ها را ما از دیرگاه آغاز کرده ایم و هر روز بیش از پیش واژه های زبان های دیگر را می گیریم و این کار را در این سال ها به شدت انجام می دهیم .

واژه هایی که به فارسی رسیده اند بسیاری از لحاظ تلفظ شکل بومی خویش را نگهداشته اند و بسیاری نیز با ذوق ایرانی خوانده ، رنگی دیگر یافته اند . اما دانستن این که چگونه کی و از چه راه و چرا به زبان فارسی رسیده اند ، کمی دشوار است و موضوع دانشی را تشکیل می دهد که در کشور ما تاکنون به آن پرداخته نشده است . این واژه ها به کار یا کارهای ویژه و معینی محدود نمی شوند بلکه رد پایشان در همه رشته ها و زمینه های زندگی ما به چشم می خورد و همین کار مطالعه را دشوارتر می سازد .

پس از این ها ، می ماند مساله «تصفیه زبان فارسی» که بسیاری آنرا تنها عبارت از «اصلاح الفبا» می دانند . و این نیز کاری است که تنها درحد فرهنگستان است ، و در آغاز کردن آن مسائل بسیاری باید مورد مطالعه و دقت قرار گیرند .

درست است که رسم خط و الفبای امروزی ما به ظاهر عربی است و این از سویی با احساسات میهن پرستانه مان نمی خواند و از سویی ما را از درست خواندن و درست نوشتن باز می دارد ، لیکن فراموش نکنیم که تغییر خط و اصلاح آن کار بسیار دشواری است و نمی توان تنها به خواش دل چندی بدان دست زد . پذیرفتن الفبا و خط عربی کاری است که چندان سرسری و ناشیانه - آن گونه که ما می بیندیم انجام نگرفته است . در زبان های ایرانی صداها

و آوایی داریم که تنها جدایی بسیار کمی از یکدیگر دارند . بیهوده نبوده است اگر قرنهای دواز «تھماسپ» و «تھمورس» و ... را طهمورث و طھماسپ و ... نوشته اند . بیشتر این صدا های خاصی که در زبان عربی وجود دارند و با تغییر شکل حروف باز نمایانده می شوند در زبانهای ایرانی وجود داشته اند . «گانه ها» ی زرتشت را دلیل می آوریم ، که کسی در وجود این آوا بختی ندارد . همچنین تگاهی به صداهای زبان سانسکریت ، که نزدیکترین خویشاوند زبان فارسی است وجود پاره ای از این صداها را ثابت می کند . این جدایی که میان رشته های زبان های ایرانی میانه (شمال باختری - جنوب باختری) یافته اند نیز وجود این آواها را باز می نمایاند پس این آواها که حروف الفبای امروزی نشانه هایی از آنها هستند وجود داشته اند . و هنوز هم در برخی گویش های ایرانی وجود دارند ، ولی زبان فارسی آن ها را فراموش کرده است .

بدین سان ، از میان بردن و کنار گذاشتن حروفی مانند : ص ، ض ، ظ ، ق ... ، اصول ، امیل و اصالت را «اصول» ، «اسیل» ، «اسالت» نوشتن نه تنها دردی را درمان نمی کند و باری از دوش زبانمان برنمیدارد ، بلکه به دشواری هاما نیز می افزاید و هیچ دلیل «ایرانی گری» و «ایرانی گرایی» هم نمی تواند باشد .

این دشواری ها در زبان های اروپایی که الفبای لاتین دارند ، نیز به چشم می خورد . وجود چند حرف **KC** مثلا که امروزه تقریباً همگی نشان دهنده صدای «ك» می باشند ، همان دشواری هایی را که «املا ی فارسی» برای ما پدید می آورد ، برای يك اروپایی ایجاد می کند و دوری از اشتباه جز از راه یادگیری امکان ندارد . فرض این است که «الفبای اروپایی» هم چندان خالی از دشواری نیست .

سخن کوتاه ، این گونه کارها فراوانند و همه در شان فرهنگستان می باشند و امید است که این بار فرهنگستان بتواند این گره ها را بگشاید و این کارها را بنیادی نیکو و استوار بگذارد و مقامی را که در زمینه زبان و فرهنگ شایسته ایران است بدان دهد .

سخنی با ناقدان

هردانش توشه‌یی می‌گرفت آنگاه اگر لازم می‌دید و مفید می‌دانست، دست به قلم می‌برد و آنچه گفتنی بود می‌گفت و آنچه نوشتنی، می‌نوشت. اما آن چه را که دیگران گفته‌اند تکرار نمی‌کرد و به اصطلاح وقتی می‌نوشت یا می‌گفت که طالبان آگاه را فایده می‌دید، و چون می‌نوشت همواره با احتیاط بود، که سخن گفتن به مثابه در سفتن است و از در سفتن استادان هراس دارند چنان که شیخ نظامی فرماید:

«سخن گوهر شد و گوینده غواص
بسختی در کف آید گوهر خاص
ز گوهر سفتن استادان هراسند
که قیمت مندی گوهر شناسند»

ولی متأسفانه امروز هرکس که فارسی می‌نویسد و می‌خواند و یارطب و یا بسی بهم می‌بافد و ازادیت می‌لafd و خود را ادیب و اریب می‌داند، تیغ قلم را می‌کشد و جهانی را برهم می‌زند، برعرب و عجم ایفا نمی‌کند. هرچه دم قلمش بیاید می‌نویسد و هرناسزا و افترا و فحش که دلش بخواهد می‌گوید، حال مبتدا و خبرآن درست باشد یا نه؟ و این که آیا خواننده و مخاطب او چیزی از نوشته او می‌فهمد یا نمی‌فهمد، به او ربطی ندارد. همین که مقاله‌یی از او چاپ کنند خود را فارس میدان فصاحت و استاد پهنه بلاغت گمان می‌کند.

مقصود از این تطویل، این است که عرض کنم چندی پیش شماره ۱۱ مجله پیرارج تلاش بدستم رسید. بعضی از مقالات آنرا خواندم که در نهایت جزالت لفظ و استحکام معانی یافتیم. اما در مقاله جناب آقای مسعود فیاض نکاتی به نظرم رسید که از تذکر دادن آن ها صرف نظر نتوانستم کرد.

نویسنده محترم شعر واقعی و شاعر حقیقی را تعریف و تحسین کرده و مطالبی نوشته‌اند که اگر فشرده کنیم، چنین می‌شود:

«ما نباید به اعتبار این که فردوسی و مولوی و سعدی و حافظ را داریم، تنها بر خود بیایم و دست روی دست بگذاریم و افاده خشك بفروشیم. بلکه باید سخن‌نویس باشیم و حدیث اسکندر و دارا را افسانه کهن بدانیم و به عالمیان نشان دهیم که ما فرزندان شایسته آن بزرگان هستیم و در ضمن از تجلیل و بزرگداشت آن ها نیز فرو نگذاریم. بکوشیم تا عالمان و شاعران و نویسندگان بزرگ به وجود آوریم که در دنیا مشهور شوند و ما بدان ها بناییم و به رخ جهانیان بکشیم و مانند سایر ممالک از تصدق سرآن بزرگواران معروف خاص و عام شویم تا جهانیان نگویند اینان فرزندان ناخلفی هستند که میراث های گرانبها و پر ارج پدران را بیاد داده‌اند.»

اما در مطالب ایشان تضاد های گوناگون به چشم می‌خورد مثلاً در يك جا می‌نویسند «برجای پای حافظ هم نمی‌

مدتی میباید لب دوختن
وز سخن دانان سخن آموختن
در مملکت ما پیش از این رسم چنان بود که هرکس قلم به دست می‌گرفت تا چیزی بنویسد، شرایطی را در خود جمع داشت.

اولاً: مقدمات لازم را خوانده بود، یعنی از صرف و نحو زبان خود که بدان سخن می‌گفت و زبان محاوره‌یی مردم نیز بوده، آگاه بود.

ثانیاً: بعد لزوم از زبان تازی مایه داشت و می‌دانست که زبان فارسی که ما مقاصد و مطالب خود را با آن به دیگران القا می‌کنیم و دیگران خواست های خود را به وسیله آن به ما تفهیم می‌کنند، بدون دانستن مبادی عربیت، درست و رسا و پخته نمی‌تواند بود. چه رایج ترین و شیرین ترین متن فارسی را که می‌گرفت و می‌خواند و شاید از کودکی با آن انس داشت، گلستان شیخ سعدی بود. اگر چه این کتاب را از هفت سالگی به دست می‌گرفت ولی معلمان بهوی می‌گفتند: خواندن این کتاب به قصد فهمیدن آن مایه می‌خواهد و بدون دانستن يك مقدار قواعد زبان فارسی و عربی و صرف و نحو و شناختن رجال معروف، فهمیدن معنی آن دشوار است.

ثالثاً: وقتی قامت برمی‌کشید و می‌بالید و بزرگ می‌شد، کم کم با آثار بزرگان آشنا می‌شد و در گفته ها و نوشته های آن ها تدریب و ممارست می‌کرد و تا سرحد امکان معانی مورد نظر آن ها را می‌فهمید، و سپس به هر محضر دانشی قدم می‌گذاشت و از هر چمن گلی می‌چید و فکر و اندیشه خود را به جواهر افکار آن ها آشنا و مانوس می‌کرد تا کم کم ملکه شناخت صحیح از سقیم و غث از سمین باو دست می‌داد. بعد از همه این ها به مقتضای آن روزگاران چندی نیز پیش استاد می‌شد و در محضر او بدوزانو می‌نشست و سخنان و افادات او را بر لوح ضمیر می‌نوشت، چه می‌دانست:

«هر که گیرد پیشه یی بی اوستا
ریشخندی شد به شهر و روستا
هر که تازد سوی کعبه بی دلیل
همچو این سرگشتگان گردد ذلیل»
یا چنان که عوفی در جلد دوم لباب الالباب نقل کرده:

«علم از استاد بحاصل کن کز روی کتاب
نقطی علم به حاصل نتوانی کردن
بود آن کس که باستانان از بهر علوم
نهد از پی شاگردی کردن، گردن
همچو مرغی که خروش نبود خایه کند
ليك نتواندش از «چوزه» برون آوردن (۱)»
کتاب های مفید و عاری از غلط استادان را می‌خواند و در معانی جملات و چگونگی بیان آنان تأمل می‌کرد و از

توان گام نهاد. چه گذشت قرون و اعصار محوش کرده و بر آن غبار تاریخ پاشیده است...

بنده نمی دانم چگونه جای پای حافظ را گذشت قرون محو کرده است؟! ایشان بعد فصل مشبعی راجع به سعدی و حافظ می نویسند و تعریف می کنند. ما راجع به معانی مقاله وی حرفی نمی زنیم که مجالی دیگر و مقالی بیشتر می خواهد. نویسنده محترم در يك جا از بی مایگی بعضی از نوپردازان سخن گفته، می نویسند:

«این ها، این فرومایه ها که در گفتگوی روزانه شان هزاران غلط فاحش دستوری دارند، چهار کلمه آه و واخ را با دو ویرگول و خط و تیره و چند نقطه شمول کنار هم می گذارند و به روزنامه ها و هفته نامه ها برای چاپ می دهند و مردم کوچه و بازار هم که نمی دانند جریان چیست و از کجا آب می خورد، یا طرف چند مرده حلاج است؟ و چه در چنجه دارد؟ یا گول می خورند یا نمی خورند...»

حال بهتر است در مقاله خود ایشان دقت کنیم. ایشان می نویسند:

«پس از برآمدن شش هفت قرن هنوز شاعری نتوانسته است پشتاز اسب شعر سعدی را پی کند و در تازیدن حتی بگرداو برسد.»

پشتاز اسب شیخ سعدی یعنی چه؟ در زبان فارسی اضافه استعاری یا مجازی را بکار بردن زمانی شایسته است که بین مضاف و مضاف الیه وجه نسبتی یا شبهی باشد، مانند پیکان غمزه - دوزخ فراق و غیره. شیخ سعدی می گوید:

«بسوخت سعدی، در دوزخ فراق هنوز طمع ز راحت دیدار بر نمی گیرد»

خواجه شیراز فرماید:

«هر دم کمند زلفت صیدی دگر بگیرد»

پیکان غمزه در دل زابروی چون کمانت» اما اسب و شعر چه نسبتی با هم دارند؟ نمی دانم و اگر به نظر ایشان و بعضی دیگر نسبتی دارد برای من معلوم نیست. وانگهی تازیدن صورت دوم از مصدر تاختن است که فعلا چندان اصطلاح نیست و به اصطلاح برافزاده. زیرا تاختن هم زیباتر است و هم از نظر دستوری صحیح تر، و اگر پی کند را به معنی پیروی کند بکار برده اند و یا به معنی قطع کردن استعمال کرده اند، هیچ معلوم نیست. در زبان فارسی حذف مضاف الیه روا نیست. ایشان صحبت از سعدی و حافظ می کنند و می نویسند:

«تازه اگر هم گستاخی پیدا شود و بخواهد گوی را از ایشان بر باید بدیهی است در جریان این سبقت سرش به سنک خواهد خورد»

اگر گوی سبقت می نوشتند صحیح تر بود، چه معلوم نیست گوی چوگان است یا سبقت یا چیز دیگری؟ ایشان که دیگران را بر عدم اعمال قواعد زبان ملامت کرده و ناسزا می گویند لابد می دانند:

«حقیقتاً بدون الف صحیح است. تنوین نصب در عربی بصورت الف نوشته می شود و در بالای آن دو فتحه می گذارند جز در دومورد، یکی آن که آخر کلمه تاء زائده باشد، دوم این که همزه باشد مانند: کلیه، نسبت، جزء، فجزء، استثناء.

«پای مردی» را به صورت «پایمردی» متصل نوشته اند در صورتی که غلط است و پایمردی به معنی شفاعت و وساطت و میانجی گری بکار رفته است. شیخ سعدی فرماید:

«حقا که با عقوبت دوزخ برابر است رفتن پایمردی بیگانه در بهشت»

در جمله ایشان یعنی: «و در تمام ایران مردی نمی بینم که پایمردی پیشتر گذارد» مغل معنی است. کلمه آهنگین، لفظی است که بجای «با آهنگ» بکار رفته، هم سنگین است و هم زشت. آهنگین نه در متون اصیل نثر قدیم وجود دارد و نه در فرهنگ های معتبر موثق و هر کس که این جور الفاظ را در انشای خود بکاربرد، نشانه این است که طبع کژ و معوج دارد، زیرا (ین) که علامت نسبت در زبان فارسی است و بقول مرحوم کسروی معنی «ساخته شده از» به کلمه می دهد (۲) در آخر این گونه کلمات اضافه نشده است.

کلمه «شویره» که ایشان «نیمچه شاعر» معنی کرده اند، اولاً در زبان فارسی «شاعرک» می گویند و «نیمچه شاعر» اصطلاح ادیبان و پختگان این راه نیست و شاید اصطلاح محاوره‌یی است.

ثانیاً در زبان عربی «شویره» استعمال نمی کنند و «شویر» مستعمل است. در اقرب الموارد گوید «يقال للشاعر المفلق خندید و من دونه، شاعر و شویرثم شعورثم متشاعر (۳) یعنی: شاعر چیره دست و مفلق را «خندید» گویند و آن کس که مادون اوست او را «شاعر» و «شویر» و «شعور» و «متشاعر» گویند.

جمله «هذیان هایی که بر اثر مستی قی کرده اند» چه معنی دارد؟ جمله اگر سمبولیک باشد به برخی از سخنان شعری پل ورلن Paul Verlaine (تولد ۱۸۴۴ - وفات ۱۸۹۶) می ماند، اگر تبصر و ظرافت شاعر فرانسوی را از نظر دور نداریم.

ایشان می نویسند: «اما اگر در این پیش، میان آمدی بزرگتر، البته بد نیست آدمی در پرده مخالف بخواند. ولی نه زمانی که بتواند بهتر از مخالف بیاورد - چه عیب داشت بنویسد: «در این میان پیش آمدی بزرگتر».

می نویسند: «سعدی علیه السلام» این هم از ظرافت طبع ایشان است و ما از ایشان می شنویم. لله درقائله! باز می نویسد: «باید سراینده ها از بعضی لغزش ها بر کنار باشند، به دامن آلودگی ها نیفتند و برای الهام گرفتن از مواد مخدرو زنان نامدار...» مقصود از زنان نامدار را نفهمیدم. معلوم نیست ذم شبیه به مدح است یا صنعت «تهکم». در هر صورت مقصود ایشان را نمی رساند و شاید معنی مخالف هم می دهد.

باز می نویسند: «در فهرست سراینندگان امروز به گویندگانی بر می خوریم که کم و بیش آثاری جالب و درخور تحسین آفریده اند که البته و صد البته نباید به ماستی بخشد و بهارش خزان شود. مکفی جلوه نماید و مصداق آن مثال معروف گردد «خوش درخشید ولی طالع مستاجل داشت». اولاً بهارش خزان نشود مکفی جلوه نماید یعنی چه؟ ثانیاً يك مصراع معروف را نقل کردن با سه غلط فاحش هم مشت خود واکردن و هم توهین به مقام شاعری بزرگوار. چه «طالع» نیست و «دولت» است وانگهی مستاجل با عین است نه همزه! و نیز «داشت» نیست، «بود» است آری: «خوش درخشید ولی دولت مستعجل بود»

امیدواریم نویسنده محترم و فاضل در نوشتن مقاله و ربط و فصل جملات و تلفیق معانی آن دقت فرمایند تا به قول خودشان، شعر و سخن نرم نرمك نخزد و در زیر پاله نشود.

علی اصغر حلبی

(۱) لباب الالباب ج ص چاپ لندن

(۲) زبان پاك: نوشته احمد کسروی

(۳) ص ۵۹۴

داستان دو دوست

... و ما دو دوست بودیم ، بسی نزدیک ، و رازهامان نزد هم بود و من می دانستم و تو نیز می دانستی که من دختر عموی ترا دوست می دارم ، و تو دختر عموی مرا ... و به پاکی و صفا نقشه ها می کشیدیم برای روزگار آینده که خوب بود و طلایی رنگ پر از انوار خورشید و زمزمه فرشتگان و فرزندان زیبا و همسر دوست داشتنی و ازدواجی که با مهر آغاز شده بود ... و اسب سفید بالدار اندیشه هایمان را می رانندیم تا آخر سرزمین خوبی ها و نیک بختی ها ، و هرگز از مرز این سرزمین نمی گذشتیم . ما هر دو تایمان می دانستیم داستان عشق هایمان را . اما فقط ما دو تا می دانستیم و هیچ کس دیگر نمی دانست و هیچ کس دیگر نخواست که بداند . زیرا که عقد خوشبختی پسر عمو ها و دختر عمو ها را در آسمان بسته بودند . و رشته آسمانی را زمینی ها فقط می توانستند محکم ترش کنند . و خدا بدور ، برای گسستن آن نه میلی بود و نه مایه ای .

يك روز پدر و مادرم گفتند که وقتش هست ، و بهمن حالی کردند که وقت چی هست . و هرچه کوشیدم دلیل آوردم ، زار زدم ، عصیان کردم ، سودی نداشت ، و بعد يك مجلس میهمانی و شیرینی و سایر قضایا برای محکم کردن رشته های آسمانی و نه برای گسستن آن - خدا بدور - و ندانستند و نخواستند بدانند که ما زمینی هستیم ، نه آسمانی .

ترا نیز در همان روزگار به همین بلا گرفتار کردند ، وزاری هایت و عصیان هایت اثری نبخشید . زیرا که عقد آسمانی بود .

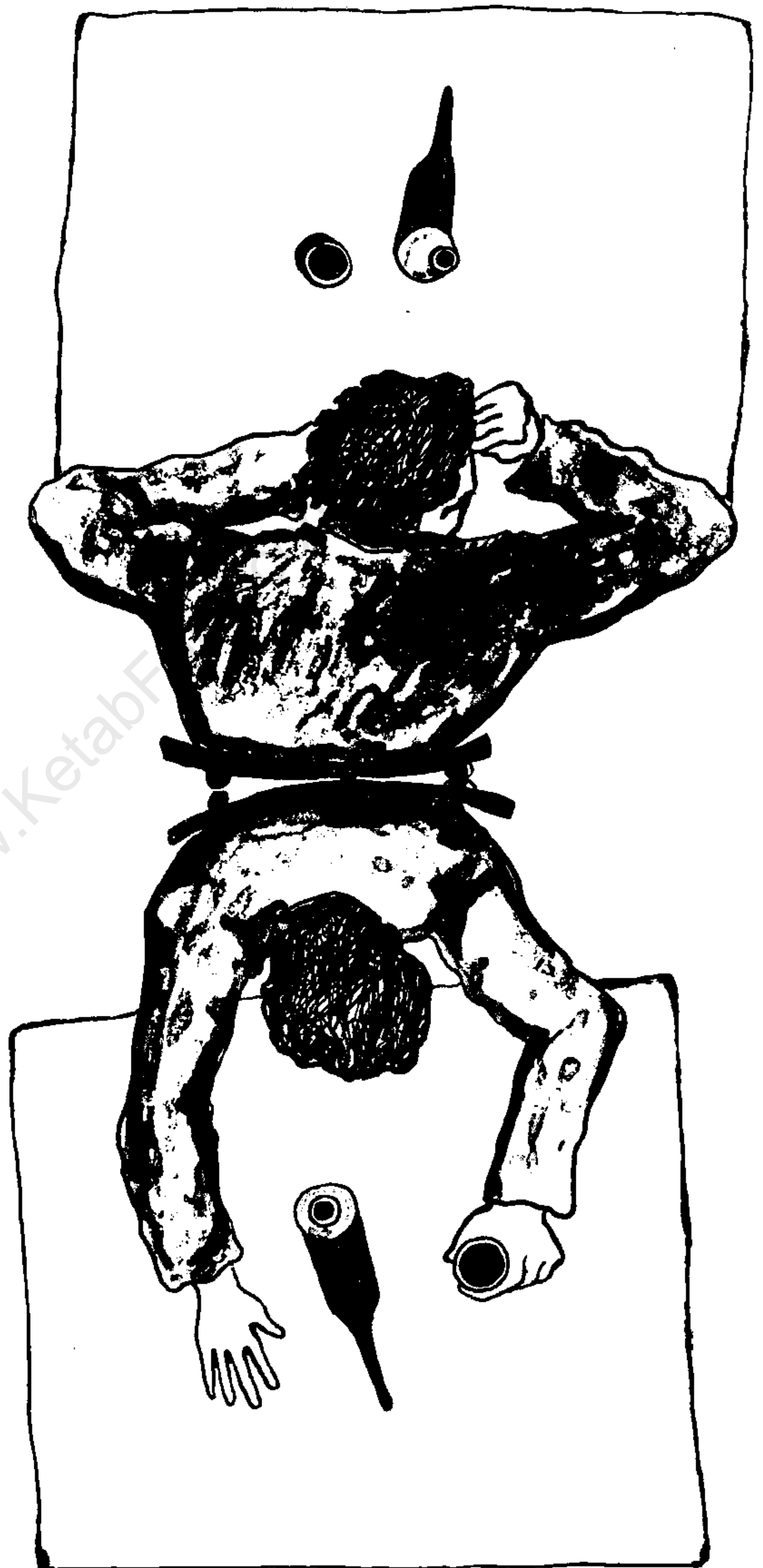
دیگر تسلیم شده بودیم هم من و هم تو ، و دوستیمان قطع شد بی آنکه بر هم بخورد ، زیرا که هم من می دانستم گناه تو نبوده است و هم تو می دانستی خطا از من نبوده ، و هم دل تو می سوخت و هم جان من ، و سرانجام ، هم تو به میخانه روی آوردی و هم من . اما در میخانه های جدا و اگر در يك میخانه ، بر سر میز های جدا و با هم پیاله های جدا ، و آخر شب ها هردو تلوتلو می خوردیم نه باهم دور از هم و هریک از سویی می رفتیم ، بی سخنی ، بی نگرهی ، بی رازی ، بی درد دلی .

دختر عموهایمان نیز با يك دیگر دوست بودند و رازهایشان نزد هم . اما عقد نیک بختی آسمانی آن ها را نیز از يك دیگر گسست بی آن که دوستیشان بر هم بخورد . زیرا هردو می دانستند که بی گناهند .

يك بار که می زده و مست به خانه رسیدم ، از دختر عمویم - نه ، همسرم - زیرا که همسر نزدیک تر از دختر عمو است - پرسیدم فلانی را دوست داشتی ؟ تا آن زمان که چند سال از روزگار طلایی ما گذشته بود هرگز چنین پرسشی نکرده بودم ، و آن شب چون تو را در میخانه دیدم ، بر سر میزی دیگر و آخر شب بدتر از خودم سیاه مست تر از همیشه این پرسش را که سال ها رنجم داده بود و خود می دانستم پاسخش را ، بر زبان آوردم . مستی بود و راستی ... دختر عمویم - نه ، همسرم - گلگون گشت . چشمان زیبایش را لایه ای از اشک پر کرد . نگاهم کرد و بعد سرش را به زیر انداخت و گفت نه . چه نه گفتمی که از هزار « آری » پرمعنا تر بود .

شاید تو نیز همین پرسش را کرده و همین پاسخ را داشته ای ... چه می شد کرد . عقد نیک بختی آسمانی را که نمی شد بر هم زد . تازه فرزندانمان نیز در بسترهایشان خفته بودند .

پدران و مادرانمان نه دانستند و نه خواستند بدانند که چه به روزگار فرزندانمان آورده اند . تنها به سرزنی به خاطر میخوارگی بس کردند . راست بود که از آسمان دستور آمده بود که می حرام است ، اما دیگر این قانون را که نمی شد با فرزندانمان عقد کنند . زاری کردند ، و برخاش کردند و چون سودی نبخشید دست شستند از ما



● جنگل های طبیعی همه کوه ها را پر کرده اند و کوه ها سراسر سبز به نظر میرسند. مزارع شاداب برنج و گندم و از همه زیبا تر منظره دلپذیر نخل ها ، انسان را بیاد بهشت موعودی اندازد .

● دم دالون پسندت کردم ایدل کوتاه بودی بلندت کردم ایدل ترش بودی مثال آب لیمو چشیدم ، خورده ، قندت کردم ایدل

هاوایی ایران

● «دوزه» قریه محل خدمت من يك «هاوایی» كوچك است

● زنان دهكده از يك زیبایی بكر و طبیعی برخوردارند .

يك آسمان آبی و شفاف ، آبشارهای طبیعی ، هوای لطیف و بدون گرد و غبار ، برگهای جوان و جوانه های تازه درختها ، شکوفه های زیبا ، درختهای کهن چنار و نارون و نخل های سر به فلک کشیده همه و همه را می بینم که به آفتاب ملایم بهاری لبخند می زنند.

همه شما کم و بیش اطلاعاتی درباره هاوایی این سرزمین سحرانگیز و این جزیره خوش آب و هوای آمریکا که دنیائی را فریفته کرده و سالیانه صدها هزار توریست و سیاح را بدرون خود می کشد ، دارید . اما شاید در گوشه و کنار جهان نقاط زیبا تر و تماشائی تر ، خوش منظره تر از هاوایی یافت شوند که به عللی گمنام مانده و نتوانسته اند شهرت «هاوایی» را به دست آورند . قریه محل خدمت من شباهت به يك «هاوایی» كوچك دارد . این قریه در قلب استان فارس در آنجا که کوههای سر به فلک کشیده و جاده های کوهستانی ش پست قوی ترین مردان را می لرزاند ، بین فیروزآباد و جهرم قرار دارد ، و «دوزه اش» می نامند . مثل این که در اینجا طبیعت خواسته است تمام قدرت خود را در خلق شاهکارهای بی نظیر نشان بدهد و به اصطلاح سنك تمام بگذارد .

جنگل های طبیعی همه کوه ها را پر کرده اند و کوه ها سراسر سبز به نظر می رسند . مزارع شاداب برنج و گندم و از همه زیبا تر منظره دلپذیر نخل ها ، انسان را بیاد بهشت موعود می اندازد . يك رودخانه نسبتا پر آب سینه دشت و کوه را می شکافد و با آبی زلال به صافی اشك چشم در امتداد قریه جریان دارد . صدای تصادم آب با صخره های اطراف و سنك های مسیر ، صدای با شکوه و دلپذیری را مترنم می سازد .

بیاندارم بهنگام کودکی وقتی که به دبستان می رفتم ، هر وقت آموزگارمان برای موضوع انشا بهار را تعیین می کرد ، همه بچه ها از بلبلان خوش الحان که در باغهای پر لاله و ریحان به نغمه سرایی مشغولند می نوشتند و سخن از عطر گل ها و قبابی سبز درختان به میان می آوردند ، اما اکنون مشاهده می کنم که آنچه سابقا آن را با قدرت تخیل



به وجود می‌آوردیم و بهارایده‌آلی را که در ذهنمان ترسیم می‌نمودیم، در اینجا رنگ حقیقت گرفته است.

يك آسمان آبی و شفاف، آبشارهای طبیعی، هوای لطیف و بدون گرد و غبار، برگهای جوان و جوانه‌های تازه درختها، شکوفه‌های زیبا، درختهای کهن چنار و نارون و نخل‌های سر به فلک کشیده همه و همه را می‌بینم که به آفتاب ملایم بهاری لبخند می‌زنند.

يك تك درخت بيد، بدون واهمه ازهای وهوی رودخانه که آرام بر بستر رود بوسه می‌زند، گاه‌گاه نسیمی ملایم، شاخه‌هایش را به حرکت درمی‌آورد.

مردان قریه همه شاداب و قدبلندند و سینه‌های فراخ و اندامی ورزیده دارند و چهره‌های قهوه‌ایشان نشانه کار و سلامت جسمی آنهاست.

زنان دهکده از يك زیبایی بکر و طبیعی برخوردارند و دوش به دوش مردان کارهای روستا را انجام می‌دهند و شوهرانشان را در گرما و سرمایاری می‌کنند. آوردن آب از چشمه و کارهای خانه و دخالت در بعضی از امور کشاورزی و دامداری جزو وظایف زنان و دختران محسوب می‌شود. محصولات اصلی «دوزه» شامل: مرکبات (پرتقال، لیموترش، نارنگی)، خرما، برنج، سیب، انار، انگور، گندم، باقلا، محصولات جالیزی و جو است. سبزی‌ها نیز به اندازه مصرف اهالی اهالی کشت می‌گردد.

در «دوزه» وسایل نقلیه موتوری کمتر آمد و رفت می‌کنند و این به علت نداشتن يك جاده خوب است. کسی چه می‌داند؟ شاید هم اگر دوزه جاده شوسه خوبی داشت، مناظر طبیعیش بکر و دست نخورده باقی نمی‌ماند. اما وزارت راه دست به اقداماتی برای تکمیل و ترسیم جاده‌اش زده است.

بهترین بنای «دوزه» ساختمان سنگی مدرسه است که وزارت آموزش و پرورش برای رفاه اهالی در اینجا ساخته است و غیر از آن يك عمارت که متعلق به خان‌های سابق بوده است وجود دارد که تا اندازه‌ای ساختمان خوبی محسوب می‌شود. آثار باستانی آن از جمله مدرسه با شکوهی از دوره زندیه که در اثر عدم مراقبت اهالی و عدم توجه ادارات مسؤول روبه ویرانی نهاده است و قلعه‌های قدیمی نشان می‌دهد که این دهکده قدیمی در سابق پرجمعیت تر و آبادتر از امروز بوده است.

يك درخت چنار کهنسال جلو مدرسه است که مردم برای آن احترام فوق‌العاده‌ای قائلند و معتقدند که اگر کسی شاخه‌ای از آن ببرد، از بین می‌رود و در این خصوص داستان‌هایی نقل می‌کنند.

صفحه شصت و ششم

پس از انقلاب شاه و مردم، تراکتور جای گاو آهن قدیمی را درده گرفته است. سپاهی دانش به کودکان ده و بزرگسالان درس می‌آموزد و به آنان در سایر امور کمک فکری می‌کند. سپاهیان بهداشت به بیماران ده رسیدگی می‌کنند. اهالی برای سپاهیان انقلاب احترام فوق‌العاده‌ای قائلند. و آن‌ها را نمایندگان شاهنشاه آریامهر می‌شناسند. جمعیت ده رویهمرفته در حدود ۶۰۰ نفر است و تعداد باسوادان ده کم نیستند و اکنون با طرحهای مختلف که برای ریشه‌کنی بی‌سوادی ریخته‌شده، امیدوارند که عفریت جهل و بیسوادی را از دهکده‌شان بیرون کنند.

مراسم عروسی در این جا بسیار مفصل و با شکوه است. آهنگ هاو دوبیتی‌ها و ترانه های محلی که با لهجه مخصوص فارس می‌خوانند، بسیار دلنواز است. چوپانان همراه گله‌های بزرگ گاو و گوسفند که از ثروت اهالی ده حکایت می‌کند آواز می‌خوانند و چارپایان در مراتع سبز اطراف ده می‌چرند و صدای بی‌بغ آنها با صدای گرم چوپانان در دهکده طنین می‌افکند. برای نمونه چند دوبیتی محلی برای شما می‌نویسم:

دم دالون پسندت کردم ایدل
کوتاه بودی بلندت کردم ایدل
ترش بودی مثال آب لیمو
چشیدم، خورده، قندت کردم ایدل *

سحر پرسیدم از گیسوی دلبر
که تو خشبوتری یا مشک و عنبر
بگفتا یار «فایض» رنجم از تو
مرا با مشک میسازي برابر؟! *

گل از قلعه در آمد رو به خرمن
نمیدانم چه گله داره از من
روم عرض کنم پیش خداوند
چطو یاری گرفته بهتر از من؟ *

سیاچشمی که نارنجسی بمن داد
بدل گفتم خدا گنجی بمن داد
سردستم گرفت بردم به خانه
از آن کنج لبش بوسی به من داد

مردم فارس همه مهربان و غریب نواز و مهمان دوست هستند. با سادگی و فروتنی خوش برخوردی خاص خود هر مهمانی را می‌پذیرند و از او گرم پذیرایی می‌کنند. اهالی «دوزه» نیز از این سنت پسندیده فارسی ها پیروی می‌کنند و مقدم هر مهمان غریبی را گرامی می‌دارند. در صحبت کردن علاوه بر کلمات محلی که بکار می‌برند و جدولی از آنها در زیر آمده است به اکثر اسامی يك «و» می‌چسبانند مانند: دهو (ده) تفنگو (تفنگ)، ماشینو (ماشین)، موتورو (موتور). در جدول زیر بعضی از اصطلاحات محلی و کلمات محلی آمده است.

باکت نیست: سلامتی

باکی نیست: عیبی ندارد
فرصت: سفر بخیر، خدانگهدار و در بعضی موارد جنبه سؤالی دارد و به معنی کجا می‌روی، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

دیه: مادر
لور: گرفتار شدن در میان دزدان
جرح کردن: نزاع کردن
سقط کردن: هلاک کردن
طشتك: ديك
گرییدن: گریستن
چال: گاوپیشانی سفید
کولار: بز يك ساله
بوا: پدر

چراغ برق: چراغ زنبوری
بلك: خارمغیلان
جرو: جوراب
مخ: درخت خرما
خاگ: تخم مرغ
شله: خوره، خورجین
دائی: خالو

گالش چای خوری: استکان
شیره گیر: آب کش
کت: نیم کت
پیش کت: میز
کت خواب: تختخواب
پوشنگ: رختخواب، زیلو
روغونه: رودخانه

پابو: بلندشو
جونگه: شنگول، گوساله‌نر
تی تی: نوعی بز، نوعی پروانه
عرض کردن: شکایت کردن
چراغ تریك: چراغ قوه
كل: زالزالك
شل: گل

وار: بلندی، بالا
شيب: گودی، پایین
مدنی: لیموشیرین
گلینه: انبار گندم که مانند تنور با گل

می‌سازند و در ته آن سوراخی است که از آن گندم برمی‌دارند پدران در اینجا برای فرزندان شان اسامی زیبایی برمی‌گزینند. مثلاً برای پسران: خورشید، بهار، ریحان، قالی، تسلیم، کیامرث، کورش، خسرو، تیپو، سرفراز و برای دختران: صنوبر، ماهی، لاله، دنیا بهار، نازی، شکوفه، مروارید، یاقوت، نگین، لؤلؤ، ساغر، ساربه، ساقی، گلاب، بلال، ملکی، مژگان، ماه‌نوش.

بعضی کارها مانند جدول روبی (لاروبی جوی اصلی آب) را دسته جمعی انجام می‌دهند و هنگام درو، دهکده از مردان خالی می‌شود و همه برای درو گندم و جو که بعضی به صورت دیم است، به مزارع می‌روند. چلتوك کاری نیز به دنبال فصل درویش می‌آید و چندروزی وقت آن‌ها را کاملاً اشغال می‌کند.

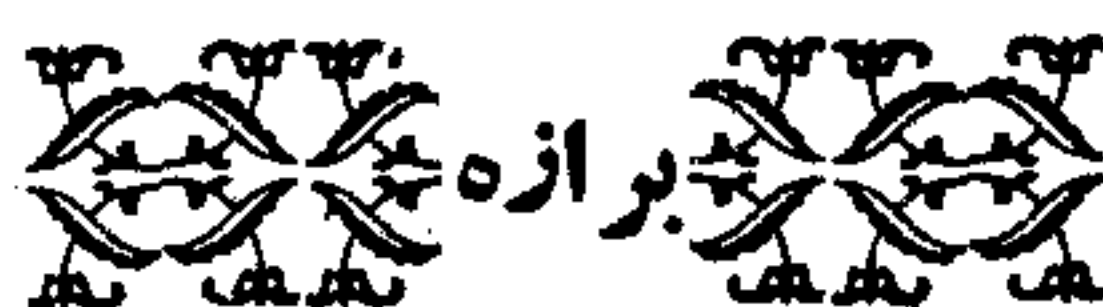
در این دهکده برخلاف بعضی روستاهای مجاور که همه کار را چه مشکل و چه آسان

زن و مرد مشترکا انجام می‌دهند ، زنان از کارهای سخت معافند و دخالت آنها در امور کشاورزی به صورت چیدن باقلا و یاسبزی و در امور دامداری به صورت دوشیدن حیوانات و رسیدگی به آنهاست .

«دوزه» از سه محله جدا از هم تشکیل شده که یکی را دوزۀ ویکی را خواجه بالا و سومی را «محله سادات» می‌نامند و مجموع سه محله را «دوزه» می‌گویند .

روستاهای همسایه دوزه عبارتند از «نوداد» (چیکون) «همنده» و «اسفل» که «دوزه» از هر سه آنها آباد ترو بزرگ تراست .

سیاهی دانش قریه دوزه جهرم
محمد کبیری رهنی



برای شہلا دانشجوی معماری مدرسه
عالی هنر های تریینی

گفتی که نرم هستم در دست «او» چو موم !

*

روزی کلام تازه و زیبا سروده‌ام .

گرم ،

از عشق شکوه کرده و از مهر خویشتن ،

افسانه گفته‌ام .

گر در کلام خود ،

شوری نهفته‌ام .

عاشق نبوده‌ام ، بخدا عشق بوده‌ام .

من پرده حیای عدم را دریده‌ام .

من چشمه های نور در عالم گشوده‌ام .

من از درون خویش جهانهای زنده‌ای ،

در گوشه های ژرفی ظلمت برانده‌ام .

من در کنار نیستی کهکشان تار ،

نوری رسانده‌ام .

بانور خویش دانه هستی نشانده‌ام .

من عشق پاک هستم و من عشق بوده‌ام .

عاشق نیم ولی همه جا از برای عشق ،

بذری فشانده‌ام .

شعری سروده‌ام .

*

در ژرفی عدم ،

تامن ز شعله تن مادر جدا شدم ،

تاخود نور بوده‌ام .

در نیستی چو دیده هستی گشوده‌ام ،

پر شور بوده‌ام .

تازندگی به پیکر من خوی گر شده‌ست ،

من چشمه گداخته‌ام ، شعله میزنم ،

من گوی آتشم ...

خورشید تابناک گدازنده‌ام —

منم !

گر خود برازه‌ای

از هستیم ولی همه جا هستی از من است .

از آتش درون من این ژرفنای تار ،

این گونه روشن است .

*

من چون ستاره ها ،

چون خشمگین شراره خورشید — پاره ها ،

در خویشتن گدازم و تابندگی کنم .

از تابش من است :

گر چشم تیر و دیده ناهید روشن است !

گر ماه باز تابد ...

از تابش من است .

*

من بذر زندگی به جهانها فشانده‌ام .

من طعم زندگی به گیاهان چشانده‌ام .

من شعر گفته‌ام .

وز شعر خود جهان نوی پرورانده‌ام .

در این جهان تازه ز سوز درون خویش ،

شوری نشانده‌ام .

*

من موم نیستم !

من آتشم گداخته‌ام

— گوی آذر !

خورشید تابناکم و مهر توانگرم !

من از درون خویش جهانهای زنده‌ای

در قلب نیستی :

— همه جا هست کرده‌ام !

من چشمه های نور در عالم گشوده‌ام .

با آتش مذاب دلم گرم گشته‌ام .

زان لحظه‌ای که پیکر من کرده‌اند ،

باسوزش و گدازش خود خو نموده‌ام .

گر موم بوده‌ام ! !

از آتش درون خودم نرم گشته‌ام ! ...

حبیب آیت‌الهی — پاریس

سفر روحانی سهروردی

مقدمه

«قصه الغربة الغربية» از نوشته های شیخ شهاب الدین سهروردی شیخ اشراق می باشد که به عربی نگاشته و سپس به فارسی ترجمه و شرح شده است. مترجم و شارح فارسی این بظاهر داستان معلوم نیست ولی کهنگی سبک نگارش قدمت آن را باثبات می رساند. در زیر «قصه الغربة الغربية» را بدون شرح آن نقل می کنیم. این رساله را بادو رساله دیگر و شرح فرانسه پرفسور هانری کربن در تهران بچاپ رسانیده است.

این قصه ظاهرا داستانیست که گاهی نیز بارد بنظر می آید ولی اگر کسی برموز و اشارات آن آشنا گردد بخوبی درمی یابد که این فیلسوف بزرگ برای بیان نظریات فلسفی خویش چگونگی از رمزها و نشانه ها سود جسته است. در این نوشته هیچ جمله ای معنی معمولی و ظاهری خود را ندارد. بلکه شیخ اشراق همه مقصودها و منظوره های خود را برمز و کنایه (سمبولیک) بیان کرده است.

حسن مظلوم

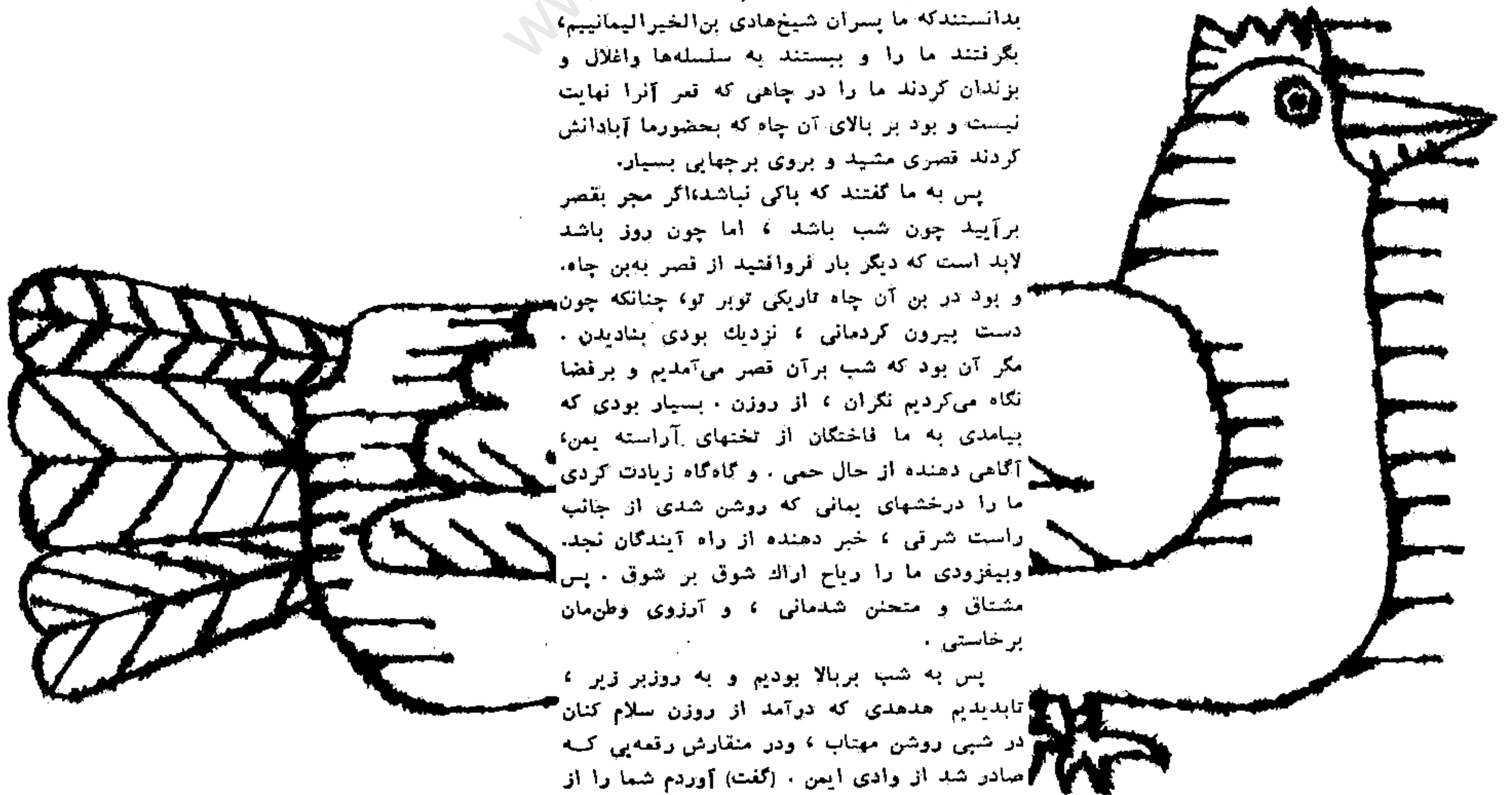
از: شهاب الدین سهروردی (شیخ اشراق)

قصه الغربة الغربية

چون سفر کردم با برادر خود غاصم از دیار ماوراء النهر بسوی بلاد مغرب تا صید کنیم گروهی از مرغان ساحل دریای سبز (را)، پس بیفتادیم ناگهان به دیهی که اهل او ظالمند، اعنی مدینه قیروان، پس چون از قدوم ما آگاه شدند و بدانستند که ما پسران شیخ هادی بن الخیر الیمانییم، بگرفتند ما را و ببستند به سلسله ها و اغلال و بزدان کردند ما را در چاهی که قعر آنرا نهایت نیست و بود بر بالای آن چاه که بحضور ما آبادانش کردند قصری مشید و بروی برجهایی بسیار.

پس به ما گفتند که باکی نباشد، اگر مگر بقصر برآیید چون شب باشد، اما چون روز باشد لابد است که دیگر بار فروافتید از قصر به بن چاه. و بود در بن آن چاه تاریکی تو بر تو، چنانکه چون دست بیرون کردمانی، نزدیک بودی بنادیدن. مگر آن بود که شب برآن قصر می آمدیم و برفضا نگاه می کردیم نگران، از روزن بسیار بودی که بیامدی به ما فاخترگان از تختهای آراسته بمن، آگاهی دهنده از حال حمی. و گاه گاه زیادت کردی ما را درخشهای یمانی که روشن شدی از جانب راست شرقی، خبر دهنده از راه آیندگان نجد. و بیفزودی ما را ریاچ اراک شوق بر شوق. پس مشتاق و متحنن شدمانی، و آرزوی وطن مان برخاستی.

پس به شب بربالا بودیم و به روزبر زیر، تابدیدیم هدهدی که درآمد از روزن سلام کنان در شبی روشن مهتاب، و در منقارش رقهه ای که صادر شد از وادی ایمن. (گفت) آوردم شما را از



سبا به خبر یقین ، و در نامه پدرتان مشروح است. پس چون نامه بخواندیم ، در آنجا بود که : از پدرتان هادی به شما به نام خدای بخشاینده و بخشایگر . آرزومندان کردیم ، آرزومند نمی‌شوید ، و بخواندیم شما را ، رحلت نمی‌کنید ، و اشارت کردیم ، فهم نمی‌کنید. و در نامه نبشته بود و اشارت کرده که ای فلان !

اگر خواهی با برادرت خلاص یابی ، در عزم سفر سستی مکن و دست در ریسمان ما زن ، و آن جوزهر فلک قدسی است مستولی بر نواحی کسوف. پس چون بوادی مورچگان برسی ، دامن را بیفشان و بگو : سپاس خدایرا ، عزوجل ، که ما را زنده کرد پس از آن که مرده بودیم و نشر و مصیر ما به اوست . و بکش زنت را که او را پس مانده نیست. برو چنانکه فرمودیم و در کشتی نشین ، و بگو : بسم‌اله رفتن را و ایستادن را . و شرح کرده بود در رقعہ آنچه در راه بودنیست .

پس همدیگر پیش رفت و آفتاب بالای سرما شد. چون بکنار سایه رسیدیم . پس بنشستیم در کشتی و می‌خواستیم که به‌طورسینا رویم تازیارت صومعه پدر کنیم. پس موج حجاب شد میان من و پسر و او غرقه شد و بدانستم که صبح نزدیک‌ماست. و بدانستم که دیهی که درو پلیدیهای کنند ، زیرو زبر خواهد شد . و یاریدنیست بر وی بارانی از سنک و گل . پس چون برسیدیم به جایگاهی که در آن امواج تلاطم می‌زد و آبها متقلب می‌شد ، دایه خویش را بگرفتم و در آب انداختم . و می‌رفتیم بکشتی به تختها ولیفها و سمارها. پس کشتی را بدویدیم از بیم امیر که وراء ما بود و از هرکشتی باج می‌ستد بفضیب . پس این کشتی ما برسید بکوه یاء جوج و ماء جوج .

و در آن وقت پیش من بودند پریان . و درحکم من بود چشمه مس روان. پس بفرمودم پریان را تا بدمیدند در آن مس که آتش شد. پس از آن سدی بیستم میان من و یاءجوج و ماءجوج . حقیقت شد مرا وعد پروردگار من . و بدیدم در راه کله های سرعاد و نمود ، تهی و پوسیده برتخته های ایشان. و بگرفتم ثقلین را به افلاك و در قاروره‌ی گذاشتم که من ساخته‌ام و در آنجا خطوط هاست. پس ببریدم جویها را از جگر آسمان . پس چون آب آسیاب بریده شد ، آسیاب ویران شد و گوهر به‌گوهر رسید و ائیر شد . بینداختم فلک‌الافلاك برآسمانها ، تا آس کرد آفتاب و ماه و دیگر کواکب را. پس برستم از چهارده تابوت ، و از ده گور که ازو برانگیزند. به‌سایه خدا تا منقبض شود به اقدس قبض آسانی. پس بدیدم راه خدا و دریافتم که اینست راه راست و بگرفتم خواهر خویش را و بپوشانیدم درو پوششی از عذاب خدا. پس بماند درپاره‌ی از شب و در تبی و کابوسی که راهی میبرد به صرهی سخت . پس بدیدم چراغی که ازو نوری تافت و برافروخت سکان خانه از اشراق او. پس بنهادم چراغ را در دهان اژدهایی ساکن در برج دولاپ که زیر قدم او دریای قلزم است و بالای او ستارگان که پرتو شعاع ایشان نداند الامیدع ایشان وراسخان در علم . پس بدیدم اسد و نور را که غایب شده بودند و کمان و خرچنگ در نور دیده بودند در نور فلک ، و بماند ترازو راست. آنگاه

که طلوع کرد ستاره یمانی ورای پرده‌ها و آن پرده‌ها تنیده متکبوت های گوشه‌های عالم منصبری باشند ، در عالم کون و فساد. و با ماگوسپندی بود، او را در بیابان رها کردیم ، پس زمین لرزه‌ها وی را هلاک کرد و آتش صاعقه در او افتاد . و چون مسافت بریده شد و راه به‌پایان رسید . و بجوشید آب تنور ، از شکل مخروط ، پس جرم های علوی را بدیدم ، بدانها پیوستم و نفعه ها و دستانهای آنها بشنودم و خواندن آن آهنگها بیاموختم و آوا های آنها چنان در گوشم اثر می‌کرد که گویی آوای زنجیری است که بر سنک خارده کشند . پس نزدیک آمد که از لذت آنچه بدو رسیده‌بودم، رگها و پی‌های من از هم فرو گسلد و مفصل‌های من جدا گردد. و حال برین منوال بود تا ابر پراکنده شد و مشیمه

کردم و نزدیک بود که در فروغ تابناک وی بسوزم. پس زمانی نگریستم و نزد او از زندان قیروان شکایت کردم. مرا گفت : «نیکورستی ، اما ناگزیر بزندان غربی باز خواهی گشت ، و هنوز همه بند را از خود نیفکنده‌ای.»

پس چون گفتار او بشنودم ، هوش از سرم بشد ، و آه و ناله برآوردم همچون ناله کسی که نزدیک به مرگ است ، و نزد او زاری کردم .

گفت : این بار ترا باز گشتن ضروریست ، و لکن تورا بشارت می‌دهم بدو چیز : یکی آنکه چون اکنون بزندان بازگشت کردی ، ممکن است که دیگر بار به ما بازرسی و به بهشت ما بازگردی. دوم آنکه به آخر باز گردی و خلاص یابی ، و آن شهرهای غریب را جمله رها کنی.»



فرحناک گشتم بدانکه گفت . پس دیگر بار گفت: این کوه طورسیناست این مسکن پدر من و جد تست . من نیستم به اضافت با او ، جز چون تو به اضافت با من . و ما را اجداد دیگر هستند تانسیب به ملکی رسد که جد بزرگتر اوست (که جد و پدری ندارد و همه ما بنده اویم) و او راست بزرگواری بلند ، و بالای بالاست ، و نور نور است ، و هر چیز قابل آفت و فتناست الا ذات پاک او.»

پس من در این داستان بودم که حال من بگردید و از هوا اندر مفاتی ، میان گروهی ناگردنده بیوفتادم و در دیار مغرب زندانی بماندم. و مرا چندان لذت بماند که یارای توصیف آن ندارم. پس بانک برآوردم و زاری کردم و بر جدایی دریغ خوردم . و این راحت خوابی خوش بود که زود بگذشت .

خدای ما را از اسارت طبیعت و بند هیولی رها سازد ! و بگو سپاس مرخدارا ، زود بشناید شما را آیات خود را . پس بشناسید آن را ، و نیست پروردگار ، تویی خبر از آنچه می‌کنید . بگو سپاس مرخداراست ، و درود بر پیامبر او و خاندان وی ، همگان .

باره گشت. پس از سمج‌ها و غارها بیرون شدم و از حجره ها فرود آمدم و روی بسوی چشمه زندگانی داشتم. پس سنگی بزرگ همچون پشته‌ی بر شتیخ کوه دیدم . آنگاه از ماهیانی که در چشمه زندگانی گرد آمده و از سایه آن پشته بزرگ متنعم و بهره‌مند بودند ، پرسیدم : این پشته چیست و این سنک بزرگ چه ؟

یکی از ماهیان از گذرگاهی راه خویش در دریا پیش گرفت. آنگاه گفت : «اینست آنچه میخواستی ، و این کوه همان طور سیناست و آن سنک بزرگ سخت صومعه پدرتست.» پس پرسیدم : «این ماهیان کیانند ؟» پس گفت : « همانند آن تواند. شما پسران یک‌پدرید ، و آنان را واقعه‌ی مانند واقعه تو افتاده است . پس ایشان برادران تواند.» پس چون این بشنودم و تصدیق کردم ، دست بگردن ایشان درآوردم و بدانان شاد شدم و ایشان نیز از دیدن من شاد شدند . و به‌کوه برشدم و پدرمان را دیدم ، پیری بزرگ که نزدیک آمد آسمانها و زمین‌ها از تابش نور وی شکافته شوند. پس در روی او خیره و سرگشته ماندم ، و بسوی او شدم . پس مرا سلام دادند ، او را سجده

فرشته کوچولوی من



اندام ظریف و کوچکی داشت، بی آن که رنگ به چهره داشته باشد برابر ایستاده بود و من از سؤال دیوانه‌اش کرده بودم :

— خوب چرا دو روز غائب بودی ؟
بچه ها همه ساکت بودند و سراپا گوش ؟ بدخترک چشم دوخته بودند او هیچ حرف نمی‌زد دهانش نیمه باز بود و چشمهای درشت و زیبایش بمن خیره .

من معلم یکی از مدرسه های جنوب شهر هستم کلاس اول ابتدائی را درس می‌دهم . هر روز با ۴۳ دختر کوچک، ۴۳ شخصیت متفاوت و ۴۳ انسان بی گناه و دوست داشتنی سر و کار دارم چند روز پیش یکی از بچه ها دست بلند کرد و گفت :

— اجازه ؟

گفتم : بله

— اجازه ، قائمی دیروز غائب بوده امروز هم غایبه .

گفتم : بله میدونم ، اما تو میدونی چرا مدرسه

نمیاد ؟

گفت : اجازه ، دیروز دیدمش گفت من دیگه مدرسه

نمیام ، روز ها میرم تو پارک میگردم .

با تعجب گفتم : خودش تنها میره ؟

گفت : آره ، بامامانش هم نمیکه

پیش خود گفتم يك دختر شش ساله چطور این همه

راه تنها میره گردش آنهم توی پارک شهر .

صدایم را بلند کردم تا همه بشنوند و گفتم : خوب

من مستخدم مدرسه را میفرستم در خونه شون تا به مادرش

بگه .

اینرا برای نظم کلاس و ترس بقیه بچه ها و بعنوان

تنبیه آن دخترک فراری گفتم .

و درس کلاس را شروع کردم . اولین نفر بلند نبود از

روی کتاب بخواند دومی کمی میدانست و سومی باز بسختی

جملات را ادا می‌کرد . مثل این که لقمه‌ای توی گلویش

گیر کرده است .

فکر کردم موضوع «فرار دخترک از کلاس و درس

و مدرسه » فکر بچه هارا مشغول کرده است . کتابی که جلوم

باز بود روی هم انداختم و از جایم بلند شدم بسوی بچه ها

رفتم .

گفتم : ببینید بچه ها :

قبلا هم به همه شما گفتم . اگر شما این روز ها و این

سال ها درس نخوانید موقعی که بزرگ شدید بیسواد می‌شوید

و هیچکس به شما پول نمیده و مسلم است که نمیتوانید خوب زندگی

کنید و هرچه دلتان خواست بخرید چون پول ندارید فقط

مجبورید کلفتی کنید ، کلفتی هم که خیلی سخته و زحمت

داره و پول هم نمیدن .

یکی از بچه ها که امیدی به موفقیت و قبولیش ندارم

و همیشه وارفته است با عجله گفت : اجازه ، مادر من کلفت

خونه يك دكتره ، روزی هشت تومن و پنجزار بهش پول

میدن . بابام هم اصلا کار نمی‌کنه همیشه توخونه خوابیده

مادرم همه چیز برایمان میخره . پس چرا میگن به کلفتها

پول نمیدن ؟

اندوه بزرگی روی دلم سنگینی کرد ، از این که

مادرش کلفتی می‌کرد و پدرش بیکار توی خانه می‌خوابید .

متأسف شدم از این که چرا این افکار مغز کوچک او را پر

کرده و تصور می‌کند که کلفتی سودش بیش از تحصیل

است .

کمی براش حرف زدم و توضیح دادم آنطور که او فکر

می‌کند کلفتی مثل آبرومند و پردرآمدی نیست . و امروز

این دختر ، این کوچولوی محصل ، این موجود بیگناه روبروی من و کنار بخاری ایستاده و به سوالات من می‌خواهد جواب بدهد . روسری سبز رنگش را بسرش محکم بسته ، يك جفت چشم درشت و زرد رنگ بمن دوخته شده و چترای موهای طلایش بر روی پیشانی آویزانست .

کتاب و دفترچه‌اش را زیر بغل گرفته و هر دو دستش که از سرما کبود شده روی سینه‌اش قرار دارد . بی‌جوراب است و پایش از کفش کهنه‌اش بیرون زده است يك لاروپوش که چیزی غیر از اونیفورم مدرسه است بتن دارد به او مینگرم و بخود لعنت میفرستم اگر بخوایم ناراحتش کنم و با سؤال های بیهوده خسته‌اش سازم . از طرفی وظیفهام ایجاب می‌کند که از او بخوایم تا علت گردش پارک را برام توضیح دهد .

مخصوصا این که بقیه بچه ها با بهت و حیرت منتظر نتیجه قطعی این واقعه تازه و نوظهور هستند . گردش در پارک شهر و دختری شش ساله .

دوباره شروع می‌کنم : خوب چرا دو روز غائب بودی ؟

لبهای کوچک و کبودش حرکتی می‌کنند و لرزان ازهم باز می‌شوند .

خانم : من ، من هیچوقت بدون اجازه مادرم هیچ جا نمیرم .

کلمات مقطع و تقریبا نامفهوم ادا می‌شود . دخترک

خیلی ترسیده ، خطوط چهره‌اش پرچین شده و اولین قطره

اشک از چشمان درشتش فرو می‌چکد .

نمی‌توانم این منظره را تحمل کنم اما مجبورم به

حرفهایش گوش دهم .

میگویم : بله عزیزم ، ترس همه چیز را بگو ، من

کاری با تو ندارم فقط می‌خوام بمن بگی چرا غائب

بودی ؟

و باز برایم حرف می‌زند و یا در واقع شکوه می

کند :

«بابام رفتگر پارک هست ، یه روز که با مادرم دعواش

شده بود می‌گفت آگه یه روز سرکار نرم و باغچه را جارو

تکنم و برگها را جمع نکنم بیرونم می‌کنن و همین لقمه نون

را هم نداریم .»

دخترک این بار به گریه افتاده بود و چه پر مالال میگریست

مثل این که احساس می‌کرد و می‌دانست که زندگی با او از

حالا و از همین سن سرگردانی می‌کند . گفتم : خوب بازهم

برایم بگو ، حرف بزنی تعریف کن ، بیا جلوتر ، از هیچی

ترس . و او ادامه داد .

«خانم بابام دو روزه که مریض شده اصلا نمی‌تونه بره

سرکار ، مادرم هم براش آش می‌پزه ، و دیروز و پریروز که

من غائب بودم رفتم تو پارک تا برگهای زیادی را جمع کنم

اگر هم جاروی دسته بلند بابام را دیدم بردارم و جارو کنم

تا بابام را از پارک بیرون نکنند ، میدونید اگر بیرونش کنند

ما دیگه پول نداریم نون بخریم ، لباس بخریم ، آبگوشت

بخریم .» بی اختیار دخترک رادر آغوش کشیدم بر سرش بوسه

زدم در حالیکه بغض گلویم را بشدت می‌فشرد تا چند لحظه

۴۴ نفس در سینه ها حبس شد و سکوت مطلق بر کلاس

سنگینی کرد .

من هر روز بیش از روز پیش بدرد های بچه‌هایم

آشنا می‌شوم اما افسوس که فقط برای آنها دعا می‌کنم و می

کوشم که چیزی بیاموزند اگر شما معلم این کوچولو ها ،

این فرشته‌ها بودید چه می‌کردید ؟

زهرا ستایش — تهران

صفحه چهارم

عکس یادگاری از خانواده آق مصطفی
می بینید که والد آق مصطفی هم توی دره



مسعود سلیمی

صفحه بغداد دوم



مهندس فرزاد چه میگوید طرح دریاچه‌های کویر و تنگه هرمز چیست

مطالب مربوط به این دو طرح تا امروز در يك كتاب ويست مقاله در تلاش و «دانشمند» و سپیدوسياه منتشر شده و توجه محافل مختلف را جلب کرده و حسب الامر شهبانوی محبوب ایران، سازمان برنامه توسط گروه برنامه ریزی طرح‌های آب، مشغول مطالعه این طرح‌هاست. تر آقای «فرزاد» را که می‌توان «راه‌تپیه آب و برق کافی برای ایران» نامید، آنقدر جامع و همه‌جانبه‌است که متخصصین علوم و فنون بسیاری مانند: آبیاری، برق، اتم، مکانیک، دریاشناسی، هواشناسی، کشاورزی، حمل و نقل، اقتصاد و غیره را مشغول می‌کند و هر متخصصی می‌تواند درباره امکانات و تطبیق‌فن خود با قسمت مربوطه در این پروژه‌ها قلم‌فرسایی نموده و اظهار نظر نماید. مثلاً تا امروز:

● آقای جعفر منشی‌زاده متخصص معروف هواشناسی در نشریه هواشناسی کشور ضمن بحث مفصلی درباره اثرات جوی ایجاد دریاچه‌ها می‌نویسد، اگر این دریاچه‌ها بوجود آیند، همه ساله در حدود ۵۳ میلیمتر به باران کشور اضافه خواهند نمود.

● آقای مهندس محقق‌زاده متخصص خطوط فشار قوی از آمریکا در بحث علمی مفصلی می‌نویسد چون فعلاً انتقال برق به بیش از هزار کیلومتر مسافت مقدور نیست. رسانیدن برق تنگه هرمز به تهران هم مشکل است و هم گران «تلاش شماره ۱۵»

● آقای داریوش شاهزاد دانشجوی رشته‌ساختمان که یکی از مقالات را در تلاش خوانده‌اند، از آلمان می‌نویسد، تلمبه‌های به این بزرگی هنوز ساخته نشده و مصرف برق این تلمبه‌ها، از قرار کیلو واتی ۳ ریال، خیلی گران تمام می‌شود و این پروژه‌ها اقتصادی نیست «تلاش شماره ۱۵»

● آقای مهندس گل‌سرخی وزیر منابع طبیعی با استناد به نامه دانشجوی فوق و تشویق ایشان در همان شماره می‌نویسد عقیده داشته و دارم که اصولاً اجرای چنین طرحی ضرورت ندارد.

● آقای دکتر اسفندیار یگانگی نماینده مجلس شورا و پیشقدم حفر چاه‌های عمیق در ایران و کارشناس معروف آبیاری نوین، می‌نویسد: می‌توانیم انشاء این دو پروژه را حقیقتاً یکنوع انقلاب فکری بدانیم و می‌توانیم بجزرات اظهار نظر کنیم که طرح‌های فوق از هر حیث تازه و جالب بوده و فعلاً یکی از ارزنده‌ترین و امیدوار کننده‌ترین طرح‌هایی است که میهن عزیز ما برای مقابله با کم‌آبی عجیبی که در سال‌های آتیه با آن مواجه خواهیم بود نیازمند می‌باشد. «تلاش شماره ۱۵»

● آقای غلامرضا آگاه‌گرمانی کشاورز و بازرگان معروف در نامه‌ای خطاب به مهندس هومان فرزاد می‌نویسد: در جزو آرزوهایم در این سال جدید، امیدوارم که در سال ۲۰۰۰ میلادی یعنی ۳۲ سال دیگر پروژه آقای مهندس فرزاد هم در ایران اجرا شده باشد.

● آقای حاج نعمت‌الله رحمت‌الهی لاسٹیک فروش خیابان امیرکبیر در گفتگویی که با آقای فرزاد داشته می‌گوید اگر هر يك از مهندسين مامثل آقای مهندس فرزاد فکر و کار می‌کردند و برای مشکلات ما راه حلی صحیح پیدامی‌کردند، من دیگر غصه‌ای نداشتم.

تلاش از آقای مهندس هومان فرزاد خواست تا خلاصه طرح خود و علل پیدایش آن را برای خوانندگان توضیح دهند تا آن‌هایی که کتاب پروژه و تمام مقالات را ندیده‌اند از خلاصه اصول و مطالب آن اطلاع حاصل کنند و اینک توضیحات ایشان:

مجله گرامی تلاش با نشر مجدد از تجدید بحث پروژه دریاچه‌های کویر در شماره ۱۵ مشاهده شد که اغلب نویسندگان فقط با خواندن یکی از مقالات و قبل از مطالعه اصل پروژه یا جستجو و دقت و سؤال در باره کم و کیف نکات و مطالب آن با عجله اظهار نظر مثبت یا منفی فرموده و حتی به محکوم کردن کلی پروژه پرداخته‌اند.

لذا خواهشمند است برای مزید اطلاع خوانندگان محترم فشرده اصول مطالب دو پروژه مورد بحث را بشرح زیر در آن نامه گرامی درج فرمایند موجب کمال سپاسگزاری خواهد بود.

علل لزوم این طرح‌ها :

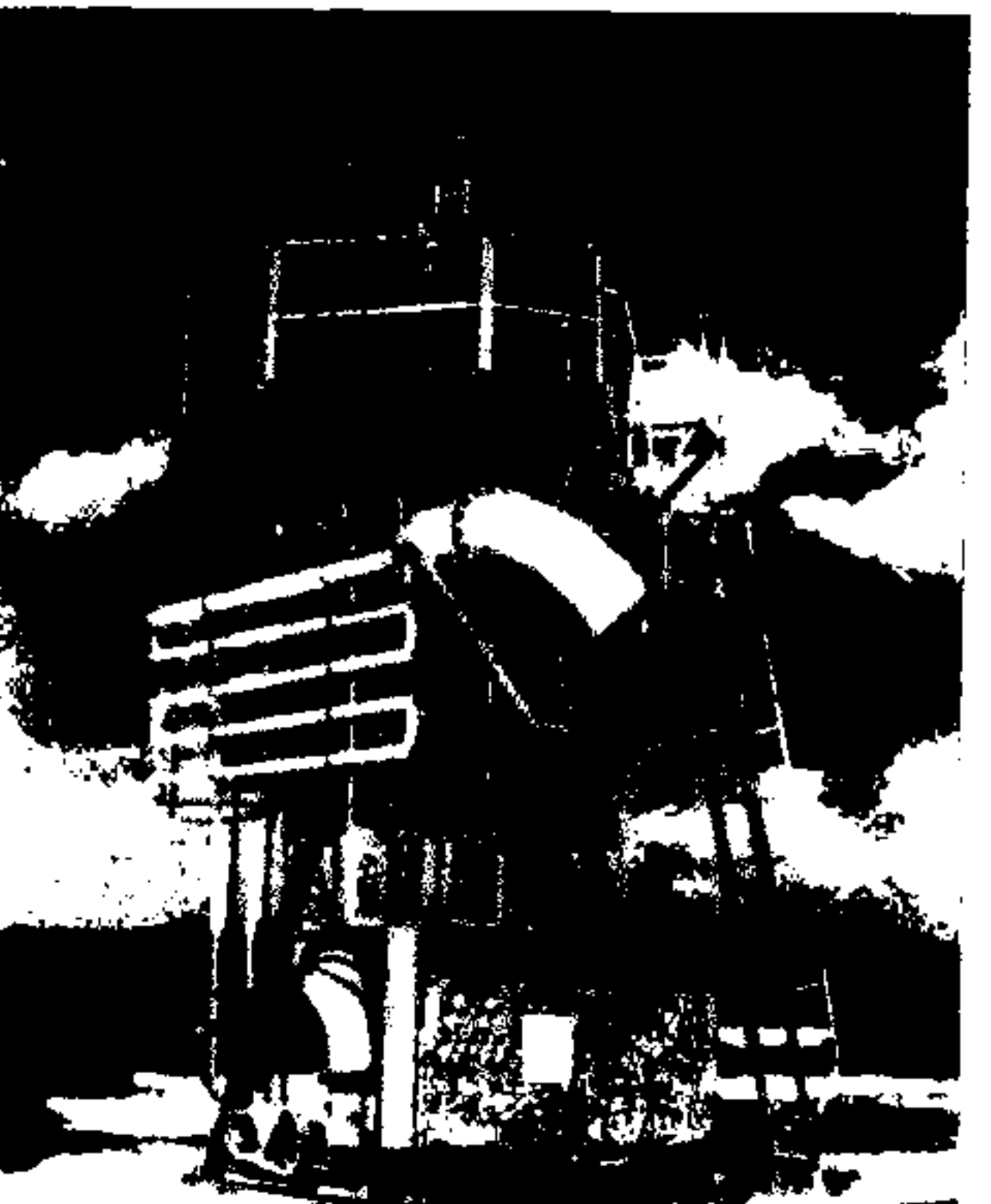
مشکلات ما : صرف نظر از مشکلات معمولی کشور مامثل مشکل ترافیک تهران یا مشکل بیسوادی و کمبود گوشت و غیره مشکل بسیار مهم و اساسی ماکه امروزه کمتر از آن گفتگو می‌شود ، مساله کمبود آب است .

شاید در طول تاریخ هم کمبود آب عامل اساسی در ایجاد قسمت بزرگی از مشکلات تاریخی ما بوده تا آنجا که داریوش کبیر هم در کتیبه ودعای معروف خود خطر خشکسالی را با اهمیت فراوان یاد می‌کند و همچنین در سرگذشت ها و روایات مذهبی ما هم تشنگی و بی‌آبی بفرم های بسیار تراژیک تجلی می‌نماید .

طرح مساله : عده‌ای می‌گویند ایران يك مملکت کشاورزی است ! عده‌ای دیگر معتقدند ایران چون آب کافی ندارد که کشاورزی باشد باید يك کشور صنعتی شود ! حقیقت چیست؟

بنده جواب این سؤال را برای شما روشن می‌کنم :

واقعیت این است که طبق آمار های علمی دقیق در يك کشور مترقی امروزی مثل آمریکا از صد مترمکعب آبی که مصرف می‌شود ده متر مکعب برای مصارف شهری و تقریباً ۵ متر مکعب صرف زراعت و ۵ متر مکعب دیگر به مصرف صنعت می‌رسد . در نتیجه زراعت و صنعت در يك کشور پیشرفته تقریباً به میزان مساوی احتیاج به آب دارند .



يك دستگاه تصفيه آب شور

صفحه ۱۴۰ و ۱۴۱

مثلاً برای توجه به میزان مصرف آب در صنعت به جدول زیر توجه فرمایید :

برای تهیه يك تن مواد شیمیایی بطور متوسط به ۷۷ تن آب احتیاج داریم

برای تهیه يك تن کافلد به ۶۰۰ تن آب احتیاج داریم

برای تهیه يك تن فولاد به ۲۷۰ تن آب احتیاج داریم

برای تهیه يك تن مس به ۱۲۰۰ تن آب احتیاج داریم

بطوری که امروزه میزان پیشرفت يك ملت را بجای سنجش آن با مصرف صابون یا سیمان یا فولاد و امثال آن با میزان «مصرف سرانه آب» اندازه گیری می‌کنند .

این میزان امروزه در ممالك مترقی در حدود ۵ تا ۷ متر مکعب در روز برای هر فرد براساس تمام احتیاجات کشور است و بطوری که پیش بینی می‌شود میزان فوق تا ده سال دیگر به (۸) متر مکعب و سی سال دیگر به ۱۲ متر مکعب خواهد رسید.

ما امروز قریب به سی میلیون نفر جمعیت داریم و این میزان برای ما (۲۷۳) مترمکعب است ولی این تمام مقدار آبی است که امروزه از ریزش برف و باران و تشکیل رودخانه ها و چشمه ها و غیره بدست مای‌رسد و به این نزولات آسمانی که فعلاً در حدود صد میلیون متر مکعب در روز است در سال های آینده چیزی اضافه نخواهد شد و برعکس تا آنجا که شواهد علمی در دست است همین مقدار هم تا پنجاه سال دیگر رو به کاهش خواهد رفت گواين که همین امروز هم در اغلب سال‌ها بیشتر دریاچه‌های پشت سد ها اساساً پر نمی‌شوند ، اما جمعیت ایران سریعاً در حال تزايد است (بنوشته آقای مهندس اصفیا تاجهل سال دیگر و بحساب آقای دکتر جمشید بهنام تا سی و دو سال دیگر جمعیت ایران به صد میلیون نفر خواهد رسید) حال اگر بهمین نزولات آسمانی اکتفا کنیم در آن روز مصرف سرانه آب ما که بعلت ازدیاد جمعیت سال به سال تنزل یافته به عدد (۱) خواهد رسید یعنی (يك مترمکعب آب برای هر فرد در هر روز برای تمام مصارف اهم از شهری و زراعتی و صنعتی) و این مقدار آبی است که بقول فرنگی‌ها برای (Subsistence) یعنی وجود داشتن یا بقول خودمان «بخور و نمیر» کافی است نه برای زندگی کردن - در حالی که این عدد برای ملل پیشرفته در آن روز حداقل (۱۰) خواهد بود که می‌توان با آن زندگی (Existence) داشت یعنی زندگی توام با پیشرفت .

لذا ما به عنوان يك ملت پیشرفته ناچاریم اقدامی بکنیم که تا سی سال دیگر بجای صد میلیون متر مکعب موجودی حداقل روزی هشتصد میلیون متر مکعب آب بصورت منظم در اختیار خود داشته باشیم . به عبارت دیگر اگر ما فقط به نزولات آسمانی متکی باشیم ، در حالی که امروز در حدود نصف آب مورد احتیاج خود را از این منبع بدست می‌آوریم ، سی سال دیگر فقط يك هشتم حداقل احتیاجاتمان را در دست خواهیم داشت ملاحظه می‌فرمایید که مطالب بسیار جدی و حیاتی است

پس چه باید بکنیم ؟

این علت طرح مساله بود اما راه حل آن :

دو پروژه دریاچه‌های کویر ایران و تولید نیروی برق از جزر و مد دریا در تنگه هرمز با توجه به مطالب اساسی فوق بعد از پانزده سال مطالعات علمی و عملی به عنوان تنها راه حل مساله کم‌آبی ایران ارائه شده است که اهم دلائل توجیه کننده آن بشرح زیر است .

۱- آب رانمی‌توانیم از خارج وارد کنیم ، ریشمان را هم برای آب نمی‌توانیم بدست دیگران بدهیم . اشاره به سرگذشت غم‌انگیز رودخانه هیرمند و صحرای زابل در اینجا کافی است (مقاله فاضلانہ خانم «مهمین محبوبی» تلاش شماره ۱۵) لذا آب را از منابعی باید برداشت کنیم که در اختیار ملت ایران باشد .

۲- ما از طریق دریای عمان به آب اقیانوس‌ها مربوط هستیم و هیچ راهی نداریم جز آن که با کمک علوم و صنایع جدید از آب دریای عمان استفاده کنیم و در چنین مقیاس بزرگی کمبود آب مورد احتیاج خود را از آن دریا تامین نماییم .

۳- ملل پیشرفته دنیا هم مثل آمریکا با داشتن رودخانه‌های بزرگ و بارندگی بسیار امروزه به شدت با کمبود آب مواجه هستند و تنها امیدشان به مصرف آب دریاهاست و از هم‌اکنون با جدیت در این مورد مشغول سرمایه گذاری و ساختن کارخانجات لازم می‌باشند .

۴- اما مملکت ما از سطح دریا خیلی بلندتر است ارتفاع اراضی قابل استفاده ما بین ۵۰۰ تا ۱۵۰۰ متر می‌باشد و این از نظر تلمبه کردن آب از سطح دریای عمان به این ارتفاع نیروی زیادی می‌طلبد و خرج زیادی دارد لذا ما باید حتی المقدور نیروی برق ارزان و زیادی بدون مصرف سوخت بدست آوریم . چنین نیرویی برای کشور ماقدرت جاذبه ماه و خورشید است که در تنگه هرمز بصورت جریان عظیم جزر و مد آب دریا تجلی می‌کند و مای‌توانیم بامهار کردن آن در حدود ده میلیون کیلووات برق بدست آوریم .

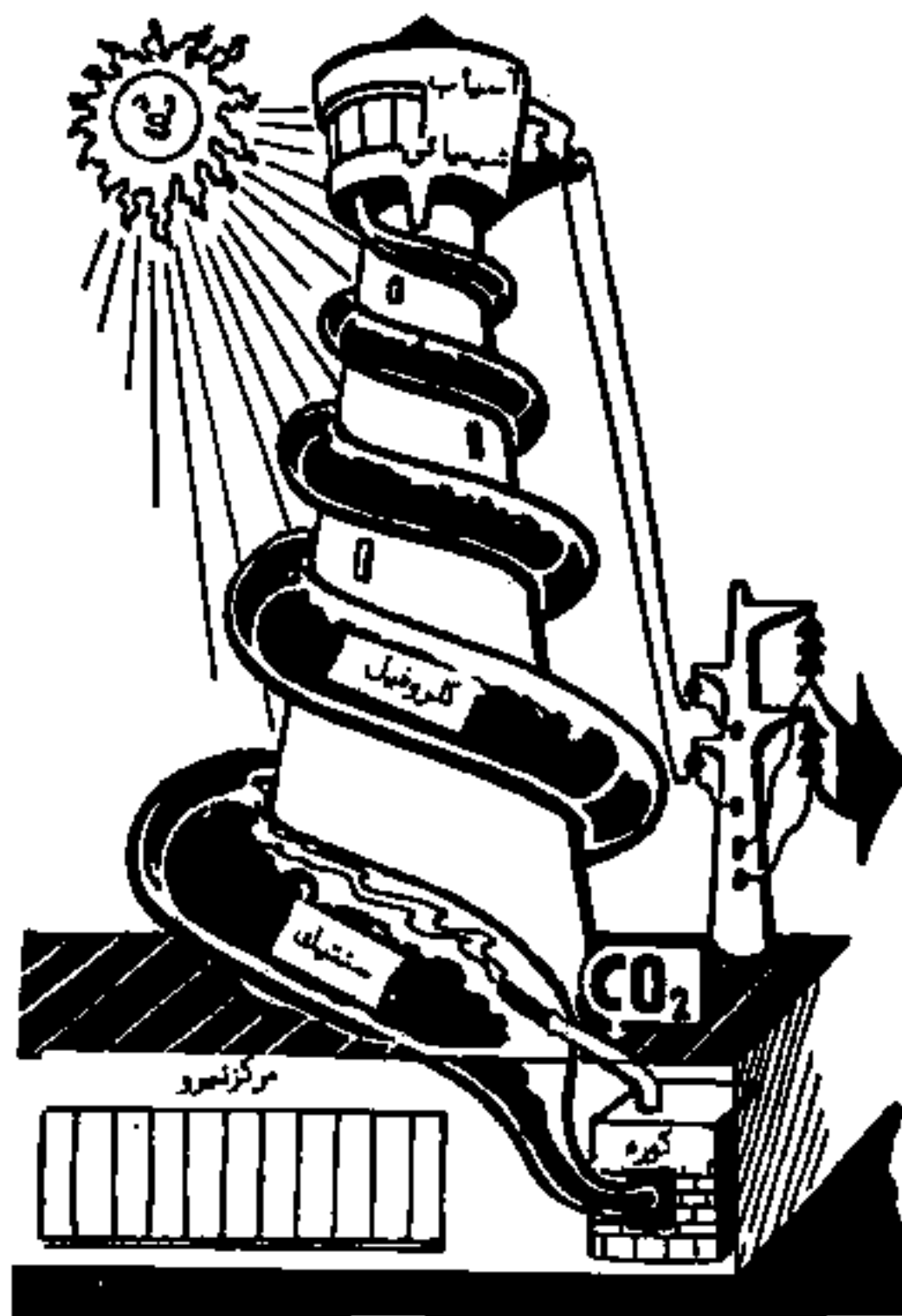
۵- در نظر بگیرید که کشور ما ایران (۱۶۴) میلیون هکتار مساحت دارد و ما بعلت نداشتن آب فقط روی شش میلیون هکتار از این مساحت بزرگ زراعت می‌کنیم که قسمت عمده آن هم دیمی است و بقیه (۱۵۸) میلیون هکتار دیگر پاکوهستانی است و یا غیر قابل استفاده و خشک است . وقتی با اتوبوس از تهران به شیراز یا کرمان می‌روید در دو طرف جاده اراضی و بیابان‌های وسیعی رامشاهده می‌کنید که خشک و لم یزرع است ، فکر کنید اگر آب باشد ، در این سرزمین ها چه بهشتی می‌شود برپا کرد .

۶- قسمتی از اراضی کشور ما شور است و شستشو لازم دارد تا بتوان در آن ها زراعت و جنگل کاری کرد برای شستشو وزه کشی این اراضی به تاسیس سیستم کانال های زه کشی احتیاج داریم . کافی نیست که از آب را به مرداب ها و کویرها سرازیر کنیم زیرا خود مرداب ها و کویر ها به نوبه خود باید شستشو شوند و زمین قابل زراعت و جنگل کاری بما بدهند پس باید کویر ها را هم با کانال های عظیم به پایین ترین سطح کشور وصل



این کانال که در حدود یکصد متر عرض و ۱۵ متر عمق خواهد داشت از ساحل بلوچستان تا خراسان و از آنجا تا شمال دریایچه قم و از آنجا تا کاشان بدور کویر مرکزی تا کناره غربی کویر لوت و از آنجا در امتداد جنوب تا حوالی میناب که مجدداً بدریای جنوب وصل می شود ، کشیده خواهد شد .

در نقاط لازم سیستم های آب بند و تلمبه خانه های مناسب برای بالا دادن آب و کشتی ها روی این کانال ها تاسیس می گردد که از شبکه برق سراسری کانال ها استفاده خواهند کرد . مقصود از ایجاد این کانال ها رسانیدن آب به نقاط مختلف کشور و بدریایچه ها و امکان کشتیرانی و حمل و نقل سنگین و ارزان قیمت دریایی و صید ماهی خواهد بود . یک سیستم دیگر کانال هم در وسط دریایچه ها را بهم وصل می کنند و بدریای عمان منتهی می شوند که زه آب شور و تلخ دریایچه ها را به بحر عمان می ریزد و روی این کانال ها در نقاط مناسب نیروگاه های هیدروالکتریک تاسیس می شود که به شبکه برق کمک خواهد کرد .

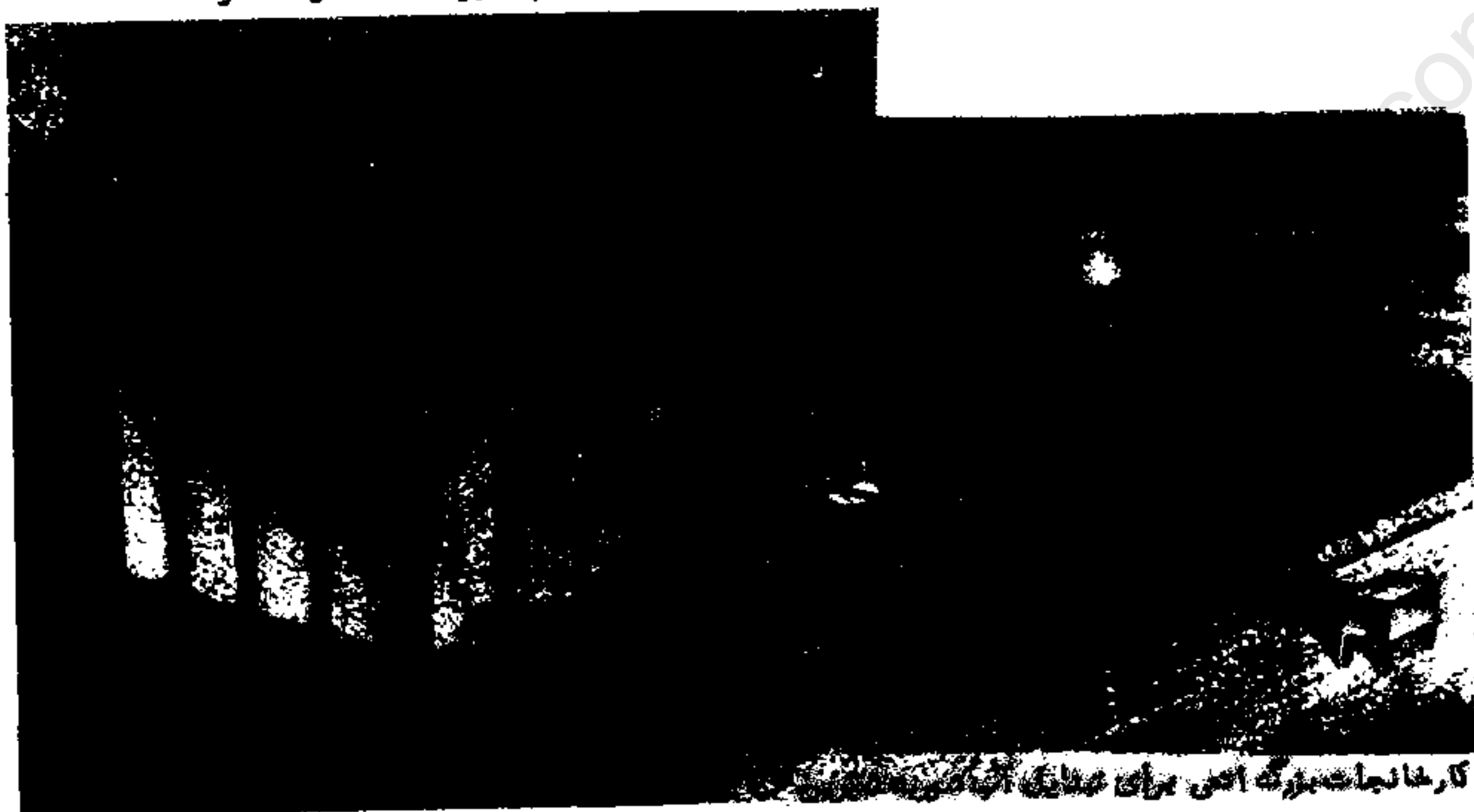


درآیه (کرفیل سنته تیک) گنبد دسترس بشهر نیروی آفتاب خواهد بود . روی کرفیل راه صورت مصنوعی خواهیم ساخت و در آن روزنه ها (برق ارگانیک) بشکل فوق در اختیار بشر قرار خواهد گرفت و نیروی آفتاب را مستقیماً به برق تبدیل خواهد نمود .

کنیم و این سطح دریای عمان است .
۷- کویر های ما علاوه بر آن که شور هستند باعث ایجاد باد های گرم و طوفان های ریک روان می شوند که هر نوع زراعت و جنگل کاری را در شعاع تاثیر خود که بسیار هم وسیع است با خطر خشک شدن روبرو می کنند به علاوه خود کویر ها هم همه ساله گسترش پیدا می کنند و آبادیها و حتی شهر های اطراف را در کام خود فرو می کشند (سبزوار) لذا باید هر چه زودتر این کویر ها را خاموش کنیم و خاموش کردن آن ها فقط با «آب» امکان پذیر است والا خطری بسیار جدی را برای هستی و بقای تمدن خود نادیده گرفته ایم (هشدار ، نشریه هواشناسی فروردین ۱۳۴۷) حال اگر این کویر ها تبدیل به دریایچه شوند رطوبت نسبی را در هوای کشور تا شعاع بسیار زیادی از دریایچه ها بالا برده ایم و باد های شدید را ملایم کرده ایم و امکان ایجاد مرتج و جنگل را افزایش داده ایم چنانکه بنابر شواهد تاریخی این وضع تا چند هزار سال پیش هم وجود داشته است .

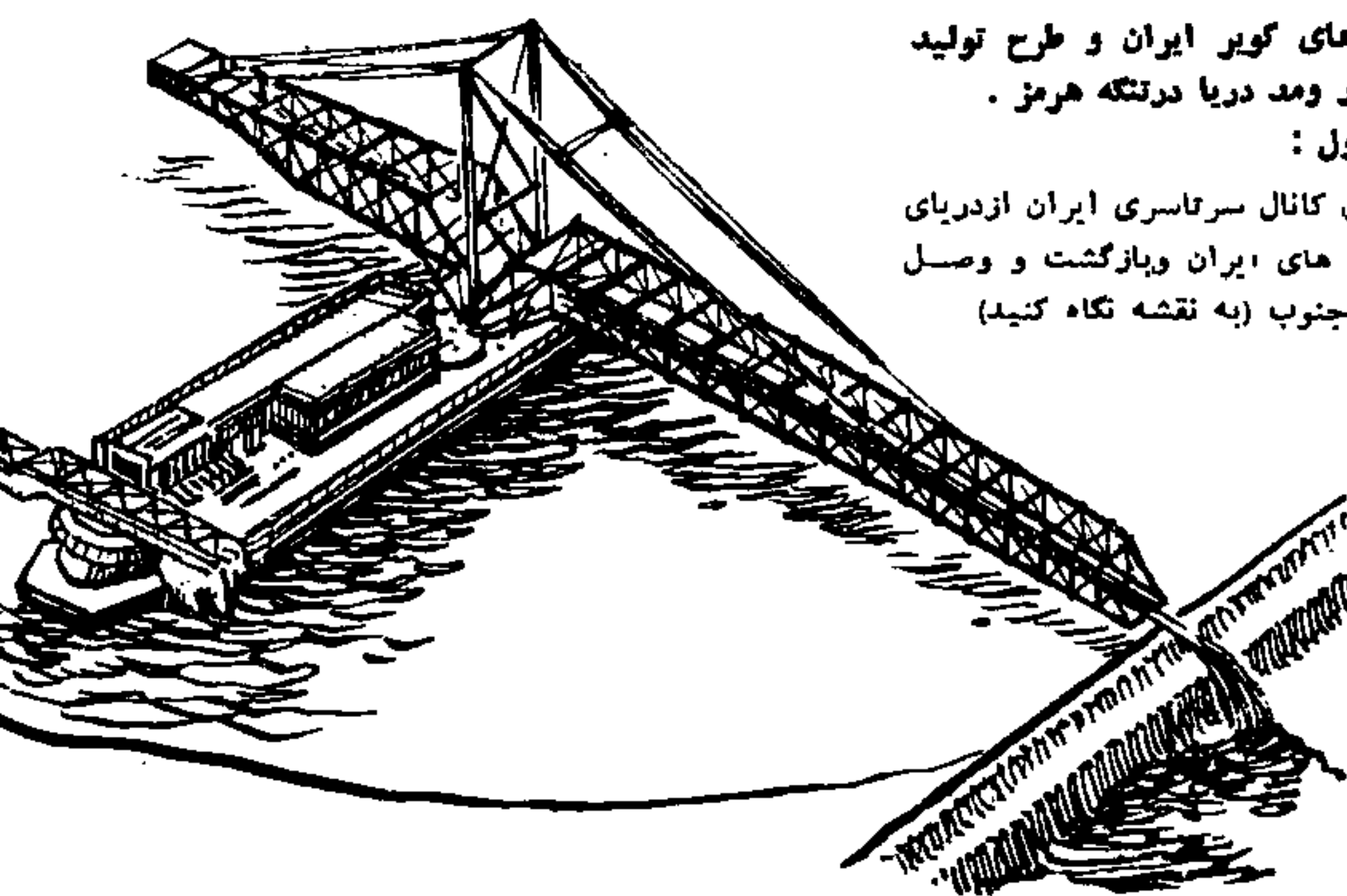
۸- ذخیره آبهای زیر زمینی ما خیلی کم و ناپایدار است و با استفاده زیادی که از آن ها می کنیم بزودی به حد اقل موجودی عمومی آبهای زیر زمینی خواهیم رسید و قوانین تعدیل مصرف از هم اکنون بشدت و بحق اجرا می شود . لذا روی چاه های عمیق نمی توانیم تکیه کنیم زیرا احتیاجات ما صد ها برابر امکانات آبدهی این چاه ها است .
۹- آفتاب بیکران کشور ما خود منبع نیرویی است که غیر از تبخیر مستقیم دریایچه ها و کمک به باران زایی ابرها بزودی علم و صنعت راه استفاده مستقیم از آن را برای تبدیل آب شور به شیرین بمانشان خواهند داد . اما بالاخره این آب شور را باید به مقدار زیاد و بطور منظم موجود کنیم که بشود از آن استفاده کرد . در ضمن کاسه ها و فرورفتگی های طبیعی کویر ها که خود سابقاً دریایچه بوده اند برای ایجاد دریایچه های مصنوعی اهمیت فراوان دارند و شانس بزرگی برای کشور ما محسوب می شوند زیرا در کمتر کشوری چنین وضعی بطور طبیعی در دسترس است . ارتفاعات و شیب ها هم در کشور ما اگر برای بالا دادن آب مشکلائی ایجاد می کنند . در عوض برای زندگی و زه کشی و عملیات همرا و آبادی چه از لحاظ شهر سازی و چه از لحاظ کشاورزی بسیار مناسب هستند . در نظر بگیرید که در پاکستان شرقی همه ساله با هر سیلی که جاری می شود بعلت مسطح بودن اراضی چندین میلیون هکتار زراعت و چند هزار آبادی بزر آب می روند و چه فاجعه و زیان هایی را سیلاب رودخانه ها در اراضی مسطح باعث می شوند .

۱۰- شانس بزرگ ما این است که علم و تکنولوژی این عصر به ما کمک می کند . زیرا امکانات ساخت تلمبه خانه های عظیم و نیروگاه های بزرگ اتمی و هیدروالکتریک و کندن کانال های بزرگ با سرعت زیاد و خرج کمتر که امروزه فراهم است حتی تا بیست سال قبل هم در دنیا ممکن نبود .
حالا به بینیم خلاصه پروژه چیست ؟ این پروژه شامل دو طرح است ، بشرح زیر :



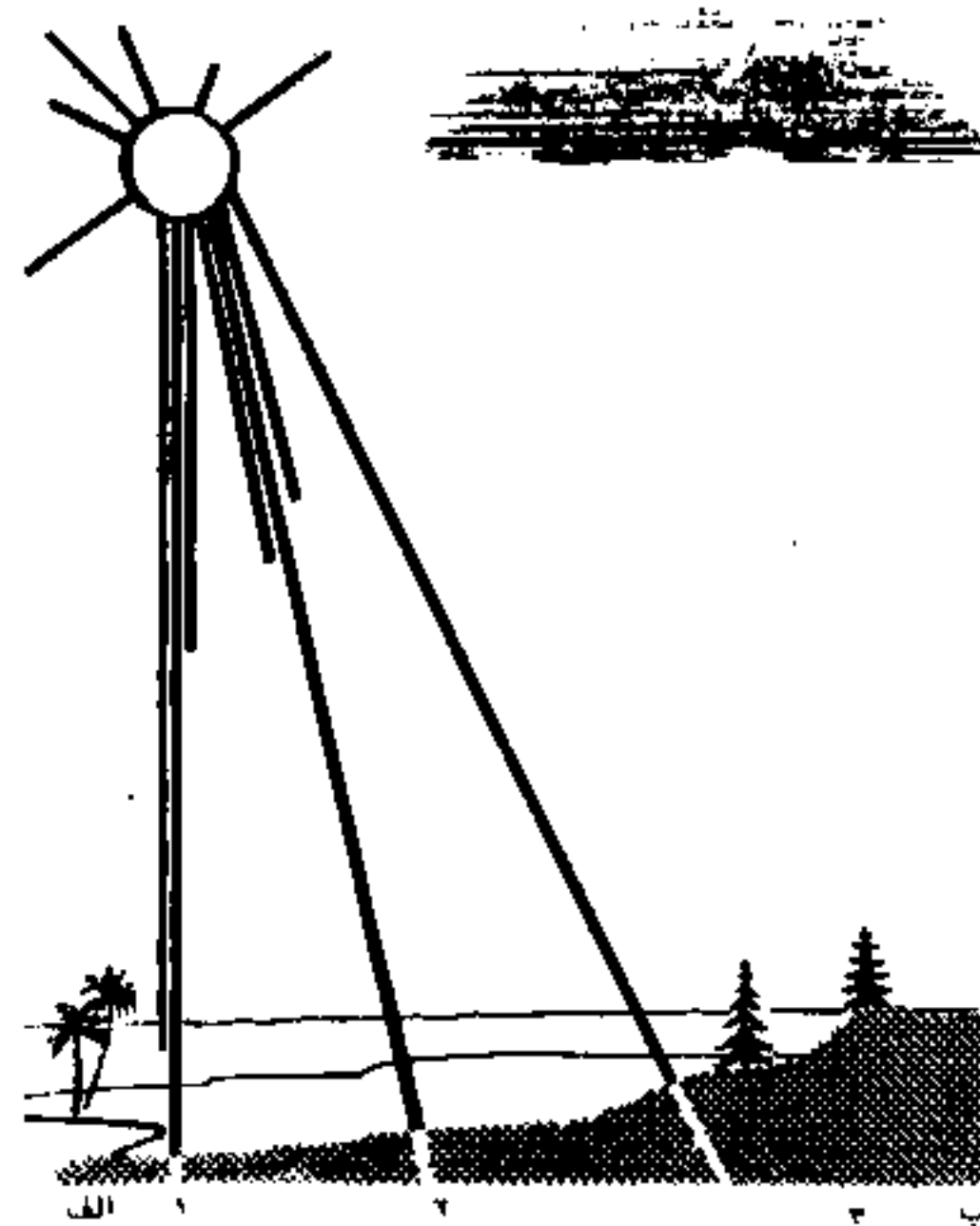
طرح دریایچه های کویر ایران و طرح تولید نیروی برق از جزر و مد دریا در تنگه هرمز . خلاصه طرح اول :

الف - کشیدن کانال سراسری ایران از دریای عمان به دور کویر های ایران و بازگشت و وصل مجدد آن بدریای جنوب (به نقشه نگاه کنید)



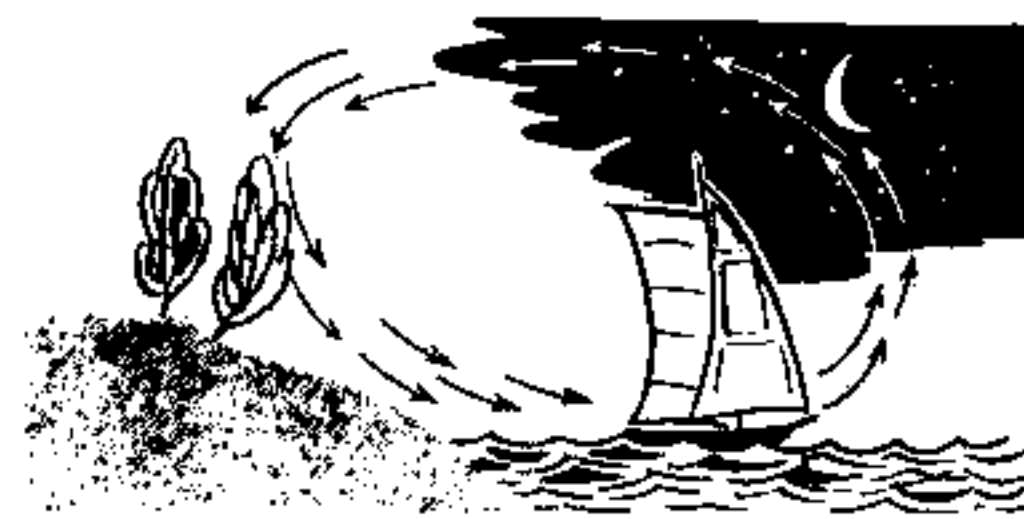
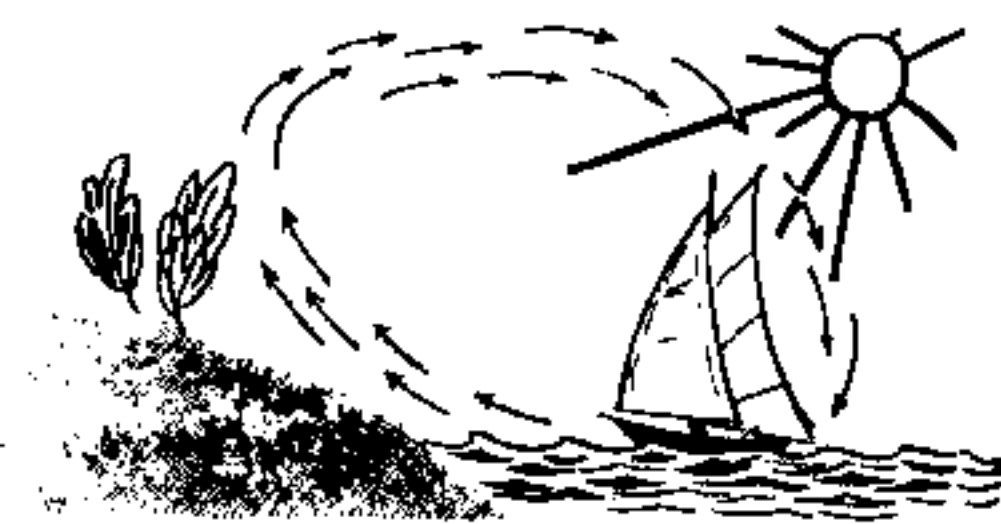
نمونه ای از دستگاه عظیم وجدید کندن کانال کتی بنام suction dredge

می‌کنم که تا پنجاه سال دیگر با استفاده از تکنیک تکامل یافته شیرین کردن آب های شور قسمت اعظم



آب مورد احتیاج کشور را تامین خواهیم کرد. از شبکه عظیم کانال های آب شور که جریان های حیاتی کشور ما را تشکیل خواهند داد رودخانه های بزرگی از آب شیرین سرچشمه خواهند گرفت. این رودخانه ها از میان تصفیه خانه های بزرگ بیرون آمده بطرف دشتهای سرسبز و مراکز کشاورزی و صنعتی ما جاری خواهند گردید. این تصفیه خانه ها در عین حال تولید کننده انواع مواد شیمیایی و معدنی نیز خواهند بود. در آن تاریخ بیش از شصت درصد آب مصرفی کشور ما از دریا های جنوب سرچشمه خواهد گرفت، در حالی که کلیه رودخانه های طبیعی ما هم مهار گردیده و مورد استفاده واقع شده حتی يك قطره هم آب شیرین بدریای آزاد نخواهد رفت. (مگر در سیلابهای اتفاقی بسیار بزرگی که گاه گاه دیده خواهند شد.)

در آن تاریخ روی نقشه کشور ما دو سیستم کانال جدید آبیاری با دو رنگ مختلف به چشم خواهد خورد. مثلاً رنگ قهوه ای برای نشان دادن مسیر کانال ها و دریاچه های آب شور و رنگ سبز تیره برای کانال ها و لوله های آب تصفیه شده شیرین. البته این ها غیر از خطوط رودخانه های طبیعی و دریاچه های پشت سد هاست که در آن تاریخ هم مثل امروز با رنگ آبی ترسیم



تأسیسات آبیاری دریاچه و دریاچه های اطراف

آب شور برای تصفیه از هر نقطه از کانال های سرتاسری برداشته شده و پس از شیرین شدن در تصفیه خانه های بزرگ به شهر ها و دهات و مراکز کشاورزی و صنعتی چه بوسیله لوله و چه بوسیله کانال های کوچکتر تقسیم می شود. سطح دریاچه ها که در حدود صد هزار کیلومتر مربع خواهد بود، ده ها متر از سطح کانال ها پایین تر انتخاب می شود که عمل زه کشی کانال ها و زه کشی عمومی مملکت انجام پذیر باشد.

پ: پر کردن کویر ها و دریاچه های کوچکتر به عمق های مختلف بطوری که فقط قسمت هایی از کویر ها که شور و بی استفاده هستند به زیر آب برود. اگر محاسبات و تجربیات بعدی تأیید کند، می توان در طول سال های بعد سطح دریاچه ها را کم کم بحد اقل تقلیل داد و قسمتی از اراضی کناره آن ها را تدریجاً به جنگل تبدیل نمود.

ج: ایجاد جاده های مناسب و خطوط شبکه برق قوی در طول کانال ها برای تغذیه تلمبه خانه ها و تصفیه خانه ها و مصارف دیگر، ایجاد بنادر و شهر ها و مراکز کشاورزی و معدنی و صنعتی در نقاط مناسب اطراف کانال ها و دریاچه ها.



نقشه پیشنهادی خطوط آبیاری

پیش بینی مخارج اجرای این پروژه: سالی سیصد میلیون دلار برای سی سال آینده.

خلاصه طرح دوم - تهیه برق لازم برای مصارف پروژه اول مخصوصاً مصرف تلمبه خانه های آب شور بمنظور تامین آب های مصرف شده در کانال ها و آبهای تبخیر شده از دریاچه ها و سایر مصارف بوسیله تأسیس نیروگاه برق جزرومدی عظیمی در تنگه هرمز بقدرت ده میلیون کیلووات و تأسیسات فشار قوی و رسانیدن برق به شبکه کشوری و تقویت این شبکه با چند نیروگاه اتمی.

پیش بینی مخارج اجرای این پروژه: سالی صد میلیون دلار برای ده سال. حال برای آنکه بتوان تصویری از نتایج اجرای این پروژه ها و وضع کشور بعد از اجرای آن ها تصور کرد، پیش بینی زیر را بخوانید:

دورنمایی از پنجاه سال بعد ایران: پیش بینی

می گردید. در کنار این کانال ها خطوط برق فشار قوی برای تغذیه تلمبه خانه های بسیاری که آب ها را به ارتفاعات و دشتهای بلندتر می رسانند، کشیده شده است. شبکه فشار قوی کشوری نیروی برق را از نیروگاه های اصلی تنگه هرمز و نیروگاه های اتمی و آفتابی از نقاط مختلف کشور دریافت می کند. بعلاوه این شبکه بوسیله تعداد زیادی مراکز برق آبشار که بر روی هر سه رنگ جریان های آب در ارتفاعات مناسب تأسیس شده، دائماً با در مواقع پیک بطور اتوماتیک تقویت می شود زیرا توربوژنراتور های آبی سریعتر از هر وسیله دیگری قادرند حتی در ظرف نود ثانیه زیر بار رفته نیروی خود را به شبکه برسانند. دریاچه های کویر که در ارتفاعات مختلف قرار گرفته اند با نیروگاه های بزرگ برق آبشار که در زیر ریزش آب های آنها قرار دارند می توانند عیناً مثل باتریهای عظیم ذخیره برق در کشور ما عمل کنند و نیاز ما را به نیروی برق بموقع رفع نمایند.

بعلاوه این دریاچه های آب شور وظیفه جمع آوری و زه کشی فاضلابهای شور و تلخ کشور را هم بدریای آزاد بعهده خواهند داشت. اراضی شور و تلخ فعلی در آن تاریخ بعد از شستشو به مزارع و باغات خرمی تبدیل گردیده و آبهای شور از زیر آن اراضی از طریق کانال های زه کشی به دریاچه ها می ریزند. این آبها از راه کانال ها و آبشار های عظیم پس از تحویل دادن انرژی ارنفامی خود به شبکه برق بدریای عمان خواهند ریخت.

سیستم فوق بطور حتم به اضافه شدن مقدار باران سالیانه کشور نیز کمک موثر خواهد نمود ولی دیگر کم و کیف ریزش باران تعیین کننده اصلی سرنوشت کشاورزان و دامداران و صنایع و اقتصاد ما نخواهد بود، بلکه نعمتی محسوب می گردد که از جهات مختلف منفامی اضافه برآنچه که داریم نصیب ما می نماید.

در آن تاریخ تولید ماهی از صنایع عمومی و معمولی کشور ما خواهد بود، کشتی رانی بر روی کانال ها و حمل و نقل رودخانه ای و دریاچه ای از دریای آزاد تا اقصی نقاط کشور برای ما يك امر بدیهی و عادی خواهد بود و یکصد میلیون نفر جمعیت ما می توانند با اطمینان خاطر از مواهب چنین سیستم پیشرفته ای برخوردار بوده بدون ترس از قحطی و بی آبی در این کشور زندگی کنند.

خوشبختانه امروز بر اثر ثبات سیاسی که به رهبری خردمندانه شاهنشاه آریامهر، نصیب کشور ما گردیده است فرصت و موقعیت بسیار مناسبی برای مطالعه و اجرای چنین طرح هایی برای ملت ایران فراهم می باشد. بعلاوه ده تاسی سالی که برای انجام هر يك از پروژه های فوق پیش بینی گردیده است در مقابل تاریخ چند هزار ساله ملت باستانی ایران زمان کوتاهی است و یقین دارم که هر فرد ایرانی برای حصول چنین منظور بزرگ ملی و مفیدی در تامین موجبات رفاه خود و آینده اولاد خویش از بدل هیچگونه جهد و همتی دریغ نخواهد کرد.

هومان فرزاد - تهران اول فروردین ۱۳۴۸



شیرینی

مقدمه

ما آنچه را بخواهیم خوب و در حد عالی توصیف کنیم غالبا واژه « شیرین » را به کار میبریم. کودک شیرین، قلم شیرین، زندگی شیرین، داستان شیرین، خواب شیرین و مهمتر از همه پیروزی شیرین است و بسیاری دیگر از جمله نام معشوقه فرهاد.

تلاش با یکی از شیرینی سازان تهران گفتگویی ترتیب داده است، تا خوانندگان خود را با کار یکی از سازندگان شیرینی تهران آشنا سازد.

تلاش - کارتان را از چه زمانی و در کجا شروع کردید؟

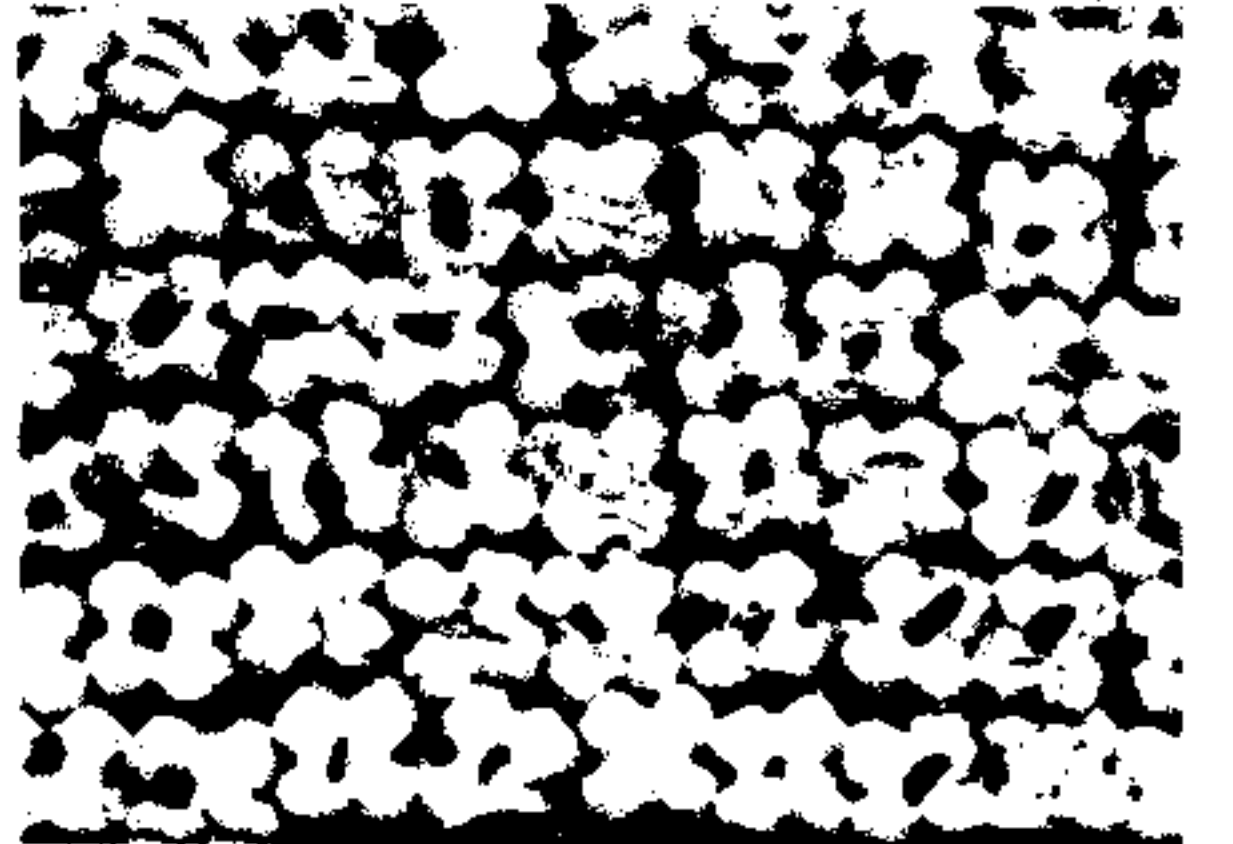
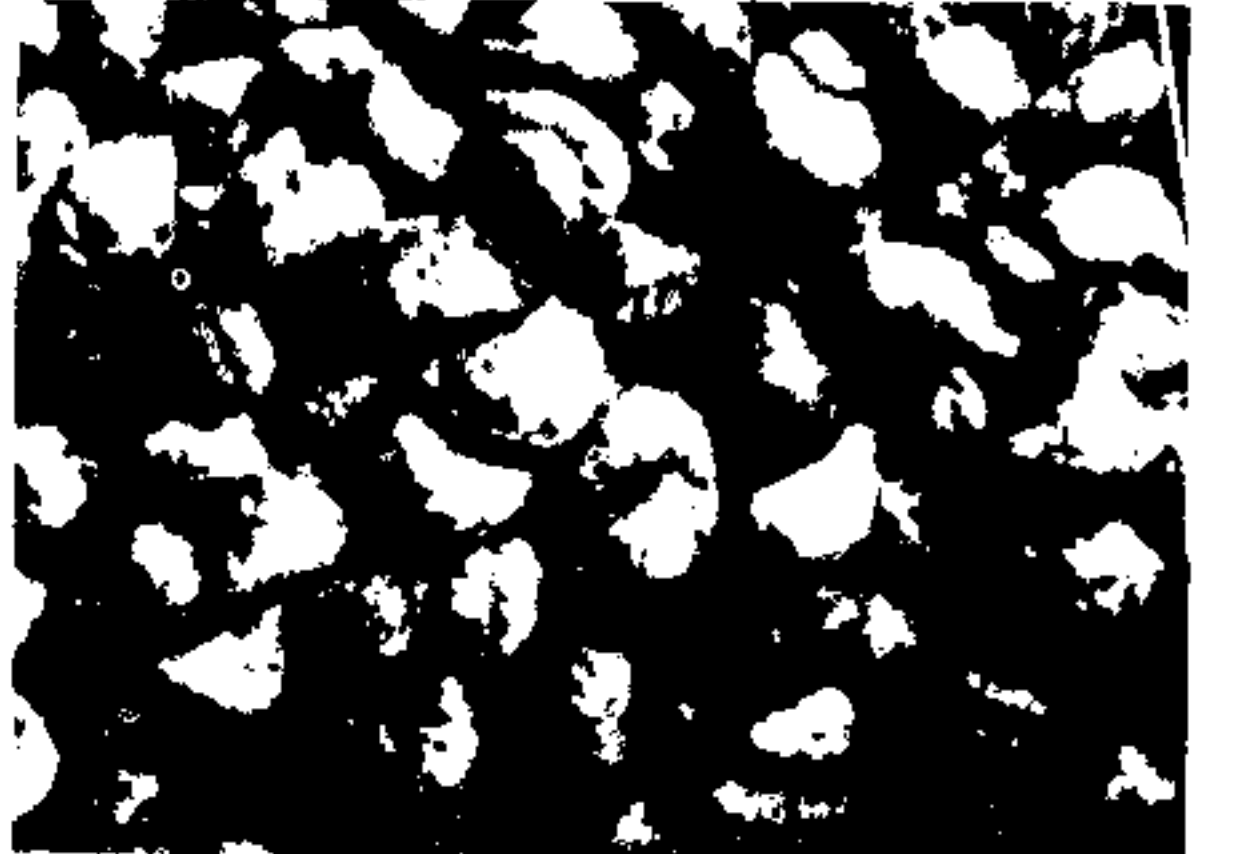
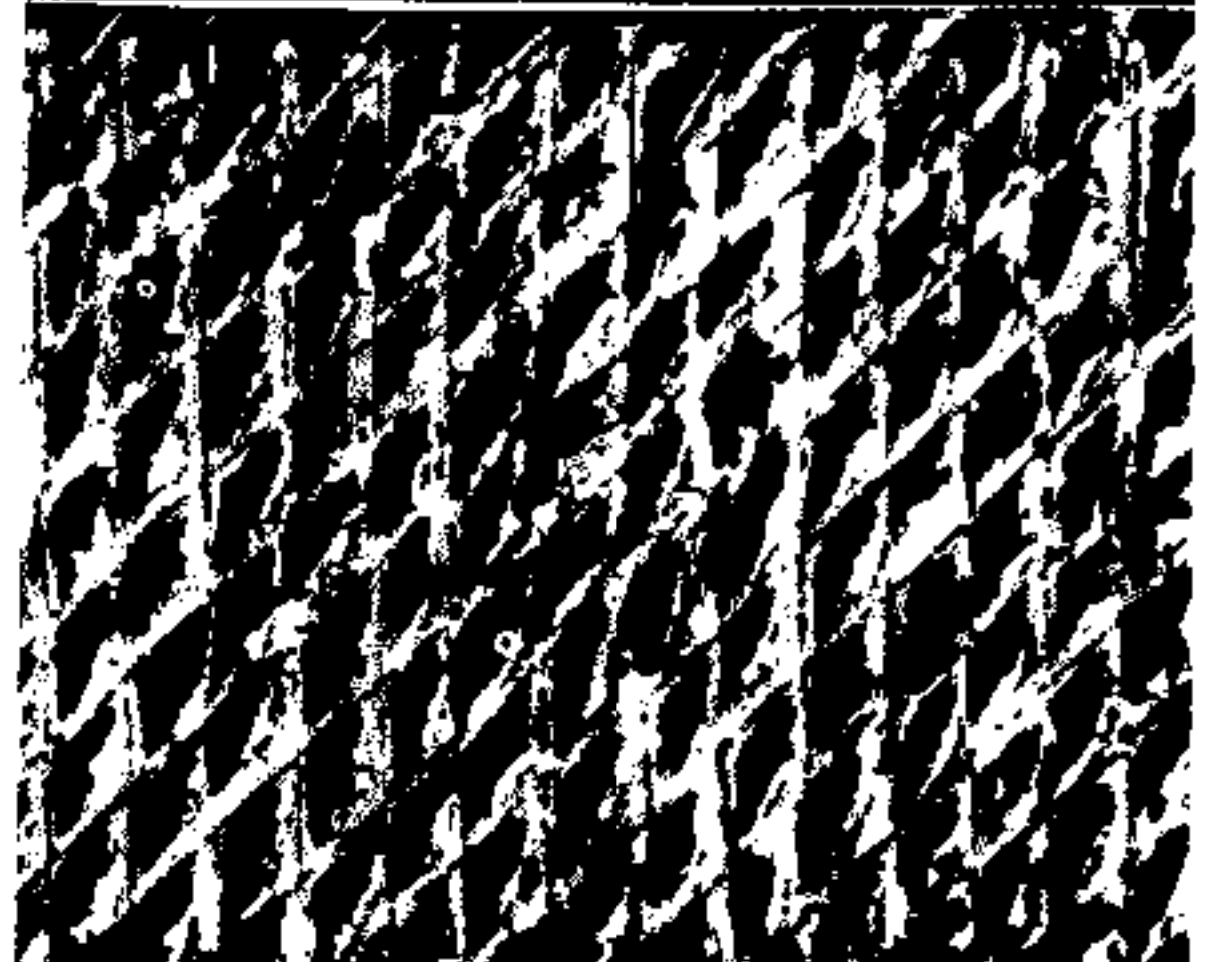
یزدی - من کارم را در سال ۱۳۳۹ در تهران خیابان تخت جمشید شروع کردم و در وهله اول مغازه کوچکی بود که در آن کار می کردم. رفته رفته در اثر ساختن جنس خوب و خوش رفتاری با مشتری توانستم نظر عدهایی از مردم را جلب کنم. پس از آن مردم استقبال خیلی خوبی از ما کردند و کم کم شیرینی های یزدی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. این استقبال مردم باعث شد که ما روز بروز سعی کنیم جنس بهتر و مصالح عالی تری به کار ببریم. و با قیمت مناسب در دسترس مشتری قرار دهیم. به مرور کارمان را گسترش دادیم چرا که دیگر آنقدر مشتری داشتیم که نمی توانستیم با يك مغازه جوابگوی تقاضای مردم باشیم. بنابراین شعباتی در نقاط مختلف شهر بوجود آوردیم به طوریکه حالا دارای ۵ شعبه هستیم.

تلاش - چرا مرکز خود را از یزد به تهران آوردید؟

یزدی - انگیزه مردم تهران در استقبال از کار ما این بود که جدا در تهران شیرینی، خوب پخته نمی شد آنچه هم که از یزد برای تهران می فرستادیم تا اندازه ای کهنه می شد چون حد اقل بیست روز طول می کشید تا به مغازه های تهران برسد.

تلاش - گفتید که تاکنون ۵ شعبه تاسیس کرده اید خوب، بفرمایید که این شعبه ها در کدام نقاط شهر قرار گرفته و آیا در شهر های دیگر ایران هم شما شعبه دارید؟

یزدی - تاکنون بر اثر کثرت کار در تهران موفق نشدیم در شهرستان ها شعبه باز کنیم ولی باید عرض کنم که ما دارای عوامل فروش در شهرستان ها هستیم بدین



ترتیب که شیرینی فروش های شهرستانی شیرینی را از ما می خردند و در شهرستان های خودشان در اختیار مردم می گذارند. ولی مقدمات کار را در چند شهرستان فراهم کرده ایم انشاء الله بزودی شعباتی در شهرستان ها باز خواهیم کرد.

تلاش - شیرینی هایی که به وسیله نمایندگی ها به مردم شهرستان ها عرضه می دارید، آیا بر اثر ماندن در راه فاسد نمی شود و شما از سلامت جنس خود مطمئن هستید؟

یزدی - شیرینی هایی را که از ما می خردند و در شهرستان ها می فروشند اصولا از نوع شیرینی هایی است که فاسد نمی شود بدین ترتیب که شیرینی های خامه دار به شهرستان ها نمی فرستیم. حتی اگر سفارش از کرج داشته باشیم کارگر می فرستیم تا در آنجا تهیه کند. شیرینی هایی مثل نان های کربویی و انواع دیگر را که حد اکثر تا ده روز براحتی می ماند و فاسد نمی شود به شهرستان ها می فرستیم و از خریدار تعهد می گیریم که بیشتر از ده روز نگه ندارد و آنها هم به اندازه ای می برند که بتوانند شیرینی را تازه تازه به دست مشتری بدهند. مردم شهرستان ها استقبال زیادی کرده اند و فروشنده های شهرستان ها اصرار عجیبی دارند که با مشارکت آن ها شعباتی درست کنیم ولی تاکنون هیچ پیشنهادی را قبول نکرده ایم.

تلاش - در روز های اول شروع کارتان چند کارگر داشتید و آیا با کسی مشارکت داشتید و اگر ممکن است حدود تقریبی درآمد اولیه خودتان را بفرمایید.

یزدی - در شروع کار ما تعداد معدودی کارگر داشتیم و کار را من و برادرم آقای محمود فرزین با ۵ کارگر شروع کردیم ولی هر چقدر که از مدت شروع کار ما گذشت استقبال بیشتری از کار ما شد و به همین جهت به تعداد کارگر و توسعه کار افزودیم. تا این که به این جا رسیدیم.

تلاش - در حال حاضر چند کارگر دارید و در این مدت آیا شریکی جز برادران پیدا کرده اید؟

یزدی - در وهله اول من و برادرم شرکت داشتیم و درآمد ما بستگی به فعالیت ما داشت. بالاخره بدان گونه بود که بتوانیم شعبه باز کنیم.

در حال حاضر در تمام مغازه ها حدود ۸۰ الی ۹۰ نفر کارگر مشغول هستند. همه بیمه هستند. با آن دقت و کوششی که در خوب بودن و تمیز بودن جنس می کنیم من و برادرم نمی توانستیم ۵ شعبه را دو نفری اداره کنیم به ناچار شرکای دیگری گرفتیم که با ما همکاری دارند. از این عده حدود ۴۰ نفرشان فروشنده هستند و ۷۰ تا ۸۰ نفر دیگر که در تابستان تعدادشان کمتر می شود

و در زمستان بیشتر به تهیه شیرینی مشغول هستند. اعم از استادکار، وردست و یا کارگر ساده.

تلاش - آیا شیرینی پزهای شما کار خود را در مغازه شما شروع کرده اند؟ یزدی - عده ای از استادکارهای فعلی، کارگران ساده ای بودند که استعداد داشتند و در نزد استادکارهای با تجربه این فن رایج گرفتند. یک عده هم در جاهای دیگر کار می کردند و بعد نزد ما آمدند و مشغول کار شدند. این عده بیشتر شیرینی های ایرانی تهیه می کنند ولی چند نفری هم متخصص شیرینی های خارجی هستند. مثل شیرینی های آلمانی، دانمارکی و انواع شکلات.

تلاش - آیا به بازار آمدن شیرینی های ماشینی و نیز شکلات های ساخت کارخانجات مختلف در کار شما تاثیری داشته یا خیر؟

یزدی - به هیچ وجه شیرینی های ماشینی به کار ما لطمه نزده و آن عده که شیرینی شناس هستند مانند سابق از ما استقبال می کنند و مردم از کار ما به قدری راضی هستند که جدا برای ما قابل پیش بینی نبود. چرا که با تبلیغات شدیدی که برای انواع بیسکویت و قافی ها می شود بازار فروش آنها با ما قابل مقایسه نیست. و در اوایل کار ساختن بیسکویت و شیرینی ماشینی که روی آن تبلیغ زیادی می شد عده ای از همکاران ما واقعا ترسیده بودند ولی ما بدون ترس و واهمه کوشش کردیم تا هر روز بتوانیم نوع تازه ای شیرینی به بازار عرضه کنیم البته برای تهیه شیرینی از بهترین نوع مواد خام اولیه استفاده می شود.

تلاش - چند نوع شیرینی درست می کنید و تا به حال کدام نوع آن ها بیشتر مورد پسند قرار گرفته و شیرینی های ایرانی بیشتر مصرف دارند یا فرنگی؟

یزدی - ما بیش از صد نوع شیرینی تهیه می کنیم ولی مقدار شیرینی های ایرانی خیلی بیش از انواع خارجی است. علت هم این است که به ذائقه ایرانی خوشایندتر است. ولی چون مشتریان اروپا دیده و یا اروپایی هم داریم که طرفدار شیرینی های آن دیار هستند از انواع خارجی هم تهیه می کنیم. ما سعی می کنیم در کار خود همیشه پیشرو و مبتکر باشیم. چنان که وقتی جنس تازه ای را به بازار عرضه می کنیم حتی برای همکاران ما هم تازه گی دارد. مثلا شکل و یا مزه آن را عوض می کنیم تا این که برای همه تازگی داشته باشد. نمونه های شیرینی از اروپا، آمریکا و حتی ژاپن تهیه کردیم و در دسترس علاقمندان قرار دادیم. من اگر بخواهم انواع شیرینی را بگویم امری غیر ممکن است چرا که مثنوی هفتاد من می شود ولی از جمله شیرینی هایی که خیلی طرفدار دارد را می توانم نام ببرم: باقلوا، قطاب، حاجی بادام انواع نانهای کربهی، انواع

نان های خامه ای، انواع کیک های شکلاتی و خامه ای، شیرینی های دانمارکی، شیرینی هایی از نوع ایتالیایی است که بیشتر برای عصرانه و با چای از آن استفاده می کنند، ولی بیشتر نوع ریزهای خانگی و شیرینی های دانمارکی بین خانواده ها رواج دارد.

تلاش - حالا بفرمایید که میزان فروش شما در همه فصل ها یکسان است یا اینکه در فصل های مختلف تغییر می کند؟

یزدی - آنچه مسلم است این است که شیرینی را بیشتر در فصل سرما می خورند و مصرف شیرینی از اوایل پاییز تا اواسط بهار خیلی زیاد است. در تابستان برائسر فراوانی میوه و گرمی هوا مصرف شیرینی بطور قابل توجهی کاهش می یابد.

تلاش - آیا تاکنون شیرینی به خارج از کشور صادر کرده اید.

یزدی - اصولا شیرینی های ما به اروپا صادر نمی شود مگر مقداری که غیر مستقیم از طرف پدر و مادر ها برای جوانانی که در خارج تحصیل می کنند فرستاده شود که اکثر از نوع شیرینی های ایرانی است. ولی به خلیج فارس، دویی و حتی پاکستان صادر می کنیم.

تلاش - بفرمایید که مشتریان شما بیشتر از کدام طبقه اجتماع هستند؟

یزدی - مشتریان ما اکثرا از طبقه مرفه اجتماع هستند، که برایشان جنس خوب مطرح است نه قیمت ولی گاهی مردمان پایین شهر و یا طبقه متوسط برای جشن هایشان به ما سفارش می دهند. البته شعباتی در قسمت های پایین شهر داریم که مورد استفاده مردم است.

تلاش - خارجی ها چه نوع شیرینی های شما را می پسندند؟

یزدی - خارجیانی که در ایران هستند مخصوصا آن ها که همسایه و همجواری و یا اصولا از کشور های خاورمیانه آمده اند باقلوای ما را خیلی دوست دارند. ولی اروپایی ها و آمریکایی ها بیشتر از شکلات و شیرینی هایی که باب ذائقه خودشان است استقبال می کنند ولی طرفدار خوب گز هستند و فروش این شیرینی خیلی خوب است. اصولا خارجیان از شیرینی زیاد خوششان نمی آید به همین جهت ما تصمیم داریم برای این عده از مشتریان از انواع نان های شور تهیه کنیم.

تلاش - آیا برای دیدن موسسات و کارخانجات شیرینی پزی کشور های خارجی سفرهایی داشته اید و یا اینکه از شرکای شما کسی برای بازدید رفته است یا خیر؟

یزدی - قبل از این که در خیابان تخت جمشید اولین شعبه را افتتاح کنیم بنده سفری به اروپا رفتم و با تمام تشکیلات شیرینی پزی آشنا شدم و تقریبا تا حدودی خواستم که کار ما هماهنگی با آنجا داشته باشد البته

چند سال اول موفقیتی در این مورد نداشتیم ولی کم کم با کوشش زیاد و به لطف پروردگار در این راه تا اندازه ای موفق شدیم. بطوریکه اکنون هم اروپایی شیرینی های ما را می پسندد و هم ایرانی و هم اینکه تا حدودی سطح یکی شده است.

چون رفتن به کشور های خارجی خیلی وقت می خواهد حتی المقدور سعی می کنیم از «ژورنال» ها و «کاتالوگ» های آن ها استفاده کنیم. هر سال «کاتالوگ» انواع کیک را از اروپا می خواهیم اصولا کشور های اروپا و فرانسه ایتالیا، آلمان در این کار پیشرفته تر هستند.

تلاش - سابقه این کار در خانواده شما چگونه است؟

یزدی - سه نسل ما قناد بوده و حتی در یزد هنوز سینی های شیرینی وجود دارد که مربوط به سه پشت ما می شود. جد بزرگ ما قناد بوده و حالا این شغل به ما رسیده و تا کی ادامه پیدا کند با خداست.

تلاش - خودتان به عنوان یک دوستدار شیرینی چه نوع شیرینی را می پسندید.

یزدی - من چون خود سازنده شیرینی هستم پاسخ دادن به این سؤال کمی برایم مشکل است مثلا اگر شما ده الی دوازده فرزند داشته باشید همه آن ها را دوست دارید. بنده هم همین طور هر نوع شیرینی را دوست دارم ولی باز بیشتر به شیرینی های یزدی علاقمند هستم.

تلاش - فروش خشکبار چطور است آیا شما خشکبار تهیه می کنید؟

یزدی - هر ماده خام شیرینی را از مناطقی که آن ماده مرغوب تر است می آوریم مثلا مغز بادام را از قزوین، پسته را از رفسنجان نخودچی را از تبریز و مخصوصا این کار را می کنیم چرا که می خواهیم اطمینان کامل داشته باشیم که جنس خوب به مشتری تحویل می دهیم.

بیشتر از هر چیز تخمه ژاپنی و پسته هواخواه دارد که هم بیشتر از چیز های دیگر به خارج صادر می کنند و هم مصرف داخلی آن زیاد است.

تلاش - قیمت شیرینی ها و خشکباری را که بیشتر مشتری دارد بفرمایید؟

یزدی - شیرینی از کیلوئی ۶ تومن تا ۱۸ تومن داریم. بیشتر از بالای ۶ تومن خرید می کنند. آجیل هم قیمتش متغیر است، گاهی قیمت آن به کیلوئی ۳۵ تومن هم می رسد البته کیلوئی ۲۵ تومن و یا ۱۵ تومن هم داریم. بادام اگر صادر شود و یا محصول کم باشد قیمت بالا می رود. حدود تقریبی قیمت مخلوط که به چهار مغز معروف است کیلوئی ۱۳ تومن فروش می رود. تلاش - متشکریم.

لطیفه ها

نماز را بخوان

در جلسه‌یی به یکی از شرای معاصر تکلیف خواندن شعری کردند. شاعر بنابه رسم معمول شعرا تاملی کرد گفت: نمی‌دانم چه بخوانم که تابحال نخوانده باشم. شیخ‌الملک اورنگ که حاضر بود گفت: نماز را بخوان.

گرسنگی سک

منصور عباسی به یکی از امیران لشکر خود گفت: راست گفته‌اند که سک را گرسنه باید داشت تا پیروی صاحب خود کند. امیر عرض کرد: آنچه خلیفه فرماید صحیح است لیکن احتمال دارد که دیگری لقمه‌نانی به سک دهد، پس دست از صاحب خود برداشته تابع وی گردد.

(زبرالریع)

بی همه چی

مدرسی در هنگام درس دستور زبان فارسی می‌گفت «چی» علامت نسبت است مانند درشکه‌چی، گاریچی، قاطرچی. شخصی گفت: بی همه چی منسوب به کیست؟

گفت به تو.

حقیقت گویی

میرزا ابراهیم کلاتر صدراعظم فتحعلیشاه با جمعی از اکابر واعیان در مجلس شراب بودند فتحعلیشاه در حال مستی گفت: ای صدراعظم دعایی در حق من کن. صدراعظم که سرش از باده گرم بود گفت: دعا می‌کنم که حق تعالی چیزی از طول قامت و ریش‌دراز تو بکاهد و به عقلت بیفزاید. فتحعلیشاه گفت در آن صورت تو دیگر صدراعظم نخواهی بود.

(مجموعه لطایف)

ظریفی به وثوق الدوله نوشت:

بهار و خزان رفت و دی می‌رسد

ندانم حقوقات کی می‌رسد
وثوق الدوله در زیر نامه‌اش نوشت:
حقوقات نصفش حواله شده
بقیه به اقساط هی می‌رسد
(سفینه فرخ)

ماه غسل

نوعروسی ز صفا گفت شبی با داماد نام این مه‌چه کسی «ماه‌غسل» بنهاده‌است گفت داماد به لبخند جوابی کاین ماه ماه «غسل» است ولی نقطه آن افتاده‌است باستانی پاریزی

چهارپا

مولانا ذکرالدین از احوالی پرسید: راست است که شما یکی را دو می‌بینید؟ گفت: آری چنانکه ترا چهارپای می‌بینم. (روضه خلد - محمد خوافی)

عیدی خاصه

منقول است از مولانا بدخشی که می‌فرمود در عید عادت میرعلیشیر آن بود که برای یاران و صاحبان و فضایی که در ملازمت ایشان می‌بودند سروپای لایق و مناسب انعام می‌فرمودند. روز عیدی به طریق معهود جامه‌ها پیش حضار مجلس آوردند. در پیش مولانا بقچه زربفتی درغایت عظمت آورده، نهادند. چون گشادند دروی پالان خری بود. مولانا از جای برخاست و رو به قبله کرد، سجده بجای آورد.

اهل مجلس گفتند: این چگونه سجده است؟ گفت: این سجده شکر است، زیرا که در افواه والسنه افتاده‌است که مزاج حضرت میر درغایت بدیست. الحمدلله این زمان ظاهر شد که این غیر واقع بوده و میر به این کمینه درغایت لطف و مرحمت بوده‌اند. نمی‌بینید که از برای همه جامه‌های تشریفی فرستاده و از برای این کمینه جامه خاصه خود را فرستاده‌اند.

(بدایع الوقایع)

تا ماه دگر ...

خواجیه زنی زیبا، زهره نام داشت. چون به سفر رفت، او را به معتمدی سپرد و کاسه‌ای نیل نیز بدو داد تا هرگاه زهره خطایی کند، قطره‌یی نیل بر دامن او بچکاند. پس از چندی به معتمد نوشت: کاری نکند زهره که ننگی باشد بر دامن او ز نیل رنگی باشد معتمد جواب داد: گر در سفر خواجیه درنگی باشد تا ماه دگر زهره پلنگی باشد. از: عید زاکانی

زن و وام

حکیم روحانی گفته: مرد آزاده به گیتی نکند میل دو کار تا وجودش همه روزی به سلامت باشد زن نخواهد اگرش دختر قیصر بدهند وام نستاند اگر وعده قیامت باشد وسید شفایی در جواب حکیم: زن بگیرم اگر دختر تون تاب دهند وام بستانم اگر وعده دو ساعت باشد نقل از: لطیفه‌ها

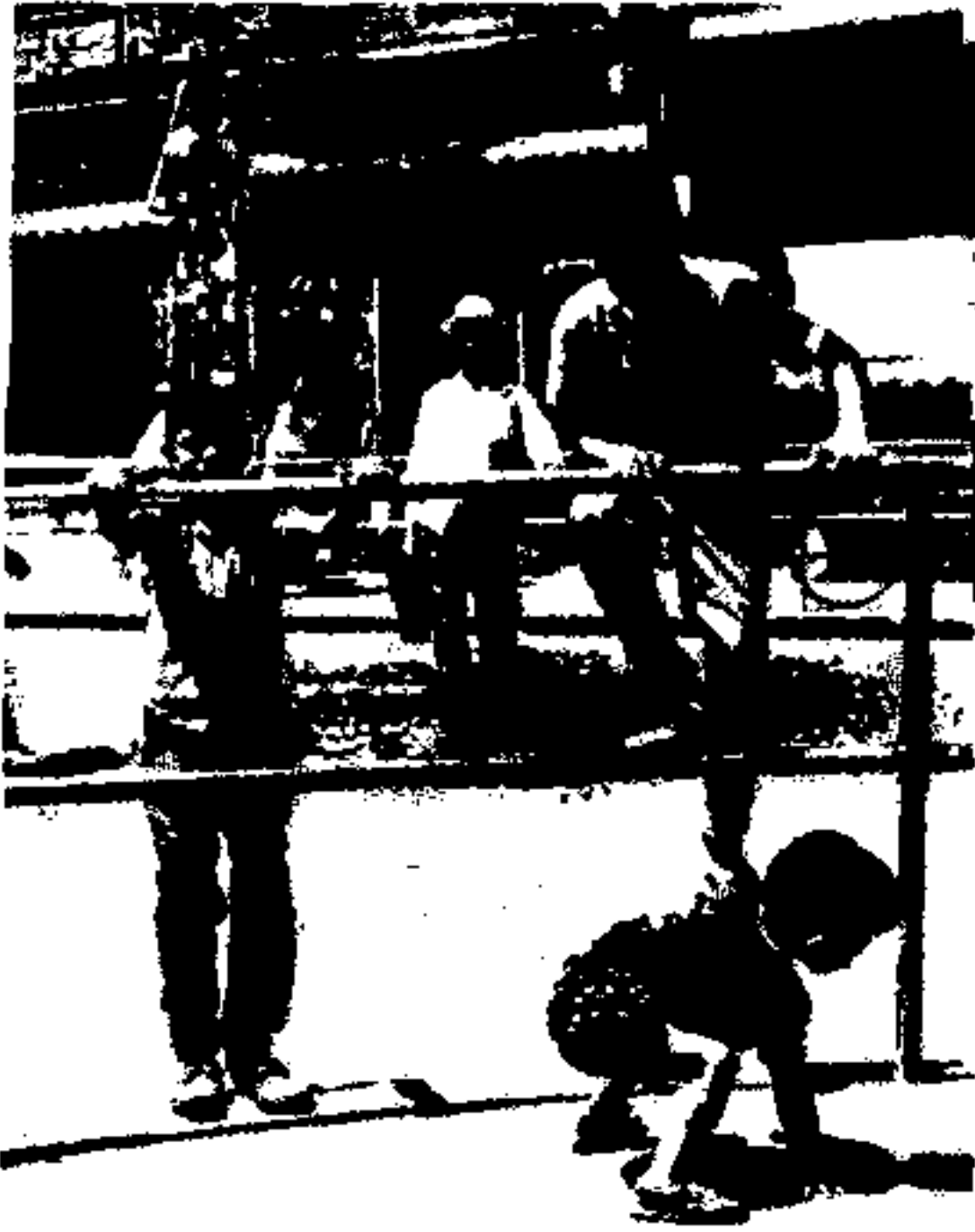
جامی و خاکی

روزی جامی با جمعی به جایی می‌رفت. خاکی، شاعر، وی را دید و برسبیل شوخی گفت: «خران طوس به کجا می‌روند؟» جامی گفت: «خاکی نرم می‌جویند که بر آن غلتند.» از: لطایف الطوائف



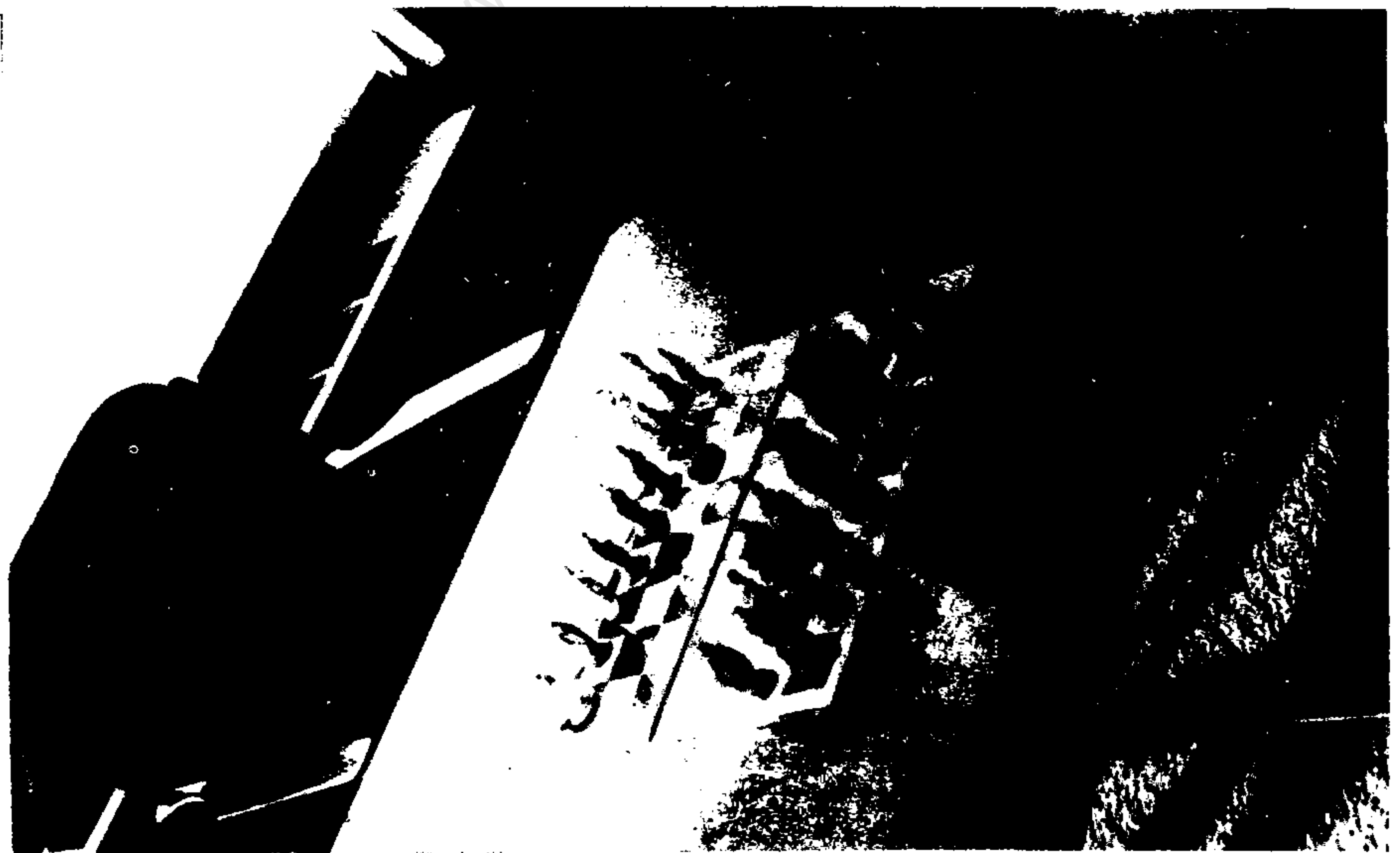
بزرگ های فردا وعروسك





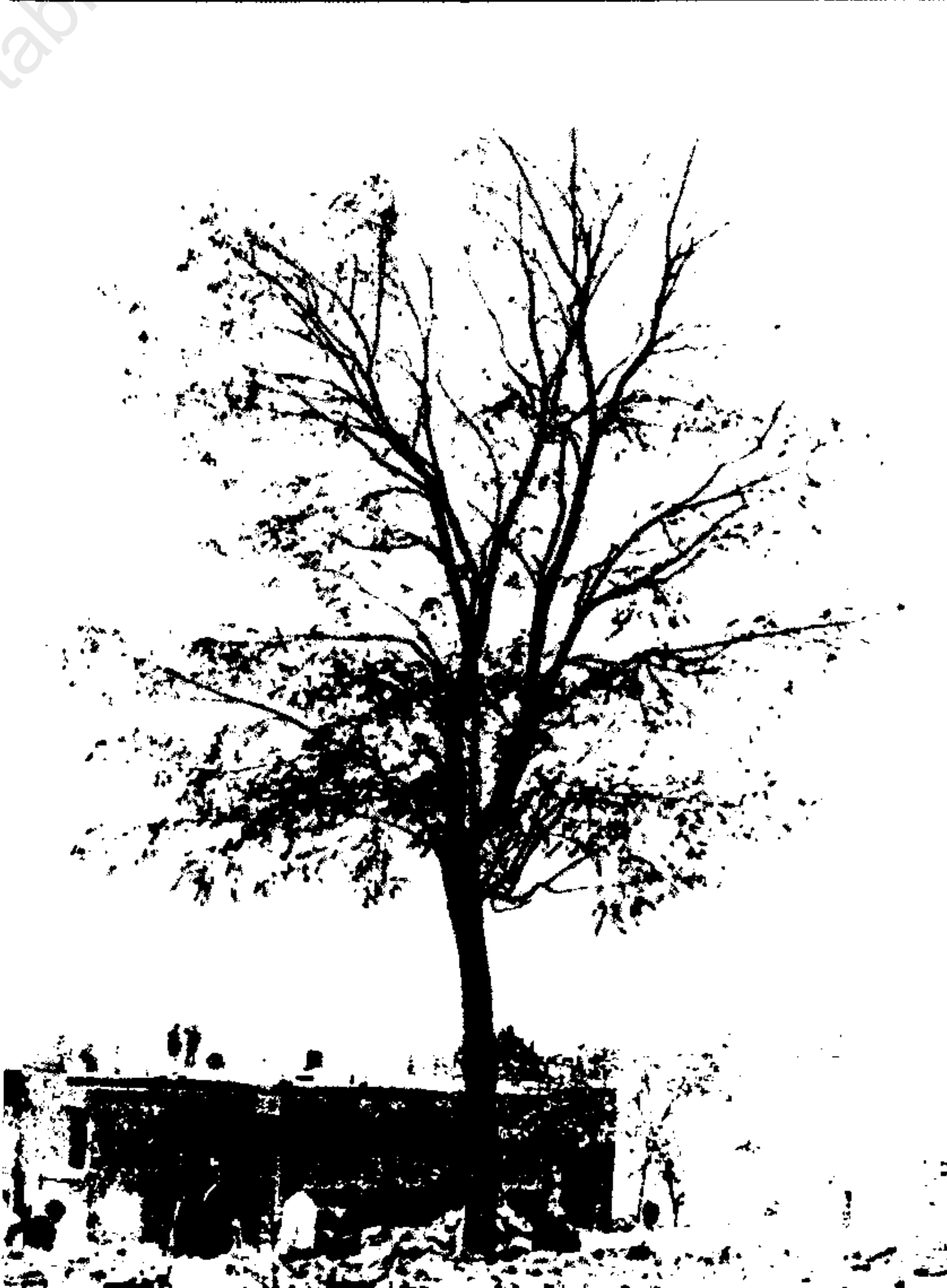


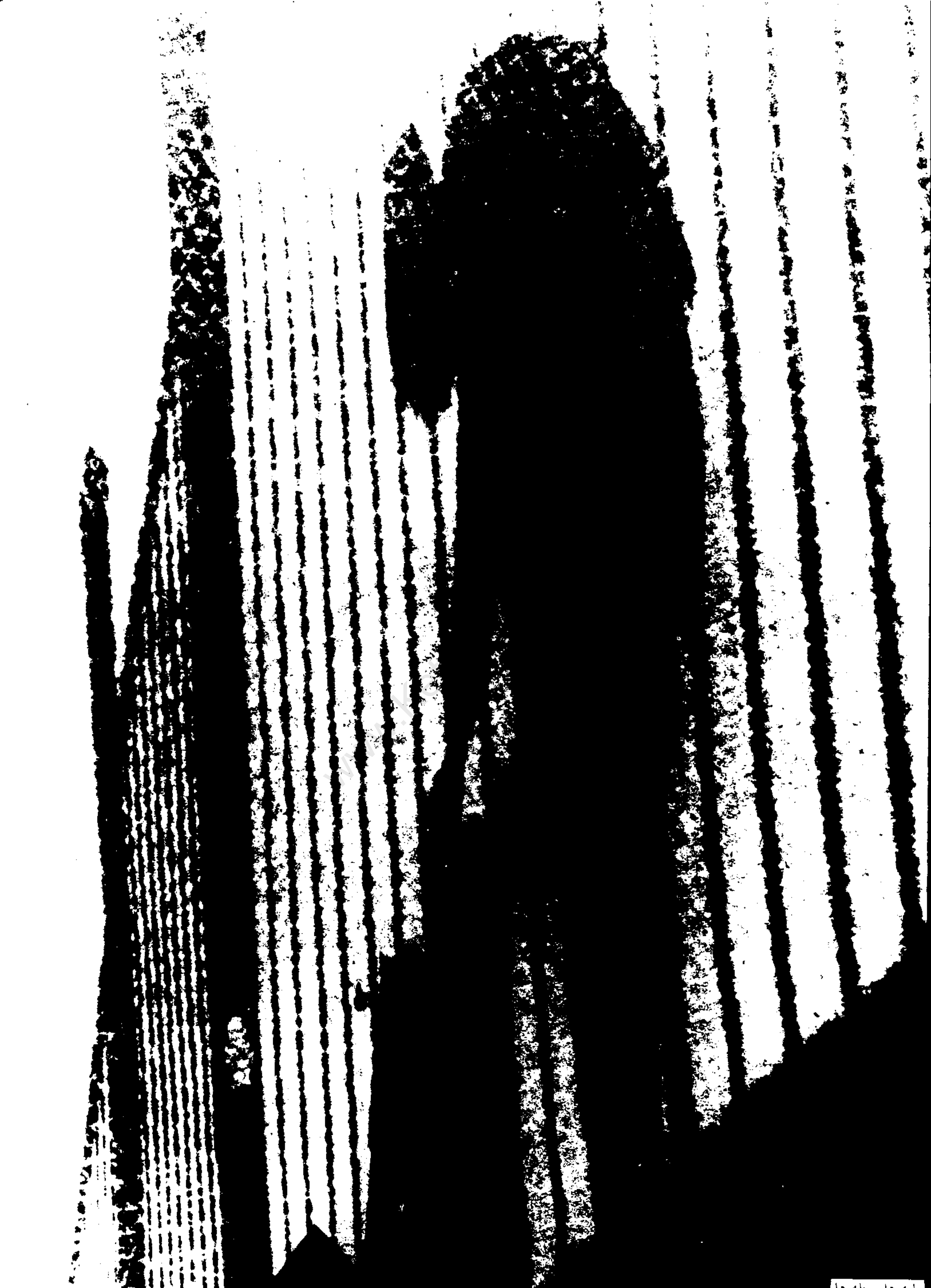
درهای باز و بسته و مهره های آماده شطرنج













باتجربه و دانش ساختن آینده را می‌آموزد

عکس از سودابه قاسملو



سیرك شوروی
شاهنشاه آریامهر و دیدن فرمودند . عواید فروش
علیاحضرت شهبانو فرح نمایشگاه فرآورده‌های غذایی
والاحضرت ولیعهد و و سیرك شوروی در اختیار
والاحضرت شاهدخت فرحناز کانون پرورش فکری کودکان و
روز شنبه سوم خرداد دربارك نوجوانان گذارده خواهد شد
فرح حضور یافتند و پس از تا به مصرف ساختمان کتابخانه
افتتاح نمایشگاه فرآورده‌های برای کودکان برسد .

بیانات شاهنشاه آریامهر خطاب به دانشجویان دانشگاه مشهد

شما صاحب این مملکت هستید

بیک کادر لخبه - مدیر های فنی و متخصص است و این
کادر را شما دانشجویان این دانشگاه و دانشجویان سایر
دانشگاه های ایران و ایرانیان خوش قلبی که در نقاط
دیگر دنیا تحصیل میکنند و صد ها هزار نفر دیگری که
در مدارس حرفه‌ای ما تربیت خواهند شد تشکیل خواهید
داد . هر کدام از شما صاحب این مملکت هستید . وجود
شما مال این مملکت است . پس خودتان را آماده خدمت
به چنین مملکتی بکنید . سعی ما اینست که همیشه چند
قدم از وقایع دنیا جلوتر گام برداریم نه فقط نیتخواهیم
عقب بناییم بلکه حتی حاضر یستیم باوقایع پیش برویم .
ما چند قدم پیشاپیش وقایع گام بر میداریم .

امروز در دنیا صحبت های زیادی در باره اشکالات
کار دانشجویان هست در خیلی از ممالک دنیا محیط
دانشگاه ، محیط علم و تحصیل نیست یا نظاهراتی است
یا حتی در بعضی نقاط محیط نیراندازی و گرفتن شک و
این قبیل چیز هاست . ممکن است اینها عکس العمل اجتماع
باشد . ممکنست در این ممالک يك تبعیضاتی های اجتماعی
وجود داشته باشد . ثروت زیاد از یکطرف ، فقر زیاد از
طرف دیگر و تبعیضات مختلف . ما سال گذشته برای اجرای
انقلاب آموزشی در راسر نستیم فکر کردیم که بچه
طریق بهتر میتوان محیط درس را ایجاد کرد . بچه طریقی
میشود بهترین استعداد های مملکت را بعنوان استاد ،
دانشیار و غیره جمع کرد . بچه طریق میشود بین اینها
و کسانی که برای کسب علم می آیند یعنی دانشجویان تماس
ایجاد کرد و گفت و شنود برقرار کرد .

بچه طریق دانشجویان در قست های دیگر دانشگاهی
و در اموری که مربوط بخودشان است باید وارد بشوند
و از حالا این مسئولیت ها را بعهده بگیرند و کارها را
خودشان انجام بدهند و این رابطه بین استاد و شاگرد
باین احترام قلبی که از طرف دانشجو برای استاد باید
باشد و این حس وظیفه شاسی و پدری و استادی که باید
از طرف استاد نسبت به دانشجو باشد چطور اینها مکمل
یکدیگر است .

ما چند روز پیش نتایج این برنامه را رسیدگی کردیم
در خیلی از قست هایش پیشرفت کرده ایم ولی البته
ما هیچوقت راضی نیستیم و هر سال سعی و ناکید ما
اینست که در این راه قدمهای بیشتری برداشته شود .
هنوز وسائل مادی دانشگاه های ما در خیلی از جا ها
ناقص است . این دانشگاه یکی از دانشگاه هائی است که
متاسفانه باندازه کافی توجه بان نشده است ولی در آینده
امیدوارم جبران بشود . ولی می بینیم که چه روحیه ای
در میان روسای این دانشگاه و هیئت مدیره اش حکمفرما
هست . این روحیه نه فقط باورود عناصر جدید پیدا شده
بلکه قدمائی که خودشان را باین وضع تطبیق داده اند
نیز در ایجاد این روحیه موثر بوده اند و اگر اینها خود را
بمحیط جدید تطبیق نمیدادند شاید موقع خانه نشینی شان
فرا میرسید و همچنین شور و شوقی که در شما دانشجویان
دیده میشود تمام حکایت از این میکند که این محیط ،
محیط دیگری است ، این محیط ، محیط امید است و این
محیط ، محیط آرزو های بزرگتر ماست . چیزی که
مسلم است اینست که آهنگ پیشرفت شما از این چیزی که
در این یکی دو سال اخیر بچشم دیدید کندتر نخواهد
بود . هم دانشگاه شما بخواست خداوند باوج ترقی خواهد
رسید و هم شهر شما ، هم استان شما و بالاخره مملکت
شما ایران .

دانشجویان عزیز - فرزندان من
از دیدن این محیط عالی فرهنگی و این محیط پرشور
ایرانی احساسات بخصوصی بین و هر ایرانی دیگر دست
میدهد . شما بعنوان فرد ایرانی و بعنوان مرد وزن ایرانی
بوسیله حربه علم و دانش خود را برای ایران فردا و
ایران بهتر مجهز میکنید . این خود مایه امیدواری و
بهترین نشانه داشتن هدف است و نشانه حاضر بودن به
انجام هر نوع فداکاری و از خود گذشتگی در راه رسیدن
به هدف است .

خیلی از ملل در طول تاریخ خود یا برای بدست
آوردن استقلال و یا برای رسیدن به هدفهای ترفیخواهانه
فداکاریها و از خود گذشتگی ها کرده اند . شاید بخاطر
دو سه نسل آینده تفریا همه چیز را برای خود حرام
کردند . برای اینکه بآن نهایت آرزوی خود برسند . چه
با که در این راه نیز خوبیا ربحه شد . بعضی اوقات
خونهای افرادی که مانع رشد و ترفی بودند و چه با
خونهای افراد بی گناه . خوشخانه بخواست خداوند برای
ما ملت ایران امروز وضعی بش آمده است که بدون
اینکه ما از نسل فعلی یا بهر صورت از اکثریت مردم این
مملکت برای نسل های آینده تقاضای از خود گذشتگی
و فداکاری بکنیم میتوانیم در راه عالی ترین هدف های
خود یعنی بالا بردن سطح زندگی فرد فرد این مملکت
قدم برداریم و نتیجه آنرا هر روز ببینیم . مثلا در شهر
خودتان (گو اینکه من از این آهنگ پیشرفت قلبا راضی
نیستم و میل داشتم از این سریعتر پیش بروند) بچشم
خودتان می بینید در عرض یکسال یا دو سال دانشگاهتان
چه تغییری کرده است . می بینید که شهرتان چه زیبایی
پیدا میکند و ختفرب باید بدون اغراق غرور شهر های
ایران بشود .

در عین حال سطح زندگی روستائی های شما بالا
میرود . سطح زندگی کارگر های شما بالا میرود . ما ار
کارگر ایرانی درخواست نمیکنیم که در راه مملکتش
فداکاری بکند و مثلا عوض ۸ ساعت کار یکس کار بکند
و کمتر مزد بگیرد و کمتر غذا بخورد بلکه میگوئیم در
سهام کارخانه ها و در منافع کارخانه ها شریک باشد .
زارع ایرانی صاحب خاکی باشد که در آن زراعت میکند
و آخرین آثار زمین داری یا آن نوع روابط استثماری
بین دو فرد را در مملکت مان از بین ببریم تا کشاورزی
را پیشرفت دهیم . سطح زندگی مردم را بالا ببریم مملکت
شما همینطور که می بینید گروه گروه - دسته دسته
و بعضی اوقات برجسته ترین آنها چه ما دنبال آنها برویم
و چه نرویم خودشان داوطلبانه به مملکت شما برمیگردند .
امروز دانشیاری که در این مملکت استخدام میشود از
دانشیاری که تازه در مملکت سوئیس یا انگلستان استخدام
میشود حقوق بیشتری دریافت میکند .
ما تازه پس از پنج - شش سال یا هفت سال بعد از
دوره انقلاب باین نتایج رسیده ایم و میتوانیم تصور کنید
که چند سال دیگر کار ما - وضع ما به کجا خواهد
رسید .

میگویند بعضی ممالک دنیا روی اصل پیشرفت علم
یا داشتن ثروت بصورت مراکزی برای جلب مغز ها در
آمده اند و مغز های متفکر اروپائی و غیره بآن سمت
روی میآورند .

ایران در آینده يك چنین قطبی برای جذب و جلب
مغز های لااقل این فاره خواهد شد . برای ساختن يك
چنین کشوری با چنین آینده و با چنین دور نمائی احتیاج

فهرست رویدادها :

عنوان	صفحه
در دانشگاه مشهد	۸۱
نویسندگان	۸۲
مطبوعات	۸۲
خانه ایران	۸۲
شعر	۸۲
چشم هنر	۸۲
آثار باستانی	۸۲
تلویزیون	۸۲
ناتر	۸۲
نمایشگاهها	۸۲
کتاب	۸۴
نادر دودکی	۸۵
باله و رقص	۸۵
موسیقی	۸۵
مهدنامه ۱۳۱۶ با عراق	۸۶
معاملات	۸۷
ارتش	۸۷
شهریاتی	۸۷
زنان	۸۷
یکبار با بی سوادی	۸۷
علوم و آموزش عالی	۸۸
نفت	۸۸
مسافرت ها	۸۸
کودکان	۸۹
بهداشت و درمان	۸۹
پیامهای نوروزی	۸۹
اقتصاد	۹۰
مقررات عمومی صادرات و واردات در سال ۱۳۱۸	۹۰
قیمت اتومبیل های ساخت خارج	۹۱
کشاورزی و تولیدات	۹۱
خدمات اجتماعی	۹۲
دامپزشکی	۹۲
راه	۹۲
لوب آهن	۹۲
بیمه	۹۳
« ۲۱ فروردین »	۹۳
دارائی	۹۳
آموزش و پرورش	۹۴
پست و تلگراف و تلفن	۹۴
عبور و مرور (ترافیک)	۹۴
برق	۹۴
ورزش	۹۵
کار و کارگران	۹۶
کشور	۹۶
اصلاحات ارضی	۹۶
امور خارجه	۹۷
کار و پیشه	۹۷
حوادث	۹۸
شهر و شهرداری	۹۸
دیمارها	۹۹
سپاهیان انقلاب	۱۰۰
آیندهها و برنامهها	۱۰۱
بیک تلاش	۱۰۲

خانه ایران

● علیاحضرت شهبانو در راه بازگشت از مسافرت تونس به فرانسه رفتند و در پنجمین روز ماه اردیبهشت ضمن اقامت خود در پاریس خانه فرهنگ ایران را که به امر شاهنشاه آریامهر در پایتخت فرانسه ایجاد گردیده است افتتاح فرمودند.

شهبانو پس از این سخنان در غرفه‌ایکه هنرمندان ایرانی قطعاتی از موسیقی ایرانی را اجرا میکردند حضور یافتند و هنرمندان را مورد تقدیر قرار دادند.

در اینجا یکی از هنرمندان باستحضار رسانید که آنان برای شرکت در فستیوال بین المللی موسیقی به دعوت دولت فرانسه به پاریس سفر کرده‌اند و برنامه هائی که طی یازده شب در پاریس اجرا کرده‌اند از طرف مردم این شهر با استقبال روبرو شده است.

«خانه ایران» در پاریس در يك ساختمان دو طبقه در يكهزار متر مربع بنا شده است و هدف آن معرفی فرهنگ و تمدن ایران ب مردم فرانسه و جهانگردان و نیز معرفی آثار هنری، صنایع ظریفه، سنگهای گرانها، کارهای دستی، فرش، پارچه‌های زربفت و محصولات ایران است.

از جمله شخصیت‌های هنری که در مراسم مذکور شرکت کردند سالوادور دالی نقاش مشهور اسپانیولی به اتفاق همسرش و کریم آقاخان را باید نام برد.

عریمت همکار تلاش به فرهنگ

● نورالدین شفیعی همکار تلاش که مدتها برای این نشریه مقاله و رپرتاژ و مصاحبه تهیه میکرد، اینک راهی دیار غرب است، برای ادامه مطالعات و تحصیل، ضمن تاسف از رفتن او می‌کنیم.

جائی در ادبیات فارسی برای خود ساخته و نامی در تاریخ ادبیات پارسی از خود بجای نهاده است.

«روز اقبال» که در اول اردیبهشت ماه برای بزرگداشت او برپا شد، مناسبتی بود برای یاد کردن از این انسان پرجاد داشت و هدفش ایجاد وحدت میان مسلمانان جهان بود. او میکوشید در شعر از ساده‌ترین کلمه‌ها و وزن‌های راحت برای بیان حالات خوش‌بهره جوید و نیز شعر را در خدمت بیان اندیشه‌های انسانی و طرز فکر خامی که داشت بکار گیرد.

شعر



روز اقبال

● «اقبال‌لاهوری» شاعری اندیشمند، سیاستمدار و فیلسوف بود که با بیجا نهادن آثاری در زمینه شعر کلاسیک، بیشک

● در میان آنها که در مطبوعات قلم می‌زنند و در قلمرو شهری یافتند «برج نبوی» جای مشخص و ممتازی دارد که اگر به او لقب «قلمساز» داده شود بسی زیبنده‌تر است.

همراه با شماره‌های مخصوصی که مطبوعات ایران بمناسبت فرارسیدن سال نو انتشار دادند «فردوسی» نیز شماره ویژه‌ای داشت و در این شماره‌یادی شده بود از نویسندگان و مطبوعات در سالی که گذشت و نیز کوتاهچه‌ای از «الحق شناسی» یکی از نویسندگان این نشریه از «برج نبوی»!

یکی از مجلات تهران به چاپ زده‌اند: «در مورد خرسند ساخته‌اند که در راهرو آیندگان به پرویز منسون برخورد. «سپروس آموزگار» (نویسنده مطبوعات) آندو رابهم معرفی کردند.

منمون گفت: ممنونم خرسند گفت: خرسندم که معلوم شد از آشنائی همدیگر خرسند و ممنونند یا خردشان رامعرفی میکنند...
● حمید عنایت حمید عنایت ضمن کار دانشجویی و تدریس خود در دانشگاه در کار مطبوعاتی نیز دست دارد و مقالات و نوشته‌های او در ماهنامه نگین از جمله فعالیت‌های او در این زمینه است.

● ماهنامه خود را از چاپ در آورده در این ماهنامه طرحی برای تحقیقات طبقات اجتماعی در روسا نوشته احمد اشرف، مطالبی تحت عنوان آموزش و پرورش فرزندان، این زمینه‌های پویایی هنر، در سر زمین کوره‌ها و دریچه باز، چاپ شده است.

● مدت سه سال است که ماهنامه «فتا» به مدیریت ابوالحسن کمالی با همکاری دانشگاه پهلوی منتشر می‌شود.
● فتا همانطور که از نام آن برمیآید، به مایل فضایی که امروزه جزو بحث‌های علمی است، می‌پردازد. شماره ۲۱ فتا که با مطالبی از مهندس فرخ جاوید، امیر ارسجانی، هارطونیان و ترجمه‌هایی از مقالات مجلات خارجی انتشار یافت و مثل همیشه از مجهولات آنسوی آسمان ما سخن به میان آورده است.

● «چنگ» یک نشریه فصلی است و هر سه ماه یکبار همراه پایان یکی از فصول سال انتشار می‌یابد. شماره‌ای که اخیراً منتشر شده دفتر هفتم آن است، و این دفتر چه ساده و صمیمی روح و حرارت نویسندگان را نشان می‌دهد.

● «چنگ» امفهان همیشه از مطالب گوناگون و تازه و پر حرکت انباشته می‌گردد و کمتر بوی کهنگی از آن استشمام می‌شود. اگر سخنی از گذشتگان و در باره گذشته دارد، بآیدنی نو و اندیشه‌ی سیال و بیانی دلنشین به میان آورده شده است. از این جهت ماهه ساز و ناسازی

● «چنگ» امفهان همیشه از مطالب گوناگون و تازه و پر حرکت انباشته می‌گردد و کمتر بوی کهنگی از آن استشمام می‌شود. اگر سخنی از گذشتگان و در باره گذشته دارد، بآیدنی نو و اندیشه‌ی سیال و بیانی دلنشین به میان آورده شده است. از این جهت ماهه ساز و ناسازی

● مجله «وحدید» دوره جدیدش را زیر نظر علی‌اکبر کسمائی آغاز کرده است و آلبرت اینشتاین و جهان او، «کنگی و اغتشاش هنر جدید از چیست؟»، «زندگی در آغاز قرن بیست و یکم»، از جمله مطالب این شماره هفته‌نامه «وحدید» بود. ویژگی کاد «کسمائی» مسلماً رنگ و جلوه دیگری به «وحدید» خواهد داد.

● «محمود کیانوش» نویسنده، شاعر و مترجم دیار ما پس از کناره‌گیری از سردبیری سخن به یکباره همه کارهای مطبوعاتی خود را کنار گذاشته و به کار نوشتن و ترجمه پرداخته است.

● کتاب سال کیهان معدودی از مطبوعات سالنامه‌ای به مناسبت آغاز سال جدید انتشار دادند که از آنجمله «کتاب سال کیهان» بود.

● اهم وقایع ایران و جهان، گزارشی از حوادث مهم سال، کارنامه هنر در سال ۱۳۴۷ به تفصیل در زمینه‌های مختلف هنری، سیمای شهرستان‌ها (در بخش ایران گردی)، چند داستان پلیسی، فعالیت‌های ورزشی، مطالبی در زمینه تاریخ، فلسفه، مذهب و کرونولوژی تاریخ جهان و بخشی حاوی کاریکاتورهای برگزیده از هنرمندان کاریکاتوریست مطالب هفتمین کیهان سال را شامل بودند.

● «پژوهش» ماهنامه‌ای است که از چهار سال پیش به کوشش جمعی از دانشجویان ایرانی مقیم بریتانیا بطور ماهانه منتشر میشود. پژوهش گرچه دور از ایران و ایرانی است، مع الوصف پیوند دقیقی با ایران و ایرانی دارد و مطالب آن روی مسایل هنری و اجتماعی ایران و بعضاً مقایسه آن با همین مایل در خارج از ایران دور می‌زنند در مجموع «پژوهش» کوشش مثبتی است که پیوند میان دانشجوی ایرانی در بریتانیا را با کشور متحکم تر می‌کند.

● دومین شماره فصلنامه «علوم اجتماعی» از طبع خارج گردید. در این فصلنامه که به سردبیری داریوش آشوری، انتشار یافت مطالب و مقالاتی فراهم آمده است.

● دفترهای زمانه «دورهای زمانه» ویریه دبیدار و شناخت م. امید منتشر شد. در این شماره چهارده شعر از سروده‌های امید با گنجگونی که سپروس طاهباز با سحر داشته است در دفتر اول آمده است و در دفتر دوم درباره «م. امید» (مهدی اخوان ثالث) گفته و شنیده‌های مختلف نقل شده است.

● دومین شماره این ماهنامه به سردبیری علی محمد حق شناس و به کمک همکاری اسد طباطبائی و علی غفاری اخیراً نشر یافت.
● دانشرای عالی سپاه دانش دانشجویان دانشرای عالی سپاه دانش شماره ۳۰

مطبوعات

آرش

● ششمین شماره از دوره دوم آرش از طبع خارج شد. در این شماره «آرش» این مطالب درج شده بود: حرفی نه‌تازه از کاظمیه، بحران مالی چیست؟ از میشل فانستن، نامه‌ای از مادام گاسکار، از دکتر حسین ملک، تقارن در جهان هستی از پروفیسور آلن، ترجمه محمد علی نجفی، نویسنده و آزادی از م - الف - به‌آذین، پیشگفتار و فصلی از تاریخ، از تروئسکی، ترجمه هوشنگ وزیری، یادبود نیما یوشیج از نوری علاء، افر را ترجیح میدهم، نوشته فریدون تنکابنی، خیلی مدرن و خیلی عالی، نوشته شمس آل احمد، چند شعر از شاعران امروز و مقالاتی در نقد و بررسی از آنتونیو گراشی و از نولد هاورر.

● فصلنامه «علوم اجتماعی» دومین شماره فصلنامه «علوم اجتماعی» از طبع خارج گردید. در این فصلنامه که به سردبیری داریوش آشوری، انتشار یافت مطالب و مقالاتی فراهم آمده است.

● دفترهای زمانه «دورهای زمانه» ویریه دبیدار و شناخت م. امید منتشر شد. در این شماره چهارده شعر از سروده‌های امید با گنجگونی که سپروس طاهباز با سحر داشته است در دفتر اول آمده است و در دفتر دوم درباره «م. امید» (مهدی اخوان ثالث) گفته و شنیده‌های مختلف نقل شده است.

جشن هنر

برندگان مسابقه نمایشنامه نویسی

● مسابقه نمایشنامه نویسی جشن هنر شیراز یکی از ایده های مسئولین این جشن است که میتواند برای کشف استعداد های جوان در رشته تئاتر ایران به نتیجه های فراوان نائل آید. این مسابقه که از سال قبل شروع شد و استعداد های جوانی چون «نعلبندیان» نویسنده پژوهشی ژرف و... را عرضه کرد، امسال نیز ترتیب یافت. در مسابقه امسال ۶۷ نفر شرکت کرده بودند و بقرار اطلاعیه کمیته انتخاب نمایشنامه ها، در میان نمایشنامه های رسیده کوشش های فراوان، اصیل و امید بخشی دیده شده است اما با این حال کمیته مذکور اثری را که از جامعیت نمایش برخوردار بوده و بتوان جایزه ممتاز یا اول را بدان بخشید در این میان نیافت و به همین لحاظ جایزه مذکور را به مصرف یک دوره نمایشنامه نویسی خواهد رساند. کمیته هم چنین نمایشنامه «اویس ورامین» نوشته خانم مهین جهانگل را که براساس «اویس ورامین»، فخرالدین اسعد گرگانی تنظیم شده به علت ارزش زبان نمایشی آن خارج از مسابقه دارای امتیاز خاص شناخت.

برندگان دیگر مسابقه عبارت بودند از:

۱- نمایشنامه های «غریب» و «کمدی «تاریخ» نوشته شاپور حقیقت برنده جایزه دوم مبلغ پنجاه هزار ریال.

۲- نمایشنامه های «منو لیلا صدا کن» و «دو سال بعد همین ساعت، همین جا»، نوشته ملیحه جمشید از تهران جایزه سوم مبلغ سی هزار ریال.

۳- نمایشنامه «شهر و آدم ها» نوشته مسعود نجم الدینی از شاه آباد غرب جایزه تلویزیون ملی ایران مبلغ بیست هزار ریال.

۴- نمایشنامه «ارستم و اسفندیار» تنظیم محسن صبا از تهران جایزه تلویزیون ملی ایران مبلغ پانزده هزار ریال.

آثار باستانی

مسجد جامع خرمشهر ● مسجد جامع خرمشهر که از موقوفات این شهر است بوسیله اداره اوقاف اهواز و با کمک مردم تجدید بنا گردید.

کاشیکاری رواق دارالفیض

● کاشیکاری رواق «دارالفیض» واقع در حرم مطهر حضرت رضاعلیه السلام که از اردیبهشت ماه سال قبل آغاز شده بود پایان پذیرفت.

تلویزیون

حرفهائی از فرخ غفاری



● فرخ غفاری معاون تلویزیون ملی ایران طی یک مصاحبه درباره کارهای گذشته و هدفهای تلویزیون ملی ایران در آینده سخنانش بیان داشت که قسمتهائی از آنرا برای خوانندگان تلاش که علاقمند به تماشای برنامه های تلویزیونی هستند ذیلاً نقل میکنیم:

«در سال گذشته کار تنظیم برنامه ها که پیش از آن دچار نوعی بی نظمی و پراکندگی بود استقرار و پایداری خاصی پیدا کرد و تلویزیون از حالت نوزادی خارج شد و مرحله فعالیت های آزمایشی را به کلی پشت سر گذاشت. امروز دیگر ما با این فکر کار نمیکنیم که اگر توانستیم برنامه های را پخش کنیم، پخش میکنیم و اگر نتوانستیم نمیکنیم. هدف ها و وظایف ها شناخته شده اند و به طور جدی دنبال میشوند.

برنامه های ثابتی که از تلویزیون ملی ایران پخش می شوند، در درجه اول برنامه های اطلاعاتی و سودمند هستند مانند برنامه اخبار، ورزش، کودکان، برنامه های مخصوص خانواده ها، تدریس زبان و راهنمایی و رانندگی.

قسمت دوم از برنامه های ثابت، برنامه های سرگرم کننده و تفریحی تلویزیون هستند نظیر مسابقه ها و آهنگ های ایرانی و خارجی، موسیقی ایرانی، مجموعه های داستانی مانند اختاپوس، سرکار استوار و آلاخون و آلاخون، مجموعه های بی در پی خارجی، مجله های تلویزیونی مثل «بشا و تلویزیون» و «آقای تماشائی» قسمت سوم برنامه هائمی هستند که در مرز برنامه های سرگرم کننده و فرهنگی قرار میگیرند مانند تئاتر، موسیقی کلاسیک، شناسائی هنر، معرفی جاز، ادب، علم و برنامه های ایران زمین.

علاوه بر تثبیت برنامه ها، توسعه شبکه های فرستنده در شهرستانها از اقدامات درخور توجه تلویزیون ملی در سال ۴۷ بود. کار آزمایشی ما در آبادان و رضائیه موفقیت آمیز بود و با استقبال صمیمانه مردم روبرو شد. به زودی شبکه های تلویزیون ملی در ۱۰ شهرستان دیگر به کار خواهد افتاد. البته این تلاش تنها جنبه گسترش وسایل فنی را ندارد و در نظر است که با

«برنامه دوم»

● مدتیست که از کانال ۳ (تلویزیون ایران سابق) هر دو هفته یکبار برنامه دوم پخش میشود.

کارگردانی برنامه دوم که به ابتکار «مهندس پرتوی» مدیر و سرپرست ایستگاه کانال ۳ تلویزیون ملی ایران اجرا میشود را شهیار ذوالریاستین بعهده داشت و مدیریت تهیه آن نیز بعهده بهروز نیکذات بود. در آخرین برنامه داود رمزی، هوشنگ حسامی، هوشنگ پرتوی، بیژن امامی، و چند تن دیگر مجری بخش های مختلف بودند که برنامه «شعر و ادبیات» (رمزی) و «نقد تئاتر» (هوشنگ حسامی) از همه گرمتر بود. گویندگی این برنامه را کلوریا فرخزاد خواهر مرحوم «فروغ» شاعر گرامی برعهده داشت.

با توجه به اینکه مردم ما تا اندازه زیادی نیازمند شناخت هنر و تحرک اندیشه برای آشنائی با پدیده های نو هنر هستند، باید گفت که جشن هنر از موقعیتهای درخشان و ارزنده تلویزیون ملی ایران بود.

ادغام دو فرستنده ● تلویزیون کانال ۳ (تلویزیون ایران) در اختیار سازمان تلویزیون ملی ایران قرار گرفت و رسماً با آرم تلویزیون ملی ایران بکار پرداخت.



حسن خیاط باشی

● فرا رسیدن سال نو همراه بود با اجرا و پخش برنامه حرف تو حرف این برنامه که مدت سال است هر جمعه بلا انقطاع از تلویزیون کانال ۳ پخش میگردد هم اکنون یکصد و دهمین برنامه بی دری خود را پشت سر میگذارد.

«حرف تو حرف» مسائل روز را در قالب طنزی خاص هر هفته در ساعت ۸ بعد از ظهر روز جمعه در برنامه مخصوص خود به تماشاگران تلویزیون کانال ۳ عرضه میدارد پرسوناژ دائمی این برنامه در شخصیت ابتکاری «مهندس بیلی» است که باشکل و شمایل ویژه ای خود نمائی میکند.

نقش «مهندس بیلی» را «حسن خیاط باشی» که در ضمن کارگردانی برنامه «حرف تو حرف» را برعهده دارد ایفا میکند و در حال حاضر امیر حمزه هلی، آتیه چیان، شعاع، واعظی، رحمانی، فرهنگ و بهرامی هنرکاران او در اجرای این برنامه هستند.

فعالیت هنری «حسن خیاط باشی» که هم اکنون بیست و پنجمین سال عمر خود را طی میکند از چهارده سالگی با کارهای نمایشی آغاز شده است. چهار سال کار در اداره رادیو، چهار سال همکاری با گروه هنر ملی، اجراء یازده پست در تئاتر و تلویزیون، شرکت در فستیوال تئاتر ملل (تئاتر سارابرارد) و ایفای نقش در نمایشنامه های «آلونک»، «غروب در دیاری غریب»، «قصه ماه پنهان» (بکارگردانی عباس جوانمرد) و کارگردانی و ایفای نقش سه ساله در برنامه «حرف تو حرف» کارنامه زندگی هنری او را شامل است.

تئاتر

● ناصر آبادی کارگردان اخیراً نمایشنامه «ماجرای شب چهارشنبه سوری» را در رضائیه بروی صحنه آورد. موسیقی این نمایش را ناصحی تنظیم نموده بود و توسط بازی گران وابسته به گروه هنری آذربایجان غربی اجرا گردید.

آرام داریوش در انگلستان

● بعد از مدتها توقیف نمایشنامه Narestpsy اثر «مومو کوکو سوکوا»

نمایشنامه نویسی ژاپنی بدون سانسور در تئاتر کوچک لندن بروی صحنه آمد. در این نمایشنامه که سراسر حرکت است و فیکور و پیچیدگی «آرام داریوش» نقش خود را به استادی تمام بازی کرد و نحین همگان را بر انگیخت.

دیلی میرور نشریه معتبر

نمایشگاهها

محسن و فیگوراتیو بجم می خورد، رنگها بیشتر در زمینه های قهوه ای و زرد و نارنجی بودند و صورت ذاتی اشکال مورد نظر نقاشی بود. آثار سرامیک های فیگوراتیو-حسی جالب بود و در گسی داشت.

کاریکاتور های اردشیر



● از بیستم تا پایان اودیبهت ماه سال جاری نمایشگاهی از کارهای اردشیر محسن به نمایش گذاشته شد.

این موقعیت جالبی بود برای دوستداران «کاریکاتور» های محسن که آنها را به یکباره در یک نمایشگاه فراوی خود یافتند. این نمایشگاه در گالری سیحون ترتیب یافته بود.

نقاشی کودکان

● یک نمایشگاه از نقاشی های بچه ها در تالار دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران ترتیب یافت این نمایشگاه نموداری بود از ذوق و طرز فکر کودکان در جهت پرورش استعدادشان. تنوع و فوره

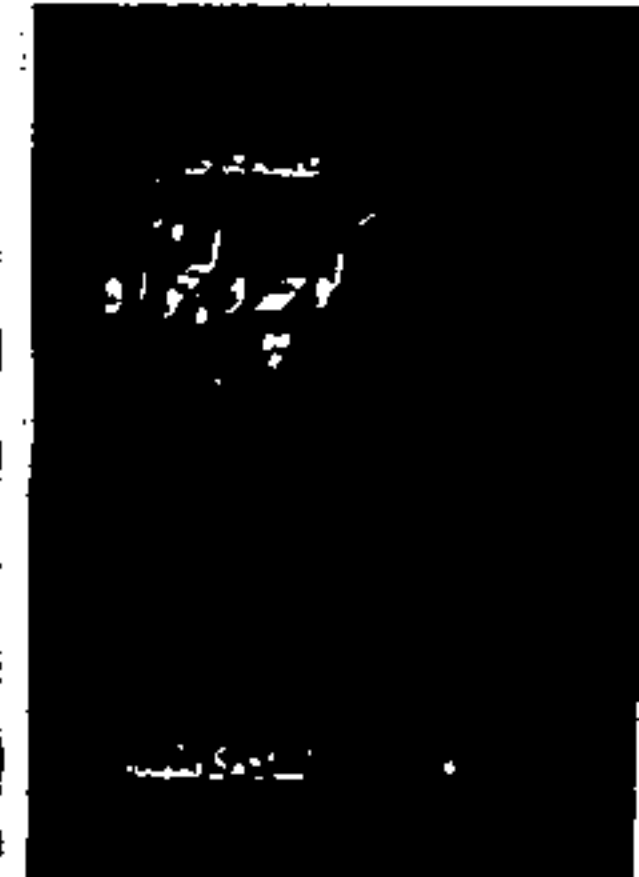
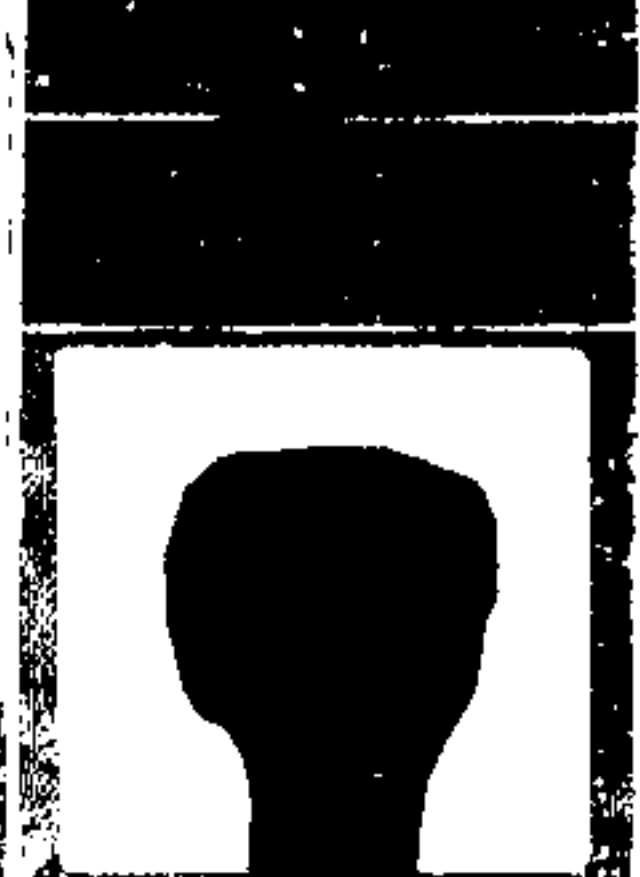


نمایشگاه اویسی

● آثار نقاشی «اویسی» در تالار تدار افتتاح شد. در تالار تدار افتتاح شد. اویسی از هنرمندانیست که کارش در یک مقیاس جهانی قرار دارد در کارهای او روح شرقی کاملاً مشهود است اگر چه در مکتبهای غربی و اروپائی نقاشی شده است.

نمایشگاه منصوره حبیبی

● نمایشگاهی از آثار جدید نقاشی منصوره حبیبی در تالار بورگر ترتیب داده شد که با استقبال بی نظیر مردم مواجه گردید. در ایسن نمایشگاه چند تابلوی «بزمه



کتاب

انتشارات اشرفی

● اخیراً «توت فرنگی های وحشی» پرداخت اینگمار برگمن کارگردان و سناریست را به ترجمه هوشنگ طاهری منتشر نمود. مترجم ترجمه آنرا به «ایران درونی» ناقد و نقاش معروف هدیه داشته است. ناگفته نماند که انتخاب کتابهای منتشره سازمان انتشارات اشرفی از سری سینمای مؤلف با پرویز اسدی زاده است از دیگر انتشارات اخیر اشرفی باید کتابهای زیر را نام برد:

● **قصه نویسی**، از دکتر رضا براهنی (چاپ سوم متن کامل) در شش بخش و ۵۵ موضوع و فهرست اعلام و گزیده مراجع فارسی و منابع و مراجع خارجی در ۷۱۳ صفحه و ۲۸ صفحه ضمیمه داخل کتاب.

● **نمایشنامه سه خواهر اثر آنتون چخوف** ترجمه سعید حمیدیان و کامران فانی

● **فرهنگ دانش و هنر**،

تألیف پرویز اسدی زاده و عده ای دیگر از زبده محققان.

● **انتشارات مطبوعاتی عطائی**

● **مددکاری اجتماعی**

تألیف محسن قندی با مقدمه دکتر محمدحسن ناصرالدین صاحب الزمانی.

● **جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل**، تألیف غلامرضا نجانی چاپ دوم با مقدمه ای از آقای حسن صدر.

● **انتشارات نیل**

● **شب های تماشا و گل**

زرد مجموعه داستان نوشته جمال میرصادقی.

● **نمایشنامه دانی وانیسا**

اثر آنتون چخوف، ترجمه هوشنگ پیرنظر.

● **انتشارات امیرکبیر**

● **سایه عمر**، مجموعه

شعر شادروان رهی معیری چاپ دوم با مقدمه آقای علی دشتی.

● **جام زرین اثر جان**

اشتین بک، ترجمه خشیایار قائم مقامی.

● **دلهره های جوانی اثر**

مشفق همدانی.

● **نصف جهان**، تألیف

محمد مهدی بن محمد رضا الاصفهانی، تصحیح و تحشید،

دکتر منوچهر ستوده.

● **مشاعره**، تألیف مهدی

سهیلی.

● **گناه کبیره انسی**

از جمله نمایشنامه های

کتاب «سه نمایشنامه کسالت

آورا» که اخیراً انتشار یافت

«گناه کبیره انسی» است.

● **داستان «گناه کبیره انسی»**

داستان بزرگ است که در پی

دانستن است و میخواهند

حقایق جامعه و پیرامون خود

را ببینند و بشناسند اما با

سکوت دیگران که «میدانند»

مواجهه میکنند.

در این داستان نویسنده

ناصر ایرانی خواسته است

جامعه پیرامون خود را بنمایاند.

بدینگونه که آدمهایی هستند

که میدانند، اما هرگز لب

به سخن نمی گشایند.

ناصر ایرانی نویسنده

نمایشنامه، سردبیری مجله شکار

وطیعت را نیز بهمه دارد.

دو نمایشنامه دیگر این

مجموعه، «آن روز گرم و

دراز» و «صحنه تاریک» میشود

نام دارند.

● **برحریب ابر**

مجموعه شریست از حبیب الله

شریفی. در این مجموعه شعر

هایی با فرم شعر قدیم و نیز

قطعه هایی با فرم جدید دیده

می شود و نشان می دهد که

صاحب کتاب در زمینه های

مختلف طبع آزمایی کرده

است.

اینک يك دو بیسی از او:

انتظار

چشم سید گشت براهت در

انتظار

دردا نیامنی و بلبل آرزو
بماند
گفتند آبی و به تن خستجان
دهی
صبرم به سر رسید ولی گفتگو
بماند

زندگی من

● **از مارک تواین «زندگی**

من» به قطع جیبی انتشار

یافت این کتاب توسط ابوالقاسم

حالت ترجمه شده و شرکت

سهامی کتابهای جیبی آنرا در

۶۲۰ صفحه بقطع جیبی و به

بهای ۵۵ ریال انتشار داده

است.

● **اجاق کور**

در اسفند ماه گذشته

«اجاق کور» مجموعه داستان

های کوتاه ابوالقاسم ققیری

انتشار یافت. در این داستانها،

که اکثراً موجز و ساده برشته

تحریر درآمده محیط بکسر

روستا خود نمائی میکند.

این نویسنده قبلاً کتاب

فولکوریک «ترانه های

محلی فارس» را دیده ایم.

● **قصه های کوچه دلخواه**

قصه های کوچه

دلخواه نوشته اسلام کاظمیه

که شامل هشت قصه پیوسته

است توسط سازمان انتشارات

«زیر» انتشار یافت. ماجرای

داستانهای این کتاب در کوچه

دلخواه، کوچه ای در خیابان

امیریه و در تهران سی سال

پیش میگذرد. این اولین

مجموعه داستان «اسلام کاظمیه»

است.

● **لایه های بیابانی**

«لایه های بیابانی»

مجموعه پنج قصه است از

محمود دولت آبادی قصه نویسی

و بازیگر تئاتر که انتشارات

روز آنرا انتشار داد.

● **گلپای سیاه**، مجموعه

شعر سروده حسن ولی پور

(نیسانی) در ۸۸ صفحه

یاد نامه نخستین هفته

شعر و هر خوشه، تهیه و

تنظیم احمد شاملو.

● **اولین سروده ها**

اولین دفتر شعر

م. شریف شاعر جوان انتشار

یافت از این دفتر که کوچ
درباران نام دارد حاوی سروده
های پنجسال گذشته شاعر
است.

● **از «صند بهرنگی»**

بنازگی چند قصه برای

کودکان از مرحوم صند بهرنگی

منتشر شده است. این قصه ها

در ۶ جلد تدوین یافته است.

«پسک لیوفروش»، «اولدوز

و کلاغها»، «خواب و

بیداری»، «اولدوز و عروسک

سختگو»، «کور اوغلو و کچل

حز» و «افانه محبت» از

این جمله اند

● **داستان های محلی**

کتاب کوچکی است با

قطع جیبی که حاوی ده داستان

برای کودکان است.

این داستان ها مخلوق ذهن

آقای فرخ صادقی نیست.

این مطلب را عبارت «گرد -

آوری و ترجمه» که در روی

جلد چاپ شده است تایید می
کند. ● **نه نبرد**

کتابی است درخور

مطالعه و حاوی نکاتی که تا

امروز در کتاب هایی از آن

نوع کمتر دیده شده، عشق

و زبان فارسی در اثنای کتاب

هویداست و همین احسان

انگیزه شده که گردآورنده

پایان وجود در فراهم کردن

آن بکوشد.

● **آقای احمد بهارست** مؤلف

کتاب ۵۲ بیت از شاهنامه را

بر اساس نسخه ای که به دست

آورده تصحیح کرده است.

در پایان هر داستان گریب

آورنده تفسیری و شرحی بر آن

نگاشته و سعی کرده زوایای

تاریک را روشن سازد و از

پیکره ها و تصویر ها بسا

تفصیل سخن گوید.

● **فرشید مثقالی**

برنده جایزه اول طراحی

برای کتاب کودکان

● **در ششمین دوره سالانه**

نمایشگاه کتابهای کودکان در

سهر بولونی ایتالیا دو کتاب

از انتشارات کانون پرورش

فکری کودکان و نوجوانان

بدریافت بجوایز نمایشگاه نایل

آمد. این دو کتاب «ماهی

سیاه کوچولو» نوشته صند

بهرنگی و «گل بلورخورشید»

اثر فریده فرجام است، که از

طرف شورای داوران نمایشگاه

کتاب های کودکان بولونی

بعنوان بهترین کتاب برای

کودکان برگزیده و برنده

دو پلاک طلا شد. طراح کتاب

ماهی سیاه کوچولو که برنده

جایزه اول از نظر طراحی

گردید، آقای فرشید مثقالی است

که قیلاهم دو کتاب کودکان را

که در سال گذشته در نمایشگاه

هامبورگ بنمایش گذاشته شده

بود طراحی کرده است.

● **کانون پرورش فکری**

کودکان و نوجوانان اسال

برای اولین بار این دو کتاب

را برای شرکت در ایسن

نمایشگاه ارسال داشت و دو

جایزه «گرتیچی دی اربا» و

«فیرادی بولونیا» را که هر

سال از طرف صاحب نظران و

منتقدین و متخصصین ادبیات

کودکان به دو کتاب شرکت

کننده داده میشود، بخود

اختصاص داد.

● **آدمی، حافظه و ماشین**

● «کورین جگر» کتابی

بنام «آدمی، حافظه و ماشین»

دارد که دکتر محمود بهزاد

و محمد حیدری ملایری آنرا

ترجمه نموده اند. این کتاب

را سازمان کتابهای جیبی منتشر

نموده است.

فرهنگنامه

● «فرهنگنامه»

ای حاوی ۱۸ جلد ترجمه و

نشر یافت. این «فرهنگنامه»

که در چاپی نفیس انتشار

یافته حاصل کوشش پنجساله

هیشتی از مترجمین و

صاحب نظران کشور است.

● **مجموعه ۱۸ جلدی مذکور**

(بغیر از جلد هفتم که

مخصوص ایران است) ملخص

و انتخاب فشرده ایست از

فرهنگنامه ای که خانم برقا -

مورس پارکر آمریکائی تألیف

کرده و زیر نظر رضا اقصی

تهیه و تنظیم شده است و در

صورت مترجمین آن اسامی

آشنائی چون احمد آرام،

منوچهر انور، دکتر محمود

بهزاد، دکتر عباس اکرامی،

نیف دریابندری، دکتر مهندس

داریوش فرزانه، محمود

مصاحب، ابراهیم مطلا، دکتر

مصطفی مقربی و علی امیر

مهاجر بیستم میخورد. این

فرهنگنامه مجموعه حاوی

اطلاعاتی در زمینه های، نظام

ها، ایدئولوژیهای سیاسی،

حکومتهای مختلف جهان،

زندگی سیاستمداران و مشاهیر

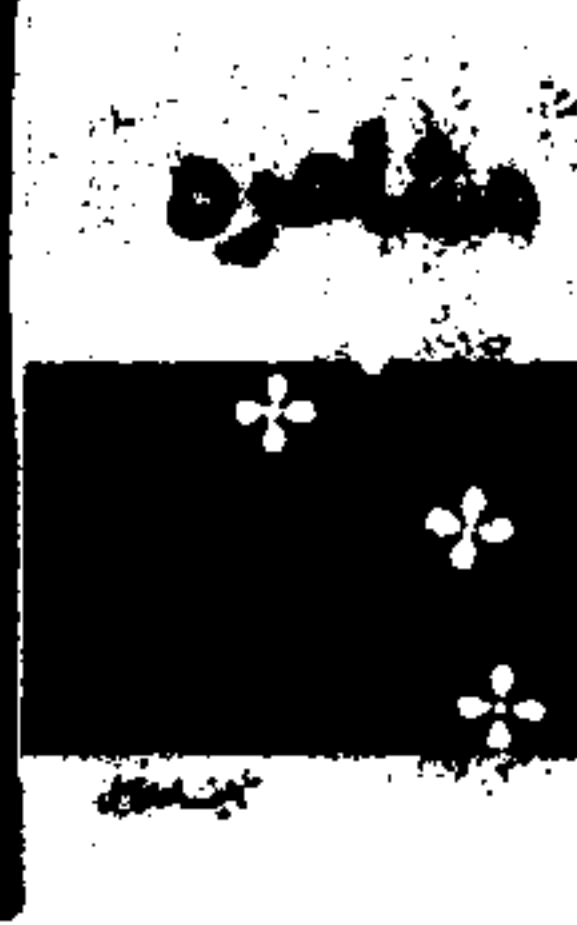
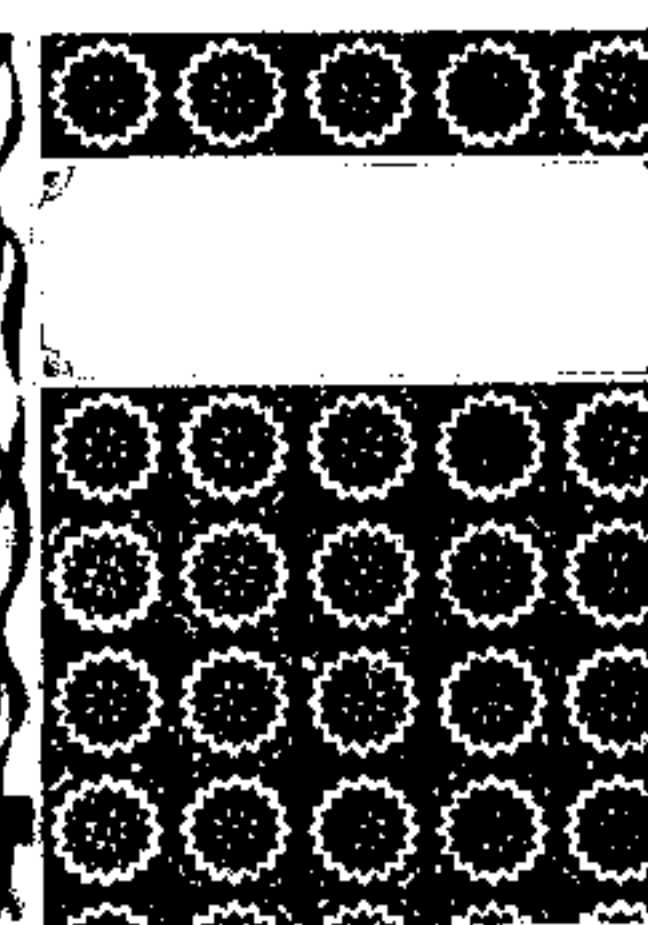
برجسته، کاشفین، آهنگسازان،

هنرمندان، نویسندگان و

شعرا معروف جهان است و

نیز یادی فشرده از کلیه

معارف و مسائل جهانی.



تالار رودکی

ايرای ایل تروانوره



● ايرای ایل تروانوره يا خواننده دوره کرد، در فروردین و اردیبهشت ماه، برای نخستین بار در چهار پرده با شرکت هنرمندان ايرای تهران چهار بار بروی صحنه آمد. ایل تروانوره یکی از مشهورترین ايرای های جوزیه وردی است که نخستین بار به سال ۱۸۵۳ در تئاتر آپولوی رم به اجرا گذاشته شد. وردی هرگز فکر نمی کرد بتواند ايرای بهتری از ریگولتو تهیه کند، لیکن برخلاف تصور ایل تروانوره در مدت کوتاهی شهرت جهانی کسب کرد. وردی ايرای های گوناگون تهیه کرده اما آنچه باعث شهرت وی شد ریگولتو و سپس ایل تروانوره و همین طور ايرای تروانوتا است. او در این سه ايرای که دوره دوم شیوه کار های اوست لحن جدیدی در موسیقی آوازی بوجود آورد. وردی علاوه بر ايرای در موسیقی مذهبی نیز آثاری به یادگار گذاشته است که از بین آنها رگوم، بیادبود مرگ ماترونی، ساعر ایتالیایی را می توان نام برد.

متن ايرای زبان ایتالیایی از سالواتوره گامارانو است. نقش های اصلی داستان و اجراء کنندگان عبارت بودند از:



حسین سرشار، سودابه تاجبخش، اولین باغچه بان، کارلو پیچینی، النوش ملکنیان. در این ايرای نقش مهمی بهمه گروه کور بود که ژان پل ریشر آنرا رهبری میکرد. گروه خوانندگان کر بادر نظر گرفتن سابقه فعالیتشان در ايرای خوب درخشیدند. هانس سوسیتا رهبری ارکستر را بهمه داشت.

کارگردانی این برنامه با عنایت اله رضائی بود. در مجموع برنامه ايرای ایل تروانوره را میتوان از برنامه های موفق تالار رودکی دانست و امیدواریم در آینده نیز شاهد اجراء های دیگری از ايرای های معروف جهانی باشیم.

اجرای ايرای «ايل» تروانوره

تروانوره «در تالار رودکی بار دیگر نشان دهنده این حقیقت بود که ما به زودی در ایران شاهد بروی صحنه آمدن آثار ايرای بزرگ دنیا خواهیم بود و نیز این امید را در دلها شکوفا میکرد که خوانندگان ايرای ايرای ایران در تالار رودکی دانای و توانای و تجربه کافی دارند که اجرای آثار سنگین ايرای جهان را بهمه بگیرند.

سودابه تاجبخش و اولین باغچه بان و حسین سرشار و النوش ملکنیان خوانندگان ايرای و ژرژ پاپاس و کارلو پیچینی خوانندگان خارجی، در اجرای ايرای ایل تروانوره موفق و سر بلند بودند.

● یک رستال پیانوروز دوشنبه هفت اردیبهشت ماه توسط خانم فریده بهبود در سالن کوچک تالار رودکی اجرا شد. فریده بهبود در سال ۱۳۲۳ در تهران بدنیا آمده است و تحصیلات خود را در هنرستان عالی موسیقی در رشته موسیقی به پایان رسانیده و در سال ۱۳۴۵ موفق باخذ لیسانس با رتبه اول در رشته پیانو گردیده است. فریده بهبود در حین تحصیل از طرف وزارت فرهنگ و هنر در کنکور بین المللی پیانو در ژنو و لیسبون شرکت و تاکنون چند کنسرت در تهران اجراء کرده است.

اولین قسمتی که فریده بهبود نواخت شاکن در رمینور اثر یوهان سباستین باخ بود. در قسمت دوم فریده بهبود سه اثر از فردریک شوپن به ترتیب زیر نواخت:

- ۱- اتود اثر ۲۵ شماره
- ۲- در «فا» مینور،
- ۳- اتود اثر ۲۵ شماره
- ۴- در «سل» مینور،
- ۵- بارکارل در «فا» ماژور.

در قسمت سوم فریده بهبود آنداته و واریاسیون در «فا» مینور اثر ژوزف هایدن را اجرا کرد. در قسمت چهارم، از موریس راول، قطعه آلبوراد و دل گراسیوزو اجراء شد و در آخرین قسمت، از هوشنگ استوار، سه پرلود، توکانا و دوباکاتل، اجرا شد.

فریده بهبود پیانیستی است که میتواند مثالی را که آهنگسازان مشهور ساخته اند اجرا کند.



روز دوشنبه ۱۵

اردیبهشت در سالون کوچک تالار رودکی يك برنامه موسیقی مجلسی از آثار موتسارت، برامس، ریویه و بارتوک اجرا شد.

قسمت اول رستال سونات برامس برای پیانو و کلارینت بود.

خانم تمنوشکایانوا و آقای دونل ایلر نسوازندگان پیانو و کلارینت بودند. قسمت دوم کوارتت موتسارت برای فلوت و سازهای می بود.

نوازندگان عبارت بودند از: سوزان اوپلر، فلوت، منوچهر انصاری، ویلن، وازگن پیرچانیان، ویولو، آلتو، ومهرداد رنجبران، ویولن سل.

در قسمت سوم کنسرتورای فلوت و پیانو از آهنگساز فرانسوی ژان ریویه اجراء شد. در این قسمت سوزان اوپلر فلوت و تمنوشکایانوا پیانو می نواختند.

درخاسته تریو برای کلارینت ویلن و پیانو از بارتوک اجرا شد.

● تالار رودکی در اردیبهشت ماه بار دیگر شاهد نمایش باله «سیندرلا» (دختر خاکستر نشین) بود. این



داستان که از قصه های معروف اروپائی است از مجموعه داستانهای بنام تنه غاز نوشته «شارل پرو» نویسنده فرانسوی قرن هفدهم گرفته شده است و موزیک آن از «سرگنسی پروکوفیف» میباشد.

سرگنسی باله سیندرلا را سال ۱۹۴۱ آغاز کرد و لیکن بعد از جنگ جهانی دوم آنرا به پایان رسانید و نخستین بار در نوامبر ۱۹۴۵ در پالئوی تالار مسکو بروی صحنه آورد. این برنامه زیر نظر تژاد احمدزاده وباشرکت هنرمندان باله ملی ایران اجرا شد.

سرور کابلی امین طاعتی گلریزماریون دیلاتیان میرجهانگیری آواک آبراهامیان، جمشید سقا باشی، احمد اجدادی، ماریون دلانیا و فرشته فرازند.

این بار نیز هنرمندان باله ملی ایران با نرمش و زیبایی در جلوه گر ساختن يك باله خوب توفیق یافتند.

گروه ملی باله پارس

● گروه ملی باله پارس برهبری عبدالله ناظمی باله

باله و رقص



نیم ساعتی بنام «هدیه» آماده برای ضبط در تلویزیون ملی ایران کرده است. این باله بر روی داستانی شیرین طراحی شده که موسیقی آن از «ریشارد اشتراوس» است و گروه ملی باله پارس آنرا بصحنه می آورند.

بنفشه برامیان، در نقش دختر، عبدالله ناظمی، در نقش هدیه، هوگوپاتی نیو، در نقش جادوگر.

ناصر کاظمی، حبیب شیبانی و آتش تقی پور، در نقش نقش دانشجویان دانشکده افسری. خجسته میرغفوری، هینو بیژن و مهروان روانبخش، در نقش دختران. آریانا محصودی، در نقش مادر.

آتش تقی پور، در نقش پدر.

طراحی این باله بهمه ارشد تخراری است. ضمناً گروه باله ملی پارس اخیراً عدای هنرجو تازه کار پذیرفته که تحت تعلیم به تونی، بهداین کنور رفته هستند و قرار است عدای دیگر را از طریق سابقه برای تعلیم در کلاس های بدون بهره این گروه بپذیرد. هم اکنون این گروه سرگرم تمرین يك باله مدرن باموسیقی «استراوینسکی» است. نقش های اصلی این باله بهمه ناظمی - ناصر کاظمی - هوگوپاتی نیو و عدی دیگر از هنرجویان گروه باله ملی پارس می باشد.

طراحی این باله را عبدالله ناظمی و هوگوپاتی نیو مشترکاً بهمه دارند.

● رقص مجلسی بالرین های گروه «کوارتت رقص مجلسی» آمریکا يك برنامه رقص جالب در انجمن ایران و آمریکا اجرا نمودند.

این گروه در اغلب کشور های قاره آمریکا برنامه هایی اجرا کرده اند.

اجرای برنامه های رقص در کشور های خاور نزدیک و آسیائی اولین برنامه خارجی این گروه است که با همکاری اداره برنامه نمایشات فرهنگی آمریکا ترتیب یافت. در این برنامه هنرمندان مذکور باله هائی همراه با موزیک عامیانه و لباسهای قدیمی محلی آمریکا عرضه داشتند.

رقصهای محلی

● برنامه رقص های محلی که در تالار رودکی اجراء شد نمونه ای بود از کوشش های پرارزش گروه ملی فولکلوریک ایران که در احیای پاره ای از زیباترین رقص های ملی کشور می کوشند.

در این برنامه يك سری از رقصهای محلی مناطق تربت جام و باخزر در خراسان معرفی گردید.

لیلی تجدد با همکاری یاران خود به این برنامه شکل و حال گیرائی بخشیده بود و جلوه های عرفان و عشق ايرانی را در این برنامه با رنگ و آرایش و کارگردانی خوب و بخته عرضه کرد.

اجرای رقص هال اصلیل

● ايرانی در تونس

گروهی از هنرمندان سازمان ملی باله ایران برای اجرای برنامه هایی در زمینه رقصهای محلی و امیل ايران، همزمان با سفر اعلیحضرتین به تونس، بهداین کنور رفته و چند برنامه بسیار جالب دیگر را از طریق سابقه برای برنامه هایی که توسط این گروه در شهرهای مختلف تونس اجرا گردید مورد توجه واقع شده است.



نینا کاوسی

● نینا کاوسی بالرین معروف ايرانی که در سال گذشته به انگلستان رفت در لندن کار خود را همچنان دنبال میکند.

نینا سال گذشته پس از بازگشت از لندن با يك جوان ايرانی ازدواج کرده و مجدداً برای ادامه پرورش هنر خود راهی انگلستان شد. وی در سفر قبل خود از يك بورس هنری استفاده کرده بود.

موسیقی

برنامه ای از «باغچه بان»

● در يك برنامه موسیقی که در تالار «رودکی» اجرا شد هنرمندان «کر» تهران چند آواز ايرانی از ساخته های «باغچه بان»، و «ملك اسلانیان» را به رهبری اولین باغچه بان اجرا کردند.

در این برنامه هم چنین چند آواز ایتالیائی توسط «کارلو پیچینی» خواننده ايرای ایتالیا بهمه پیانو شارمن اوسوریو هنرمند اسپانیائی عرضه گردید.

موزیک جاز

● يك برنامه موزیک جاز توسط هنرمندان گروه موسیقی کاخ مرکزی جوانان در تالار اجتماعات این کاخ اجرا گردید.

رهبر ايرانی ارکستر فیلارمونیک نیویورک

● فرهاد مشکوة معاون رهبر ارکستر فیلارمونیک نیویورک در اوائل ماه مه یک برنامه استراوینسکی را با «اوکت» ساز های بادی رهبری کرد.

مشکوة از جمله برندگان رتبه اول جایزه متروپولوس در ۱۹۶۸ بود و در نتیجه زبوند آن جایزه به عنوان یکی از چهار تن معاونان رهبر ارکستر فیلارمونیک نیویورک انتخاب گردید.

سرت دوپیانو

● برنامه کنسرت دوپیانو توسط «گورینی» و «لورنزی» هنرمندان ایتالیائی در ۳۰ فروردین ماه در دانشکده هنر های زیبا اجرا شد این برنامه از طرف انجمن فیلارمونیک با همکاری مرکز فرهنگی ایتالیا تنظیم شد.

کنسرت هنرمندان اطریشی

● «قاسم طالب زاده» (نوازنده ویلن) به همراهی خانم «اکل دهوپ» (پیانیت) و «دونالبت اوهر» (نوازنده کلارینت) در تالار دانشکده هنر های زیبای دانشگاه تهران يك برنامه کنسرت عرضه داشتند.

ارکستر سمفونیک تهران

● يك برنامه کنسرت توسط ارکستر سمفونیک تهران و برهبری حشمت سنجری در تالار رودکی عرضه شد.

کوئیت بادی وین

● گروه «کوئیت بادی وین» در تالار فردوسی دانشگاه تهران يك برنامه کنسرت اجرا نمود.

«عهد نامه ۱۳۱۶» باعراق کان لم یکن است»

شنبه «۳۰» فروردین
آقای «امیر خسرو افشار» قائم مقام وزیر امور خارجه ایران در مجلس سنا اعلام کرد که عهدنامه ۱۳۱۶ با عراق کان لم یکن است. یکشنبه «۳۱» فروردین
نیروهای مسلح شاهنشاهی در نقاط مرزی «اروند رود» بحالت آماده باش در آمدند.
دوشنبه «۱» اردیبهشت
اطلاعیه وزارت امور خارجه ایران در باره وضع کشمیری در اروندرود

در مورد وضع کشمیری در «اروند رود» و اختلافات مرزی بین ایران و عراق و حقوق دولت ایران در اروندرود این اطلاعیه از طرف وزارت امور خارجه انتشار یافت:

همانطور که رسماً از طرف دولت شاهنشاهی ایران اعلام گردیده چون موادمهم عهدنامه مرزی ایران و عراق مورخ ۱۳۱۶ طی سی و دو سالی که از تاریخ انعقاد آن میگذرد علیرغم مساعی و تقاضاهای مکرر دولت شاهنشاهی همواره مورد بی اعتنائی دولت عراق قرار گرفته و از اجرای آن با اتخاذ رویه دفع الوقت سرباز زده اند لذا عهدنامه مذکور از طرف دولت عراق عملاً نقض شده میباشد و بنا بر اصول مسلم حقوق بین المللی دولت شاهنشاهی آرا بدون ارزش و کان لم یکن و منتفی میسرار مضافاً اینکه با توجه به سوابق تاریخی و مقتضیات و اوضاع و احوالی که هنگام انعقاد عهدنامه وجود داشته و استعمار با تمام قوای خود بحمايت از عراق برخاست و موادی چون بند چهار پروتکل ضمیمه عهدنامه که وظایف خاص عراق را نسبت به انگلستان تعیین مینماید در عهدنامه گنجانده بود اینک با تغییر اساسی آن اوضاع و احوال آثار و نتایج و ثمرات آن نیز قابل قبول نبوده و تحفه استعمار باید از بین برود و بنا بر اصل حقوقی ژوبوس سیک استانتیوس که بی ارزش و بی اعتبار بودن معاهدات را بشرط تغییر اوضاع و احوال زمان انعقاد قبول مینماید دیگر عهدنامه تحمیلی و نامساوی مرزی ۱۳۱۶ نمیتواند دارای اعتبار و اثر باشد خامه آنکه نسبت به اروندرود که قسمت اعظم آبهای آن از منابع و کوههای ایران سرچشمه میگردد هیچ وجه اصل تساوی حقوق که در کلیه معاهدات باید مورد توجه قرار گیرد رعایت نشده است.

در عین حال همانطور که رسماً اعلام شده دولت شاهنشاهی ایران به پیروی از تمالیم و نیت صلحجویانه شاهنشاه آریامهر تمایل داشته و آماده است که در باب تثبیت مرز در اروندرود بر اساس خط «تالوک» که مبتنی بر اصول متداول حقوق بین المللی است حتی (فردا) با دولت عراق وارد مذاکره شده عهدنامه جدیدی امضاء نماید همچنین آمادگی دارد که در صورت ابراز حسن نیت از جانب مقامات عراقی بحالت اضطراری و غیر عادی که در نتیجه تهدیدات دولت عراق اینک در مرز حکمفرما است بشرط عمل متقابل خاتمه داده و بتمام واحد هائیکه بمرز رفته اند دستور دهد که بر اکثر خود مراجعت نمایند. دولت شاهنشاهی ایران ضمناً لازم میدانند تاکید نماید که در این فاصله و در هر حال چنانچه نسبت به پرچم شاهنشاهی ایران قصد هتک احترام شود و یا در امر کشمیری آزاد در اروندرود ممانعتی بعمل آید هر یک از این اعمال با عکس العمل شدید مواجه خواهد گردید و دولت شاهنشاهی بحکم وظیفه مقنن خود الزاماً هرگونه مانع و رادعی را از میان برخواهد داشت و دولت عراق مشمول مواقیب سوء پیشامد هایی که در نتیجه رویه تجاوز کارانه آنها در اروندرود روی دهد خواهد بود.

بند چهار پروتکل ضمیمه عهدنامه سرحدی ایران و عراق مورخ ۱۳۱۶ باین شرح است: «بدیهی است که بشرط رعایت حقوق ایران در شط العرب هیچیک از مقررات این عهدنامه بحقوق و وظایفی که دولت عراق بموجب ماده ۴ عهدنامه سی ژوئن ۱۹۳۰ و فقره هفتم پروتکل منظم آن مورخ بهمان تاریخ نسبت به شط العرب در مقابل دولت انگلیس دارد خصلی وارد نخواهد آورد».

شنبه «۲» اردیبهشت
عبور کشتی ابن سینا
کشتی ابن سینا با افزایش پرچم ایران و پیش بینی های لازم با استفاده از حقوق حاکمیت ایران که طبق اصول حقوق بین المللی میباشد در ساعت ده باعداد از اسکله آبادان حرکت کرد و در ساعت دوازده و بیست دقیقه بدون حادثه از بندر فارو گذشت و به خلیج فارس رسید.

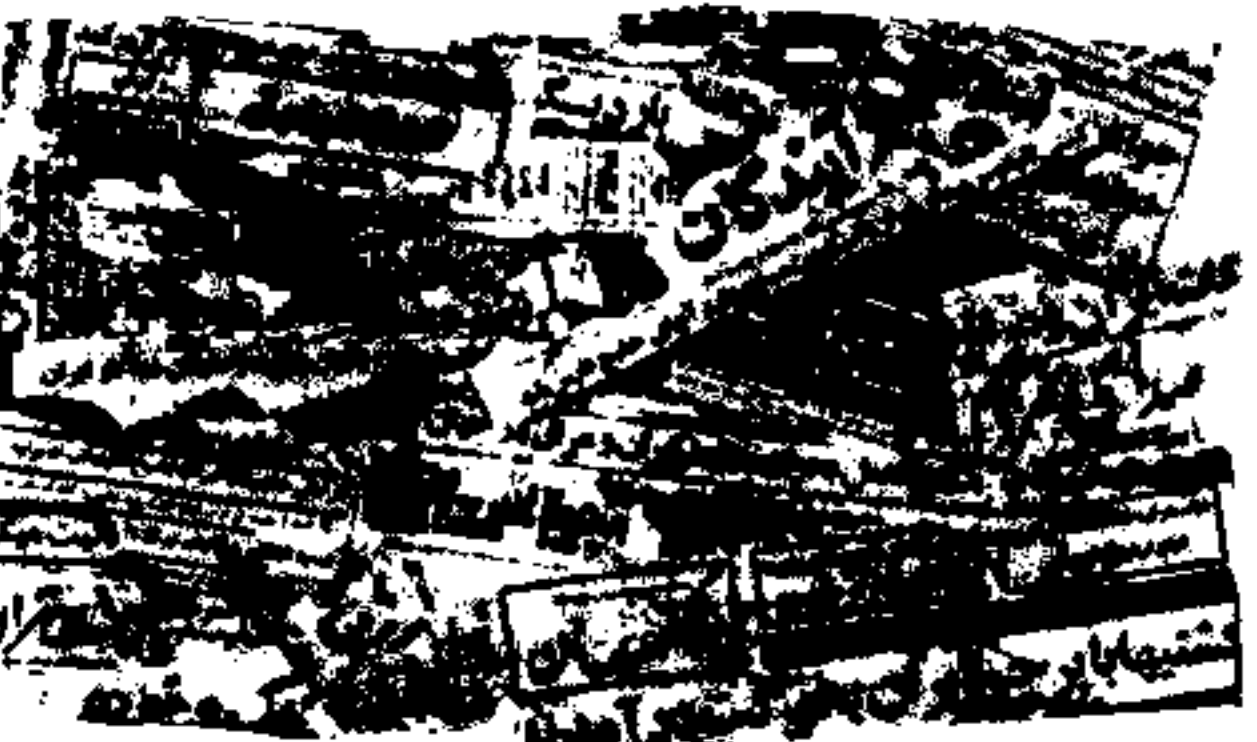
چهارشنبه «۳» اردیبهشت
بدنبال عبور کشتی ابن سینا از «اروند رود» با پرچم و راهنمایان ایرانی دولت عراق شیداً به دولت ایران اعتراض نمود.

سفر ایران گفت امیدوار است اختلاف ایران و عراق از راه مذاکره حل شود.

پنجشنبه «۴» اردیبهشت
رد اعتراض عراق
سخنگوی وزارت امور

خارجیه اطلاع میدهد که در مورد عبور کشتی ابن سینا که با پرچم ایران در سراسر اروندرود صورت گرفته است دولت عراق به ادعای اینکه کشتی مذکور طبق قرارداد ۱۳۱۶ در آبهای عراق حرکت نمیکرد و بایستی پرچم عراق را برمیافراشته رسماً یادداشت اعتراضی به وزارت امور خارجه تسلیم کرده بود.

«فرمانده ارتش سوم سینا»
باشیان
شنبه «۵» اردیبهشت
وزار ایرانی در عراق به منازل علما پناه بردند.
● اقدام یکجانبه ایران در روز ۳۰ فروردین در ناحیه شط العرب مشولیت تحولات آینده روابط دو کشور را مستقیماً متوجه ایران میکند. دولت عراق با توجه به این



با ذکر این نکته که عهدنامه مرزی ۱۳۱۶ از طرف خود دولت عراق نقض شده و از نظر دولت ایران بی ارزش و کان لم یکن است یادداشت مذکور توسط سفارت عراق در تهران بدولت عراق پس داده شد.

همزمان با انتشار دومین اعلامیه فرماندهی ارتش سوم در خوزستان برای اولین بار مقررات خاموشی در آبادان بموقع اجرا گذارده شد.

شنبه «۶» اردیبهشت
عبور کشتی آریافر
خبرگزاری پارس اطلاع داد کشتی «آریافر» متعلق به دولت شاهنشاهی ایران نیز با افزایش پرچم سه رنگ ایران مسیر اروندرود را طی کرده و بدون هیچگونه حادثه ای از بندر «فارو» گذشته و وارد خلیج فارس شد. رزمناو های نیروی دریائی ارتش شاهنشاهی ایران کشتی مذکور را اسکورت میکردند و نیز جت های نیروی هوائی شاهنشاهی یک جتر محافظتی روی آن ایجاد کرده بودند.

● رفت و آمد در خیابان ها و معابر اطراف پادگان نظامی اهواز از ساعت ۸ بعد از ظهر تا ۷ صبح ممنوع گردید.

«اعلامیه فرماندهی نیروهای خوزستان»
یکشنبه «۷» اردیبهشت
● دولت عراق ۴۰۰ ایرانی را از آن کشور اخراج کرد. «کیهان»
دوشنبه «۸» اردیبهشت
● چون قسمت عمده ساحل اروندرود زمین گزاری شده است لذا بتمام صیادان و ماهیگیران اکیداً ابلاغ میشود بمنظور حفظ جان خود فقط با اطلاع ژاندارمری از محل های تعیین شده عبور نموده و از همانجا مراجعت کنند و در غیر این صورت در صورت بروز هرگونه تلفات مشمول جان خود خواهند بود.

برای حل اختلافات دو کشور در مورد اروندرود (شط العرب) خاطر نشان ساخت که تحت هیچ شرایطی حاضر به شناسائی قرارداد منسوخ ۱۳۱۶ نیست یادداشت ایران در پاسخ یادداشتی است که دولت عراق هفته گذشته تسلیم سازمان ملل کرده بود.

یکشنبه «۹» اردیبهشت
● قتل یک ماهیگیر ایرانی توسط ماموران عراق، پایین آوردن پرچم ایران از کشتی هائی که در حال حرکت بودند و بازرسی کشتیهای ایرانی بوسیله نیروهای عراق در شط العرب همه اقدامات تحریک آمیز است که منجر به بحران کنونی بین ایران و عراق شده است.

«الحیات» - روزنامه لبنانی
مرد های ایرانی رازنجیر بدست در میدانها حرکت میدهند

حمله به خانه های ایرانیان و مسافرخانه های محصل سکونت آنها در شهر های عراق ادامه دارد
برای راهنمایان ایرانی در اروندرود ایستگاه شناور تاسیس میشود

شیر و خورشید سرخ
● شیر و خورشید سرخ ایران اعلام کرد که برای نگهداری و پذیرائی از صدها تن از زائران ایرانی و ایرانیان مقیم عراق که از آن کشور اخراج شده اند یک اردوگاه مجهز در مرز خسروی دایر کرده است.

● سخنگوی جمعیت شیر و خورشید سرخ گفت اردوگاه مرز خسروی بوسیله شیر و خورشید سرخ کرمانشاه و با کمک سازمان امداد جمعیت مرکزی و ژاندارمری منطقه خسروی برپا گشته است.

دوشنبه «۱۰» اردیبهشت
● اموال تجار ایرانی را در عتبات عالیات ضبط کردند. آیتاله حکیم اعلام کرد که در صورت ادامه بدرفتاری به ایرانیان عراق را ترک خواهد نمود.

انتشار يك سند جدید
وزارت امور خارجه يك سند سری دیگر کمریوط به

میباشد.
سند مزبور نامه ایست که در تاریخ ۲۷ فوریه ۱۹۳۶ از طرف «رندل» مشول اداره شرق در وزارت خارجه انگلیس به سر کلارک سفیر این کشور در بغداد در مورد اختلافات و مذاکرات ایران و عراق در مورد (اروند رود) شط العرب نوشته شده است.
رندل در این نامه خطاب به سفیر انگلیس در بغداد مینویسد: واضح است که ایرانیها با کمال شدت برای خط قمر المیاء (که احتمالاً منظورشان خط تالوک است) فشار خواهند آورد و لسی عراقی ها (با پشتیبانی کلنل وارد و در حقیقت دریاداری اینجا) ظاهراً به همان اندازه مصمم هستند که در مقابل چنین ادعائی مقاومت کنند و فقط حاضرند که با یک باریکه کم عرض موافقت کنند.

نکته مهمتر اینکه بدنبال این مطلب آقای رندل یادآوری میکند اگر فقط بخاطر نظر دریاداری هم در این مورد باشد ما نمیتوانیم در این مرحله به عراقیها فشار بیاوریم که رویه خود را تغییر دهند.

شنبه «۱۱» اردیبهشت
● افکار عمومی جهانیان با انعکاس یافتن عکس های شکنجه دیدگان ایرانی در روزنامه ها کاملاً جریحه دار شده است و ماموران عراقی در نظر مردم جهان در سیمای افرادی ضد انسانی جلوه یافته اند - دنیای امروز وحشیگری های ماموران عراقی را محکوم میکند و هواداران این روشهای ناپسند و سنت های ناموزون را به محاکمه دعوت مینماید.

«روزنامه پارس» - شیراز
● عراق اموال ایرانی ها را ضبط میکند ولی دولت ایران فقط به شکایت اکتفا کرده است.

اگر ایران دولت تند خوئی بود در برابر وضعی که عراق پیس آورده است به جنگ اقدام میکرد.

«رادبو لندن»
چهارشنبه «۱۲» اردیبهشت
● ۱۸ تن راهنمایان اروندرود حتی در تاریکی شب بدون چراغی توانستند کشتی های غول پیکر را به اسکله



بیاورند.
پنجشنبه «۱۳» اردیبهشت
● آیتاله «سید اسمعیل مرعشی» در حمله شرط ها و آیتاله «خراسانی» هنگام

بیش از سی سال قبل است و از نظر مقررات و قوانین بین المللی اشکالی ندارد انتشار داد. این سند مربوط به دخالت مستقیم وزارت دریاداری انگلستان در مسئله شط العرب

دولت ایران بی ارزش بودن قرارداد مرزی ۱۳۱۶ با عراق را رسماً به اطلاع سازمان ملل رسانید و طی یادداشتی که تسلیم شورای امنیت کرد ضمن اعلام آمادگی



دوست آن باشد که گیرد دست دوست !



نماز بازداشت شدند .
 «کیهان»
 جمعه «۹۹» اردیبهشت
 ● آیت الله شیرازی در زندان تحت فشار قرار گرفت تا رفتار خصمانه مأموران را علیه ایرانیان تکذیب نماید . یک زن ایرانی بر اثر شکنجه مأمورین عراقی جان سپرد ، این چهارمین نفری است که بر اثر شکنجه در گذشته است .
 «اطلاعات»
 شنبه «۴۰» اردیبهشت
 ● صد ها ایرانی آواره وارد مرز خسروی شدند ۷۰ ایرانی مجروح در درمانگاه سیار بستری گردیدند .
 «کیهان»
 یکشنبه «۴۱» اردیبهشت
 ● کشتی عراقی با پرچم ایرانی از خرمشهر حرکت میکند .
 ● میان رهبران عراق اختلافاتی بروز کرده و وعدهای دستگیر شده اند - ۲۰ هزار نفر ایرانی از عراق بایران باز میگردند بازداشت و ایداع ایرانیان مقیم عراق همچنان

برپا کرد «خبرگزاری پارس»
 یکشنبه «۳۸» اردیبهشت
 ● با ورود کشتی بدون محافظ «گما» از طریق خلیج فارس به «اروند رود» راه خلیج - اروند رود گشوده شد .
 کشتی مذکور که یک ناو اقیانوس پیمای تجاری به ظرفیت ۱۰ هزار تن میباشد «گما» نام دارد و در تمام طول مسیری که در شط طلی نمود واز جمله در اسکله آبادان با استقبال بی سابقه و ابرار احساسات شدید ایرانیان مقیم سواحل این سوی شط رو برو گردید .
 کشتی «گما» اولین کشتی متعلق به ناوگان ملی تجاری ایران است که پس از عبور موفقیت آمیز کشتی های «ابن سینا» و «آریافر» از بندر فاو و ورود به آبهای خلیج فارس در جهت مخالف حرکت کشتی های مذکور آبهای خلیج فارس را پشت سر گذاشت و از طریق «فاو» وارد شط شد .

در شهر های مقدس کاظمین کربلا و نجف صورت گیرد .
 پنجشنبه «۳۵» اردیبهشت :
 ● وزیر خارجه ایران گفت ایران دست به حمله نمیزند اما اگر مورد حمله واقع شود پشت از خود دفاع میکند .
 جمعه «۳۶» اردیبهشت
 ● شهرداری کرمانشاه ضیافتی به ناهار بافتنخسار ایرانیان اخراج شده از عراق

چهارشنبه «۳۴» اردیبهشت
 ● امروز حضرت آیت الله عظمی سید کاظم شریعتمداری طی تلگرافی که به حضرت آیت الله عظمی سید محسن حکیم مخابره نمودند ، ضمن ابراز نگرانی از اقداماتی که در عراق علیه ایرانیان انجام میگردد ، درخواست کردند که اقدامات جدی و فوری درباره وضع ایرانیان مقیم عراق و گرفتاری زوار ایرانی

کرده ولی سیر و شکیانی هم پایانی دارد ...
 دنیای جدید
 ● مأمورین بیدارگر عراقی ۷۰ ایرانی را بدست مجروح کردند .
 «مهر ایران»
 شنبه «۳۳» اردیبهشت
 ● عدهای از ایرانیان سرگردان در بیابانهای خانقین نجات یافتند .
 «اطلاعات»

ادامه دارد .
 «آژیک»
 دوشنبه «۳۲» اردیبهشت
 ● مدرسه علمیه «نجف» تعطیل شد .
 ● وزیر امور خارجه ایران اعلام کرد ایران قصد جنگ با دولت عراق ندارد .
 ● وحشیگری در برابر منطق .
 دولت ایران تا بحال از اقداماتی که به تصادم بین ایران و عراق منجر شود پرهیز

مجمع زنان حقوقدان
 ● تشکیل بانزدهمین مجمع عمومی زنان حقوقدان جهان در تهران از جمله وقایعی بود که در زمینه مسائل مربوط به زنان اتفاق افتاد . مجمع مزبور با پیام افتتاحیه

بارعام
 ● عصر روز دوم فروردین ماه طبقات مختلف بانوان کشور به پیشگاه علیاحضرت شهبانو باریافته و جشن نوروزبستانی را به حضور معظم لها تبریک عرض نمودند .

ارتش
 رئیس جدید ستاد بزرگ ارتشتاران



رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران تغییر کرد و تیمسار سپهبد فریدون جم به ریاست ستاد بزرگ ارتشتاران برگزیده شد .
 اداره روابط عمومی ستاد بزرگ ارتشتاران در باره این تغییر اعلامیه ای به این شرح منتشر ساخت :
 «به فرمان خدا یگان شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران ، تیمسار سپهبد فریدون جم از تاریخ سیزدهم اردیبهشت ماه به سمت رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران برگزیده شد .»

شهربانی

دختران موتور سوار
 ● از این پس ۲۰ دختر موتور سوار که دوره پلیس را گذرانیده اند اسکورت علیاحضرت شهبانو را تشکیل خواهند داد . این عده به آموزش کافی و ممتدی که دیده اند قادرند عجیب ترین عملیات را روی موتور انجام دهند . آنان از این پس با موتور های مخصوص و فوی خود در صفوف منظم علیا حضرت شهبانوی ایران را در کلیه مراسم اسکورت خواهند نمود .

اخبار اقتصادی و مالی تهران
 از: تهران اکونومیست

معاملات

اتومبیل دست دوم
 ● در ماههای اول سال بیشتر معاملات روی اتومبیل های دست دوم بود که مصرف پزنتشان کم و لوازم یدکی آنها در بازار فراوان است . این اتومبیلها عبارت بوده اند از فولکس واگن ، ایل و پیکان . و این آمار است از فروش اتومبیل های دست دوم در هفته آخر اردیبهشت ماه در چند فروشگاه اتومبیل دست دوم :
 « ایل » مدل ۶۳، رکورد، دو در ، به قیمت ۱۴۰۰۰ تومان .
 « پیکان » مدل ۶۶ به قیمت ۱۳۰۰۰ تومان .
 « فورد کورس » مدل ۶۴ به قیمت ۱۲۷۰۰ تومان .
 پیکان مدل ۴۷ به قیمت ۱۵۰۰۰ تومان .
 وضع مستغلات
 ● در هفته آخر اردیبهشت ماه خرید و فروش مستغلات کم و بیش رونق داشت و چند مورد معامله در بنگاه های معاملات املاک بدین شرح صورت گرفت :
 خیابان شاهپور نزدیک چهار راه مختاری خانه ای با ۳۹۰ متر مربع دارای ۷ اتاق ، دو حال ، آب و برق و ساختمان آشپزخانه با عایدی ماهیانه حدود ۶۵۰ تومان به ۱۲۲ هزار تومان فروش رفت .
 مستل دیگری نیز در خیابان بلوار الزیارت دوم خیابان میکده بمبلغ ۲۴۰ هزار تومان بفروش رفت .
 این منزل آپارتمانی بود ۳ طبقه ۴۵۰ متر زیر بنا هر طبقه ۳ اتاق و دارای آب و برق نیز بود و ماهیانه ۱۳۰۰ تومان عایدی داشت .

صنعت

سرمایه گذاری زمین
 ● آقای «پاول داکس» عضو هیئت مدیره شرکت زمینس آلمان که بتهران آمده بود اعلام داشت که سرمایه گذاری انحصاری این شرکت در ایران به حدود ۱۵ میلیون مارك بالغ میشود و قرار است این رقم به بیست و پنج میلیون مارك افزایش یابد .
 فرش
 ● بقرار اطلاع سازمان برنامه مبلغ پنجاه میلیون ریال از پانصد میلیون ریال اعتباری را که برای بهبود صنعت قالی بافی اختصاص داده شده است در اختیار شرکت سهامی فرش (وابسته به وزارت اقتصاد) قرار داد .
 سیمان
 ● آمار منشره از طرف مرکز مشاوره و نظارت بر تولید و فروش صادرات سیمان کشور حاکیست که محصول سیمان کارخانه های مملکت در سال ۴۷ بالغ بر ۲۴۲۰۰۰ تن بود .
 تخمیر توتون
 ● بیست و دو نفر کار آموزان ، مهندسان و تکنیسین های شرکت دخانیات ایران برای کار آموزی در مورد تخمیر توتون و آشنائی با طرز کار ماشینهای مربوطه به بلغارستان اعزام شدند .
 سردخانه جدید در خرمشهر
 ● بنابر گزارش سخنگوی وزارت اقتصاد پروانه تاسیس یک سردخانه ظرفیت چهار صد و پنجاه تن صادر شد .
 برای ایجاد این واحد صنعتی که در خرمشهر بکار می افتد هشت میلیون ریال سرمایه گذاری شده است .
 در هازندران
 ● پروانه تاسیس شی واحد جدید صنعتی در استان هازندران صادر شد .

در گذشت يك ميهن پرست



نظام الدین امامی فرزند حاج امام جمعه خونی در سوس در رشته های حقوق و اقتصاد تحصیل کرده و اولین شغلش در ایران ریاست دارالترجمه و نشریات وزارت فرهنگ وقت بود پس از آن مرحوم داوود را با بوزارت دادگستری دعوت کرد و مدتی در مشاغل قضائی خدمت کرد و قبل از شهریور ۱۳۲۰ سمت مشاور قضائی شرکت نفت مشغول کار شد .
 پس از شهریور ۱۳۲۰ مرحوم امامی از این سمت و حقوق روی احکامات میهن پرستانه خود کناره گیری کرد و دوباره خدمت خود را در دستگاه های دولتی یعنی وزارت دارائی با سمت رئیس اداره مستشاری قضائی آن وزارتخانه دنبال نمود .
 در اواخر جنگ دوم جهانی امامی بسمت نماینده اقتصادی ایران در آن کشور مأمور گردید و از اواخر سال ۱۹۴۴ تا ۱۹۴۶ در آن کشور بود .
 سپس در سال ۱۹۴۷ بسمت کمیسر عالی ایران در شرکت نفت عازم لندن شد و در سال ۱۹۵۲ بایران مراجعت کرد و بعنوان بازرس دولت در بانک ملی ایران مشغول کار گردید .
 مرحوم امامی خونی توجه و علاقه فراوانی به مسائل اقتصادی داشت و به همین جهت مقالات چندی در این زمینه نوشت که در بعضی از مطبوعات اقتصادی کشور درج گردید .
 او متولد سال ۱۲۷۳ شمس بوده

زنان
 در هنرستان دختران تهران
 ● شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو ده دقیقه بعد از ظهر روز اول فروردین به هنرستان دختران تهران تشریف فرما شدند



دختر شایسته سال
 مقام دختر شایسته سال ۱۳۴۸
 منصب «دوشنبه ربه جلی» گردید

شرکت ملی نفت اطلاع داد که طی سال ۱۳۴۷ پنجاه و پنج هزار و چهل و یک تن نوآموز زن و مرد در پانصد و هفتاد و دو آموزشگاه پیکار با بیسوادی شهرستان آبادان و مناطق نفت خیز جنوب کشور ، خواندن و نوشتن را فرا گرفته اند .
 دو هزار و هفتصد و سی و دو آموزگار تعلیم نوآموزان مذکور را در این کلاسها برعهده داشته اند .

پیکار با بیسوادی

تعداد کلاسهای پیکار با بیسوادی شهرستان شاه آباد غرب تا پایان سال گذشته به یکصد و دو کلاس رسیدد این کلاسها جمعا سه هزار و دویست و چهل نو آموز سرگرم تحصیل می باشند .
 پیکار با بیسوادی در مناطق نفت خیز

علوم و آموزش عالی

دورنمای پیشرفت علوم
 ● آقای مجید رهنا وزیر علوم و آموزش عالی در جلسه سخنرانی ماهانه بانک مرکزی ایران دورنمای پیشرفت علوم و آموزش عالی در ایران و هدفهای مشور انقلاب آموزشی را تشریح کرد.

ساختمان دهمین خوابگاه دانشجویان

● دهمین خوابگاه کوی دانشجویان دانشگاه پهلوی افتتاح شد.

سخنرانی رضا آراسته
 ● آقای رضا آراسته استاد دانشگاه جرج واشینگتن آمریکا در یک جلسه سخنرانی که در تالار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران برگزار شد بتجزیه و تحلیل واقعیت تاریخ معاصر و بررسی وضع جوامع در حال رشد پرداخت.

حمایت از مجنومین
 ● سمپوزیوم جدام دانشکده پزشکی دانشگاه مشهدپیشنهاد کرد که بنظر تمرکز امور مربوط باین بیماری کمیته ای بنام کمیته ملی تحقیقات و مبارزه با بیماری جدام تشکیل شود.
 در این کمیته نمایندگان جمعیت حمایت مجنومین، وزارت بهداشت و دانشگاه پزشکی مشهد عضویت خواهند داشت. دو میلیون

دکتر جمشید آموزگار
 وزیر دارائی که بدعوت دانشگاه پهلوی برای ایراد سخنرانی به شیراز رفته بود در دانشکده پزشکی آن دانشگاه پیرامون سیاست مالی ایران سخن راند.

دکتر آموزگار در طی سخنان خود گفت: با توجه به برنامه پنجساله ایران، میباید ۲ میلیون شغل در پایان برنامه ایجاد شود.

معاون جدید
 ● وزیر علوم و آموزش عالی آقای محمد مقدم استاد دانشگاه تهران را بسمت معاونت طرحها و بررسیها و اداری و مالی وزارت علوم و آموزش عالی به پیشگاه شاهنشاه آریامهر معرفی نمود.

مهدی مقدم درجه دکترای خود را در رشته زبانهای باستانی از دانشگاه پرینستون آمریکا گرفته است. وی که استاد دانشکده ادبیات می باشد مدتی نیز معاون طرح ریزی دانشگاه تهران بوده است.

آموزش نظامی ضمن تحصیل
 ● سمینار آموزش نظامی ضمن تحصیل دانشجویان دانشگاهها تشکیل گردید. در این سمینار تیمسار سرتیپ کاظمی و گروهی از افسران، نمایندگان مسئولان آموزشی دانشگاههای کشور شرکت داشته و برنامه های آموزش نظامی دانشجویان را به هنگام تحصیل موردبررسی قرار دادند.

دومین کنفرانس ارزیابی انقلاب آموزشی در پیشگاه شاهنشاه آریامهر در محل دانشکده مهندسی دانشگاه پهلوی شیراز گشایش یافت.
 در جلسه افتتاحیه آقای هویدا نخست وزیر، آقای علم وزیر دربار شاهنشاهی، خانم دکتر پارسای وزیر آموزش و پرورش، آقای مجید رهنا وزیر علوم و

دومین کنفرانس ارزیابی انقلاب آموزشی

آموزش عالی، رؤسای دانشگاه های کشور و چند تن از معاونان وزارتخانه ها و استادان دانشگاه ها حضور داشتند. شاهنشاه آریامهر در جلسه افتتاحیه ضمن ایراد بیاناتی در اطراف اهمیت مسائل مربوط به انقلاب آموزشی کشور اظهار داشتند

قرارداد جدید

این قرارداد براساس پیمانکاری با کمپانی نفت کنتینانتال امضاء شده و اصول آن براساس قراردادهای پیمانکاری اروپائی «آرپ» و «کسرسیوم» پایه گذاری شده است. بدین معنی که متجاوز از ۹۰ درصد از مجموع عایدات حاصله از اجرای قرارداد مزبور سهم ایران و بقیه سهم پیمانکار میباشد. این اولین قرارداد از نوع پیمانکاری است که با یک شرکت بزرگ نفتی آمریکائی امضاء میشود و بدین ترتیب میتوان گفت که پس از شرکت های نفتی اروپائی کمپانیهای نفتی آمریکائی هم باین اصول که از طرف ایران پی ریزی شده، گردن نهاده و تسلیم شده اند.



لوله ها را ابتدا با «کنکرت» که نوعی سمنت مخصوص است می پوشانند و آنگاه آنها را در زیر زمین قرار میدهند. این سمنت بسیار سخت و محافظی است و لوله را در مقابل سرما از آسیب محفوظ میدارد.

مهندس پوزشی
 ● شرکت سهامی اکتشاف و تولید نفت ایران باطالع رساند که آقای «مهندس محمود پوزشی» از تاریخ ۱۱ اردیبهشت ماه ۱۳۴۸ از عضویت هیات مدیره این شرکت بازنشته شدند.

آقای مهندس پوزشی که مدیر پروژه های اجتماعی و اقتصادی شرکت های عامل نفت ایران بودند پس از ۴۲ سال سابقه بنا، بمیل خود تقاضای بازنستگی قبل از موعد کردند.

مقام اول
 ● تولید خالص نفتخام کنسرسیوم در ماه مارس ۱۹۶۹ به ۲۸۹۰۰۰۸۳ بشکه در روز رسید که از مدت

را ارائه دادند و نیز آقای مجید رهنا دستور پیشتیادهای کنفرانس و همچنین تقسیم کار در کمیسیون های سه گانه را بیان داشتند که مورد تصویب قرار گرفت.

فعالیت «ایناک» در میدانهای نفتی کورش و داریوش

● شرکت نفت بین المللی پان امریکن (طرف دوم قرارداد) پس از عقد قرارداد مورخ ۱۵ خرداد ۱۳۳۷ شروع به انجام عملیات اکتشافی وسیعی نمود و براساس نتایج عملیات لرزه نگاری دریائی و اطلاعات موجود از وضع زمین شناسی خلیج فارس موفق گردید وجود چند ساختمان زیر زمینی مساعد برای انباشته شدن نفت را در ناحیه قرارداد مربوطه در خلیج فارس به ثبوت برساند.

منطقه اولیه عملیات ایناک مشتمل بر دو ناحیه واقع در فلات قاره خلیج فارس بمساحت تقریبی ۱۴۶۰۰ کیلومتر مربع بوده که در حدود ۵۱ درصد نواحی حدود قرارداد طی چند مرحله بسرکت ملی نفت ایران مسترد گردیده است.

حفر اولین چاههای این شرکت بر روی طاقیهای A و B منتج به نتایج مثبت قابل ملاحظه ای نگردید و چاههای مزبور متروک شدند. اندکی بعد عملیات اکتشافی ایناک در خلیج فارس منجر به کشف میدان نفتی داریوش گردید. کشف نفت در میدان داریوش و آنهم بوسیله اولین چاه نخستین موفقیت شرکت نفت ایران پان امریکن میباشد.

میدان داریوش در جنوب غربی جزیره خارک واقع بوده و امتداد شمالی طاقیهای این میدان جزیره خارک را نیز دربرمیگیرد و با میدان خارک کنسرسیوم منبع مشترکی تشکیل میدهد. تاکنون بالغ بر ۱۰ حلقه چاه در این میدان حفر گردیده که تماماً مورد بهره برداری قرار دارند و اکنون حفر یازدهمین حلقه چاه ادامه دارد. پس از تأیید تجاری بودن میدان داریوش توسط شرکت ملی نفت ایران در اکتبر سال ۱۹۶۳ ترتیبات لازم جهت ایجاد تاسیسات ثابت بهره برداری و صادراتی در جزیره خارک فراهم گردید و در سال ۱۹۶۴ تاسیسات مزبور با ظرفیت اولیه ۱۰۰۰۰۰۰ بشکه در روز رسماً افتتاح و شروع بکار نمود.

همزمان با کشف و توسعه میدان داریوش عملیات حفاری بر روی ساختمان زیر زمینی دیگری که بعداً بنام میدان کوروش معروف گردید تعقیب و حفر اولین چاه بعثت خارج بودن از حدود نفتخیز طاقیهای متروک شد. چاه شماره ۲ نیز در طبقه ژوراسیک فوقانی به لایه گازدهی فشار برخورد نمود که سرانجام منجر بفروران چاه گردید. پس از آنکه چاه تحت کنترل درآمد از همان موضع اقدام لازم جهت حفر چاه انحرافی شماره ۲ الف کوروش بعمل آمد که سرانجام نفتی شد.

میدان کوروش در ۸۴ کیلومتری غرب و کمی متعایل به جنوب جزیره خارک قرار دارد. تجاری بودن این میدان در ۱۷ اوت ۱۹۶۵ مورد تأیید شرکت ملی نفت ایران قرار گرفت. تاکنون ۱۳ حلقه چاه در میدان نفتی کوروش حفر گردیده که شش حلقه آن مورد بهره برداری قرار دارند و هم اکنون حفر چهاردهمین حلقه چاه بر روی میدان مزبور ادامه دارد. بهره برداری از میدان نفتی کوروش از تاریخ ۲ اردیبهشت ۱۳۴۶ آغاز گردید ظرفیت تولید این میدان بالغ بر ۲۵۰۰۰ بشکه در روز بوده و نفت آن از نوع سنگین میباشد. علاوه بر چاههای مذکور در فوق دو حلقه چاه بر روی ساختمان زیرزمینی دیگری بنام «اسفندیار» حفر گردیده که يك حلقه آن به نفت برخورد نموده است.

ساختمان زیرزمینی دیگری که مورد بررسی قرار گرفت G نامیده میشود که حفر اولین چاه آن بدون اخذ نتیجه مثبتی خاتمه پذیرفت.

در نظر است جهت ارزیابی ساختمانهای محتوی نفت مشکوفا اقدام به حفر چاههای متعدد دیگری بر روی ساختمانهای مزبور گردد.

مستخرج از سخنرانی آقای دکتر «پرویز مینا» عضو علی البدل هیئت مدیره شرکت ملی نفت ایران و رئیس کل قسمت امور شرکتی وابسته و روابط با گروههای بین المللی.

مسافرت های نخست وزیر وزیر امور خارجه

● آقای نخست وزیر برای انجام يك دیدار رسمی و نیز انجام مذاکراتی در زمینه بسط روابط قیامین دو کشور به کشور آلمان فدرال مسافرت کردند. آقای هویدا در این سفر که به دعوت رسمی صدر اعظم آلمان فدرال صورت گرفته بود با مقامات اقتصادی این کشور مذاکراتی انجام دادند. ایشان در ملاقات و مذاکره با «هنریش لوپکه» رئیس جمهوری آلمان فدرال پیام دوستانه شاهنشاه آریامهر را به ایشان ابلاغ نمودند.

از طرف حضرت هنریش لوپکه رئیس جمهور، آقای «کی زینگر» صدر اعظم، وزیر امور خارجه و نیز رئیس فدراسیون صنایع آلمان فدرال میهمانی هائی به افتخار نخست وزیر ایران ترتیب یافت.

● آقای «اردشیر زاهدی» وزیر امور خارجه ایران در اردیبهشت ماه سفری به کشور های خاور دور نمودند. ایشان ضمن این سفر از «ژاپن»، «چین ملی» و کره دیدن کرده و با مقامات سیاسی و اقتصادی این کشور ها مذاکراتی انجام دادند. سفر آقای زاهدی به دعوت رسمی وزرای امور خارجه این ۳ کشور صورت پذیرفته بود.

● آقای «هویدا» نخست وزیر و آقای «اردشیر زاهدی» وزیر امور خارجه ایران طی يك مسافرت به کشور پاکستان با «یحیی خان» رئیس جمهور این کشور مذاکراتی در زمینه مسائل مربوط به روابط دو کشور انجام داد.



اقامت آقای هویدا و آقای زاهدی در پاکستان سه روز بطول انجامید و در پایان این دیدار اعلامیه مشترکی در تهران و راولپندی انتشار یافت.

در این اعلامیه گفته شده است: رئیس جمهوری پاکستان حسن نظام کامل خود را نسبت به سیاست متعنه ایران به توجه به اصل عواما پذیرفته شده تالوک در حقوق بیسن الملل ابراز داشتند. رئیس جمهوری پاکستان نگرانی عمیق خود را از وجود اختلاف میان دو کشور مسلمان ابراز داشتند و اظهار امیدواری کردند که این اختلاف از راه های صمیمانه و مسالمت آمیز برطرف شود.

سخنان آقای هویدا نخست وزیر

در نخستین ساعات شبی که بفروغ صبحی روشن می‌یوندد از صمیم قلب به همه شما عزیزان ، نوروز را با همه روشنیهایش شاد باش میگویم . امیدوارم در سال نو دلهای شما خوش تر ، کانون خانواده شما گرمتر ، زندگی شما سرشار از محبت و نشاط و صفا باشد .

در آغاز تجدید زیبا ترین سنت باستانی و ملی وطن خود بیاد این حقیقت تاریخی باشیم که در مسیر تحولات زمان در لحظاتی قرار گرفته‌ایم که میبایست با تمام قوا در راه تجدید بنای فکری واجتماعی خود بکوشیم .

آنچه در این لحظه باایمان و اطمینان کامل بشما از آینده‌ای بس روشن و فردانی بهتر نوید میدهم تنها برپایه آرزو و امید شخصی نیست . باعتبار اعتقادی است که به شایستگی و وطن پرستی و توانائی یکایک شما دارم . باعتبار عشق پاک شما به مملکت و باعتبار جلوه های شرف و انسانیت شما عزیزان است . بیایند با عشق و ایمان و توکل بخدائی که خالق همه ما و منشیت فوق اراده انسانهاست در حلول سال نو در این لحظه‌ای که باصفا و روحانیت توام است در نهایت فروتنی و خضوع از خداوند بزرگ مسئلت نمایم که درهای رحمتش را بیش از پیش بر ملت ما بگشاید و باصفای قلب دنا کنیم شاهنشاه این مظهر یگانگی و وحدت ملی ما هواره سلامت و پیروز باشند و شهبانوی انساندوست و مهربان و ولیعهد جوانبخت ما را در برتو حمایت و لطف خداوندیش پیوسته محفوظ و سلامت بدارد .



پس بدور افکنیم و اگر هم مواردی بوده که درست بدانچه باید عمل نکرده و کوتاهی ورزیده‌ایم در صدد جبران قصور خویش برآئیم ، زیرا اکنون در دفتر عمر ما سال تازه بصورت برگی سفید در برابر ما است ، و اگر ما واقعا بخواهیم میتوانیم این برگ را در پایان سال بدل به ترازنامه‌ای کنیم که نمودار سودی بسیار بیشتر از زیان باشد .

در این آغاز سال نو ، به درگاه خداوند نیایش کنیم که کشور و ملت ما را روز بروز از پیشرفت و رفاه بیشتری برخوردار فرماید و مردم سراسر جهان را نیز که همه خواهران و برادران ما هستند از نعمت صلح و آرامش بهره‌مند سازد تا در پرتو آن افراد بشر بتوانند برای ساختن دنیائی بهتر و انسانی تر بکوشند و سعادت آنرا داشته باشند که جهانی فارغ از بدی ها و پلیدیها و کینه توزیها را به صورت یک جلوه‌گاه دوستی و محبت بدست نسل های آینده بسانند .

سخنان والا حضرت همایون ولایتعهد



نوروز فرخنده را بچه شما تبریک میگویم و تندرستی و خوشبختی همگی را در سال نو آرزو مندم .

امیدوارم این سال برای مردم ایران سالی مبارک باشد و همه خانواده های ایرانی هر روز که میگذرد قدمی تازه بسوی پیشرفت و موفقیت بردارند و از رفاه و سعادت بیشتری برخوردار باشند .

نوروز



کوشا باشیم راه پردانی ، یعنی راه امید و راستی و نوع پرستی ، راه آنچه را که مثبت و سازنده است برای خوش بر گزینیم .

سخنان علیاحضرت شهبانو بمناسبت نوروز باستانی

خواهران و برادران گرامی :

فرا رسیدن نوروز باستانی را که فرخنده ترین یادگار هزاران ساله نژاد ایرانی است بشما شاد باش میگویم و از صمیم قلب نیکبختی و شادگامی روز افروز همگی را در سالی که اکنون فرا رسیده است خواستارم .

آرزوی قلبی من این است که هر سال تازه شاهد رفاه و آسایش بیشتری برای مردم ایران باشد و این آرزو فقط وقتی تحقق خواهد یافت که همه ما در بهتر زیستن هموطنان خوشی کوشا باشیم و راه پردانی ، یعنی راه امید و راستی و نوع پرستی ، راه آنچه را که مثبت و سازنده است برای خوش بر گزینیم و یقین داشته باشیم که این تنها راهی است که ضامن سعادت پایدار ما و فرزندان ما و همه نسلهای آینده این سرزمین است .

اکنون که سال نو را با فرخندگی در کانون های خانوادگی و در کنار عزیزان خوشی آغاز میکنیم به کارنامه سال گذشته خود نظر افکنیم تا آنچه را که واقعا صحیح و ثمر بخش بوده است در سال تازه با کوششی بیشتر ادامه دهیم و آنچه را که برای ما زیان داشته است از این



کتابخانه کودک

کودکان

● بناسبت روز بین المللی کتاب کودک ، کتابخانه پارک فرح و نمایشگاه کتابهای کودکان وابسته به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مورد بازدید علیاحضرت شهبانو قرار گرفت .

در این نمایشگاه کتابهای مختلف مربوط به کودکان از بیست کشور جهان جمع آوری شده که اکثر آنها برنده جایزه بهترین کتابهای سال شده اند .

● بناسبت روز بین المللی کتاب کودک ، کتابخانه پارک فرح و نمایشگاه کتابهای کودکان وابسته به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مورد بازدید علیاحضرت شهبانو قرار گرفت .

در این نمایشگاه کتابهای مختلف مربوط به کودکان از بیست کشور جهان جمع آوری شده که اکثر آنها برنده جایزه بهترین کتابهای سال شده اند .



بازدید علیاحضرت شهبانو از کتابخانه کودک

«سیرک» برای کودکان ● خبرنگار اجتماعی «تلاش» در تماسی که با مسئولین کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان گرفت کتب اطلاع نموده است که همزمان با برگزاری برنامه های سیرک در تهران که در اردیبهشت ماه برگزار میشود مقدمات تشکیل یک نمایشگاه از صنایع داخلی و کشورهای خارجی نیز در محل برگزاری سیرک فراهم شده است .

نمایشگاه مزبور که در پارک فرح تشکیل خواهد شد شامل غرفه های کالا، رستوران و وسائل گرم کننده برای بازدید کنندگان خواهد بود .

خبرنگار ماهم چنین کتب اطلاع کرده است که غرفه های این نمایشگاه برای مدت دو ماه به صاحبان کارخانه های تولیدی واگذار شده است .

بهداشت و درمان

مداوای بیماران کشورهای دیگر ● وزارت بهداشتی اعلام است که در مراسم حج سال جاری بیست و دو هزار و شصت و نه نفر بیمار از ملت های مختلف به درمانگاه های هیئت پزشکی حج در عربستان سعودی مراجعه کرده و درمان شده اند .

هیئت پزشکی حج امسال مرکب از چهل و یک نفر پزشک متخصص بهداشت عمومی ، متخصص آزمایشگاه و دارو ساز ، مهندس بهداشت



روز بهداشت جهانی ● بناسبت روز «بهداشت جهانی» مراسمی در تهران برپا گردید . در این مراسم که در سالن اجتماعات وزارت بهداشتی ترتیب یافت عده

و کمک مهندس بهداشت ، تکنیسین آزمایشگاه ، پرستار ، بهیار و کمک پرستار بود که در سه گروه فعالیت داشت .

آقای مهندس عصا ملون طرح و برنامه های وزارت بهداشتی طرحها و برنامه های این وزارتخانه را مورد تشریح قرار داده و گفت :

مناسب بودن شرایط کار و مراقبت بهداشتی موجب بهبود وضع زندگی اجتماعی و بالا رفتن قدرت تولید و نیز افزایش استعداد یاد گیری و ابتکار بیشتر خواهد شد .

مهندس عصا سپس ضمن اشاره به پیشرفت هایی که طی چند سال اخیر در زمینه های بهداشتی و درمانی حاصل شده خاطر نشان ساخت که این امر نه تنها در اقتصاد

خانواده تاثیر بسیاری بجا گذاشته ، بلکه یکی از عوامل پیشرفت برنامه های عمرانی در مملکت بوده است .

ورود داروسازان فرانسوی به تهران ● یکصد و هفتاد و پنج دارو ساز فرانسوی برای بازدید از پیشرفت های ایران وارد تهران شدند .

دارو سازان فرانسوی در مدت اقامت خود در ایران از آثار تاریخی نیز دیدن خواهند کرد .

در زمینه بهداشت و تنظیم سمینار بهداشت و تنظیم

خانواده با همکاری سازمان بهداشت جهانی در تهران تشکیل شد . وزیر بهداشتی هنگام گشایش این سمینار اظهار داشت : همیشه برنامه ریزی های اقتصادی و آبادانی و نو سازی باید بر مبنای رفاه اجتماعی جامعه و با در نظر گرفتن وضع جمعیت در کشور ها پایه گذاری شود زیرا پیشرفت برنامه های اقتصادی در درجه اول فقط با تامین نیروی فعال انسانی بهتر و جمعیت سالم میر است .

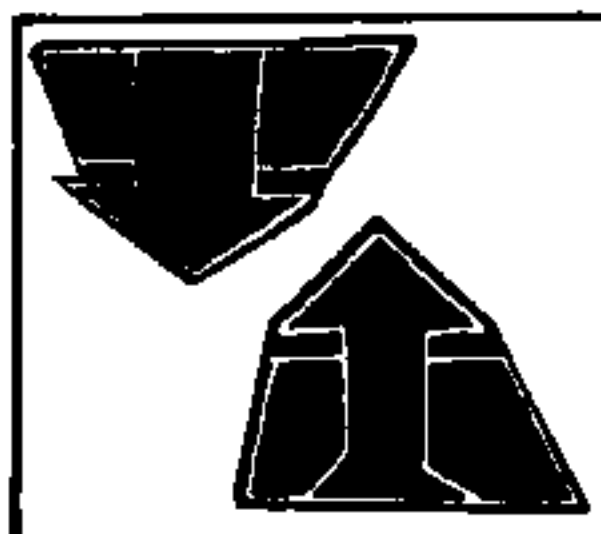
نیل بدین مقصود نیازمند دولت است . البته دولت با اتخاذ روشهای لازم بمنظور تامین تسهیلاتی از قبیل غذای کافی ، مسکن ، مدرسه و بهداشت و مانند آنها در

راه رفاه خانواده ها اقدام میکنند تا خانواده ها نیز با فراغت کامل به تربیت فرزندان خود بپردازند و با تامین نیروی فعال وظیفه خود را در سازندگی کشور بنحو احسن ادا کنند .

آقای دکتر شاهقلی سپس ضمن اشاره به حق بشری خانواده ها گفت : امروز دیگر خانواده ها نباید بملت بسی اطلاعی به تولید بی رویه نسل پرداخته و بدون در نظر گرفتن امکانات اقتصادی ، اجتماعی ، تربیتی و روانی خود هر ساله بر تعداد فرزندان خویش بیافزایند و برای این امر نیز لازم است آموزش کافی به خانواده ها داده شود و تسهیلات لازم در اختیار آنها قرار گیرد .

حرفه‌ای از معاون وزارت
اقتصاد در باره :

مقررات عمومی صادرات و واردات در سال ۱۳۴۸



حفظ موازنه پرداخت های خارجی و حمایت و توسعه صنایع داخلی و نیز تشویق صادرات در چهارچوب برنامه های توسعه اقتصادی و عمرانی کشور نقش محسوسی ایفا خواهد نمود.

آقای تهرانی معاون بازرگانی وزارت اقتصاد در توجیه این مقررات به نمایندگی تلاش چنین اظهار داشت :

وزارت اقتصاد مقررات عمومی واردات و صادرات سال ۱۳۴۸ را که در جلسه مورخ بیست و هشتم اسفند ماه چهل و هفت به تصویب هیئت وزیران رسیده بود روز ششم فروردین ماه اعلام کرد. این مقررات که براساس سیاست بازرگانی خارجی دولت ایران در سال ۱۳۴۸ تنظیم شده در تهیهی احتیاجات عمومی و تامین منافع مصرف کننده و

سیاست بازرگانی خارجی دولت با توجه به هدفهای برنامه توسعه اقتصادی و هم آهنگ با سیاست کلی توسعه اقتصادی کشور تنظیم شده است و در تدوین مقررات واردات و صادرات سال ۱۳۴۸ اصولی بدین شرح مورد توجه قرار گرفته است :

- ۱ - ادامه حمایت از صنایع داخلی
- ۲ - رعایت و تامین منافع مصرف کننده
- ۳ - تسریع رشد و توسعه اقتصادی کشور
- ۴ - فراهم ساختن زمینه لازم برای ایجاد صنایع اساسی و اصلی
- ۵ - بالا بردن سطح اشتغال
- ۶ - افزایش مصرف مواد اولیه داخلی
- ۷ - انجام پاره‌ای اصلاحات فنی لازم برای اجرای صحیح تر مقررات

آقای تهرانی هم چنین ضمن اظهارات خود در مورد مقررات و سیاست بازرگانی خارجی کشور به مقررات سال ۱۳۴۴ اشاره کرد و گفت :

مقررات سال ۱۳۴۴ نقطه‌ای عطفی در بازرگانی خارجی کشور بود ، زیرا زمینه لازم برای توسعه صنایع و افزایش سرمایه گذاری داخلی در صنایع مصرفی را بشدت فراهم ساخت .

در سال ۱۳۴۴ باغیر مجاز شدن مقدار زیادی از کالاهای مصرفی و افزایش سود بازرگانی پاره‌ای دیگر از آنها از یکطرف قسمتی از قدرت خرید داخلی متوجه صنایع داخلی شد و از طرف دیگر حمایت فراوان دولت سبب شد که سرمایه گذاران داخلی با رغبت هرچه بیشتر

در رشته های مختلف صنایع مصرفی سرمایه گذاری کنند. در سال های اخیر کشور ما از رشد کم نظیری برخوردار بوده است و در بسیاری از صنایع مصرفی به حد اشباع رسیده ایم و نیز در پاره‌ای از صنایع به سبک صادر کنندگان کالا های ساخته شده در آمدیم. چنانکه در سال گذشته بخش مهمی از صادرات کشور ما را کالاهای ساخته شده تشکیل میداد . لیکن در سال ۱۳۴۸ ما دو راه در پیش داریم یا اینکه بازم سرمایه گذاران متوجه افزایش کالاهای مصرفی بشوند و باجنجال و فشار کالاهای خود را بر مردم بفروشند و یا اینکه افق جدیدی را در برابر سرمایه گذاران و صاحبان پس انداز داخلی بگشاییم و امکانات وسیعی را در اختیارشان بگذاریم ، که دولت راه دوم را انتخاب کرد و سیاست بازرگانی خارجی کشور در سال ۱۳۴۸ نقطه‌ای عطف جدیدی است برای هدایت و سوق دادن سرمایه های داخلی و خارجی به سرمایه گذاری در رشته های اصلی تولید کننده مواد اولیه تعاونی و شیمیایی .

در گذشته در کشور ما تصور بر این بوده است که هیچگونه تحمیلی بر ماشین آلات مواد اولیه ، مواد دارویی ، مواد شیمیایی و مواد تعاونی نباید بشود . اما مقررات سال ۱۳۴۸ این سد فکری را شکست زیرا بدون حمایت ، ایران نمیتوانست تولید کننده مواد اصلی بشود . ما در آستانه اجرای برنامه آبادانی چهارم که در طول آن باید از جرگه کشورهای سال ۱۳۴۸ تنظیم و تدوین در حال رشد خارج شده و به

جمع کشور های توسعه یافته به پیوندیم نمیتوانیم ناظر این باشیم که قسمت عمده احتیاجات ما مانند ماشین آلات و مواد اولیه و تعاونی همچنان از خارج وارد شود ، زیرا لازمه استقلال اقتصادی و صنعتی هر کشور تولید اکثر احتیاجات صنایع در داخل مملکت است .

در مقررات سال ۱۳۴۸ تمام مواد شیمیایی و تعاونی ، اکثر ماشین آلات و لوازم یدکی و پاره‌ای از مواد اولیه صنایع کشور شمول سود بازرگانی شده اند . این حمایت گرچه بسیار ملایم و محدود است ، مع هذا نشانه‌ای از تصمیم دولت به ایجاد صنایع اصلی و تولید کننده مواد اولیه و تعاونی در داخل کشور است .

آقای تهرانی در ادامه سخنان خود گفت : توسعه ما به صاحبان صنایع و سرمایه گذاران داخلی اینست که در آینده تمام کوشش خود را متوجه سرمایه گذاری در رشته های اصلی تعاونی و ماشین آلات نمایند .

دولت در ایجاد صنایع پتروشیمی و ماشین سازی اقدامات موثری کرده و امید است این کوششها همراه با جدیت بخش خصوصی از این سال به بعد سرمایه گذاری های داخلی را بیش از پیش متوجه رشته های اصلی تولید کرده و افق تازه صنعتی شدن را بروی ما بگشاید ، که بر این اساس و با توجه باین اصول بوده است که مقررات بازرگانی خارجی کشور در سال ۱۳۴۸ تنظیم و تدوین شده است .

اقدام صادراتی کشور در سال گذشته

● بموجب آمار هایی که در مورد صادرات سال پیش منتشر شده رقم صادرات ۱۳۴۷ ایران - حد نصاب تازه‌ای بدست آورده است و ازدیست و شانزده میلیون دلار بیشتر شده است . رقم صادرات سال ۱۳۴۶ در حدود یکصد و هشتاد و یک میلیون دلار بود. باین ترتیب میزان افزایش صادرات در سال گذشته نسبت به سال ماقبل بیش از نوزده درصد بوده است .

بررسی اقلام صادرات سال قبل و در صد آن نسبت به کل صادرات نشان میدهد که در سال ۱۳۴۷ نیز صادرات فرش مقام اول را داشته و بیش از یک چهارم از کل درآمد ارزی صادرات غیر نفتی کشور از محل صادرات فرش بدست آمده است . ارزش صادرات فرش در سال گذشته به بیش از پنجاه و هفت میلیون دلار رسیده است .

مقام بندی در صادرات سال قبل نظیر سال ۱۳۴۶

متعلق به پنبه است که در حدود یک پنجم از درآمد ارزی صادرات بوده است .

مهمترین رقم افزایش صادرات در سال گذشته در مورد روغن نباتی دیده میشود که این رقم به بیش از پنج میلیون دلار بالغ شده و شصت درصد نسبت به سال قبل از آن افزایش نشان میدهد .

رقم دوم افزایش ، مربوط بگندم و بعضی کالاهای مشابه است که در سال گذشته ۳۲ درصد افزایش یافته است. صادرات انواع خشکبار نیز در سال قبل ، بیست و هفت درصد بالا رفته است .

بطور کلی بجز سنگ های معدنی ، زبره ، ریشه شیرین بیان و سیمان ، کلیه اقلام صادرات کشور در سال گذشته افزایش داشته است .

ضمناً بزرگترین رقم کاهش صادرات مربوط به سیمان است که بیش از هفتاد درصد بالغ میشود . رقم صادرات سیمان در سال ۱۳۴۶ به بیش از ۵۵ هزار تن بالغ شد و حال آنکه در سال گذشته این رقم به حدود هیجده هزار تن کاهش

یافت . علت کاهش صادرات سیمان ، افزایش سریع مصرف در داخل کشور بوده است . صادرات کفش نیز در سال گذشته به حدود دو و نیم میلیون دلار بالغ گردیده است .

نمایشگاه آسیایی

● گروه های منزل یساب برای شرکت کنندگان نمایشگاه های وزارت اقتصاد در دومین ماه فعالیت خود نزدیک به سه هزار و پانصد اطاق در یک هزار خانه و آپارتمان برای اقامت میهمانان خارجی نمایشگاه آسیایی تهران انتخاب کردند .

شرکت ملی نمایشگاه ها هنوز به دو هزار اطاق دیگر برای پذیرایی از بازدید کنندگان خارجی نمایشگاه آسیایی نیازمند است . شرکت ملی نمایشگاهها برای اطاقهای میله اجاره بیشتری در نظر گرفته است .

قرار است از سال آینده هر سال یک نمایشگاه بین المللی بازرگانی و چند نمایشگاه اختصاصی بین المللی در تهران تشکیل شود .

ورود مشروبات خارجی آزاد شد

از آیندگان



بسلامتی وزارت اقتصاد !..

دو کشور در تهران مذاکراتی انجام دادند . ریاست هیئت نمایندگی ایران در این مذاکرات با آقای «عالمیخانی» وزیر اقتصاد و ریاست هیئت نمایندگی یوگوسلاوی با آقای «یزدراک» نایب نخست وزیر این کشور بود . در پایان این مذاکرات مقاوله نامهای به امضاء رؤسای هیئت های نمایندگی طرفین رسید .

محمد اوفقییر وزیر کشور و شهرسازی و مسکن مغرب به نمایندگی از طرف دولت متبوع خویش امضاء کردند .



محمد اوفقییر

توسعه همکاریهای اقتصادی ● برای توسعه همکاریهای اقتصادی و افزایش مبادلات بازرگانی میان ایران و یوگوسلاوی دو هیئت از جانب

همکاریهای اقتصادی ● مقاوله نامهای در زمینه توسعه همکاری های اقتصادی بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی مغرب به امضاء رسید. امضاء مقاوله نامه مذکور بدنبال مذاکرات نمایندگان دو کشور در کمیسیون مشترک ایران و مغرب که در تهران جریان داشت صورت گرفت .

با امضای این مقاوله نامه دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی مغرب همکاریهای اقتصادی تجاری و فنی خود بویژه معاملات نفت و سفات را توسعه خواهند داد و تسهیلاتی برای امر جهانگردی بین دو کشور بوجود میآورند . این مقاوله نامه را آقای عالمیخانی وزیر اقتصاد از طرف دولت شاهنشاهی و زئسرال





قیمت اتومبیل‌های ساخت خارج

● از طرف وزارت اقتصاد اطلاعاتی حاوی قیمت اتومبیل‌های ساخت خارج از کشور اعلام گردید.
قیمت اتومبیل‌ها براساس اطلاعات مذکور بدین قرار بود :
نام و مشخصات اتومبیل

قیمت فروش نقدی

این اطلاعات هم چنین حاوی ۶ بند توضیحی به شرح زیر بود :

برای رسیدگی به شکایات خریداران اتومبیل بوده و موارد شکایت را در اسرع وقت رسیدگی خواهد نمود .
قیمتهای فوق برای تحویل اتومبیل سواری به خریداران توسط واردکننده یا نمایندگان فروش وارد کننده در تهران و یا در شهرستان ها خواهد بود .

هم چنین براساس مذاکراتی که با مقامات مسؤول کمیانی تولید کننده پیکان صورت گرفت قیمت اتومبیل پیکان نیز (برای سواری) ۱۹۶۹۰ تومان یعنی ۱۸۰۰ تومان گرانتر از قیمت سال پیش تعیین گردید . قیمت اتومبیل های پیکان برای تاکسی که سال پیش ۱۵۳۹۰ تومان بود به ۱۷۱۹۰ تومان افزایش داده شد .

این گرانی قیمت به سبب عوارض گمرکی بیشتری است که برای قطعات یدکی اتومبیل که وارد ایران میشود وضع شده است . به همین جهت قیمت جیب ، آریا ، شاهین و سیتروئن نیز که در ایران ساخته می شود کمی افزایش یافت .

حقوق گمرکی لوازم یدکی
● وزارت اقتصاد اعلام کرد که حقوق گمرکی و سود بازرگانی لوازم یدکی اتومبیل های وارداتی نسبت به سال پیش تغییر نکرده است . حقوق گمرکی لوازم یدکی اتومبیل های وارداتی بیست درصد ارزش آنها و سود بازرگانی این لوازم بیست ریال برای هر کیلو گرم است .

بقرار اطلاع وزارت اقتصاد ، این وزارتخانه طی نامه ای به بانک مرکزی اطلاع داد . است که افتتاح اعتبار برای ورود لوازم یدکی اتومبیل های وارداتی بلامانع است و وارد کنندگان میتوانند برای افتتاح اعتبار اقدام کنند . سود بازرگانی لوازم یدکی اتومبیل های وارداتی بخاطر نگهداری بهتر اتومبیل هایی که تاکنون وارد شده است ، تثبیت گشته تا این اتومبیل ها مدت بیشتری مورد بهره - برداری قرار گیرند .

الف - قیمتهای فوق
شامل کلیه اتومبیل های مورد معامله از تاریخ انتشار مقررات واردات و صادرات سال جاری (ششم فروردین ۱۳۴۸) می گردد .

ب - قیمت های فوق شامل
کلیه حقوق و عوارض گمرکی و سود بازرگانی و سایر عوارض بدون احتساب عوارض اسفالت می باشد و فروشندگان حق مطالبه هیچ مبلغی اضافه بر قیمت تعیین شده نخواهند داشت .

ج - قیمت های فوق برای
اتومبیل با لوازم استاندارد کارخانه از جمله بخاری - چرخ یدکی و جک می باشد و در مواردی که قیمت اتومبیل با لوازم اضافی از قبیل کولر و رادیو و غیره تعیین شده مراتب عینا ذکر گردیده است مخارج مربوط به اجرای ضمانت عادی کارخانه سازنده در مقابل خریدار در قیمت های فوق منظور گردیده است .

د - چنانچه در جریان
رسیدگی به اختلاف بین وارد کنندگان و اداره کل گمرک ، قیمت سیف اتومبیل های وارداتی از لحاظ محاسبه حقوق و عوارض گمرکی و سود بازرگانی تغییر کند یا عوامل دیگری باعث تغییر قیمت تمام شده اتومبیل های وارداتی گردد قیمت های جدید مجدداً رسیدگی و به اطلاع عموم خواهد رسید .

ه - فروش اتومبیل های
وارداتی که قیمت آن از طرف وزارت اقتصاد تعیین و اعلام شده است به ترتیب به قیمتی بالاتر از قیمت تعیین شده تخلف محسوب و متخلف طبق ماده ۴ قانون منع احتکار مصوب ۱۳۲۰ و با توجه به تبصره یک و دو قانون اصلاح ماده دوم قانون مصوب ۱۳۲۷ و تبصره ۵ قانون اخذ مالیات از اتومبیل های سواری و صفحات گرامافون تحت تعقیب قرار خواهد گرفت .

و - قیمت سایر اتومبیل
های وارداتی نیز بتدریج اعلام میگردد .
اداره بررسی قیمت های وزارت اقتصاد همواره آماده

ریال ۷۶۶۵۴۸	۱ - پونتیاک تمپت ۶ سیلندر دو در کوپه ۲۳۵۳۷ کاستم هاردتاپ باکولر
ریال ۷۷۶۹۴۶	۲ - پونتیاک تمپت ۶ سیلندر چهار در ۲۳۵۶۹ کاستم سدان بارادیو و کولر
ریال ۷۷۳۰۰۴	۳ - پونتیاک تمپت ۶ سیلندر چهار در ۲۳۵۶۹ کاستم سدان بارادیو
ریال ۷۸۵۳۸۹	۴ - شورلت ایمپالا ۶ سیلندر چهار در ۱۶۳۶۹ بارادیو و کولر
ریال ۷۴۷۶۷۰	۵ - شورلت ایمپالا ۶ سیلندر چهار در ۱۶۳۶۹ بارادیو
ریال ۷۸۷۴۱۸	۶ - شورلت ایمپالا ۹ سیلندر ۱۶۳۶۷ دو در باکولر و رادیو
ریال ۷۸۲۸۱۱	۷ - شورلت کامارو ۶ سیلندر ۱۶۳۶۷ دو در بارادیو و کولر
ریال ۷۴۶۲۶۳	۸ - شورلت کامارو ۶ سیلندر ۱۶۳۶۷ دو در بارادیو
ریال ۷۴۶۰۶۲	۹ - بیوک اسپیسال چهار در ۶ سیلندر ۴۳۳۶۹ بارادیو و کولر و رطوبت گیر
ریال ۷۴۴۴۲۶	۱۰ - بیوک اسپیسال چهار در ۶ سیلندر ۴۳۳۶۹ بارادیو و کولر
ریال ۷۷۲۲۷۴	۱۱ - بیوک اسپیسال ۶ سیلندر ۲ در کوپه دو لوکس اتوماتیک ۴۳۳۲۷ بارادیو و کولر
ریال ۷۵۰۴۲۱	۱۲ - بیوک اسپیسال ۶ سیلندر دو در کوپه ۴۳۳۲۷ دو لوکس باکولر و رادیو
ریال ۷۷۱۶۳۸	۱۳ - بیوک اسپیسال دو لوکس ۶ سیلندر ۴ در دنده اتوماتیک بارادیو و کولر
ریال ۱۲۹۱۰۱۶	۱۴ - بیوک الکتریک کاستم ۸ سیلندر چهار در سدان باکولر و رادیو ۴۸۴۶۹
ریال ۷۸۴۴۴۷	۱۵ - الدزمیل کاتالیس ۶ سیلندر ۴ در سدان ۳۳۵۶۹ بارادیو و کولر
ریال ۶۶۰۳۳۷	۱۶ - مرسدس بنز ۲۲۰ سدان با رادیو
ریال ۷۰۲۳۹۶	۱۷ - مرسدس بنز ۲۳۰ سدان با رادیو
ریال ۶۹۳۸۵۰	۱۸ - مرسدس بنز ۲۵۰ سدان
ریال ۷۷۱۱۰۲	۱۹ - مرسدس بنز ۲۵۰ سدان بارادیو و کولر
ریال ۹۴۴۴۵۳	۲۰ - مرسدس بنز ۲۸۰ «اس» سدان با رادیو و کولر و فرمان هیدرولیک
ریال ۷۶۱۵۸۳	۲۱ - فورد مرکوری کوکارتودر هارتاپ ۶ سیلندر «آ» ۶۵ بارادیو و کولر
ریال ۷۶۶۰۷۳	۲۲ - فورد مرکوری مونتهگو چهار در سدان «ب» ۵۴ اتوماتیک ۶ سیلندر بارادیو و کولر
ریال ۷۰۶۷۹۶	۲۳ - فورد مرکوری مونتهگو چهار در سدان «ب» ۵۶ اتوماتیک ۶ سیلندر با رادیو و کولر
ریال ۷۷۱۰۸۷	۲۴ - کرایسلر باراکودا با رادیو و کولر ۶ سیلندر
ریال ۲۷۲۷۹۹	۲۵ - استین مینی ۸۵۰
ریال ۵۲۲۹۵۹	۲۶ - ولو «پ» ۱۴۴ - ۱۳۴۱ - ۴ سیلندر
ریال ۵۳۲۱۱۵	۲۷ - جیب تیویوتا با سقف برزتی ۶ سیلندر «ال.ب.» ۴۰ «اف.جی.»
ریال ۷۱۶۴۹۶	۲۸ - فورد ماستنک هاردتاپ ۶ سیلندر بارادیو کولر - شیشه رنگی و لاستیک دور سفید
ریال ۶۷۷۲۷۵	۲۹ - فورد ماستنک هارتاپ ۶ سیلندر بارادیو و لاستیک دور سفید
ریال ۴۴۱۰۶۲	۳۰ - اپل رکورد ۴ در مدل ۱۶۲۴۲ بالاستیک دور سفید
ریال ۴۸۰۵۵۰	۳۱ - اپل رکورد ۲ در مدل ۱۶۲۴۲ بالاستیک دور سفید
ریال ۳۷۴۶۵۵	۳۲ - اپل کادت ۴ در مدل ۲۱۶ و ۳۷ ال
ریال ۲۴۹۵۰۰	۳۳ - فولکس واگن سری ۱۱-۱۰-۱۱
ریال ۴۹۷۲۳۲	۳۴ - فولکس واگن سری ۲۱-۱۰-۱۱
ریال ۳۴۰۰۸۵	۳۵ - فولکس واگن سری ۳۲-۱۰-۱۱
ریال ۴۵۹۰۵۹	۳۶ - فولکس واگن سری ۲۳-۱۰-۱۱
ریال ۳۷۲۸۴۵	۳۷ - فولکس واگن واریانت ۲۱-۱۰-۱۱
ریال ۴۵۶۸۱۸	۳۸ - فولکس واگن چهار در سری ۱۱-۱۰-۱۱
ریال ۵۰۴۴۴۷	۳۹ - فولکس واگن اتوماتیک ۱۳-۱۰-۱۱
ریال ۲۷۶۶۵۳	۴۰ - موریس مینی ماینور ۸۵۰
ریال ۳۶۶۹۹۸	۴۱ - موریس ۱۳۰۰ چهار در چهار سیلندر سوپر دولوکس
ریال ۴۳۱۷۶۱	۴۲ - پژو ۹۰۱-۴۰۴ بالاستیک دور سفید
ریال ۳۵۵۱۹۰	۴۳ - پژو ۲۴۱۱-۲۰۴
ریال ۴۵۲۴۳۷	۴۴ - پژو ۶۵۱۱-۴۰۴ استیشن
ریال ۶۵۰۴۷۳	۴۵ - پژو ۹۰۴۱-۴۰۴ سوپر لوکس بالاستیک دور سفید
ریال ۴۸۸۰۷۳	۴۶ - پژو ۹۰۲۱-۴۰۴ سوپر لوکس بالاستیک دور سفید
ریال ۴۹۶۹۸۴	۴۷ - پژو ۵۰۴ بالاستیک دور سفید
ریال ۵۵۵۶۵۰	۴۸ - بی.ام.و. ۲۰۰۰ با رادیو بکر و شیشه شور چهاردر
ریال ۴۳۱۷۵۸	۴۹ - بی.ام.و. ۱۶۰۰ با رادیو بکر و شیشه شور
ریال ۴۸۲۵۸۰	۵۰ - بی.ام.و. ۲۰۰۲ تی.آی. با رادیو بکر و شیشه شور
ریال ۴۳۸۸۲۶	۵۱ - بی.ام.و. ۲۰۰۲ با رادیو بکر و شیشه شور
ریال ۴۷۲۲۸۹	۵۲ - فیات کوپه مدل ۱۲۴ چهار سیلندر
ریال ۳۲۸۴۵۴	۵۳ - فیات مدل ۱۲۴ سالی
ریال ۲۸۹۹۲۹	۵۴ - فیات ۸۵۰
ریال ۲۴۳۷۸۱	۵۵ - هوندا ۶۰۰ ان دو سیلندر
ریال ۲۱۷۰۲۳	۵۶ - هوندا ۳۶۰ ان دو سیلندر
ریال ۳۷۰۲۴۱	۵۷ - هوندا ۸۰۰ اس چهار سیلندر
ریال ۲۳۳۶۲۳	۵۸ - هوندا ال آی ۳۶۰ ال ان دو سیلندر

برخی از کالاهای مذکور عبارتند از پوست ، سنگ معدنی ، زیره ، پشم و کفش . مقامات بازرگانی عقیده دارند که افزایش صادرات در سال جاری نیز با توجه به عوامل جوی و عوامل مساعد دیگر ادامه خواهد یافت ولی نباید انتظار داشت که این افزایش نظیر سال گذشته برقم بیست درصد برسد .

این کالاها عبارتند از خشکبار ، خاویار ، کتیرا ، روده ، ریشه شیرین بیان و روغن نباتی ، کالا های گشته شده نیز در سال گذشته با بهای بهتری در بازارهای جهان بفروش رسید در مقابل چند قلم از کالاهای وضع مناسبی در بازارها نداشته اند و نسبت به سال ۱۳۴۶ با بهای پائین تری بفروش رفتند .

صادرات بالا رفت . حجم صادرات پنبه در سال ۱۳۴۶ - ۷۲۸۷ تن بارزش دو میلیارد و هشتصد و دو میلیون ریال و در سال ۱۳۴۷ - ۷۲۱۶۷ تن بارزش سه میلیارد و یکصد و هفتاد و یک میلیون ریال بود . چند قلم دیگر از کالاهای صادراتی نیز در سال گذشته چنین وضعی داشته اند .

برای سومین بار به عضویت هیئت امنای موسسه توسعه اقتصادی و برنامه ریزی آسپانی انتخاب شده است . این موسسه چند سال پیش توسط سازمان ملل متحد و با همکاری ممالک عضو (اکافه) در بانکوک تشکیل شد و تاکنون پیشرفتهای قابل ملاحظه ای داشته است . کفش ، روغن نباتی هر دو صادراتی علیرغم کاهش حجم

عضویت در موسسه توسعه اقتصادی و برنامه ریزی آسپانی گزارش هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس سالانه کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای آسیا و خاور دور «اکافه» که امسال در سنگاپور تشکیل شده حاکمیت که آقای غلامرضا نیک بی وزیر آبادانی و مسکن

عضویت در موسسه توسعه اقتصادی و برنامه ریزی آسپانی گزارش هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس سالانه کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای آسیا و خاور دور «اکافه» که امسال در سنگاپور تشکیل شده حاکمیت که آقای غلامرضا نیک بی وزیر آبادانی و مسکن

خرید گندم

● وزارت تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی اعلام کرده که در سال گذشته از آغاز فصل خرید گندم تا پایان اسفند ماه سازمان غله کشور ۲۴۴ هزار و ۷۱۳ تن گندم مازاد مصرف کشاورزان را خریداری کرده است.

● سیاحتی کارخانه و انبارهای روستائی بیست و پنج کارخانه پنبه پاک کنی و روغن کشی در نواحی شمالی کشور توسط مامورین دفع آفات این وزارتخانه در دو نوبت سمپاشی شده است. این مامورین هم چنین یک هزار و صد و هفتاد و دو انبار روستائی را در سطح یک میلیون و ۳۴۹ هزار و ۵۴۸ متر مربع سمپاشی نموده اند.

بیماریهای اشجاری



● اداره کل کشاورزی استان تهران برای باغداران این استان در ساوه، زنجان و دماوند کلاس های کوتاه مدت آموزشی ترتیب داد. در این کلاسها چگونگی مبارزه با بیماری های اشجار

و هم چنین نوع سمهای مورد نیاز درختان به باغداران این منطقه آموزش و شناسانده شد.

● مبارزه با آفات نباتی، ملخ و موش صحرائی بطوریکه خبرتکار مخصوص تلاش از مسئولین وزارت کشاورزی کسب اطلاع نموده، مامورین این وزارت خانه تنها در استان سیستان و بلوچستان طی سال گذشته با آفات پانصد هزار اصله نخل و یکصد و پنجاه و پنج اصله درخت میوه و مرکبات مبارزه کرده اند.

● هم چنین در این مدت در سطح سه هزار و چهار صد هکتار با ملخ بومی، در سطح چهار هزار و پانصد و پنجاه هکتار باموش صحرائی و نیز در سطح سه هزار و چهار صد هکتار با آفات برنج، ذرت و صیفی مبارزه نموده اند.

آموزش باغداران

● بمنظور بالا بردن سطح اطلاعات باغداران مناطق سیرجان، بردسیر و ماهان در استان کرمان کلاس های کوتاه مدتی تشکیل شد. در این کلاسها ششصد و چهل

نفر از باغداران مناطق مذکور شرکت داشتند و طی مدت چهار روز توسط کارشناسان اداره کل کشاورزی استان کرمان با روشهای نوین باغداری و مبارزه با آفات درختان نواحی سردسیری آشنا گردیدند.



کاهش بهای اجناس

● وزارت تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی اعلام کرد که در سال ۱۳۴۷ بهای بعضی از مواد مصرفی از جمله سیب زمینی، پرتقال، آرد و برنج کاهش یافته است.

● آمار وزارت تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی که با توجه به شاخص هزینه زندگی انتشار یافت حاکیست که در سال گذشته نسبت به سال ۱۳۴۴ در آمد ملی حدود ده درصد فزونی یافته است.

● به موجب آمار وزارت تولیدات و مواد مصرفی با وجود افزایش قیمت انواع گوشت در سال گذشته قیمت سیب زمینی هیجده و شش دهم در صد، پرتقال هفده و شش دهم در صد، آرد هفت و نه دهم در صد و برنج یک در صد کاهش نشان می دهد.

دامپزشکی

فعالیت مؤسسه رازی

● در اسفند ماه سال گذشته مؤسسه سرم سازی رازی بیش از یازده میلیون و سیصد و هفتاد و هفت هزار واحد فرآورده مصرفی دامپزشکی و بیش از یکصد و نود و هشت هزار واحد فرآورده مصرفی پزشکی تهیه کرده و در اختیار سازمان های مختلف پزشکی قرار داد.

بیماریهای دامی

● بیش از ششصد و پنجاه و شش هزار سر دام و پرند و مبتلا به بیماریهای انگلی و یکصد و شانزده هزار و بیست و پنج سر دام و پرند مبتلا به بیماریهای انفرادی و کلینیکی توسط ماموران دامپزشکی در سراسر کشور درمان شدند. این مامورین هم چنین بیش از یک میلیون و نهصد و شصت و دو هزار سر دام را علیه بیماریهای دامی مایه کوبی کردند. اقدامات مذکور طی پانزده روز اول سال ۱۳۴۸ انجام یافته است.

سومین کنگره دامپزشکی ایران

● سومین کنگره دامپزشکی ایران که بمدت پنج روز تشکیل شد در جلسات خود بیماریهای مشترک انسان و دام و همچنین نقش دامپزشک در بهداشت عمومی را مورد بحث و بررسی قرار داد. بمناسبت افتتاح این کنگره شاهنشاه آریامهر نیز پیامی ارسال فرمودند که در نخستین جلسه آن که در دانشگاه تهران تشکیل یافته بود توسط وزیر

کشاورزی قرائت گردید متن پیام بدین شرح بود: «تشکیل سومین کنگره دامپزشکی ایران موجب خرسندی خاطر ماست. پیشرفتهایی که در طی سال های اخیر در زمینه جلوگیری از بیماریهای دام و طیور و امراض مشترک انسان و حیوانات در کشور حاصل شده است تاندازمای امیدوار کننده است.

درجهان امروز که دانش بشری با سرعت پیش می رود کارشناسان ما بهر رشته و صنف که تعلق داشته باشند باید خود را در جریان تازه ترین پیشرفت های علوم قرار دهند و اندوخته های علمی و عملی خویش را با کمال علاقمندی در راه تأمین سعادت کشور و بهبود زندگانی هم میهنان خود مخصوصا در تأمین رفاه دهقانان و آبادانی روستاها که سرلوحه برنامه عمرانی کشور است بکار اندازند.

مانباید تنها باقتباس علوم از دیگران اکتفا کنیم، بلکه باید بکوشیم تا از راه انجام تحقیقات و بررسیهای علمی پسرمايه دانش بشری بیافزاییم و در خدمت بجهان بشریت سهم مؤثری داشته باشیم. با تحولی که اخیرا در برنامه های تحقیقاتی دانشگاه ها صورت گرفته است تحقق این آرمان چندان دور نخواهد بود مخصوصا انتظار داریم در زمینه بررسیهای دامپزشکی تهران و انستیتوی رازی وظایف خود را چنانکه شایسته است انجام دهند. تشکیل این کنگره طبعاً مانند کنگره های سابق در پیشرفت برنامه های دامپزشکی و دامپروری کشور مؤثر خواهد بود و دامپزشکان ایران را در انجام وظایفی که به عهده دارند کمک خواهد کرد و امیدواریم از این راه موجبات ترقی دامداری و دامپروری و افزایش مواد غذایی در کشور فراهم گردد.

ذوب آهن

اعزام تکنسین

● شرکت ملی ذوب آهن ایران پنجاه و چهار نفر از مهندسان و تکنسین های خود را برای گذراندن يك دوره عالی به مسکو اعزام داشت.

از این عده چهل و هفت نفر به مدت ده ماه در رشته مکانیک ساختمان کارآموزی خواهند کرد و مدت کارآموزی هفت نفر دیگر شش ماه تعیین شده است. این پنجاه و چهار نفر که دومین گروه اعزامی شرکت ملی ذوب آهن ایران به شوروی هستند پس از طی دوره کارآموزی در مسکو در امور ساختمان و مونتاژ کارخانه ذوب آهن آریامهر مشغول فعالیت خواهند شد.

راه

درآمد یکماهه راه آهن

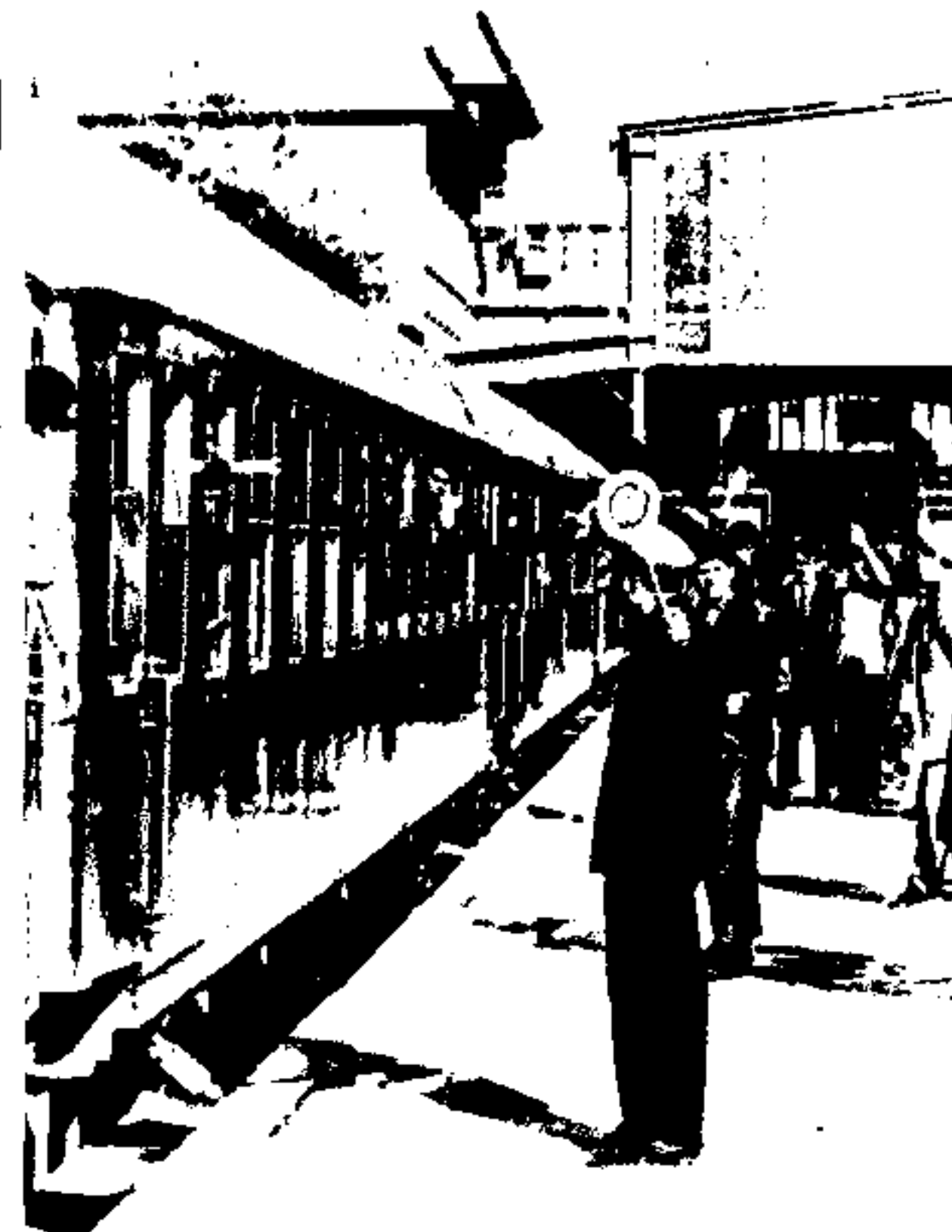
● راه آهن دولتی ایران اعلام داشت که در اسفند ماه ۴۷ بیش از دویست و هشتاد و چهار میلیون ریال از محل کرایه مسافر و بار درآمد داشته است.



قطع پرواز

از تاریخ پانزدهم فروردین ماه ۱۳۴۸ پرواز هواپیما های هواپیمائی ملی ایران به بیروت و از راه بیروت به اروپا قطع گردید.

● قرارداد با شرکت هواپیمائی عربستان سعودی براساس موافقت نامه ای که بین شرکت هواپیمائی ایران و شرکت هواپیمائی سعودی در تهران به امضاء رسید از



ایستگاه راه آهن تهران

خدمات اجتماعی

چهل و سه درمانگاه

● در آخرین روز های سال ۱۳۴۷ درمانگاه نونبید سازمان شاهنشاهی در روستای «کلیا کندي» واقع در آذربایجان غربی گشایش یافت. در مجموع در سال ۱۳۴۷ چهل و سه درمانگاه از طرف سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی در روستا های دور افتاده در سراسر کشور دایر شده و اهالی این روستا ها از درمان و داروی رایگان استفاده کرده اند. بقرار اطلاع در سال ۱۳۴۷ سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی حدود چهار میلیون و دویست و پنجاه هزار بار بیمار را در درمانگاه های مختلف خود پذیرفته و آنان را مورد مداوا قرار داده است.

بیمه

تعرفه بیمه اتومبیل‌های شخصی برای شخص ثالث

● اساس تعرفه بیمه اتومبیل‌های شخصی سواری که انتشار یافت حداقل حق بیمه ۳۶۰۰ ریال و حداکثر آن ۵۶۰۰ ریال تعیین گردید.

طبق این تعرفه حق بیمه اتومبیل‌های آریا، آنجلیا، اولدزموبیل، ایل، آلفارمئو، استین ۱۸۰، ابارت، ب.ام.و، پژو ۵۰۴، کورونا ۱۵۰۰، انواع تویوتا، فورد تاندربرد، تریف، جگوار، جیب، استیشن، دوچ، رولزرویس، رامبلر، فیات اسپرت، فورد کورس، کومت، کادیلاک، کرایسلر، لینکلن، مرکوری، متاکو، مرسدس بنز، واکهال، ولوو ۵۶۰۰ ریال می‌باشد.

حق بیمه اتومبیل‌های ایل رکورد، آلفارمئو جولیا ۱۳۰۰، مینی کوپر، ارباب کوپه، ام‌جی میدجت، ماگنت، جیب ویلیز، ساب، شورلت کورور، شورلت شوی تو، فیات لونکا، فیات ۱۸۰۰، مزدا کارول، ب.ام.و ۱۶۰۰، فولکس واگن ۴۱۱، فورد آلمانی ۲۱۱۷، فورد انگلیسی سوپر ۱۳۰۰، فورد انگلیسی کورتینا، سیمکا ۱۳۰۱، سیمکا ۱۲۰۰، کوپه، سینگر سان‌بیم‌رایبر، ساب ۹۶، سانسانت، شورلت وکورو، شورلت شوی تو، فیات ۱۵۰۰، سوفکا، فیات ۱۸۰۰، فولکس واگن پ۴۱۱، فورد آلمانی ام ۲۰ و ام ۱۷، فورد انگلیسی سوپر ۱۳۰۰، فورد انگلیسی کورتینا، فورد انگلیسی اسکورت ۳۰۰، جی‌تی، فورد انگلیسی کورتینا سوپر، فورد انگلیسی کورس، فورد انگلیسی اسکورت تواین کام، فورد انگلیسی زفیر، لینکلن لندور، مسکوچ ۴۱۲، مرسدس بنز ۱۸۰ و ۱۹۰، مرسدس بنز بوسی اس‌اس، موریس کوپر، ام‌کاس، واکهال ویرا، ابراهام، واکهال ویکتور، ولگا ۲۱ و ۲۴، ولوو ۱۲۱ و ۱۱۸ و ۱۲۲ و ۱۴۴، هوندا ۸۰۰، هوندا امبر، هیلن هومر، هیلن هلند ۵۰۰۰ ریال می‌باشد.

و حق بیمه اشکودا، آلفارمئو مینی ۱۱۰۰، آلفارمئو تا آخر خرداد ماه بیمه گردند.

۲۱ فروردین

● ملت ایران در روز بیست و یک فروردین ماه یکبار دیگر احساسات شاه دوستانه و میهن پرستانه خود را به نیک‌ترین وجهی متجلی ساخت و بمناسبت سالروز رفع خطر از شاهنشاهی آریامهر با لشکری شجاعان شهید به برپاداشتن مراسم نیایش صمیمانه برای سلامت شاهنشاهی آریامهر بدگاه خداوند یکتا

سیر صعودی صادرات در پنج‌سال

● بموجب آمار منتشر از طرف وزارت دارائی صادرات ایران ظرف پنج‌سال گذشته نزدیک به دو برابر رسیده، و واردات کشور نیز دو و نیم برابر افزایش یافته است.

همین گزارش نشان می‌دهد که صادرات در سال ۱۳۴۲ پانصد و نود و شش هزار تن کالا به ارزش نه میلیارد و سیصد و هفده میلیون ریال بوده است.

واردات کشور نیز در سال ۱۳۴۷ سه میلیون و ششصد و چهل و دو هزار تن کالا به ارزش یکصد و سه میلیون و پانصد و هشت و شصت و سه میلیون ریال بوده است. این رقم در سال ۱۳۴۷ را منتشر کرد.

بموجب این آمار میزان دریافت مالیات‌های مستقیم در سال گذشته که نخستین سال اجرای کامل قانون جدید مالیات‌ها بوده بطوری سابقه‌ای افزایش یافت و این رقم بیش از یک میلیارد و هشتصد و بیست میلیون ریال بیشتر از رقم پیش‌بینی شده در بودجه سال ۱۳۴۷ کشور بود.

رقم وصولی مالیات‌های مستقیم در سال گذشته چهارده میلیارد و هفتصد و هشتاد و دو میلیون ریال است که بیش از سه میلیارد و دویست میلیون ریال، یعنی در حدود سی درصد بیش از وصولی سال ۱۳۴۶ است. این رقم در مقایسه با درآمد سال ۱۳۴۵ یعنی آخرین سال قبل از اجرای قانون جدید مالیات‌های مستقیم در حدود پنجاه درصد افزایش نشان می‌دهد.

افزایش صادرات در سال ۴۷

بموجب همین آمار در سال ۱۳۴۷ صادرات کشور بدون مواد نفتی به یک میلیون و سه هزار تن کالا به ارزش شانزده میلیارد و یکصد و هفتاد و هفت میلیون ریال بالغ گردیده است.

همچنین در سال ۱۳۴۷

صادرات انواع پوست و چرم، انواع زیره، روده، خاویار، کفش و روغن نباتی افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است.

تغییرات تازه در سازمان‌های مالیاتی کشور

● از طرف وزارت دارائی تغییرات مهمی در سازمان‌های مالیاتی کشور صورت گرفت. در این تغییرات که برای نخستین بار زیر نظر کمیسیون انتصابات وزارت دارائی انجام شد تعداد کمیسیون‌های حل اختلاف به ۲۵ کمیسیون تقلیل یافت و احکام بیست نفر از اعضای این کمیسیون‌ها صادر شد.

طبق قانون مالیات‌های مستقیم کمیسیون‌های حل اختلاف مأموریت دارند تا پایان سال ۱۳۴۸ به کلیه پرونده‌های معوقه مالیاتی که مربوط به قبل از تصویب و اجرای قانون جدید مالیات‌ها است رسیدگی نمایند.

در تغییرات تازه سازمان‌های مالیاتی مدیر کل جدید اداره نظارت و اطلاعات درآمد ها نیز تعیین شد. این اداره از طرف وزیر دارائی مأمور ایجاد تحرک بیشتر و نظارت در جنبه جریان وصول مالیات‌ها و هم چنین کشف منابع جدید مالیاتی است.

اوراق قرضه در بورس‌های آلمان

● بانک مرکزی ایران اطلاع داد که اوراق قرضه دولت شاهنشاهی در بورس‌های فرانکفورت، هامبورگ و دوسلدورف در آلمان فدرال

دارائی

رسم مورد معامله قرار گرفت. اوراق قرضه دولت شاهنشاهی در آبانماه سال ۱۳۴۷ به مبلغ هشتاد میلیون مارک با بهره هفت و بیست و پنج صدم و به سررسید ده ساله در بازار آلمان انتشار یافت.

دولت ایران نخستین دولت آسیائی است که اوراق قرضه عمومی در آلمان فدرال منتشر کرده است.

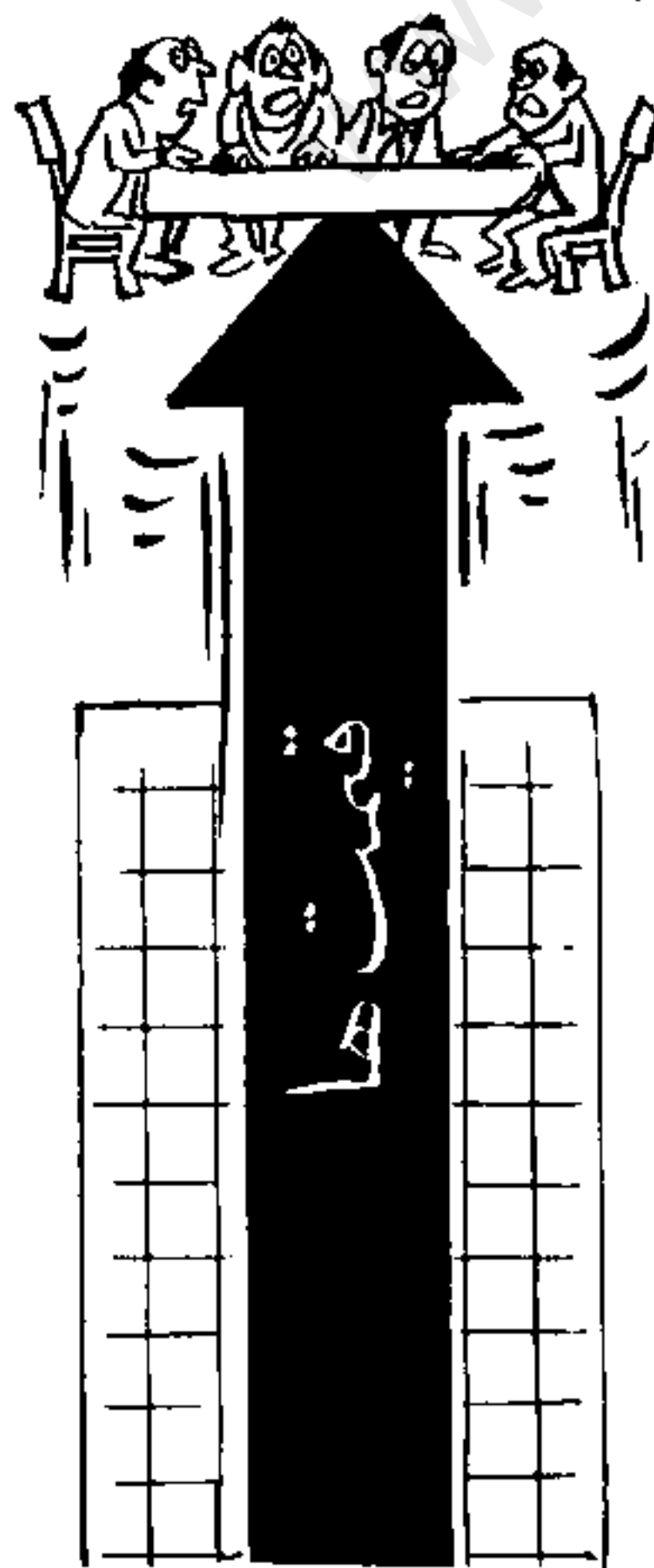
مالیات‌های مستقیم و غیر مستقیم

● وزارت دارائی آمار مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم و عواید گمرکی کشور در سال ۱۳۴۷ را منتشر کرد.

بموجب این آمار میزان دریافت مالیات‌های مستقیم در سال گذشته که نخستین سال اجرای کامل قانون جدید مالیات‌ها بوده بطوری سابقه‌ای افزایش یافت و این رقم بیش از یک میلیارد و هشتصد و بیست میلیون ریال بیشتر از رقم پیش‌بینی شده در بودجه سال ۱۳۴۷ کشور بود.

رقم وصولی مالیات‌های مستقیم در سال گذشته چهارده میلیارد و هفتصد و هشتاد و دو میلیون ریال است که بیش از سه میلیارد و دویست میلیون ریال، یعنی در حدود سی درصد بیش از وصولی سال ۱۳۴۶ است. این رقم در مقایسه با درآمد سال ۱۳۴۵ یعنی آخرین سال قبل از اجرای قانون جدید مالیات‌های مستقیم در حدود پنجاه درصد افزایش نشان می‌دهد.

«کمیسیون ویژه تثبیت قیمت‌ها تشکیل شد.»



کمیسیون و اعضایش!

از مجله کاریکاتور

میزان وصولی مالیات‌های غیر مستقیم در سال ۱۳۴۷ بالغ بر سیزده میلیون و چهار صد و نود و پنج میلیون ریال بود که نسبت به پیش‌بینی بودجه سال ۴۷ در حدود چهار صد و چهل میلیون ریال و نسبت به میزان وصولی سال گذشته بیش از سه میلیارد و بیست میلیون ریال یعنی معادل ۲۸ درصد افزایش نشان می‌دهد. این افزایش بدون استثناء در کلیه منابع مالیاتی بدست آمده است.

جمع در آمد های عمومی کشور از محل مالیات‌های مستقیم و غیر مستقیم و حقوق و عوارض گمرکی در سال ۱۳۴۷ به چهل و هشت میلیارد و نهصد و شصت و سه میلیون ریال بالغ می‌شود که نزدیک به ده میلیارد ریال بیش از درآمد های بدست آمده از منابع مذکور در سال ۱۳۴۶ می‌باشد.

کارشناسان بانک بین‌المللی

● پنج تن از کارشناسان بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه برای بررسی طرح‌های مربوط به وام درخواستی صندوق توسعه کشاورزی ایران که بموجب قانون اجازه دریافت معادل دویست میلیون دلار وام از منابع خارجی دارد سال گذشته درخواست ده میلیون دلار وام از بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه کرده بود.

درخواست صندوق توسعه کشاورزی ایران نخست به وسیله هیئتی که سال گذشته از جانب بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه بایران آمد مورد بررسی و تأیید قرار گرفت و اولین هیئت اعزامی این بانک که وارد تهران شد مأمور ارزیابی طرح‌های مربوط باین وام است.

هیئت اعزامی بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه برای آشنائی با امکانات توسعه کشاورزی ایران به استانهای مختلف کشور نیز مسافرت کرد.

انحلال دفتر روابط خارجی

● دفتر روابط خارجی وزارت دارائی منحل شد و وظایف آن به اداره کل نفت و واحدهای دیگر وزارت دارائی محول شد.

آقای دکتر منصوری مدیر کل نفت امور مربوط به اداره روابط خارجی را طبق حکم آقای آموزگار وزیر دارائی بر عهده خواهد داشت.

انحلال دفتر روابط خارجی بمنظور صرفه‌جویی و جلوگیری از انجام کارهای مشابه در واحد های مختلف وزارت دارائی انجام گرفته است.

آموزش و پرورش

آپارتمان برای معلمان
اعلام شد که مقدمات امضاء قرارداد ساختمان پانصد دستگاه آپارتمان برای سکونت معلمان که خانه شخصی ندارند بوسیله وزارت آموزش و پرورش فراهم شده است. سخنگوی وزارت آموزش و پرورش گزارش داد براساس مذاکراتی که بین این وزارتخانه و وزارت آبادانی و مسکن بعمل آمده است بانک رهنی ایران نسبت به ساختمان این آپارتمان ها در تهران اقدام خواهد کرد و سپس طبق شرایطی در اختیار معلمان که خانه شخصی ندارند گذاشته خواهد شد.

احداث دو دبیرستان در روستا

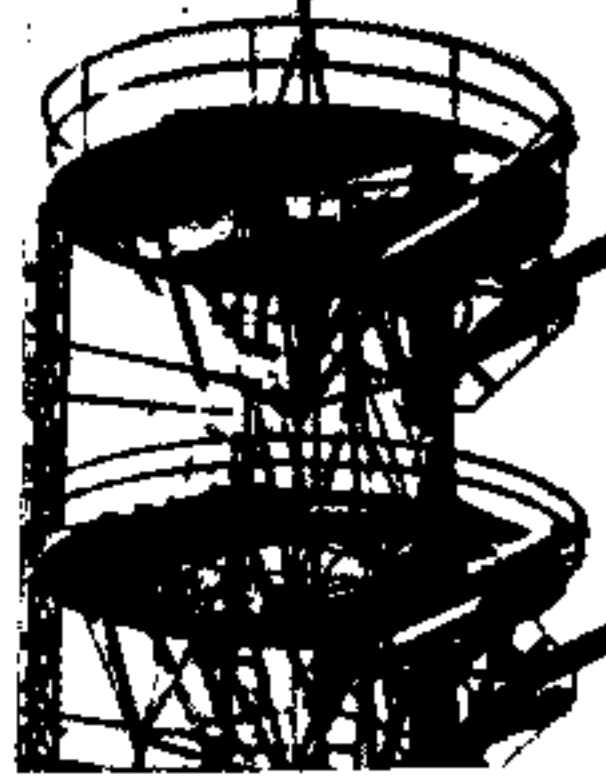
● قرارداد ساختمان دو دبیرستان سه کلاسه در روستاهای شهرستان های کاشان قم با پیمانکار بسته شد. این دو دبیرستان در روستاهای راوند از توابع کاشان و حاجی آباد واقع در شهرستان قم ساخته میشود و هزینه اجرای آنها ششصد و بیست و شش هزار ریال است.

نظام جدید آموزش

● خانم دکتر فرخ رویارسی وزیر آموزش و پرورش در یک مصاحبه رادیو تلویزیونی و مطبوعاتی، هدفهای نظام



جدید آموزشی و راهنمایی بهمه وزارت آموزش و تحمیلی را تشریح کرد. پرورش گذاشته شده و برای وزیر آموزش و پرورش اینکار تشکیلاتی بنام اداره اظهار داشت در اجرای اصل کل راهنمایی تحمیلی بوجود انقلاب آموزشی و اداری لازم آمده است.



پست و تلگراف و تلفن

ارتباط تلفنی کاریر

● ارتباط تلفنی کاریر میان سورک - ساری و سورک - تهران گشایش یافت و بهره برداری از آن آغاز شد.

ترافیک

عبور و مرور بارکشها

● برای جلوگیری از تراکم وسایط نقلیه، رفت و آمد بارکش های بزرگ شهری و کامیون در بعضی از ساعات روز در تهران ممنوع گردید. این تصمیم شامل آن دسته از بارکشهای شهری میگردد که ظرفیت آنها بیش از دو تن میباشد رفت و آمد این کامیون ها بین ساعات ۷ تا ۹ - ۱۱ تا ۱۴ و ۱۶ تا ۲۰ ممنوع است.

بیمه شخص ثالث

● اعلام شد که علاوه بر شرکت سهامی بیمه ایران به شرکت هایی که صلاحیت آنها مورد تأیید وزارتخانه های دارائی و اقتصاد قرار گیرد اجازه بیمه شخص ثالث وسایط نقلیه داده خواهد شد. برای

بررسی گمرکی

● برای تسهیل بیشتر در امور پستی از این پس بسته های پستی خارجی مستقیماً به تشریفاتی گیرنده تحویل خواهد شد.

بررسی این نوع بسته ها براساس مشخصات بین المللی پس که روی آنها فید شده صورت خواهد گرفت. بسته هایی که وزن آنها بیش از پنج کیلو گرم و بهای آنها بیش از ده هزار ریال باشد و هم چنین بسته هایی که فاقد فرم کامل بین المللی باشند مشمول انجام تشریفات گمرکی خواهند شد. و این تشریفات با حضور نماینده گمرک و گیرنده بسته انجام خواهد گردید.



برق

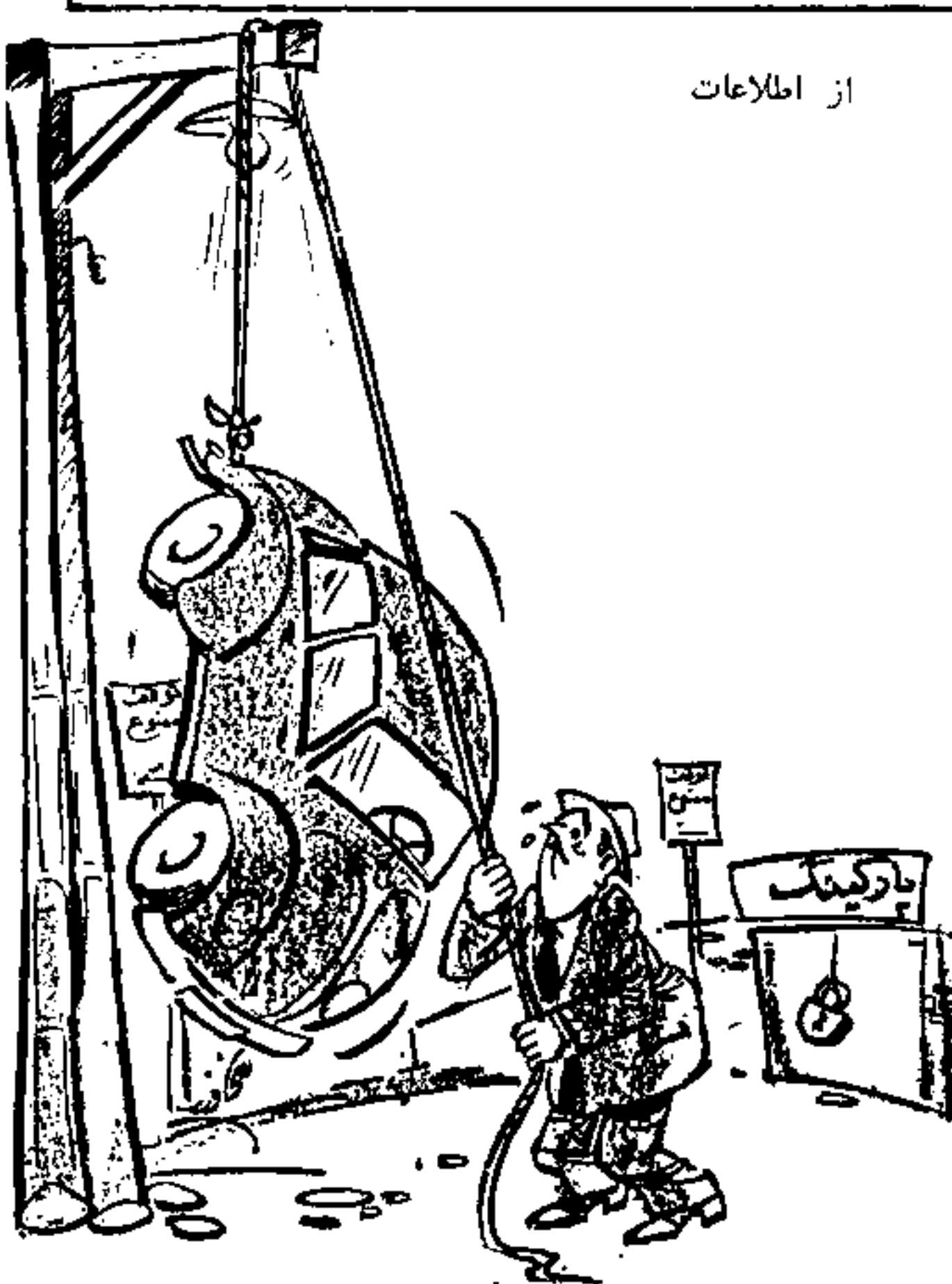
ایجاد خط جدید انتقال نیرو

● عملیات مربوط به ایجاد خط جدید انتقال نیروی برق اهواز به امیدیه و میان کوه بخش آغاچاری و همچنین ایستگاه فرعی برق میان کوه در استان خوزستان پایان یافت.

طول این خط یکصد و بیست و پنج کیلو متر و روی سیصد و پنجاه و هفت برج فولادی دو مدار کشیده شده است.

ایجاد این خط قسمتی از طرح بزرگ شهرستانی سازمان آب و برق خوزستان برای تأمین برق مورد نیاز جنوب شرقی خوزستان و تأسیسات عظیم نفت و گاز در این منطقه است.

از اطلاعات



جانی برای پارک کردن اتومبیل!

آریامهر و علیاحضرت شهبانو خطاب به بانو آیزنهاور نیز تلگرام تسلیتی بدین شرح به واشینگتن مخابره شد: بانو آیزنهاور و واشینگتن شهبانو و من از خیرASF انگیز فوت همسر گرامی شما بی نهایت متأثر شدیم. ضمن همدردی در این مصیبت بزرگ این ضایعه را بشما و اعضای خانوادهتان از صمیم قلب تسلیت میگوئیم.

مرک این سردار بزرگ و برجسته که با صفات ممتاز رهبری و فرماندهی خود در لحظات تاریک جنگ دوم جهانی راه را برای پیروزی هدف های متفقین در اروپا هموار ساخت و بعد ها در مقام ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا لیاقت و شایستگی کم نظیر سیاسی از خود نشان داد موجب تأسف همگانی شده است.

بدین وسیله مراتب همدردی صمیمانه خویش را به آن حضرت و بملت آمریکا از این پیش آمد تأثر انگیز ابراز میدارم - خاطره این سردار و قهرمان بزرگ و سیاست مدار شایسته که طی سال های بحرانی جنگ دوم جهانی به عنوان فرمانده کل قوای متفقین در صحنه نبرد اروپا با کاردانی و دور اندیشی و رهبری مدبرانه خود سهم ارزنده ای در پیروزی و فتح نیرو های متفقین داشته است جاویدان خواهد ماند.

خدمات برجسته و بیدریغ ژنرال آیزنهاور به کشور خود هنگام تصدی مقام عالی ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا نیز هرگز فراموش نخواهد شد.

تسلیت به بانو آیزنهاور از جانب شاهنشاه

شرکت در تشییع جنازه آیزنهاور

شدند. شاهنشاه روز سه شنبه سیزدهم فروردین ماه از راه اروپا عازم ایران گردیدند. تلگرام تسلیت شاهنشاه آریامهر

● شاهنشاه آریامهر طی تلگرامی درگذشت ژنرال آیزنهاور رئیس جمهوری پیشین آمریکا را به حضور رئیس جمهوری این کشور تسلیت گفتند. متن تلگرام به این شرح است:

- حضرت ریچارد ام - نیکسون رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا واشینگتن خبر ناگوار درگذشت حضرت ژنرال دوايت - دی - آیزنهاور موجب تأسف عمیق من گردید.

و دولت ها و نمایندگان خارجی حرکت میکردند. حضرت رئیس جمهوری آمریکا میهمانی ناهاری نیز به افتخار شاهنشاه آریا مهر ترتیب دادند و نیز گفتگوی دوستانه ای بین رهبران دو کشور در کاخ سفید انجام یافت. این نخستین ملاقات سران ایران و آمریکا پس از روی کار آمدن ریچارد نیکسون بعنوان رئیس جمهوری آمریکا بود. شاهنشاه در این سفر هم چنین با اعلیحضرت بودوئن پادشاه بلژیک در سفارت شاهنشاهی در واشینگتن بطور خصوصی ملاقات و گفتگو کردند و نیز جمعی از صاحب منصبان کشوری و لشکری ایالات متحده آمریکا بحضور معظم له بار یافتند و شرفیاب

دوستی و مودت بین اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریا مهر و رئیس جمهوری پیشین وفیقید آمریکا ژنرال دوايت آیزنهاور، خانواده آن مرحوم بوسیله دولت آمریکا از پیشگاه همایونی تقاضا کرد که در مراسم تشییع و تدفین آن فقید سعید شرکت فرمایند که این تقاضا مورد قبول خاطر همایونی واقع شد و شاهنشاه آریامهر روز نهم فروردین ماه برای ادای احترام به شخصیت بارز بین المللی آیزنهاور عازم آمریکا شدند.

در مراسم تشییع آیزنهاور اتومبیل شاهنشاه آریا مهر در راس کاروان مشایعین بودو بدنبال اتومبیل شاهنشاه اتومبیل معاون رئیس جمهوری آمریکا و اتومبیل های پادشاهان و روسای ممالک

برای سومین سال ایران و شوروی هر يك چهار مدال و بلغار دو مدال طلا كسب كردند

ایران قهرمان جام شد

موحد و علی اف بهترین کشتی گیران ایران و خارجی جام بودند .

مسابقه (غلامی-موحد) پرشورترین مسابقه جام آریامهر بود .

نتایج سومین دوره جام آریامهر پس از انجام ۱۴۸ مسابقه در ۷ دوره ، بدین شرح اعلام شد.

۴۸ کیلو : ۱- ابراهیم جوادی (ایران) ۲- ولیکوف (بلغارستان) ۳- فدوسیف (شوروی).
۵۴ کیلو : ۱- محمد قربانی (ایران) ۲- نصراله اف (شوروی) ۳- سورن جاو (مغولستان) .
۵۷ کیلو : ۱- علی علی اف (شوروی) ۲- ابوطالب طالبی (ایران) ۳- لئونف (بلغارستان).
۶۳ کیلو : ۱- شمس الدین سیدعباسی ۲- گورگیف (بلغارستان) ۳- کوار لاشویلی (شوروی).
۶۸ کیلو : ۱- عبدالله موحد (ایران) ۲- قزاقاف (شوروی) ۳- ناچک دورک (مغولستان).
۷۴ کیلو : ۱- گورگیف کوسف (بلغارستان) ۲- سرتیر (مغولستان) ۳- عباس عباسی (ایران).
۸۲ کیلو : ۱- شاهمرادف (شوروی) ۲- آرتاک (مغولستان) ۳- قدیر یعقوبی (ایران).
۹۰ کیلو : ۱- سوخوویوف (شوروی) ۲- محمدعلی صحرايي (ایران) ۳- دلچف (بلغارستان).
۱۰۰ کیلو : ۱- گلودگین (شوروی) ۲- خسینی اف (بلغارستان) ۳- بایان سونخ (مغولستان).
+ ۱۰۰ کیلو : ۱- واسیلف (بلغارستان) ۲- نادرزینی (شوروی) ۳- انوری (ایران) .

ورزش

فدراسیون کوهنوردی اعلام کرد که هشت تن از کوهنوردان وابسته به خانه کوهنورد از غار یخمراد دیدن کردند : بانوان شمس شاملو و نسرين مرشدی و آقایان مصطفی مجیدی - محمدرضا گرگانی - فریبرز تیموریان - مصطفی مرشدی - حبیب محمندی و عبدالعلی شاملو .

● روزنامه استاندارد مودیش چاپ ورزش ضمن مقاله ای اعلام کرد که يك گروه ۳۰ نفری از کوهنوردان لهستانی برای صعود بارتفاعات البرز بخصوص قله تخت سلیمان بایران می آیند . ریاست این هیئت با آقای استانیسلاویسلا از کوهنوردان باتجربه لهستان است که باغلب قله هیمالیا و هندوکش در ۷۰۰۰ متری از سطح دریا صعود کرده است. این هیئت از طریق اتحاد جماهیر شوروی بایران خواهند آمد و قبل از سفر بایران مدت یکماه برای کسب آمادگی لازم در کوههای رفیع بر خواهند برد .

گروه کوهنوردان لهستانی که قرار است بایران بیاید علاوه بر اجرای برنامه صعود بقله دماوند برنامه هایی نیز در جهت شناسائی مناطقی کوهستانی اجرا خواهند کرد.

والیبال بندرعباس : مسابقه والیبال بین نوابیان ناوشکن امریکائی نیو که در ایلای استان ساحلی پهلوی گرفته است ببا تیم منتخب بندرعباس برگزار شد و نتیجه دو بریک بنفع

تیم بندر عباس پایان یافت. ● مسابقات نهائی والیبال باشگاههای تهران در قسمت بانوان خاتمه یافت و در نتیجه تیم انجمن بانوان سه برهیج تیم تاج را مغلوب ساخت و مقام اول را حائز گردید .

وزنه برداری تیم وزنه برداری ایران برای شرکت در مسابقات بین المللی جام مسکو تهران را بقصد «کیف» ترك گفت : نصراله دهنوی وزنه بردار جوان ایرانی اهل خوزستان موفق شد ضمن بجا گذاشتن چند رکورد جهانی صاحب مدال طلای مسابقات بین المللی کاپ مسکو شود .

در دسته خروس وزن نصیری با ۳۵۵ کیلوگرم وزنه برداری اول شد .

جمعا دو مدال طلا و دو مدال برتر نصیب ایران شد .

دو ومیدانی ● مسابقات دو ومیدانی دبیرستانهای دختران رشت پایان یافت ونفرت اول بشرح زیر انتخاب شدند :

دو ۸۰ متر خبازیش از دبیرستان شاددخت

پرش طول سهیله از دبیرستان روشك

پرتاب توپ خزنل از دبیرستان تربیت نسوان

پرش ارتفاع نافذی از دبیرستان فروغ

دو ۵۸۰ متر تیم دبیرستان فروغ

● نتیجه کلی مسابقات دو ومیدانی دوره های اول و دوم دبیرستانهای دختران

شیراز باین شرح اعلام شد : در دوره اول دبیرستانهای مهرآئین - ناموس و ناطمیه اول تا سوم شدند .

در دوره دوم دبیرستان های ناموس - مهرآئین و اندیشه اول تا سوم شدند .

● مسابقات دو ومیدانی سال جهت انتخاب تیم ایران برای شرکت در مسابقه های بین المللی دو ومیدانی که در کویت برگزار میشود آغاز و افراد زیر انتخاب شدند : دو ۱۰۰ متر وهاب شاهخوره با زمان ۱۱ ثانیه - دو ۴۰۰ متر با مانع بهرام میری با زمان ۵۵ر۲۰ ثانیه (میری ۴ دهم ثانیه بهترین رکورد ایران را که متعلق به قیصری بود شکست) دو ۴۰۰ متر آزاد رضا انتظاری با زمان ۴۸ر۷ ثانیه اول وحسن ضراغی با زمان ۴۸ر۸ ثانیه دوم (انتظاری و ضراغی هر دو رکورد سابق ایران را که ۴۹ر۴ ثانیه و متعلق به غفوری زاده بود شکستند)

پرش ارتفاع تیمسور غیانی با ۱۹ر۶ متر - پرش طول کورش عزتی با ۶ر۷۶ متر - پرتاب دیك حسین برقی با ۴۳ر۱۶ متر - دو ۸۰۰ متر حسین غفوری زاده با زمان ۱۵ر۴۲ دقیقه - دو ۵۰۰۰ متر احمد حسینی ۱۵ر۰۷ دقیقه - پرتاب نیزه جاوید آراء ۵۸ر۵۸ متر - دو ۲۰۰ متر وهاب شاهخوره ۲۲ر۴ ، ثانیه - پرتاب وزنه نوح نژاد ۱۴ر۱۱ متر دو ۱۱۰ متر با مانع تیمور غیانی ۱۵ر۹ ثانیه - دو ۲۵۰۰ متر حسین غفوری زاده ۴۶ر۴ دقیقه پرش سه گام کورش عزتی ۱۴ر۴۱ متر - دو ۱۰۰۰ متر غلام حبیبی ۳۳ر۳۱۹

فوتبال

تیم فوتبال اسپارتاك شوروی با مختلط تاج وپاس درمیدان امجدیه مسابقه دادند و نتیجه آن مساوی شد .

● فدراسیون فوتبال ایران اطلاع داد که تیم باشگاه پاس در سه مسابقه خود در عراق پیروزی داشت . در نخستین مسابقه با تیم فوتبال پلیس عراق يك برهیج پیروز شد. در مسابقه دوم تیم نیروی هوایی عراق را ۲ بر هیج شکست داد . در مسابقه سوم باتیم شرکت واحد اتوبوسرانی عراق با نتیجه ۲ بر يك برنده شد . ولی در چهارمین سابقه با تیم منتخب عراق ۲ برهیج شکست خورد .

● تیم فوتبال جوانان برای شرکت در مسابقات فوتبال بانكوك با هواپیما تهران را بقصد تایلند ترك كردند . رئیس فدراسیون نیز برای شرکت در كنكره سالانه كنفدراسیون فوتبال آسیائی همراه هیئت مزبور سفر کرده است .

دقیقه .

تیس روی میز ● مسابقات قهرمانی بینك پنك کشور با نتایج زیر پایان یافت .

در قسمت تیمی آقایان : تهران با ۲۴ امتیاز اول و تیمهای مشهد و اسفهان با ۲۱ و ۱۸ امتیاز دوم و سوم شدند .

در قسمت تیمی بانوان : پنج تیم از پنج استان شرکت کردند و تهران و اسفهان و شیراز به ترتیب با ۱۲ - ۹ و ۶ امتیاز اول تا سوم شدند. در قسمت انفرادی آقایان: ۶۴ نفر بطور حذفی مسابقه دادند و در نتیجه احتشامزاده از تهران مقام اول را بدست آورد .

در قسمت انفرادی بانوان: ۲۴ شرکت کننده بطور حذفی مسابقه دادند که سرانجام فروزنده شمیرانی از تهران اول شد .

در دونفری آقایان: ۲۲ تیم شرکت داشتند و در نتیجه احتشامزاده و بزرگراه از تهران مقام اول را کسب کردند .

در دونفری بانوان: ۱۲ تیم شرکت داشتند که نصیری و دارین از تهران بمقام اول رسیدند .

در قسمت مختلط دونفری: ۱۲ تیم شرکت کردند که حجازی و دارین از تهران مقام اول را کسب کردند .

● تیم های ملی بینك پنك دختران و پسران ایران برای شرکت در مسابقات جهانی سال ۱۹۶۹ که در مونیخ برگزار میشود رهپار کشور آلمان شدند .

ژیمناستیک

مسابقات ژیمناستیک دبیرستانهای پسران شیراز پایان یافت و در نتیجه دبیرستان حاج قوام با ۲۲ر۲۰ امتیاز مقام اول را کسب کرد .

در رتائیه نیز دبیرستان پسران فروغی بمقام اول رسید .

● مسابقات ژیمناستیک باشگاههای تهران در قسمت خانمها پایان یافت و این نتایج بدست آمد : مینا خشك خان از باشگاه هما با ۳۴ر۹۳۲ امتیاز اول - شهلا خشك خان از باشگاه هما با ۳۳ر۳۶۹ امتیاز دوم وجسیله رهنمون از باشگاه پاس با ۳۲ر۷۰۲ امتیاز سوم شدند . در جمیع امتیازات تیم ژیمناستیک دختران باشگاه پاس اول شد .

در قسمت آقایان عبدالله رسولی از باشگاه دانشگاه اول اکبر نامداری از باشگاه هما دوم - ابرج یوسفی از باشگاه پاس سوم شدند . و در نتیجه کای باشگاه پاس با ۲۲ر۴۷ امتیاز اول را بدست آورد

تنیس

● تیم تنیس دبویس کاپ ایران تهران را بقصد یوهانسبورگ پایتخت کنور افریقای جنوبی ترك کرد



۶۸ کیلو - عبدالله موحد



۶۳ کیلو - شمس الدین سیدعباسی



۵۴ کیلو - محمد قربانی



۴۸ کیلو - ابراهیم جوادی

کار و کارگران



آقای علم



آقای عبدالمجید مجیدی



«کنفرانس ملی کار»

المللی کار و کلیه افرادی را که این اهداف عالی را نصب العین خود قرار داده‌اند مشغلت داریم.

نخستین کنفرانس ملی کار
● بمناسبت پنجاهمین سال تأسیس سازمان بین‌المللی کار، با پیام شاهنشاه آریامهر نخستین کنفرانس ملی کار در تهران گشایش یافت. در آغاز مراسم افتتاح آقای علم وزیر دربار شاهنشاهی پیام شاهنشاه را بدین شرح قرائت کرد:

در این موقع که پنجاهمین سال تأسیس و فعالیت سازمان بین‌المللی کار آغاز میگردد لازم میدانم یکبار دیگر اهمیت این سازمان مفید و نقش مهم وارزنده آنرا در برقراری صلح و نظم جهانی که جز براساس حفظ و رعایت حقوق بشر و تأمین عدالت اجتماعی استوار نمیشود متذکر گردیم. سازمان بین‌المللی کار که دولت شاهنشاهی ایران یکی از بنیانگذاران آنست مبارزه با تبعیض و تبعیضات و فقر و محرومیت و ترس از آینده را هدف خود قرار داده است و این همان اصولی است که پایه انقلاب سعید ایران را تشکیل میدهد انقلابی که هدف اساسی آن ایجاد یک جامعه مترقی و مرفه است خاصه آنکه با اجرای اصل مهم سهم کردن کارگران در منافع کارگاههای صنعتی و تولیدی نظم نوینی در رابطه بین کارگر و کارفرما برقرار گردیده و با تحولات عظیمی که در سنوات اخیر در کشور اقتصادی حاصل شده و کشور سرعت بسوی صنعتی شدن پیش میرود اهمیت مسائل اجتماعی بیش از پیش نمایان میگردد و تردید نیست که حفظ و حراست نیروی کار، تأمین شرایط کار و زندگی مناسب برای آن کوشش در بالابردن سطح مهارت کارگران که نتیجه آن افزایش و بهبود تولید و بالارفتن سطح دستزد و درآمد و بالنتیجه سطح زندگی کارگران است و بالاخره تأمین طبقه فعال و مولد ثروت کشور از اهم مسائل بوده و باید مورد توجه کامل قرار گیرد.

بدر نظر گرفتن اینکه همه ساله کنفرانس بین‌المللی کار با شرکت نمایندگان دولتها و کارفرمایان و کارگران اکثریت قریب باتفاق کشورهای جهان تشکیل شده و مسائل مزبور مورد بحث و تحلیل قرار گرفته و راه حل هایی در سطح جهانی ارائه میگردد مقرر داشتیم که قبل از تشکیل کنفرانس جلساتی با حضور کارشناسان و نمایندگان دستگاه های مختلف دولتی و خصوصی که بنحوی از انحاء در این مسائل مسئولیتی بهمه داشته یا ذی علاقه هستند و همچنین نمایندگان سازمان های کارفرمایی و کارگری بنام «کنفرانس ملی کار» تشکیل شود و از طریق بحث و تبادل نظر در مسائل مربوط بکار و تأمین اجتماعی راه حل های صحیح و منطقی در سطح ملی ارائه گردد.

موفقیت کنفرانس ملی کار و مزید توفیق سازمان بین-

نطق آقای هویدا

● آقای هویدا نخست وزیر نیز بیاناتی باین شرح ایراد کردند:

برای من موجب بسی خوشوقتی است که در مراسم بزرگداشت پنجاهمین سال تأسیس سازمان بین‌المللی کار و همچنین در نخستین کنفرانس ملی کار شرکت میجویم. من در مسئولیت های مختلفی که داشته‌ام همواره از طرز کار و برنامه سازمان مذکور با علاقه و زیاد اطلاع حاصل کرده‌ام. همانطور که میدانیم هدف اساسی سازمان بین‌المللی کار کوشش در بهبود شرایط کار و ترقی سطح زندگی کارگران و استقرار عدالت اجتماعی در مقیاس جهانی است. این سازمان از راه پیشنهاد عیزان های کار و تصویب توصیه نامه ها و مقاوله نامه ها و قطعنامه ها و نشر کتب و جزوات فنی و تشکیل کنفرانس های سالانه توانسته است به میزان زیادی در ترقی دانش عمومی و استقرار تفاهم در بکار بستن اسناد مصوب و تقویت مبانی ارزش ها و حقوق انسانی و محکوم ساختن سیاست تبعیض نژادی و اعتلای آرمان های صلح و همکاری های بین المللی و بررسی مسائل نیروی انسانی توفیق خدمت پیدا کند.

سازمان بین‌المللی کار بحق شمار پنجاهمین سال تأسیس خود را برنامه جهانی اشتغال انتخاب کرده است زیرا امروز برای همه کشورها و بخصوص برای کشور های در حال رشد حل مسئله اشتغال اهمیت استثنائی دارد. بدون تردید حمایت از نیروی کار شاغل و تحقق هدف های اجتماعی هنگامی موثر و قطعی است که با پیش بینی و حل مشکلات نیروی آینده انسانی و اشتغال توأم و تلفیق گردد و بادرک همین مطلب است که سازمان بین المللی کار با توجه به وظایف عمده ای که در حمایت از نیروی کار برعهده دارد برای بررسی و حل مسائل اشتغال تلاش بزرگی را آغاز کرده است. من امیدوارم سازمان مذکور با واقع بینی و همکاری موثر با سایر قسمت های مشغول سازمان ملل متحد و با شناخت موقع های سیاسی و اقتصادی کشور های در حال رشد و توجه به الزامات تاریخی پیشرفت در برنامه خود با موفقیت قرین باشد. خرمندانه شاهنشاه آریامهر گامهای بزرگ و سریعی در جهت ترقی تولید و بهبود زندگی کارگران و کشاورزان و افزایش فرصت های اشتغال بر میدارد در اجرای برنامه سازمان بین‌المللی کار پیار و مدد کار صمیمی خواهد بود. در اینجا لازم است از ابتکار وزارت کار و امور اجتماعی در تشکیل کنفرانس ملی کار مرکب از شخصیت

ها و مسئولیتی که بنحوی از انحاء با موضوعات کار و تأمین اجتماعی و سیاست اشتغال و نیروی انسانی سر و کار دارند با علاقه و نیکی خاص یاد کنم. بطوریکه مقرر است این کنفرانس سالانه قبل از تشکیل کنفرانس بین المللی کار تشکیل میگردد و در آن مسائل خاص کشورها هم چنین موضوعات اصلی که در کنفرانس بین المللی کار مطرح خواهد شد مورد ارزیابی و تبادل نظر قرار خواهد گرفت.

من امیدوارم با پشتکار و صمیمیتی که در همکاران می بینم این کنفرانس بتواند در طرح و حل مسائل مورد نظر و خصوصاً پیش بینی و حل مسائل مربوط به اشتغال و نیروی انسانی توفیق پیدا کرده و راه حل های منطقی ارائه دهد.

پس از سخنان آقای نخست وزیر - آقای عبدالمجید مجیدی وزیر کار و امور اجتماعی ضمن تشریح برنامه ها و فعالیت های این وزارت خانه اظهار داشت: برای پیشرفت هدف های وزارت کار و امور اجتماعی لازم است که بین سازمان های مختلف دولتی و بخش خصوصی همکاری نزدیکتر و همه جانبه وجود داشته باشد.

پس از آن به ترتیب نماینده سازمان بین المللی کار، رئیس اطلاق صنایع و معادن ایران، رئیس هیئت نمایندگی سازمان ملل متحد در ایران و هم چنین قائم مقام دبیر کل سازمان کارگران ایران در باره هدف های سازمان بین المللی کار و اولین کنفرانس ملی کار در ایران بیانات مشروحی ایراد کردند. آنگاه انتخابات هیئت رئیسه کنفرانس انجام شد و در نتیجه آقای عبدالمجید مجیدی وزیر کار و امور اجتماعی بسمت رئیس اولین کنفرانس ملی کار در ایران برگزیده شد. جلسات این کنفرانس هفت روز بطول انجامید.

ایران احتیاج چندانی به متخصص و کارشناس خارجی ندارد

● آقای فرانس بلانشار معاون مدیر کل سازمان بین المللی کار وابسته به سازمان ملل متحد که برای شرکت در نخستین کنفرانس ملی کار به تهران آمده بود در یک مصاحبه مطبوعاتی در باره فعالیت های این سازمان در ایران سخن گفت.

وی در آغاز این مصاحبه که در محل اداره اطلاعات سازمان ملل در تهران ترتیب یافته بود به همکاری های سازمان بین المللی کار با

ایران اشاره کرد و گفت: این سازمان از ابتدای تأسیس خود با ایران همکاری بسیار نزدیک داشته و از هنگام تأسیس وزارت کار در ایران این همکاری بمراتب بیشتر شده است معاون مدیر کل سازمان بین المللی پس از تشریح فعالیت های این سازمان در ایران به پیشرفت های اخیر ایران اشاره کرد و اظهار داشت در حال حاضر هفت طرح مشترک در ایران در دست اجرا است و با پیشرفت شگرف و ترقی سریعی که ایران در سال های اخیر کرده است احتیاج چندانی بکارشناس و متخصص خارجی ندارد زیرا ایران قادر به تربیت متخصص مورد نیاز خود میباشد.



پرداخت سود ویژه

● آقای مجیدی وزیر کار و امور اجتماعی ضمن بازدید از تأسیسات یک کارخانه پارچه بافی در نظرآباد کرج سود ویژه سال ۱۳۴۷ کارگران این کارخانه را برای توزیع در اختیار نماینده آنان گذارد.

وزیر کار و امور اجتماعی در آغاز از محل سکونت کارگران، بهداشتی، فروشگاه تعاونی، باشگاه ورزشی و سینمای مخصوص کارگران دیدن کرد و سپس در مراسمی که در تالار اجتماعات کارخانه برگزار شد مدیر عامل کارخانه ضمن گزارشی گفت که در سال ۴۷ درآمد کارگران این کارخانه از راه سود ویژه ۲۵ درصد نسبت به سال های قبل افزایش یافته است.

بعد نماینده کارگران در مجلس شورای ملی سخنانی پیرامون اهمیت سهم کردن کارگران در سود ویژه کارگاهها بیان کرد و آنگاه وزیر کار و امور اجتماعی ضمن سخنانی اظهار داشتما در هر ست و رشته ای که فعالیت داریم باید به وظائف خود نسبت به مملکت آگاه باشیم و با بالا بردن سطح پیش و تخصص خود در انجام وظائف میهنی خویش اقدام کنیم.

سپس چکی به مبلغ سی میلیون و ۶۳۶ هزار و ۸۴۲ ریال که سود ویژه کارگران این کارخانه بود برای توزیع در اختیار نماینده این کارگران گذارد.

کشور

معاونین جدید و فرمانداران کل

● پیش از عزیمت شاهنشاه به کشور تونس آقای عطاعله خسروانی وزیر کشور در فرودگاه مهرآباد به پیشگاه معظمله شرفیاب شد و معاون جدید وزارت کشور و فرمانداران کل جدید را باین شرح معرفی کرد:

آقای علی اصغر طاهری معاون پارلمانی وزارت کشور.
آقای جلال الدین اعتمادی فرماندار کل همدان.
آقای جلیل ناصح فرماندار کل ایلام.
آقای غلامرضا دبیران فرماندار کل سمنان.
آقای هوشنگ ناطقی فرماندار کل لرستان.
آقای محسن هاشمی فرماندار کل چهار محال بختیاری



علی اصغر طاهری

اصلاحات ارضی

● ابلاغ دستورالعمل قانون جدید تقسیم و فروش املاک مورد اجاره به زارعین مستاجر به مدیران ادارات اصلاحات ارضی استانها و فرمانداریهای کل ابلاغ گردید. بقرار اطلاع با اجرای این قانون موجبات مالکیت بیش از یک میلیون و دویست هزار خانوار زارع که تعداد عائله آنها بالغ بر شش میلیون و چهار صد هزار نفر میشود فراهم خواهد شد و بموازات آن تکلیف قانونی ۲۶۳ هزار خرد مالک نیز روشن میگردد. همچنین با اجرای این مرحله از اصلاحات ارضی امر تقسیم اراضی در برنامه اصلاحات ارضی ایران پایان می یابد و کلیه کشاورزان مملکت که بیش از دو سوم جمعیت ایران را تشکیل میدهند مالک بنق های زراعتی خود میشوند و دیگر زارعانی بنام «زارع مستاجر» وجود نخواهد داشت.

نخستین خانه فرهنگ روستائی

● نخستین خانه فرهنگ روستائی استان فارس مرزمینی به وسعت ۲۰ هزار متر مربع در دهکده نمونه زندگی آباد افتتاح شد. زمین این خانه که مجهز به سالن اجتماعات، کتابخانه، دفتر کار، یک محوطه مشجر و زمینهای مختلف ورزشی است از طرف زارعان دهکده مذکور اهداء شده است.

امور خارجه

مخبر ایرانی کمیسیون حقوق بشر

● کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد که در ژنو کار میکند اوائل سال ۸۴ آقای منوچهر گنجی نماینده ایران در این کمیسیون را بعنوان مخبر مخصوص سازمان ملل متحد برای بررسی وضع حقوق اقتصادی و اجتماعی در همه کشور های عضو سازمان ملل متحد انتخاب نمود. این نخستین بار است که سازمان ملل متحد بچنین مطالعه ای در باره وضع حقوق اقتصادی و اجتماعی کشور های عضو می پردازد.



پایان ماموریت سفیر هند

● بمناسبت پایان دوره ماموریت آقای «پادمانهان» سفیر هند در دربار شاهنشاهی يك میهمانی ناهار خداحافظی از طرف آقای اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه در کاخ وزارت خارجه ترتیب یافت.

در کنفرانس بین المجالس

● آقای رشتی نماینده ایران در اجلاسیه اخیر کنفرانس بین المجالس دروین، هدف های لژیون خدمتگزاران بشر را که توسط شاهنشاه آریامهر پیشنهاد شده است تشریح کرد و گفت: بهترین راه پیشرفت کشورهای درحال توسعه اجرای اصل لژیون خدمتگزاران بشر است. آقای رشتی که در باره نقش کشور های کوچک و در حال توسعه سخن میگفت به تشریح نقش سپاهیان انقلاب در پیشرفت های اخیر ایران پرداخت و در این زمینه اطلاعاتی به اعضای کنفرانس داد.

کنفرانس کشورهای اسلامی

● معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان اوقاف ایران در جلسه عمومی کنفرانس کشورهای اسلامی به نیابت ریاست کنفرانس انتخاب شد. کنفرانس کشورهای اسلامی با شرکت یکصد نماینده از جانب مسلمانان بیست کشور جهان در کوالالامپور پایتخت مالزی تشکیل شد و هیئت نمایندگی ایران به ریاست آقای نصیر عصار معاون نخست وزیر و سرپرست سازمان اوقاف در آن شرکت داشت.

قطع رابطه سیاسی ایران با لبنان

● رابطه سیاسی ایران و لبنان در نخستین ماه سال جاری قطع شد.

پیام شاهنشاه آریامهر به رئیس جمهور جدید پاکستان حضرت ژنرال آقامحمدخان رئیس جمهوری پاکستان - راولپندی.

برای من موجب نهایت مسرت است که به مناسبت احراز مقام منیع ریاست جمهوری پاکستان توسط آن حضرت گرم ترین تبریکات و بهترین آرزوهای قلبی خود را برای سعادت شخصی و موفقیتان در رهبری سرنوشت ملت دولت و برادر پاکستان در راه خوشبختی و کامیابی روز افزون ابراز دارم. امید است که در سال های آینده علایق مونت و همکاری تریختی که دولت ما را به یکدیگر پیوند داده است همچنان بنفع متقابل دو کشور تحکیم و تقویت یابد.

محمد رضا پهلوی

عضویت سفیر ایران وزارت امور خارجه گزارش داد که آقای هوشنگ انصاری سفیر شاهنشاه آریامهر در امریکا بعنوان عضو هیئت موسس انجمن بین المللی دانشجویان دانشگاه معروف جرج واشینگتن انتخاب شده است.

ریاست افتخاری انجمن بین المللی دانشجویان دانشگاه جرج واشینگتن با سناتور ویلیام فولبرایت است و جمعی از شخصیت های معروف امریکایی از جمله آقای ملک گورمیک رئیس مجلس نمایندگان امریکا آقای ویرنر وزیر پنین کار و سفیر نیکاراگوئه در واشینگتن که سمت شیخ السرای را دارد اعضای افتخاری هیئت موسسان این انجمن را تشکیل می دهند.

اجلاسیه کمیته امور اجتماعی

● سومین اجلاسیه کمیته امور اجتماعی پیمان همکاری عمران منطقه ای با شرکت نمایندگان ایران، ترکیه و پاکستان در تهران گشایش یافت. و درباره همکاری های رادیویی، تلویزیونی و مطبوعاتی سه کشور عضو پیمان همکاری عمران منطقه ای با نمایندگان دو کشور دیگر بحث و تبادل نظر کردند.

عمران منطقه ای

● جلسات کمیته حمل و نقل و ارتباطات و نیز هیئت مدیره انستیتو های فرهنگی پیمان همکاری عمران منطقه ای در محل دبیر خانه این سازمان در تهران گشایش یافت.

در جلسات کمیته حمل و نقل هیئت های نمایندگی سه کشور ایران، پاکستان و ترکیه شرکت داشتند و در باره پیشرفت های حاصله در زمینه اجرای مصوبات شورای وزیران پیمان همکاری عمران منطقه ای بحث و گفتگو کردند.

کار و پیشه

عبدالکریم گلشنی:

«طبیعت جاندار»، بهترین و ماهر ترین نمود زیبایی ها است

خط عبور گذشت يك عمر تقریباً پنجاه ساله روی صورتش دوییده است. موها کم کم به سپیدی گرائیده و کمی خسته بنظر میرسد. اما با همه این احوال قیافه ای شاد دارد، با چشمانی که نافذ و قاطع مخاطب را نگاه می کنند. و در پاسخ سوالم که خواستام سابقه کار خود را بسرای خوانندگان تلاش تعریف نماید، چنین آغاز سخن می کند:

گلشنی: بیست سال پیش بود که من در کشور ترکیه تریین و تریین را آغاز نمودم. شغل آن روز من تجارت بود و کالاهایی را که از ایران و دیگر کشور ها به ترکیه وارد میکردم، به فروشگاه ها میدادم. در این میان فکری به نظرم رسید که باید روی کالا تبلیغ بیشتری شود تا سطح فروش بالا رود. مدتی روی این فکر و منظور مطالعه کردم. امکانات مختلف تبلیغاتی را بررسی نمودم، آگهی از رادیو، روزنامه و چاپ پوستر و بروشور، همه این ها مخارج زیادی در بر داشت و در عوض دارای باره و اثر اندک. در اینجا من در مقابل این سؤال قرار گرفتم که پس چه باید کرد؟ و به فکر رسید که بهترین موقع برای فراهم آوردن مشتری وقتی است که به منظور خرید و با جیب پر از پول، به بازار آمده است. پس در همین حال است که باید او را جذب کرد و بدون فروشگاه کشید بنابراین و تریین و نماز مغازه باید زیبا باشد، اشیاء و اجناس به نیکترین وضع به او نشان داده شوند تا رهگذر ابتدا به ایستد و نگاه کند، وقتی رهگذری در مقابل يك مغازه ایستاد محتملاً برای تماشای بهتر هم که شده سری به فروشگاه میزند.

گفتید که شما تاجر بودید مثل این که تریین و تریین ربطی به تجارت ندارد. گلشنی: بله، و گفتم که برای فروش بیشتر اجناسم دنبال بهترین طرز تبلیغ بودم. البته این ابداع و ابتکار شخص من نبود و بهمین جهت کسی که ذوق و سلیقه انجام یافته مرا داشته باشد نبود. کشور های اروپایی آنرا از

اشاره

تریین اماکنی بویژه و تریین مغازه ها و فروشگاه ها يك پدیده کاملاً نو است و بحق باید گفت که ارسفانی است از غرب لیکن خوشبختانه این سوقات نیز از ویژگی خصلت ایرانی بدور نمانده است که بعنوان نمونه از تریینات داخلی هتل هیلتون، فروشگاه های بزرگ تهران از جمله «جنرال مد»، «ایران» و «فردوسی» و نیز مغازه های خیابان تخت جمشید، شاه و پهلوی یاد می کنیم. بهمین مناسبت از عبدالکریم گلشنی طراح دعوت شد تا از سابقه و شیوه کار خود حرف بزند و آنچه در اینجا ملاحظه می کنید حاصل گفتگونی است با این طراح و دکوراتور پرسابقه:

دیرباز مورد توجه قرار داده بودند ولی در «ترکیه» چنین کاری مرسوم نبود.

در همین احوال به سبب وضع خاص پس از جنگ و صعود یکباره تعرفه ها و حقوق گمرکی و نیز مالیات سرسام آوری که برای افراد خارجی در آن کشور وضع شد من ورشکست شدم و پس از مدتی به ایران آمدم.

حرفی من تجارت بود و من دیگر هیچ سرمایه ای نداشتم. مدتی در تهران بیکار بودم تا این که يك روز به ذهنم رسید که باید کار کنم و چه بهتر که تجربه ای گذشته را در مورد و تریین سازی در تهران بیازمایم. اما بهر فروشگاه که مراجعه کردم و نقشی خودم را گفتم، راستش صاحب آن بمن خندید و این خنده ها بیشتر مرا مصمم نمود. بالاخره موفق شدم که رضایت يك مغازه دار را برای تریین مجانی و تریین مغازه اش جلب کنم. این مغازه در کوچه راهی واقع شده بود و «مهناب» اسم داشت.

در پرداخت و تریین او از اشیاء و اجناس خودش استفاده کردم اما باز هم حدود بیست تومان (که آن روز ها پول کمی نبود) برایم خرج برداشت.

حدود ۱۵ روز دیگر گذشت من باز هم بیکار بودم و منتظر نتیجه کارم در تریین و تریین این مغازه ای خرازی فروشی. در این موقع صاحب همین مغازه بدنبالم فرستاد. این طور که می گفت تریین و تریین در ازدیاد فروش مغازه اش اثر مطلوبی گذاشته بود و خواست که فوراً آن را تغییر بدهم. مخارج متفرقه تریین مجدده نیز حدود ۲۰ تومان شد و صاحب مغازه در پایان نیمی از آن را بمن داد. بار هم من سکوت کردم. چند روز بعد صاحب چند مغازه دیگر بمن مراجعه کرده و خواستند که و تریین آن ها را تریین کنم. کم کم کار من داشت

شناخته میشد و از پنجمین کارفرما بود (که به پول آن روز) اجرت گزافی خواستم. حال دیگر در کارم سر - شناس شده بودم و می بایست سریع تر گام بردارم. برای همین به «جنرال مد»، بزرگ ترین فروشگاه که آن روز ها در تهران بود مراجعه کردم. صاحب این فروشگاه

آیا میدانید که ژورنال های خارجی زیادی وجود دارد که در آن طرح های متنوعی برای تریین و دکوراسیون و تریین ها عرضه شده و آیا شما از طرح های عرضه شده در این ژورنالها استفاده می کنید؟

گلشنی: ابداء، زیرا که طرح این ژورنال ها با سلیقه مردم

نمائی از يك و تریین از ساخته های «گلشنی»



ایران همانک نیست و کمتر طرحی در آن ها می توان یافت که مورد پسند مردم باشد.

از آن ویژگی کار من در استفاده از طبیعت، فورهای طبیعی و حتی «طبیعت جاندار» است و من همواره در پرداخت هایم از آن ها مند جهتم. - منظور آن از طبیعت جاندار چیست؟

گلشنی: مثلاً در و تریینی که در آن لباس های يك فروشگاه را باید نمایش بدهم اجباراً از مابقی کچی استفاده میکنم، اما در کنار این مانکن های بیروح يك فواره آب، يك تنک پر از ماهی يك قفس طوطی جای گرفته اند و نیز که گاه، پا را از این هم فراتر گذاشته، مثلاً و تریین فعلی یکی از فروشگاه های تهران قفسی از میمون و شیر در کنار مانکن ها گذاشته ام.

بیشتر متشکر میشوم اگر خاطره ای از آنچه در موقع انجام کار با آن مواجه



شیرزنه در و تریین!

شده‌اید تعریف کنید .

گلشنی : هر گوشه‌ی کارما خاطره انگیز است و ذهن من پر است از هزاران یاد ، از حوادث جالبی که ضمن کار با آن مواجه شده‌ام . چندتایی را برایتان می‌گویم :

برای ساختن ویتترین ، «دیروز و امروز» احتیاج به یک «کیف» مندرس سلمانی های دوره گرد داشتم که با قیمت پنج برابر یک کیف نو برایم تمام شد و نیز برای ویتترین «قهوه خانه ها» یک الاغ مردنی و بی حال را به قیمت سه برابر یک الاغ معمولی خریداری کرده ، و توی پوستش را کاه پر کردیم . خاطره دیگر من تزئین ویتترین یک منازه پیراهن فروشی است . کدور آن جنگلی نشان داده شده بود و بری که با چنگ و دندان مسی خواست پیراهنی را پاره کند و موفق نمی شد . این ویتترین فوق العاده مورد توجه واقع شد .

— آقای گلشنی ، آیا برای آینده طرح جالب دیگری در نظر گرفته‌اید؟

گلشنی : بله ، چند طرح برای غرفه های نمایشگاه آسیائی که چند ماه دیگر در تهران برپا می‌شود . یک طرح که بزودی در یکی از فروشگاه ها آن را پیاده خواهم کرد . و دیگری یک طرح بسیار جالب است که همزمان با جشن های دوهزار و پانصمین سال شاهنشاهی ایران ، عرضه خواهم داشت .

— متشکرم .

حوادث

بازدید اعلیحضرتین از مناطق سیلزده در آذربایجان

● در فروردین ماه باردیگر یکی از نقاط کشور دچار سانحه سیل شد و بار دیگر شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو برای دلجوئی از آسیب دیدگان و نظارت مستقیم بر عملیات اجرائی شخصاً رهسپار منطقه آسیب دیده شدند . در سفری که بدین مناسبت اعلیحضرتین به استان های آذربایجان شرقی و غربی فرمودند ،

شاهنشاه و شهبانو ضمن بازدید از مناطق آسیب دیده و رسیدگی به نیازهای اهالی برای تأمین رفاه مردم آن مناطق و نیز انجام عملیات فوری نو سازی دستورات موکدی صادر فرمودند .

سانحه بر اثر ریزش کوه

● بر اثر ریزش کوه و سقوط سنگهای عظیم بین ایستگاه های « بابک » و « خراسانک » در ناحیه شمالغرب به دو واگن مسافری تبریز - تهران که در این مسیر در حال حرکت بود آسیب وارد آمد .

مسمومیت ۲۵۰۰

● دو هزار و پانصد نفر از مردم رشت بر اثر خوردن آبگوشت فاسد در یکی از تکایای آن شهر مسموم شدند . خوشبختانه این مسمومیت همگانی پایان خیری داشت ، چه کلیه بیماران بلافاصله به

بیمارستان پورسینای رشت منتقل شده وزیر نظر پزشکان این بیمارستان تحت درمان قرار گرفتند .

کلیه مسمومین مذکور در اثر مراقبت و مداوای فوری و لازم سلامت خود را باز یافتند . مقامات بهداشتی رشت کلیه رستوران ها و اماکن این شهر را پس از حادثه مذکور زیر نظر گرفتند ، لیکن در بررسی هایی که انجام یافت غذای فاسد دیگری دیده نشد .

هشتمین طلاق در تهران

● براساس آمار منتشره در سال گذشته جمعا هشتمین مورد طلاق در تهران انجام شده است براساس همین آمار هر ماه بطور متوسط ۱۵۰۰ زن و مرد برای جدائی به دادگاه های خانواده مراجعه کرده اند .

آمار مذکور هم چنین نشان میدهد که میزان ازدواج در سال ۴۷ نسبت ۱۰۰ سال های پیش کاهش یافته و بر خلاف سال ۱۳۴۶ که حدود ۲۵ هزار نفر باهم ازدواج نمودند در سال ۱۳۴۷ تنها حدود ۱۸ هزار نفر پیوند زناشویی بستند .

خرابی پل بزرگ جاجروود

● بر اثر طغیان ابرود - خانه جاجروود قسمت زیادی از پل بزرگ این رودخانه در مسیر جاده هراز فرو ریخت و عبور و مرور قطع شد . مأمورین راهداری بلافاصله مشغول مرمت و نو سازی پل گردیدند . عبور و مرور وسایل نقلیه در مدت خرابی پل از جاده قدیمی جاجروود صورت گرفت .

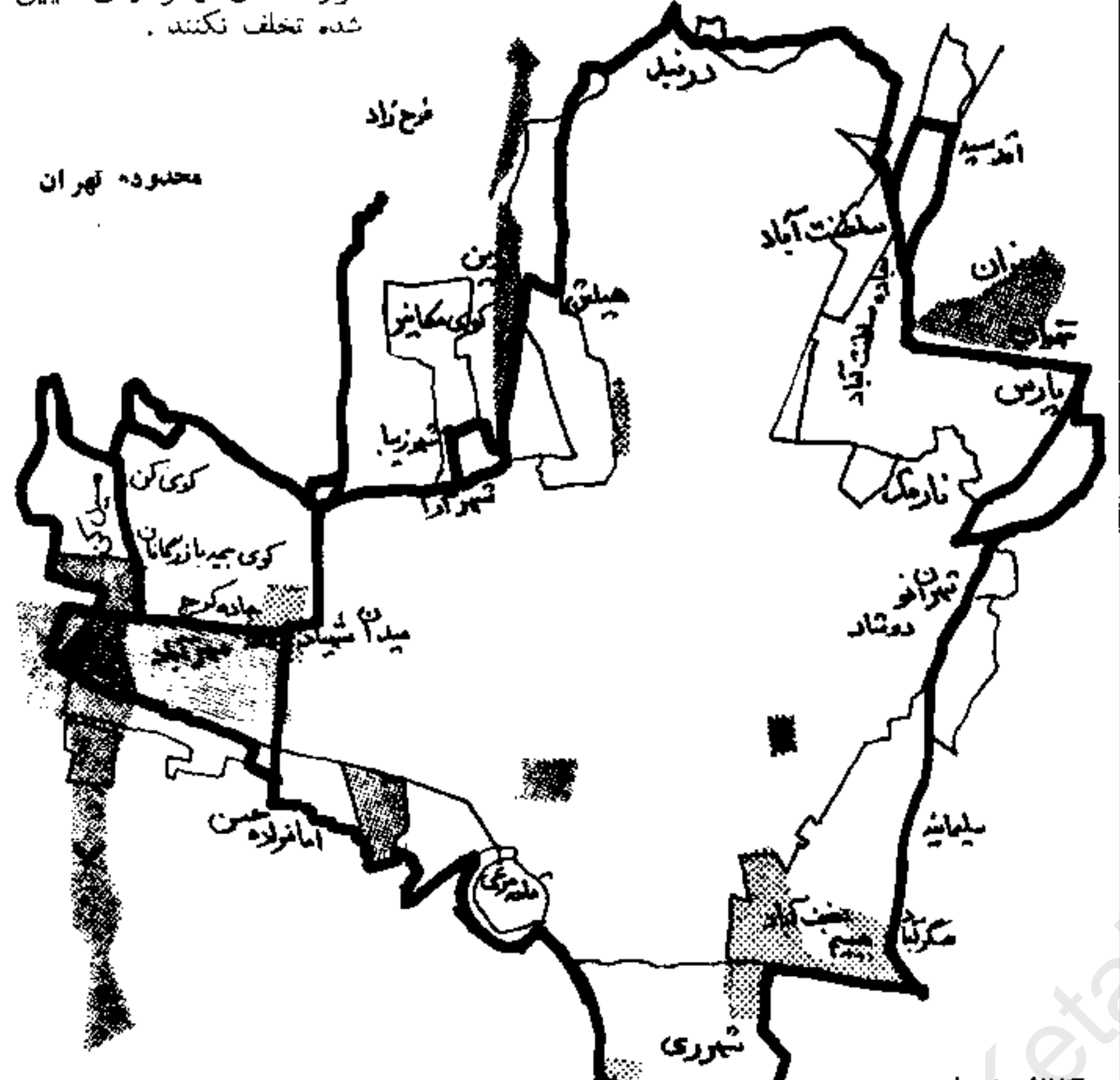
مواد قابل اشتعال

● طی یک اطلاعیه رسمی به کلیه صاحبان کارگاههایی که مواد محترقه و قابل اشتعال در شهر تهران تهیه و یا نگهداری میکنند رسانده شد که حداکثر تا پایان اردیبهشت ماه سال جاری انبار های خود را با همکاری شهرداری تهران به خارج از شهر منتقل نمایند . در پایان این مهلت شهرداری نسبت به تعطیل این کارگاهها اقدام خواهد کرد .

شهر و شهرداری

محدوده قانونی شهر تهران

● انجمن شهر تهران در یک جلسه علنی فوق العاده در آخرین روز سال ۴۷ محدوده قانونی شهر تهران را به مساحت تقریبی هشتصد کیلو متر مربع تصویب کرد . انجمن شهر تهران قبلاً محدوده برنامه پنجساله اول شهرداری را به مساحت دویست و پانزده کیلو متر مربع تأیید و تصویب کرده بود . این محدوده در



ساختمانهای میل

● شهرداری پایتخت اعلام کرد که از ادامه عملیات ساختمان در میل هاجلوگیری کرده است . این اقدام برای جلوگیری از خطرات ناشیه از جریان سیل در پایتخت بعمل آمد .

اسفالت خیابانهای تهران

● سخنگوی شهرداری پایتخت اعلام داشت که به تصویب انجمن شهر تهران اسفالت اساسی خیابانهای شهر بساحت یک میلیون و پانصد هزار متر مربع آغاز خواهد شد .

این سخنگو افزود اسامی هفتاد خیابان تهران هم اکنون برای اجرای عملیات اسفالت به پیمانکاران ابلاغ شده که قسمتی از آن بایسن شرح است :

خیابانهای شوش ، بوذرجمهری ، تخت جمشید ، جاده قدیم شیران از سه راه عباس آباد ، بلوار الزهراء که بعنوان آزمایشی بتونس می‌شود ، میدان زاله نامیدان ، شهنار ، جاده سیمتری نظامی ، خیابان بهارستان از مقابل ساختمان مجلس تا شاهرضا و فاصله بین دو میدان شمیران .

کار اسفالت اساسی خیابانهای تهران زیر نظر مهندسان مشاور و با نظارت مستقیم شهردار پایتخت انجام می‌شود .

حوزه عمل شهرداری تهران

خواهد بود . کارشناسان دو نقشه ۲۵۰۵ ساله برای شهر تهران تهیه دیده‌اند و براساس نقشه دوم (۲۵ ساله) تهران در عرض چهار برابر خواهد شد . حدود تهران در نقشه ۲۵ ساله عبارتست از شمال : ارتفاعات توجال (اویسن و قسمتی از درکه و ساه آباد شیران جزو شهر است) . از غرب : کیلومتر ۲۷ جاده کرج (تا کلاک ، کاروانسرا سنگی و اراضی بعد از آن جزو شهر است) . از جنوب : ۲۵ کیلومتر پائین تر از میدان شهر ری (بطرف قم و در حدود تاسیسات نفتی شهر ری) . از شرق : هره کیلومتر بعد از سد راه تهران پارس (حدود سرخه حصار جزو شهر است) .

مقامات شهرداری هم چنین تأکید کردند که پل فعلی رودخانه کن کوچک است و قدرت کشی آبهایی که از شمال اتوبان بطرف میدان شهید سرازیر می‌شود را ندارد . بهمین جهت آب در سطح میدان جمع می‌شود و با ایجاد این کانال مشکل فعلی برطرف خواهد شد .

زمینهای غیر محصور

● شهرداری پایتخت به مالکین زمینهای غیر محصور اخطار کرد که هرچه زودتر در مورد دیوار کشی ملک خود اقدام کنند . شهرداری تهران تأکید کرد که هرگاه مالکین این قبیل زمینها ملک خود را محصور نکنند . شهرداری اراضی آنها را دیوار کشی میکند و علاوه بر اخذ عوارض اراضی غیر محصور هزینه دیوار کشی و ده درصد جریمه مقرر را نیز از آنها دریافت خواهد داشت .

بازرسی و کنترل

● برای گسترش دامنه فعالیت بازرسان شهرداری پایتخت پنجاه تن از کارمندان سازمان ممیزی شهرداری در اختیار قسمت اقتصاد شهری شهرداری گذاشته شدند . از طرف قسمت اقتصاد شهری شهرداری ، شش گروه

«در رضائیه گوشت ساعتی شد»



از

— ساعت چنده ؟

— پنج دقیقه مونده به گوشت !

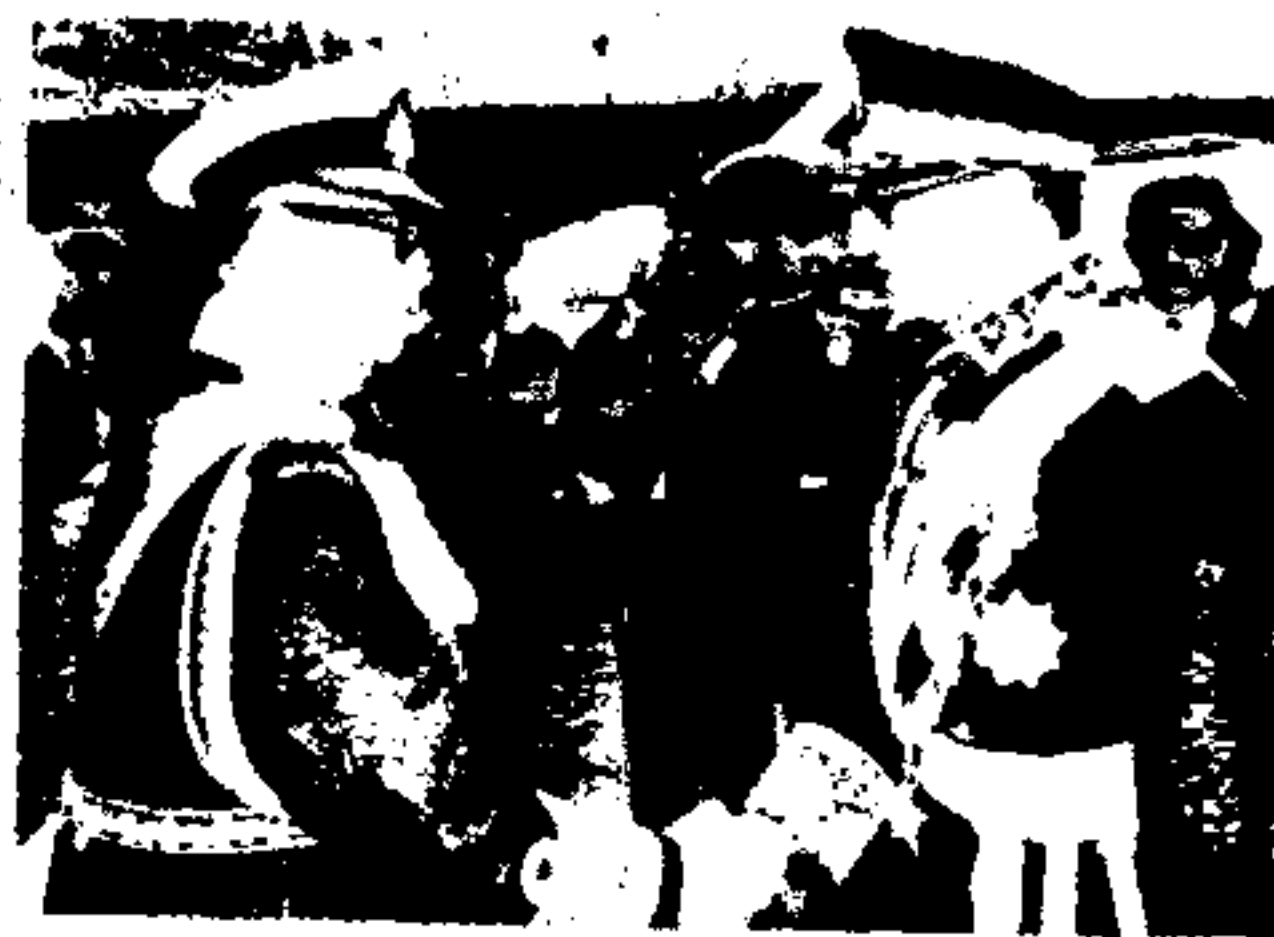
دیدارها

سفر رسمی علیحضرت پادشاه و ملکه مالزی به ایران

عالیقدر خویش استقبال فرمودند.

معلمها طی ۷ روز اقامت خود در ایران علاوه بر انجام مذاکراتی با شاهنشاه آریامهر از موزه ایران باستان، موزه جواهرات سلطنتی، باشگاه ورزشی بانک ملی و آثار باستانی و تاریخی امپراتور ایران با هواپیما وارد تهران شدند، شاهنشاه آریا مهر و علیاحضرت شهبانو شخصا در فرودگاه مهرآباد از میهمانان

بدعوت شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو، شاه پادشاه مالزی و ملکه شاهنشاه آریامهر از موزه ایران باستان، موزه جواهرات سلطنتی، باشگاه ورزشی بانک ملی و آثار باستانی و تاریخی امپراتور ایران با هواپیما وارد تهران شدند، شاهنشاه آریا مهر و علیاحضرت شهبانو شخصا در فرودگاه مهرآباد از میهمانان



«دو عضو دوست و همکیش از خانواده»

بزرگ آسیائی

«ما امروز احتیاج به ماجراجوئی نداریم»

در نخستین روز اقامت علیاحضرت نصیرالدین شاه و علیاحضرت زهرا نییافتنامی از جانب شاهنشاه آریا مهر بدافتخار ورودمعلمها تزیین یافت.

شاهنشاه آریامهر در سیمین شام خطاب بهعالیحضرت پادشاه مالزی فرمودند:

علیحضرتا

از جانب شهبانو و خودم مقدم شما و علیاحضرت ملکه راهادباش میگویم و امیدوارم از این سفر خود به مملکتی دوست و همکیش، خاطره خوبی همراه خواهید برد. شهبانو ومن چنین خاطره ای را از سفر سال گذشته خود بکشور زیبا و میهمان نواز شما ارتمان آوردیم و برای ما مایه خوشوقتی است که از این راه توانستیم از نزدیک با پیشرفت های وسیع اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی مملکت شما آشنا شویم. ما در کشور شما مردمی را دیدیم که با امید و اعتماد و برخورداری از مقررات اجتماعی پیشرفته و آموزش و فرهنگی درحال توسعه با موفقیت روز افزون در بنیاد نهادن جامعه های مترقی و مرفه تلاش میکنند و خوشختانه در این راه از

و فرهنگی و بازرگانی وسیعی را بین ملل ما پی



پادشاه مالزی و ملکه

ریزی میکردند. که هنوز هم یادگار های فراوانی از آن میتوان یافت. ملی چندین قرن بسیاری از آثار علم و ادب و عرفان فارسی بزبان مالایائی ترجمه شد و فرقه های عرفانی و فلسفی متعددی بااشراک معنوی بزرگان فکر و اندیشه دو ملت بوجودآمد و شاید این نزدیکی فرهنگی را بهتر از هر چیز درکماند فراوان فارسی که هنوز هم در زبان مالایائی به صورت روزمره بکار میرود سمکسی میتوان یافت. بنابراین امروز شما تنها بیدار کشوری دوست نیامدهاید بلکه پاسفر خود یک دوستی دیرینه رانجدید کردهاید و من امیدوارم که این فصل تازه در تاریخی کهن فضای آکنده از حسن تعامل و همکاری ثمر بخش باشد. چنین همکاری و تقاضای برای هر دو کشور ما و برای همه کشورهای آسیائی امروزه بصورت امری الزامی درآمده است. زیرا این کشور ها پی از یک دوران ممتد بی خبری به نیروی نهفته و عرفا و شعرا و دانشمندان میان این دو سرزمین در رفت و آمد بودند و روابط مذہبی

ایران مهد تمدن بوده و هست.

آقای «لوم که» نخست وزیر ایالت «هلتا» آلمان ده روز در ایران اقامت داشت و طی آن از آثار تاریخی و باستانی اصفهان و شیراز و نیز تاسیسات صنعتی اهواز، آبادان و خاارک دیدن نمود.

وزیر آموزش و پرورش قطر در تهران

آقای شیخ قاسم بن حمدالدانی وزیر آموزش و پرورش قطر که به دعوت حاتم دکتر فرخرو پارسای، وزیر آموزش و پرورش قطر به ایران آمده و ضمن ملاقات با مقامات آموزشی کشور و نیز آقای نخست وزیر از نقاط و ابنیه تاریخی شیراز و اصفهان، موزه های هنری ایران و نیز چند طرح صنعتی و آبادانی کشور دیدن کردند. حضرت شیخ قاسم بن حمدالدانی در مدت اقامت خود در ایران به حضور شاهنشاه آریا مهر نیز بار یافت.

آمده اند.

تقریباً همه این مللاریک میراث غنی و ریشه دار فرهنگی و مدنی برخوردارند و این خود منبع نیروبخش و الهام دهنده ای برای تلاش آنها در ساختن آینده ای مناسب باگذشته پراحترام آنها است. بدیهی است که ما برای نیروزی در این تلاش احتیاج به همکاری و اشتراک منابعی و در عین حال واقع بیسی بسیار داریم زیرا عصر وابستگی روز افزون مال است.

ما امروز احتیاج به ماجراجوئی نداریم بلکه احتیاج باخشن جوامعی مرقی و خوشبخت و بالا بردن هرچه بستر سطح مادی و معنوی زندگی مال خویش داریم و در عین حال بخوبی به مسئولیتی که بهم خود در حفظ صلح و همکاری جهانی داریم واقفیم.

علیاحضرت. میمابه امیدوارم که سفر سال گذشته شهبانو و من بکشور شما و مسافرت کونی شما و علیاحضرت ملکه بسر زمین ما مایه توسعه مودت و همکاری دو ملت ما در این زمینه باشد. و روابط ثمر بخشی که این دید و بازدید بدنبال خواهد داشت نه تنها برای دو کشور ما بلکه برای تقویت صلح و تقاضای بین المللی سودمند باشد.

با این امید سلامت و سعادت شما و علیاحضرت ملکه و ترقی و رفاه روز افزون ملت دوست و همکیش مالزی را آرزو دارم.

وزیر اطلاعات عربستان سعودی در تهران



ازجمله شخصیت های مهم خارجی که در اوائل سال جاری به ایران سفر کردند آقای شیخ جمیل حبیلان وزیر اطلاعات عربستان سعودی بود. وی بدعوت آقای منصور وزیر اطلاعات هت روز در ایران اقامت داشت. و در این مدت به پیشگاه شاهنشاه آریا مهر بار یافته و با آقای هویدا نخست وزیر و وزیران خارجه و اطلاعات ملاقات نمود. وزیر اطلاعات عربستان سعودی در ملاقات های خود با آقای منصور وزیر اطلاعات مذاکرانی در زمینه همکاری های اطلاعاتی و انتشاراتی ایران و عربستان سعودی به عمل آورد. این مذاکرات دنباله گفتگو هایی بود که بین وزیران اطلاعات دو کشور در ریاض بعمل آمده بود.

نایب نخست وزیر یوگسلاوی نایب نخست وزیر یوگسلاوی بدعوت وزارت اقتصاد در راس هیئتی برای یک اقامت پنج روزه وارد تهران شد. وی ضمن اقامت خود در تهران و مذاکرات مهمی با مقامات اقتصادی کشور که موجب فراهم شدن زمینه عقد قرار داد هائی گردیدند با آقای هویدا نخست وزیر نیز ملاقاتی بعمل آورده و پالایشگاه نفت تهران تصنیف خانه آب پایتخت و چند طرح سعی کشور را مورد بازدید قرار داد.

بازدید ژنرال «اوقفیر» از ایران.

وزیر کشور مغرب، ژنرال «اوقفیر» در راس هیئتی برای شرکت در کمیسیون ایران و مغرب به ایران آمد. وزیر کشور مغرب طی ده روز اقامت خود در ایران با آقای هویدا نخست وزیر و چند تن از مقامات اقتصادی و نفتی ایران ملاقات و مذاکراتی به عمل آورد. وی هم چنین از آثار باستانی و تاریخی اصفهان و شیراز دیدن نمود.

سفر پرفسور یعقوب

آقای پرفسور «یعقوب» رئیس موسسه اسلامی اندوژی که به ایران آمده بود آثار تاریخی و اسلامی و نیز مرقد مطهر حضرت رضا (ع) را در مشهد مورد بازدید قرار داد. وی در این سفر ضمن زیارت حضرت رضا (ع) از گنجینه قرآن آستان قدس رضوی، آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی و امام محمد غزالی در مشهد و نیز آرامگاه حکیم عمر خیام و عطار در نیشابور دیدن نمود.

وزیر اطلاعات تونس در تهران



آقای «شاذلی قلیبی» وزیر اطلاعات کشور تونس طی هت روز اقامت در ایران به حضور شاهنشاه آریامهر ترفیاب شد و با جمعی از مسئولین سازمان های کشور مذاکرانی در زمینه بسط روابط فرهنگی کشور انجام داد و نیز از قسمتی از نقاط باستانی و تاریخی ایران و موزه های هنری کشور بازدید بعمل آورد. وی در میان دیدار خود هنگام عزیمت به تونس به خبرنگاران گفت: برای هر کسی که بایران مسافرت میکند در درجه اول میهمان نوازی ملت ایران توجه او را جلب میکند و این میهمان نوازی در تمام بازدید هائی که من در ایران داشتم کاملاً نمایان بود. آقای قلیبی افزود پیشرفت های ایران در همه شئون

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این کشور منهد است و ما بعنوان یک کشور مسلمان از پیشرفت هائی که در کشور مسلمان ایران بوجود آمده است خوشحالم و بعنوان یک دوست ایران وجود میبایم این پیشرفت ها نه تنها موجب افتخار ما است بلکه برای کلیه معالک اسلامی نیز افتخار آمیز است. برای من دسوار اسبگویم کدامیک از نقاطی که مورد بازدید من و همراهانم قرار گرفت بیشتر توجه ما را بخود جلب کرد چون همه این نقاط در نوع خود جالب و بی نظیر است.



دیدار اعلیحضرت از کشور تونس

● شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو به دعوت رسمی حضرت حبیب بورقیه رئیس جمهوری تونس و بانو حضرت شهبانو در سفر به تونس در قصر زیبای «کارتاز» اقامت فرمودند و نقاط دیدنی تاریخی و صنعتی این کشور را مورد بازدید قرار دادند. در مدت اقامت ایشان همچنین مذاکرات مفصل و دوستانه‌ای بین رهبران دو کشور انجام گرفت که پیش بینی میشود بر این اساس روابط دوستانه دو کشور گسترش بیشتری یابد.

سفر شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو مدت ۷ روز بطول انجامید و اعلیحضرتین در میان گرم‌ترین ابراز احساسات بدرقه کنندگان روز دوشنبه اول اردیبهشت ماه عازم ایران گردیدند.

این اعلامیه در پایان بازدید رسمی شاهنشاه و شهبانو از تونس، همزمان در تهران و تونس منتشر گردید.

بنا بدعوت حضرت حبیب بورقیه رئیس جمهوری تونس

و بانو اعلیحضرت همایون محمد رضا پهلوی آریامهر شاهنشاه ایران و علیاحضرت شهبانو فرح پهلوی از تاریخ بیست و ششم فروردین تا یکم اردیبهشت ۱۳۴۸ برابر با پانزدهم تا بیست و یکم آوریل ۱۹۶۹ از کشور تونس رسماً بازدید فرمودند.

آقای اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه دولت شاهنشاهی نیز در این مسافرت درالترام رکاب اعلیحضرتین بود.

حضرت حبیب بورقیه رئیس جمهوری - اعضاء دولت و ملت تونس با گرمی خاص و احساسات صمیمانه که نشانه بارزی از مودت دیرین و علائق برادرانه موجود بین دو کشور بوده و مبین پیوند های نزدیک تاریخی فرهنگی و مذهبی بین دو ملت است، از میهمانان عالیقدر پذیرائی کردند. بازدید سران دو کشور دوست و برادر حاکی از علاقه مشترک معظم‌ها به افزایش تفاهم متقابل و تحکیم مبانی دوستی و برادری بین دو ملت و ایجاد تحرکی نوین در کلیه زمینه های مورد علاقه دو کشور میباشد.

● توسعه همکاریها

در مذاکراتی که طی دوران اقامت اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر در تونس بعمل آمد آقای اردشیر زاهدی

اعلام داشتند.

رهبران دو کشور رسماً اعلام کردند که هدف غائی مساعی آنها همانا ارتقاء شریعت و تدارک شرایط زندگی و تامین آزادی و رفاه کلیه افراد بشر بوده و ملاک سنجش ترقیات هر ملت موفقیت هائی است که در محنت پیکار در راه شرافت انسانی و پیشرفت و تعالی بدست آورده است.

حضرت رئیس جمهوری تونس از پیشنهاد اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر مبنی بر تشکیل «گروه داوطلبان برای توسعه» که مطالعه و بررسی آن بانفاق آراء مورد تصویب سازمان ملل متحد واقع گردید با علاقه فراوان استقبال کردند.

● سرزمین های اشغالی

در بررسی مناسبات کشور های اسلامی سران دو کشور تمایل مشترک خود را به تحکیم علائق موجود بین ملل مسلمان اعلام داشتند و اهمیت همکاری اقتصادی و فرهنگی بین ملت های مسلمان را طبق موازین مقدس اسلام که طبعاً موجب حفظ مبانی صلح و برادری بین کلیه ملل است بار دیگر تاکید کردند.

طرفین اراده مردم فلسطین را در جهت احقاق حقوق حقه خویش تحسین کرده و ضمن ابراز نگرانی عمیق خود نسبت به وخامت اوضاع خاور میانه معتقدند که اشغال سر زمین های بعضی از دول عرب با توسل به زور نقض علنی قوانین بین المللی بوده و امنیت این منطقه و صلح جهانی را جدا تهدید می کند.

در این خصوص روسای دو کشور فوریت و یافتن راه حل منصفانه ای را براساس

قطعنامه سازمان ملل تاکید کردند.

سران دو کشور رژیم های مبتنی بر تبعیض نژاد و استعمار را محکوم ساخته و پشتیبانی خود را از نهضت های آزادی خواهانه قاره افریقا بار دیگر اعلام کردند. روسای دو کشور مضافاً اعتقاد خود را به اصل حق تعیین سرنوشت ملل بدون دخالت خارجی تاکید کردند.

طی این دیدار رسمی اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر در جلسه فوق العاده مجلس ملی تونس بیانات مهمی ایراد فرمودند.

با توجه به علائق مننوی و مناسبات متعدد موجود بین دو ملت طی این دیدار قرارداد مودت و موافقت نامه فرهنگی و همچنین قرارداد لغو وادید بین دو کشور توسط آقای وزیر امور خارجه ایران و آقای وزیر امور خارجه جمهوری تونس با مضاء رسید و همچنین نظر به تمایل پارلمان ایران و مجلس ملی تونس به تحکیم علائق مودت و توسعه مناسبات برادرانه بین دو کشور تدابیر مقتضی برای تشکیل یک گروه پارلمانی تونس و ایران اتخاذ شد.

● مشاورات سالانه

طی این دیدار و با توجه با اهمیت برقراری تماس های مستقیم بین مقامات رسمی دو کشور اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر و حضرت حبیب بورقیه رئیس جمهوری تونس موافقت کردند که سالیانه و مرتباً به موازات دیدار هائی که بین مقامات دولتی دو کشور انجام میشود مشاوراتی توسط وزرای خارجه دو دولت بین طرفین بعمل آید.

اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو در پایتخت

و همچنین در سایر شهرهای تونس پیشرفت های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی این کشور و همچنین عظمت گذشته تاریخی آن را که توأم با معرف چهره فعلی کشور تونس می باشد مورد تحسین قرار دادند.

اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو فرح پهلوی از مهمان نوازی گرم حضرت رئیس جمهوری تونس و بانو و اعضاء دولت و ملت تونس صمیمانه سیاسی-کزاری کردند.

شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت شهبانو از حضرت رئیس جمهوری تونس و بانو دعوت فرمودند که از ایران بازدید رسمی بعمل آورند. این دعوت با مسرت پذیرفته شد و تاریخ آن بعداً از طریق سیاسی تعیین خواهد شد.



رهبر حزب محافظه کار انگلستان

● «ادوارد هیت» رهبر حزب محافظه کار انگلستان برای یک اقامت خصوصی سه روزه در ایران وارد تهران شد. ملاقات با وزیر امور خارجه ایران، آقای هویدا نخست وزیر و جمعی از شخصیت های سیاسی کشور و نیز بازدید از آثار باستانی و تاریخی جنوب از جمله برنامه های سفر وی در ایران بود.

ادوارد هیت هم چنین به حضور شاهنشاه آریامهر نیز بار یافت.

اهداء کلام اله مجید به دختران سپاهی

۱۱۰ تن از دختران سپاهی دانش دوره اول شیراز به محل مأموریت های خود اعزام شدند. طی مراسمی که به مناسبت اعزام این سپاهیان برگزار شد بهر یک از آنان یک جلد کلام اله مجید اهدا گردید.

فعالیت یکماهه سپاهیان پایگاه شماره ۱۲ سپاه بهداشت

● افراد پایگاه شماره ۱۲ سپاه بهداشت یزد در فروردین ماه چهارده هزار و سیصد و چهل و هفت بیمار را در این منطقه درمان کردند و سی و یک نفر از بیماران را برای تشخیص نوع بیماری به آزمایشگاه ها و بیمارستان های مجهز معرفی کردند.

افراد این پایگاه هم چنین در این مدت ضمن اجرای چند طرح بهداشتی بیش از دوازده هزار نفر از روستائیان را با اصول اولیه بهداشت آشنا ساختند و ساختمان ۶ درمانگاه را در روستا های این منطقه به پایان رساندند.

دختران سپاهی

● دومین دوره آموزشی دختران سپاهی دانش کرمانشاهان گشایش یافت.

در این کلاس سی تن از سپاهیان ترویج و آبادانی شرکت داشتند.

نخستین دسته سپاهیان دختر

● نخستین دسته دختران سپاهی دانش در استان های آذربایجان غربی، مازندران، گیلان، کردستان و اصفهان و همپار روستا های محل مأموریت خود شدند.

یکهزار دختر سپاهی

● احتیاجات دومین دوره

سپاهیان انقلاب

سپاه دانش دختران از میان داوطلبین تامین شد و بقیه فارغ التحصیلان دیلمه و لیسایه و دکتر بعثت مازاد بر احتیاجات از خدمت معاف شدند.

در تامین احتیاجات سپاه دانش دختران متجاوز از ۲ هزار نفر از فارغ التحصیلان سوانی نیز که داوطلب خدمت شده بودند معاف شدند.

برگ معافیت مشمولین مازاد بر احتیاج نیز به آنان داده شد. در دومین دوره سپاه

کرمانشاه - شیراز -

سپاهیان دانش دوره دوازدهم استان کرمانشاهان در سینهاری که در کرمانشاه تشکیل شده است شرکت کردند.



هم چنین در شیراز و سنج نیز سینهاری برای رسیدگی به مشکلات سپاهیان دانش مأمور خدمت در روستا های مختلف استان فارس و کردستان تشکیل شد. در این دو سینهار که هر کدام به مدت سه روز جریان داشت و طاقت سپاهیان دانش توسط مأمورانی که در سطح روستا های استان خدمت می کنند تشریح گردید.

انتخاب حوزه کار

● پنجاه و یک تن از سپاهیان دوره ششم ترویج و آبادانی مأمور خدمت در مازندران وارد ساری شدند و قرعه کشی برای تعیین محل خدمت آنان انجام شد از این سپاهیان شصت تن در کارهای دامپزشکی و ۴۰ نفر در اجرای طرح های مختلف کشاورزی از جمله طرح افزایش تولید برنج، طرح غله و طرح پنبه و دانه های روغنی فعالیت برداشتند.

قرعه کشی برای تعیین محل کار شصت نفر سپاهیان دانش دوره سیزدهم استان مازندران نیز انجام شد و سپاهیان باتفاق

روسی انجمن های ده بروستا های محل خدمت خود عزیمت کردند.

درمان بیماران

● افراد پایگاه شماره ۲۱ سپاه بهداشت گناباد در فروردین ماه بیش از سیزده هزار و هفتصد بیمار را درمان کردند و پنجاه و چهار نفر از بیماران را برای تشخیص نوع بیماری به آزمایشگاه ها و بیمارستان های مجهز معرفی نمودند.

افراد این پایگاه همچنین در این مدت ساختمان سه درمانگاه و نیز لوله کشی آب آشامیدنی یک دهکده را به پایان رساندند و ضمن اجرای طرح های مختلف بهداشتی در این منطقه با تشکیل چهل و چهار جلسه آموزشی بیش از یک هزار و نهصد نفر از روستائیان را با اصول اولیه بهداشت آشنا ساختند.

فعالیت سپاهیان بهداشت بهبهان

● افراد پایگاه شماره ۲۶ سپاه بهداشت بهبهان در اسفند ماه سال گذشته حدود ده هزار و پانصد بیمار را مورد درمان قرار دادند.

آینده ها و برنامه ها



نقاشی

● «رضا تیمورخانی» که سال گذشته باجوهی از فعالیت و کارهایش در شماره چهاردهم «تلاش» آشنا شدیم در سال جاری نیز چند نمایشگاه انفرادی او را خواهیم دید.

قرار است «تیمورخانی» هم چنین در چند نمایشگاه دستجمعی قسمتی از کارهای جدید خود را عرضه دارد که از آنجمله نمایشگاهی است از کارهای آبستره او که در کاخ جوانان ترتیب خواهد یافت.

● بزودی یک نمایشگاه نقاشی از آثار جدید جعفر روحبخش در تهران بمرض نمایش گذاشته خواهد شد. نقاش در این نمایشگاه چند اثر که با سبک و اندیشه و رنگ و جلوه های دیگری نقاشی شده و فلسفه و فکر دیگری را بیان میکند بمرض دید نکتتهجانب و ناقدان نقاشی خواهد گذاشت. این اولین نمایشگاهی خواهد بود که روحبخش پس از بازگشت از سفر خود بخارج از ایران ترتیب میدهد.

تئاتر



● «رکن الدین خسروی» کارگردان تئاتر بزودی نمایشنامه ای از «جغوف» بنام «دانی واینا» بترجمه هوشنگ بیرنظر را بروی صحنه خواهد کشید. از جمله بازیگران این نمایشنامه که احتمالاً در تالار انجمن ایران و آمریکا بروی صحنه خواهد آمد محمدعلی کشاورز، حیدری، مصطفی زاده، آزادی و نیز خانم جمیله شیخی می باشد که آخرین هنرنمایی او را در پایان سال گذشته در نمایشنامه «حکومت زمان خان» دیدیم.

● «عباس نعلیندیان» پس از نمایشنامه ای «پژوهشی ژرف و سترک ونو...» (که ضمیمه چهاردهمین شماره تلاش انتشار یافت) اکنون دست اندر کار نوشتن نمایشنامه ایست به نام «دگرآقای فاوست کمی معرفت بفرج داده بود...» این نمایشنامه نیز، به شیوه و سیاق «پژوهشی ژرف» است و با همان فضا همان تثر و سبک.

● «جوانمرد» کارگردان تئاتر این روزها مشغول مطالعه نمایشنامه «ملك خورشید» است و در ضمن امکانات اجرایی آن را بررسی میکند. این نمایشنامه را «حسن حاتمی» نوشته است.

● یکبار دیگر اجرای «ماشین حساب» نمایشنامه ای که «خسروی» قرار بود در اسفندماه چهل و هفت و سپس در اردیبهشت ماه ۴۸ در تالار انجمن ایران و آمریکا بروی صحنه آورد به تعویق افتاد. بقرار اطلاع علاقمندان به تئاتر اجرای این نمایشنامه را که «مسعود کریم» آنرا به فارسی برگردانده است زودتر از پائیز آینده نخواهند دید. رکن الدین خسروی هم چنین دست اندر کار تهیه، انتخاب و شروع به تمرین چند برنامه تئاتری دیگر برای فصل تئاتری آینده (پائیز ۴۸) خواهد بود و گفته میشود که احتمالاً یکی از برنامه های او ممکن است در سری برنامه های تئاتری «چشم فرهنگ» قرار گیرد.

● بزودی نمایشنامه ای از «حسن حاتمی» که «حسن کچل» او چندی پیش بکارگردانی داود رشیدی در تالار ۲۵ شهرپور اجرا شد، بروی صحنه خواهد آمد.

این نمایشنامه تك پردای «نارنج و ترنج» نام دارد ● گفته میشود که بسبب استقبال شدید مردم از نمایشنامه «شهر قصبه» یکبار دیگر این نمایشنامه در یکی از سالنهای نمایشی تهران اجرا خواهد شد.

تلویزیون

● آقای جعفریان معاون تلویزیون ملی ایران در یک گفتگوی تلویزیونی درباره خرید تلویزیون کانال ۳ و ادغام برنامه های دو ایستگاه در یک سازمان برنامه ریزی اظهار داشت:

«در حال حاضر برنامه های تلویزیونی با کمی تغییر در کانال ۳ به کار خود ادامه خواهند داد و فقط برنامه اخبار آن عیناً از هر دو کانال پخش میشود لیکن پس از ششماه بیشتر برنامه ها تغییر خواهد یافت و نیز پایان سال جاری کلیه برنامه های این کانال با فورم تازه ای اجرا و پخش خواهند شد. معاون تلویزیون ملی ایران گفت تلویزیون آبادان هم ضمیمه شبکه تلویزیونی کشور گردید و البته ایستگاه دیگری نیز از طرف تلویزیون ملی ایران در آبادان در دست احداث است که با احداث و بکارافتادن آن فرستنده فعلی تلویزیون آبادان به محل دیگری کفافد فرستنده باشد انتقال داده خواهد شد.

عکس

عکسهای از اکبر ناطقی



● بزودی نمایشگاهی از عکسهای اکبر ناطقی و رضا لولایی گشایش خواهد یافت. این نمایشگاه که شامل پرتره و منظره می باشد در هنرستان پاله یا انجمن فرهنگی ایران و آمریکا ترتیب می یابد. تعداد عکسهایی که به نمایشگاه عرضه میگردد حدود ۲۰۰ قطعه خواهد بود.

● شنیدیم که سودابه قاسملو عکاس ایماد و زاویه های خاص چهره ها و اندام ها و عکاس مردم کوچه و بازار از آثار خوب و تازه خود بزودی نمایشگاه عکسی برپا خواهد کرد.

کتاب

● حسن مظلوم شاعر، نویسنده و ناقد، کتابی در دست تالیف دارد که در آن «تحول تثر در دوران اخیر» را مورد بررسی و مذاقه قرار داده است. در این کتاب مظلوم با روش سختگیر خود ادبیات گسترده دوران اخیر را ارزیابی دقیق نموده و آثار نویسندگان معاصر را به بوبه نقد و معرفی کشیده است و دگرگونیها و تطویر تثر فارسی را در این روزگار با ذکر علل و عوامل آن بیان می نماید.

● انتشارات زمان وعده انتشار چند کتاب خواندنی را داده است که از آنجمله اند:

ادبیات چیست؟ از «ژان پل سارتر» با ترجمه ابوالحسن نجفی و دکتر مصطفی رحیمی.
بدایع و بدعتهای نیما یوشیج، از مهدی اخوان ثالث (م. امید)

چند مقاله در شعر و ادب فارسی، از م. امید
ضحاك و مار در محراب، دو اثر از گوهر مراد
از پندار تا گفتار، اندیشه هایی در باره شعر از نادر نادرپور

هم چنین دو مجموعه شعر از م. آزاد و نصرت رحمانی بنام های فصل خفتن و حریق باد.

● «نادر ابراهیمی» مجموعه ای از ۱۲ قصه اش را منتشر خواهد ساخت بنام «هزارای سیاه و قصه های صحر».

آخرین مجموعه این نویسنده «در سرزمین کوچک من» نام داشت.

● مجموعه هشت قصه «عباس نعلیندیان» بنام «آقای م. م. م.» که چندتای آن تاکنون در مجلات پایتخت انتشار یافته است بزودی منتشر خواهد شد.

● انتشار این مجموعه نیز همانند «پژوهشی ژرف و نوین ...» بی شک بحثهایی را بر خواهد انگیزد.

● از «منوچهر شیبانی» شاعر، طراح، دکوراتور (و اخیراً نویسنده) در آینده نزدیک سه کتاب منتشر خواهد شد. این سه کتاب که توسط سازمان چاپ باعداد تثر می یابد عبارتند از «مجموعه آتشها و آتشیها»، «برگریده اشعار» و «تراژدی سهراب».

● «هشتم جزئی» نخستین مجموعه شعر خود را بنام «شکوفه های صدا» منتشر خواهد کرد. این مجموعه شامل ۳۴ شعر بلند و کوتاه است.

موسیقی

● ایرج گلرخي موسیقیدان و آهنگساز مشغول تمرین سفونی شماره نه (کورال) بتهون است. وی با رهبری ارکستر بزرگ و گروه کر رادیو ایران این اثر عظیم را برای چهارم آبان آماده میکند. شعر برادری «شیلر» با همان وزن و قافیه ای که به آلمانی خوانده می شود به فارسی برگردانده شده است.

در سفر اخیری که گلرخي به اروپا کرده است «پارتیسیون» کامل کورال را با خود آورده و در مورد اجرای این اثر یگانه ای جهان موسیقی با چند تن از رهبران بزرگ آثار بتهون صحبت کرده و آنان وی را تشویق کرده اند.

باید منتظر ماند و دید که چگونه ایرج گلرخي و همسران و نوازندگان ارکستر بزرگ رادیو ایران قادر خواهند بود کورال بتهون را - این شعر مجسم و غنای موسیقی جهان را - به مرحله اجرا در آورند.

سینما

● گفته میشود موسسین شرکت سینمایی مولنرود، «برادران اخوان» (مرتضی و مصطفی اخوان) احتمالاً به هالیوود سفر خواهند کرد و به تهیه فیلم خواهند پرداخت. اولین تجربه ایشان فیلم «قهرمانان» به کارگردانی «ژان نکلسو» و با شرکت «استوارت ویتمن»، «الک زومر»، «کوردیو گنز» و «بهروز ونوقی» است. این فیلم در حال حاضر در لندن مراحل فنی خود را پشت سرمیگذارد و گویا آهنگ ساز فیلم اشکها و لبخندها عهده دار ساختن آهنگهای این فیلم شده است.

● هنرمندان فیلم «مردوحشی، وحشی» جهت فیلمبرداری نخستین صحنه های فیلم عازم نواحی شمال کشور شدند. این فیلم بطریق «سکوپ، سیاه و سفید» فیلمبرداری میشود و در آن فروزان، حبیبی، ثریا بهشتی، ملاقاسمی، حسین پور، رستم خانی شرکت خواهند داشت.

● کار فیلم «لیلی و مجنون» محصول جدید پوریا فیلم نیز آغاز گردید و «سیامک یاسعی» کارگردان آن جهت تعیین محل های فیلمبرداری به نواحی قهرشیرین سفر نمود. این فیلم سیاه و سفید تهیه و وسیله «خانی» فیلمبرداری میشود.

● ساموئل خاچیکیان بزودی فیلم جدیدی را در «استودیو شهاب» آغاز می کند که دارای سوژه ای خانوادگی در مایه «درام» می باشد و قرار است «ایرج رستمی و نیلوفر» نقشهای اصلی اش را بعهده بگیرند نام فیلم هنوز تعیین نشده است.

تولیدات کشاورزی

ایجاد سیلو

سیلوی جدید در نقاط مختلف کشور آماده بهره برداری خواهد شد. مجموعه ظرفیت سیلوهای مذکور که در شهرستان های اراک، ازنا، سنندج، اندیشک، گرگان، مراغه، خوی، رضائیه، شاه آباد، تربت حیدریه و زاهدان ساخته شده اند، حدود یکمصد و سی و شش هزار تن می باشد.

در برنامه چهارم آبادانی کشور بیست و دو واحد سیلوی دیگر نیز به ظرفیت سیصد هزار تن ساخته خواهد شد. این سیلو ها در قزوین،

علاوه بر این سیلوها تعدادی انبار های فلزی نیز به ظرفیت ۲۵۰ هزار تن در نقاط مختلف کشور ساخته خواهد شد. گفته می شود که ۲۲ سیلوی نامبرده با همکاری مهندسین مشاور شوروی، رومانی و یک موزه بین المللی احداث خواهد گردید.

به هزار مترجم

● به قرار اطلاع هنگام برقراری نمایشگاه بزرگ آسیائی در تهران سه هزار مترجم برای کار در بخش های مختلف نمایشگاه و نیز پذیرائی از مهمانان و شرکت کنندگان استخدام خواهند شد. هم چنین برای سکونت بازدید کنندگان شهرستانی نیز یک اردوگاه پنج هزار نفری ترتیب خواهد یافت.

ترافیک

احداث مترو

● گروهی از متخصصان یک شرکت ساختمانی آلمانی که نقشه‌ای برای ساختن متروی تهران تهیه کرده‌اند، بزودی وارد تهران خواهند شد تا درباره این نقشه‌ها با مقامات صلاحیت‌دار ایران ضمن ارائه توضیحات لازم به مذاکره و گفت‌وگو بپردازند.

براساس نقشه‌های تنظیمی این گروه طول مسیر تراموای تهران حداقل ۳۰ کیلومتر خواهد بود و تا شهر ری نیز ادامه خواهد یافت.

پیشنهاد های دیگری در زمینه احداث مترو نیز از کمیته‌های ساختمانی دیگر کشورها تاکنون به مقامات مسئول ایرانی تسلیم شده که مورد مطالعه و بررسی است.

براساس برآورد کارشناسان مترو، کشیدن هر کیلومتر مترو برای تهران بین ۲۵ تا ۳۵ میلیون تومان هزینه دربر خواهد داشت که باید بتدریج تامین و پرداخت شود.

طرح ترن هوایی

● گفته میشود ممکن است بین شمیران و شهری و نیز سرخ‌حصار و کرج دو ترن هوایی ایجاد شود و برای انجام این طرح چند گروه از جمله ژاپنی‌ها طرحی تهیه و تسلیم مقامات مسئول کرده‌اند.

طرح مذکور که با توجه به امکانات و ویژگی‌های شهر تهران تهیه شده همراه پیشنهاد ژاپنی‌ها برای پیاده کردن آن بوده است. این ترن‌ها برقی خواهد بود.

آموزش و پرورش

روپوش دختران مدارس

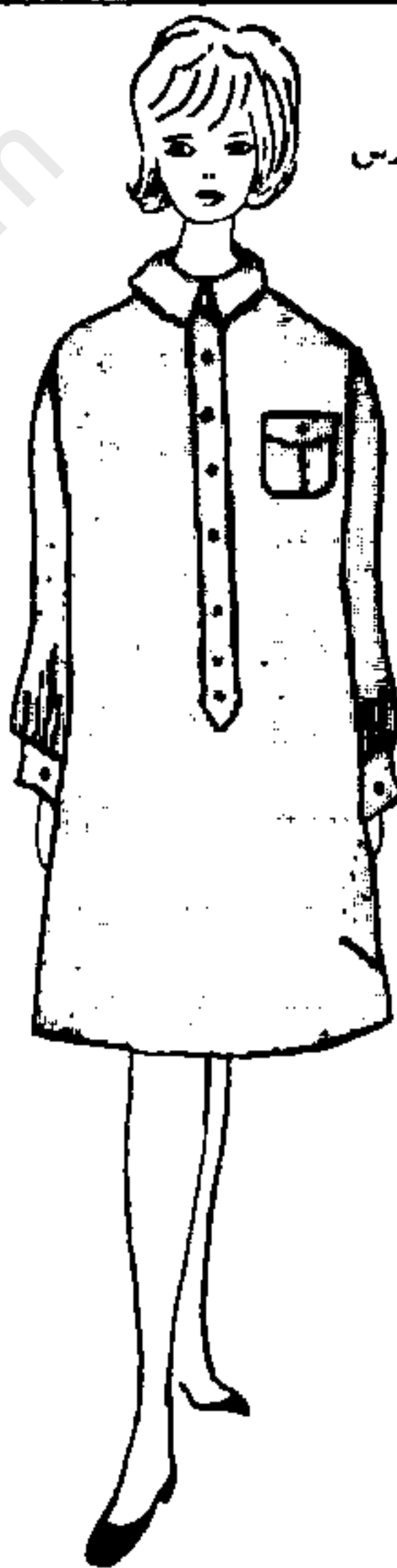
● در سال تحصیلی آینده

فرم، رنگ و جنس روپوش مدارس دخترانه در سراسر کشور متحد و یکپارچه خواهد شد. براساس این تصمیم که پس از بررسی‌های دقیق اتخاذ شده روپوش کلیه دختران دانش آموز از سال آینده ارمک دستاف خواهد بود و مدل آن نیز ساده و بلند تا پائین زانو می‌باشد.

برای تهیه پارچه لازم قراردادی با اتحادیه دستافان شهر یزد بسته شده است. دریافت شهریه

● دریافت شهریه از دانش آموزان مدارس ملی در سال آینده براساس آئین نامهای که بزودی انتشار خواهد یافت می‌باشد.

براساس آئین‌نامه جدید قرار است به مکاتبات مدارس ملی و نارضائی مردم از آن پایان داده شود و بهین منظور آئین‌نامه جدید، واگذاری اختیارات بیشتری را به مدیران مسئول آموزشگاه های ملی که از طرف ادارات آموزش و پرورش برگزیده میشوند مورد توجه قرار داده و بموازات آن از اختیارات صاحبان امتیاز آموزشگاه های ملی کاسته است.



کشاورزی

● بین وزارت کشاورزی و بانک کشاورزی ایران قرار

دادی به منظور اجرای طرح کشت دانه های روغنی، علوفه و سیب زمینی به امضاء رسید. براساس این قرارداد هجده میلیون تومان اعتبار برای اجرای طرح کشت دانه های روغنی اختصاص داده می‌شود که از طریق پرداخت وام، کود و بذر مورد استفاده از ارگان قرار گیرد.

● اجرای این برنامه سطح زیر کشت دانه های روغنی از ۱۸ هزار هکتار به شصت هزار هکتار افزایش خواهد یافت.

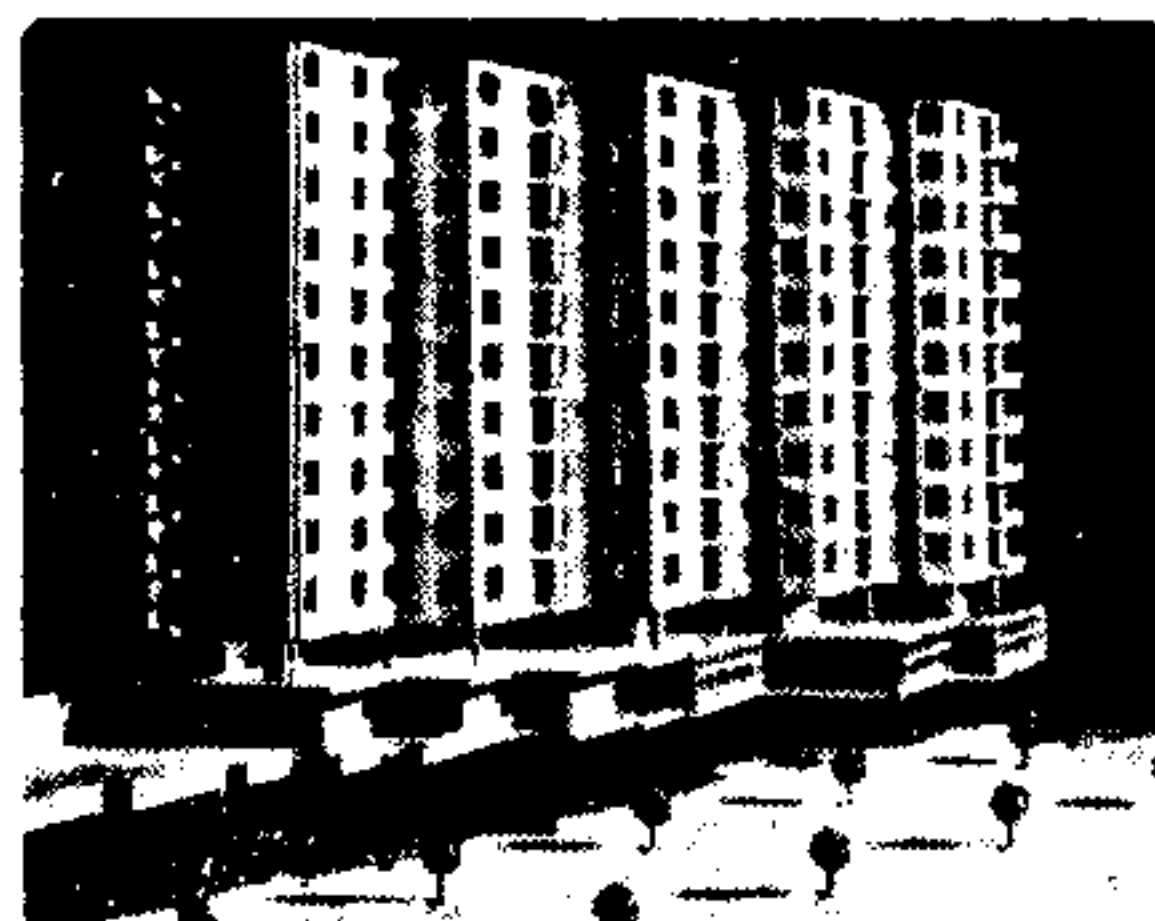
● همچنین برای اجرای طرح علوفه سبز ده میلیون تومان اعتبار در نظر گرفته شده که به صورت وام به کانی که در رشته دامداری و دامپروری فعالیت دارند، پرداخت خواهد شد.

طرح سیب زمینی نیز در دماوند، کرج و قزوین اجرا خواهد شد و برای اجرای آن پنج میلیون ریال اعتبار در نظر گرفته شده است.

آپارتمانهای سازمان مسکن

بزودی کار ساختمانی آنها آغاز میشود بدینترتیب خواهد بود.

● سازمان مسکن با کمک آپارتمانهای روبروی پارک



ماکت آپارتمان های مقابل پارک ساعی

مالی بانک رهنی ایران اقدام ساعی و فرست غربی ۵۰ طبقه به اجرای طرح نمونه‌ای مشتمل با زیر بنائی در حدود ۱۸۰ متر برسیصد آپارتمان در تهران مریع میباشد.

کرده است آپارتمان های حدود قیمت هر آپارتمان مذکور در سمحله بهجت آباد، ۲ طبقه ۷۷ هزار تومان، روبروی پارک ساعی و فرست ۴ طبقه ۱۵۶ هزار تومان و غربی بنا خواهند شد. ۵ طبقه آن ۱۷۲ هزار تومان مشخصات این آپارتمان ها که خواهد بود.

دوب آهن

نقشه نهائی شهر دوب آهن

● هیئت شهرسازان شوروی که بریاست رئیس انستیتو شهر سازی آن کشور وارد تهران شد، نقشه جامع ونهائی «آریانه‌شهر» را با خود به ایران آورد. نقشه مذکور همراه با اسناد و مدارک مربوطه تسلیم مقامات دوب آهن ایران گردید.

در حال حاضر گروه های شهرسازی، مهندسين و کارشناسان دوب آهن در کمیته های خاص نقشه جامع پیشنهادی را مورد بررسی قرار داده اند.

این نقشه در ۳۵ کیلومتری شهر فطلی اصفهائی و در منطقه دوب آهن پیاده خواهد شد و سطحی که زیر بنا می‌رود از سطحی که شهر فطلی اصفهان زیر بنا دارد، بزرگتر خواهد بود و برای اینکه ۲۰۰ هزار نفر ساکنین آن از کلیه وسائل لازم شهری و زندگی برخوردار باشند، تمام احتیاجات آنان در نقشه جامع بررسی و تعیین گردیده است.

مونتاز و ساخت تراکتور

صنعت

● طرح مرحله دوم کارخانه می‌نمایند. بهره برداری از تراکتور سازی تبریز بوسیله کارخانه تراکتور سازی تبریز کارشناسان ایرانی به تصویب از زمستان آینده آغاز می‌رسد. به موجب این طرح شود، و پس از دو سال مونتاز سالانه پنج هزار تراکتور به در این کارخانه ساخت تراکتور قدرت ۶۵ اسب دایران ساخته آغاز خواهد گردید.

● بقرار اطلاع در حال حاضر شرکت سهامی تراکتور سازی ایران و مهندسين مشاور تکنو برک مشغول بررسی قیمت های پیشنهادی برای ماشین ها و تجهیزات کارخانه تراکتور متر مربع از اراضی رو به سازی هستند و گروهی از اتمام است در تابستان امسال کارشناسان رومانی نیز در این آغاز بکار خواهند کرد.

زمینه با مقامات ایرانی همکاری

بخشهای آزرعایش

● گروه صنعتی آزمایش در نظر دارد در سال جاری تعدادی یخچال به اندازه های مختلف تولید نماید. گفته میشود که تعدادی از این یخچالها به کشورهای همجوار صادر خواهد شد.

قیمتهائی که برای یخچالها در نظر گرفته شده از ۹۹۰ الی ۲۹۹۰ تومان می‌باشد.

● گروه صنعتی «آزمایش» همچنین در نظر دارد که تا ماههای آخر سال جاری تلویزیون مونتاز در کارگاههای وابسته خود را به بازار عرضه کند. اعلام شده است که این تلویزیونها بملغ در حدود نصد تومان به خریداران فروخته خواهد شد.

انتقاد و حرفهای نمایندگان

رسیدگی کنید چرا ما را خراب کردند رسیدگی کنند چرا ما را خرابتر میکنند، پرسید این پولها که خرج شده چکار کردند پولهایی که بعد از این خرج میکنند مسؤول کیت، این توقعات بنده آیا خارج از حدود امکان است؟

«هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۴۸»
- مجلس شورای ملی

ارستجانی: باید از دولت بخواهیم بانک کشاورزی را وادار کند جرائم و خسارات دیر کرد از زارعین را هر مبلغی که بدهکار هستند نگیرند چون اینها شش درصد اجاره پولشانرا میگیرند و ملک را هم اگر هزار تومان بیسارزد دیگر جریمه چی است بقول زارعین «کره» از «ساندر» جلو افتاده آدم هست که سی هزار تومان بدهکار است در مدت ۸، ۷ سال رسیده به ۱۶۰ هزار تومان و این بیشتر جریمه است در صورتی که ۳۰ هزار تومان در مدت ده سال با ۶ درصد که اجاره آن هم سی هزار تومان است جمعا میشود شصت هزار تومان نه صدو شصت هزار تومان جریمه و ربح اندر ربح، بانک کشاورزی باعث آزار زارعین مملکت میشود و باید دولت توجهی داشته باشد من نمیدانم این بانکها چه می خواهند بکنند.

«هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۴۸»
- مجلس شورای ملی

رنگی: عرض کنم که بنده خیلی از این لایحه که تقدیم مجلس شورای ملی شده است خوشوقت و امیدوارم که انشاءالله بزودی زود از متجاوزین به اراضی عمومی خلع ید بشود ولی بنده جناب آقای وزیر کشور عقیده دارم که یکمتر از اراضی عمومی و غیره را نمیشود تصرف کرد مگر بابتانی مامورین دولت و تمام این اراضی که ما بعدا میبینیم به آنها تجاوز شده، در نقشه های قبل هست و مامورین شهرداری به آنها اجازه ساختمان داده اند بنظر بنده ما نباید لایحه ای را در این مجلس طوری بتصویب برسانیم که گناهان مردم عادی را سخت بگیریم و بگوئیم چنین و چنان میکنیم ولی گناه مامورین دولت را که گناه آنها بیشتر است آنرا بگیریم از این لحاظ است که بنده پیشنهاد کردم در مواردی که ما تصور میکنیم اراضی را تجاوز کرده اند و از ید مردم خارج و در اختیار شهرداری درمیآید، در این گونه موارد باید آن مامورین دولت در صورتیکه ثابت شود در ثبت و ضبط این اراضی دخالت داشته اند تنبیه شوند.



March 21, 1969

٢٤١٠

Telash
Tehran
Iran

Gentlemen:

The president of our local Association of Students from Iran
has asked that the Library provide copies of your magazine,
Telash.

If you are able to send us free copies of this magazine, we
shall be glad to receive them and make them available to all
readers in our library. We understand the publication is in
Persian.

Very truly yours,

Marguerite S. Howland
(Mrs.) Marguerite S. Howland
Head Documents Librarian

بیک
تلاش

که نتیجه و ثمره اینهمه تلاش « تلاش » را در بالا بردن سطح فکر عمومی به چشم ببینم ... و اضافه کرده اند که ... ترتیبی اتخاذ شود که داستان هایی از خوانندگان بعد از تصحیح و تنظیم وسیله گردانندگان تلاش در مجله چاپ شود ...

تلاش و تجارت

... متأسفانه بنده تا چند روز قبل از وجود چنین مجله خوبی در کشورمان بی اطلاع بودم چند روز قبل در منزل یکی از دوستان که از تهران آمده بود این مجله را دیدم و شروع به مطالعه آن کردم. بعد از خواندن این مجله به این نکته پی بردم که تلاش تنها مجله ایران است که جنبه تجارتي ندارد ...

قسمتی از نامه آقای محمدرضا فرخی دانش آموز سال چهارم ریاضی شهرستان ایلام.

تلاش را مجله ای میدانم که با خواسته های جوانهای ایرانی مطابقت دارد

تلاش را مجله ای میدانم که با خواسته های جوانهای ایرانی مطابقت دارد ... این عنوان نامه آقای محمد عرب سپاهی دانش قریه رازیان است که در آن نوشته اند ... در همان وسطه اول این مجله، مجله محبوب من شد و آن مجله ای که مدتها در جستجویش بودم که نوشته ها و مطالبش مرا ارضا کند، مجله تلاش است ...

دل گداز از تلاش

... نمیدانم علت چیست که تلاش بادوستان موافق خود بیوفایی کرده؟ ما را که دل از تلاش گداز میسر نمی شود. مشتاقانه آرزومند پیوستن مجدد این رشته گسسته ام ...

از نامه شکوه آمیز یدالله خدایی که به « رامین » نخلش میکند و از شعرای جوان شهر رضایه است. تلاش پاورقی ندارد.

... بحثی که شروع می شود در همان شماره تمام می شود و خواننده احتیاج به انتظار کشیدن و دنباله بحث را در شماره های دیگر گرفتن، ندارد ... از نامه آقای عباسقلی طاهری اسبق - کارمند اداره اصلاحات ارضی مراغه.

ارضای خاطر کلیه خوانندگان غیر ممکن است

... روشن است که ارضای خاطر و انجام خواسته های کلیه خوانندگان يك مجله خیلی دشوار و شاید نیز غیر ممکن است ...

از نامه آقای مهدی رهنما دانشجوی ایرانی مقیم آلمان. ایشان ضمن پیشنهادی هم در باره بهتر کردن مطالب مجله کرده اند. از آن جمله « ... به نظر من بهتر است عکسهای رو و پشت جلد به عکسهای اصیل ایرانی و یا آثار تاریخی و باستانی ایران اختصاص داده شود. این موضوع بخصوص در خارج از ایران جالب توجه تر است ...

« ... چه خوش است مرغ جانم، یزد ز دامن تو به دیار بی نشانی رود همچنان پرستو ... »
مراسم عروسی و نامزدی در دهات نظنر

● آقای اسمعیل طناری بعد از يك مقدمه پر محبت شرحی از مراسم نامزدی و عروسی قریه ینه یکی از قراء نظنر را برای ما فرستاده اند ... مقداری حنا که از طرف داماد خریداری شده، به حمام می فرستند. زن حمامی دست و پای عروس را حنا می بندد. پس از استحمام عروس لباس تازه به تنش می کنند و زن حمامی از طرف داماد انعام میگیرد. سپس او را از حمام بیرون میاورند و باشادی عروس را به منزل می برند ...

● ... این جریده که شاهکاری از قوه دراکو و ابتکار دانش پژوهان ایرانی است، آنچنان مورد توجه واقع شده است که بمقیده اینجانب از غذا خوردن بیشتر واجب گشته است ... این قسمتی از نامه محبت آمیز آقای عباس اعتمادی آموزگار سپاهی شهرستان سمیرم بود.

عاشق تلاش شده ام

● ... چندی پیش در کتابخانه عمومی برای اولین بار تلاش را دیدم، با کمال میل و رغبت تمام صفحات قشنگش را مطالعه کردم. راستش عاشق تلاش شدم ... از نامه آقای حسن طهماسبی - دانش آموز کلاس پنجم دبیرستان انوری درگز.

● بعنوان يك ایرانی برخود می یالم
« ... از اینکه « تلاش » واقعا تلاش میکند تا آرزو های دوستانش را برآورده نماید، بعنوان يك ایرانی برخود می یالم و به سهم خود به تمام کارکنان تلاش از سیم قلب تبریک میگویم ... »

از نامه آقای پرویز محمودی علمداری دانشجوی ایرانی مقیم آلمان.

چرا ماهانه نیست؟

● ... چرا هرامه این مجله منتشر نمی شود و دو ماه یکبار نشر می شود ... این قسمتی از نامه آقای هوشنگ مستوفی (شادی) از سمنج است که منضم به آن به شعر نیز فرستاده اند

داستانهایی از خوانندگان

● ... آنها با جان و دل روز اول مرا پذیرا شدند و منهم تصمیم گرفتم با جان و دل به فرزندان عزیز آنها درس و دانش یاد دهم و زندگی نابسامان آنها را نیز سامان بخشم و این کار را کرده ام و اکنون ۶۱ نفر از جگر گوشگان آنها را از نعمت سواد برخوردار کرده ام و با ایجاد جاده ای به طول يك کیلو متر مشکل رفت و آمد را حل کردم ...

قسمتی از نامه آقای احمد معظم سپاهی دانش دوره ۱۲ قریه پیر موسی، بخش کوچصفهان شهرستان رشت، که در نامه دیگری نوشته اند « ... امیدوارم روزی فرارسد

● ... هنوز ۹۹ درصد از مردم این دیار اطلاع درستی از مملکت ما ندارند و این ما هستیم که می توانیم به سهم خود قدمی در این راه برداریم و احیانا آنها را تشویق کنیم که بیایند و خود از نزدیک شاهد آنچه امروز در کشور ما میگذرد، بشوند، مثلاً من اشخاص زیادی را سراغ دارم که خیلی مایلند به ایران بیایند ولی نمی دانند که در ایران جاده آسفالت هم است ... آنچه در این مجله قبل از هر چیز مورد توجه من و همکارانم می باشد، ملی بودن آن است. برای کسی مثل من که ۱۲ سال است از میهن عزیز ایران دور هستم، تلاش ارمانی است پس گرانها ...

اینها قسمت هایی از نامه آقای دکتر فریدون قشقایی دانشجوی ایرانی مقیم آلمان که ضمن آن پیشنهاد کرده اند:

« ... اگر در هر شماره اوضاع کلی و امروزی یکی از استان های ایران مانند اوضاع جغرافیایی، وضع بارندگی، رودخانه ها، کشاورزی، آموزشی، صنعتی، راهها، جمعیت و غیره بررسی شود برای اطلاع بیشتر هر فرد از وضع کنونی کشورش بسیار مفید خواهد بود ... »

مربوط به ایران است واجب به نظر میرسد ...

تلاش در میان جوانان

● ... فکر میکنم سخنی به گراف نگفته باشم اگر بگویم که این مجله با مطالب ارزنده و درخشان چه اثرات عمیقی در روحیه و فکر مردم این مملکت، بخصوص جوانان دارد ... بنوبه خودم از کارکنان و کاتبیکه در این امر باشما همکاری می نمایند، بویژه از زحمات و لطفی که بدینوسیله در پیشبرد مملکت و سوق دادن آن به سوی خوشبختی و سعادت، نقش عمده ای را ایفاء می نمایند، سمیمانه تشکر کنم ...

از نامه آقای عبدالعزیز دانیالی خنچی دانش آموز کلاس اول دانشرای مقدمانی - بندر عباس

تئوع در « تلاش »

● ... عده معدودی در جستجوی مایل سیاسی اند و این گونه مطالب در اکثر مطبوعات چشم میخورد و اغلب کسانی که با مجله سروکار دارند برای آن است که در ایام فراغت يك تنوع روحی پیدا کنند. این تنوع را از دیدن تابلو ها و عکس های زیبا و دیگر آثار هنری و خواندن داستان و شعر و رسم و رسوم مردم سرزمین خودمان می توان جستجو کرد. کاریکاتور، نمونه های مردان و زنان بالباسهای محلی، لطیفه های شیرین و عکس های گوناگون و داستان های مجله کاملاً رضایت بخش است ... به ضمیمه نامه پرمهر آقای علیرضا دزوارای متخلص به واهق لوائانی دو غزل نیز بود که نکه ای از آن را می بینید:

« ... کو آن مهم گر درد و غم، يك لحظه آزادم کند چون غنچه لب بگشاید و باخنده ای شادم کند ... »

استفاده از عکس های تلاش برای ترین دیوار !
 آقای منصور نمیری دانش آموز کلاس ششم طبیعی برای ما نوشته اند « ... الحق می توان گفت که تلاش یکی از جالب ترین و نیکو ترین نشریاتی است که من در ایران مشاهده کرده ام و کمتر مجله ای است که در ایران در این سطح عالی منتشر شود ... » و در جای دیگر پیشنهاداتی هم کرده اند که « ... اگر عکسها رنگی و جالب باشد بسیار خوب است و اگر کاریکاتور درمورد مسائل اجتماعی و روز باشد جالب است ... »
 و در آخر نامه گفته اند « ... به نظر اینجانب بهتر است عکسها و نقاشیها در یکطرف کاغذ باشد تا بتوان از آن استفاده نمود ... »

«تلاش» مثبت و آموزنده
 « ... به نظر اینجانب تلاش یک مجله مثبت و آموزنده است و در نشریات ایران امروز تحول جالبی است . مطالب متنوع و نوشته های وزین در تلاش سبب خواهد شد که طبقه جوان را بخود جلب کند ... »
 از نامه آقای عنایت الله بیگلریگی دانشجوی ایرانی ساکن آمریکا که ضمن آن انتقادات جالبی نیز کرده اند . « ... در شماره های سیزدهم و چهاردهم تلاش ، بحثی بنام گردش در خیابانها و کوچه های تهران البته باعکس و تصاویر موجود است . این قسمت وجودش زیاده است ... »
 شما تحولی شگرف در کار مطبوعات بوجود آورده اید
 « ... هر چند ما جمعا از وطن دوریم ولی قلبا به آن نزدیکی و تلاش از رویداد ها و املاحات وطن ما را باخبر می کند ... »
 از نامه آقای سعید هدایتی دانشجوی ایرانی مقیم اسپرینگ فیلد ، میسوری - آمریکا ایشان سپس اضافه می کنند که « ... مجله تلاش از استادان و دانشمندان و هم چنین نویسندگانی واقف و عالم برخوردار است ... » و « ... شما تحولی شگرف در کار مطبوعات بوجود آورده اید ... »

راه و چاره را حلای کنید
 « ... راسی شما بهتر نیست چند صفحه ای را به مسائل روز اکثریت مردم یعنی طبقه جوان اختصاص دهید و طوری ترتیب آنرا بدهید که حل المسائل برای مسئله های گنگ و پیچیده ما باشد ؟ راه و چاره را حلای نموده و کوشش بی گیرتان بتواند عده ای را از سرگردانی نجات دهد ... »
 از نامه آقای روح الله شهبازی .
بیشتر سنگین باشد تارتگین
 « از نامه آقای علی اکبر معصوم بیگی - تهران - اینهم نظر بنده مخلص :
 تلاش را از اولین شماره ای که در دست یکی از برویچه ها یافتیم ، مجله ای خوب و شاید خیلی خوب دیدیم . ولی عالی نبود . خودتان هم می دانید که تلاش اشکالاتی دارد که باید در بهبود آن بکوشد . عکس ها بنایت کم است ، البته بنسبت مجله خوب ، سنگین و رنگینی مثل تلاش که در حدود صد ، صد و بیست صفحه مطالب بسیار تمیز دارد ولی مطالب هنری آن کم است . از این نظر این را گفتیم چون جدا قرن بیستم قرن هنر است . لطفا از مطالب سینمایی ، تئاتری و سایر هنر ها استفاده کنید . سعی کنید بیشتر سنگین باشد تارتگین ... »
 « ... نظر کلی من ، تلاش رابطی است بین من و تمدن جدید و دنیای نو ، همین و بس ... »

به ایرانی بودنم افتخار می کنم
 « ... آقای سردبیر محترم ، بتازگی اتفاق افتاد که به مجله شما نگاهی بکنم . چون مجله شما برای چندین تن از رفقای من می آید .
 بطور کلی نواقص در مجله شما هست که سر فرست برای شما خواهم نوشت . چون من هم کار می کنم و هم درس می خوانم ، زیاد فرصت برایم نمی ماند . درست است که ما جوانان به آمریکا آمده ایم ولی اغلب غریب زده هستیم . عده ای از جوانان ایرانی هستند که زندگی را به بدبختی در آمریکا می گذرانند و بی الواتی می روند . من صحبت با آن ها نیست ، ولی عده زیادی هستند که درس می خوانند . از مجله شما خوشم آمد ولی آخر آن مقداری شعر بنام شعر نو با ناامیهای دیگری که من آشنایی ندارم بود . در هر حال نه تنها این اشعار مزخرف هستند ، بلکه تقلید بی جا از فرهنگ غرب هستند . این اشعار برای فرهنگ فارسی ضرر دارد ، معلوم نیست درباره چه صحبت می کنند . من نمی دانم این آقایان شاعران اصلا با فرهنگ غرب آشنایی دارند یا خیر ؟ ولی فکر می کنم نداشته باشند . من که یک جوان ایرانی هستم دلم به حال

فرهنگ آینده ایران می سوزد اگر شما بدترین شعر انگلیسی را به فارسی ترجمه کنید به این خرابی شعر آقایان نمی شود . از فارسی خراب خودم معذرت می خواهم ، چون چند سال است تمرین نداشته ام . به ایرانی بودنم افتخار می کنم . منتظر هستم که به ایران خدمت کنم .
 خیلی خیلی ممنونم و امیدوارم مجله شما روز بروز رونق پیدا کند . اشعار اول مجله اغلب جالب هستند .
فتح الله مرچانی
 دانشجوی سال آخر روانشناسی دانشگاه ایالتی لوگان - یوتا - آمریکا
شناساندن ایران به خارجی ها
 « ... بطور کلی مردم این مملکت خیلی کم از ترقیات و پیشرفتهای ایران باخبرند و وظیفه ما دانشجویان ایرانی است که این امر را بهمه بگیریم . این امر هم چنین کم و بیش به مساله جلب توریست کمک میکند ... »
 از نامه آقای مهندس بیژن کتیرایی دانشجوی ایرانی مقیم موقت انگلستان .

سردبیر محترم تلاش ،
 « ... تا صفحه ۱۴ خوب که چه عرض کنم ؟ اما عکس صفحه ۱۷ اگر بجای این عکس یک منظره یا یک عکس مانند عکس های دیگر چاپ می کردید خیلی بهتر بود . تا صفحه ۳۱ هم خوب بود . ولی کاریکاتور صفحه ۳۲ اردشیر محمسن ، کاریکاتوری بود بدو زشت . شما نمیدانم چرا این کاریکاتور را چاپ کردید . بحث راجع به « رهی » خوب بود ولی حیف که شعری از رهی چاپ نکرده بودید . بقیه خوب بود تا صفحه ۷۴ ولی در این صفحه شعرهایی چاپ کرده بودید که نمی توان نام شعر بر آن ها نهاد ، نمی دانم باین که ادبیات ما مملو از شعر های خوب است ، چرا شما باز هم این اشعار بی معنی را برای چاپ انتخاب می کنید ؟ در عوض منظره ای که در همین صفحه چاپ کرده بودید بسیار جالب بود و جادداشت جای آن عکس صفحه ۱۷ و بهمان اندازه در مجله جای دهید . من منظور شما را از طرح صفحه ۸۱ نفهمیدم اگر ممکن است کمی توضیح بدهید ، چون چیزی در ردیف کارهای محمسن بود .
 نمی دونم شما از این محمسن بهتر کسی پیدا نکردید که براتون کاریکاتور بکشد ، باور کنید اگر پشت این کاریکاتور ها در مجله مطالب خوب بود همان وهله اول کاریکاتور را از مجله جدا کرده آتیش می زدم
 عکسهای سفید و سیاه عالی بود ، بخصوص آن عکس (وقتی خورشید ...) از آن نمونه بازم چاپ کنید ولی بزرگتر . رویداد ها خوب بود . عکس نگاهی به گذشته بد نبود . پشت جلد هم نسبت بهووی جلد خوب بود . بطور کلی مطالب این شماره « تلاش » خوب بود .
 امیدوارم که از انتقادهای بیجا و بیجای من ناراحت نشده باشید و از این که این قدر نامنظم و پر غلط این نامه رو ماشین کرم معذوم چون من متاسفانه وقت ندارم که دوباره ماشین کنم .

باتقدیم احترام یا هر چیز دیگری که فکر می کنید
 نامه آقای منصور شهدادی - تهران
کلیه حقایق را درج می نماید
 « از نامه آقای دکتر فریدون ضرغام از بهداری خسرو آباد گروس .
 « ... با عرض سلام و تبریک عید سعید ملی و درود فراوان بکلیه کارمندان ، توفیق روز افزون هیئت تحریریه نشریه سودمند و مفید تلاش را از خدای بزرگ آرزو دارم ، موفقیت و پیشرفت در سال های آینده برایتان خواهانم . امیدوارم که روزی این نشریه که کلیه حقایق را درج می نماید برآمد تمام مجلات کشور و ممالک خارجی گردد ... »
 ایشان شما مطلبی تحت عنوان « اگر شما بجای من بودید ، چه میکردید » برای ما فرستاده اند . از این خواننده علاقمند در شماره ۱۳ سال ۴۷ مطلبی در مجله چاپ کرده ایم .

شعر
 « ... دست ها هنوز میر می کنند با طلوع گرم از پشت توده ی یخ برمی خیزند لب های مانده را لمس می کنند در تاقچه می مانند و
 بهیادهای تازه ی کوچه ای در مسیر رفتی خاکستری می اندیشند .
 قسمتی از شعر بلند دوست ناشناسان ! - همام تحت عنوان « بی زبانی و رفتن » .
 خدمت به ایران عزیز
 « ... تلاش عزیز . امیدوارم سلام مرا بپذیری

مدتی است که مجله وزین و زیبای تلاش را مطالعه می کنم مقالات و مصاحبه هایی که بصورت سوال و جواب نگارش یافته بی اندازه مرا مفتون نموده است و من به نوبه خود این خدمت پر ارزش را که صرفا خدمت به ایران عزیز و راجع به ایران محبوب است مرستام
 ۱- مطالب ، مقاله ها ، اخبار و عکس ها همه جالب و درخور اهمیت است . ۲- عکس های رنگی روی جلد و داخل مجله را مخصوصا من می پسندم . ۳- سبک و روش کلیه مندرجات جالب است و فکر می کنم که اگر چنانچه مجله دارای صفحه یی برای سرگرمی باشد بهتر باشد ، سلام مرا به دوستان و خوانندگان عزیز برسانید . متشکرم - مرتضی مقیمی خوانساری سپاهی دانش روستای مخور - همدان

باران و سرزمین آینده
 « ... که خال کوبیده است پیراهن تو را چنین ... ؟ چشم خیره را به تحرك می خیزاند . « ... و بالاخره خسته می شوی و می فهمی سود ندارد باریدن چنان ... شمالی موسمی منطقی متوالی ...
 از شعر ارسالی شاعر جوان لاهیجانی م - موبد .
 خط خوش هم نعمتی است
 « دوست قدیمی مجله . آقای کیومرث شریفی آذر با خطی بسیار خوش شعری برایمان فرستاده اند که تکه ای از آن را عینا نقل میکنیم :
 « ... آه ، ای انسان بدین سامان نگر و صحرا و بیابان را ببین آتش فراوانست

از طریق «تلاش»
 « ... بدون مبالغه می توان اظهار کرد از تمام پیشرفتهای علمی و اجتماعی و پزشکی آنچه که در ایران پیش می رود ، می توانم از طریق تلاش آگاهی پیدا کنم ... »
 از نامه آقای محمدعلی اسکویی دانشجوی پزشکی گراتس - اطریش .
«رویداد های» تلاش
 « ... مخصوصا صفحات آخر مجله یعنی اخبار ایران که انسان امکان شنیدن و خواندن آن را در اینجا ندارد ، قابل توجه بود ... »
 از نامه آقای کاشانیان دانشجوی ایرانی مقیم آلمان .

مسیر زندگی بهتری
 « ... پنج ماه پیش یک روز جمعه باباب به گردش در اطراف ده محل ماموریم پرداختم . به قریه کوچکی رسیدیم از بالای تپه وارد « ده » که دره طولیلی بود ، شدم . منظره عجیبی بود . پیر مردی من که بعد ها گفت که بیش از صد سال سن دارد ، جلو راهم سبز شد . سلامی کرد و بالوجه لری گفت ... آقای دانش بفرمایید بریم منزل ما ... این قسمتی از شرحی بود که آقای محمد رضا رنجبر سپاهی دانش قریه مله جند ، خرم آباد لرستان برای ما فرستاده اند . شرح مربوط به بازدیدی است که ایشان از یک دهکده دور افتاده کرده اند و اقداماتی که برای رفاه اهالی کرده اند . ایشان نامه را به این صورت ختم کرده اند « ... اکنون که انقلابی همه جانبه روی گیر بوسیله مردم ایران صورت گرفته ، انقلابی نیز می بایست در زمینه مطبوعات صورت میگرفت ، که با نشر مجلاتی چون تلاش مسیر زندگی بهتری را برای ما تعیین میکرد . موفق باشید ... »

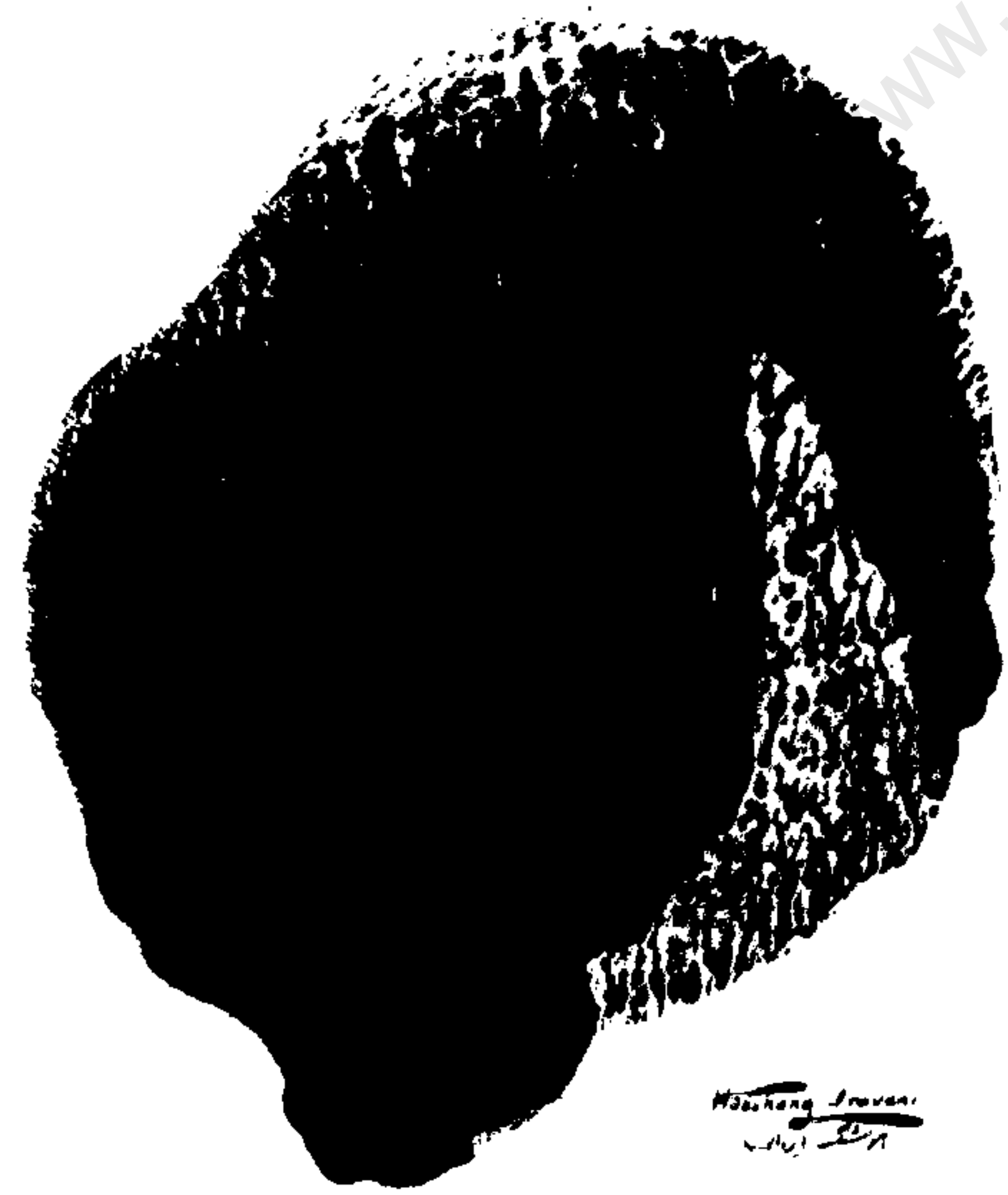
شما نامه های دیگری از خوانندگانی که ذیلا نام می بریم بدست ما رسیده است که از لطفشان سپاسگزاریم :
 آقای هرمان واهرامیان ، حسین وطن ، عباس مهشید ، م - قهرمانی ، دکتر بهشت نژاد ، سعید خیامی ، مهدی ایرانی ، جلال احد زاده ، ایرج ناظریان ، حسن فرنود صدی ، محمد صادق شعبانی ، عبدالله کریمیان ، علی اکبر محبوبیان ، منوچهر زردشتیان ، جمشید مهرپویا ، فتح الله صفاری ، خلیل الله مالکی ، هوشمند ، علیرضا طلایی ، دکتر مرتضی شمس ، محمد مبین دوست ، علیرضا صالحی .



Höshang Javan
سنگ گلاب



Höshang Javan
سنگ گلاب



Höshang Javan
سنگ گلاب



Höshang Javan
سنگ گلاب

www.KetabFarsi.com

